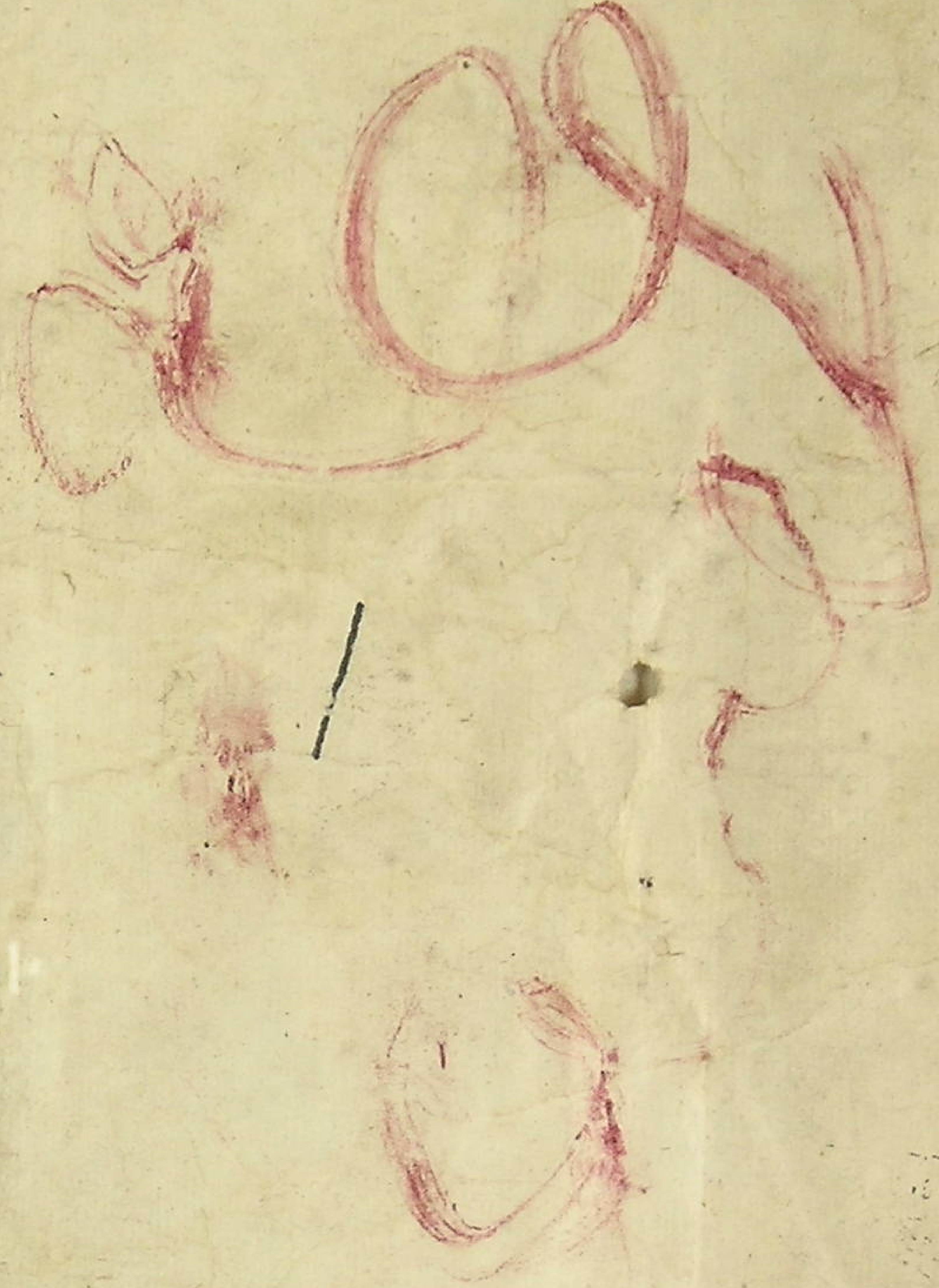








بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۝ مَالِكِ

شکر و سپاس و ستایش خدای را که پروردگار جهانیانست روزی دهنده و مهربان بخشاینده پادشاه

يَوْمِ الدِّينِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ اِهْدِنَا

روز جزا و حسابست ترا خداوندا می‌پرستیم و خاص ترا یاری میخواهیم ثابت دار ما را

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

بر راه راست راه آنکسانی که نعمت کردهٔ بر ایشان

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

جز خشم کرده شده بر ایشان و نه راه گمراهان آمین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الٓمٓ ۝ ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ ۝

ای انا الله اعلم منم خدایی که میدانم این قرآنی است که هیچ شکی نیست در آن راه نمونست مر پرهیزگاران را

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَمِمَّا

آنهایی که میگروند به نادیده و بپای میدارند نماز را و از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا اُنْزِلَ

روزی کردیم ایشان را نفقت میکنند و آنهایی که میگروند بدانچه فرو فرستاده

اِلَيْكَ وَمَا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝

بتو و بدانچه فرو فرستاده شد پیش از تو و برای آخرت ایشان یقین میشوند

أولئك على هدى من ربهم وأولئك هم المفلحون ۝ إن الذين
آن گروه بر راهی راستند از پروردگار خود وآن گروه ایشان رستگارانند بیشک کسانی که
كفروا سواء عليهم أأنذرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون
کافر شدند یکسانست برایشان ای گویم کی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا نخواهند گروید
ختم الله على قلوبهم وعلى سمعهم وعلى أبصارهم غشاوة
مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و بر شنوائی ایشان و بر بینائیهای ایشان پوششی
ولهم عذاب عظيم ۝ ومن الناس من يقول آمنا بالله وباليوم
ومر ایشانرا بود عذابی بزرگ واز مردمان کس هست که میگوید بگرویدیم بخدا و بروز
الآخر وما هم بمؤمنين ۝ يخادعون الله والذين آمنوا
آخرت ونیستند ایشان بگروندگان میفریبند خدایرا وآنها که گرویدند
وما يخدعون إلا أنفسهم وما يشعرون ۝ في قلوبهم مرض
ونمی فریبند مگر تنهای خودرا وایشان نمیدانند در دلهای ایشان بیماریست
فزادهم الله مرضا ولهم عذاب أليم بما كانوا يكذبون ۝
پس بیفزود ایشانرا خدا بیماری ومر ایشانرا بود عذابی دردناک بآنچه بودند بدروغ داشتند
وإذا قيل لهم لا تفسدوا في الأرض قالوا إنما نحن مصلحون ۝
وچون گویند ایشانرا که تباهی مکنید در زمین گویند که ما کار باصلاح آورندگانیم
ألا إنهم هم المفسدون ولكن لا يشعرون ۝ وإذا قيل
بدان بدرستی که ایشان ایشانند تباهی کنندگان ولیکن ایشان نمیدانند وچون گویند

لهم آمنوا كما آمن الناس قالوا أنؤمن كما آمن السفهاء
مر ایشانرا که بگروید چنانکه بگرویدند مردمان گویند ای بگرویم چنانکه بگروید بیخردان
ألا إنهم هم السفهاء ولكن لا يعلمون ۝ وإذا لقوا الذين
بدان بدرستی که ایشان ایشانند بیخردان ولیکن نمیدانند وچون برسند بآنها
آمنوا قالوا آمنا وإذا خلوا إلى شياطينهم قالوا إنا معكم إنما نحن
که بگرویدند گویند بگرویدیم وچون خالی شوند با دیوان خویش گویند که با شمائیم بدرستی که ما
مستهزئون ۝ الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم
استهزا کنندگانیم خدا استهزا کند بایشان ومدد کند ایشانرا تا در کژی خویش
يعمهون ۝ أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت
سرگشته شوند آن گروه آنهااند که خریدند گمراهی را بعوض راه راست پس سود
تجارتهم وما كانوا مهتدين ۝ مثلهم كمثل الذي استوقد
نکرد بازرگانی ایشان ونبودند راه یافتگان مثل ایشان چون مثل کسی است که برافروخت
نارا فلما أضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم وتركهم في
آتشی را وچون روشن شد آنچه پیرامون اوست ببرد خدا نور ایشانرا وبگذارد ایشانرا در
ظلمات لا يبصرون ۝ صم بكم عمي فهم لا يرجعون ۝
تاریکیهای که نبینند کرانند گنگانند کورانند پس ایشان بازنمی گردند
أو كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق يجعلون
یا همچون باران که از آسمان آید که در آن تاریکیها ورعد وبرق

اصابعهم في آذانهم من الصواعق حذر الموت والله محيط

انگشتهای خودرا در گوشهای خود از ترس بانگها هایل و از ترس مرگ و خدای داناست

بالكافرين ۝ يكاد البرق يخطف ابصارهم كلما

بحال کافران نزدیک بود که آتش در رباید بینائیهای ایشان‌را هرگاه

اضاء لهم مشوا فيه واذا اظلم عليهم قاموا ولو

که روشن شدی مرایشان‌را رفتندی در آن و چون تاریک شدی بر ایشان بایستادندی و اگر

شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله على كل شيء

خواستی خدا برانه ببردی شنوائیهای ایشان‌را و بینائیهای ایشان‌را بیستی که خدا بر همه چیزی

قدير ۝ يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم

تواناست ای مردمان بیگانگی بپرستید پروردگار خودرا آن خدای که آفرید شمارا

والذين من قبلكم لعلكم تتقون ۝ الذي جعل لكم

و آنهارا که پیش از شما بود تا بود که شما بپرهیزید آن خدائی که بدید کرد برای شما

الارض فراشا والسماء بناء وانزل من السماء ماء فاخرج به

زمین‌را بمثابت فرشی و آسمان‌را سقفی و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بدان

من الثمرات رزقا لكم فلا تجعلوا لله اندادا وانتم تعلمون

از میوه‌ها روزی مر شمارا پس بدید مکنید مر خدای‌را همتایانی و شما میدانید

وان كنتم في ريب مما نزلنا على عبدنا فأتوا بسورة من مثله

و اگر هستید شما در شکی از آنچه فرو فرستادیم ما بر بنده ما پس بیاورید سورتی مانند آن‌را

وادعوا شهداءكم من دون الله ان كنتم صادقين ۝

حاضر خوانید گواهان خودرا از جز خدا اگر هستید شما راست گویان

فان لم تفعلوا ولن تفعلوا فاتقوا النار التي وقودها الناس

پس اگر نکنید و هرگز نکنید پس بترسید از آتش آن آتشی که هیمه افروزه آن مردمان باشند

والحجارة اعدت للكافرين ۝ وبشر الذين آمنوا

و سنگهای گوگرد بیجاده آماده برای کافران و بشارت ده آنهارا که بگرویدند

وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجري من تحتها الانهار

و کارهای نیکو کردند آنکه باشد مرایشان‌را بستانهائی که رود از زیر آن جویها

كلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذي رزقنا

هرگاه که روزی داده شوند از آن از میوه‌هائی روزیی گویند اینست آنچه روزی داده‌اند مارا

من قبل واتوا به متشابها ولهم فيها ازواج مطهرة

از پیش و آورند ایشان‌را مانند آن میوه‌ها و مرایشان‌را بود در آنجا همخوابانی پاکیزه

وهم فيها خالدون ۝ ان الله لا يستحيي ان يضرب مثلا

و ایشان در آنجا همیشه باشند بدرستی که خدا شرم کرم ندارد که بزند مثل

ما بعوضة فما فوقها فاما الذين آمنوا فيعلمون انه الحق

پشه یا آنچه بالای آن بود پس اما آنها که بگرویدند پس میدانند که آن حق است

من ربهم واما الذين كفروا فيقولون ماذا اراد الله بهذا

از پروردگار ایشان و اما آنها که کافر شدند پس میگویند که چه خواست خدا بدین

مثلا يضل به كثيرا ويهدي به كثيرا وما يضل به الا

مثل زدن گمراه کند بدان بسیاری را وراه نماید بدان بسیاری را وگمراه نشوند بدان مگر

الفاسقين الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه

فاسقان آنهائی که بازمی شکافند عهد خدا را از پس استوار شدن آن

ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون في الارض

و می برند بدانچه فرمود خدا که بدان بپیوندند و تباهی میکنند در زمین

اولئك هم الخاسرون كيف تكفرون بالله وكنتم امواتا

آن گروه ایشانند زیانکاران چگونه کافر میشوید بخدا وحال آنکه شما مردگان بودید

ثم يحييكم

زنده گرداند شما را

فاحياكم ثم يميتكم ثم اليه ترجعون هو الذي خلق

پس زنده گردانید شما را پس میراند شما را پس باز جزا او بازگردانیده میشوید اوست آنکه بیافرید

لكم ما في الارض جميعا ثم استوى الى السماء فسويهن سبع

برای شما آنچه در زمینست همه پس قصد کرد بآفریدن آسمانها پس آفرید آنها را هفت

سموات وهو بكل شيء عليم واذ قال ربك للملئكة اني

آسمانها واو به همه چیزی داناست وچون گفت پروردگار تو مر فرشتگان را که من

جاعل في الارض خليفة قالوا اتجعل فيها من يفسد فيها و

گرداننده ام در زمین خلیفه و پیشوائی گفتند ای ملکی در آنجا آنکه تباهی کند در آنجا

يسفك الدماء ونحن نسبح بحمدك ونقدس لك قال اني

و ریزد خونها بناحق و ما تسبیح میکنیم بستایش تو و بپاکی صفت میکنیم مر ترا گفت من

اعلم ما لا تعلمون وعلم ادم الاسماء كلها ثم عرضهم على

میدانم آنچه شما نمیدانید و درآموخت آدم اسمها را همه آن پس عرض کرد آن مسمیات را بر

الملئكة فقال انبئوني باسماء هؤلاء ان كنتم صادقين

فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا بنامهای این گروه اگر هستید شما راستگویان

قالوا سبحانك لا علم لنا الا ما علمتنا انك انت العليم

گفتند پاکی و منزهی تو نیست دانشی مارا مگر آنچه درآموختی تو مارا بدرستیکه توئی دانای

الحكيم قال يا ادم انبئهم باسمائهم فلما انباهم

محکم کار گفت خدا ای آدم بیاگاهان ایشان را بنامهای ایشان پس چون آگاهانید ایشان را

باسمائهم قال الم اقل لكم اني اعلم غيب السموات و

بنامهای ایشان گفت نگفتم مر شما را که من میدانم غیب آسمانها

الارض واعلم ما تبدون وما كنتم تكتمون واذ قلنا

زمین را و میدانم آنچه آشکارا میکنید شما و آنچه شما بازمی پوشیدید و چون گفتیم ما

للملئكة اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس ابى واستكبر

مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که سر باز زد و گردنکشی کرد

وكان من الكافرين وقلنا يا ادم اسكن انت وزوجك

و بود از جمله کافران و گفتیم ما ای آدم آرام گیر تو و زن تو

الجنة وكلا منها رغدا حيث شئتما ولا تقربا هذه

در بهشت و بخورید از آنجا نوش و گوارنده هر کجا که خواهید و نزدیک این

الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا
درخت گندم مروید پس باشید از جملهٔ ستمکاران پس وسوسه داد ایشانرا دیو ازان پس بیرون آورد ایشانرا
مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ
ازانچه بودند درآن و گفتیم ما پایان شیب بروید بعضی شما مر بعضی را دشمن باشند و مر شمارا بود
فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ۝ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ
در زمین آرامگاهی و برخورداری تا هنگامی پس فرا گرفت آدم از پروردگار خود
كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْنَا اهْبِطُوا
سخنان چند یعنی ربنا ظلمنا پس سهل کرد بر وی بدرستی که او توبه پذیرنده مهربانست گفتیم ما فرود آیی
مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ
ازان جنت همه پس هرگه که آید بشما از من راهی پس هرکه پیروی کند راه مرا
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
پس هیچ ترسی نبود بریشان و نه ایشان اندوهگین باشند وآنها که کافر شدند و بدروغ داشتند
بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَا بَنِي
نشانهای مارا آن گروه اصحاب دوزخ اند ایشان درآنجا همیشه باشند ای فرزندان
إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا
یعقوب یاد کنید نعمت مرا آن نعمتی که کردم برشما و وفا کنید
بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۝ وَآمِنُوا بِمَا
بعهد من تا وفا کنم بعهد شما واز خاص من بترسید و بگروید بدانچه

حزب

خمس

أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا
فرو فرستادم براست دارنده مرآنچه باشماست و مباشید اول کافر وناسپاس بدان و
تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ۝ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ
فرا مگیرید بنشانهای من بهای اندک و از من خاص بترسید و بهم بر میامیزید حق را
بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَوةَ
بباطل و باز می پوشانید حق را و شما میدانید و بپای دارید نماز را
وَآتُوا الزَّكَوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ
و بدهید زکات را و رکوع کنید با رکوع کنندگان ای میفرمائید مردمانرا
بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا
بنیکوئی و فراموش میکنید تنهای خودرا و شما میخوانید کتاب را ای پس
تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ
استعمال عقل نمیکنید و یاری خواهید از خدا بصبر کردن و نماز گزاردن و بدرستی که آن نماز بزرگست
إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ۝ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَ
مگر بر ترسکاران آنها که ایشان یقین دانند که باز رسند کانند بانزدیک پروردگار خود
أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ
وآنکه ایشان بجزای او بازگردندگانند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت
الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝
آن نعمتی که کردم برشما وانکه من افزونی نهادم شمارا بر جهانیان زمانهٔ شما

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ
وبترسید از آمدن روزی که بکار نیاید هیچ تنی از تنی چیزی و پذیرفته نشود ازان خواهش
وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ
و فرا گرفته نشود ازان بدلی و نه ایشانرا یاری کنند و یاد کن چون برهانیدیم ما شمارا
مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ
ازآل فرعون در می چشانیدند شمارا بدترین عذاب میکشتند پسران شمارا
وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ
و زنده میگذاشتند زنان شمارا و در آن تان آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ
وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ
و چون بشکافتیم ما برای شما دریارا پس برهانیدیم ما شمارا و غرق کردیم آل فرعون را و شما
تَنْظُرُونَ ۝ وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ عشر
می نگرستید و چون وعده دادیم موسی را چهل شب پس فرا گرفتید شما
الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ
گوساله را بمعبودی ازپس آن و شما ستمکاران بودید پس درگذشتیم ما شما
مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى
ازپس آن تا مگر بود که شما شکر کنید و چون بدادیم ما موسی را
الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ
توریه و کتاب فاروق میان حق و باطل تا بود که شما راه یابید و چون گفت موسی

لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ
مر قوم خودرا که ای قوم من بدرستی که شما ستم کردید بر تنهای خود بفرا گرفتن شما گوساله را بمعبودی
فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ
پس بازآیید با آفریدگار خویش پس بکشید تنهای خودرا آنتان بهتر بود مر شمارا
عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
نزدیک آفریدگار شما پس سهل کرد بر شما بدرستی که اوست توبه پذیرنده مهربان
وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ
و چون گفتید شما ای موسی هرگز باور نداریم مرترا تا بازنمائی مارا خدا بمعاینه آشکارا پس گرفت شمارا
خمس الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ
بانگی هایله و شما می نگرستید پس برانگیختیم ما شمارا ازپس
مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ
مرگ شما تا بود که شما شکر کنید و سایه بان کردیم برشما ابررا
وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
و فرو فرستادیم ما برشما ترنگبین و مرغ بریان گفتیم ما بخورید از پاکیهای آنچه روزی کردیم ما شمارا
وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا
و ستم نکردند ما ایشانرا ولکن بودند بر تنهای خود ستم میکردند و چون گفتیم ما
ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا
در روید از در این دیه پس بخورید از آنجا هرکجا که خواهید شما خوش و فراخ

وادخلوا الباب سجدا وقولوا حطة نغفر لكم خطايكم

ودر روید از در دیه سجودکنندگان وبگویید فرود از ما بار گناهها تا بیامرزیم مر شمارا گناهان شما

وسنزيد المحسنين ۝ فبدل الذين ظلموا قولا غير الذي قيل

وزود بود که زیاده دهیم نیکوکارانرا پس بدل کردند آنها که ستم کردند گفتاری جز آنچه گفته شد

لهم فانزلنا على الذين ظلموا رجزا من السماء بما كانوا

مر ایشانرا پس فرو فرستادیم بر آنها که ستم کردند خواری از آسمان بسبب آنچه ایشان

يفسقون ۝ واذ استسقى موسى لقومه فقلنا اضرب

تباهی کردند وچون آب خواست موسی مر قوم خودرا پس گفتیم بزن

بعصاك الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل

عصای خودرا بر سنگ پس روان شد ازان دوازده چشمه بدرستی که بدانست هر

اناس مشربهم كلوا واشربوا من رزق الله ولا تعثوا

گروهی آبشخور خودرا گفتیم بخورید وبیاشامید از روزی خدا ومشتابید

في الارض مفسدين ۝ واذ قلتم يا موسى لن نصبر على طعام

در زمین تباهی کنندگان وچون گفتید شما ای موسی صبر نداریم بر یک طعام

واحد فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الارض من بقلها و

تنها پس بخوان برای ما پروردگار خودرا تا بیرون آورد برای ما از آنچه میرویاند زمین از تره آن

قثائها وفومها وعدسها وبصلها قال اتستبدلون الذي

وخیار آن وسیر آن ونخود آن وپیاز آن گفت ای بدل میکنید آنچه

عشر

8

هو ادنى بالذي هو خير اهبطوا مصرا فان لكم ما سالتم

آن بدترست بدانچه آن بهترست فرو روید بشهری پس بدرستی که شمارا است آنچه خواهید شما

وضربت عليهم الذلة والمسكنة وباءو بغضب من الله

ونهاده شد بریشان خواری ودرویشی وسزاوار شدند بخشمی از خدا

ذلك بانهم كانوا يكفرون بايات الله ويقتلون

آن بسبب آن بود که ایشان بودند که کافر شدند بنشانهای خدا ومیکشتند

النبيين بغير الحق ذلك بما عصوا وكانوا يعتدون ۝

پیغمبرانرا بناحق آن بسبب آن بود که ایشان عاصی شدند وبودند از حد در میگذشتند

ان الذين امنوا والذين هادوا والنصارى والصابئين من امن

بدرستی که آنها که بگرویدند وآنها که جهود شدند وترسایان واز دین بدین شوندگان هر که بگروید

بالله واليوم الاخر وعمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم ولا

بخدا وبروز آخرت وکارهای نیکو کند پس ایشانراست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان

خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ واذ اخذنا ميثاقكم

وهیچ ترسی نبود بریشان ونه ایشان اندوهگین باشند ویاد کن چون فرا گرفتیم ما عهد از شما

ورفعنا فوقكم الطور خذوا ما اتيناكم بقوة واذكروا

وبر افراشتیم ما بالای سر شما کوه طوررا گفتیم فرا گیرید آنچه بدادیم شمارا بقوت ویاد کنید

ما فيه لعلكم تتقون ۝ ثم توليتم من بعد ذلك

آنچه در آنست تا بود که پرهیز کنید پس برگشتید شما از پس آن

خمس

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخاسرين •

پس اگر نه فضل خدا بودی بر شما ورحمت او هرآینه می بودید شما از جمله زیانکاران

ولقد علمتم الذين اعتدوا منكم في السبت فقلنا لهم

وبدرستی که دانستید شما آنهارا که از حد در گذشتند از شما در گرفتن ماهی در شنبه پس گفتیم ما مر ایشان را

كونوا قردة خاسئين • فجعلناها نكالا لما بين يديها

باشید بوزنگان نومیدان از رحمت پس گردانیدیم ما آنرا عقوبتی وعبرتی مرآنچه در پیش آن

وما خلفها وموعظة للمتقين • وإذ قال موسى لقومه إن الله

وآنچه از پس آن بود وپندی بود مر پرهیزگاران را وچون گفت موسی مر قوم را بدرستی که خدا

يأمركم أن تذبحوا بقرة قالوا أتتخذنا هزوا قال أعوذ

میفرماید شما را که بکشتید ماده گاوی را گفتند ای فرا میگیری ما را باستهزا گفت پناه میگیرم

بالله أن أكون من الجاهلين • قالوا ادع لنا ربك يبين لنا

بخدا که باشم از جمله نادانان گفتند بخوان برای ما پروردگار خودرا تا روشن کند مارا

ما هي قال إنه يقول إنها بقرة لا فارض ولا بكر عوان بين ذلك

که چیست صفت آن گاو گفت که خدا میگوید که آن ماده گاویست نه پیر ونه جوان میانه این وآنست

فافعلوا ما تؤمرون • قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال

پس بکنید آنچه [illegible] گفتند بخوان برای ما پروردگار خودرا تا روشن کند مارا که چیست صفت آن گاو گفت

إنه يقول إنها بقرة صفراء فاقع لونها تسر الناظرين •

که خدا میگوید که آن ماده گاویست زرد زرد رنگ آن شاد کند بینندگان را

عشر

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي إن البقر تشابه علينا وإنا

گفتند بخوان برای ما پروردگار خودرا تا روشن کند مارا که چیست صفت آن گاو که گاو ماننده شده است بر ما وبدرستی که ما

إن شاء الله لمهتدون • قال إنه يقول إنها بقرة لا ذلول تثير

اگر خواهد خدا مر آنرا راه یافتگان باشیم گفت که خدا میگوید که آن ماده گاویست نه رام کرده که بگارد

الأرض ولا تسقي الحرث مسلمة لا شية فيها قالوا الآن جئت

زمین را ونه آنکه آب دهد کشت زرع را سلامت از عیبهاست هیچ رنگی مخالف زردی نیست گفتند اکنون آوردی

بالحق فذبحوها وما كادوا يفعلون • وإذ قتلتم

حق را پس بکشتند آنرا ونه نزدیک بود که بکنند وچون بکشتید شما

نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون • فقلنا

تنی را پس مخاصمت نمودید در آن کار وخدا بیرون آورنده بود آنچه بودید شما باز می پوشانیدید پس گفتیم ما

اضربوه ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته

بزنید آن شخص مقتول را ببعضی از آن بقره همچنین زنده کند خدا مردگان را وباز نماید شما را نشانهای خود

لعلكم تعقلون • ثم قست قلوبكم من بعد ذلك

تا بود که شما دریابید پس سخت شدند دلهای شما از پس آن

فهي كالحجارة أو أشد قسوة وإن من الحجارة لما يتفجر

پس آنها همچون سنگها اند یا سخت تر بسختی وبدرستی که بعضی از سنگهاست که روان میشود

منه الأنهار وإن منها لما يشقق فيخرج منه الماء وإن منها

از آن جویها وبدرستی که از سنگهاست چیزی که شکافته میشود پس بیرون آید از آن آب وبدرستی که از آن

نصف

لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون ● افتطمعون

که از بیم فرو افتد از کوه از ترس خدا ونیست خدا غافل از آنچه شما میکنید ای پس طمع دارید که

ان يؤمنوا لكم وقد كان فريق منهم يسمعون كلام الله

بگروند مر شمارا وبدرستی که هستند گروهی از ایشان می شنوند کلام خدارا

ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه وهم يعلمون ● واذا لقوا

خمس

پس بمی گردانیدند آنرا از پس آنچه دریافته بودند آنرا وایشان میدانستند وچون برسند

الذين امنوا قالوا امنا واذا خلا بعضهم الى بعض قالوا اتحدثونهم

بدانها که بگرویده اند گویند بگرویدیم ما وچون خالی شوند بعضی ایشان سوی بعضی گویند

بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم افلا تعقلون ●

بدآنچه برگشود خدا برشما تا درخصومت افکنند شمارا بدان نزد پروردگار شما ای پس در نمی یابید

اولا يعلمون ان الله يعلم ما يسرون وما يعلنون ● ومنهم

ای نمیدانستند که خدا میداند آنچه پنهان میکنند وآنچه آشکارا میکنند واز ایشان

اميون لا يعلمون الكتاب الا اماني وان هم الا يظنون ●

هستند نانویسندگان که نمیدانند کتاب را مگر آرزوهای ونیستند ایشان مگر گمانی می برند

فويل للذين يكتبون الكتاب بايديهم ثم يقولون هذا من عند

پس وای مرآنهارا که می نویسند کتاب را بدستهای خود پس بمیگویند این از نزدیک

الله ليشتروا به ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت ايديهم

خداست تا فرا گیرند بدان بهای اندک را پس وای مر ایشان را از آنچه اندوختند دستهای ایشان

10

وويل لهم مما يكسبون ● وقالوا لن تمسنا النار الا اياما معدودة

ووای مر ایشان را از آنچه اندوختند وگفتند هرگز نرسد بما آتش مگر در روزهای شمرده شده

قل اتخذتم عند الله عهدا فلن يخلف الله عهده ام تقولون على

بگو ای فرا گرفتید شما نزدیک خدا عهدی را پس هرگز خلاف نکند خدا عهد خودرا یا میگوئید بر

الله ما لا تعلمون ● بلى من كسب سيئة واحاطت به خطيئته فاولئك

عشر

خدا آنچه نمیدانید آری هرکه اندوزد بدی وگرد در آید بدو گناه او پس آن گروه

اصحاب النار هم فيها خالدون ● والذين امنوا وعملوا الصالحات

اصحاب آتش باشند ایشان در آنجا همیشه باشند وآنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند

اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ● واذ اخذنا ميثاق

آن گروه اصحاب بهشتند ایشان در آنجا همیشه باشند ویاد کن چون فرا گرفتیم ما عهد را

بنى اسرائيل لا تعبدون الا الله وبالوالدين احسانا وذى القربى

از فرزندان یعقوب که نپرستید مگر خدارا وبا مادر وپدر نیکوی کنید وبا خداوندان خویشی

واليتامى والمساكين وقولوا للناس حسنا واقيموا الصلوة

وبا یتیمان وبیچارگان وبگوئید مردمان را نیکوی وبپای دارید نماز را

واتوا الزكوة ثم توليتم الا قليلا منكم وانتم معرضون ●

وبدهید زکات را پس برگشتید شما مگر اندکی از شما [illegible] روی گردانندگان بودید

واذ اخذنا ميثاقكم لا تسفكون دماءكم ولا تخرجون انفسكم

وچون فرا گرفتیم ما عهد را از شما که نریزید خونهای خودرا وبیرون مکنید تنهای خودرا

مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ● ثُمَّ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ
از سراهای شما پس اقرار کردید شما و شما گواهی میدهید پس شمایید آن گروه میکشتید
أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ
تنهای یکدیگر را و بیرون میکنید گروهی را از شما از سراهای ایشان هم پشت میشوید
عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ
بر ایشان به بزه و دشمنی و اگر آیند بشما در حالی که اسیر باشید باز میخرید ایشان را
وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ
و آن حرام است بر شما بیرون کردن ایشان ای پس ایمان میآرید ببعضی از کتاب
وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ
و کافر میشوید ببعضی پس نبود پاداشت آنکه کند آنرا از شما مگر رسوائی
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ
در زندگانی دنیا و در روز قیامت بازگردانیده شوید بسختترین عذابی و نیست خدا
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ● أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ
غافل از آنچه شما میکنید آن گروه آنهااند که واگرفتند زندگانی دنیا را بدل آخرت
فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ● وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى
پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان را یاری کنند و بدرستی که بدادیم ما موسی را
الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ
توریة و در پی داشتیم ما از پس او رسولان را و بدادیم ما عیسی پسر مریم را معجزات و نیرومند گردانیدیم او را

خمس

بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ
بجبرئیل پاک ای پس هرگاه که آمد بشما رسولی بدانچه نخواست تنهای شما گردنکشی کردید شما
فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ● وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ
پس گروهی را بدروغ میداشتید شما و گروهی را میکشتید و گفتند دلهای ما در غلافی اند بلکه
لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ ● وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ
لعنت کرد ایشانرا خدا بسبب کفر ایشان پس اندکی اند آنچه میگروند و چون آمد بدیشان کتابی
مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ
از نزد خدا راست دارنده مر آنچه با ایشان بود و بودند از پیش طلب فتح میکردند
عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى
بر آنها که کافر شدند پس چون آمد بدیشان آنچه شناختند کافر شدند بدو پس لعنت خدای باد
الْكَافِرِينَ ● بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
بر کافران بدست آنچه خرید و فروخت کردند بدان تنهای خود را که کافر شدند بدانچه فرو فرستاد خدا
بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ
از بیستمی که فرو فرستد خدا از فضل خود بر آنکه خواهد از بندگان خود پس سزاوار شدند بخشمی
غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ● وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ
بر خشمی و مر کافرانرا بود عذابی خوار کننده و چون گویند مر ایشانرا که بگروید بدانچه فرو فرستاد
اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا
خدا گویند بگرویدیم ما بدانچه فرو فرستاده شد بر ما و کافر شدند بدانچه جز آن بود و آن حق است راست دارنده

عشر

لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

وآنچه با ایشانست بگو پس چرا میکشتند پیغمبران خدا را از پیش اگر هستید شما مومنان

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ

و براستی که آمد بشما موسی با معجزات پس فرا گرفتید شما گوساله را معبودی از پس او

وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ

و شما ستمکاران بودید و چون فرا گرفتیم ما عهد را از شما و برافراشتیم ما بالای شما کوه طور را

خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا

گفتیم ما فرا گیرید آنچه بدادیم ما شما را از برقوت و بشنوید گفتند شنیدیم ما و فرمان نبردیم ما

وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ

در دلهای ایشان پرستیدن گوساله بسبب کفر ایشان بگو بدست آنچه میفرماید شما را بدان ایمان شما

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ

اگر هستید شما مومنان بگو اگر باشد مر شما را سرای آخرت نزدیک خدا

خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

خالص از جز مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید شما راست گویان

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ وَ

و آرزو نکنند آنرا هرگز بدانچه فرا پیش داشتید دستهای ایشان و خدا داناست بحال ستمکاران

لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ

و هر آینه یابی ایشانرا حریص ترین مردمان بر زندگانی و از آنها که انباز گرفتند آرزو کند یکی از ایشان

خمس

لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ

اگر زندگانی داده شود هزار سال و نبود او رهنده از عذاب اگر زندگانی داده شود

وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ

و خدا بیناست بدانچه ایشان میکنند بگو هر که باشد دشمن مر جبریل را که او میبرد پس براستی که او فرود آورد

عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى

بر دل تو بفرمان خدا براست دارنده مر آنچه در پیش آنست و راهنمونی و بشارتی است

لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ

مر مومنانرا هر که باشد دشمن مر خدا را و فرشتگان او را و رسولان او را و جبرئیل را

وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ

و میکائیل را پس براستی که خدا دشمنست مر کافرانرا و براستی که فرو فرستادیم ما بتو نشانهای

بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا

روشن را و کافر نشوند بدان مگر فاسقان ای هرگاه که عهد بستند عهدی

نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ

گروهی از ایشان بلکه بیشترین ایشان نمی گروند و چون آمد بدیشان رسولی

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

از نزدیک خدا براست دارنده مر آنچه با ایشانست کرد از آنها که بداده شد ایشانرا کتاب

كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا

کتاب خدا را وا پس پشتهای خود گوییا که ایشان نمیدانند و پیروی کنند آنچه خوانند

عشر

الشياطين على ملك سليمن وما كفر سليمن ولكن الشياطين
دیوان بر پادشاهی سلیمان وناسپاسی نمود سلیمان ولیکن دیوان
كفروا يعلمون الناس السحر وما انزل على الملكين ببابل هروت
کافر شدند که در می‌آموزانیدند مردمان را جادو وآنچه فرو فرستاده شد بر دو فرشته در زمین بابل هاروت
وماروت وما يعلمان من احد حتى يقولا انما نحن فتنة
وماروت نام ودر نمی‌آموزانیدند هیچ یکی را تا میگفتند که ما سبب آزمایشیم
فلا تكفر فيتعلمون منهما ما يفرقون به بين المرء وزوجه وما هم
پس ناسپاسی منمای پس در می‌آموختند از آن بر دو آنچه جدائی می‌افکند بدان میان مرد وزن او ونبود ایشان
بضارين به من احد الا باذن الله ويتعلمون ما يضرهم ولا
زیان رساننده بدان هیچ یکی را مگر بفرمان خدا ودر می‌آموختند آنچه زیان میکرد ایشان را
ينفعهم ولقد علموا لمن اشتريه ما له في الاخرة من خلاق
وسود نمی‌کرد ایشان را وبدرستی که دانستند که هر که اختیار کند سحر را نبود او را در آخرت هیچ بهره
ولبئس ما شروا به انفسهم لو كانوا يعلمون ● ولو انهم امنوا
وبد است آنچه فروختند بدان تنهای خود را اگر ایشان بدانستندی واگر ایشان بگرویدندی
واتقوا لمثوبة من عند الله خير لو كانوا يعلمون ● يا ايها الذين
وپرهیز کردندی هر آینه پاداشتی از نزدیک خدا بهتر بودی اگر ایشان بدانستندی ای آنها
امنوا لا تقولوا راعنا وقولوا انظرنا واسمعوا وللكافرين عذاب اليم ●
که بگرویده‌اید مگوئید لفظ راعنا وبگوئید بنگر بما وبشنوید ومر کافران را بود عذابی دردناک

ما يود الذين كفروا من اهل الكتاب ولا المشركين ان ينزل
آرزو نکردند آنها که کافر شدند از اهل کتاب ونه انبازآورندگان که فرو فرستاده شود
عليكم من خير من ربكم والله يختص برحمته من يشاء والله
بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما وخدا خاص گرداند برحمت خود آن را که خواهد وخدا
ذو الفضل العظيم ● ما ننسخ من اية او ننسها نات بخير منها
خداوند فضل بزرگست آنچه حکمش از مکلف برداریم از آیات قرآن یا زایل گردانیم آن را آوریم بهتر از آن
او مثلها الم تعلم ان الله على كل شيء قدير ● الم تعلم ان الله
یا مانند آن را ای ندانستی تو که خدا بر همه چیزی تواناست ای ندانستی تو که خدا
له ملك السموات والارض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ●
مر او راست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست مر شما را از جز خدا هیچ دوستی ونه یاری کنی
ام تريدون ان تسئلوا رسولكم كما سئل موسى من قبل ومن يتبدل
یا میخواهید که درخواهید از رسول خود همچنانکه درخواستند از موسی از پیش وهر که بدل کند
الكفر بالايمان فقد ضل سواء السبيل ● ود كثير من اهل الكتاب
کفر را ببدل ایمان پس بدرستی گمراه شده باشد از راستی راه آرزو کردند بسیاری از اهل کتاب
لو يردونكم من بعد ايمانكم كفارا حسدا من عند انفسهم
که برگردانند شما را از پس ایمان شما از کفر وحسدی که نزدیک تنهای ایشان بود
من بعد ما تبين لهم الحق فاعفوا واصفحوا حتى ياتي الله بامره
از پس آنچه روشن شد مر ایشان را حق پس درگذرید وچشم فروگزارید تا آورد خدا فرمان خود را

حزب خمس

عشر

إن الله على كل شيء قدير ● وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة وما تقدموا

بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست و بپای دارید نماز را و بدهید زکات را و آنچه فرا پیش دارید

لأنفسكم من خير تجدوه عند الله إن الله بما تعملون بصير ● وقالوا

برای تنهای خود از نیکی یابید آن را نزدیک خدا بدرستی که خدا بدانچه شما میکنید بیناست و گفتند

لن يدخل الجنة إلا من كان هودا أو نصارى تلك أمانيهم قل هاتوا

در نرود در بهشت مگر آنکه باشد جهود یا ترسا آنست آرزوهای ایشان بگو بیاورید

برهانكم إن كنتم صادقين ● بلى من أسلم وجهه لله وهو محسن

حجت خود را اگر هستید شما راست گویان آری هر که خالص گرداند دین خود مر خدا را و او نیکوکار بود

فله أجره عند ربه ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ● وقالت

مر او را بود مزد او نزدیک پروردگار او و هیچ ترسی نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند و گفتند

اليهود ليست النصارى على شيء وقالت النصارى ليست اليهود

جهودان نیستند ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان نیستند جهودان

على شيء وهم يتلون الكتاب كذلك قال الذين لا يعلمون مثل

بر چیزی و ایشان میخوانند کتاب را همچنین گفتند آنها که ندانستند مانند

قولهم فالله يحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه

گفتار ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن

يختلفون ● ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه

اختلاف میکردند و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را که یاد کنند در آنجا نام او را

خمس

وسعى في خرابها أولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين ●

و بشتافت در خرابی آن آن گروه نبود مر ایشان را که در روند در آنجا مگر ترسکاران

لهم في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم ● ولله المشرق و

مر ایشان را بود در دنیا رسوایی و مر ایشان را بود در آخرت عذابی بزرگ و مر خدا راست مشرق

المغرب فأينما تولوا فثم وجه الله إن الله واسع عليم ● وقالوا اتخذ

و مغرب پس هر کجا که روی فرا کنید پس آنجاست قبله خدا بدرستی که خدا فراخ رحمت داناست و گفتند فرا گرفته است

الله ولدا سبحانه بل له ما في السموات والأرض كل له قانتون ●

خدا فرزندی پاک و منزه است او بلکه مر او راست آنچه در آسمانهاست و زمین همه مر او را فرمان بردارانند

بديع السموات والأرض وإذا قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون ●

اوست پدید آورنده آسمانها و زمین و چون خواهد که بگزارد کاری را پس گوید مر آن را که بباش پس بباشد

وقال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله أو تأتينا آية كذلك

و گفتند آنها که ندانستند چرا سخن نگوید با ما خدا یا چرا نیاید با ما نشانی همچنین

قال الذين من قبلهم مثل قولهم تشابهت قلوبهم قد بينا الآيات

گفتند آنها که پیش از ایشان بودند مانند گفتار ایشان بهم مانند شده است دلهای ایشان بدرستی که روشن کردیم نشانها

لقوم يوقنون ● إنا أرسلناك بالحق بشيرا ونذيرا ولا تسئل عن

برای گروهی که یقین شوند بدرستی که فرستادیم ما ترا بحق بشارت دهنده و بیم کننده و نپرسند از تو از

أصحاب الجحيم ● ولن ترضى عنك اليهود ولا النصارى حتى تتبع

حال اصحاب دوزخ و خشنود نشوند از تو جهودان و نه ترسایان تا پیروی کنی تو

ملتهم قل ان هدى الله هو الهدى ولئن اتبعت اهواءهم بعد الذي

ملت ایشانرا بگو هستی که راه خدا آن راه راست و اگر پیروی کنی مرادهای ایشانرا پس از آنچه

جاءك من العلم ما لك من الله من ولي ولا نصير • الذين آتيناهم الكتاب عشر

آمد بتو از دانش نبود ترا از عذاب خدا هیچ دوستی و نه یاری کنی آنها که بدادیم ایشانرا کتاب

يتلونه حق تلاوته اولئك يؤمنون به ومن يكفر به فاولئك هم

میخوانند آنرا سزای خواندن آن آن گروه بگروند بدان و هرکه کافر شود بدان پس آن گروه ایشان

الخاسرون • يا بني اسرائيل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم واني

زیانکارانند ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا آن نعمتی که کردم برشما و که من

فضلتكم على العالمين • واتقوا يوما لا تجزي نفس عن نفس شيئا ولا

افزونی نهادم شمارا بر جهانیان زمان شما و بترسید از آن روزی که بگزارد هیچ تنی از هیچ تنی چیزیرا و

يقبل منها عدل ولا تنفعها شفاعة ولا هم ينصرون • واذ ابتلى

قبول کرده نشود از آن تن بدلی و سود نکند آن تن را خواهشی و نه ایشانرا یاری کنند و یاد کن چون بیازمود

ابراهيم ربه بكلمات فاتمهن قال اني جاعلك للناس اماما قال ومن ذريتي

ابراهیم را پروردگار او بسخنانی چند پس تمام کرد آنها را گفت که من کننده ام ترا برای مردمان پیشوایی گفت و از فرزندان من

قال لا ينال عهدي الظالمين • واذ جعلنا البيت مثابة للناس وامنا واتخذوا

گفت نه برسد عهد من بستمکاران و یاد کن چون بکردیم خانه کعبه را جای بازگشتن برای مردمان و ایمنی و فرا گیرید

من مقام ابراهيم مصلى وعهدنا الى ابراهيم واسمعيل ان طهرا

از مقام ابراهیم نمازگاهی و عهد بستیم با ابراهیم و اسمعیل که پاک دارید

بيتي للطائفين والعاكفين والركع السجود • واذ قال ابراهيم رب خمس

خانه مرا طواف کنندگانرا و مقیم شوندگانرا و رکوع کنندگان و سجود کنندگانرا و چون گفت ابراهیم ای پروردگار من

اجعل هذا بلدا آمنا وارزق اهله من الثمرات من آمن منهم بالله

گردان این شهر مکه را شهری ایمن و روزی ده کسان آنجارا از میوه‌ها هرکه بگرود از ایشان بخدا

واليوم الآخر قال ومن كفر فامتعه قليلا ثم اضطره الى عذاب النار

و بروز آخرت گفت و هرکه کافر شود پس برخوردار میکنم اورا اندکی پس بیچاره کنم اورا بعذاب آتش

وبئس المصير • واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت واسمعيل ربنا

و بد بازگشتیست دوزخ و یاد کن چون بر افراشت ابراهیم بناهارا از خانه کعبه و اسمعیل نیز گفتی ای پروردگارا

تقبل منا انك انت السميع العليم • ربنا واجعلنا مسلمين لك

بپذیر از ما که تویی شنوای دانا ای پروردگارا و بکن مارا منقادان ترا

ومن ذريتنا امة مسلمة لك وارنا مناسكنا وتب علينا انك انت

و از فرزندان ما نیز گروهی منقادان ترا و بنمای مارا عبادتگاهها و ببخش برما که تویی

التواب الرحيم • ربنا وابعث فيهم رسولا منهم يتلو عليهم

توبه پذیرنده مهربان ای پروردگارا برانگیز در میان ایشان رسولی را از ایشان تا خواند بر ایشان

آياتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم انك انت العزيز

نشانهای ترا و در آموزد ایشانرا کتاب و حکمت و پاکیزه کند ایشانرا که تویی غالب

الحكيم • ومن يرغب عن ملة ابراهيم الا من سفه نفسه ولقد اصطفيناه

محکم کار و کدام کس رغبت بگرداند از ملت ابراهیم مگر آنکه بیخرد شمرد تن خودرا و بدرستیکه برگزیدیم اورا

عشر

فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ

در دنیا و بدرستی که او در آخرت از جملهٔ نیکوکاران بود چون گفت او را پروردگار او که منقاد شو گفت منقاد شدم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ

مر پروردگار جهانیان را و فرمود بدین دین ابرهیم پسران خود را و یعقوب نیز که ای پسران من بدرستی که خدا

اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ

برگزید مر شما را دین پس ممیرید مگر که شما منقادان باشید یا بودید شما حاضران

إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي

چون حاضر آمد بیعقوب اسباب مرگ چون گفت مر پسران خود را که چه چیز خواهید پرستید پس از من

قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا

گفتند خواهیم پرستید خدای ترا و خدای پدران ترا ابرهیم و اسمعیل و اسحق خدای

وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ۝ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ

یگانه و ما او را منقادانیم آن گروهیست که گذشتند مر آنها راست آنچه اندوختند و مر شما راست

مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا

آنچه اندوختید و نپرسند از شما از آنچه ایشان کرده باشند و گفتند جهودان

كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ

باشید جهود یا ترسا تا راه یابید بگو بلکه ملت ابرهیم را داریم مایل از باطل بحق و نبود

خمس

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

از جملهٔ انبازگیرندگان بگوئید بگرویدیم ما بخدا و بدانچه فرو فرستاده شد بما و بدانچه فرو فرستاده شد بابرهیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَ

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان و آنچه داده شد موسی و عیسی را

مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ

و آنچه داده شد پیغمبران را از پروردگار ایشان هیچ جدائی نیفکنیم میان هیچ یکی از ایشان و ما او را

مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ

منقادانیم پس اگر بگروند بمانند آنچه بگرویدید شما بدان پس بدرستی که راه یافتند و اگر

تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ

برگردند پس بدرستی که ایشان در بدبختی اند پس زود کفایت کند از تو شر ایشان را خدا و اوست شنوای

الْعَلِيمُ ۝ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ

دانا ملازم شوید دین خدا را و کیست نیکوتر از خدا بدین و ما او را

عَابِدُونَ ۝ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا

پرستندگانیم بگو ای خصومت میکنید با ما در خدا و اوست پروردگار ما و پروردگار شما و مارا عملهای ما

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ۝ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ

و مر شما راست عملهای شما و ما او را خالص کنندگانیم یا میگوئید که

إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا

ابرهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان بودند جهود

أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً

یا ترسا بگو ای شما داناترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه بپوشاند گواهی

عشر

الجزء الثاني

عِندَهُ مِنَ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ○ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا
که نزد وی است از خدا و نیست خدا غافل از آنچه شما میکنید آن گروهان که گذشتند مر ایشان راست
مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْئَلُونَ عَمَّا كَانُوا
آنچه اندوخته باشند و مر شما راست آنچه اندوخته باشید و نپرسند از شما از آنچه
يَعْمَلُونَ ○ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلّٰيهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ
ایشان کرده باشند زود گویند بیخردان از مردمان چه برگردانید ایشان را از قبله ایشان
الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى
آن قبله که بودند بر آن بگو مر خدای راست مشرق و مغرب راه نماید آن را که خواهد با
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ○ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا
راه راست و همچنین بکردیم ما شما را گروهی میانه تا باشید
شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا
گواهان بر مردمان و باشد رسول بر شما گواه و نکردیم ما
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ
تحویل قبله را آنکه هستی تو بر آن مگر که تا جدا بازکنیم آن را که پیروی کند رسول را از آنکه برگردید
عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ وَمَا كَانَ
بر مردو پای خود و بدرستی که هست آن لازمه بزرگ مگر بر آنها که راه نمود خدا و نبوده
اللّٰهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ○ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ
خدا که ضایع کند ایمان شما را بدرستی که خدا بمردمان مهربان رحمت کننده است بدرستی که می بینیم گردیدن

وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
روی خود را در آسمان پس قبله که بپسندی آن را پس فراکن روی خود را سوی مسجد
الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا
الحرام و هر کجا که باشید شما پس فراکنید رویهای خود را سوی آن و بدرستی که آنها که بداده شده ایشان را
الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ○
کتاب لازمه میدانند که آن حق است از پروردگار ایشان و نیست خدا غافل از آنچه شما میکنید
وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ
و اگر بیاوری آنها را که داده شد ایشان را کتاب هر نشانی و معجزه پیروی نکنند قبله ترا و نیستی تو
بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ
پیروی کننده قبله ایشان را و نیستند بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعضی را و اگر پیروی کنی تو
أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ○ خمس
مرادها باطل ایشان را از پس آنچه آمد ترا از دانش بدرستی که تو آنگه لازمه از جمله ستمکاران باشی
الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ
آنها که دادیم ایشان را کتاب میشناسند محمد را همچنانکه میشناسند پسران خود را و بدرستی
فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ○ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ
که گروهی از ایشان لازمه پنهان میپوشانند حق را و ایشان میدانند که حق از پروردگار است
فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ○ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ
پس مباش از جمله شک کنندگان و هر گروهی را روی است که روی بوی آورده است پس پیشی گیرید بخیرات

أينما تكونوا يأت بكم الله جميعا إن الله على كل شيء قدير ۝ ومن حيث
هر کجا که باشید شما آورد شما را خدا همه بهم بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست واز هر کجا
خرجت فول وجهك شطر المسجد الحرام وإنه للحق من ربك وما الله
که بیرون آیی تو پس گردان روی خود را بسوی مسجد مکه و بدرستی که آن هر آینه حقست از پروردگار تو و نیست خدا
بغافل عما تعملون ۝ ومن حيث خرجت فول وجهك شطر المسجد
غافل از آنچه شما میکنید واز هر کجا که بیرون روی تو پس گردان روی خود را سوی مسجد
الحرام وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره لئلا يكون
مکه و هر کجا که باشید شما پس گردانید رویهای خود را بسوی آن تا نباشد
للناس عليكم حجة إلا الذين ظلموا منهم فلا تخشوهم واخشوني
مردمان را بر شما حجتی مگر آنها که ستم کردند از ایشان پس مترسید از ایشان و بترسید از من
ولأتم نعمتي عليكم ولعلكم تهتدون ۝ كما أرسلنا
و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما و تا بود که شما راه یابید همچنانکه بفرستادیم ما
فيكم رسولا منكم يتلو عليكم آياتنا ويزكيكم ويعلمكم
در میان شما رسولی را از جنس شما تا خواند بر شما نشانهای ما را و تزکیه نفس شما کند و در آموزاند شما را
الكتاب والحكمة ويعلمكم ما لم تكونوا تعلمون ۝
کتاب و حکمت و شرایع آن و در آموزاند شما را آنچه ندانسته اید شما
فاذكروني أذكركم واشكروا لي ولا تكفرون ۝ يا أيها الذين آمنوا
پس یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را برحمت و شکر کنید مرا و کافر مشوید مرا ای آنها که گرویده اید

عشر

استعينوا بالصبر والصلوة إن الله مع الصابرين ۝ ولا تقولوا لمن يقتل
یاری خواهید بصبر کردن و نماز گزاردن بدرستی که خدا با صابرانست و مگویید مر آنرا که کشته شدند
في سبيل الله أموات بل أحياء ولكن لا تشعرون ۝ ولنبلونكم
در راه خدای مردگانند بلکه زندگانند ولیکن شما نمیدانید و هر آینه می آزماییم ما
بشيء من الخوف والجوع ونقص من الأموال والأنفس والثمرات
بچیزی از ترس و گرسنگی و بکاهش از مالها و تنها و میوهها
وبشر الصابرين ۝ الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله وإنا إليه
و بشارت ده صابرانرا آنهایی که چون برسد بدیشان مصیبتی گویند که ما خدا راییم و ما با وی

خمس

راجعون ۝ أولئك عليهم صلوات من ربهم ورحمة وأولئك هم
بازگردندگانیم آن گروه بریشان درودهاست از پروردگار ایشان و رحمتی و آن گروه ایشان
المهتدون ۝ إن الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت أو اعتمر
راه یابندگانند بدرستی که صفا و مروه از نشانهای خدااند پس هر که حج کند خانه را یا عمره کند
فلا جناح عليه أن يطوف بهما ومن تطوع خيرا فإن الله شاكر عليم
پس بزه نبود برو که طواف کند میان آن دو و هر که بطوع و رغبت خود کند نیکی پس بدرستی که خدا شکر پذیرنده و داناست
إن الذين يكتمون ما أنزلنا من البينات والهدى من بعد ما بيناه
بدرستی که آنها که بازمی پوشانند آنچه فرو فرستادیم از حجتها و راه از پس آنکه روشن کردیم آنرا
للناس في الكتاب أولئك يلعنهم الله ويلعنهم اللاعنون ۝ إلا
برای مردمان در کتاب آن گروه لعنت کرد ایشانرا خدا و لعنت کردند ایشانرا لعنت کنندگان مگر

عشر

الذين تابوا واصلحوا وبينوا فاولئك اتوب عليهم وانا التواب الرحيم
آنها که توبه کردند وکار باصلاح آوردند پیدا آن کرده سهل کنم بریشان ومنم توبه پذیرنده مهربان
ان الذين كفروا وماتوا وهم كفار اولئك عليهم لعنة الله
بدرستی که آنها که کافر شدند وبمردند وایشان کافران بودند آن گروه بریشان بود لعنت خدا
والملائكة والناس اجمعين خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب
وفرشتگان ومردمان همه همیشه باشند در آتش سبک کرده نشود از ایشان عذاب
ولا هم ينظرون والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم
ونه ایشانرا زمان دهند وخدای شما یک خداست نیست خدای مگر او بخشاینده مهربانست
ان في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار والفلك
بدرستی که در آفریدن آسمانها وزمین ودر اختلاف شب وروز وکشتی
التي تجري في البحر بما ينفع الناس وما انزل الله من السماء من ماء
آن کشتی که میرود در دریا بدانچه سود کند مردمانرا وآنچه فرود فرستاد خدا از آسمان از آبی
فاحيا به الارض بعد موتها وبث فيها من كل دابة وتصريف الرياح
پس زنده کرد بدان زمین را پس از مرگ آن وبپراکند در آنجا از هر جنبنده ودر گردیدن بادها
والسحاب المسخر بين السماء والارض لايات لقوم يعقلون ومن
وابر رام کرده درمیان آسمان وزمین هر آینه نشانهاست مر گروهی را که استعمال عقل کنند واز
الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم كحب الله والذين
مردمان کس هست که فرا میگیرد از جز خدا همتایانی را دوست میدارند ایشانرا همچون دوست داشتن خدا وآنها

خمس

امنوا اشد حبا لله ولو يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله
که بگرویده اند سخت ترند بدوستی مر خدا را واگر بدیدندی آنها که ستم کردند چون ببینند عذاب را که قوت مر خدا راست
جميعا وان الله شديد العذاب اذ تبرا الذين اتبعوا من الذين
همه وآنکه خدا سخت عقوبتست چون بیزار شوند آنها که ازانها
اتبعوا ورأوا العذاب وتقطعت بهم الاسباب وقال الذين
وببینند عذاب را وبریده شود میان ایشان اسباب وصلت وگویند آنها
اتبعوا لو ان لنا كرة فنتبرا منهم كما تبرءوا منا كذلك
اگر بودی مارا بازگشتنی بادنیا پس بیزار شدمانی از ایشان همچنانک بیزار شدند ازما همچنین
يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم وما هم بخارجين من النار
بازنماید ایشانرا خدا عملهای ایشان اندوههای بریشان ونباشند ایشان بیرون آیندگان از آتش
يا ايها الناس كلوا مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات
ای مردمان بخورید از آنچه در زمینست حلال پاک وپیروی مکنید گامهای
الشيطان انه لكم عدو مبين انما يأمركم بالسوء والفحشاء
دیو را بدرستی که او مر شمارا دشمنی روشنست بدرستی که میفرماید شمارا ببدی وناشایست
ان تقولوا على الله ما لا تعلمون واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا
وآنک گوئید بر خدا آنچه ندانید وچون گویند مرایشانرا که پیروی کنید آنچه فرود فرستاد خدا گویند
بل نتبع ما الفينا عليه اباءنا اولو كان اباؤهم لا يعقلون شيئا
بلکه پیروی میکنیم آنچه یافتیم برآن پدران خودرا ای اگر بودندی پدران ایشان اندیافتندی چیزی را

ولا يهتدون ۝ ومثل الذين كفروا كمثل الذي ينعق بما لا يسمع الا دعاء عشر

ازراه نیافتند — ومثل آنها که کافر شدند همچون مثل آنکسی است که بانگ بر گوسفند زند بدانچه نشنود مگر خواندنی

ایشان نیز چنین خوانده بود

ونداء صم بكم عمي فهم لا يعقلون ۝ يا ايها الذين امنوا كلوا

وندائی ایشان کرانند گنگانند کورانند پس ایشان درنمی یابند ای آنها که بگرویده اید بخورید

من طيبات ما رزقناكم واشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون ۝

از پاکیهای آنچه روزی کردیم ما شمارا وشکر گویید مر خدایرا اگر هستید شما اورا می پرستید

انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل به لغير الله

بدرستی که حرام کرد بر شما مردار وخون وگوشت خوک را وآنچه آواز برداشته باشند بران بجز نام خدای

فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ۝ ان

پس هرکه بناچار آمد نه ستم کننده بر دیگری ونه از حد درگذرنده پس نیست بزه بر وی بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست بدرستی

الذين يكتمون ما انزل الله من الكتاب ويشترون به ثمنا قليلا اولئك

که آنها که بازمی پوشانند آنچه فرو فرستاد خدا از کتاب وفرا میگیرند بدان بهائی اندک آن گروه

ما يأكلون في بطونهم الا النار ولا يكلمهم الله يوم القيمة

نمیخورند در شکمهای ایشان مگر آتش را وسخن نگوید با ایشان خدا در روز قیامت

ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم ۝ اولئك الذين اشتروا الضلالة

ونه پاکیزه کند ایشان را ومرایشان را بود عذابی دردناک آن گروه آنهااند فراگرفتند گمراهی را

بالهدى والعذاب بالمغفرة فما اصبرهم على النار ۝ ذلك بان خمس

ببدل راه راست وعذاب را ببدل آمرزش پس چه شکیبااند ایشان بر آتش آن بسبب آنست

الله نزل الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق

خدا فرو فرستاد کتاب را بحق وبدرستی که آنها که اختلاف کردند در کتاب هرآینه در بدبختی اند

حزب بعيد ۝ ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق والمغرب

دور از حق نیست نیکوئی بانگ فرا دارند رویهای خود فرا پیش مشرق ومغرب

ولكن البر من امن بالله واليوم الاخر والملئكة والكتاب و

ولیکن نیکوئی آنراست که بگروید بخدا وبروز آخرت وبفرشتگان وبکتاب

النبيين واتى المال على حبه ذوي القربى واليتامى والمساكين

وبپیغمبران وبداد مال را بر دوستی خداوندان خویشی وبیتیمانرا وبیچارگانرا

وابن السبيل والسائلين وفي الرقاب واقام الصلوة واتى الزكوة

وراهگذریانرا وخواهندگانرا ودر معاونت بندگان تا خود را بازخرند وبپای داشت نمازرا وبداد زکات را

والموفون بعهدهم اذا عاهدوا والصابرين في البأساء والضراء

ووفا کنندگان بعهد خود چون عهد بستند وصبرکنندگان در بدحالی وسختحالی

وحين البأس ۝ اولئك الذين صدقوا واولئك هم المتقون ۝

وهنگام کارزار آن گروه آنهااند که راست گفتند وآن گروه ایشانند پرهیزکاران

يا ايها الذين امنوا كتب عليكم القصاص في القتلى الحر بالحر والعبد

ای آنها که بگرویده اید نوشته شد بر شما کارزار در حق کشتگان آزاد را بکشید ببدل آزاد وبنده را

بالعبد والانثى بالانثى فمن عفي له من اخيه شيء فاتباع بالمعروف

ببدل بنده ومادینه را ببدل مادینه پس هرکه عفو کرده او را از برادر خود چیزی را پس پیروی کردنی بود بنیکوئی

وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَٰلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ

و گزاردن بوی بنیکوئی آن سبک کردنی است از پروردگار شما و رحمتی پس هر که از حد درگذرد پس

ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ

ازان پس مر او را بود عذابی دردناک و مر شماراست در حق قتل مساوات زندگانی تمام ای خداوندان خردها

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِن

تا بود که شما بپرهیزید نوشته شد بر شما چون حاضر آید یکی از شما اسباب مرگ اگر

تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

بگذارد مالی را اندرز کردن مر مادر و پدر را و خویشاوندان را بنیکوئی واجبی بود بر پرهیزگاران

فَمَن بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ

پس هر که بدل کند آنرا پس از آنچه شنود آنرا پس بیشتری که بزه او بر آنها بود که بدل کردند آنرا بدرستی که خدا شنواست

عَلِيمٌ ۝ فَمَنْ خَافَ مِن مُّوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ

دانا پس هر که ترسد از وصیت کننده میلی یا بزه پس کار باصلاح آورد میان ایشان پس هیچ بزه نبود بر وی بدرستی که خدا

غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا

آمرزگار مهربانست ای آنها که بگرویدید واجب شد بر شما روزه داشتن همچنانکه

كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن

واجب شد بر آنها که پیش از شما بودند تا بود که شما بپرهیزید در روزهای شمرده شده پس هر که

كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ

باشد از شما بیمار یا بر سفر پس عوض بباید از روزهای دیگر و بر آنها که طاقت روزه دارند

عشر

فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ وَأَن تَصُومُوا خَيْرٌ

بدلی بود طعام دادن بمسکینان پس هر که بطوع و رغبت خود کند نیکی پس آن بهتر بود او را و اگر روزه دارید بهتر

لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ

مر شما را اگر هستید شما میدانید ماه روزه آن ماهیست که فرو فرستاده شد در آن ماه قرآن

هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ

راه نمونی برای مردمان و حجتهای از راه راست و فارق میان حق و باطل پس هر که در حضر بود از شما

الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

در آن ماه پس باید که روزه بدارد و هر که باشد بیمار یا بر سر سفر پس عوض بدارد از روزها دیگر

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ

میخواهد خدا بشما آسانی و نمیخواهد بشما دشواری و تا تمام کنید شمار را

وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا

و تا بزرگی یاد کنید خدا را بر آنچه راه نمود شما را و تا بود که شما شکر کنید و چون

سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

پرسند از تو بندگان من از من پس من نزدیکم پاسخ کنم خواندن خواننده را چون خواند مرا

فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۝ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ

پس باید که پاسخ کنند مرا و باید که بگروند بمن تا بود که ایشان راه صواب یابند حلال کرده شد مر شما را در شبهای

الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ

روزه صحبت داشتن با زنان ایشان پوششی اند مر شما را و شما پوششی اید مر ایشان را دانست خدا

خمس

أنكم كنتم تختانون أنفسكم فتاب عليكم وعفا عنكم فالآن
که شما بودید که خیانت کردید با تنهای خود پس سهل بکرد بر شما و درگذشت از شما پس اکنون
باشروهن وابتغوا ما كتب الله لكم وكلوا واشربوا حتى
مباشرت کنید با ایشان و بجوئید آنچه نوشت خدا مر شما را و بخورید و بیاشامید تا
يتبين لكم الخيط الأبيض من الخيط الأسود من الفجر ثم — الخيط الأبيض النهار / الخيط الأسود الليل
روشن شود مر شما را رشته سفید از رشته سیاه از بامداد پس
أتموا الصيام إلى الليل ولا تباشروهن وأنتم عاكفون في المساجد
تمام بدارید روزه را تا بشب پس مباشرت مکنید با ایشان و شما معتکفان باشید در مسجدها
تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس
آنند حدهای خدا پس نزدیکی منمایید آنها را همچنین روشن میکند خدا نشانهای خود را برای مردمان
لعلهم يتقون ● ولا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل وتدلوا
تا بود که ایشان بپرهیزند و مخورید مالهای خود را میان یکدیگر بباطل و میسپارید
بها إلى الحكام لتأكلوا فريقا من أموال الناس بالإثم وأنتم
آنرا با حاکمان تا بخورند گروهی از مالهای مردمان ببزه و شما
تعلمون ● يسألونك عن الأهلة قل هي مواقيت للناس والحج وليس
میدانید می پرسند از تو از حال ماههای نو بگو آن نشانهاست برای مردمان و حج کردن و نیست
البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها ولكن البر من اتقى وأتوا البيوت
نیکوئی بآنکه بیایید بخانها از پشتهای آن ولیکن نیکوئی آنست که بپرهیزید و بیایید بخانها

من أبوابها واتقوا الله لعلكم تفلحون ● وقاتلوا في سبيل الله
از درهای آن و بترسید از خدا تا بود که شما رستگاری یابید و کارزار کنید در راه دین خدا
عشر الذين يقاتلونكم ولا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين ●
با آنها که کارزار کنند با شما و از حد در مگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد از حد درگذرندگان را
واقتلوهم حيث ثقفتموهم وأخرجوهم من حيث أخرجوكم
و کارزار کنید با ایشان هر کجا که یابید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را
والفتنة أشد من القتل ولا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتى
و شرک و کفر سخت تر بود از کارزار و کارزار مکنید با ایشان نزدیک مسجد الحرام تا
يقاتلوكم فيه فإن قاتلوكم فاقتلوهم كذلك
کارزار کنند با شما در آن پس اگر کارزار کنند با شما پس کارزار کنید با ایشان همچنین بود
جزاء الكافرين ● فإن انتهوا فإن الله غفور رحيم ● وقاتلوهم
پاداشت کافران پس اگر باز ایستند پس بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست و کارزار کنید با ایشان
حتى لا تكون فتنة ويكون الدين لله فإن انتهوا فلا عدوان إلا على
تا نباشد شرک و کفر و باشد دین مر خدا را پس اگر باز ایستند پس هیچ دشمنی نیست مگر بر
الظالمين ● الشهر الحرام بالشهر الحرام والحرمات قصاص فمن اعتدى
ستمکاران ماه حرام ببدل ماههای حرام بود و محرمات سر بسر پس هر که از حد درگذرد
عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا
بر شما پس از حد درگذرند بر او بمانند آنچه از حد درگذشته بود بر شما و بترسید از خدا و بدانید

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ • وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ
که خدا با پرهیزکارانست و نفقه کنید در راه خدا و میندازید خودرا بدستهای خود در تهلکه
وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ • وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ خمس
و نیکویی کنید بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکارانرا و تمام کنید حج و عمره را برای خدا پس اگر
أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ
پس آنچه آسان شود از قربان و مترا شید سرهای خودرا تا برسد
الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ
قربان بمحل خود پس هر که باشد از شما بیمار یا بدو رنجی از سر او
فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ
پس بدل بود از روزه یا صدقه یا قربانی پس چون ایمن شده باشید شما پس هر که تمتع کرد بعمره
إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ
بسوی حج پس آنچه آسان شود از قربان پس هر که نیابد پس بود سه روز روزه داشتن در حج
وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ
و هفت روز چون باز گشته باشید شما آنست ده روز تمام آن مر آنرا است که نباشد اهل او
حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ •
حاضران در مسجد الحرام و بترسید خدا و بدانید که خدا سخت عقوبتست
الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا
حج کردن در ماههای دانسته بود پس هر که تمام کرد اندران ماهها حج کردن پس جماع نکند و تباهی نکند

جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى
و خصومت نکند در حج گزاردن و آنچه کنید از نیکی میداند آنرا خدا و توشه برگیرید که بهترین توشه پرهیزکاریست
وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ • لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا
و بترسید از من ای خداوندان خردها نبود بر شما بزه که بجویید فضلی
مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ
از پروردگار خود پس چون باز گردید شما از عرفات پس یاد کنید خدارا نزد مزدلفه
الْحَرَامِ وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ
و یاد کنید اورا همچنانک راه نمود شمارا و اگر چه بودید از پیش آن هر آینه از جمله گمراهان
ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
پس باز گردید از آنجا که باز گشتند مردمان و آمرزش خواهید از خدا بدرستی که خدا آمرزگار
رَحِيمٌ • فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
مهربانست پس چون بگزارده باشید شما مناسک خودرا پس یاد کنید خدارا همچون یاد کردن شما
آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
پدرانرا یا سخت تر بیاد کردن پس از مردمان کس هست که میگوید ای پروردگار ما بده مارا در دنیا
عشر وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ • وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا
و نبود مراورا در آخرت هیچ بهره و ازیشان کس هست که میگوید ای پروردگار ما بده مارا در دنیا
نصف حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ • أُولَئِكَ لَهُمْ
نیکویی و در آخرت نیکویی و باز دار از ما عذاب آتش را آن گروه مر ایشانراست

نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ

بهره از آنچه اندوخته باشند وخدا زود شمار است و یاد کنید خدا را در روزهای شمرده شده

فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى

پس هرکه پیشی کرد در دو روز پس بزه نبود برو و هرکه باز پس ایستد پس بزه نبود برو مر آنرا که بپرهیزد

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ

و بترسید از خدا و بدانید که شما با جزای او حشر کرده شوند و از مردمان کس هست که بشگفت می آید

قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ۝

گفتار او در زندگانی دنیا و گواه میگرداند خدا را بر آنچه در دل اوست و او سخت خصومت

وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ

و چون برگشت بشتافت در زمین تا تباهی کند در آنجا و هلاک کند کشت و ورز را و زه و زاد را وخدا

لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ

دوست ندارد تباهی کنندگان را و چون گویند مر او را بترس از خدا بگیرد او را حمیت جاهلیت بزه پس بسنده است او را

جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ

دوزخ و هرآینه بد جایگاهیست آن و از مردمان کس هست که باز میخرد تن خود را از بهر جستن خشنودی

اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً

خدا و خدا مهربانست بربندگان ای آنها که بگرویده اید در روید در انقیاد و طاعت همه

وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ فَإِنْ

و پیروی مکنید مرادهای دیو را بدرستی که او مر شما را دشمنی روشن است پس اگر

خمس

زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝

بلغزید شما از پس آنچه آمد بشما حجتها پس بدانید که خدا غالب محکم کار است

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ وَ

ای هیچ چشم نمیدارند مگر که آید بدیشان عذاب خدای در سایهای از ابر و فرشتگان

قُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ

و گزارده شود کار عذاب و با خداست بازگشت کارها بپرس از فرزندان یعقوب چه دادیم ما ایشان را

نصف عشر

مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ

از نشانهای روشن و هرکه بدل کند نعمت خدا را از پس آنچه آمده بود پس بدرستی که خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ

سخت عقوبت است آراسته شده مر آنها را که کافر شدند زندگانی دنیا و استهزا میکنند بر آنها

آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

که بگرویدند و آنها که پرهیزیدند بالای ایشان باشند در روز قیامت وخدا روزی دهد آنرا که خواهد

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ

بی شمار بودند مردمان بر یک دین پس بفرستاد خدا پیغمبران را بشارت دهنده

وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا

از زمان آدم تا نوح

و بیم کنندگان را و فرو فرستاد با ایشان کتاب را بحق تا حکم کند میان مردمان در آنچه اختلاف کردند

فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ

در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنها که داده شد ایشان را آن از پس آنچه آمد بدیشان حجتها

بغيا بينهم فهدى الله الذين آمنوا لما اختلفوا فيه من الحق بإذنه

از پیشی میان یکدیگر پس راه نمود خدا آنهارا که گرویدند مرآنچه اختلاف کردند دران از حق بفرمان او

والله يهدي من يشاء إلى صراط مستقيم ۝ أم حسبتم أن تدخلوا

و خدا راه نماید آنرا که خواهد بسوی راه راست یا که پنداشتید شما که در روید

الجنة ولما يأتكم مثل الذين خلوا من قبلكم مستهم البأساء

در بهشت و نیامد بشما مثل آنها که گذشتند پیش از شما برسید بدیشان بدحالی

والضراء وزلزلوا حتى يقول الرسول والذين آمنوا معه متى نصر

و سخت حالی و در جنبانیده شوند تا بگوید رسول و آنها که بگرویده بودند با او کی خواهد بود یاری

الله ألا إن نصر الله قريب ۝ يسألونك ماذا ينفقون قل ما أنفقتم

خدا بدان هر آیینه یاری خدا نزدیکست می پرسند که چه چیز نفقت کنند بگو آنچه نفقت کنید شما

من خير فللوالدين والأقربين واليتامى والمساكين وابن السبيل

از نیکی پس مر مادر و پدر بود و خویشاوندان را و یتیمان را و بیچارگان را و در راه گذریان را

وما تفعلوا من خير فإن الله به عليم ۝ كتب عليكم القتال

خمسه

و آنچه کنید از نیکی پس بدرستی که خدا بدان داناست نوشته شده بر شما کارزار

وهو كره لكم وعسى أن تكرهوا شيئا وهو خير لكم و

و آن بکراهتست مر شما را و شاید بود که کاره دارید چیزی را و آن بهتر بود مر شما را

عسى أن تحبوا شيئا وهو شر لكم والله يعلم وأنتم لا تعلمون

شاید بود که دوست دارید چیزی را و آن بتر بود مر شما را و خدا میداند و شما نمیدانید

يسألونك عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير وصد

می پرسند از تو از حال ماههای حرام قتال کردن در آن بگو قتال کردن دران بزرگست و بر گشتن

عن سبيل الله وكفر به والمسجد الحرام وإخراج أهله منه

از راه خدا و کافر شدن بدو و از مسجد مکه و بیرون کردن اهل آنرا ازان

أكبر عند الله والفتنة أكبر من القتل ولا يزالون

بزرگترست نزدیک خدا و شرک و کفر بزرگترست از کارزار و همیشه خواهند

يقاتلونكم حتى يردوكم عن دينكم إن استطاعوا

که کارزار کنند با شما تا برگردانند شما را از دین شما اگر توانایی داشته باشند

ومن يرتدد منكم عن دينه فيمت وهو كافر فأولئك

و هر که برگردد از شما از دین خود پس بمیرد واو کافر بود پس آن گروه

حبطت أعمالهم في الدنيا والآخرة وأولئك أصحاب النار هم

باطل شده بود عملهای ایشان در دنیا و در آخرت و آن گروه اصحاب آتش اند ایشان

فيها خالدون ۝ إن الذين آمنوا والذين هاجروا وجاهدوا في

در آنجا همیشه باشند بدرستی که آنها که بگرویدند و آنها که هجرت کردند و جهاد کردند در

سبيل الله أولئك يرجون رحمت الله والله غفور رحيم

راه خدا آن گروه امید میدارند برحمت خدا و خدا آمرزگار مهربانست

يسألونك عن الخمر والميسر قل فيهما إثم كبير ومنافع للناس

می پرسند از تو از خمر خوردن و قمار باختن بگو در آن دو بزه بزرگست و سودها مردمانرا

وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ
و بزه آن هردو بزرگترست از سود آن هردو و می پرسند از تو که چه چیز نفقت کنید بگو افزونی مال
كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ فِي الدُّنْيَا
همچنین روشن میکند خدا برشما را نشانها تا بود که شما اندیشه کنید در آفریدن دنیا
وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِن
و آخرت و می پرسند از تو از حال یتیمان بگو اصلاح حال ایشان بهتر بود و اگر
تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَ
پس برادران شمااند و خدا میداند تباهی کننده را از باصلاح آورنده
لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ● وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ
عشر
و اگر خواستی خدا [illegible] بدرستی که خدا غالب محکم کارست و مخواهید بزنان مشرکه را
حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا
تا بگروند و هر آینه پرستار مومنه بهتر بود از آن آزاد مشرکه و اگرچه بشگفت آورد شما را و زن مدهید
الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
مردان بت پرست را تا ایمان آورند و هر آینه بنده مومن بهتر بود از آزاد مرد مشرک و اگرچه بشگفت آورد شما را
أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ
آن گروه میخوانند یکدیگر را باتش و خدا میخواند بهشت و آمرزش بفرمان خود
وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ● وَيَسْأَلُونَكَ
و روشن میکند نشانهای خود را برای مردمان تا بود که ایشان پند گیرند و می پرسند از تو

عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ
از حال زنان حیض دار بگو آن رنجیست پس با یکسوی شوید از زنان در حالت حیض و فرا نزدیک ایشان مروید
حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ
یطّهّرن
تا پاک شوند پس چون سرو تن شسته باشند پس بیایید بنزد ایشان از آنجا که فرمود شما را خدا بدرستی
اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ● نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ
که خدا دوست دارد توبه کاران را و دوست دارد پاکان را زنان شما چون کشت زاری اند
لَّكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
شما را پس در آیید بکشت زار خود از هر جا که خواهید شما و فرا پیش دارید نیکی مر تنهای خود را و بترسید از خدا
وَاعْلَمُوا أَنَّكُم مُّلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ● وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً
و بدانید که شما باز رسنده اید بجزای او و بشارت ده مومنان را و مگردانید خدا را حاجزی
لِّأَيْمَانِكُمْ أَن تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ
در سوگندان خود را که نیکی کنید و پرهیزکاری نمایید و کار باصلاح آورید میان مردمان و خدا شنوا
عَلِيمٌ ● لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِن يُؤَاخِذُكُم
و دانا فرا نگیرد شما را خدا بنافرجام در سوگندان شما و لیکن فرا گیرد شما را
بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ● لِّلَّذِينَ
خمس
بآنچه اندوختند دلهای شما و خدا آمرزگارست و بردبار مر آنها را
يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِن فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
که سوگند میخورند از زنان ایشان چشم دارند چهار ماه پس اگر باز آیند پس بدرستی که خدا آمرزگار

رحيم ۝ وان عزموا الطلاق فان الله سميع عليم ۝ والمطلقات

مهربانست واگر دل نهند بر طلاق پس بدرستی که خدا شنوا و داناست وزنان مطلقه

يتربصن بانفسهن ثلثة قروء ولا يحل لهن ان يكتمن ما

باید که چشم دارند بتنهای خویش سه پاکی یا سه حیض وحلال نیست مر ایشانرا که بازپوشند آنچه

خلق الله في ارحامهن ان كن يؤمن بالله واليوم الاخر و

آفرید خدا در رحمهای ایشان اگر ایمان دارند بخدا وبروز آخرت

بعولتهن احق بردهن في ذلك ان ارادوا اصلاحا ولهن مثل الذي

وشوهران ایشان سزاوارترند برد کردن ایشان در آن اگر خواهند کار باصلاح آوردنی ومر ایشانرا بود مانند آنچه

عليهن بالمعروف وللرجال عليهن درجة والله عزيز حكيم ۝

بر ایشان بود بنیکوئی ومردانرا بر زنان مرتبه ودرجه است وخدا غالب محکم کارست

الطلاق مرتان فامساك بمعروف او تسريح باحسان ولا يحل

طلاق رجعی دوبار بود پس نگه داشتنی بود بنیکوئی یا رها کردنی بود بنیکوئی وحلال نیست

لكم ان تاخذوا مما اتيتموهن شيئا الا ان يخافا الا يقيما

مر شمارا که فرا گیرید از آنچه بداده باشند ایشانرا چیزی مگر آنکه دانند که نگه نتوانند داشت

حدود الله فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما

حدهای خدارا پس اگر ترسید شما که نگه نتوانند داشت حدهای خدارا پس بزه نبود بر ایشان

فيما افتدت به تلك حدود الله فلا تعتدوها ومن يتعد حدود

در آنچه باز خود زن خودرا بدان آینه حدهای خدا پس در مگذرید از آن وهرکه در گذرد از حدهای

الله فاولئك هم الظالمون ۝ فان طلقها فلا تحل له من بعد حتى

خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران پس اگر طلاق دهد زن را شوهر پس حلال نبود مر او را از پس آن تا

حزب

تنكح زوجا غيره فان طلقها فلا جناح عليهما ان يتراجعا ان

در نکاح درآورد شوهری را جز از او پس اگر طلاق دهد او را شوهر دوم پس بزه نبود بر ایشان که مراجعت کنند اگر

عشر

ظنا ان يقيما حدود الله وتلك حدود الله يبينها لقوم يعلمون ۝

دانند که بجای توانند آورد حدهای خدارا وآن حدهای خدا روشن میکنید آنرا برای گروهی که میدانند

واذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسكوهن بمعروف

وچون طلاق دهید شما زنانرا پس باید که برسند بمدت خود نگه دارید ایشانرا بنیکوئی

او سرحوهن بمعروف ولا تمسكوهن ضرارا لتعتدوا ومن يفعل

یا رها کنید ایشانرا بنیکوئی ونگاه مدارید ایشانرا برای گزند رسانیدن تا از حد در گذرند وهرکه کند

ذلك فقد ظلم نفسه ولا تتخذوا ايات الله هزوا واذكروا

آن پس بدرستی که ستم کرده بود برتن خود ودر فرا مگیرید نشانهای خدارا باستهزا ویاد کنید

نعمت الله عليكم وما انزل عليكم من الكتاب والحكمة

نعمت خدارا بر شما وآنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب وحکمت

يعظكم به واتقوا الله واعلموا ان الله بكل شيء عليم ۝ واذا

پند میدهد شما را بدان وبترسید از خدا وبدانید که خدا بهمه چیزی داناست وچون

طلقتم النساء فبلغن اجلهن فلا تعضلوهن ان ينكحن ازواجهن

طلاق دهید شما زنانرا پس باید که برسند باجل خود پس باز مدارید ایشانرا که نکاح کنند با شوهران خود بسبب حمیت جاهلیت اول

حزب

إذا تراضوا بينهم بالمعروف ذلك يوعظ به من كان منكم يؤمن

چون راضی جسته باشید میان ایشان بنیکویی آنست که پند داده میشود بدان آنکه هست از شما ایمان دارد

بالله واليوم الآخر ذلكم أزكى لكم وأطهر والله يعلم وأنتم

بخدا و بروز آخرت آن آن پاکیزه‌تر مر شما را و پاکتر و خدا میداند و شما

لا تعلمون ۝ والوالدات يرضعن أولادهن حولين كاملين

نمیدانید و مادران باید که شیر دهند فرزندان خود را دو سال تمام

لمن أراد أن يتم الرضاعة وعلى المولود له رزقهن وكسوتهن

مر آنرا که خواهد که تمام کند شیر دادن را و بر پدر بود خورش ایشان و جامه پوشانیدن ایشان

بالمعروف لا تكلف نفس إلا وسعها لا تضار والدة بولدها

بنیکویی تکلیف نفرمائیم هیچ تنی را مگر بقدر طاقت آن تن باید که گزند نرساند هیچ مادری شوهر را بسبب فرزند خود

ولا مولود له بولده وعلى الوارث مثل ذلك فإن أرادا فصالا عن تراض

و نه هیچ پدری مادر را بسبب فرزند خود و بر وارث بود همچو آن پس اگر خواهند از شیر باز کردن از خشنودی

منهما وتشاور فلا جناح عليهما وإن أردتم أن تسترضعوا

از ایشان و مشورت با اهل علم پس بزه نبود بر ایشان و اگر خواهید شما که از شیر باز گیرید

أولادكم فلا جناح عليكم إذا سلمتم ما آتيتم بالمعروف

فرزندان خود را پس بزه نبود بر شما چون تسلیم کنید شما آنچه بدهید شما بنیکویی

واتقوا الله واعلموا أن الله بما تعملون بصير ۝ والذين يتوفون منكم

و بترسید از خدا و بدانید که خدا بدانچه شما میکنید بیناست و آنها که بمیرند از شما

ويذرون أزواجا يتربصن بأنفسهن أربعة أشهر وعشرا فإذا

و بگذارند زنانی را باید که چشم دارند بتنهای خود چهار ماه و ده روز پس چون

بلغن أجلهن فلا جناح عليكم فيما فعلن في أنفسهن

برسند بمدت خود پس بزه نبود بر شما در آنچه کرده باشند در تنهای خود

بالمعروف والله بما تعملون خبير ۝ ولا جناح عليكم فيما

بنیکویی و خدا بدانچه شما میکنید آگاهست و بزه نبود بر شما در آنچه

عرضتم به من خطبة النساء أو أكننتم في أنفسكم

تعریض کنید شما بدان از کابین زنان یا باز پوشانید شما در تنهای خود

علم الله أنكم ستذكرونهن ولكن لا تواعدوهن سرا إلا

دانست خدا که شما زود بود که یاد آورید ایشان را و لیکن وعده مدهید ایشان را پنهانی مگر

أن تقولوا قولا معروفا ولا تعزموا عقدة النكاح حتى

آنکه گویید گفتاری نیکو و دل منهید بر عقد زناشویی تا

يبلغ الكتاب أجله واعلموا أن الله يعلم ما في أنفسكم فاحذروه

برسد مدت عدت بآخر بوعده خود و بدانید که خدا میداند آنچه در تنهای شماست پس بترسید ازو

خمس

واعلموا أن الله غفور حليم ۝ لا جناح عليكم إن طلقتم النساء

و بدانید که خدا آمرزگار بردبارست بزه نبود بر شما اگر طلاق دهید شما زنان را

ما لم تمسوهن أو تفرضوا لهن فريضة ومتعوهن على الموسع

مادام که نرسیده باشید بدیشان یا باز بریده باشید مر ایشان را مهری و برسید زنان را آنچه منتفع شوند بر توانگر بود

قدره وعلى المقتر قدره متاعا بالمعروف حقا على المحسنين
مقدار طاقت او بر درویش بود مقدار طاقت او برخورداری بنیکوئی واجبی بر نیکوکاران
وإن طلقتموهن من قبل أن تمسوهن وقد فرضتم لهن فريضة
واگر طلاق دهید ایشان را از پیش آنک رسیده باشید بدیشان و باز بریده باشید مر ایشان را تعیینی
فنصف ما فرضتم إلا أن يعفون أو يعفو الذي بيده عقدة
پس نیمه بود آنچه باز بریده باشید شما مگر آنک درگذرند ایشان یا درگذرند آنکسی که بدست اوست عقد
النكاح وأن تعفوا أقرب للتقوى ولا تنسوا الفضل بينكم
زناشوهری واگر عفو کنید نزدیکتر بود بپرهیزکاری و فراموش مکنید فضل و افزونی میان یکدیگر
إن الله بما تعملون بصير حافظوا على الصلوات والصلوة الوسطى
پرستی که خدا بدانچه شما میکنید بیناست مداومت نمائید ای داوموا بر نمازهای پنج گانه خاصه نماز پیشین و دیگر
وقوموا لله قانتين فإن خفتم فرجالا أو ركبانا فإذا أمنتم
و باز ایستید مر خدا را فرمان برداران پس اگر ترسید شما از دشمن پس پیاده گزارید یا سواره پس چون ایمن شده باشید
فاذكروا الله كما علمكم ما لم تكونوا تعلمون والذين
پس یاد کنید خدا را همچنانک درآموخت شما را آنچه ندانستید شما و آنها
يتوفون منكم ويذرون أزواجا وصية لأزواجهم متاعا
که بمیرند از شما و بگذارند زنان را وصیت کردنی بود مر بجفتان خود را برخورداری
إلى الحول غير إخراج فإن خرجن فلا جناح عليكم فيما فعلن
تا بیکسال نه بیرون کردن پس اگر بیرون روند پس بزه نباشد بر شما در آنچه ایشان کرده باشند

عشر
في أنفسهن من معروف والله عزيز حكيم وللمطلقات متاع
در تنهای خود از نیکوئی و خدا غالب محکم کارست و مر زنان طلاق داده را برخورداری
بالمعروف حقا على المتقين كذلك يبين الله لكم آياته
بنیکوئی واجبی بر پرهیزکاران همچنین روشن میکند خدا مر شمارا نشانهای خود
لعلكم تعقلون ألم تر إلى الذين خرجوا من ديارهم وهم
تا بود که شما دریابید ای ننگریستی بدانها که بیرون آمدند از سرایهای خود و ایشان
ألوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم أحياهم إن الله لذو
هزاران بودند از ترس مرگ پس گفت مر ایشان را خدا که بمیرند پس زنده گردانید ایشان را براستی که خدا خداو
فضل على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون وقاتلوا
فضلست بر مردمان ولیکن بیشترین مردمان شکر نمیکنند و کارزار کنید
في سبيل الله واعلموا أن الله سميع عليم من ذا الذي يقرض الله
در راه خدا و بدانید که خدا شنواست داناست کیست آنکه قرض دهد خدا را
قرضا حسنا فيضاعفه له أضعافا كثيرة والله يقبض
قرضی نیکو پس دوچندان گرداند آنرا برای او دوچندان گردانیدنی بسیار و خدا تنگ بازکرد
خمس
ويبسط وإليه ترجعون ألم تر إلى الملإ من بني إسرائيل من بعد
و فراخ بگستراند و با جزاء او بازگردانیده شوند ای ننگریستی با سران از فرزندان یعقوب
موسى إذ قالوا لنبي لهم ابعث لنا ملكا نقاتل في سبيل الله
موسی چون گفتند مر پیغمبری که مر ایشان را بود بفرست برای ما پادشاهی تا کارزار کنیم در راه خدا

قال هل عسيتم إن كتب عليكم القتال ألا تقاتلوا قالوا
گفت ای بیچ شاید بود که شما اگر نوشته شود بر شما کارزار که کارزار نکنید گفتند
وما لنا ألا نقاتل في سبيل الله وقد أخرجنا من ديارنا وأبنائنا
وچیست مارا که کارزار نکنیم در راه خدا و بدرستی که بیرون کرده شدیم از سراهای ما و پسران ما
فلما كتب عليهم القتال تولوا إلا قليلا منهم والله عليم
پس چون نوشته شد بریشان کارزار برگشتند مگر اندکی از ایشان و خدا داناست
بالظالمين ● وقال لهم نبيهم إن الله قد بعث لكم طالوت ملكا
بحال ستمکاران وگفت مرایشانرا پیغمبر ایشان بدرستی که خدا برنشاند شمارا طالوت پادشاهی
قالوا أنى يكون له الملك علينا ونحن أحق بالملك منه ولم يؤت سعة
فراخی
گفتند از کجا بود مراورا پادشاهی بر ما و ما سزاوارتریم بپادشاهی ازو و نداده اند اورا
من المال قال إن الله اصطفه عليكم وزاده بسطة
از مال گفت بدرستی که خدا برگزیده اورا بر شما و زیادت کرد اورا فراخی
في العلم والجسم والله يؤتي ملكه من يشاء والله واسع
در دانش و تن و خدا بدهد پادشاهی خود آنرا که خواهد و خدا فراخ رحمت
عليم ● وقال لهم نبيهم إن آية ملكه أن يأتيكم
داناست وگفت مرایشانرا پیغمبر ایشان که نشان پادشاهی او آنست که آورد بشما
التابوت فيه سكينة من ربكم وبقية مما ترك آل موسى
تابوتی که در آن بود آرامی از پروردگار شما و بازمانده از آنچه بگذاشتند آل موسی

وآل هارون تحمله الملائكة إن في ذلك لآية لكم إن كنتم
وآل هارون برداشته آنرا فرشتگان بدرستی که در آن هر آینه نشانیست شمارا اگر هستید
مؤمنين ● فلما فصل طالوت بالجنود قال إن الله مبتليكم بنهر
مؤمنان پس چون جدا شد طالوت بالشکرهای خود گفت بدرستی که خدا آزماینده شماست بجوی
فمن شرب منه فليس مني ومن لم يطعمه فإنه مني إلا من اغترف
پس هر که بیاشامد ازان آب پس نیست از من و هر که نخورد ازان پس او از منست مگر آنکه کفی برگیرد
غرفة بيده فشربوا منه إلا قليلا منهم فلما جاوزه هو والذين
کفی بدست خود پس آشامیدند ازان مگر اندکی از ایشان پس چون درگذشت ازو او و آنها
آمنوا معه قالوا لا طاقة لنا اليوم بجالوت وجنوده قال الذين
که گرویده بودند باوی گفتند نیست مارا طاقتی امروز بجالوت و لشکرهای او گفتند آنها
يظنون أنهم ملاقوا الله كم من فئة قليلة غلبت
که یقین دانستند که ایشان بازرسیده اند بخدا که بسا از گروهی اندک که غلبه کردند
فئة كثيرة بإذن الله والله مع الصابرين ● ولما برزوا لجالوت
بر گروهی بسیار بفرمان خدا و خدا با صابرانست وچون بیرون آمدند جالوت
وجنوده قالوا ربنا أفرغ علينا صبرا وثبت أقدامنا وانصرنا على
ولشکرهای او گفتند ای پروردگار ما بریز بر ما صبری و ثابت بدار قدمهای مارا و یاری ده مارا بر
القوم الكافرين ● فهزموهم بإذن الله وقتل داود جالوت
گروه کافران پس هزیمت کردند ایشانرا بفرمان خدا و بکشت داود جالوت

عشر

وَآتَاهُ اللّٰهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ

وبداد اورا خدا پادشاهی وحکمت ودرآموخت اورا از آنچه خواست واگر نه دفع کردن خدای بودی مردمانرا

بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللّٰهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

بعضی ایشان ببعضی هر آینه تباه شدی زمینها ولیکن خدا خداوند فضلست برجهانیان

تِلْكَ آيَاتُ اللّٰهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

آنست نشانهای خدا که میخوانیم آنرا برتو بحق وبدرستی که تو از جمله رسولانی

الجزو الثالث

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللّٰهُ وَ

آنند رسولان که افزونی نهادیم ما بعضی ایشانرا بر بعضی از ایشان کس هست که سخن میگوید با او خدا

رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ

وبرافراشت بعضی ایشانرا بمرتبه ومنزلت وبدادیم ما عیسی پسر مریم را معجزات ونیرومند گردانیدیم اورا

بِرُوحِ الْقُدُسِ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ

بجبرئیل پاک مقدس واگر خواستی خدا کارزار نکردندی آنها که از پس ایشان بودند از پس

مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ

آنچه آمد بدیشان حجتها ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کس هست که بگروید واز ایشان

مَنْ كَفَرَ وَلَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَٰكِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

کس هست که کافر شد واگر خواستی خدا کارزار نکردندی ولیکن خدا بکند آنچه خواهد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ

ای آنها که بگرویده اید نفقت کنید از آنچه روزی کردیم شما را از پیش آنکه آید روزی

لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ

بیع خرید و فروختی نبود درآنروز ونه دوستی ونه خواهشی وکافران ایشانند ستمکاران

اللّٰهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

خدایست نیست معبودی بجز او زنده پاینده است وانگیرد اورا نه خواب سبک ونه خواب سنگین مراوراست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

وآنچه در زمینست کیست آنکه شفاعت کند نزدیک او مگر بفرمان او میداند آنچه در پیش ایشانست

وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ

وآنچه از پس ایشان بود ودر نرسند بچیزی از دانش او بدانچه خواسته بود فراخ برسید کرسی او

خمس

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

آسمانها وزمین ودرنماند بنگهداشتن ایشان واوست او برتر بزرگوار

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ

نیست الزام نمودن در دین بدرستی که روشن شد راه صواب از بیراهی پس هر که کافر شود بطاغوت

وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللّٰهُ

وبگرود بخدا پس بدرستی که درآویخته بود بأصلی استوارتر که گسستی نبود مرآنرا وخدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

شنوا دانا است خدا دوست آنهاست که بگرویدند بیرون آورد ایشانرا از تاریکیهای بنور ایمان

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ

وآنها که کافر شدند دوستان ایشان بتانند بیرون آورند ایشانرا از نور ایمان بتاریکیهای کفر

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ

آن گروه اصحاب آتش اند ایشان در آنجا همیشه باشند ای نگرستی بآنک با خصومت کرد

إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي

با ابرهیم در حق پروردگار او که بداد او را خدا پادشاهی چون گفت ابرهیم پروردگار من آن خدایست که زنده کند

وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ

و بمیراند گفت نمرود من نیز زنده کنم و بمیرانم گفت ابرهیم که خدا می آورد آفتاب را

مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

از مشرق پس بیار آنرا از مغرب که حیران شد آنک کافر بود و خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا

گروه ستمکاران را یا همچون آنکسی است که بگذشت بر اهل دیهی و آن افتاده بود بر سقفهای آن

قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ

گفت عزیر چگونه زنده کند این را خدا پس از مرگ آن پس بمیرانید او را خدا صد سال پس

بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ

برانگیخت او را گفت خدا چند درنگ کردی گفت عزیر درنگ کردم روزی یا بعضی از روز گفت جبرئیل بلک درنگ کردی

مِائَةَ عَامٍ فَانْظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانْظُرْ إِلَىٰ

صد سال پس بنگر بسوی خوردنی خود و آشامیدنی خود که رنگ و بوی بنگردانیده است و بنگر بسوی

حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِزُهَا

خر خود و تا بکنیم مر ترا نشانی برای مردمان و بنگر بسوی استخوانها که چگونه زنده میگردانیم

ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ

پس در می پوشانیم آنرا گوشتی پس چون روشن شد مر او را گفت میدانم که خدا بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ

چیزی تواناست و چون گفت ابرهیم ای پروردگار من بنمای مرا که چگونه زنده میکنی مردگان را گفت

أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً

ای نگرویده گفت آری ولیکن تا آرام گیرد دل من گفت پس فا گیر چهار

مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا

مرغ را پس میل ده آنهارا بسوی خود بجهت تأمل و اشکال پس بکن بر سر هر کوهی از آنها پاره

عشر ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ

پس برخوان آنهارا تا آیند بتو بشتاب و بدان که خدا غالب محکم کارست مثل آنها

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ

که نفقت میکنند مالهای خودرا در راه خدا همچون دانه ایست که برویانید هفت

سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ

خوشه را در هر خوشه صد دانه بود و خدا دوچندان گرداند مر آنرا که خواهد

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و خدا فراخ رحمت داناست آنها که نفقت میکنند مالهای خودرا در راه خدا

ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

پس در پی نمیدارند آنچه نفقت کردند منتی و نه رنج رسانیدنی مر ایشان را بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان

ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون • قول معروف ومغفرة
وهیچ ترسی نبود بریشان ونه ایشان اندوهگین باشند گفتاری نیکوئی و آمرزشی
خير من صدقة يتبعها أذى والله غني حليم • يا أيها الذين
بهتر از صدقه که در پی آن بود رنجی وخدا بی نیازست وبردبار ای آنها
آمنوا لا تبطلوا صدقاتكم بالمن والأذى كالذي ينفق
که بگرویده‌اند باطل مکنید صدقهای خودرا بمنت نهادن ورنج رسانیدن همچون آنکسی که نفقت کند
ماله رئاء الناس ولا يؤمن بالله واليوم الآخر فمثله كمثل
مال خودرا برو ریاد مردمان ونگرود بخدا ونه بروز آخرت پس مثل او همچون مثل
صفوان عليه تراب فأصابه وابل فتركه صلدا لا يقدرون
سنگی سخت که بران بود خاکی پس برسد بدان بارانی پس بگذارد آنرا پاک از غبار توانائی ندارند
على شيء مما كسبوا والله لا يهدي القوم الكافرين •
بر چیزی از آنچه اندوخته باشند وخدا راه ننماید گروه کافرانرا
ومثل الذين ينفقون أموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتا
ومثل آنها که نفقت میکنند مالهای خودرا از بهر جستن خشنودی خدا وثابت گردانیدن
من أنفسهم كمثل جنة بربوة أصابها وابل فآتت
از تنهای ایشان همچون مثل بستانی بود بر زمینی نیکو که برسد بدان بارانی بزرگ قطره ... آورد
أكلها ضعفين فإن لم يصبها وابل فطل والله بما تعملون
بار خودرا دو باره پس اگر نرسد بدان بارانی بزرگ قطره پس برسد بدان بارانی خرد قطره وخدا بآنچه میکنید

خمس

بصير • أيود أحدكم أن تكون له جنة من نخيل وأعناب
بینا ای آرزو میکند هیچ کس از شما که باشد مراورا بستانی از خرمابنان وانگوربنها
تجري من تحتها الأنهار له فيها من كل الثمرات وأصابه
که رود از زیر درختهای آن جویهای روان مراورا بود درآنجا از همه میوهای ودر رسید بدو
الكبر وله ذرية ضعفاء فأصابها إعصار فيه نار فاحترقت
پیری ومراورا بود فرزندانی بیچاره پس برسد بدو گردبادی که در آن بود آتشی پس بسوزد
كذلك يبين الله لكم الآيات لعلكم تتفكرون •
همچنین روشن میکند خدا مرشمارا نشانهارا تا بود که شما اندیشه کنید
يا أيها الذين آمنوا أنفقوا من طيبات ما كسبتم ومما
ای آنها که بگرویده‌اید نفقت کنید از پاکیهای آنچه اندوخته‌اید شما واز آنچه
أخرجنا لكم من الأرض ولا تيمموا الخبيث منه تنفقون
بیرون کردیم ما مرشمارا از زمین وقصد مکنید مال زشت پلیدرا که ازان نفقت میکنید
ولستم بآخذيه إلا أن تغمضوا فيه واعلموا أن الله غني
ونیستید شما فراگیرنده آنرا که چشم خوابانیده دارید ومسامحه نمائید درآن وبدانید که خدا بی نیاز
حميد • الشيطان يعدكم الفقر ويأمركم بالفحشاء
ستوده است دیو وعده میدهد شمارا بدرویشی ومیفرماید شمارا بناشایست
والله يعدكم مغفرة منه وفضلا والله واسع عليم •
وخدا وعده میدهد شمارا بآمرزش از قبل خود وافزونی وخدا فراخ رحمت داناست

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا

بدهد حکمت آنرا که خواهد و هرکرا بدهند حکمت پس بدرستی که داده باشند او را خیری بسیار

وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ

و پند نگیرند مگر خداوندان خردها و آنچه نفقت کنید شما از نفقه یا نذر کنید شما

عشر مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ۝ إِنْ تُبْدُوا

از نذری پس بدرستی که خدا بداند آنرا و نبود مر ستمکارانرا هیچ یاری کننده اگر آشکارا کنید

الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ

صدقات را پس نیکو چیزیست آن و اگر پنهان کنید آنرا و بدهید آنرا بدرویشان پس آن

خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا

بهتر بود شمارا و باز پوشانیم از شما بدیهای شمارا و خدا بدانچه

تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي

شما میکنید آگاهست نیست بر تو راه نمودن ایشان ولیکن خدا راه نماید

مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا

آنرا که خواهد و آنچه نفقت کنید از نیکی پس سود مر تنهای شمارا بود و نفقت نکنید مگر

ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ

از بهر جستن رضای خدا و آنچه نفقت کنید از نیکی تمام بدهند بشما مزد آنرا و شمارا

لَا تُظْلَمُونَ ۝ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ

ستم نکنند آن صدقات درویشانرا که آنها را بود که محبوس اند در راه خدا توانائی نداشته باشند

ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ

رفتنی در زمین پندارد ایشانرا نادان توانگر از نگاه داشتن خودرا از سؤال شناسی تو ایشانرا

بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ

بسیمای ایشان نخواهند از مردمان بمبالغه و الحاح و آنچه نفقت کنید از نیکی

فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ حزب

پس خدا بدان داناست آنها که نفقت میکنند مالهای خودرا بشب و روز

سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

پنهان و آشکارا پس مر ایشانرا بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و هیچ ترسی نبود بر ایشان

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا حزب

و نه ایشان اندوهگین باشند آنها که میخورند مال ربارا بر نخیزند مگر همچون آنکه

يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا

برخیزد آنکسی که بر گشته کرده بود او را دیو از دیوانگی آن بسبب آنست که ایشان گفتند

الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ

خرید و فروخت مانند رباست و حلال کرد خدا خرید و فروخت را و حرام کرد ربارا هرکرا آید بدو پندی

مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَىٰ فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

از پروردگار او باز ایستد پس مر او را بود آنچه گذشت و کار او مفوض با خدا و هرکه باز گردد پس آن گروه اصحاب

النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ

آتش اند ایشان در آنجا همیشه باشند زایل گرداند خدا ربارا و بیفزاید در صدقات

وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ اَثِيمٍ ۝ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وخدا دوست ندارد هر ناسپاس بزه كاررا بدرستي كه آنها كه بگرويدند وكارهاي نيكو كردند

وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا

وبپاي داشتند نمازرا وبدادند زكات را مرايشانرا بود نزد ايشان نزديك پروردگار ايشان

خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ

وهيچ ترسي نبود برايشان ونه ايشان اندوهگين باشند اي آنها كه بگرويده ايد بترسيد از خدا

وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبٰوا اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ فَاِنْ لَمْ تَفْعَلُوا

وبگذاريد آنچه مانده است از ربا اگر هستيد شما مومنان پس اگر نكنيد

فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ اَمْوَالِكُمْ

پس دانا شويد به كارزاري وجنگي از خدا ورسول او واگر بازآييد شما پس مرشماراست اصل مالهاي شما

لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ۝ وَاِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَيْسَرَةٍ

ستم نكنيد شما وبر شما ستم نكنند بادادن راس المال واگر باشد خداوند تنگدستي پس واجب بود مهلت دادن تا هنگام توانگري

وَاَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا

واگر صدقه دهيد بهتر بود مرشمارا اگر هستيد شما ميدانيد وبترسيد از آن روزي

تُرْجَعُونَ فِيهِ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ تُوَفّٰى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

كه بازگردانيده شويد در آن روز بالخدا پس تمام بدهند هر تني را جزاء آنچه اندوخته بود وايشانرا ستم نكنند

يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ

اي آنها كه بگرويده ايد چون معاملت كنيد شما كه در آن ديني بود تا اجلي نام نهاده پس باز نويسيد آنرا

عشر

وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ اَنْ يَكْتُبَ

وبايد كه باز نويسد ميان شما نويسنده بعدل وداد وبايد كه سرباز نزند نويسنده كه باز نويسد

كَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهُ

همچنانك درآموخت اورا خدا پس بايد كه باز نويسد وبايد كه تقرير كند آنك بروست دين وبايد كه بترسد از خدا كه پروردگار اوست

وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَاِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا اَوْ

وباز نكاهاند ازان چيزي پس اگر باشد آنك بروست وام جاهل بتصرف ويا

ضَعِيفًا اَوْ لَا يَسْتَطِيعُ اَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَ

ضعيف يا توانائي ندارد كه املا كند تقرير كند آنك متولي كار او بود بعدالت

اسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَاِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ

وگواه بركيرند دو گواه از مردان شما پس اگر نباشند دو مرد

فَرَجُلٌ وَامْرَاَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰيهُمَا

پس مردي ودو زن آزانك بپسنديد از گواهان كه اگر فراموش كند يكي از آن دو

فَتُذَكِّرَ اِحْدٰيهُمَا الْاُخْرٰى وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ اِذَا مَا دُعُوا وَلَا

ياد آورد يكي ازان دو آن ديگررا وبايد كه سرباز نزنند گواهان چون خوانند ايشان

تَسْأَمُوا اَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا اَوْ كَبِيرًا اِلٰى اَجَلِهِ ذٰلِكُمْ اَقْسَطُ

وملول مشويد كه نويسيد آن دين را نه كوچك ونه بزرگ تا اجل آن آنستان بعدالت تر

عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰى اَلَّا تَرْتَابُوا اِلَّا اَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً

نزديك خدا وراست تر بگواهي دادن ونزديكتر بآنك در شك نيفتيد شما مگر آنكه باشد بازرگاني كه بالش بدهيد

تديرونها بينكم فليس عليكم جناح الا تكتبوها واشهدوا اذا
گردانید آنرا میان یکدیگر دست بدست پس نبود بر شما بزه که باز پوشانید آنرا وگواه بر گیرید چون
تبايعتم ولا يضار كاتب ولا شهيد وان تفعلوا فانه فسوق
خرید و فروخت نمائید شما ونباید که گزند رسانید نویسنده را ونه گواه را واگر کنید پس آن نافرمانیست
بكم واتقوا الله ويعلمكم الله والله بكل شيء عليم
بشما وبترسید از خدا ودر می آموزاند شمارا خدا وخدا بهمه چیزی داناست
وان كنتم على سفر ولم تجدوا كاتبا فرهان مقبوضة فان امن
واگر باشید شما بر سر سفر ونیابید نویسنده را پس گروگانی بود ربایستده پس اگر ایمن گرداند
بعضكم بعضا فليؤد الذي اؤتمن امانته وليتق الله ربه ولا
بعضی شما بعضی را پس باید که ادا کند آنک کاورا امین داشته باشید امانت اورا وباید که بترسید از خدا که پروردگار اوست
تكتموا الشهادة ومن يكتمها فانه اثم قلبه والله بما تعملون
وباز مپوشانید گواهی را وهرکه باز پوشانید آنرا پس بزه مند بود دل او وخدا بدانچه میکنید
عليم لله ما في السموات وما في الارض وان تبدوا ما في انفسكم
داناست مر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست واگر آشکارا کنید آنچه در تنهای شماست
او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء
یا پنهان کنید آنرا حساب کند شمارا بدان خدا پس بیامرزد مر آنرا که خواهد وعذاب کند آنرا که خواهد
والله على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون
وخدا بر همه چیزی تواناست بگروید پیغمبر بدانچه فرو فرستاده شد بدو از پروردگار او ومؤمنان

خمس

كل امن بالله وملئكته وكتبه ورسله لا نفرق بين احد
همه ایمان آوردند بخدا وبفرشتگان او وبکتابهای او وبرسولان او جدائی نکنیم میان هیچ یکی
من رسله وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك المصير
از رسولان او وگفتند شنیدیم ما وفرمان بردیم ما بیامرز تو ای پروردگار ما وبا تست بازگشت
لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها ما كسبت وعليها ما
تکلیف نفرماید خدا هیچ تنی را مگر بقدر وسع وطاقت آن تن مر آنرا بود آنچه اندوخته بود وبرو بود وبال آنچه
اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا ان نسينا او اخطانا ربنا
اندوخته بود ای پروردگار ما فرا مگیر مارا اگر فراموش کاری کردیم ما یا گناه وخطا کنیم ای پروردگار ما
ولا تحمل علينا اصرا كما حملته على الذين من قبلنا ربنا
ومنه بر ما باری گران همچنانک نهادی آنرا بر آنها که پیش از ما بودند ای پروردگار ما
ولا تحملنا ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
ومنه بر ما آنچ نیست طاقت مارا بدان ودر گذر از ما وبیامرز مارا ورحمت کن بما
انت مولنا فانصرنا على القوم الكافرين
توئی خداوند ما پس یاری ده مارا بر گروه کافران

سورة آل عمران مائتان آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ● الله لا اله الا هو الحي القيوم ● نزل عليك الكتاب بالحق

نیم خدای که بیدایم معبود بسزا نیست خدایی مگر او زنده پاینده فرو فرستاد بر تو قرآن را بحق

مصدقا لما بين يديه وانزل التورية والانجيل ● من قبل هدى

باور دارنده مر آنچه در پیش آنست و فرو فرستاد تورات و انجیل را از پیش راه نمونی

للناس وانزل الفرقان ● ان الذين كفروا بايات الله لهم

مردمان را و فرو فرستاد کتاب فاروق را بدرستی که آنها که کافر شدند بنشانهای خدا مر ایشان را بود

عذاب شديد والله عزيز ذو انتقام ● ان الله لا يخفى عليه

عذابی سخت و خدا پیروزمند است خداوند کینه کشیدن بدرستی که خدا پوشیده نیست برو

شيء في الارض ولا في السماء ● هو الذي يصوركم في الارحام

خمس

چیزی نه در زمین و نه در آسمان اوست آن خدایی که صورت میکند شما را در رحمها

كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم ● هو الذي انزل عليك

چنانکه خواهد نیست خدایی مگر او خدای غالب محکم کار اوست آن خدایی که فرو فرستاد بر تو

الكتاب منه ايات محكمات هن ام الكتاب واخر متشابهات

[illegible] از آن هست نشانهای محکم که آنها اصل کتابند و دیگر بهم ماننده

فاما الذين في قلوبهم زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة

پس اما آنها که در دلهای ایشان کژی هست پس پیروی میکنند آنچه بهم مانندە است از آن از بهر جستن فتنه

وابتغاء تاويله وما يعلم تاويله الا الله والراسخون في العلم

و از بهر جستن عدول از کار [illegible] و نمیدانند تاویل آنرا چنانکه هست مگر خدا و استواران در علم

يقولون امنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا اولوا الالباب ●

میگویند گرویدیم ما بدان همه از نزد پروردگار ماست و پند نگیرند مگر خداوندان خردها

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة

ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزدیک رحمتی

انك انت الوهاب ● ربنا انك جامع الناس ليوم لا ريب فيه

بدرستی که تویی بخشاینده ای پروردگار ما بدرستی که تو جمع کننده مردمانی مر روزی را که هیچ شکی نیست در آن

ان الله لا يخلف الميعاد ● ان الذين كفروا لن تغني عنهم

بدرستی که خدا خلاف نکند وعده را بدرستی که آنها که کافر شدند هرگز بنگزارند از ایشان

عشر

اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك هم وقود النار ●

مالهای ایشان و نه فرزندان از عذاب خدا چیزی را و آن گروه ایشان هیمه دوزخ آتش

كداب ال فرعون والذين من قبلهم كذبوا باياتنا

همچون خو و عادت فرعونیانست و آنها که پیش از ایشان بود که بدروغ داشتند نشانهای ما را

فاخذهم الله بذنوبهم والله شديد العقاب ● قل للذين

پس بگرفت ایشان را خدا بسبب گناهان ایشان و خدا سخت عقوبتست بگو مر آنها را

كفروا ستغلبون وتحشرون الى جهنم وبئس المهاد ● قد كان

که کافر شدند مغلوب شوید و حشر کرده شوید بسوی دوزخ و بد آرامگاهیست بدرستی که هست

لكم اية في فئتين التقتا فئة تقاتل في سبيل الله واخرى

مر شما را نشانی در حق دو گروه که بهم رسیدند گروهی کارزار میکنند در راه خدا و دیگر

كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ

کافران می‌دیدند مسلمانانرا دو مانند ایشان کافران دیدن بچشم خدا نیرومند کرداند بنصرت خود آنرا که خواهد

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ • زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

بدرستی که در آن مرا پنه عبرتیست مر خداوندان بینایها را آراسته شد مردمانرا دوستی شهوتها

مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَ

از زنان و پسران و مالهای بسیار گرد آورده از طلا و نقره

الْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ

و اسپان نشان کرده و چهارپایان و کشت زرع آن برخورداری زندگانی دنیاست و خدا

عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ • قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا

نزدیک اوست نیکو بازگشتن جای بگو ای پیامبر آیا خبر کنم شما را بهتر از اینها مر آنهارا که پرهیزیدند

عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ

نزد پروردگار خود بستانهاست که رود از زیر درختهای آن جویها روان همیشه باشند در آنجا

أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ • الَّذِينَ نصف

و همجفتان پاکیزه و خشنودی از خدا و خدا بیناست ببندگان آنها

يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

که میگویند ای پروردگار ما بدرستی که ما گرویدیم پس بیامرز مارا گناهان ما و بازدار از ما عذاب آتش را

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ

صبر کنندگان اند بلا و راست گویان و نماز گزارندگان و نفقت کنندگان مال و آمرزش خواهندگان

بِالْأَسْحَارِ • شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ

بسحرگاهان گواهی داد خدا که نیست خدایی مگر او و فرشتگان و خداوندان دانش

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ

ایستاده اند بعدالت نیست خدایی مگر او غالب محکم کارست بدرستی که دین نزد خدا

الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا

اسلامست و اختلاف نکردند آنها که بداده شد ایشانرا کتاب مگر از پس آنچه

جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ

آمد بدیشان دانش ستمی میان ایشان و هر که کافر شود بنشانهای خدا پس بدرستی که خدا

سَرِيعُ الْحِسَابِ • فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ

زود شمارست پس اگر خصومت کنند با تو بگو خالص کردانیدم دین خود مر خدایرا و آنرا

اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ ءَأَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا

که پیروی کرد مرا و بگو مر آنهارا که بداده شد ایشانرا کتاب و آنان که اهل کتاب نه اند ای منقاد شدید شما پس اگر منقاد شوند

عشر فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

پس بدرستی که راه یافته باشند و اگر برگردند پس بدرستی که بر تو رسانیدن است و خدا بیناست ببندگان

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ

بدرستی که آنها که کافر شدند بنشانهای خدا و میکشتند پیغمبرانرا بناحق

وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ

و میکشتند آنهارا که میفرمودند بعدالت از مردمان پس بشارت ده ایشانرا

بعذاب اليم ۝ اولئك الذين حبطت اعمالهم في الدنيا والاخرة

بعذابی دردناک آن گروه آنهااند که باطل شد عملهای ایشان در دنیا و آخرت

وما لهم من ناصرين ۝ الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب

و نبود وایشانرا هیچ یاری کننده ای نمی نگریستی بدانها که بداده شد ایشانرا از کتاب

يدعون الى كتاب الله ليحكم بينهم ثم يتولى فريق منهم

که خوانده شده اند با کتاب خدای تا حکم کند میان ایشان پس برگشتند گروهی از ایشان

وهم معرضون ۝ ذلك بانهم قالوا لن تمسنا النار الا اياما

و ایشان برگردنده اند آن بسبب آنست که ایشان گفته هرگز نرسد ما را آتش مگر در روزهای

معدودات وغرهم في دينهم ما كانوا يفترون ۝

شمرده شده و بفریفت ایشانرا در دین ایشان آنچه بودند بر می بافتند

فكيف اذا جمعناهم ليوم لا ريب فيه ووفيت كل نفس

پس چگونه بود حال ایشان چون جمع آوریم ما ایشانرا در روزی که هیچ شک نیست در آن و تمام بدهند مر تن را جزاء

ما كسبت وهم لا يظلمون ۝ قل اللهم مالك الملك توتي خمس

آنچه کرده باشند و ایشانرا ستم نکنند بگو ای بار خدایا ای پادشاه پادشاهان بدهی

الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل

پادشاهی آنرا که خواهی و بازستانی پادشاهی از آنکه خواهی و عزیز کنی آنرا که خواهی و ذلیل کنی

من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير ۝ تولج الليل في

آنرا که خواهی بید قدرت تست خیر بدرستی که تو بر همه چیزی توانائی در می آوری شب را در

النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت

روز و در می آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده و بیرون می آوری مرده را

من الحي وترزق من تشاء بغير حساب ۝ لا يتخذ المؤمنون

از زنده و روزی می دهی آنرا که خواهی بی شمار نباید که فرا گیرند مؤمنان

الكافرين اولياء من دون المؤمنين ومن يفعل ذلك

کافرانرا بدوستان از جز مؤمنان و هر که کند آن

فليس من الله في شيء الا ان تتقوا منهم تقاة ويحذركم الله

نیست او از خدا در چیزی مگر آنکه بپرهیزید از ایشان پرهیزیدنی و می ترساند شما را خدا

نفسه والى الله المصير ۝ قل ان تخفوا ما في صدوركم او تبدوه

از خویشتن و بخدا است بازگشت کار بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینهای شماست یا آشکار کنید

يعلمه الله ويعلم ما في السموات وما في الارض والله على كل

داند آنرا خدا و میداند آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و خدا بر همه

شيء قدير ۝ يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا وما

چیزی تواناست روزی که یابد هر تنی جزاء آنچه کرده بود از نیکی حاضر و آنچه

عملت من سوء تود لو ان بينها وبينه امدا بعيدا ويحذركم الله

کرده بود از بدی آرزو کند که میان آن بدی و میان او غایتی دور بودی و می ترساند شما را خدا

عشر نفسه والله رءوف بالعباد ۝ قل ان كنتم تحبون الله

از عقوبت خود و خدا مهربانست ببندگان بگو اگر هستید شما دوست میدارید خدا

فاتبعوني يحببكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم
پس پیروی کنید مرا دوست دارد شما را خدا وبیامرزد شما را گناهان شما وخدا آمرزگار مهربانست
قل اطيعوا الله والرسول فان تولوا فان الله لا يحب الكافرين
بگو فرمان برید خدا را ورسول را پس اگر برگردند پس بدرستی که خدا دوست ندارد کافران را
ان الله اصطفى آدم ونوحا وآل ابرهيم وآل عمران على
بدرستی که خدا برگزید آدم ونوح را وآل ابرهیم را وآل عمران را بر
العالمين ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم اذ قالت
جهانیان زمانه ایشان فرزندی بعضی آنها را از بعضی وخدا شنوانست ودانا چون گفت
امرأت عمران رب اني نذرت لك ما في بطني محررا فتقبل
زن عمران ای پروردگار من بدرستی که من نذر کردم ترا آنچه در شکم منست آزاد پس قبول کن
مني انك انت السميع العليم فلما وضعتها قالت رب
از من بدرستی که تو شنونده دانای پس چون بار نهاد مریم را گفت ای پروردگار
اني وضعتها انثى والله اعلم بما وضعت وليس الذكر كالانثى
بدرستی که من بار بنهادم ماده را وخدا داناتر بآنچه بار بنهادم ونیست نرینه همچون مادینه
واني سميتها مريم واني اعيذها بك وذريتها من الشيطان
وبدرستی که من نام نهادم او را مریم وبدرستی که من پناه میدهم او را بتو وفرزندان او را از دیو
الرجيم فتقبلها ربها بقبول حسن وانبتها نباتا
رانده پس قبول کرد آنرا پروردگار او بپذیرفتنی نیکو وبرویانید او را رویانیدنی

خمس

حسنا وكفلها زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب
نیکو وپاینده او کردانید زکریا را هرگاه که در آمدی برو زکریا در پیش محراب
وجد عندها رزقا قال يا مريم انى لك هذا قالت هو من
یافتی نزد او روزی گفتی ای مریم از کجا بود مر ترا این گفتی آن از
عند الله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب هنالك دعا زكريا
نزد خداست بدرستی که خدا روزی دهد آنرا که خواهد بی شمار آنجا نگاه بر خواند زکریا
ربه قال رب هب لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء
پروردگار خود را گفت ای پروردگار من ببخش مرا از نزدیک خود فرزندی پاک پاکیزه بدرستی که تو شنونده دعای
فنادته الملائكة وهو قائم يصلي في المحراب ان الله يبشرك
پس بر خواندند او را فرشتگان واو ایستاده بود نماز میکزارد در پیش محراب که خدا بشارت میدهد ترا
بيحيى مصدقا بكلمة من الله وسيدا وحصورا ونبيا من
بیحیی براستی دارنده بفرزندی از قدرت خدا ومهتری از قوم بود وبازدارنده خود را وپیغمبری بود از جمله
الصالحين قال رب انى يكون لي غلام وقد بلغني الكبر
نیکوکاران گفت ای پروردگار من از کجا بود مرا فرزندی وبدرستی که دریافت مرا پیری
وامرأتي عاقر قال كذلك الله يفعل ما يشاء قال رب اجعل لي
وزن من نازاینده است گفت جبرئیل همچنین است خدا میکند آنچه خواهد گفت ای پروردگار بکن مرا
آية قال آيتك الا تكلم الناس ثلثة ايام الا رمزا واذكر
نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نگوئی با مردمان سه روز مگر برمز وباد کن

رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ● وَإِذْ قَالَتِ الْمَلٰئِكَةُ
پروردگار خودرا بسیار وتسبیح کن اورا شبانگاه وبامداد وچون گفتند فرشتگان
يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ●
ای مریم بدرستی که خدا برگزید ترا وپاک گردانید ترا وبرگزید ترا بر زنان زمانهٔ شما
يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ●
ای مریم فرمان بردار پروردگار خودرا وسجود کن ورکوع کن با رکوع کنندگان
ذٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ
آن از خبرهای غیبست که وحی میکنیم آنرا بتو ونبودی تو نزدیک ایشان چون می انداختند
أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ●
قلمها خودرا برای قرعه در آب که بدان توریة می نوشتند که کدامین از ایشان باشند کفیل مریم را ونبودی تو نزدیک ایشان چون خصومت میکردند
إِذْ قَالَتِ الْمَلٰئِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ
چون گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که خدا بشارت میدهد ترا بفرزندی از قبل خود نام او
الْمَسِيحُ
عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ● وَيُكَلِّمُ
عیسی پسر مریم آبروشناس بود در دنیا ودر آخرت واز جمله نزدیکان بود وسخن گوید
النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ● قَالَتْ رَبِّ أَنّٰى يَكُونُ
با مردمان در گهواره ودر حالت کودکی ودر حالت کهولت بادا رسالت واز جمله نیکوکاران بود گفت مریم ای پروردگار من از کجا بود
لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذٰلِكِ اللّٰهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضٰى
مرا فرزندی وحال آنکه نرسیده است بمن آدمی گفت همچنین است خدا بیافریند آنچه خواهد که بگزارد

أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ● وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
کاری را پس بدرستی که گوید مر آنرا که بشو پس بباشد ودر آموزاند اورا کتاب وحکمت
وَالتَّوْرٰىةَ وَالْإِنْجِيلَ وَرَسُولًا إِلٰى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ
وتوراة وانجیل ورسول بود بفرزندان یعقوب آنکه آوردم شمارا معجزه
مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ
از پروردگار شما که من می سازم برای شما از گل همچون شکل مرغی پس در دمم در آن
فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللّٰهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتٰى بِإِذْنِ
پس باشد مرغی بفرمان خدا وتن درست گردانم نابینای مادرزادرا وپیس را وزنده کنم مردگانرا بفرمان
اللّٰهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ
خدا وباگاهانم شمارا بدآنچه میخورید وآنچه ذخیره می نهید در خانهای خود بدرستی
فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ● وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ
که در آن مرآینه نشانیست مر شمارا اگر هستید شما مؤمنان وباوردارنده آنچه در پیش منست
مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ
از توراة وتا حلال کنم مر شمارا بعضی آنچه حرام کرده شد بر شما وآوردم شمارا نشانی
مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُونِ ● إِنَّ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذَا
از پروردگار شما پس بترسید از خدا وفرمان برید مرا بدرستی که خدا پروردگار منست وشما پس بپرستید اورا اینست
صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ● فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللّٰهِ
راه راست پس چون دریافت عیسی از ایشان کفر را گفت کیست یاران من با دین خدا

قال الحواريون نحن انصار الله امنا بالله واشهد بانا مسلمون

گفتند یاران برگزیده او مایم یاران دین خدا بگرویدیم ما بخدا وگواه باش بآنکه ما منقادانیم

ربنا امنا بما انزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

ای پروردگار ما بگرویدیم بدانچه فرو فرستادی تو وپیروی کردیم ما رسول را پس بازنویس ما را با گواهی دهندگان

ومكروا ومكر الله والله خير الماكرين اذ قال الله

ومکر ساختند ایشان ومکر ساخت خدا وخدا بهترین سازندگانست چون گفت خدا

يا عيسى اني متوفيك ورافعك الي ومطهرك من الذين كفروا

ای عیسی بدرستی که من میرانم ترا وبرافرازنده ام ترا باخود وپاک گرداننده ام ترا از آنها که کافر شدند

وجاعل الذين اتبعوك فوق الذين كفروا الى يوم القيامة ثم الي

وگرداننده ام آنها را که پیروی کردند ترا بالای آنها که کافر شدند تا روز قیامت پس بمن است

مرجعكم فاحكم بينكم فيما كنتم فيه تختلفون

بازگشت شما پس حکم کنم میان شما در آنچه بودید شما در آن اختلاف میکردید

فاما الذين كفروا فاعذبهم عذابا شديدا في الدنيا والاخرة وما

پس اما آنها که کافر شدند پس عذاب کنم ایشان را عذابی سخت در دنیا وآخرت ونبود

لهم من ناصرين واما الذين امنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم

مر ایشان را هیچ یاری کننده واما آنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند پس تمام بدهد ایشان را

اجورهم والله لا يحب الظالمين ذلك نتلوه عليك من الايات

مزدهای ایشان را وخدا دوست ندارد ستمکاران را آنکه میخوانیم آنرا بر تو از نشانها

والذكر الحكيم ان مثل عيسى عند الله كمثل ادم

وپند وقرآن باحکمت بدرستی که مثل عیسی نزدیک خدا همچون مثل آدمست

خلقه من تراب ثم قال له كن فيكون الحق من ربك فلا

آفرید اورا از خاک پس گفت مر آنرا که باش پس بود حق از پروردگار تست پس

تكن من الممترين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم

مباش از جمله شک کنندگان پس هرکه خصومت کند با تو در آن از پس آنچه آمد تو را از دانش

فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم

پس بگو بیائید تا بخوانیم ما پسران خودرا وشما پسران خودرا وما زنان خودرا وشما زنان خودرا

وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين

وما تنهای خود وشما تنهای خود پس دعا کنیم پس بکنیم لعنت خدا را بر کاذبان

ان هذا لهو القصص الحق وما من اله الا الله وان الله لهو العزيز

بدرستی که آن اینست قصهای حق ونیست هیچ خدائی مگر خدا وبدرستی که خدا اوست غالب

الحكيم فان تولوا فان الله عليم بالمفسدين قل يا اهل الكتاب

حکم کارست پس اگر برگردند پس بدرستی که خدا داناست بحال تباهی کنندگان بگو ای یهود ونصاری

تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا

بیائید بکلمه توحید که یکسانست میان ما ومیان شما تا که نپرستیم مگر خدا را

نشرك به شيئا ولا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله فان تولوا

وانباز نخوانیم بدو چیزی ونباید که فرا گیرد بعضی از ما بعضی را خدایان از جز خدا پس اگر برگردند

فَقُولُوا اشْهَدُوا بِاَنَّا مُسْلِمُونَ • يَآاَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِي

پس بگوييد که گواه باشيد بآنک ما منقاداينم اي يهود و نصاري چرا خصومت ميکنيد در حق

اِبْرٰهِيمَ وَمَآ اُنْزِلَتِ التَّوْرٰيةُ وَالْاِنْجِيلُ اِلَّا مِنْ بَعْدِهِ اَفَلَا

ابرهيم و فرو فرستاده نشد توريه و انجيل مگر از پس او اي پس

تَعْقِلُونَ • هَآ اَنْتُمْ هٰؤُلَآءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ

درنمي يابيد اينک شما اين گروه خصومت ميکنيد شما در آنچه نيست مر شمارا بدان دانشي پس چرا خصومت ميکنيد

فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ • مَا كَانَ

در آنچه نيست مر شمارا بدان دانشي و خدا ميداند و شما نميدانيد نبود

اِبْرٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلٰكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا

ابرهيم يهودي و نه ترسا و ليکن بود مائل از باطل بحق منقاد و

كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • اِنَّ اَوْلَى النَّاسِ بِاِبْرٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ

نبود از بت پرستان هرآينه سزاوارترين مردمان بابرهيم مر آنها اند که پيروي کردند اورا

وَهٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ • وَدَّتْ طَآئِفَةٌ مِنْ

و اين پيغمبر محمد را و آنهارا که بگرويدند و خدا دوست مومنانست و آرزو کردند گروهي از

اَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا

يهود و نصاري که گمراه کنند شمارا و گمراه نميکنند مگر تنهاي خودرا

يَشْعُرُونَ • يَآاَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِاٰيَاتِ اللّٰهِ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

و در نمي يابند اي يهود و نصاري چرا کافر ميشويد بنشانهاي خدا و شما گواهي ميدهيد

يَآاَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَاَنْتُمْ

اي يهود و نصاري چرا مي آميزيد حق را بباطل و بازمي پوشانيد حق را و شما

تَعْلَمُونَ • وَقَالَتْ طَآئِفَةٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اٰمِنُوا بِالَّذِيٓ اُنْزِلَ عَلَى

ميدانيد و گفتند گروهي از اهل کتاب بگرويد بدانچه فرو فرستاده شد

الَّذِينَ اٰمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوٓا اٰخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ •

آنها که بگرويدند در اول روز و کافر شويد در آخر روز تا بود که ايشان بازگردند

وَلَا تُؤْمِنُوٓا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ اِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ اَنْ يُؤْتٰى

و راست مداريد مگر آنرا که پيروي کرد دين شمارا بگو هرآينه راه راه خداست بآنک داده شد

اَحَدٌ مِثْلَ مَآ اُوتِيتُمْ اَوْ يُحَآجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ اِنَّ

هر يکي را مانند آنچه داده اند شمارا يا خصومت کنند با شما نزديک پروردگار شما بگو هرآينه

الْفَضْلَ بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ • يَخْتَصُّ

که فضل بيد قدرت خداست بدهد آن آنرا که خواهد و خدا فراخ رحمت داناست خاص گرداند

بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَآءُ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ • وَمِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ

برحمت خود آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست و از اهل کتاب

مَنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ

کس هست که اگر امين گرداني او را بخرواري ادا نمايد آنرا بتو و از ايشان کس هست که اگر امين گرداني اورا بديناري

لَا يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ اِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَآئِمًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ

نرساند آنرا بتو مگر که ايستاده باشي برو بتقاضا اين بسبب آنست که ايشان گفتند نيست

عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ
بر ما در کار آنکه غیر کتابند راهی و میگویند بر خدا دروغ را و ایشان میدانند
بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
آری هر که وفا کند بعهد خود و بپرهیزد پس براستی که خدا دوست دارد پرهیزکاران را براستی که آنها
يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ
که فرا میگیرند بعهد خدا و سوگندهای خود بهای اندک را آن گروه بهره نبود
لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
مر ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و ننگرد بدیشان در روز قیامت
وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ
و نزکیه تن ایشان نکند و مر ایشان را بود عذاب دردناک و براستی که از ایشان هستند گروهی که برمی‌پیچانند
أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ
زبانها خود را بکتاب تا پنداری آنرا که از کتابست و نبود آن از کتاب
وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
و میگویند آن از نزدیک خداست و نبود آن از نزدیک خدا و میگویند بر خدا
الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ
دروغ را و ایشان میدانند نسزد و نبود هیچ آدمی را که بدهد او را خدا
الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ
کتاب و حکمت و پیغمبری پس گوید مردمان را که باشید بندگان من از

دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ
جز خدا ولیکن بودند خداشناسان بدانچه شما در آموختید کتاب را
وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ۝ وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ
و بدانچه شما درس میگوئید و نفرماید شما را که فرا گیرید فرشتگان را
وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
و پیغمبران را بخدایان ای میفرماید شما را بکفر پس آنکه شما منقادان باشید
وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ
و یاد کن چون فرا گرفت خدا عهد را از پیغمبران چون بدادم شما را کتاب و حکمت
ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ
پس آمد بشما پیغمبری براست دارنده مرآنچه با شماست هر آینه بگروید بدو و هر آینه یاری کنید او را
قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَى ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ
گفت ای اقرار کردید شما و فرا گرفتید ما شما را بر آن تان عهد من گفتند اقرار کردیم گفت
فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ فَمَنْ تَوَلَّى بَعْدَ ذَلِكَ
پس گواه باشید و من با شما از جمله گواهی دهندگانم پس هر که برگردد پس از آن
فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ
پس آن گروه ایشان فاسقانند ای پس بجز از دین خدا میجویند و مر او را منقاد شد
مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ
آنکه در آسمانهاست و زمین برغبت و بی رغبت و با جز او باز گردانیده شوید

قل آمنا بالله وما انزل علينا وما انزل على ابرهيم واسمعيل واسحق و

بگو بگرویدیم ما بخدا وبدانچه فرو فرستاده شد برما وبدانچه فرو فرستاده شد بر ابرهیم واسمعیل واسحق

يعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى والنبيون من ربهم

ویعقوب ونوادگان وآنچه بداده شد موسی وعیسی را وپیغمبرانرا از پروردگار ایشان

لا نفرق بين احد منهم ونحن له مسلمون ۝ ومن يبتغ غير

جدای نیفگنیم میان هیچ یکی از ایشان وما مراورا منقادانیم وهرکه جوید جز

الاسلام دينا فلن يقبل منه وهو في الآخرة من الخاسرين

از اسلام دینی پس هرگز قبول نکنند ازو واو در آخرت از جملهٔ زیانکاران بود

كيف يهدي الله قوما كفروا بعد ايمانهم وشهدوا ان الرسول

چگونه راه نماید خدا گروهی را که کافر شدند پس از ایمان خود وگواهی دادند که رسول

حق وجاءهم البينات والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ اولئك

حق است وآمد بدیشان معجزات وخدا راه ننماید گروه ستمکارانرا آن گروه

جزاؤهم ان عليهم لعنة الله والملائكة والناس اجمعين

پاداشت ایشان آنست که بر ایشان بود لعنت خدا وفرشتگان ومردمان همه

خالدين فيها لا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينظرون

همیشه باشند در آنجا سبک کرده نشود از ایشان عذاب ونه ایشانرا زمان دهند

الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم

مگر آنها که توبه کردند از پس آن وکارها باصلاح آوردند پس هرآینه که خدا آمرزگار مهربانست

ان الذين كفروا بعد ايمانهم ثم ازدادوا كفرا لن تقبل

هرآینه که آنها که کافر شدند پس از ایمان خود پس زیادت کردند کفررا هرگز قبول کرده نشود

توبتهم واولئك هم الضالون ۝ ان الذين كفروا وماتوا وهم

توبهٔ ایشان وآن گروه ایشانند گمراهان هرآینه که آنها که کافر شدند وبمردند وایشان

كفار فلن يقبل من احدهم ملء الارض ذهبا ولو افتدى به

کافران بودند پس هرگز قبول کرده نشود از هیچ یکی از ایشان پری زمین طلا واگرچه خواهند که خود را باز خرند بدان

اولئك لهم عذاب اليم وما لهم من ناصرين ۝ لن تنالوا البر

آن گروه مر ایشانراست عذابی دردناک ونبود مر ایشانرا هیچ یاری کننده هرگز نیابید نیکوی را

حتى تنفقوا مما تحبون وما تنفقوا من شيء فان الله به عليم

تا نفقت کنید از آنچه دوست میدارید وآنچه نفقت کنید از چیزی پس هرآینه که خدا بدان داناست

كل الطعام كان حلا لبني اسرائيل الا ما حرم اسرائيل

هر خوردنی بود حلال مر بنی اسرائیل را مگر آنچه حرام کرده بود یعقوب

على نفسه من قبل ان تنزل التورية قل فأتوا بالتورية فاتلوها

بر تن خود از پیش آنکه فرو فرستاده شود توریة بگو پس بیارید توریة را پس برخوانید آنرا

ان كنتم صادقين ۝ فمن افترى على الله الكذب من بعد ذلك

اگر هستید راست گویان پس هرکه بافد بر خدا دروغ را از پس آن

فاولئك هم الظالمون ۝ قل صدق الله فاتبعوا ملة ابرهيم حنيفا

پس آن گروه ایشانند ستمکاران بگو راست فرمود خدا پس پیروی کنید ملت ابرهیم را مایل از باطل بحق

الجزو

وما كان من المشركين • ان اول بيت وضع للناس للذي

ونبود او از انجمله بتپرستان بدرستی که اول خانه که بنا نهاده شد برای مردمان هر آینه آنجا

ببكة مباركا وهدى للعالمين • فيه ايات بينات

که اندرون مکه است خجسته ومبارک راستنمونی برجهانیانرا در آن هست نشانهای روشن

مقام ابرهيم ومن دخله كان امنا ولله على الناس حج

در مقام ابرهیم وهرکه در آمد در آنجا باشد ایمن از آفات ومر خدایرا است بر مردمان زیارت کردن

البيت من استطاع اليه سبيلا ومن كفر فان الله غني عن

خانه کعبه آنرا که توانائی داشته باشد باو راهی وهرکه کافر شود پس بدرستی که خدا بی نیازست از

العالمين • قل يا اهل الكتاب لم تكفرون بايات الله والله

جهانیان بگوای محمد ای یهود ونصاری چرا کافر میشوید بنشانهای خدا وخدا

شهيد على ما تعملون • قل يا اهل الكتاب لم تصدون عن

گواهست برآنچه شما میکنید بگو ای اهل کتاب چرا برمیگردانید مردمانرا از

سبيل الله من امن تبغونها عوجا وانتم شهداء وما الله بغافل

راه خدا آنرا که گرویده است میجوئید آن راه را کجی وشما گواهید ونیست خدا غافل

عما تعملون • يا ايها الذين امنوا ان تطيعوا فريقا من الذين اوتوا

از آنچه شما میکنید ای آنها که گرویده اید اگر فرمان برید گروهیرا از آنها که داده شد ایشانرا

الكتاب يردوكم بعد ايمانكم كافرين • وكيف

کتاب برگردانند شمارا پس از ایمان شما کافران وچگونه

تكفرون وانتم تتلى عليكم ايات الله وفيكم رسوله ومن

کافر میشوید وشما اید که میخوانند بر شما نشانهای خدارا ودرمیان شما رسول او است وهرکه

يعتصم بالله فقد هدي الى صراط مستقيم • يا ايها الذين

در آویزد بدین خدا پس بدرستی که راه یافته باشد بسوی راه راست ای آنها

امنوا اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون • واعتصموا

که گرویده اید بترسید از خدا چنانکه سزای پرهیزیدن او است ومیرید مگر که شما منقادان باشید ودرآویزید

بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم

بدین خدای همه ومتفرق مشوید ویاد کنید نعمت خدا را بر شما

اذ كنتم اعداء فالف بين قلوبكم فاصبحتم بنعمته

چون بودید شما دشمنان هم پس الفت افکند میان دلهای شما پس گشتید شما بنعمت او

اخوانا وكنتم على شفا حفرة من النار فانقذكم منها

برادران وبودید شما بر کناره گوی از آتش پس برهانید شمارا از آن

كذلك يبين الله لكم اياته لعلكم تهتدون

همچنین روشن میکند خدا برای شما نشانهای خود تا بود که شما راه یابید

ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويامرون بالمعروف

وباید که باشند از شما گروهی که خوانند بخیرات وفرمایند بنیکوی

وينهون عن المنكر واولئك هم المفلحون • ولا تكونوا

وباز زنند از ناشایست وآن گروه ایشانند رستگاران ومباشید

كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات وأولئك

همچون آنها که متفرق شدند و اختلاف کردند از پس آنچه آمد بدیشان حجتها و آن گروه

لهم عذاب عظيم • يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فأما الذين

مر ایشانرا بود عذابی بزرگ یاد کن روزی که سفید باشند رویها و سیاه شوند رویها پس اما آنها

اسودت وجوههم أكفرتم بعد إيمانكم فذوقوا العذاب

که سیاه باشد رویهای ایشان گویند ایشانرا ای کافر شدید شما پس از ایمان شما پس در چشید عذاب را

بما كنتم تكفرون • وأما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمت

بدانچه شما کافر شدید • و اما آنها که سفید باشد رویهای ایشانرا پس در رحمت

الله هم فيها خالدون • تلك آيات الله نتلوها عليك

خدا باشند ایشان در آنجا همیشه باشید آینه نشانهای خدا که میخوانیم آنرا بر تو

بالحق وما الله يريد ظلما للعالمين • ولله ما في السموات

بحق و نیست خدا که خواهد ستم مر بندگان خودرا و مر خدا راست آنچه در آسمانهاست

وما في الأرض وإلى الله ترجع الأمور • كنتم خير أمة أخرجت

و آنچه در زمینست و با خداست بازگشت کارها بودید شما بهترین امت بیرون آورده شد

للناس تأمرون بالمعروف وتنهون عن المنكر وتؤمنون بالله

برای مردمان تا فرمایید بنیکوی و باز زنید از ناشایست و بگروید بخدا

ولو آمن أهل الكتاب لكان خيرا لهم منهم المؤمنون

و اگر بگرویدندی اهل کتاب هر آینه بودی بهتر مر ایشانرا از ایشانند مؤمنان

وأكثرهم الفاسقون • لن يضروكم إلا أذى وإن يقاتلوكم

و بیشترین ایشان فاسقانند هرگز زیان نتوانند رسانید شما را مگر رنجی و اگر بر ستیزند با شما

يولوكم الأدبار ثم لا ينصرون • ضربت عليهم الذلة أينما

برگردانند از شما پشتها را پس یاری کرده نشوند لازم کرده شد بر ایشان خواری هر کجا

ثقفوا إلا بحبل من الله وحبل من الناس وباءو بغضب من الله

که یافت شوید مگر بپیمانی از خدا و پیمانی از مردمان و سزاوار شدند بخشمی از خدا

وضربت عليهم المسكنة ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات

و زده شد بر ایشان درویشی آن بسبب آنست که ایشان کافر شدند بنشانهای

الله ويقتلون الأنبياء بغير حق ذلك بما عصوا وكانوا

خدا و میکشتند پیغمبرانرا بناحق آن بسبب آن بود که عاصی شدند و بودند

يعتدون • ليسوا سواء من أهل الكتاب أمة قائمة يتلون آيات

از حد در میگذشتند نیستند یکسان از اهل کتاب گروهی هستند ایستاده میخوانند نشانهای

الله آناء الليل وهم يسجدون • يؤمنون بالله واليوم الآخر

خدارا بساعتهای شب و ایشان سجده میکنند میگروند بخدا و بروز آخرت

ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر ويسارعون في

و میفرمایند بنیکوی و باز میزنند از ناشایست و می شتابند در

الخيرات وأولئك من الصالحين • وما يفعلوا من خير فلن

نیکیها و آن گروه از جمله نیکوکارانند و آنچه کنید از نیکی پس هرگز

يكفروه والله عليم بالمتقين ● ان الذين كفروا لن تغني عنهم

منع نكنند ازشما ثواب آنرا وخدا داناست بحال پرهیزکاران بدرستی که آنها که کافر شدند نگذرانند ازیشان

اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا واولئك اصحاب النار

مالهای ایشان ونه فرزندان ایشان از عذاب خدا وآن گروه اصحاب آتش اند

هم فيها خالدون ● مثل ما ينفقون في هذه الحيوة الدنيا

ایشان درآنجا همیشه باشند مثل آنچه نفقت میکنند درین زندگانی دنیا

كمثل ريح فيها صر اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم

همچون بادی که درآن بود بادی سخت که برسید بکشت زرع گروهی که ستم کرده باشند برتنهای خود

فاهلكته وما ظلمهم الله ولكن انفسهم يظلمون ●

پس هلاک کند آنرا وستم نکند ایشانرا خدا ولیکن بودند برتنهای خود ستم میکردند

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانة من دونكم لا يالونكم

ای آنها که بگرویده اند فرا مگیرید دوستی خالص از غیر ملت شما تقصیر نمیکنند در حق شما

خبالا ودوا ما عنتم قد بدت البغضاء من افواههم وما

فساد و آرزو کردند در مشقت افکندن شما بدرستی که روشن شد خشم از دهنهای ایشان وآنچه

تخفي صدورهم اكبر قد بينا لكم الايات ان كنتم

پنهان میکند سینهای ایشان بزرگتر است بدرستی که روشن کردیم برای شما نشانهارا اگر هستید شما

تعقلون ● ها انتم اولاء تحبونهم ولا يحبونكم

درمی یابید آنکه شما این گروه دوست میدارید ایشانرا وایشان دوست نمیدارند شمارا

وتؤمنون بالكتاب كله واذا لقوكم قالوا امنا واذا

وبگروید بکتاب همه آن وچون برسند بشما گویند بگرویدیم ما وچون

خلوا عضوا عليكم الانامل من الغيظ قل موتوا بغيظكم

خالی شوند گزند برشما سر انگشتانرا از خشم بگو بمیرید بسبب خشم خود

ان الله عليم بذات الصدور ● ان تمسسكم حسنة

بدرستی که خدا داناست بسرار سینها اگر برسد بشما نیکوئی

تسؤهم وان تصبكم سيئة يفرحوا بها وان

برنجاند ایشانرا واگر برسد بشما بدی شاد شوند بدان واگر

تصبروا وتتقوا لا يضركم كيدهم شيئا ان

صبر کنید وپرهیزید زیانی نتواند کرد شمارا کید ایشان چیزی بدرستی

الله بما يعملون محيط ● واذ غدوت من اهلك تبوئ

که خدا بدانچه ایشان میکنند داناست ویادکن چون در بامداد فرود آوردی در حرب احد

المؤمنين مقاعد للقتال والله سميع عليم ● اذ همت

مؤمنانرا درمواضع ایستادن برای کارزار وخدا شنواست ودانا چون قصد کردند

طائفتان منكم ان تفشلا والله وليهما وعلى الله

دو گروه از شما که بددلی نمایند وخدا دوست ایشانست وبر خدا

فليتوكل المؤمنون ● ولقد نصركم الله ببدر وانتم

باید که توکل کنند مؤمنان وبدرستی که یاری کرد شمارا خدا در روز بدر وشما

اذلة فاتقوا الله لعلكم تشكرون • اذ تقول للمؤمنين

ضعیفان بودید در عدد پس بترسید از خدا تا بود که شما شکر کنید چون میگفتی مر مؤمنانرا

الن يكفيكم ان يمدكم ربكم بثلثة الاف من الملئكة

ای کفایت نیست شمارا که مدد کند شمارا پروردکار شما بسه هزار از فرشتکان

منزلين • بلى ان تصبروا وتتقوا ويأتوكم من

فرود آیندکان آری اگر صبر کنید و پرهیزید شما و آیند بشما از

فورهم هذا يمددكم ربكم بخمسة الاف من

کنار ساعت ایشان آن ساعت مدد کند شمارا پروردکار شما به پنج هزار از

الملئكة مسومين • وما جعله الله الا بشرى لكم

فرشتکان نشان کردکان و نکردانید آنرا خدا مکر بشارتی مر شمارا

ولتطمئن قلوبكم به وما النصر الا من عند الله العزيز

و تا آرام گیرند دلهای شما بدان و نیست نصرت مکر از نزد خدای غالب

الحكيم • ليقطع طرفا من الذين كفروا او يكبتهم فينقلبوا

محکم کار تا ببرد کناره از آنها که کافر شدند تا ذلیل کند ایشانرا پس کردند

خائبين • ليس لك من الامر شيء او يتوب عليهم او يعذبهم

نومیدان نیست مر ترا از فرمان چیزی یا بهل کند بر ایشان یا عذاب کند ایشانرا

فانهم ظالمون • ولله ما في السموات وما في الارض يغفر

پس بدرستی که ایشان ستمکارانند و مر خدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست بیامرزد

لمن يشاء ويعذب من يشاء والله غفور رحيم • يا ايها الذين

مر آنرا که خواهد و عذاب کند آنرا که خواهد و خدا آمرزکار مهربانست ای آنها

امنوا لا تأكلوا الربوا اضعافا مضاعفة واتقوا الله لعلكم

که بکرویده اید مخورید مال ربارا افزونی افزون کرده و بترسید از خدا تا بود که شما

تفلحون • واتقوا النار التي اعدت للكافرين • واطيعوا

رستکاری یابید و بترسید از آتش آن آتشی که بیجاره اند برای کافران و فرمان برید

الله والرسول لعلكم ترحمون • وسارعوا الى مغفرة

از خدا و رسول تا بود که شما رحمت کرده شوید و بشتابید با آمرزشی

من ربكم وجنة عرضها السموات والارض اعدت

از پروردکار خود و بهشتی که پهنای آن چون آسمانها و زمین بود بیجاره

للمتقين • الذين ينفقون في السراء والضراء والكاظمين

برای پرهیزکاران آنها که نفقه میکنند در سختی حال و نیک حالی و فرو خورندکان

الغيظ والعافين عن الناس والله يحب المحسنين • والذين

خشم را و درکذرندکان از مردمان و خدا دوست دارد نیکوکارانرا و آنها

اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله

که چون کردند ناشایستی یا ستم کنند بر تنهای خود یاد کنند خدا را

فاستغفروا لذنوبهم ومن يغفر الذنوب الا الله ولم يصروا

پس آمرزش خواستند مر کناهان خودرا و کیست که آمرزش خواهد کناهانرا مکر خدا و مصر نشوند

حزب

على ما فعلوا وهم يعلمون ۝ اولئك جزاؤهم مغفرة من

بر آنچه کردند وایشان میدانند آن گروه پاداشت ایشان آمرزش بود از

ربهم وجنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ونعم

پروردگار ایشان و بستانهائی که رود از زیر آن جویها روان همیشه باشند در آنجا و نیکو بود

اجر العاملين ۝ قد خلت من قبلكم سنن فسيروا في الارض

مزد کارکنندگان هر آینه که گذشتند پیش از شما روشها پس بروید در زمین

فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين ۝ هذا

پس بنگرید که چگونه بود عاقبت دروغ دارندگان این قرآن

بيان للناس وهدى وموعظة للمتقين ۝ ولا تهنوا ولا

بیانی است مردمان را و راه نمونی و پندی مر پرهیزکاران را و سست مشوید

تحزنوا وانتم الاعلون ان كنتم مؤمنين ۝ ان يمسسكم

و اندوه مخورید و شمائید افراشته‌تر اگر هستید شما مؤمنان اگر برسد بشما

قرح فقد مس القوم قرح مثله وتلك الايام نداولها بين

خستگی پس بدرستی که برسید گروه کفار در روز بدر خستگی مانند آن و آن روزها ظفر و غلبه میگردانیم آنرا میان

الناس وليعلم الله الذين امنوا ويتخذ منكم شهداء

مردمان و تا جدا باز کند خدا آنهارا که بگرویدند و فرا گیرد از شما گواهان را

والله لا يحب الظالمين ۝ وليمحص الله الذين امنوا ويمحق الكافرين

و خدا دوست ندارد ستمکاران را و تا خدا جدا باز کند آنهارا که بگرویدند و نیست گرداند کافران را

ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما يعلم الله الذين جاهدوا

یا که پنداشتید شما که در روید در بهشت و جدا باز نکند خدا آنهارا که جهاد کردند

منكم ويعلم الصابرين ۝ ولقد كنتم تمنون الموت

از شما و نداند صابران را و بدرستی که بودید شما آرزو کردند مرگ را

من قبل ان تلقوه فقد رأيتموه وانتم تنظرون ۝ وما

از پیش اگه ترسید و ببینید آنرا پس بدرستی برسید و ببینید آنرا و شما می‌نگریستید و نیست

محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل

محمد مگر رسول بدرستی که گذشتند از پیش او رسولان ای پس اگر بمیرد یا کشته شود

انقلبتم على اعقابكم ومن ينقلب على عقبيه فلن يضر الله

برگردید شما بر پاشنهای خود و هر که برگردد بر سر دو پاشنهای خود پس زیانی نتواند کرد مر خدای را

شيئا وسيجزي الله الشاكرين ۝ وما كان لنفس ان تموت

چیزی و زود پاداشت دهد خدا شکر کنندگان را و نسزد مر هیچ کسی که بمیرد

الا باذن الله كتابا مؤجلا ومن يرد ثواب الدنيا نؤته منها

مگر بفرمان خدا نامه وقت بدید کرده و هر که خواهد ثواب دنیارا بدهیم اورا از آن

ومن يرد ثواب الاخرة نؤته منها وسنجزي الشاكرين و

و هر که خواهد ثواب آخرت را بدهیم اورا از آن و زود پاداشت دهیم شکر کنندگان را

كاين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا لما اصابهم في

و بسا از پیغمبران که کارزار کردند با او گروهان بسیار پس بددلی ننمودند مر آنچه برسید بایشان در

سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله يحب الصابرين ●

راه خدا وضعيف حال نشدند وفروتني ننمودند وخدا دوست صابرانست

وما كان قولهم الا ان قالوا ربنا اغفر لنا ذنوبنا واسرافنا

ونبود گفتار ايشان مگر آنک گفتند اي پروردگار ما بيامرز مارا گناهان ما وگزافکاري ما

في امرنا وثبت اقدامنا وانصرنا على القوم الكافرين ●

در کار ما وثابت بدار قدمهاي مارا وياري ده مارا بر گروه کافران ٥

فاتاهم الله ثواب الدنيا وحسن ثواب الآخرة والله يحب

پس بداد ايشانرا خدا ثواب دنيا ونيکويي ثواب آخرت وخدا دوست دارد

المحسنين ● يا ايها الذين آمنوا ان تطيعوا الذين كفروا

نيکوکارانرا اي آنها که بگرويده ايد اگر فرمان بريد آنهارا که کافر شدند

يردوكم على اعقابكم فتنقلبوا خاسرين ● بل

برگردانند شمارا بر پيهاي خود پس گرديد زيانکاران بلک

الله مولاكم وهو خير الناصرين ● سنلقي في

خداوند يار شماست واوست بهترين ياري کنندگان زود اندازيم ما در

قلوب الذين كفروا الرعب بما اشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا

دلهاي آنها که کافر شدند ترس بدانچه انباز آوردند بخدا آنچه فرو نفرستاد بدان حجتي

ومأواهم النار وبئس مثوى الظالمين ● ولقد

وجايگاه ايشان آتش بود وبد مرجعيست جاي ظالمان وبدرستي

صدقكم الله وعده اذ تحسونهم باذنه حتى اذا فشلتم

که راست کرد شمارا خدا وعده خود چون ميکشتيد ايشانرا بفرمان او تا چون بد دل شديد شما

وتنازعتم في الامر وعصيتم من بعد ما اريكم ما تحبون منكم

وخصومت کرديد شما در فرمان ونافرماني کرديد شما از پس آنچه بازنمود شمارا آنچه دوست ميداشتيد از شما

من يريد الدنيا ومنكم من يريد الآخرة ثم صرفكم عنهم

کس هست که ميخواهد دنيارا واز شما کس هست که ميخواهد آخرترا پس برگردانيد شمارا از ايشان

ليبتليكم ولقد عفا عنكم والله ذو فضل على

تا صورت آزمايش نمايد شمارا وبدرستي که درگذشت از شما وخدا خداوند فضلست بر

المؤمنين ● اذ تصعدون ولا تلوون على احد والرسول

مؤمنان چون دور در ميرفتيد شما براي گريختن در زمين وملتفت هيچ يکي نمي شديد ورسول

يدعوكم في اخراكم فاثابكم غما بغم لكيلا

ميخواند شمارا در جماعت بازپسينان پس پاداش داد شمارا غمي بغمي تا

تحزنوا على ما فاتكم ولا ما اصابكم والله خبير بما

اندوهگين نشويد بر آنچه فوت شد از شما ونه آنچه رسيد بشما وخدا آگاهست بدانچه

تعملون ● ثم انزل عليكم من بعد الغم امنة نعاسا

شما ميکنيد پس فرو فرستاد برشما از پس غم ايمني خوابي

يغشى طائفة منكم وطائفة قد اهمتهم انفسهم يظنون

مي آمد بگروهي از شما وگروهي که منافقان بودند اندوهگين کرده بود ايشانرا تنهاي ايشان گمان بردند

بالله غير الحق ظن الجاهلية يقولون هل لنا من الامر من شيء قل

بخدا بجز حق همچون گمان بردن اهل جاهلیت میگویند ای هیچ هست ما را از فرمان هیچ چیزی بگو

ان الامر كله لله يخفون في انفسهم ما لا يبدون لك يقولون

بدرستی که فرمان همه آن مر خدا راست پنهان میکنند در تنهای خود آنچه آشکارا نکنند مر ترا میگویند

لو كان لنا من الامر شيء ما قتلنا هاهنا قل لو كنتم في بيوتكم

اگر بودی ما را از کار و فرمان هیچ چیزی کشته نشدمانی اینجایگاه بگو اگر شما بودید در خانهای خود

لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم وليبتلي الله

هرآینه بیرون آمدندی آنها که نوشته شده بریشان کارزار بکشتن بآن موضع که قتل ایشان مقدر شده بود و تا [illegible]

ما في صدوركم وليمحص ما في قلوبكم والله عليم

آنچه در سینهای شماست و تا پاک کند آنچه در دلهای شماست و خدا داناست

بذات الصدور ان الذين تولوا منكم يوم التقى

بآنچه در سینهاست بدرستی که آنها برگشتند از شما در روز بهم رسیدن

الجمعان انما استزلهم الشيطان ببعض ما كسبوا ولقد

دو لشکر بدرستی که بلغزانید ایشانرا دیو بعضی آنچه اندوختند و بدرستی

عفا الله عنهم ان الله غفور حليم يا ايها الذين امنوا

که درگذشت خدا از ایشان بدرستی که خدا آمرزگار بردبارست ای آنها که بگرویدند

لا تكونوا كالذين كفروا وقالوا لاخوانهم اذا ضربوا في الارض

مباشید همچون آنها که کافر شدند و گفتند مر برادران خود را چون برفتند در زمین

او كانوا غزى لو كانوا عندنا ما ماتوا وما قتلوا ليجعل

اگر بودندی قاصدان جنگ دشمن دین اگر بودندی نزدیک ما نمردندی و کشته نشدندی تا بکند

الله ذلك حسرة في قلوبهم والله يحيي ويميت والله بما

خدا آنرا سبب اندوهی در دلهای ایشان و خدا زنده کند و بمیراند و خدا بآنچه

تعملون بصير ولئن قتلتم في سبيل الله او متم

شما میکنید بیناست و هرآینه اگر کشته شوید شما در راه خدا یا بمیرید شما

لمغفرة من الله ورحمة خير مما يجمعون ولئن متم

هرآینه آمرزشی بود از خدا و رحمت او بهتر از آنچه جمع میکنند و هرآینه اگر بمیرید شما

او قتلتم لالى الله تحشرون فبما رحمة من الله لنت

یا کشته شوید شما هرآینه بسوی خداست حشر شما پس بسبب رحمتی از خداست که نرم خوی آمدی تو

لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك

بریشان و اگر بودی تو درشت خوی سخت دل هرآینه پراکنده شدندی از پیرامون تو

فاعف عنهم واستغفر لهم وشاورهم في الامر

پس درگذر از ایشان و آمرزش خواه مر ایشانرا و مشورت کن با ایشان در کارها

فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين ان

پس چون عزیمت جای کنی پس توکل کن بر خدا بدرستی که خدا دوست دارد توکل کنندگانرا اگر

ينصركم الله فلا غالب لكم وان يخذلكم فمن ذا الذي

یاری کند شما را خدا پس غلبه کننده نیست مر شما را و اگر خوار گرداند شما را پس کیست آنکه

ينصركم من بعده وعلى الله فليتوكل المؤمنون ● وما كان

كه يارى كند شما را از پس آن و بر خدا بايد كه توكل كنند مؤمنان روا نبود

لنبي أن يغل ومن يغلل يأت بما غل يوم القيمة ثم

مر پيغمبرى را كه خيانت كند و هر كه خيانت كند آيد بدانچه خيانت كرده بود در روز قيامت پس

توفى كل نفس ما كسبت وهم لا يظلمون ● أفمن

تمام بدهند هر تنى را جزاء آنچه كرده بود و ايشان را ستم نكنند اى پس آنكه

اتبع رضوان الله كمن باء بسخط من الله ومأويه جهنم

پيروى كرد خشنودى خدا را همچون آنكس بود كه سزاوار شده به خشمى از خدا و جايگاه او دوزخ بود

وبئس المصير ● هم درجات عند الله والله بصير بما

و بد مرجعيست آن ايشان بمنزلت درجات اند نزد خدا و خدا بيناست بدانچه

يعملون ● لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم

ايشان ميكنند بدرستيكه منت نهاد خدا بر مؤمنان چون بفرستاد در ميان ايشان

رسولا من أنفسهم يتلوا عليهم آياته ويزكيهم

رسولى را از جنس ايشان تا خواند بر ايشان نشانهاى او را و تزكيه ميكند ايشان را

ويعلمهم الكتاب والحكمة وإن كانوا من قبل

و در آموزاند ايشان را كتاب و حكمت و اگرچه بودند از پيش

لفي ضلال مبين ● أولما أصابتكم مصيبة قد أصبتم

هر آينه در گمراهى روشن اى اگر برسيد بشما مصيبتى بدرستيكه برسيد شما

نصف

مثليها قلتم أنى هذا قل هو من عند أنفسكم إن الله

دو چندان آن گفتيد شما از كجا بود اين بگو اين از نزديك تنهاى شماست هر آينه خدا

على كل شيء قدير ● وما أصابكم يوم التقى الجمعان

بر همه چيزى تواناست و آنچه برسيد بشما اندر روز هم رسيدن دو لشكر

فبإذن الله وليعلم المؤمنين وليعلم الذين نافقوا

پس بخواست خداى بود و تا جدا باز كند مؤمنان را و تا جدا باز كند آنها را كه نفاق ورزيدند

وقيل لهم تعالوا قاتلوا في سبيل الله أو ادفعوا قالوا

و گفته شد مر ايشان را بيائيد كارزار كنيد در راه خدا يا دفع كنيد خصمان را از خود گويند

لو نعلم قتالا لاتبعناكم هم للكفر يومئذ

اگر دانستيمى كارزار را هر آينه پيروى كرديمى شما را ايشان كفر را آن روز

أقرب منهم للإيمان يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم

نزديكتر بودند از ايشان با ايمان ميگويند بدهنهاى خود آنچه نيست در دلهاى ايشان

والله أعلم بما يكتمون ● الذين قالوا لإخوانهم وقعدوا

و خدا داناتر بدانچه باز مى پوشانيد آنها كه گفتند برادران خود را و حال آنكه قاعد شدند از قتال

لو أطاعونا ما قتلوا قل فادرءوا عن أنفسكم الموت إن كنتم

اگر فرمان بردندى ما را كشته نشدندى بگو پس باز داريد از تنهاى خود مرگ را اگر هستيد شما

صادقين ● ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله أمواتا

راست گويان و مپنداريد آنها را كه كشته شدند در راه خدا مردگان

بل احياء عند ربهم يرزقون فرحين بما آتاهم الله من فضله
بلکه زندگانند نزد پروردگار خود روزی میخورند شادانند بآنچ بداد ایشانرا خدا از فضل خود

ويستبشرون بالذين لم يلحقوا بهم من خلفهم الا خوف
و شاد میشوند بآنها که نرسیده بدیشان از پس ایشان آنکه هیچ ترسی نبود

عليهم ولا هم يحزنون ۞ يستبشرون بنعمة من الله
بریشان و نه ایشان اندوهگین باشند شاد میشوند بنعمتی از خدا

وفضل وان الله لا يضيع اجر المؤمنين ۞ الذين استجابوا لله
و فضلی از و و آنکه خدا ضایع نکند مزد مؤمنانرا آنها که پاسخ کردند مر خدایرا

والرسول من بعد ما اصابهم القرح للذين احسنوا منهم
و پیغمبر را از پس آنچه برسید بدیشان خستگی مرآنهارا که نیکویی کردند از ایشان

واتقوا اجر عظيم ۞ الذين قال لهم الناس ان الناس
و پرهیزیدند مزدی بزرگ بود آنها که گفتند مرایشانرا مردمان بدرستی که مردمان مشرک

قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا وقالوا
بدرستی که جمع شده اند مر شمارا پس بترسید از ایشان پس بیفزاید ایشانرا یقینی و گفتند

حسبنا الله ونعم الوكيل ۞ فانقلبوا بنعمة من الله
بسنده است مارا خدا و نیکو کارسازی است پس بازگشتند بنعمتی از خدا

وفضل لم يمسسهم سوء واتبعوا رضوان الله والله ذو فضل
و فضلی که نرسید بدیشان بدی و پیروی کردند خشنودی خدایرا و خدا خداوند فضلی

عظيم ۞ انما ذلكم الشيطان يخوف اولياءه فلا تخافوهم وخافون
بزرگست بدرستی که آن آن دیو است می ترساند دوستان خودرا پس مترسید از ایشان و بترسید از من

ان كنتم مؤمنين ۞ ولا يحزنك الذين يسارعون في الكفر انهم
اگر هستید شما مؤمنان و اندوهگین مکناد ترا آنها که میشتابند در کفر بدرستی که ایشان

لن يضروا الله شيئا يريد الله الا يجعل لهم حظا في الآخرة و
زیانی نتوانند کرد خدایرا چیزی میخواهد خدا که بدید نکند مرایشانرا بهره در آخرت

لهم عذاب عظيم ۞ ان الذين اشتروا الكفر بالايمان لن يضروا
و مرایشانرا بود عذابی بزرگ بدرستی که آنها که واگرفتند کفررا بدل ایمان هرگز زیانی نتوانند کرد

الله شيئا ولهم عذاب اليم ۞ ولا يحسبن الذين كفروا انما
خدایرا چیزی و مرایشانرا بود عذابی دردناک و مپندارد آنها که کافر شدند که آنچه

نملي لهم خير لانفسهم انما نملي لهم ليزدادوا اثما ولهم
مهلت میدهیم مرایشانرا بهترست مرتنهای ایشانرا بدرستی که مهلت میدهیم ایشانرا تا بیفزایند گناه و مرایشانرا

عذاب مهين ۞ ما كان الله ليذر المؤمنين على ما انتم
عذابی خوار کننده نخواست خدا تا بگذارد مؤمنانرا بر آنچه شما

عليه حتى يميز الخبيث من الطيب وما كان الله ليطلعكم
برآنید تا جدا بازکند پلیدرا از پاک و خدا مطلع نکرداند شمارا

على الغيب ولكن الله يجتبي من رسله من يشاء فآمنوا
بر غیب و لیکن خدا برگزیند از رسولان خود آنرا که خواهد پس بگروید

بالله ورسله وان تؤمنوا وتتقوا فلكم اجر عظيم ○ ولا يحسبن
بخدا و رسولان او واگر بگرويد و بپرهيزيد پس مر شمارا بود مزدى بزرگ و مپندار
الذين يبخلون بما آتيهم الله من فضله هو خيرا لهم بل هو شر
آنهارا كه بخيلى ميكنند بدانچه بداد ايشانرا خدا از فضل خود كه آن بهتر بود مر ايشانرا بلكه آن بدتر است
لهم سيطوقون ما بخلوا به يوم القيمة ولله ميراث
مر ايشانرا زود طوق گردن ايشان كنند بدانچه بخيلى كردند بدان در روز قيامت و مر خدايراست ميراث
السموات والارض والله بما تعملون خبير ○ لقد سمع الله قول
آسمانها و زمين و خدا بدانچه شما ميكنيد آگاهست بدرستى كه شنود خدا گفتار
الذين قالوا ان الله فقير ونحن اغنياء سنكتب ما قالوا وقتلهم
آنهارا كه گفتند كه خدا درويش است و ما توانگريم زود باز نويسيم آنچه گفتند و كشتن ايشان
الانبياء بغير حق ونقول ذوقوا عذاب الحريق ○ ذلك بما قدمت
پيغمبرانرا بناحق و گوييم مر ايشانرا در چشيد عذاب آتش سوزانرا آن بسبب آنچه پيش كردا
ايديكم وان الله ليس بظلام للعبيد ○ الذين قالوا ان الله
پيش داشتند دستهاى شما و آنك خدا نيست ستم كننده مر بندگانرا آنها كه گفتند كه خدا
عهد الينا الا نؤمن لرسول حتى يأتينا بقربان تأكله
عهد بست با ما كه براست نداريم هيچ رسولى را تا آورد بما قربانى را كه خورد اورا
النار قل قد جاءكم رسل من قبلي بالبينات وبالذي قلتم
آتش بگو بدرستى كه آمدند بشما رسولان پيش از من بمعجزات و بدانچه شما گفتيد

فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين ○ فان كذبوك فقد
پس چرا ميكشتيد ايشانرا اگر هستيد شما راست گويان پس اگر بدروغ دارند ترا پس بدرستى
كذب رسل من قبلك جاءو بالبينات والزبر والكتاب
كه بدروغ داشتند رسولانرا كه پيش از تو بودند آمدند بحجتها و بكتابها و بكتابى
المنير ○ كل نفس ذائقة الموت وانما توفون اجوركم
روشن هر تنى چشنده مرگست و بدرستى كه تمام بدهند مزدهاى شمارا
يوم القيمة فمن زحزح عن النار وادخل الجنة فقد فاز
در روز قيامت پس هركه دور كردانيده شود از آتش و در آورده شود در بهشت پس رستگارى يافت بود
وما الحيوة الدنيا الا متاع الغرور ○ لتبلون في اموالكم
و نيست زندگانى دنيا مگر برخوردارى فريفت هرآينه مى آزمايند شمارا در مالهاى شما
وانفسكم ولتسمعن من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم
و تنهاى شما و هرآينه شنويد از آنها كه بداده شد ايشانرا كتاب پيش از شما
ومن الذين اشركوا اذى كثيرا وان تصبروا وتتقوا
و از آنها كه انباز فرا داشتند رنجى بسيار و اگر صبر كنيد و بپرهيزيد
فان ذلك من عزم الامور ○ واذ اخذ الله ميثاق الذين اوتوا
پس آن از كارهاى قويست و ياد كن چون فرا گرفت خدا عهد را از آنها كه بداده شد
الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه فنبذوه وراء
ايشانرا كتاب تا روشن كنند آنرا براى مردمان و باز نپوشانند آنرا پس افكندند آنرا وا پس

ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ۝ لَا تَحْسَبَنَّ

پشتهای خود و فرا گرفتند بدان بهای اندک پس بدست که خریدند آنرا مپندار

الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا

آنهارا که شاد شدند بدانچه بدادند ایشانرا و دوست داشتند که ستایش ایشان کنند بدانچه نکردند

فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

پس مپندار ایشانرا رستگار از عذاب و مر ایشانرا بود عذابی دردناک

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر همه چیزی تواناست

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

بدرستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در اختلاف شب و روز

لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا

هرآینه نشانهاست خداوندان خردها را آنها که یاد میکنند خدا را در حال ایستاده و در حالت نشسته

وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و بر پهلوها خسبیده و اندیشه کنند در آفرینش آسمانها و زمین گویند

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝

ای پروردگار ما نیافریدی تو اینرا باطل پاکی و منزهی تو پس باز دار از ما عذاب آتش را

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

ای پروردگار ما بدرستی که تو آنرا که در آوری آورا در آتش پس رسوا کرداننده باشی اورا و نبود مر ستمکارانرا هیچ

أَنْصَارٍ ۝ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا

یاری کننده ای پروردگار ما بدرستی که شنیدیم خواننده را خواندن که میخواند بایمان که بگروید

بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

بپروردگار خود پس بگرویدیم ای پروردگار ما پس بیامرز مارا گناهان ما و باز پوشان از ما بدیهای مارا

وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۝ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

و بمیران مارا با نیکوکاران ای پروردگار ما و بده مارا آنچه وعده میدی مارا بر زبان رسولان خود

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ فَاسْتَجَابَ

و رسوا مکن مارا در روز قیامت بدرستی که تو خلاف نکنی وعده را پس پاسخ داد

لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ

مر ایشانرا پروردگار ایشان که من ضایع نکنم کار هیچ کار کننده از شما از مرد یا ماده

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ

بعضی شما را از بعضی پس آنها که هجرت کردند و بیرون کردند ایشانرا از سراهای ایشان

وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ

و رنجانیده شدند در راه من و کارزار کردند و کشته شدند هرآینه باز پوشانم از ایشان بدیهای ایشان

وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ

و هرآینه در آورم ایشانرا در بستانهائی که رود از زیر درختها آن جویها روان پاداشتی از

عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ۝ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا

نزد خدا و خدا نزدیک اوست نیکوئی پاداش مفریباد ترا گردیدن آنها که کافر شدند

فِي الْبِلَادِ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝
در شهرها این برخورداری دنیا اندکست پس جایگاه ایشان دوزخ بود و بد مرجعیست آن

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
لیکن آنها که بپرهیزید از محارم پروردگار خود مر ایشانرا بود بستانهای که رود از زیر آن جویهای روان

خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۗ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ۝
همیشه باشند در آنجا معدی از نزد خدا و آنچه نزد خداست بهتر مر نیکوکارانرا

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا
و بدرستی که از اهل کتاب مر اینه کس هست که بگرود بخدا و بدانچه فرو فرستاده شد بشما و بدانچه

أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ
فرو فرستاده شد بدیشان خاضعان مر خدا را فرا نگیرند بنشانهای خدا بهای اندک را

أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝
آن گروه مر ایشانرا بود مزد ایشان نزد پروردگار ایشان بدرستی که خدا زود شمارست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
ای آنها که بگرویده اید صبر نمایید بر تکالیف شرعیه و غلبه نمایید بر کفار و محافظت ثغور بر رباط خیل و بترسید از خدا تا بود که شما

تُفْلِحُونَ ۝
رستگاری یابید

سورة النساء مائة وست وسبعون آية مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حزب

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ
ای مردمان بترسید از پروردگار خود آن خدایی که آفرید شمارا از یک تن که آدمست

وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً ۚ
و آفرید از آن تن زن اورا و بپراکند از آن هردو مردانی بسیار را و زنانرا

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ
و بترسید از خدا آن خدایی که در میخواهید ازو و بترسید از قطع رحمها بدرستی که خدا هست بر شما

رَقِيبًا ۝ وَآتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ ۖ
نگهبان و بدهید یتیمانرا مالهای ایشان و بدل مکنید پلیدرا بپاک

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا
و مخورید مالهای ایشانرا با مالهای شما بدرستی که آن هست گناهی بزرگ

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ
و اگر ترسیده شما که عدالت نتوانید کرد در حق یتیمان پس بنکاح در آورید آنچه خوش آید مر شمارا از زنان

مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا
دو دو و سه سه و چهار چهار پس اگر ترسید شما که عدالت نگاه نتوانی داشت پس یکی بخواهید

مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۝ وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ
قادر باشید دستهای شما آن یکی نزدیکتر تا بنگ جور نکنید و بدهید زنانرا مهرهای ایشان

نِحْلَةً ۚ فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا
عطای از طیب پس اگر ببخشند مر شمارا چیزی از آن مهر از روی نفس پس بخورید آنرا خوش گوارنده

مَرِيٓـًٔا • وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِى جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ
٥ وبمدهيد بيخردانرا مالهاى شما آن مالى كه كردانيد خدا مر شمارا
قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا
سبب زيستنى وخورش دهيد ايشانرا در آن وكسوه پوشانيد ايشانرا وبكوئيد ايشانرا مرا گفتارى
مَعْرُوفًا • وَابْتَلُوا الْيَتَامٰى حَتّٰٓى اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ
نيكو وبيازمائيد يتيمانرا تا چون برسند بحد بلوغ پس اگر
اٰنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوٓا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَآ
ببينيد شما از ايشان صوابى پس بسپاريد بديشان مالهاى ايشانرا ومخوريد آنرا
اِسْرَافًا وَبِدَارًا اَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ
باسراف وشتاب نمائيد كه كردنكشى كنند وهركه باشد توانگر پس بايد كه بى نيازى نمايد
وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَاِذَا دَفَعْتُمْ
وهركه باشد درويش پس بايد كه بخورد بنيكوئى پس چون دهيد شما
اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ • وَكَفٰى
بديشان مالهاى ايشانرا پس كواه بركيريد بر ايشان
عَلَيْهِمْ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيبًا • لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ
٤ وبس است خدا حساب كننده مردانرا بود بهره از آنچه بكذاشته باشند
الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُونَ
مادر وپدر وخويشاوندان

وَلِلنِّسَآءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ اَوْ
وهر زنانرا بهره بود از آنچه بكذاشته باشند مادر وپدر وخويشاوندان از آنچه كمترست از آن يا
كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا • وَاِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ اُولُوا الْقُرْبٰى
بيشتر بهره بازبريده وچون حاضر آيند در قسمت تركه خداوندان خويشى
وَالْيَتَامٰى وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا
ويتيمان وبيچارگان پس روزى دهيد ايشانرا از آن وبكوئيد مر ايشانرا گفتارى
مَعْرُوفًا • وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً
نيكو وبايد كه بترسند آنها كه اكر بكذارند از پس ايشان فرزندانى
ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللّٰهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا •
ضعيف را بترسند بر ايشان پس بايد كه بترسند از خدا وبايد كه بكويند گفتارى باصواب
اِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ اَمْوَالَ الْيَتَامٰى ظُلْمًا اِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِى
بدرستى كه آنها كه ميخورند مالهاى يتيمانرا بظلم بدرستى كه ميخورند در
بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا • يُوصِيكُمُ اللّٰهُ فِىٓ
شكمهاى خود آتش را وزود در روند در آتش افروخته ميفرمايد شمارا خدا در حق
اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَيَيْنِ فَاِنْ كُنَّ نِسَآءً
فرزندان شما مر نرينه را بود مانند بهره دو ماده پس اكر باشند زنان
فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَاِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً
بالاى دو پس مر ايشانرا بود چهار دانك آنچه بكذاشته ميت واكر باشد يكى

فلها النصف ولأبويه لكل واحد منهما السدس مما ترك

پس مر او را بود نیمه و مر مادر و پدر او را بود هر یکی را بود از ایشان شش یک از آنچه بگذاشته بود میت

إن كان له ولد فإن لم يكن له ولد وورثه أبواه فلأمه

اگر باشد مر او را فرزندی پس اگر نباشد مر او را فرزندی و میراث برند ازو پدر او پس مادر او را

الثلث فإن كان له إخوة فلأمه السدس من بعد وصية

سه یک مال پس اگر باشد مر او را خواهری پس مادر او را بود شش یک از پس فرموده

يوصي بها أو دين آباؤكم وأبناؤكم لا تدرون

که فرموده شده باشد بدان یا دینی پدران شما و پسران شما که میراث یابند نمیدانید

أيهم أقرب لكم نفعا فريضة من الله إن الله كان

که کدامین از ایشان نزدیکترست مر شما را بسودی فریضه از خدا براستی که خدا هست

عليما حكيما ۝ ولكم نصف ما ترك أزواجكم إن

دانای محکم کار و مر شما را بود نیمه آنچه بگذاشته بود جفتان شما اگر

لم يكن لهن ولد فإن كان لهن ولد فلكم الربع

نباشد مر ایشان را فرزندی پس اگر باشد مر ایشان را فرزندی پس مر شما را بود چهار یک

مما تركن من بعد وصية يوصين بها أو دين ولهن

از آنچه بگذاشته باشند از پس فرموده که فرموده بدان یا وامی و مر ایشان را بود

الربع مما تركتم إن لم يكن لكم ولد فإن كان لكم ولد

چهار یک از آنچه بگذاشته باشید شما اگر نباشد مر شما را فرزندی پس اگر باشد مر شما را فرزندی

فلهن الثمن مما تركتم من بعد وصية توصون بها

پس مر ایشان را بود هشت یک از آنچه بگذاشته باشید شما از پس فرموده که فرموده باشید بدان

أو دين وإن كان رجل يورث كلالة أو امرأة وله

یا وامی و اگر باشد مردی که میراث برند آنکه او را فرزند و پدر نبود یا زنی و مر او را بود

أخ أو أخت فلكل واحد منهما السدس فإن كانوا أكثر

برادری یا خواهری پس هر یکی را بود از آن هر دو شش یک پس اگر باشند بیشتر

من ذلك فهم شركاء في الثلث من بعد وصية يوصى

از آن پس ایشان انبازانند در ثلث مال علی السویه از پس فرموده که فرموده شد

بها أو دين غير مضار وصية من الله والله عليم حليم ۝

بدان یا وامی نه زیان رساننده فرموده از نزد خدا و خدا داناست و بردبار

تلك حدود الله ومن يطع الله ورسوله يدخله جنات تجري

آن مواضع امر و نهی خداست و هر که فرمان برد خدا را و رسول او را در آورد او را در بستانهایی که رود

من تحتها الأنهار خالدين فيها وذلك الفوز

از زیر درختهای آن جویهای روان همیشه باشند در آنجا و آن است رستگاری

العظيم ۝ ومن يعص الله ورسوله ويتعد حدوده يدخله نارا

بزرگ و هر که نافرمانی کند خدا را و رسول او را و درگذرد از حدهای او در آورد او را در آتش

خالدا فيها وله عذاب مهين ۝ واللاتي يأتين الفاحشة

همیشه بود در آن و مر او را بود عذابی خوار کننده و آن زنانی که آیند بناشایست

من نسائكم فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان
از زنان شما پس گواه بر گیرید بر ایشان چهار گواه از شما پس اگر
شهدوا فامسكوهن في البيوت حتى يتوفاهن الموت
گواهی دهند پس نگاه دارید ایشانرا در خانها تا آنگاه که جان بستاند ایشانرا مرگ
او يجعل الله لهن سبيلا • واللذان يأتيانها منكم
یا بدید آرد خدا مر ایشانرا راهی و آن دو مرد که آیند بکارهای بد از شما
فآذوهما فان تابا واصلحا فاعرضوا عنهما ان الله كان
پس برنجانید ایشانرا پس اگر باز آیند و کار باصلاح آورند پس برگردید از ایشان بدرستی که خدا هست
توابا رحيما • انما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة
توبه پذیرنده مهربان بدرستی که قبول توبه بر خداست مر آنهارا که کردند بدی بنادانی
ثم يتوبون من قريب فاولئك يتوب الله عليهم وكان الله
پس باز آمدند از نزدیکی پس آن گروه سهل کند خدا بر ایشان و هست خدا
عليما حكيما • وليست التوبة للذين يعملون السيئات
دانای محکم کار و نیست قبول توبه مر آنهارا که کردند بدیهارا
حتى اذا حضر احدهم الموت قال اني تبت الآن ولا الذين
تا چون حاضر آید یکی از ایشان اسباب مرگ گوید که من توبه کردم اکنون و نه آنهارا
يموتون وهم كفار اولئك اعتدنا لهم عذابا اليما
که بمیرند و ایشان کافر بودند آن گروه بیچاردیم برای ایشان عذابی دردناک

يا ايها الذين آمنوا لا يحل لكم ان ترثوا النساء كرها
ای آنها که بگرویده اید حلال نیست مر شمارا که بمیراث گیرید زنانرا بکراهت
ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيتموهن الا ان يأتين
و گزند مرسانید ایشانرا تا ببرید ببعض آنچه بداده اید ایشانرا مگر که آیند
بفاحشة مبينة وعاشروهن بالمعروف فان
بناشایستی روشن و زندگانی کنید با ایشان بنیکوئی پس اگر
كرهتموهن فعسى ان تكرهوا شيئا ويجعل الله فيه
نخواهید ایشانرا پس شاید بود که بکراهیت دارند چیزی را و بکند خدا در آن
خيرا كثيرا • وان اردتم استبدال زوج مكان
خیری بسیار و اگر خواهید شما بدل کردن زنی بجایگاه
زوج وآتيتم احداهن قنطارا فلا تأخذوا منه
زنی و بداده باشید ایشانرا یکی از ایشانرا مهری پس وا مگیرید از آن
شيئا اتأخذونه بهتانا واثما مبينا • وكيف
چیزی ای فرا میگیرید آنرا بتزویر و بزه روشن و چگونه
تأخذونه وقد افضى بعضكم الى بعض واخذن
فرا میگیرید آنرا و بدرستی که رسیدید بعضی شما ببعضی کنایت از مضاجعت و فرا گرفته باشند آن زنان
منكم ميثاقا غليظا • ولا تنكحوا ما نكح آباؤكم
از شما عهدی از سخت قوی و مخواهید خواست آنچه خواسته باشند پدران شما

مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ

از زنان مگر آنچه از پیش گذشت بدرستی که آن سبب ناشایستی و بزه و بد

سَبِيلًا ۝ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَ

راهست حرام کرده شد بر شما که بخواهید مادران شما و دختران شما

أَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ

و خواهران شما و عمهای شما و خالهای شما و دختران

الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ

برادر و دختران خواهر و مادران شما آن زنانی که شیر داده باشند شمارا

وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ

و خواهرانی که با ایشان شیر خورده شد [illegible] زنان شما و دختران زنان شما

اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ

آن زنانی که در خانهای شما اند از زنان شما آن زنانی که دخول کرده باشید

بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَ

بدیشان پس اگر دخول نکرده باشید شما بدیشان پس بزه نبود بر شما

حَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ

و زنان پسران شما آنها که از صلبهای شما اند و آنکه جمع آرید میان

الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

دو خواهر مگر که یکی پیشتر مرده باشد بدرستی که خدا آمرزنده و مهربانست

الجزو ٥

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ

و زنان آزاد که در صدد عفت باشند از زنان مگر آنچه قادر باشند دستهای شما نوشت

اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا

خدا بر شما و حلال کرد بر شما را آنچه جز آنست آنان آنست که بجوئید

بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ

مالهای خویش را زن کنندگان نه زناکنندگان پس آنچه انتفاع گیرید شما بدان از ایشان

فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ

پس بدهید ایشانرا مهرهای ایشان حال آنکه واجبست و بزه نبود بر شما در آنچه راضی شوید شما بدان

مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

از پس تعیین مهر بدرستی که خدا هست دانای محکم کار و هر که توانایی ندارد

مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ

از شما فزونی در مال که بخواهد زنان آزاد مؤمنه را پس از آنچه قادر باشند

أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ

دستهای شما از کنیزکان شما مؤمنه و خدا داناست بایمان شما

بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ

بعضی شمارا از بعضی پس بخواهید ایشانرا بفرمان خواجه ایشان و بدهید ایشانرا

أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ

مهرهای ایشانرا بنیکوئی زن کنندگان نه زناکنندگان و نه فراگیرندگان

اخدان فاذا احصن فان اتين بفاحشة فعليهن نصف

دوستان پنهانی پس چون پاک کرده شوند پس اگر آیند بناشایستی پس بریشان بود نیمه

ما على المحصنات من العذاب ذلك لمن خشي العنت منكم وان

آنچه برزنان آزاد بود از عذاب آن مرآنرا که ترسید از زنا ازشما واگر

تصبروا خير لكم والله غفور رحيم ۝ يريد الله ليبين لكم

صبر کنید بهتر بود مرشمارا وخدا آمرزگار مهربانست میخواهد خدا تا روشن کند مرشمارا

ويهديكم سنن الذين من قبلكم ويتوب عليكم والله

وراه نماید شمارا طریقهای آنها که پیش از شما بودند وسهل کند برشما وخدا

عليم حكيم ۝ والله يريد ان يتوب عليكم ويريد الذين

دانای محکم کارست وخدا میخواهد که سهل کند برشما ومیخواهند آنها

يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلا عظيما ۝ يريد الله ان

که پیروی کردند آرزوهارا که میل کنید میلی بزرگ میخواهد خدا که

يخفف عنكم وخلق الانسان ضعيفا ۝ يا ايها الذين

سبک کند ازشما وآفریده شده است آدمی ضعیف بی‌صبر ای آنها

امنوا لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل الا ان تكون

که بگرویده اید مخورید مالهای خودرا میان یکدیگر بباطل مگر آنکه باشد

تجارة عن تراض منكم ولا تقتلوا انفسكم ان

بازرگانی از پسند خشنودی ومکشید تنهای یکدیگررا بدرستی

الله كان بكم رحيما ۝ ومن يفعل ذلك عدوانا وظلما

که خدا هست بشما مهربان وهرکه کند آن از سر دشمنی وستم

فسوف نصليه نارا وكان ذلك على الله يسيرا ۝ ان

پس زود درآوریم اورا در آتش وهست آن بر خدا آسان اگر

تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم

دوری گزینید از گناهان بزرگ آنچه نهی کرده شده اید ازان بازپوشانیم ازشما بدیهای شمارا

وندخلكم مدخلا كريما ۝ ولا تتمنوا ما فضل الله

ودرآوریم شمارا دررحمت خود درآوردنی نیکو وآرزو مکنید آنچه افزونی نهاد خدا

به بعضكم على بعض للرجال نصيب مما اكتسبوا

بدان بعضی ازشمارا بربعضی مردانرا بود بهره ازآنچه اندوخته باشند

وللنساء نصيب مما اكتسبن واسالوا الله من فضله

وزنانرا بود بهره ازآنچه اندوخته باشند ودرخواهید ازخدا ازفضل او

ان الله كان بكل شيء عليما ۝ ولكل جعلنا موالي

بدرستی که خدا هست بهمه چیزی دانا وهر هرکسی را گردانیدیم ما وارثان

مما ترك الوالدان والاقربون والذين عقدت ايمانكم

ازان مال

ازانچه بگذاشته باشند مادر وپدر وخویشاوندان وآنها که عهد بست بایشان دستهای شما

فاتوهم نصيبهم ان الله كان على كل شيء شهيدا

پس بدهید ایشانرا بهره ایشان بدرستی که خدا هست بر همه چیزی گواه وحاضر

الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما

مردان تحوایستادکانند بر زنان بدانچه افزونی نهاد خدا بعضی ایشانرا بر بعضی وبدانچه

انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما

نفقت کردند از مالها خود پس زنان نیک مطیع شوهران خودند نگهدارند عورتها خودرا در حالت غیبت ایشان

حفظ الله واللاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن

بدانچه نگهداشت خدا وآن زنانی که ترسانید نافرمانی ایشانرا پس پند دهید ایشانرا ودوری گزینید از ایشان

في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن

در خوابگاهها وبزنید ایشانرا پس اگر فرمان برند پس مجوئید بر ایشان

سبيلا ان الله كان عليا كبيرا • وان خفتم شقاق

راهی بدرستی که خدا هست افراشته بزرگوار واگر دانید شما خلاف

بينهما فابعثوا حكما من اهله وحكما من اهلها

در میان ایشان پس برانگیزید حاکمی متوسط از اهل مرد وحاکمی از اهل آن زن

ان يريدا اصلاحا يوفق الله بينهما ان الله كان عليما

اگر خواهند کار با صلاح آوردن ناموافقت پدید آورد خدا میان ایشان بدرستی که خدا هست داننده

خبيرا • واعبدوا الله ولا تشركوا به شيئا وبالوالدين

آگاه وبپرستید خدا را وانباز فرا ندارید بدو چیزی وبا مادر وپدر خود

احسانا وبذي القربى واليتامى والمساكين والجار

نیکوئی کنید وباخداوندان خویشی وبیتیمان وبیچارگان وبا همسایه

ذي القربى والجار الجنب والصاحب بالجنب وابن السبيل

نزدیک وباهمسایه دور وبا یار ومصاحب وبا راهگذریان

وما ملكت ايمانكم ان الله لا يحب من كان مختالا

وآنچه قادر باشند دستهای شما بدرستی که خدا دوست ندارد آنرا که باشد خرامنده

فخورا • الذين يبخلون ويأمرون الناس بالبخل ويكتمون

نازنده آنها که بخیلی میکنند ومیفرمایند مردمانرا ببخیلی وبازمی‌پوشانند

ما آتاهم الله من فضله واعتدنا للكافرين عذابا مهينا

آنچه بداد ایشانرا خدا از فضل خود وبسیجانیدیم برای کافران عذابی خوارکننده

والذين ينفقون اموالهم رئاء الناس ولا يؤمنون بالله ولا

وآنها که نفقت میکنند مالهای خودرا بروی ریا مردمان ونمی‌گروند بخدا ونه

باليوم الآخر ومن يكن الشيطان له قرينا فساء قرينا

بروز آخرت وهرکه باشد دیو اورا یار وهمنشین پس بد یاری است

وماذا عليهم لو آمنوا بالله واليوم الآخر وانفقوا مما رزقهم

وچه زیان بودی بر ایشان اگر بگرویدندی بخدا وبروز آخرت ونفقت کردندی از آنچه روزی کرد ایشانرا

الله وكان الله بهم عليما • ان الله لا يظلم مثقال ذرة

خدا وهست خدا بدیشان دانا بدرستی که خدا ستم نکند هم سنگ مورچه

وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجرا عظيما

واگر باشد آن مثقال ذره نیکوئی دوچندان گرداند آنرا وبدهد از نزدیک خود مزدی بزرگ

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا
پس چگونه بود حال ایشان چون آوریم از گروهی گواهی را و آوریم ما ترا بر این گروه بگواهی
يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ
آنروز آرزو کنند آنها که کافر شدند و نافرمانی کنند رسول را که کاشکی راست گردندی بدیشان زمین را
وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا
و باز نتوانند پوشید خدا را سخنی ای آنها که بگرویده اید فرا نزدیکی منمایید چنانکه مردکار از دفن کند
الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا
بنماز و شما مستان باشید تا دانید آنچه میگویید و نه در حالت جنابت
إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ
مگر گذرنده راه باشید تا غسل کنید و اگر باشید شما بیمار یا بر سفر
أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا
یا آید یکی از شما بقضاء حاجتی یا بسایید شما زنان نامحرم را پس نیابید
مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ
آب را پس تیمم کنید بخاکی پاک پس مسح کنید بروبهای خود و دستهای خود بدرستی
اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ
که خدا هست درگذرنده از گناه آمرزگار ای ننگریستی بآنها که بداده شد ایشانرا بهره از
الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ
کتاب میخرند گمراهی را بدل راه راست و میخواهند که گمراه کنید راه را

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ
و خدا داناترست بدشمنان شما و بس است دوست و بس است خدا
نَصِيرًا ۝ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ
بیاری کردن از آنها [illegible] کلام آن
يَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا
و میگویید شنیدیم ما و فرمان برداشتیم و بشنو جز آنکه ناشنونده بود و مراقب ما باش برای پیچانیدن
بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا
زبانهای خود و طعنه زدن در دین و اگر آنکه ایشان گفتندی شنیدیم ما و فرمان بردیم ما
وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ لَعَنَهُمُ
و بشنو و بنگر بما هر آینه بودی بهتر مر ایشانرا و راست تر ولیکن بلعنت کرد ایشانرا
اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا
خدا بسبب کفر ایشان پس نگروید مگر اندکی ای آنها که داده شد
الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
کتاب بگروید بدآنچه فرو فرستادیم ما براست دارنده مر آنچه با شماست از پیش آنکه
نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا
محو گردانیم رویها را پس بازگردانیم ما آنرا بر قفاهای آن یا بلعنت کنیم ایشانرا چنانکه
لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ اللَّهَ
بلعنت کردیم ما اصحاب شنبه را و هست فرمان خدا کرده شده بدرستیکه خدا

لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك
نیامرزد آنرا که انباز آرد بدو و بیامرزد آنچه جز آنست مرآنرا که خواهد و هر که انباز آرد
بالله فقد افترى اثما عظيما ● الم تر الى الذين يزكون
بخدا پس بدرستی که بربافته بود بزه بزرگ ای نگریستی بدانها که تزکیه
انفسهم بل الله يزكي من يشاء ولا يظلمون فتيلا ● انظر
تنهای خود کردند بلکه خدا پاک گرداند آنرا که خواهد و ستم کرده نشوند مقدار کواسته خرما بنگر
كيف يفترون على الله الكذب وكفى به اثما مبينا ●
که چگونه بر می بافند بر خدا دروغ را و بس است آن بزه روشن
الم تر الى الذين اوتوا نصيبا من الكتاب يؤمنون بالجبت
ای نگریستی بدانها که بداده شد ایشانرا بهره از کتاب می گروند به بتان جبت
والطاغوت ويقولون للذين كفروا هؤلاء اهدى من
وطاغوت و میگویند مرآنها را که کافر شدند ای این گروه راه یابنده ترند از
الذين امنوا سبيلا ● اولئك الذين لعنهم الله ومن يلعن الله
آنها که بگرویدند براه آن گروه آنها اند که بلعنت کرد ایشانرا خدا و هر که بلعنت کند اورا خدای
فلن تجد له نصيرا ● ام لهم نصيب من الملك فاذا لا يؤتون
پس هرگز نیابی مر اورا یاری کننده یا مرایشانراست بهره از پادشاهی پس آنگه بندادندی
الناس نقيرا ● ام يحسدون الناس على ما اتاهم الله من فضله
مردمانرا مقدار کواسته خرما یا حسد می برد مردمان بر آنچه بداد ایشانرا خدا از فضل خود



فقد اتينا ال ابراهيم الكتاب والحكمة واتيناهم ملكا
پس بدرستی که بدادیم ما یوسف و داود و سلیمانرا کتاب و حکمت و بدادیم ما ایشانرا پادشاهی
عظيما ● فمنهم من امن به ومنهم من صد عنه وكفى
بزرگ پس از ایشان کس هست که بگروید بدان و از ایشان کس هست که برگشت از آن و بس است
بجهنم سعيرا ● ان الذين كفروا بآياتنا سوف نصليهم
حزب
دوزخ با آتش افروخته بدرستی که آنها که کافر شدند بنشانهای ما زود درآوریم ما ایشانرا
نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غيرها
در آتش هرگاه که سوخته و پخته شود پوستهای ایشان بدل کنیم ما ایشانرا پوستهای جز آن
ليذوقوا العذاب ان الله كان عزيزا حكيما ● والذين
تا در چشند عذاب را بدرستی که خدا هست غالب محکم کار و آنها که
امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم جنات تجري من
بگرویدند و کارهای نیکو کردند زود درآوریم ما ایشانرا در بستانهای که رود از
تحتها الانهار خالدين فيها ابدا لهم فيها ازواج مطهرة
زیر درختهای آن جویهای روان جاوید باشند در آنجا همیشه مرایشانرا بود در آنجا همجفتانی پاکیزه
وندخلهم ظلا ظليلا ● ان الله يأمركم ان تؤدوا الامانات
و درآوریم ایشانرا در سایه کشیده بدرستی که خدا میفرماید شمارا که باز دهید امانتهارا
الى اهلها واذا حكمتم بين الناس ان تحكموا بالعدل
با اهل آن و چون حکم کنید شما میان مردمان حکم کنید بعدالت

إن الله نعما يعظكم به إن الله كان سميعا بصيرا ●

بدرستی که خدا نیکو پند میدهد شمارا بدان بدرستی که خدا هست شنوای بینا

يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وأولي الأمر منكم

ای آنها که بگرویدهاید فرمان برید خدارا وفرمان برید پیغمبررا وخداوندان فرمان را از شما

فإن تنازعتم في شيء فردوه إلى الله والرسول إن كنتم تؤمنون

پس اگر خلاف کنید شمارا در چیزی پس بازگردانید آنرا باخدا وبا رسول اگر هستید شما ایمان دارید

بالله واليوم الآخر ذلك خير وأحسن تأويلا ● ألم تر إلى الذين

بخدا وبروز آخرت آن بهتر ونیکوتر بعاقبت نی نگریستی بدانها

يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك وما أنزل من قبلك يريدون

که دعوی کردند که ایشان بگرویده اند بدانچه فرو فرستاده شد بتو وبدانچه فرو فرستاده شد پیش از تو میخواهند

أن يتحاكموا إلى الطاغوت وقد أمروا أن يكفروا به

که حکومت برند بسوی کعب الاشرف یهودی وبدرستی که فرموده شد که کافر شوند بدو

ويريد الشيطان أن يضلهم ضلالا بعيدا ● وإذا قيل

ومیخواهد دیو که گمره کند ایشانرا گمراهی دور از حق وچون گویند

لهم تعالوا إلى ما أنزل الله وإلى الرسول رأيت المنافقين

مرایشانرا بیایید بدانچه فرو فرستاد خدا وبرسول ببینی تو منافقان

يصدون عنك صدودا ● فكيف إذا أصابتهم مصيبة

که برگردند از تو برگردندنی پس چگونه بود حال ایشان چون برسد بدیشان مصیبتی

بما قدمت أيديهم ثم جاءوك يحلفون بالله إن أردنا إلا

بدانچه فراپیش داشتند دستهای ایشان پس آیند بتو سوگند خورند بخدا که نخواستیم ما مگر

إحسانا وتوفيقا ● أولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم

نیکویی ویاری وموافقت آن گروه آنهااند که میداند خدا آنچه در دلهای ایشانست

فأعرض عنهم وعظهم وقل لهم في أنفسهم قولا

پس برگرد از ایشان وپند ده ایشانرا وبگو مرایشانرا در تنهای ایشان گفتاری

بليغا ● وما أرسلنا من رسول إلا ليطاع بإذن الله ولو أنهم

تمام وفرستادیم ما هیچ رسولی را مگر که فرمان برند اورا بفرمان خدا واگر آنک ایشان

إذ ظلموا أنفسهم جاءوك فاستغفروا الله واستغفر

چون ستم کردند بر تنهای خود آمدندی بتو پس آمرزش خواستندی از خدا وآمرزش خواستی

لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ● فلا وربك لا يؤمنون

مرایشانرا رسول یافتندی خدارا توبه پذیرنده مهربان پس بحق پروردگار تو که نمی گروند

حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في أنفسهم

تا حاکم سازند ترا در آنچه خلاف افتاد میان ایشان پس نیابند در تنهای خود

حرجا مما قضيت ويسلموا تسليما ● ولو أنا كتبنا عليهم

تنگی از آنچه حکم کرده باشی تو وگردن نهند ترا گردن نهادنی واگر ما نوشتمانی بر ایشان

أن اقتلوا أنفسكم أو اخرجوا من دياركم ما فعلوه

که بکشید تنهای خودرا یا برون آیید از سرایهای خود نکردندی آنرا

إلا قليل منهم ولو أنهم فعلوا ما يوعظون به لكان خيرا
مگر اندکی از ایشان . واگر آنک ایشان بکردندی آنچ پند داده شدند بدان مرایشانرا بودی بهتر
لهم وأشد تثبيتا ۝ وإذا لآتيناهم من لدنا أجرا
مرایشانرا وسخت تر بثبات وآنگه مرایشانرا بدادمانی ایشانرا از نزدیک ما مزدی
عظيما ۝ ولهديناهم صراطا مستقيما ۝ ومن يطع
بزرگ وهرآینه راه نمودمانی ایشانرا باراه راست وهرکه فرمان برد
الله والرسول فأولئك مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين
خدایرا ورسول را پس آن گروه با آنهااند که نعمت کرده بود خدا بریشان از پیغمبران
والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك
وراست گویان وگواهان ونیکوکاران وچه نیکواند آن گروه
رفيقا ۝ يا أيها الذين آمنوا خذوا حذركم فانفروا
بیاری وهمراهی ای آنها که بگرویدید فراگیرید سلاح خودرا پس بیرون روید
ثبات أو انفروا جميعا ۝ وإن منكم لمن ليبطئن فإن
گروه گروه یکی یک یا بیرون روید همه باهم وبدرستی که از شما کس هست که بازمیدارد مردم از غزا پس اگر
أصابتكم مصيبة قال قد أنعم الله علي إذ لم أكن
برسد بشما مصیبتی گوید بدرستی که نعمت کرد خدای برمن چون نبودم
معهم شهيدا ۝ ولئن أصابكم فضل من الله ليقولن
با ایشان حاضر وهرآینه اگر رسد بشما فضلی از خدا هرآینه گویند

ذلك الفضل من الله
وكفى بالله عليما

كأن لم تكن بينكم وبينه مودة يا ليتني كنت معهم
گوییا که نبود میان شما ومیان او دوستی ای کاشکی من بودمی باایشان
فأفوز فوزا عظيما ۝ فليقاتل في سبيل الله الذين
پس رستگاری یافتمی رستگاری بزرگ پس باید که کارزار کنند در راه خدا آنها
يشرون الحيوة الدنيا بالآخرة ومن يقاتل في سبيل الله
که میخرند زندگانی دنیا را ببدل آخرت وهرکه کارزار کند در راه خدا
فيقتل أو يغلب فسوف نؤتيه أجرا عظيما ۝ وما لكم
پس کارزار کند یا غالب آید پس زود بدهیم اورا مزدی بزرگ وچیست مرشمارا
لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من الرجال
که کارزار نمیکنید در راه خدا ودر خلاص ضعیفان نمیکوشید از مردان
والنساء والولدان الذين يقولون ربنا أخرجنا من هذه
وزنان وکودکان آنها که میگویند ای پروردگار ما بیرون آور مارا ازین
القرية الظالم أهلها واجعل لنا من لدنك وليا واجعل
دیه که ستمکاراند اهل آن وبکن مارا از نزدیک خود دوستی وبدید کن
لنا من لدنك نصيرا ۝ الذين آمنوا يقاتلون في سبيل
مارا از نزدیک خود یاری کنی آنها که بگرویدند کارزار میکنند در راه
الله والذين كفروا يقاتلون في سبيل الطاغوت فقاتلوا
خدا وآنها که کافر شدند کارزار میکنند در راه بتان پس کارزار کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

با دوستان دیو بدرستی که کید دیو باشد ضعیف و سست

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَ

ای ننگرستی بآنها که گفته شد مر ایشانرا که باز دارید دستهای خودرا و بپای دارید نمازرا

آتُوا الزَّكَوٰةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ

و بدهید زکات را پس چون نوشته شد بریشان کارزار آنگه گروهی از ایشان می ترسیدند

النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ

از مردمان همچون ترسیدن از خدا یا سخت تر ترس و گفتند ای پروردگار ما چرا

كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ

نوشتی بر ما کارزار را چرا تاخیر نکردی ما را تا اجلی نزدیک بگو

مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ

این بهره خورداری دنیا اندکست و آخرت بهتر مر آنرا که بپرهیزد و ستم کرده نشوند

فَتِيلًا ۝ أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي

بمقدار آنچه در کوی هسته خرماست هرکجا که باشید شما دریابد شما را مرگ و اگرچه باشید شما در

بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ

کوشکهائی بلند سخت کرده و اگر برسد بدیشان نیکوئی گویند این از

عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ

نزدیک خداست و اگر برسد بدیشان بدی گویند این از نزد تست

قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ

بگو همه از نزدیک خداست پس چیست این قوم را که نه نزدیکست که دریابند

حَدِيثًا ۝ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ

سخن را آنچه برسید بتو از نیکوئی پس از خداست و آنچه برسید بتو از

سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى

بدی پس از تن تست و بفرستادیم ما ترا برای مردمان برسالت و بسنده است

بِاللَّهِ شَهِيدًا ۝ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى

بخدا بگواهی و دانائی هرکه فرمان برد رسول پس براستی که فرمان برده است خدایرا و هرکه برگردد

فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۝ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا

پس نفرستادیم ما ترا بریشان نگهبان اعمال و میگویند کار ما فرمان بردنست پس چون

بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ

بیرون آیند از نزدیک تو بشب کار میسازند گروهی از ایشان جز آنچه تو گفت

وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

و خدا باز می نویسد آنچه بشب می سازند پس برگرد از ایشان و توکل کن بر خدا

وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ

و بسنده است خدا بکارگزاری و کاررانی ای پس اندیشه نکردند درین قرآن

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا

و اگر بودی این قرآن از نزدیک غیر خدای هرآینه یافتندی در آن اختلاف

كَثِيرًا

وإذا جاءهم أمر من الأمن أو الخوف أذاعوا به ولو ردوه إلى الرسول
و چون آید بدیشان فرمانی از ایمنی یا ترس آشکار کنند آنرا و اگر باز گردانیدندی آنرا با رسول
وإلى أولي الأمر منهم لعلمه الذين يستنبطونه منهم ولولا
و با خداوندان فرمان از ایشان هر آینه دانستندی آنرا آنها که بیرون می آورند آنرا از ایشان و اگر نه
فضل الله عليكم ورحمته لاتبعتم الشيطان إلا
فضل خدا بودی بر شما و رحمت او هر آینه پیروی میکردند شما دیو را مگر
قليلا ۝ فقاتل في سبيل الله لا تكلف إلا نفسك وحرض
اندکی پس کارزار کن در راه خدا تکلیف نفرمایند مگر بنفس تو و حریص کن
المؤمنين عسى الله أن يكف بأس الذين كفروا والله أشد
مؤمنانرا بر قتال شاید بود که خدا باز دارد کارزار را از آنها که کافر شدند و خدا سخت تر
بأسا وأشد تنكيلا ۝ من يشفع شفاعة حسنة
بکارزار و سخت تر بعقوبت کردن هر که شفاعت کند شفاعتی نیکو
يكن له نصيب منها ومن يشفع شفاعة سيئة يكن
باشد مر او را بهره از آن و هر که شفاعت کند شفاعتی بد باشد
له كفل منها وكان الله على كل شيء مقيتا
مر او را بهره از آن و هست خدا بر همه چیزی توانا
وإذا حييتم بتحية فحيوا بأحسن منها أو ردوها إن الله
و چون سلام کنند بر شما سلامی پس جواب باز دهید نیکوتر از آن یا رد کنید همانرا بدرستی که خدا

نصف

كان على كل شيء حسيبا ۝ الله لا إله إلا هو ليجمعنكم إلى
هست بر همه چیزی شمار کننده معبود بسزا خداست نیست خدایی مگر او هر آینه جمع کند شما را
يوم القيامة لا ريب فيه ومن أصدق من الله حديثا ۝
روز قیامت هیچ شکی نیست در آن و کیست راست گوتر از خدا بسخن و گفتار
فما لكم في المنافقين فئتين والله أركسهم بما
پس چیست مر شما را که در حق منافقان بدو گروه میشوید و خدا نگونسار گردانید ایشانرا بآنچه
كسبوا أتريدون أن تهدوا من أضل الله ومن يضلل الله
اندوختند آیا میخواهید که راه نمایید آنرا که گمراه گردانید اورا خدا و هر که گمراه گرداند او را خدا
فلن تجد له سبيلا ۝ ودوا لو تكفرون كما كفروا
پس نیابی مر او را راهی و آرزو کردند که کافر شوید شما همچنانکه کافر شدند
فتكونون سواء فلا تتخذوا منهم أولياء حتى يهاجروا
پس باشید یکسان پس فرا مگیرید از ایشان بدوستان تا هجرت کنند
في سبيل الله فإن تولوا فخذوهم واقتلوهم حيث
در راه خدا پس اگر برگردند پس بگیرید ایشانرا و بکشید ایشانرا هر جا
وجدتموهم ولا تتخذوا منهم وليا ولا نصيرا ۝ إلا
که یابید ایشانرا و فرا مگیرید از ایشان بدوستان و نه بیاری گرفتن مگر
الذين يصلون إلى قوم بينكم وبينهم ميثاق أو جاءوكم
آنها که بپیوندند بگروهی که میان شما و میان ایشان عهدی بود یا آیند بشما

حصرت صدورهم ان يقاتلوكم او يقاتلوا قومهم و

حال آنکه تنگ شده بود سینهای که کارزار کنند باشما یا کارزار کنند باگروه خود

لو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم فان اعتزلوكم

اگر خواستی خدا مسلط کردانیدی ایشانرا بر شما پس کارزار کردندی باشما پس اگر بایکسوی شوند از شما

فلم يقاتلوكم والقوا اليكم السلم فما جعل الله لكم

پس کارزار نکنند باشما واندازند بشما صلح را پس ننهاد خدا مرشمارا

عليهم سبيلا ۝ ستجدون آخرين يريدون ان يأمنوكم

برایشان راهی زود بیابید دیگرانرا که خواهند که ایمن شوند از شما

ويأمنوا قومهم كلما ردوا الى الفتنة اركسوا فيها

و ایمن شوند از قوم خویش هرگاه که بازگردانیده شوند سوی فتنه هلاک کرده شوند در آن

فان لم يعتزلوكم ويلقوا اليكم السلم ويكفوا

پس اگر جدا نشوند از شما و اندازند بشما صلح را و بازندارند

ايديهم فخذوهم واقتلوهم حيث ثقفتموهم

دستهای خودرا پس بگیرید ایشانرا و بکشید ایشانرا هرجا که بیابید ایشانرا

واولئكم جعلنا لكم عليهم سلطانا مبينا ۝

و آن گروه هستند که بکردیم مر شمارا برایشان حجتی روشن

وما كان لمؤمن ان يقتل مؤمنا الا خطأ ومن قتل

و نبود هیچ مؤمنی را که بکشد مؤمنی را مگر بخطا و سهو و هرکه بکشد

مؤمنا خطأ فتحرير رقبة مؤمنة ودية مسلمة الى اهله

مؤمنی را بخطا نه بقصد پس واجب بود برو آزاد کردن بندهٔ مؤمن و دیتی سپرده با اهل مقتول

الا ان يصدقوا فان كان من قوم عدو لكم وهو

مگر که صدقه کنند پس اگر باشد از قومی که دشمن باشند مرشمارا و او

مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة وان كان من قوم بينكم

مؤمن بود پس واجب بود آزاد کردن بندهٔ مؤمن و اگر باشد از قومی که میان شما

وبينهم ميثاق فدية مسلمة الى اهله وتحرير رقبة

و میان ایشان عهدی بود پس دیتی بود سپرده با اهل مقتول و آزاد کردن بندهٔ

مؤمنة فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين توبة من الله

مؤمن پس هرکه نیابد پس برو بود دو ماه پیاپی روزه توبه پذیرفتنی از خدا

وكان الله عليما حكيما ۝ ومن يقتل مؤمنا متعمدا

و هست خدا دانای محکم کار و هرکه بکشد مؤمنی را بعمد

فجزاؤه جهنم خالدا فيها وغضب الله عليه ولعنه و

پس پاداش او دوزخ بود همیشه باشد در آنجا و خشم خدای برو بود و لعنت او

اعد له عذابا عظيما ۝ يا ايها الذين آمنوا اذا ضربتم في

و بیچاره بود برای او عذابی بزرگ ای آنها که بگرویدید چون بروید شما در

سبيل الله فتبينوا ولا تقولوا لمن القى اليكم السلام لست

راه دین خدا پس بدانید و مگوئید مرآنرا که طلب کرد از شما صلح را نیستی

مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ

مؤمن میجویید کالای زندگانی دنیا را پس نزد خداست غنیمتهای بسیار

كَذٰلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ

همچنین بودید شما از پیش پس منت نهاد خدا بر شما پس بدانید مومن را از کافر بدرستی

اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا • لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ

که خدا هست بدانچه شما میکنید آگاه یکسان نمیشوند نشینندگان از قتال

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

از مومنان جز خداوندان بیماری علت و جهاد کنندگان را در راه خدای

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ

بمالهای خود و تنهای خود افزونی نهاد خدا جهاد کنندگان را بمالهای خود و

أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ

تنهای خود بر نشینندگان بمرتبه و منزلت و همه را وعده داد خدا

الْحُسْنٰى وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا

بهشت و افزونی نهاد خدا جهاد کنندگان را بر نشینندگان مزدی

عَظِيمًا • دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ

بزرگ بمرتبه و منزلت از فضل خود و آمرزشی و رحمتی و هست خدا

غَفُورًا رَحِيمًا • إِنَّ الَّذِينَ تَوَفّٰهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِي

آمرزگار مهربان است بدرستی که آنها که جان بستانند ایشان را فرشتگان در حالتی که ستمکاران بودند

أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي

بر تنهای خود گویند در چه بودید شما گویند بودیم ما ضعیف داشتگان در

الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا

زمین گویند ای نبود زمین خدا فراخ پس هجرت کنید

فِيهَا فَأُولٰٓئِكَ مَأْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا • إِلَّا

در آنجا پس آن گروه جایگاه ایشان دوزخ بود و بد بازگشتیست مگر

الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا

ضعیف داشتگان از مردان و زنان و کودکان

يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا • فَأُولٰٓئِكَ

که توانائی ندارند چاره و نیابند راه پس آن گروه

عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللّٰهُ عَفُوًّا غَفُورًا

شاید بود که خدا درگذرد از ایشان و هست خدا درگذرنده و آمرزگار

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا

و هرکه هجرت کند در راه خدا یابد در زمین غنیمتهای بسیار

وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ

و فراخی و هرکه بیرون آید از خانه خود هجرت کننده با خدا و رسول او پس

يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ

دریابد او را مرگ پس بدرستی که واقع شده بود مزد او بر خدا و هست خدا

غفورا رحيما ۝ وإذا ضربتم في الأرض فليس عليكم جناح

آمرزگار مهربان و چون بروید شما در زمین پس نبود بر شما بزه

أن تقصروا من الصلوة إن خفتم أن يفتنكم الذين كفروا

که بقصر گزارید نماز را اگر ترسید شما که بفتنت افکنند شما را آنها که کافر شدند

إن الكافرين كانوا لكم عدوا مبينا ۝ وإذا كنت فيهم

بدرستی که کافران باشند مر شما را دشمنی روشن و چون باشی تو در میان ایشان

فأقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك

پس بپای دار مر ایشان را نماز پس باید که بایستند گروهی از ایشان که با تو اند

وليأخذوا أسلحتهم فإذا سجدوا فليكونوا من

و باید که فرا گیرند سلاحهای خود را پس چون سجده کرده باشند پس باید که باشند از

ورائكم ولتأت طائفة أخرى لم يصلوا فليصلوا

پس شما و باید که آیند گروهی دیگر که نماز نگزارده باشند پس باید که نماز گزارند

معك وليأخذوا حذرهم وأسلحتهم ود الذين

با تو و باید که فرا گیرند پرهیز خویش را و سلاحهای خود را و آرزو کردند

كفروا لو تغفلون عن أسلحتكم وأمتعتكم

آنها که کافر شدند که اگر غافل شوید شما از سلاحها خود و کالاهای خود ۵

فيميلون عليكم ميلة واحدة ولا جناح عليكم

پس حمله برند بر شما یک حمله بردنی و بزه نبود بر شما

إن كان بكم أذى من مطر أو كنتم مرضى أن تضعوا أسلحتكم

اگر باشد بشما رنجی از باران یا باشید شما بیماران که بنهید سلاحهای خود را

وخذوا حذركم إن الله أعد للكافرين عذابا مهينا

و فرا گیرید پرهیز خود را بدرستی که خدا بیجارده است برای کافران عذابی خوار کننده

فإذا قضيتم الصلوة فاذكروا الله قياما وقعودا وعلى

پس چون بگزارده باشید شما نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و بر

جنوبكم فإذا اطمأننتم فأقيموا الصلوة إن الصلوة

پهلوهای خود پس چون آرام گرفته باشید پس بپای دارید نماز را بدرستی که نماز

كانت على المؤمنين كتابا موقوتا ۝ ولا تهنوا في ابتغاء

هست بر مؤمنان فریضه وقت بدید کرده و سستی مکنید در جستن

القوم إن تكونوا تألمون فإنهم يألمون كما تألمون

گروه کافران اگر باشید که دردرسیدگان پس ایشان نیز دردرسیده میشوند همچنانکه دردرسانیده میشوید

وترجون من الله ما لا يرجون وكان الله عليما حكيما ۝

و امید میدارید از خدا آنچه امید نمیدارند و هست خدا دانای محکم کار

إنا أنزلنا إليك الكتاب بالحق لتحكم بين الناس

بدرستی که فرو فرستادیم ما بتو قرآن را بحق تا حکم کنی میان مردمان

بما أراك الله ولا تكن للخائنين خصيما واستغفر الله

بدانچه بازنمود ترا خدا و مباش مر خیانت کنندگان را خصومت کننده و آمرزش خواه از خدا

إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ

براستی که خدا هست آمرزگار مهربان و خصومت مکن با آنها که خیانت میکنند

أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ۝

بر تنهای خود براستی که خدا دوست ندارد آنرا که باشد خیانت کننده بزهکار

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللّٰهِ وَهُوَ مَعَهُمْ

پنهان میشوند از مردمان و پنهان نتوانند شد از خدا و او با ایشانست

إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

چون بشب میسازند آنچه نپسندد خدا از گفتار و هست خدا بدانچه ایشان میکنند

مُحِيطًا ۝ هَا أَنْتُمْ هٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيٰوةِ

دانا اینکه شما این مردم که خصومت کنید شما از برای ایشان در زندگانی

الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ

دنیا پس که خصومت کند در دین خدا از ایشان در روز قیامت یا باشد

عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ

بر ایشان نگهبان و هرکه کند بدی یا ستم کند بر تن خود

ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ

پس آمرزش خواهد از خدا یابد خدا را آمرزگار مهربان و هرکه اندوزد

إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَى نَفْسِهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

بزه پس براستی که زیان اندوختن او بر تن بود و هست خدا دانای محکم کار

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ

و هرکه اندوزد گناهی یا بزه پس اندازد آنرا به بیگناهی پس براستی که برداشته

بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ

بهتانی یا بزه روشن و اگر نه فضل خدای بودی بر تو و رحمت او

لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا

آهنگ قصد کردندی گروهی از ایشان که گمراه گردانند ترا و گمراه نتوانند کرد مگر

أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَيْكَ

تنهای خود را و زیان نتوانند رسانید ترا بهیچ چیزی و فرو فرستاد خدا بر تو

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ

قرآنرا و حکمت و شرایع آنرا و در آموخت ترا آنچه نبودی که تو دانستی و

كَانَ فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ

حزب

هست فضل خدای بر تو بزرگ نیست بهیچ چیزی در بسیاری

مِنْ نَجْوٰيهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ

از رازگفتن ایشان مگر آنکه فرمود بصدقه دادن یا نیکوئی یا کار بصلاح آوردن

بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ

در میان مردمان و هرکه کند آنرا از بهر جستن خشنودی خدا

فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ

پس زود بدهیم او را مزدی بزرگ و هرکه خلاف کند با رسول

بعد ما تبين له الهدى ويتبع غير سبيل المؤمنين نوله

پس آنچه روشن شد مر اورا راه و پیروی کند جز راه مؤمنان را بازگذاریم او را

ما تولى ونصله جهنم وساءت مصيرا ۝ ان الله لا يغفر ان

بآنچه اختیار کرد و درآوریم اورا در دوزخ و بد بازگشتیست بدرستی که خدا نیامرزد آنرا که

يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد

انباز فرا دارد بخدا و بیامرزد آنچه جز آنست مر آنرا که خواهد و هر که انباز فرا دارد بخدا پس بدرستی

ضل ضلالا بعيدا ۝ ان يدعون من دونه الا اناثا و

که گمراه شده بود گمراهی دور از حق نمیخوانند از جز او مگر بتانی

ان يدعون الا شيطانا مريدا ۝ لعنه الله وقال لاتخذن

نمیخوانند مگر دیوی سرکش را که لعنت کرد اورا خدای و گفت فرا گیرم

من عبادك نصيبا مفروضا ۝ ولاضلنهم ولامنينهم

از بندگان تو بهره بدید کرده و هر آینه گمراه کنم ایشان را و هر آینه فرا آرزو دارم ایشان را

ولامرنهم فليبتكن اذان الانعام ولامرنهم فليغيرن

و هر آینه فرمایم ایشان را که ببرند گوشهای چهارپایان را و هر آینه فرمایم ایشان را تا تغییر دهند

خلق الله ومن يتخذ الشيطان وليا من دون الله

آفرینش خدا را و هر که فرا گیرد دیو را بدوست از جز خدای

فقد خسر خسرانا مبينا ۝ يعدهم ويمنيهم وما

پس بدرستی که زیانکار آمده بود زیانکاری روشن وعده میدهد ایشان را و فرا آرزو میدارد ایشان را

يعدهم الشيطان الا غرورا ۝ اولئك مأويهم جهنم ولا يجدون

و وعده نمیدهد ایشان را دیو مگر فریبی آن گروه جایگاه ایشان دوزخ بود و نیابند

عنها محيصا ۝ والذين امنوا وعملوا الصالحات سندخلهم

از آنجا پناهگاهی و آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند زود درآوریم ایشان را

جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا وعد الله

در بستانهائی که رود از زیر آن جویها همیشه باشند در آنجا جاوید وعده خدا

حقا ومن اصدق من الله قيلا ۝ ليس بامانيكم ولا اماني

حقست و کیست راستگوتر از خدا بگفت نیست بآرزوهای شما و نه بآرزوی

اهل الكتاب من يعمل سوءا يجز به ولا يجد له من

اهل کتاب هر که کند بدی پاداشت داده شود بدان و نیابد مر اورا از

دون الله وليا ولا نصيرا ۝ ومن يعمل من الصالحات

جز خدای دوستی و نه یاری کنی و هر که کند از کارهای نیکو

من ذكر او انثى وهو مؤمن فاولئك يدخلون الجنة

از نرینه یا مادینه و او مؤمن بود پس آن گروه در روند در بهشت

ولا يظلمون نقيرا ۝ ومن احسن دينا ممن اسلم وجهه

و ستم کرده نشوند مقدار گوی که در آیسته خرماست و کیست نیکوتر بدین از آنکه خالص و منقاد کرد روی خود

لله وهو محسن واتبع ملة ابراهيم حنيفا واتخذ الله ابراهيم

مر خدا را و او نیکوکار بود و پیروی کرده بود ملت ابرهیم را مایل از باطل بحق و فرا گرفت خدا ابرهیم را

خليلا ۝ ولله ما في السموات وما في الارض وكان الله بكل

بدوست ومر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست وهست خدا بهمه

شيء محيطا ۝ ويستفتونك في النساء قل الله يفتيكم

چیزی دانا وفتوی میخواهند از تو در حق زنان بگو خدا فتوی میدهد شمارا

فيهن وما يتلى عليكم في الكتاب في يتامى النساء

در حق ایشان وآنچه خوانده شد بر شما در کتاب در حق یتیمان زنان

اللاتي لا تؤتونهن ما كتب لهن وترغبون ان تنكحوهن

آن زنانی که نمیدهید ایشانرا آنچه نوشته شد مر ایشانرا ورغبت میکنید که بخواهید ایشانرا

والمستضعفين من الولدان وان تقوموا لليتامى

وضعیف داشتگان از کودکان وآنکه بایستید در حق یتیمان

بالقسط وما تفعلوا من خير فان الله كان به عليما

بعدل وداد وآنچه کنید شما از نیکی پس بدرستی که خدا هست بدان دانا

وان امراة خافت من بعلها نشوزا او اعراضا فلا جناح عليهما

واگر زنی داند از شوهر خود از ناسازگاری یا روی بگردانیدنی پس نبود بر ایشان

ان يصلحا بينهما صلحا والصلح خير واحضرت الانفس

که بصلح انجامند میان ایشان صلح وصلح بهتر بود وحاضر کرده اند بتنها

الشح وان تحسنوا وتتقوا فان الله كان بما تعملون

بخیل واگر نیکوئی کنید وبپرهیزید پس بدرستی که خدا هست بدانچه شما میکنید

خبيرا ۝ ولن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء ولو حرصتم

آگاه واگر توانائی ندارند که عدالت کنید میان زنان واگرچه حریص باشید شما براستی

فلا تميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقة وان تصلحوا

پس میل مکنید هر میل کردنی پس بگذارید اورا که نه باشوی بود ونه بی شوی بود واگر صلح کنید

وتتقوا فان الله كان غفورا رحيما ۝ وان يتفرقا

وبپرهیزید پس بدرستی که خدا هست آمرزگار مهربان واگر از هم جدا شوند

يغن الله كلا من سعته وكان الله واسعا حكيما ۝

توانگر گرداند خدا همه را از رحمت خود وهست خدا فراخ رحمت محکم کار

ولله ما في السموات وما في الارض ولقد وصينا الذين

ومر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست وبدرستی که فرمودیم ما آنهارا

اوتوا الكتاب من قبلكم واياكم ان اتقوا الله وان

که بداده شد ایشانرا کتاب پیش از شما وشمارا نیز که بترسید از خدا واگر

تكفروا فان لله ما في السموات وما في الارض وكان

کافر شوید پس بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست وهست

الله غنيا حميدا ۝ ولله ما في السموات وما في الارض

خدا بی نیاز ستوده ومر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست

وكفى بالله وكيلا ۝ ان يشا يذهبكم ايها الناس

وبس است خدا بکارداران اگر خواهد ببرد شمارا ای مردمان

وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللّٰهُ عَلَىٰ ذٰلِكَ قَدِيرًا ۝ مَنْ
واورد دیگرانرا وهست خدا بر آن توانا هرکه
كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ
خواهد ثواب دنیارا پس نزد خداست ثواب دنیا وآخرت
كَانَ اللّٰهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا
وهست خدا شنوای بینا ای آنها که بگرویده اید باشید
قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ
ایستادگان بعدالت گواهان مر خدایرا واگرچه باشد آن گواهی بر تنهای خود یا پدر و مادر شما
وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللّٰهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا
وخویشاوندان اگر باشد توانگر یا درویش پس خدا سزاوارتر بدیشان
فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلْوُوا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللّٰهَ
پس پیروی مکنید مراد خودرا که عدالت نکنید واگر بپیچانید زبانها خودرا از گواهی دادن یا برگردید پس خدا
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ
هست بدانچه شما میکنید آگاه ای آنها که بگرویده اید بگروید بخدا ورسول او
وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ
وبکتاب آن کتابی که فرو فرستاد بر رسول خود وبکتاب آن کتابی که فرو فرستاد از پیش
وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ
وهرکه کافر شود بخدا وفرشتگان او وبکتابهای او وپیغمبران او وبروز

روا

الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا
آخرت پس بدرستی که گمراه شد گمراهی دور از حق بدرستی که آنها که بگرویدند بموسی پس کافر شدند بالعیسی
ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ
پس بگرویدند بمحمد پس کافر شدند پس بزیادت کردند کفررا هرگز خدا نیامرزد
لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ۝ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ
مرایشانرا و راه ننماید ایشانرا براه بشارت ده منافقان را که هست مرایشانرا
عَذَابًا أَلِيمًا ۝ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
عذابی دردناک آنها که میگیرند کافرانرا بدوستان از جز
الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا
مؤمنان ای میجویند از نزدیک ایشان حرمت وعزت پس عزت خدایراست همه
وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ
وبدرستی که فرو فرستاد بر شما در کتاب که چون بشنوید نشانهای خدارا کافر میشوید
بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي
بدان واستهزا میدارند بدان پس منشینید با ایشان تا شروع کنند در
حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ
سخنی جز آن بدرستی که شما آنگاه مانند ایشان باشید بدرستی که خدا جمع کننده منافقان
وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ۝ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ
وکافران در دوزخ همه را آنها که چشم میدارند بدی بشما پس اگر باشد

لكم فتح من الله قالوا ألم نكن معكم وإن كان للكافرين

مر شما را فتحی از خدا گویند ای نبودیم ما با شما واگر باشد مر کافران را

نصيب قالوا ألم نستحوذ عليكم ونمنعكم من المؤمنين

بهره گویند ای نه غلبه کردیم ما بر شما وباز داشتیم ما شما را از مؤمنان

فالله يحكم بينكم يوم القيمة ولن يجعل الله للكافرين

پس خدا حکم کند میان شما روز قیامت وهرگز نکند خدا مر کافران را

على المؤمنين سبيلا • إن المنافقين يخادعون الله وهو

بر مؤمنان راهی بدرستی که منافقان میپندارند که می فریبند خدا را وحال آنکه او

خادعهم وإذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى يراءون

فریبنده ایشانست وچون برخیزند بنماز برخیزند کاهلان بروی ریای

الناس ولا يذكرون الله إلا قليلا • مذبذبين

مردمان ویاد نکنند خدا را مگر اندکی متردد اند

بين ذلك لا إلى هؤلاء ولا إلى هؤلاء ومن يضلل الله

میان کفر واسلام نه با کافراند ظاهرا ونه با مؤمنانند باطنا وهرکه گمراه کند او را خدای

فلن تجد له سبيلا • يا أيها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين

پس هرگز نیابی او را راهی ای آنها که گرویده اید فرا مگیرید کافران را

أولياء من دون المؤمنين أتريدون أن تجعلوا لله عليكم

بدوستان از جز مؤمنان ای میخواهید که بکنید مر خدا را بر شما

سلطانا مبينا • إن المنافقين في الدرك الأسفل من النار

حجتی روشن بدرستی که منافقان در درکه زیرتر باشند از آتش

ولن تجد لهم نصيرا • إلا الذين تابوا وأصلحوا واعتصموا

وهرگز نیابی مر ایشان را یاری گری مگر آنها که توبه کردند وکار باصلاح آوردند ودر آویختند

بالله وأخلصوا دينهم لله فأولئك مع المؤمنين وسوف

بدین خدا وخالص گردانیدند دین خود مر خدا را پس آن گروه با مؤمنان باشند وزود

يؤت الله المؤمنين أجرا عظيما • ما يفعل الله بعذابكم إن

بدهد خدا مؤمنان را مزدی بزرگ چه کند خدا عذاب کردن شما را اگر

الجزء ٦

شكرتم وآمنتم وكان الله شاكرا عليما • لا يحب

شکر کنید شما وبگروید شما وهست خدا شکر پذیرنده دانا دوست ندارد

الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم وكان الله سميعا

خدا آواز برداشتن خلق را ببدی از گفتار مگر چهر انکس که ستم کشیده بود وهست خدا شنوای

عليما • إن تبدوا خيرا أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإن

دانا اگر آشکارا کنید نیکی یا پنهان کنید آنرا یا درگذرید از بدی پس بدرستی

الله كان عفوا قديرا • إن الذين يكفرون بالله ورسله و

که خدا هست درگذرنده توانا بدرستی که آنها که کافر شدند بخدا ورسولان او

يريدون أن يفرقوا بين الله ورسله ويقولون نؤمن

ومیخواهند که جدائی افکنند میان خدا ورسولان او ومیگویند بگرویدیم

ببعض ونكفر ببعض ويريدون ان يتخذوا بين ذلك سبيلا

بعضی وکافر شویم ببعضی ومیخواهند که فراگیرند میان کفر واسلام واسطه

اولئك هم الكافرون حقا واعتدنا للكافرين عذابا

آن گروه ایشان کافرانند حقا وبیجاردیم ما برای کافران عذابی

مهينا والذين آمنوا بالله ورسله ولم يفرقوا بين

خوار کننده وآنها که بگرویدند بخدا وبرسولان او وجدائی نیفکندند میان

احد منهم اولئك سوف يؤتيهم اجورهم

هیچ یکی از ایشان آن گروه زود بدهیم ایشانرا مزدهای ایشان

وكان الله غفورا رحيما يسئلك اهل الكتاب

وهست خدا آمرزگار مهربانست درمیخواهند از تو اهل کتاب

ان تنزل عليهم كتابا من السماء فقد سألوا موسى

که فرود آوری بریشان نامه از آسمان پس بدرستی که درخواستند از موسی

اكبر من ذلك فقالوا ارنا الله جهرة فاخذتهم

بزرگتر از آن پس گفتند بنمای ما را خدا بمعاینه پس بگرفت ایشانرا

الصاعقة بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم

صاعقه بسبب ستم ایشان پس فراگرفتند گوساله را بمعبودی از پس آنچه آمد بدیشان

البينات فعفونا عن ذلك وآتينا موسى سلطانا مبينا

معجزات پس درگذشتیم ما از آن وبدادیم ما موسی را حجتی روشن

ورفعنا فوقهم الطور بميثاقهم وقلنا لهم ادخلوا الباب

وبرافراشتیم ما بالای سرشان کوه طور بسبب عهد ایشان وگفتیم ما مرایشانرا درروید از در دیه

سجدا وقلنا لهم لا تعدوا في السبت واخذنا منهم

سجود کنندگان وگفتیم ما مرایشانرا از حد درمگذرید در گرفتن ماهی در روز شنبه وفراگرفتیم ما از ایشان

ميثاقا غليظا فبما نقضهم ميثاقهم وكفرهم بآيات

عهدی استوار پس بسبب شکستن ایشان عهد را وکافر شدن ایشان بنشانهای

الله وقتلهم الانبياء بغير حق وقولهم قلوبنا غلف

خدا وکشتن ایشان پیغمبرانرا بناحق وگفتار ایشان که دلهای ما در غلافی اند

بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا و

بلکه مهر نهاد خدا برآنها بسبب کفر ایشان پس نگروند مگر اندکی

بكفرهم وقولهم على مريم بهتانا عظيما وقولهم انا

بسبب کفر ایشان وگفتار ایشان بر مریم بهتانی بزرگ وگفتار ایشان که

قتلنا المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وما قتلوه وما

بکشتیم ما مسیح عیسی را پسر مریم رسول خدا وحال آنکه نکشتند اورا

صلبوه ولكن شبه لهم وان الذين اختلفوا فيه

وبردار نکردند اورا ولیکن مانند شد مرایشانرا وبدرستی که آنها که اختلاف کردند در آن

لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن وما قتلوه

هرآینه در شکی اند از آن که نیست مرایشانرا بدان هیچ دانش مگر پیروی کردن گمان ونکشتند اورا

يقينا بل رفعه الله اليه وكان الله عزيزا حكيما ۝ و
بيقين بلك برافراشت اورا خدا بادرگاه وهست خدا غالب محكم كار

ان من اهل الكتاب الا ليؤمنن به قبل موته ويوم القيمة
ونيست كسى از اهل كتاب مگر كه بگرويند بدو پيش از مرگ او ودر روز قيامت

يكون عليهم شهيدا ۝ فبظلم من الذين هادوا حرمنا
باشد برايشان گواه پس بسبب ستمى از آنانكه جهود شدند حرام كرديم ما

عليهم طيبات احلت لهم وبصدهم عن سبيل الله
برايشان پاكيهايى كه حلال كرده شده مرايشانرا وبسبب برگشتن ايشان از راه خدا

كثيرا واخذهم الربوا وقد نهوا عنه واكلهم
بسيارى وفراگرفتن ايشان مال ربارا وبدرستى كه نهى كرده شده اند ازان وخوردن ايشان

اموال الناس بالباطل واعتدنا للكافرين منهم عذابا
مالهاى مردمانرا بباطل وبسيجيديم ما براى كافران از ايشان عذابى

اليما ۝ لكن الراسخون فى العلم منهم والمؤمنون
دردناك ليكن استواران در علم از ايشان ومؤمنان

يؤمنون بما انزل اليك وما انزل من قبلك والمقيمين
بگرويند بدانچه فرو فرستاده شد بتو وبدانچه فرو فرستاده شد پيش از تو وبپاى دارندگان

الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون بالله واليوم الاخر
نمازرا ودهندگان زكات وبگروندگان بخدا وبروز آخرت

اولئك سنؤتيهم اجرا عظيما ۝ انا اوحينا اليك كما
آن گروه زود بدهيم ايشانرا مزدى بزرگ بدرستيكه ما وحى كرديم بتو همچنانك

اوحينا الى نوح والنبيين من بعده واوحينا الى ابرهيم
وحى كرديم ما بنوح وپيغمبران كه پس از وبودند ووحى كرديم ما بابرهيم

واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وعيسى وايوب و
واسمعيل واسحق ويعقوب ونوادگان وعيسى وايوب و

يونس وهرون وسليمن واتينا داود زبورا ۝ ورسلا
يونس وهارون وسليمان وبداديم ما داودرا كتاب زبور ورسولانى

قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم عليك
كه قصه ايشان خوانديم برتو از پيش ورسولانى كه قصه ايشان برتو نخوانديم

وكلم الله موسى تكليما ۝ رسلا مبشرين ومنذرين
وسخن گفت خدا باموسى سخن كردنى رسولانى بشارت دهنده وبيم كننده

لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله
تا نباشد مردمانرا برخدا حجتى بعد از فرستادن رسولان وهست خدا

عزيزا حكيما ۝ لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه
غالب محكم كار ليكن خدا گواهى ميدهد بدانچه فرو فرستاد بتو فرو فرستاد آنرا بعلم خود

والملئكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۝ ان الذين
وفرشتگان نيز گواهى ميدهند وبس است خدا بگواهى بدرستى كه آنانكه

كفروا وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا • ان
که کافر شدند وبرگشتند از راه خدا بدرستی که گمره شده باشند گمراهی دور ازحق بدرستی
الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم
که آنها که کافر شدند وستم کردند هرگز نباشد مر خدا را که بیامرزد برایشانرا وراه ننماید ایشانرا
طريقا • الا طريق جهنم خالدين فيها ابدا وكان ذلك
بارهی مگر راه دوزخ جاوید باشید آنجا همیشه وهست آن
على الله يسيرا • يا ايها الناس قد جاءكم الرسول بالحق
بر خدا آسان ای مردمان بدرستی که آمد بشما رسولی بحق
من ربكم فآمنوا خيرا لكم وان تكفروا فان لله ما في
از پروردگار شما پس بگروید که بهتر بود مر شما را واگر کافر شوند پس بدرستی که مر خدا راست آنچه در
السموات والارض وكان الله عليما حكيما • يا اهل الكتاب
آسمانهاست وزمین وهست خدا دانای محکم ای یهود ونصاری
لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما المسيح
غلو مکنید وازحد درمگذرید در دین شما ومگوئید بر خدا مگر حق را بدرستی که
عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته القاها الى مريم وروح
عیسی پسر مریم رسول خداست وقدرت او انداخت آن کلمه را سوی مریم وجانیست
منه فآمنوا بالله ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا خيرا
از خدا پس بگروید بخدا وبرسولان او ومگوئید که خدا سه آند باز ایستید که بهتر بود

لكم انما الله اله واحد سبحانه ان يكون له ولد له ما في
مر شما را بدرستی که خدا یکیست پاکست ومنزه است او که باشد مر او را فرزندی مر او راست آنچه در
السموات وما في الارض وكفى بالله وكيلا • لن يستنكف
آسمانهاست وآنچه در زمینست وبس است خدا بکارسازی ننگ نداشت
المسيح ان يكون عبدا لله ولا الملائكة المقربون ومن
عیسی که باشد بنده مر خدا را ونه فرشتگان نزدیک وهر که
يستنكف عن عبادته ويستكبر فسيحشرهم اليه
ننگ دارد از پرستیدن او وگردنکشی کند پس حشر کند ایشانرا بانزد خود
جميعا • فاما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فيوفيهم
همه را پس اما آنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند پس تمام بدهد ایشانرا
اجورهم ويزيدهم من فضله واما الذين استنكفوا
مزدهای ایشان وبیفزاید ایشانرا از فضل خود واما آنها که ننگ داشتند
واستكبروا فيعذبهم عذابا اليما ولا يجدون لهم
وگردنکشی کردند پس عذاب کند ایشانرا عذابی دردناک ونیابند مر ایشانرا
من دون الله وليا ولا نصيرا • يا ايها الناس قد جاءكم
از جز خدا نه دوستی ونه یاری کننده ای مردمان بدرستی که آمد بشما
برهان من ربكم وانزلنا اليكم نورا مبينا • فاما الذين
حجتی از پروردگار شما وفرو فرستادیم بشما روشنی آشکار پس اما آنها

ظاهر الاعجاز

آمَنُوا بِاللّٰهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ

که بگرویدند بخدا و چنگ در زدند بدین محمد پس زود درآورد ایشانرا در رحمتی از قبل خود و افزونی

وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا • يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللّٰهُ

و راه نماید ایشانرا باخود با راه راست فتوی می پرسند از تو بگو خدا

يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ

فتوی میدهد شمارا در حق میتی که او را نه مادر باشد و نه پدر و نه فرزند اگر مردی بمیرد و نبود مراورا فرزندی و مراورا بود

أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ

خواهری پس مر خواهر را بود نیمه آنچه بگذاشته باشد میت و آن برادر میراث برد از آن خواهر اگر نباشد مراورا فرزندی

فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ

پس اگر باشند دو خواهر پس مرایشانرا بود چهار دانگ از آنچه بگذاشته بود میت و اگر

كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ

باشند برادران و خواهران مردانی و زنانی پس نرینه را بود مانند بهر دو مادینه

يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

روشن میکند خدا مر شمارا تا گمراه نشوید و خدا بهمه چیزی داناست

سورة المائدة مائة وعشرون آية وهي مدنية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ • أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ

ای آنهائی که بگرویده اید وفا کنید بعهدهای خدا از سواجب تکالیف حلال کرده شد مر شمارا بهایمی که

الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ

از چهار پایانند مگر آنچه خوانده شد بر شما جز حلال دارندگان صیدرا و شما

حُرُمٌ إِنَّ اللّٰهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ • يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا

در حالت احرام باشید براستی که خدا حکم کند آنچه خواهد ای آنها که بگرویده اید حلال مدارید

شَعَائِرَ اللّٰهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا

مناسک حج را که فرموده است خدا و نه ماههای حرام را و نه قربانرا و نه قربانیها که قلاده نشان کرده باشید

آمِّينَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا

و نه قصد کنندگان خانه حرم کعبه را حال آنکه میجویند فضلی از پروردگار خود و خشنودی و چون

حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ

حلال شده باشید شما از احرام صید کنید و باید که کسب نکند شمارا دشمنی قومی که برگردانیدند

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

از مسجد الحرام که از حد درگذرید و یاری نمایید یکدیگررا بر نیکوئی و پرهیزکاری

وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ

و یاری یکدیگر منمایید بزه و دشمنی و بترسید از خدا براستی که خدا سخت

الْعِقَابِ • حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ

عقوبتست حلال کرده شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک

وما اهل لغير الله به والمنخنقة والموقوذة والمتردية و
وآنچه آواز بود ازو بجز نام خدای یزدان و خبه شده نیز و بچوب کشته و از بالا بزیر افتاده و مرده
النطيحة وما اكل السبع الا ما ذكيتم وما ذبح على
و بزخم سرو مرده و آنچه خورده باشند ددگان ازان مگر آنچه ذبحش دریابید شما و آنچه کشته باشند بر
النصب وان تستقسموا بالازلام ذلكم فسق اليوم يئس
سنگی که منصوبست حوالی کعبه و آنکه طلب قسمت کنید بطریق تفأل به تیرهای مخصوص آن تان خروج از طاعتست اگر خورند امروز نومید شدند
الذين كفروا من دينكم فلا تخشوهم واخشون اليوم
آنها که کافر شدند از دین شما پس مترسید ازیشان و بترسید از من امروز
اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت
تمام گردانیدم مر شما را دین شما و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و خشنود شدم
لكم الاسلام دينا فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لاثم
مر شما را بدین اسلام پس هر که بیچاره شود در غایت جوع جز میل کننده ببزه
فان الله غفور رحيم يسئلونك ماذا احل لهم قل احل
پس هر آینه خدا آمرزگار مهربانست می پرسند از تو که چه چیز حلالست مر ایشان را بگو حلالست
لكم الطيبات وما علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن
مر شما را پاکیها و آنچه در آموزانیده باشید شما از سباع شکاری که ادب کرده باشند آنها را در آموزانیده باشید ایشان را
مما علمكم الله فكلوا مما امسكن عليكم واذكروا اسم الله
از آنچه در آموخت شما را خدا پس بخورید از آنچه نگاه دارند از جوارح برای شما و یاد کنید نام خدا را

عليه واتقوا الله ان الله سريع الحساب اليوم احل لكم
بر آن و بترسید از خدا بدرستی که خدا زود شمارست امروز حلال کرده شد مر شما را
الطيبات وطعام الذين اوتوا الكتاب حل لكم وطعامكم
پاکیها و طعام آنها که بداده شد ایشان را کتاب حلالست مر شما را و طعام شما
حل لهم والمحصنات من المؤمنات والمحصنات من الذين
حلالست مر ایشان را و عفایف حلالند مر شما را از زنان پاکدامن و عفایف از آنها
اوتوا الكتاب من قبلكم اذا اتيتموهن اجورهن
که بداده شد ایشان را کتاب پیش از شما چون بداده باشید ایشان را مهرهای ایشان
محصنين غير مسافحين ولا متخذي اخدان ومن
مستوران جز زنا کنندگان و نه فراگیرندگان دوستان پنهان از زنان و هر که
يكفر بالايمان فقد حبط عمله وهو في الاخرة من
کافر شود بایمان آوردن پس بدرستی که باطل شده بود عمل او و او در آخرت از جمله
الخاسرين يا ايها الذين امنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا
زیانکاران بود ای آنها که بگرویدید چون برخیزید شما بنماز پس بشویید
وجوهكم وايديكم الى المرافق وامسحوا برءوسكم
رویهای خود را و دستهای خود را تا بارشنه و مسح کشید سرهای خود را
وارجلكم الى الكعبين وان كنتم جنبا فاطهروا وان كنتم
و بشویید پایهای خود را تا بکعبین و اگر باشید شما جنب پس پاک سازید خود را و اگر باشید شما

مرضى او على سفر او جاء احد منكم من الغائط او لامستم
بیمار یا بر سفر یا آید یکی از شما بقضاء حاجتی یا دست بسائید شما
النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا
بزنان نامحرم پس نیابید آب پس تیمم کنید بخاکی پاک پس مسح کشید
بوجوهكم وايديكم منه ما يريد الله ليجعل عليكم
رویهای خودرا ودستهای خودرا ازان نمیخواهد خدا تا بکند برشما
من حرج ولكن يريد ليطهركم وليتم نعمته
هیچ تنگی ولیکن میخواهد تا پاک گرداند شمارا وتا تمام کند نعمت خودرا
عليكم لعلكم تشكرون • واذكروا نعمة الله
برشما تا بود که شما شکر کنید ویاد کنید نعمت خدارا
عليكم وميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم سمعنا
برشما وعهد اورا آن عهدی که معاهده فرمود باشما بدان چون گفتید شما شنیدیم
واطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور • يا ايها
وفرمان بردیم وبترسید ازخدا بدرستی که خدا داناست بسرار سینها ای
الذين امنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط ولا يجرمنكم
آنها که بگرویده اید باشید قیام نمایندگان درکارها خدارا گواهان بعدالت وبرمدارد شمارا
شنان قوم على الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوى واتقوا
بغض بعضی مشرکان برانکه عدالت نکنند عدالت کنید که آن نزدیکتر بپرهیزکاری وبترسید

الله ان الله خبير بما تعملون • وعد الله الذين امنوا و
ازخدا بدرستی که خدا آگاهست بدانچه شما میکنید وعده داد خدا آنهارا که بگرویدند
عملوا الصالحات لهم مغفرة واجر عظيم • والذين كفروا
وکارهای نیکو کردند مرایشانرا بود آمرزشی ومزدی بزرگ وآنها که کافر شدند
وكذبوا باياتنا اولئك اصحاب الجحيم • يا ايها الذين
ودروغ داشتند نشانهای مارا آن گروه اصحاب دوزخند ای آنها
امنوا اذكروا نعمت الله عليكم اذ هم قوم ان
که بگرویده اید یاد کنید نعمت خدارا برشما چون قصد کردند گروهی
يبسطوا اليكم ايديهم فكف ايديهم عنكم واتقوا
که فراخ بگسترانند بشما ودستهای خودرا پس بازداشت دستهای ایشانرا ازشما وبترسید
الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون • ولقد اخذ الله ميثاق
ازخدا وبرخدا باید که توکل کنند مؤمنان وبدرستی که فراگرفت خدا عهدرا
بني اسرائيل وبعثنا منهم اثني عشر نقيبا وقال الله اني معكم
از فرزندان یعقوب وبرانگیختیم ازایشان دوازده پیشوارا وگفت خدا که من باشمایم
لئن اقمتم الصلوة واتيتم الزكوة وامنتم برسلي وعزرتموهم
مرآینه اگر برپای دارید شما نمازرا وبدهید شما زکاترا وبگروید برسولان من [illegible] ایشانرا
واقرضتم الله قرضا حسنا لاكفرن عنكم سياتكم
وقرض دهید شما خدارا قرضی نیکو [illegible] مرآینه بازپوشانم ازشما بدیهای شمارا

ولأدخلنكم جنات تجري من تحتها الأنهار فمن كفر بعد

ودرآورم شمارا در بستانهائی که رود از زیر آن جویهارا پس کافر شود پس

ذلك منكم فقد ضل سواء السبيل ۝ فبما نقضهم ميثاقهم

ازان از شما پس بدرستی که گمره شده بود از راستی راه پس بسبب شکستن ایشان عهدرا

لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن

لعنت کردیم ایشانرا وگردانیدیم دلهای ایشانرا سخت میگردانند سخن را از

مواضعه ونسوا حظا مما ذكروا به ولا تزال تطلع على

جایگاه آن وفراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بدان وهمیشه مطلع میشوی بر

خائنة منهم فاعف عنهم واصفح إن الله يحب المحسنين إلا قليلا منهم

خیانتی از ایشان پس درگذر از ایشان وجرم فروگذار بدرستی که خدا دوست دارد نیکوکارانرا

ومن الذين قالوا إنا نصارى أخذنا ميثاقهم فنسوا حظا مما

واز آنها که گفتند که ما ترسایانیم فراگرفتیم عهدرا از ایشان پس فراموش کردند بهره از آنچه

ذكروا به فأغرينا بينهم العداوة والبغضاء إلى يوم

پند داده شدند بدان پس انداختیم میان ایشان دشمنی وخشم تا روز

القيامة وسوف ينبئهم الله بما كانوا يصنعون

قیامت وزود بیاگاهاند ایشانرا خدا بآنچه ایشان می ساختند

يا أهل الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين لكم كثيرا

ای اهل کتاب بدرستی که آمد بشما رسول ما تا روشن کند مرشمارا بسیاری

مما كنتم تخفون من الكتاب ويعفو عن كثير قد

از آنچه بودید شما پنهان میکردید از کتاب ودر گذرد از بسیاری بدرستی

جاءكم من الله نور وكتاب مبين ۝ يهدي به الله من

که آید بشما از خدا نور قرآن با محمد وکتابی ظاهر الاعجاز راه می نماید بدان خدا آنرا

اتبع رضوانه سبل السلام ويخرجهم من الظلمات إلى

که پیروی کرد خشنودی اورا براههای سلامت وبیرون آورد ایشانرا از تاریکیهای کفر بنور

النور بإذنه ويهديهم إلى صراط مستقيم ۝ لقد

ایمان بفرمان خود وراه نماید ایشانرا باراه راست بدرستی

كفر الذين قالوا إن الله هو المسيح ابن مريم قل فمن يملك

که کافر شدند آنها که گفتند که خدا عیسی است پسر مریم بگو که کیست که قادر باشد

من الله شيئا إن أراد أن يهلك المسيح ابن مريم وأمه و

از خواست خدا چیزی را اگر خواهد که هلاک کند عیسی پسر مریم را ومادر اورا

من في الأرض جميعا ولله ملك السموات والأرض

وآنکه در زمینند همه ومرخدایرا پادشاهی آسمانها وزمین

وما بينهما يخلق ما يشاء والله على كل شيء قدير ۝

وآنچه میان آن هردوست می آفریند آنچه خواهد وخدا بر همه چیزی تواناست

وقالت اليهود والنصارى نحن أبناء الله وأحباؤه قل

وگفتند جهودان وترسایان ما پسران خدائیم ودوستان او بگو

فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق يغفر لمن يشاء

پس چرا عذاب كند شمارا بسبب گناهان شما بلك شما آدميانی ايد از آنك آفريد بيامرزد مر آنرا كه خواهد

ويعذب من يشاء ولله ملك السموات والارض وما بينهما

وعذاب كند آنرا كه خواهد ومر خدا راست پادشاهی آسمانها وزمين وآنچه ميان آن هردو است

واليه المصير • يا اهل الكتاب قد جاءكم رسولنا يبين

وبا اوست بازگشت ای يهود ونصاری بدرستی كه آمد بشما رسولی از ما روشن كند

لكم على فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا من بشير ولا

مر شمارا بر اخباری از رسولان تا نگوييد كه نيامد بما هيچ بشارت دهنده

نذير فقد جاءكم بشير ونذير والله على كل شيء قدير

بيم كننده پس بدرستی كه آمد بشما بشارت دهنده وبيم كننده وخدا بر همه چيزی تواناست

واذ قال موسى لقومه يا قوم اذكروا نعمة الله عليكم

وچون گفت موسی مر قوم خودرا ای قوم من ياد كنيد نعمت خدا را بر شما

اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم ملوكا واتيكم ما لم يؤت

چون پديد كرد در ميان شما پيغمبران را وگردانيد شمارا پادشاهان وبداد شمارا آنچه نداد

احدا من العالمين • يا قوم ادخلوا الارض المقدسة التي كتب الله

هيچ يكی را از عالميان ای قوم من دررويد در زمين مقدس شام آن زمينی كه نوشت خدا

لكم ولا ترتدوا على ادباركم فتنقلبوا خاسرين

مر شمارا وبرمگرديد بر پی پايهای خود پس گرديد زيانكاران

قالوا يا موسى ان فيها قوما جبارين • وانا لن ندخلها حتى

گفتند ای موسی بدرستی كه درميان اينها گروهی هستند گردنكشان وبدرستی كه درنرويم ما درآنجا تا

يخرجوا منها فان يخرجوا منها فانا داخلون • قال رجلان

بيرون روند ايشان از آنجا پس اگر بيرون روند از آنجا پس ما درروندگان باشيم گفتند دو مرد

من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب

از آنها كه می ترسيدند كه نعمت كرده بود خدای بريشان درروند بريشان بموافقت با موسی از در ديه

فاذا دخلتموه فانكم غالبون • وعلى الله فتوكلوا ان

پس چون دررويد شما درآنجا پس شما غالبان باشيد وبر خدا توكل كنيد اگر

كنتم مؤمنين • قالوا يا موسى انا لن ندخلها ابدا ما داموا

هستيد شما مؤمنان گفتند ای موسی بدرستی كه درنرويم ما درآنجا هرگز مادام كه ايشان

فيها فاذهب انت وربك فقاتلا انا هاهنا قاعدون

درآنجا باشند پس برو تو وبرادر تو پس كارزار كنيد كه ما اينجا نشينندگانيم

قال رب اني لا املك الا نفسي واخي فافرق بيننا وبين

گفت موسی ای پروردگار من بدرستی كه من قادر نيستم مگر بر تن خود وبرادر خود پس جدايی افكن ميان ما وميان

القوم الفاسقين • قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة

گروه فاسقان گفت خدا كه آن زمين حرام شد بريشان چهل سال

يتيهون في الارض فلا تأس على القوم الفاسقين • واتل

حيران باشند در بيابان آن زمين پس اندوه مخور بر گروه فاسقان وبرخوان

عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ

برایشان خبر دو پسر آدم بحق چون نزدیک کردانیدند قربانی را پس پذیرفته شد از یکی از آن دو

يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

و قبول کرده نشد از آن دیگر گفت قابیل هابیل را که البته بکشم ترا گفت هابیل که قبول کند خدا از پرهیزکاران

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ

نصف

برآینه اگر فراخ بگشائی بمن دست خود را تا بکشی مرا نیستم من فراخ بگشاینده دست خود را بتو

لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي

تا بکشم ترا بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیانست بدرستی که میخواهم که باز گردی بمعصیت من

وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

و بزه خود پس باشی از جمله اصحاب آتش و آنست پاداشت ستمکاران

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ

پس فرمان بردار شد مر او را نفس اماره او بکشتن برادر او پس بکشت او را پس گشت از جمله زیانکاران

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ

پس فرستاد خدا کلاغی را که میکند زمین را تا باز نماید او را که چگونه دفن کند کالبد

أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ

برادر خود را گفت ای وای بر من ای عاجز شدم که باشم مانند این کلاغ

فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ

پس بازپوشانم کالبد برادر خود را پس گشت از جمله پشیمانان از بهر آن

كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ

فرض کردیم ما بر بنی اسرائیل که شان آنست که هر که بکشد تنی را که آن تن بکشته بود غیری را یا تباهی کند

فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا

در زمین پس همچنان بود که بکشته بود مردمان را همه و هر که نجات دهد از کشتن تنی را پس همچنان بود

أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ

که زنده داشته بود مردمان را همه و بدرستی که آمدند بدیشان رسولان ما بحجتها

ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ۝ إِنَّمَا

پس بدرستی که بسیاری از ایشان پس از آن در زمین برآینه از کار رانند بدرستی که

جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ

پاداشت آنها که محاربت میکنند با خدا و رسول او و میشتابند در زمین

فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ

بتباهی آنست که بکشند ایشان را یا بردار شان کنند یا ببرند دستهای ایشان و پایهای ایشان را

مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ

از خلاف یکدیگر یا برانند ایشان را از زمین آنست مر ایشان را رسوائی در دنیا و مر ایشان را بود

فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا

در آخرت عذابی بزرگ مگر آنها که توبه کردند از پیش آنکه توانائی یابید

عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا

بر ایشان پس بدانید که خدا آمرزگار مهربانست ای آنها که بگرویدید بترسید

اللّٰه وَابْتَغُوا اِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

از خدا و بجوئید با درگاه او وسیلتی وجهاد کنید در راه او تا بود که شما رستگاری یابید

اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا

بدرستی که آنها که کافر شدند اگر بودی مر ایشانرا آنچه در زمینست همه و مانند آن با آن تا باز خرند

بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ

بدان خودرا از عذاب روز قیامت پذیرفته نشود از ایشان و مر ایشانراست عذابی دردناک

يُرِيدُونَ اَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ

خواهند که بیرون آیند از آتش و نباشند ایشان بیرون آیندگان از آنجا و مر ایشانراست

عَذَابٌ مُقِيمٌ • وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا اَيْدِيَهُمَا جَزَاءً

عذابی جاوید و مرد دزد و زن دزد پس ببرید دستهای ایشانرا پاداشت

بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ • فَمَنْ تَابَ مِنْ

بآنچه ایشان اندوختند عقوبتی از نزد خدا و خدا آمرزگار حکم کارست پس هر که توبه کند از

بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

پس ستم کردن او و کار باصلاح آورد پس خدا سهل کند برو بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست

اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَ

ای ندانستی تو که خدا مر اوراست پادشاهی آسمانها و زمین عذاب کند آنرا که خواهد

يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ • يَا اَيُّهَا الرَّسُولُ

و بیامرزد آنرا که خواهد و خدا بر همه چیزی تواناست ای رسول

لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ

اندوهگین مکناد ترا آنها که می شتابند در کفر از آنها که گفتند که بگرویدیم ما بدهنهای خود

وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ

و نگرویده بدلهای خود و از آنها که جهود شدند شنوندگانند دروغ را

سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ اٰخَرِينَ لَمْ يَاْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ

شنوندگانند مر گروهی دیگرانرا که نیایند بمجلس تو از دشمنی بمی گردانند سخن را از پس

مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ اِنْ اُوتِيتُمْ هٰذَا فَخُذُوهُ وَاِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ

موضع آن میگویند اگر بدهند بشما این کلام محرف را پس فرا گیرید آنرا و اگر نداد ندند آنرا

فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللّٰهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللّٰهِ شَيْئًا

پس بپرهیزید و هر که خواهد خدا گمرا با عذاب او را پس قادر نباشی مر او را از عذاب خدا چیزی

اُولٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ اَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

آن گروه آنهااند که نخواست خدا که پاک گرداند دلهای ایشانرا مر ایشانرا بود در دنیا رسوائی

وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ • سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ اَكَّالُونَ

و مر ایشانرا بود در آخرت عذابی بزرگ شنوندگانند دروغ را خورندگانند

لِلسُّحْتِ فَاِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ وَاِنْ

حرام را پس اگر آیند بتو پس حکم کن میان ایشان یا برگرد از ایشان و اگر

تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ

برگردی از ایشان پس زیانی نتوانند کرد ترا چیزی و اگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان

بالقسط إن الله يحب المقسطين ۝ وكيف يحكمونك

بعدالت براستی که خدا دوست دارد عادلانرا وچگونه حکم میکردانند ترا که ایمان بتو ندارند

وعندهم التوراة فيها حكم الله ثم يتولون من بعد

ونزدیک ایشانست توریة درآن هست حکم خدا پس برگشتند از پس

ذلك وما أولئك بالمؤمنين ۝ إنا أنزلنا التوراة فيها هدى

آن ، ونیستند آن گروه مؤمنان براستی که ما فرستادیم ما توریة را درآن هست راهی

ونور يحكم بها النبيون الذين أسلموا للذين هادوا و

وروشنائی حکم بکنند بدان پیغمبران آنها که منقاد شدند مرآنهارا که جهود شدند

الربانيون والأحبار بما استحفظوا من كتاب الله وكانوا

وخداشناسان ودانشمندان بدانچه طلب نگاهداشت کرده بودند از کتاب خدا وبودند

عليه شهداء فلا تخشوا الناس واخشون ولا تشتروا بآياتي

بران گواهان پس مترسید از مردمان وبترسید از من وازگیرید بنشانهای من

ثمنا قليلا ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك

بهای اندک را وهرکه حکم نکند بدانچه فروفرستاد خدا پس آن گروه

هم الكافرون ۝ وكتبنا عليهم فيها أن النفس بالنفس

ایشانند کافران وفرض کردیم ما بر یهودان در توریة که بکشید تن را بدل تن

والعين بالعين والأنف بالأنف والأذن بالأذن والسن

وچشم را بدل چشم وبینی را بدل بینی وگوش را بدل گوش ودندانرا

بالسن والجروح قصاص فمن تصدق به فهو كفارة له

بدل دندان وجراحتها برابر پس هرکه تصدق کند بدان قصاص پس آن کفارتی بود مراورا

ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الظالمون ۝ وقفينا

وهرکه حکم نکند بدآنچه فروفرستاد خدا پس آن گروه ایشانند ستمکاران ودرپی داشتیم ما

على آثارهم بعيسى ابن مريم مصدقا لما بين يديه من التوراة

بر اثرهای ایشان عیسی پسر مریم را براست دارنده مرآنچه در پیش آنست از توریة

وآتيناه الإنجيل فيه هدى ونور ومصدقا لما بين يديه

ودادیم ما اورا انجیل درآن هست راهی وروشنائی وبراست دارنده مرآنچه درپیش آن بوده

من التوراة وهدى وموعظة للمتقين ۝ وليحكم أهل

از توریة وراهی وپندی بود مرپرهیزکارانرا وباید که حکم کنند اهل

الإنجيل بما أنزل الله فيه ومن لم يحكم بما أنزل الله فأولئك

انجیل بدانچه فروفرستاد خدای درآن وهرکه حکم نکند بدانچه فروفرستاد خدا پس آن گروه

هم الفاسقون ۝ وأنزلنا إليك الكتاب بالحق مصدقا لما بين

ایشانند فاسقان وفروفرستادیم ما بتو قرآنرا بحق براست دارنده مرآنچه

يديه من الكتاب ومهيمنا عليه فاحكم بينهم بما أنزل

در پیش آنست از کتابها وحال آنکه شاهدست برو پس حکم کن میان ایشان بدانچه فروفرستاد

الله ولا تتبع أهواءهم عما جاءك من الحق لكل جعلنا

از خدا وپیروی مکن خواهای ایشانرا ازانچه آمد بتو از حق مرهرگروهی را بکردیم ما

منكم شرعة ومنهاجا ولو شاء الله لجعلكم امة واحدة و

از شما آیینی دینی و راهی روشن و اگر خواستی خدا هر آینه گردانیدی شمارا یک گروه بر یک دین

لكن ليبلوكم فيما اتيكم فاستبقوا الخيرات الى الله

ولیکن می آزماید شمارا در آنچه بداد شمارا پس پیشی گیرید با یکدیگر بخیرات و بحسنات با خداست

مرجعكم جميعا فينبئكم بما كنتم فيه تختلفون

بازگشت شما همه پس آگاه کند شمارا بدانچه شما در آن اختلاف کرده باشید

وان احكم بينهم بما انزل الله ولا تتبع اهواءهم واحذرهم

و آنکه حکم کن میان ایشان بدانچه فرو فرستاد خدا و پیروی مکن مرادهای ایشانرا و حذر کن از ایشان

ان يفتنوك عن بعض ما انزل الله اليك فان تولوا فاعلم انما يريد

که مایل بگردانند ترا از بعضی آنچه فرو فرستاد خدا بتو پس اگر برگردند پس بدان که میخواهد

الله ان يصيبهم ببعض ذنوبهم وان كثيرا من الناس لفاسقون

خدا که برساند بدیشان بسبب بعضی گناهان ایشان و بدرستی که بسیاری از مردمان هر آینه فاسقانند

افحكم الجاهلية يبغون ومن احسن من الله حكما لقوم

ای پس حکم اهل جاهلیت میجویند و کیست نیکوتر از خدا حکم مر گروهی را

يوقنون • يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى حزب

که یقین شوند ای آنها که بگرویده اید فرا مگیرید جهودانرا و ترسایانرا

اولياء بعضهم اولياء بعض ومن يتولهم منكم فانه منهم

بدوستان بعضی ایشان دوستان بعضی اند و هر که دوستی کند با ایشان از شما پس او از ایشان بود

ان الله لا يهدي القوم الظالمين • فترى الذين في قلوبهم مرض

بدرستی که خدا راه ننماید گروه ستمکارانرا پس بینی آنهارا که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاق

يسارعون فيهم يقولون نخشى ان تصيبنا دائرة فعسى الله ان

زود رغبت میکنند در دوستی ایشان میگویند می ترسیم که برسد بما حادثه پس شاید بود که خدا

يأتي بالفتح او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا في انفسهم

آورد دلیشان فتح را یا فرمانرا از نزد خود پس گشتند بر آنچه پنهان داشته در تنهای خود داشته بودند

نادمين • ويقول الذين امنوا اهؤلاء الذين اقسموا بالله جهد

پشیمانان و میگویند آنها که بگرویدند ای این گروه آنهااند که سوگند خوردند بخدا سوگندان

ايمانهم انهم لمعكم حبطت اعمالهم فاصبحوا خاسرين

مغلظ ایشان بدرستی که ایشان با شمااند باطل شد عملهای ایشان پس گشتند زیانکاران

يا ايها الذين امنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله

ای آنها که بگرویده اید هر که برگردد از شما از دین خود پس زود آورد خدا

بقوم يحبهم ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين

گروهی را که دوست دارد ایشانرا و دوست دارند او را ... بر مومنان دشوار گیرندگان بر کافران

يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله

[illegible] ملامت کننده آنست فضل خدا

يؤتيه من يشاء والله واسع عليم • انما وليكم الله ورسوله

بدهد آنرا آنرا که خواهد و خدا فراخ رحمت داناست بدرستی که دوست شما خداست و رسول او

والذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم راكعون ۝

وآنها كه بگرويدند آنهااند كه بر پاى ميدارند نمازرا وميدهند زكات را وايشان دران حالت ركوع كنندگان

ومن يتول الله ورسوله والذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون

وهر كه دوستى كند با خدا ورسول او وآنها كه بگرويدند پس بدرستى كه گروه خدا ايشان غالبان

يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا

اى آنها كه بگرويديد فرا مگيريد آنهارا كه فرا گرفتند دين شمارا باستهزا

ولعبا من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم والكفار

وبازى از آنها كه بداده شد ايشانرا كتاب پيش از شما وكافرانرا

اولياء واتقوا الله ان كنتم مؤمنين ۝ واذا ناديتم الى

بدوستان وبترسيد از خدا اگر هستيد شما مؤمنان وچون خوانند شمارا

الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بانهم قوم لا يعقلون

بنماز فرا ميگيرند آنرا باستهزا وبازى آن بسبب آنست كه ايشان گروهى كه در نمى يابند

قل يا اهل الكتاب هل تنقمون منا الا ان آمنا بالله

بگو اى يهود ونصارى هيچ عيب ميكنيد ازما مگر آنكه بگرويديم با خدا

وما انزل الينا وما انزل من قبل وان اكثركم فاسقون

وبآنچه فرو فرستاده شد بما وبآنچه فرو فرستاده شد از پيش وآنكه بيشترين شما فاسقانند

قل هل انبئكم بشر من ذلك مثوبة عند الله من لعنه الله

بگو اى بيا گاهانم شمارا به بدتر از آن كه پاداشت داده شوند نزد خدا آنكس كه لعنت كرد اورا خدا

وغضب عليه وجعل منهم القردة والخنازير وعبد

وخشم گرفت برو وبد گردانيد از ايشان بوزينگانرا وخوكانرا وپرستيدن ايشان

الطاغوت اولئك شر مكانا واضل عن سواء السبيل

بتانرا آن گروه بدترند بجايگاه وگمره تر از راستى راه

واذا جاؤكم قالوا آمنا وقد دخلوا بالكفر وهم قد

وچون آيند بشما گويند بگرويديم وبدرستى كه درآمدند بكفر وايشان بدرستى

خرجوا به والله اعلم بما كانوا يكتمون ۝ وترى كثيرا

كه بيرون رفتند بدان وخدا داناتر بدانچه ايشان بازى پوشيدند وميبينى تو بسيارى را

منهم يسارعون في الاثم والعدوان واكلهم السحت لبئس

از ايشان مى شتابند در بزه ودشمنى وخوردن ايشان حرام را هرآينه بد

ما كانوا يعملون ۝ لولا ينهاهم الربانيون والاحبار عن

آنچه ايشان ميكنند چرا نهى نكردند ايشانرا خداشناسان ودانشمندان از

قولهم الاثم واكلهم السحت لبئس ما كانوا يصنعون

گفتار ايشان بزه را وخوردن ايشان حرام را هرآينه بدست آنچه ايشان ميسازند

وقالت اليهود يد الله مغلولة غلت ايديهم ولعنوا بما قالوا

وگفتند جهودان يد قدرت خدا ممنوعست از افاضت رزق بسته باد دستهاى ايشان ولعنت كرده شدند بانچه گفتند

بل يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء وليزيدن كثيرا منهم ما

بلكه دو دست قدرت او گشاده است باافاضت نفقه ميكند چنانكه خواهد وهرآينه زياده كند بسياريرا از ايشان آنچه

انزل اليك من ربك طغيانا وكفرا والقينا بينهم العداوة و

فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو از ستم و ناسپاسی و انداختیم ما میان ایشان دشمنی و

البغضاء الى يوم القيمة كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها الله

خشم تا روز قیامت هرگاه که خواهند که برافروزند آتشی را برای کارزار بنشاند آنرا خدا

ويسعون في الارض فسادا والله لا يحب المفسدين ۝ ولو ان

و می شتابند در زمین بتباهی و خدا دوست ندارد تباهی کنندگان را و اگر آنکه

اهل الكتاب امنوا واتقوا لكفرنا عنهم سياتهم ولادخلناهم

اهل کتاب بگرویدندی و بپرهیزیدندی هرآینه بازپوشانیدیمی از ایشان بدیهای ایشان را هرآینه درآوردیمی ایشان را

جنات النعيم ۝ ولو انهم اقاموا التورية والانجيل وما انزل اليهم

به بوستانهای با نعمت و اگر آنکه ایشان بپای داشتندی احکام توریة و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد بدیشان

من ربهم لاكلوا من فوقهم ومن تحت ارجلهم منهم امة

از پروردگار ایشان هرآینه خوردندی از بالای ایشان و از زیر پایهای ایشان از ایشان هستند گروهی

مقتصدة وكثير منهم ساء ما يعملون ۝ يا ايها الرسول

میانه نگه دارنده و بسیاری از ایشان را بدست آنچه عمل میکنند ای پیغمبر

بلغ ما انزل اليك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله

برسان آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو و اگر نکنی پس نرسانیده رسالتهای اورا و خدا

يعصمك من الناس ان الله لا يهدي القوم الكافرين ۝ قل يا اهل

نگه دارد ترا از مردمان بدرستی که خدا راه ننماید گروه کافران را بگو ای اهل

الكتاب لستم على شيء حتى تقيموا التورية والانجيل وما انزل

کتاب نیستید شما بر چیزی تا بپای دارید احکام توریة را و انجیل را و آنچه فرو فرستاده شد

اليكم من ربكم وليزيدن كثيرا منهم ما انزل اليك من ربك

بشما از پروردگار شما و هرآینه بزیادت کند بسیاری را از ایشان آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو

طغيانا وكفرا فلا تاس على القوم الكافرين ۝ ان الذين امنوا

از دشمنی و ناسپاسی پس اندوه مخور بر گروه کافران بدرستی که آنها که بگرویدند

والذين هادوا والصابئون والنصارى من امن بالله واليوم الاخر

و آنها که جهود شدند و از دینی بدینی شوندگان و ترسایان هرکه بگروید بخدا و بروز آخرت

وعمل صالحا فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون ۝ لقد

و کارهای نیکو کند پس هیچ ترسی نبود بر ایشان و نه ایشان اندوهگین باشند بدرستی

اخذنا ميثاق بني اسرائيل وارسلنا اليهم رسلا كلما جاءهم

که فرا گرفتیم ما عهد را از فرزندان یعقوب و بفرستادیم ما بدیشان رسولان را هرگاه که آمدی بدیشان

رسول بما لا تهوى انفسهم فريقا كذبوا وفريقا

رسولی بدانچه نخواست تنهای ایشان گروهی را دروغ پنداشتند و گروهی را

يقتلون ۝ وحسبوا الا تكون فتنة فعموا وصموا ثم تاب الله

میکشتند و پنداشتند که نباشد امتحان از خدای پس کور شدند و کر شدند از حق [illegible]

عليهم ثم عموا وصموا كثير منهم والله بصير بما يعملون

بر ایشان پس کور شدند و کر شدند بسیاری از ایشان و خدا [illegible]

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا
بدرستی که کافر شدند آنها که گفتند که خدا عیسی است پسر مریم و گفت عیسی ای
بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ
بنی اسرائیل بپرستید خدا را که پروردگار منست و شما بدرستی که هر که انباز فرا دارد بخدا
فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
پس بدرستی که حرام گردانید خدا بر وی بهشت را و جایگاه او آتش بود و نبود مر ستمکاران را هیچ
أَنْصَارٍ • لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا إِلَٰهٌ
یاری کننده بدرستی که کافر شدند آنها که گفتند که خدا سیم سه است و نیست هیچ خدایی مگر
وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ
خدای یکتای یگانه و اگر باز نایستید از آنچه میگویند مرآینه برسد بدانها که کافر شدند از ایشان
عَذَابٌ أَلِيمٌ • أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ
عذابی دردناک ای پس باز نیایند بدرگاه خدا و آمرزش خواهند ازو و خدا آمرزگار
رَحِيمٌ • مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ
مهربانست نیست عیسی پسر مریم مگر رسولی بدرستی که گذشتند پیش ازو
الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ
رسولان و مادر او راست گوی بود بودند هر دو میخوردند طعام را ببنگر
كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ • قُلْ
که چگونه روشن میکنیم مر ایشان را نشانها را پس بنگر که چگونه برگردانیده میشوند از حق بگو

أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
ای می پرستید از جز خدای آنچه نه سود کند مر شما را و نه زیانی دهد و نه بسودی کند و خدا اوست شنوا
الْعَلِيمُ • قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ
و دانا بگو ای اهل کتاب غلو مکنید در دین شما از حد اعتدال
الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا
بناحق و پیروی مکنید مرادهای گروهی را که گمره شدند از پیش و گمره گردانیدند بسیاری را
وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ • لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ
و گمره شدند از راستی راه بلعنت کرده شدند آنها که کافر شدند از بنی اسرائیل
عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ
بر زبان داود در زبور و عیسی پسر مریم آن بسبب آنست که ایشان عاصی شدند و بودند از حد در گذشتند
كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
بودند باز نمی ایستادند از ناشایستی که میکردند آنرا مرآینه بدست آنچه ایشان میکنند
تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ
می بینی تو بسیاری را از ایشان که دوستی میکنند با آنها که کافر شدند مرآینه بدست آنچه فرا پیش داشت مر ایشان را
أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ
تنهای ایشان که خشم خدای باد بر ایشان و در عذاب ایشان همیشه باشند
وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ
و اگر ایشان بگرویدندی بخدا و به پیغمبر و بدانچه فرو فرستاده شد بدو فرا نگرفتندی ایشان را

اولیاء ولکن کثیرا منهم فاسقون ۝ لتجدن اشد الناس
دوستان ولیکن بیشترین ازیشان فاسقانند هرآینه یابی سخت ترین مردمانرا
عداوة للذین امنوا الیهود والذین اشرکوا ولتجدن
بدشمنی مرآنهارا که بگرویدند جهودان وآنها که بت پرستیدند وهرآینه یابی
اقربهم مودة للذین امنوا الذین قالوا انا نصاری ذلک
نزدیکترین ایشانرا بدوستی مرآنهارا که بگرویدند آنها که گفتند کما ترسایانیم آن قرب بودن
بان منهم قسیسین ورهبانا وانهم لا یستکبرون
بسبب آنست که ازیشان بود علما وزهاد وآنکه ایشان گردنکشی نکردند
واذا سمعوا ما انزل الی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع
وچون شنوند آنچه فرو فرستاده شد برسول بینی تو چشمهای ایشانرا که میرود اشک ازان
مما عرفوا من الحق یقولون ربنا امنا فاکتبنا مع الشاهدین
ازانچه شناختند آنرا از سخن حق میگویند ای پروردگار ما بگرویدیم پس بنویس مارا با گواهی دهندگان
وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق ونطمع ان یدخلنا
وچیست مارا که نمی گرویم بخدا وبدانچه آمد بما از سخن حق وطمع داریم که درآورد مارا
ربنا مع القوم الصالحین ۝ فاثابهم الله بما قالوا جنات تجری
پروردگار ما با زمره گروه نیکوکاران پس پاداشت داد ایشانرا خدا بدانچه گفتند بهشتهائی که میرود
من تحتها الانهار خالدین فیها وذلک جزاء المحسنین
از زیر آن جویها همیشه باشند درانجا وآنست پاداشت نیکوکاران

الجزو ٧

والذین کفروا وکذبوا بایاتنا اولئک اصحاب الجحیم ۝ یا ایها الذین
وآنها که کافر شدند وبدروغ داشتند نشانهای مارا آن گروه اصحاب دوزخند ای آنها
امنوا لا تحرموا طیبات ما احل الله لکم ولا تعتدوا ان الله لا یحب
که بگرویده اید حرام مدارید پاکیها آنچه حلال کرد خدا مرشمارا واز حد درمگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد
المعتدین ۝ وکلوا مما رزقکم الله حلالا طیبا واتقوا الله
از حد درگذرندگانرا وبخورید ازآنچه روزی کرد شمارا خدا حلال پاک وبترسید ازخدا
الذی انتم به مؤمنون ۝ لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم
آن خدائی که شما بدو بگرویدگانید نگیرد شمارا خدا بنافرجام در سوگندان شما
ولکن یؤاخذکم بما عقدتم الایمان فکفارته اطعام
ولیکن فرا گیرد شمارا بدانچه استوار کردید پیمانها بقصد ونیت پس کفارت آن طعام دادن
عشرة مساکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم
ده بیچاره بود از طعامهای میانه که میخورید ومیدهید اهل خودرا یا جامه پوشانیدن
او تحریر رقبة فمن لم یجد فصیام ثلاثة ایام ذلک کفارة
یا آزاد کردن بنده بود پس هرکه نیابد پس بود روزه سه روز داشتن آنست کفارت
ایمانکم اذا حلفتم واحفظوا ایمانکم کذلک یبین
سوگندان شما چون سوگند خوردید شما ومحافظت نمائید سوگندان خودرا همچنین روشن میکند
الله لکم ایاته لعلکم تشکرون ۝ یا ایها الذین امنوا انما الخمر
خدا مرشمارا نشانهای خود تا بود که شما شکر کنید ای آنها که بگرویده اید بدرستی که شراب

والميسر والانصاب والازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه

و قمار و آن چوبها که بر آن نشان میکنند و تیرهای قمار که بدان فال میگیرند نجس اند از کار دیو پس دور شوید ازان

لعلكم تفلحون • انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة

تا بود که شما رستگاری یابید بدرستی که میخواهد دیو که واقع شود میان شما دشمنی

والبغضاء في الخمر والميسر ويصدكم عن ذكر الله

و خشم در خمر خوردن و قمار باختن و بازگرداند شما را از یاد کرد خدا

وعن الصلوة فهل انتم منتهون • واطيعوا الله واطيعوا

و از نماز پس ای هیچ شما باز ایستنده اید ازانها و فرمان برید خدا را و فرمان برید

الرسول واحذروا فان توليتم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ

پیغمبر را و بترسید ازو پس اگر برگردید شما پس بدانید که بر رسول ما رسانیدن

المبين • ليس على الذين امنوا وعملوا الصالحات جناح فيما

روشن است نیست بر آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند بزه در آنچه

طعموا اذا ما اتقوا وامنوا وعملوا الصالحات ثم اتقوا وامنوا

تناول کردند چون بپرهیزیدندی از شرک و بگرویدندی و کارهای نیکو کردندی پس بترسیدندی و بگرویدندی
پیش از تحریم خمر و قمار

ثم اتقوا واحسنوا والله يحب المحسنين • يا ايها الذين امنوا

پس بپرهیزیدندی از ستم بر خلق و نیکویی کردندی و خدا دوست دارد نیکوکاران را ای آنها که بگرویده اید

ليبلونكم الله بشيء من الصيد تناله ايديكم ورماحكم

هرآینه می آزماید شما را خدا بچیزی از صید که دریابنده باشند شما را نیزهای شما

ليعلم الله من يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب

تا جدا بازکند خدا آنرا که ترسد ازو بناپیدا پس هر که درگذرد از حد پس ازان پس مر او را بود عذابی

اليم • يا ايها الذين امنوا لا تقتلوا الصيد وانتم حرم ومن قتله

دردناک ای آنها که بگرویده اید مکشید صید را و شما در حالت احرام باشید و هر که بکشد آنرا

منكم متعمدا فجزاء مثل ما قتل من النعم يحكم به

از شما بعمدا پس بر او بود پاداشت مانند آنچه بکشته بود از چهارپایان حکم کند بدان بدل

ذوا عدل منكم هديا بالغ الكعبة او كفارة طعام

دو خداوند عدالت از شما قربانی فرارسنده بکعبه یا کفارتی بود طعام دادن

مساكين او عدل ذلك صياما ليذوق وبال امره عفا

[illegible] یا برابر آن طعام روزه داشتن تا در چشند عقوبت کار خود را عفو کرد

الله عما سلف ومن عاد فينتقم الله منه والله عزيز ذو

خدا آنچه گذشت و هر که باز سر رود پس کینه باز خواهد خدا ازو و خدا ارجمند است خداوند

انتقام • احل لكم صيد البحر وطعامه متاعا لكم

کینه کشیدن حلال کرده شد مر شما را صید دریا و خورش آن برخورداری مر شما را

وللسيارة وحرم عليكم صيد البر ما دمتم حرما واتقوا

و مر روندگان را و حرام کرده شد بر شما صید بیابان مادام که شما در حال احرام باشید و بترسید

الله الذي اليه تحشرون • جعل الله الكعبة البيت الحرام

از خدا آن خدایی که باو حشر کرده شوند گردانید خدا خانه کعبه را خانه حرام

قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا

انتعاشی برای مردمان در امور دین و دنیا و ماههای حرام و قربانها خاصه آنها که بقلاده نشان کرده باشند آن بجهت آن که

أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ

بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و آنکه خدا بهمه چیزی

عَلِيمٌ ۝ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

داناست بدانید که خدا سخت عقوبتست و آنکه خدا آمرزگار

رَحِيمٌ ۝ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

مهربانست نیست بر رسول مگر رسانیدن پیغام و خدا میداند آنچه آشکارا میکنید و آنچه

تَكْتُمُونَ ۝ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ

بازمی پوشانید بگو یکسان نیست حرام و حلال واگرچه بشگفت آورد ترا

كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝

بسیاری از حرام پس بترسید از خدا ای خداوندان خردها تا بود که شما رستگاری یابید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ

ای آنها که بگرویده اید مپرسید از چیزهایی که اگر آشکارا کنند شمارا برنج آورد شمارا

وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ

واگر درخواسید از آن هنگامی که فرو فرستاده شد قرآن یعنی در حیات رسول آشکارا کرده شد شمارا درگذشت خدا

عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا

از آن و خدا آمرزگار مهربانست بدرستی که پرسیدند آنرا گروهی که پیش از شما بودند پس گشتند

بِهَا كَافِرِينَ ۝ مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ

بدان کافران پدید نکرد خدا تحریم هیچ ناقه و نه هیچ ناقه و نه هیچ ناقه بجهت جرا گذاشته

وَلَا حَامٍ وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

و نه هیچ فحلی که از صلب او ده نتاج حاصل آمده و لیکن آنها که کافر شدند بر می بافند بر خدا دروغ را

وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ

و بیشترین ایشان نمیدانند و چون گویند مر ایشانرا بیایید بدانچه فرو فرستاد

اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ

خدا و برسول گویند پسنده است مارا آنچه یافتیم بر آن پدران خودرا ای اگر بودند

آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

پدران ایشان ندانستید چیزی را و راه نیافتند ایشان نیز چنین خواهند بود ای آنها که بگرویده اید

عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى

بر شما باد اصلاح حال خود که زیان نتواند رسانید شمارا آنکه گمراه شد چون راه یافته باشید شما با

اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

خداست بازگشت شما همه پس بیاگاهاند شمارا بدانچه شما کرده باشید ای

الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ

آنها که بگرویده اید بر شما باد گواهی میان شما چون حاضر آید یکی از شما اسباب مرگ

حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ

هنگام وصیت کردن دو خداوند عدل از شما که اقارب میت باشند یا دو دیگر جز از شما

إن أنتم ضربتم في الأرض فأصابتكم مصيبة الموت تحبسونهما
اگر شما سفر کنید در زمین پس رسد بشما مصیبتی از مرگ بازدارید آن دو کس را
من بعد الصلوة فيقسمان بالله إن ارتبتم لا نشتري به
از پس نماز دیگر که اجتماع مردمست پس سوگند خورند بخدا که اگر بشک شوید شما نخریم بدان
ثمنا ولو كان ذا قربى ولا نكتم شهادة الله إنا إذا
بهائی را واگر چه باشد خداوند خویشی و باز نپوشانیم گواهی خدا را بدرستی که ما آنگه
لمن الآثمين ۝ فإن عثر على أنهما استحقا إثما فآخران يقومان
از جملهٔ بزه کاران باشیم پس اگر مطلع شوند بر آن دو گواه که سزاوار گشتند بزه را پس دو کس دیگر گواهی دهند
مقامهما من الذين استحق عليهم الأوليان فيقسمان بالله
بمقام بجای ایشان از آنها که سزاوار شده باشند بریشان اولیان اقارب میت پس سوگند خورند بخدا
لشهادتنا أحق من شهادتهما وما اعتدينا إنا إذا لمن الظالمين ۝
که هر آینه گواهی ما حقتر است از گواهی آن هر دو و از عدالت تجاوز ننمودیم بدرستی که ما آنگه از جملهٔ ستمکاران باشیم
ذلك أدنى أن يأتوا بالشهادة على وجهها أو يخافوا أن ترد
آنچه گفتیم از رد شهادت نزدیکترست که آیند بگواهی بر آن وجه که باید یا بترسند که رد کنند
أيمان بعد أيمانهم واتقوا الله واسمعوا والله لا يهدي القوم
سوگندهای دیگر پس سوگندان ایشان و بترسید از خدا و بشنوید و خدا راه ننماید گروه
الفاسقين ۝ يوم يجمع الله الرسل فيقول ماذا أجبتم
فاسقان را روزی که جمع کند خدا رسولان را پس گوید چه چیز پاسخ کردید شما

قالوا لا علم لنا إنك أنت علام الغيوب ۝ إذ قال الله يا عيسى ابن
گویند نیست دانش مارا بدرستی که توئی داننده غیبها چون گفت خدا ای عیسی پسر
مريم اذكر نعمتي عليك وعلى والدتك إذ أيدتك بروح
مریم یاد کن نعمت مرا بر تو و بر مادر تو چون نیرومند گردانیدم ترا بجبرئیل
القدس تكلم الناس في المهد وكهلا وإذ علمتك
پاک سخن میگفتی با مردمان در گهواره و در حالت کهولت بی تفاوت و چون در آموختم ترا
الكتاب والحكمة والتورىة والإنجيل وإذ تخلق من الطين
کتاب انجیل و حکمت و توریة و انجیل و چون میساختی تو از گل
كهيئة الطير بإذني فتنفخ فيها فتكون طيرا بإذني و
همچون شکل مرغ بفرمان من پس در میدمیدی در آن پس می بود مرغی بفرمان من
تبرئ الأكمه والأبرص بإذني وإذ تخرج الموتى بإذني و
و بینا میکردی نابینای مادر زادرا و پیس را بفرمان من و چون بیرون می آوردی مردگان را از گور بفرمان من و
إذ كففت بني إسرائيل عنك إذ جئتهم بالبينات
چون باز داشتم شر جهودان بنی اسرائیل را از تو چون آمدی بدیشان بحجتها
فقال الذين كفروا منهم إن هذا إلا سحر مبين ۝ وإذ أوحيت
پس گفتند آنها که کافر شدند از ایشان نیست این مگر جادوئی روشن و چون وحی فرستادم
إلى الحواريين أن آمنوا بي وبرسولي قالوا آمنا واشهد بأننا
بسوی این یاران تو که بگروید بمن و برسول من گفتند بگرویدیم ما و گواه باش که ما

حزب

مُسْلِمُونَ • إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ

منقادانیم چون گفتند حواریان ای عیسی پسر مریم ای توانائی دارد پروردگار تو

أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ

که فرو فرستد برما خوانی آراسته از آسمان گفت بترسید از خدا اگر هستید شما

مُؤْمِنِينَ • قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَ

بگرویدگان گفتند میخواهیم که بخوریم ازان و آرام گیرند دلهای ما

نَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

و بدانیم که راست گفتی با ما و باشیم بر آن از جمله گواهی دهندگان

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ

گفت عیسی پسر مریم ای بار خدایا ای پروردگارا فرو فرست برما خوانی از آسمان

تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ

تا باشد ما را چون عیدی مر اولینان ما را و آخرینان ما را و نشانی بود از تو و روزی ده ما را و توئی

خَيْرُ الرَّازِقِينَ • قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ

بهترین روزی دهندگان گفت خدا بدرستی که من فرو فرستنده‌ام آنرا بر شما پس هر که کافر شود پس ازان

مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ • وَإِذْ

از شما پس من عذاب کنم اورا عذابی که عذاب نکرده باشم بدان هیچ یکی را از جهانیان و چون

قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ

گوید خدا ای عیسی پسر مریم ای تو گفتی مردمانرا که فرا گیرید مرا و مادر مرا

إِلَٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي

بمعبودی دو خدایان از جز خدا گوید پاک و منزهی تو نیست مرا که گویم آنچ نیست مرا

بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ

سزاوار اگر گفته‌ام آنرا پس بدرستی که بدانی تو آنرا میدانی تو آنچه در ضمیر منست و نمیدانم

مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ • مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا

آنچه معلوم ذات تست بدرستی که توئی داننده غیبها نگفتم مر ایشانرا مگر آنچ

أَمَرْتَنِي بِهِ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ

فرمودی مرا بدان که بپرستید خدا را پروردگار منست و شما و بودم بر ایشان

شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ

گواه مادام که در میان ایشان بودم پس چون بمیرانیدی مرا بودی هستی تو نگهبان بر ایشان

وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ • إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَ

و تو بر همه چیزی حاضر و دانائی اگر عذاب کنی ایشانرا پس بدرستی که ایشان بندگان تواند و

إِنْ تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • قَالَ اللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ

اگر بیامرزی مر ایشانرا پس بدرستی که توئی غالب محکم کار گوید خدا اینست آن روزی

يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

که سود کند راست گویانرا راستی ایشان مر ایشانراست بوستانهای که میرود از زیر آن جویها

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ

جاوید باشند در آنجا همیشه خشنود شد خدا ازیشان و خشنود باشند ازو آنست رستگاری

العظيم ۝ لله ملك السموات والأرض وما فيهن وهو على كل

بزرگ مر خدايراست پادشاهى آسمانها و زمين و آنچه در آنهاست و او بر همه

سورة الانعام مائة وخمس وستون آية مكية

شيء قدير

چيزى تواناست

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى روزى دهنده مهربان

الحمد لله الذي خلق السموات والأرض وجعل الظلمات

شکر و سپاس مر خدايرا آن خدائى که آفريد آسمانها و زمين را و بديد کرد تاريکيها

والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون ۝ هو الذي خلقكم

و روشنائى را پس آنها که کافر شدند به پروردگار خود برابرى ميکنند اوست آن خداى که آفريد شما را

من طين ثم قضى أجلا وأجل مسمى عنده ثم أنتم تمترون

از گل پس حکم کرد وقت مرگ را و اجلى نام نهاده را نزد خود پس شما بشک ميشويد

وهو الله في السموات وفي الأرض يعلم سركم وجهركم

و اوست خدا در آسمانها و در زمين ميداند پنهان شما را و آشکاراى شما را

ويعلم ما تكسبون ۝ وما تأتيهم من آية من آيات ربهم إلا

و ميداند آنچه ميکنيد و نيامد بديشان هيچ نشانى از نشانهاى پروردگار خود

كانوا عنها معرضين ۝ فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف

مگر بودند از آن روى گردانندگان پس بدرستى که دروغ داشتند حق را چون آمد بديشان پس زود

فواصلها

يأتيهم أنباء ما كانوا به يستهزءون ۝ ألم يروا كم أهلكنا

آيد بديشان خبرهاى آنچه ايشان بدان استهزا ميکردند اى نديدند که چند هلاک کرديم

من قبلهم من قرن مكناهم في الأرض ما لم نمكن لكم

پيش از ايشان از گروهانى که تمکين داده بوديم ايشانرا در زمين آنچه تمکين نداديم ما شما را

وأرسلنا السماء عليهم مدرارا وجعلنا الأنهار تجري

و فرستاديم ما از آسمان بر ايشان باران ريزان و بديد کرديم جويها را که ميرود

من تحتهم فأهلكناهم بذنوبهم وأنشأنا من بعدهم

از زيرهاى ايشان پس هلاک کرديم ايشانرا بسبب گناهان ايشان و آفريديم از پس ايشان

قرنا آخرين ۝ ولو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه

گروهانى ديگر را و اگر فرستاديمى بر تو کتابى در کاغذى پس بسودندى آنرا

بأيديهم لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين ۝ وقالوا لولا

بدستهاى خود تا بگويند آنها که کافر شدند نيست اين مگر جادوئى روشن و گفتند چرا

أنزل عليه ملك ولو أنزلنا ملكا لقضي الأمر ثم لا

فرو نفرستادند بر او فرشته و اگر فرو فرستاديمى فرشته را هر آينه گزارده شدى هلاک ايشان پس

ينظرون ۝ ولو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا وللبسنا

زمان داده نشوندى اگر کردانيم اورا فرشته هر آينه کردانيم اورا بصورت مردى و در پوشانيدى

عليهم ما يلبسون ۝ ولقد استهزئ برسل من قبلك فحاق

بر ايشان آنچه ايشان در مى پوشند و بدرستى که استهزا کردند برسولانى که پيش از تو بودند پس

و مشتبه ميکنند بر خود

بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون • قل سيروا في
بد انها که استهزا داشتند ایشان آنچه بودند بدان استهزا میکردند بگو بروید در
الارض ثم انظروا كيف كان عاقبة المكذبين • قل
زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت بدروغ دارندگان بگو
لمن ما في السموات والارض قل لله كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم
کراست آنچه در آسمانهاست وزمین بگو مر خدای راست واجب گردانید بر ذات پاک خود رحمت را که جمع کند شما را
الى يوم القيمة لا ريب فيه الذين خسروا انفسهم فهم
در روز قیامت هیچ شکی نیست در آن آنها که زیانکار آمدند بر تنهای خود پس ایشان
لا يؤمنون • وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع
نمی گروند ومر او راست آنچه آرام گرفت در شب وروز واو شنوای
العليم • قل اغير الله اتخذ وليا فاطر السموات والارض وهو
داناست بگو ای محمد از خدا فرا گیرم دوستی که نو آفریننده آسمانهاست وزمین واو
يطعم ولا يطعم قل اني امرت ان اكون اول من اسلم ولا تكونن
طعام دهد وطعام نه ستاند او را بگو بدرستی که فرموده اند مرا که باشم اول آنک منقاد شد ومباش
من المشركين • قل اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم
از جمله انباز آورندگان بگو بدرستی که من می ترسم اگر عاصی شوم پروردگار خود از عذاب روزی
عظيم • من يصرف عنه يومئذ فقد رحمه وذلك الفوز
بزرگ هر که مصروف شود از او عذاب آن روز پس بدرستی که رحمت کرده شد او را وآنست رستگاری

المبين • وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان
روشن واگر برساند بتو خدا زیانی پس بردارنده نبود مر آنرا مگر او واگر
يمسسك بخير فهو على كل شيء قدير • وهو القاهر فوق
برساند بتو خیری پس او بر همه چیزی تواناست واوست قهر کننده بالای
عباده وهو الحكيم الخبير • قل اي شيء اكبر شهادة قل الله
بندگان خود واوست محکم کار آگاه بگو کدام چیز بزرگترست از گواهی دادن بگو خدا
شهيد بيني وبينكم واوحي الي هذا القرآن لانذركم
گواهست میان من ومیان شما ووحی کرده میشود در من قرآن تا بیم کنم شما را
به ومن بلغ ائنكم لتشهدون ان مع الله الهة اخرى قل
بدو وآنرا که بدو رسید تا روز قیامت ای شما مرآینه گواهی میدهید که با خدا خدایی دیگر هست بگو
لا اشهد قل انما هو اله واحد وانني بريء مما تشركون
گواهی نمیدهم بگو بدرستی که او یک خداست وبدرستی که من بیزارم از آنچه انباز می آرید بدو
الذين آتيناهم الكتاب يعرفونه كما يعرفون ابناءهم الذين
آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب میشناسند همچنانکه می شناسند پسران خود را آنها
خسروا انفسهم فهم لا يؤمنون • ومن اظلم ممن افترى
که زیانکار آمدند بر تنهای خود پس ایشان نمی گروند وکیست ستمکارتر از آنکه بر بافت
على الله
بر خدای
كذبا او كذب بآياته انه لا يفلح الظالمون • ويوم نحشرهم
دروغ را یا بدروغ داشت نشانهای او را بدرستی که رستگاری نیابند ستمکاران وروزی که حشر کنیم ایشانرا

جميعا ثم نقول للذين اشركوا اين شركاؤكم الذين كنتم

همه . پس گوییم مر آنهارا که انباز فرا داشتند که کجا شدند انبازان شما آنها که بودید که ما

تزعمون ثم لم تكن فتنتهم الا ان قالوا والله ربنا ما كنا

دعوی میکردید پس نبود آزمایش ایشان مگر آنک گفتند بحق خدا که پروردگار ماست نبودیم

مشركين انظر كيف كذبوا على انفسهم وضل عنهم

انباز فرادارندگان بنگر که چگونه دروغ بستند بر تنهای خود وگم شود از ایشان

ما كانوا يفترون ومنهم من يستمع اليك وجعلنا

آنچه ایشان بر بافته باشند وازیشان کس هست که گوش باز نهد بتو وگردانیدیم

على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم وقرا وان

بر دلهای ایشان پوششی که در نیابند آنرا ودر گوشهای ایشان گرانی است واگر

يروا كل اية لا يؤمنوا بها حتى اذا جاءوك يجادلونك يقول الذين

ببینند هر نشانی نگروند بدان تا چون آیند بتو خصومت کنند با تو میگویند آنها

كفروا ان هذا الا اساطير الاولين وهم ينهون عنه

که کافر شدند نیست این مگر افسانهای پیشینیان . وایشان بازمیدارند مردم را از متابعت رسول

وينأون عنه وان يهلكون الا انفسهم وما يشعرون

وخود نیز دور میشوند ازو وهلاک نمیکنند مگر تنهای خودرا وایشان نمیدانند

ولو ترى اذ وقفوا على النار فقالوا يا ليتنا نرد ولا نكذب

واگر ببینی که چون بازداشته شوند بر آتش پس گویند ای کاشکی ما را باز میگردانیدندی با دنیا وبدروغ نداشتمانی

بايات ربنا ونكون من المؤمنين بل بدا لهم ما كانوا

بنشانهای پروردگار ما وبودمانی از جمله مؤمنان بلکه ظاهر شود مر ایشانرا آنچه ایشان

يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه وانهم

پنهان داشته باشند از پیش واگر بازگردانیده شدندی مرآینه عود کردندی مرآنچه نهی کرده شدند ازان وبدرستی که ایشان

لكاذبون وقالوا ان هي الا حياتنا الدنيا وما نحن بمبعوثين

مرآینه دروغ گویانند وگفتند نیست این مگر زندگانی ما در دنیا ونباشیم ما عذاب کردگان

ولو ترى اذ وقفوا على ربهم قال اليس هذا بالحق قالوا بلى

واگر بدیدی تو که چون بازداشته شوید بر جزای پروردگار خود گوید خدا ای نیست این بحق گویند آری

وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون قد خسر

بحق پروردگار ما گوید خدا پس درچشید عذاب را بسبب آنچه شما کافر شدید بدرستی که زیانکار آمدند

الذين كذبوا بلقاء الله حتى اذا جاءتهم الساعة بغتة

آنها که بدروغ داشتند . بباز رسیدن با خدا تا چون آید بدیشان قیامت ناگاه

قالوا يا حسرتنا على ما فرطنا فيها وهم يحملون اوزارهم

گویند ای اندوها بر ما برآنچه تقصیر کردیم ما در دنیا وایشان بردارند بار گناهان خودرا

على ظهورهم الا ساء ما يزرون وما الحيوة الدنيا الا لعب

بر پشتهای خود بدان که بدست آنچه برمیدارند ونیست زندگانی دنیا مگر بازی

ولهو وللدار الاخرة خير للذين يتقون افلا تعقلون

و ناخوشی ومرآینه سرای آخرت بهتر مرآنهارا که پرهیزند ای پس استعمال عقل نمیکنید

قد نعلم انه ليحزنك الذي يقولون فانهم لا يكذبونك ولكن

بدرستی که میدانیم که اندوهگین میکرداند ترا آنچه میگویند پس بدرستی که ایشان دروغ نمیدارند ترا ولیکن

الظالمين بايات الله يجحدون ۝ ولقد كذبت رسل من

ستمکاران بنشانهای خدا انکار میکنند و بدرستی که بدروغ داشتند رسولانرا که

قبلك فصبروا على ما كذبوا واوذوا حتى اتاهم نصرنا و

پیش از تو بودند پس صبر کردند بر آنچه بدروغ داشته شدند و رنجانیده شدند تا آمد بدیشان نصرت

لا مبدل لكلمات الله ولقد جاءك من نبإ المرسلين

و بدل کننده نیست مرسخنان خدا را و بدرستی که آمد بتو از خبر رسولان

وان كان كبر عليك اعراضهم فان استطعت ان تبتغي

واگر بزرگ است بر تو برگردیدن ایشان از دین توحید وحی پس اگر توانائی داری تو که بجوئی

نفقا في الارض او سلما في السماء فتاتيهم باية ولو شاء الله

فرو شدنی در زمین یا نردبانی که برآئی در آسمان پس آوری بدیشان معجزه و اگر خواستی خدا

لجمعهم على الهدى فلا تكونن من الجاهلين ۝ انما

برآینه جمع کردی ایشانرا بر راه راست پس مباش از نادانان بدرستی

يستجيب الذين يسمعون والموتى يبعثهم الله ثم اليه

که پاسخ کنند و بکروند بتو آنانرا که می شنوند بسمع قبول و مردگانرا برانگیزاند ایشانرا خدا پس باز با او

يرجعون ۝ وقالوا لولا نزل عليه اية من ربه قل ان الله قادر

بازگردانیده شوند و گفتند چرا فرو فرستاده نشد برو نشانی از پروردگار او بگو بدرستی که خدا توانا است

على ان ينزل اية ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ وما من دابة في

بر آنکه فرو فرستد نشانی ولیکن بیشترین ایشان نمیدانند و نیست هیچ جنبنده در

الارض ولا طائر يطير بجناحيه الا امم امثالكم ما فرطنا في

زمین و نه پرنده که پرد بهر دو بال خود مگر که گروهانی اند مانند شما اهمال نکردیم ما در

الكتاب من شيء ثم الى ربهم يحشرون ۝ والذين كذبوا باياتنا

قرآن نا در لوح هیچ چیزی پس بپروردگار ایشان حشر کرده شوند و آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را

صم وبكم في الظلمات من يشإ الله يضلله ومن يشأ يجعله

این کرانند گنگانند در تاریکیهای اند آنرا که خواهد خدا گمراه کند او را و آنرا که خواهد بکند او را

على صراط مستقيم ۝ قل ارايتكم ان اتاكم عذاب الله

بر راه راست بگو ای چون بینید شما اگر آید بشما عذاب خدا

او اتتكم الساعة اغير الله تدعون ان كنتم صادقين

یا آید شما قیامت ای بجز از خدا میخوانید اگر هستید راست گویان

بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء وتنسون

بلکه او را بر خوانید پس بردارد آنچه برخوانید آنرا با خود اگر خواهد و فراموش کنید

ما تشركون ۝ ولقد ارسلنا الى امم من قبلك فاخذناهم

آنچه انباز فرا میدارید با او و بدرستی که بفرستادیم بگروهانی که پیش از تو بودند پس گرفتیم

بالباساء والضراء لعلهم يتضرعون ۝ فلولا اذ جاءهم باسنا

بسختی و سختی حالی تا بود که ایشان زاری کنند پس اگر چون آمد بدیشان عذاب

تضرعوا ولكن قست قلوبهم وزين لهم الشيطان

زاری نکردند ولیکن سخت شدند دلهای ایشان وبیاراست مر ایشانرا دیو

ما كانوا يعملون ● فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم

آنچه کرده باشند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بدان بگشودیم بر ایشان

أبواب كل شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا أخذناهم بغتة فإذا هم

درهای همه چیزی تا چون شاد شدند بآنچه بدادند ایشانرا بگرفتیم ما ایشانرا ناگاه پس آنگه ایشان

مبلسون ● فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب

نومیدان بودند پس بریده باد اصل و بیخ گروه آنها که ستم کردند وشکر و سپاس مر خدارا که پروردگار

العالمين ● قل أرأيتم إن أخذ الله سمعكم وأبصاركم و

جهانیانست بگوای چون ببینید شما اگر فرا گیرد خدا شنوائی شما وبینائیهای شما

ختم على قلوبكم من إله غير الله يأتيكم به انظر كيف

ومهر نهد بر دلهای شما کیست خدای جز از خدا که آورد بشما آنرا بنگر که چگونه

نصرف الآيات ثم هم يصدفون ● قل أرأيتكم إن أتاكم

هویدا میکنیم نشانها را پس ایشان برگردیده میشوند بگوای چون ببینید شما اگر آید بشما

عذاب الله بغتة أو جهرة هل يهلك إلا القوم الظالمون ● و

عذاب خدا ناگاه یا آشکارا ای هیچ هلاک کرده نشوند مگر گروه ستمکاران

ما نرسل المرسلين إلا مبشرين ومنذرين فمن آمن وأصلح فلا خوف

ونفرستیم ما رسولانرا مگر بشارت دهنده وبیم کننده پس هرکه بگروید وکار باصلاح آورد پس نترسی بود

عليهم ولا هم يحزنون ● والذين كذبوا بآياتنا يمسهم

بر ایشان ونه ایشان اندوهگین باشند وآنها که بدروغ داشتند نشانهای مارا برسد ایشانرا

العذاب بما كانوا يفسقون ● قل لا أقول لكم عندي

عذاب بدانچه ایشان تباهی کردند بگو نمیگویم مر شمارا که نزد منست

خزائن الله ولا أعلم الغيب ولا أقول لكم إني ملك إن أتبع

خزینهای خدا ونمیگویم که میدانم غیب را ونمیگویم مر شمارا که من فرشته‌ام پیروی نمیکنم

إلا ما يوحى إلي قل هل يستوي الأعمى والبصير أفلا

مگر آنچه وحی کرده میشود بمن بگو ای هیچ یکسان باشد نابینا وبینا ای پس

تتفكرون ● وأنذر به الذين يخافون أن يحشروا إلى ربهم

اندیشه نمیکنید وبیم کن بدین قرآن آنهارا که می‌ترسند که حشر کرده شوند با پروردگار خود

ليس لهم من دونه ولي ولا شفيع لعلهم يتقون ● ولا تطرد

نیست مر ایشانرا از جز او دوستی ونه شفاعت کنی تا بود که ایشان پرهیزند ومران

الذين يدعون ربهم بالغداة والعشي يريدون وجهه

آنهارا که میخوانند پروردگار خودرا بامداد وشبانگاه میخواهند رضای اورا

ما عليك من حسابهم من شيء وما من حسابك عليهم من شيء

نیست بر تو از حساب ایشان هیچ چیزی ونیست از حساب تو بر ایشان هیچ چیزی

فتطردهم فتكون من الظالمين ● وكذلك فتنا بعضهم ببعض

پس اگر برانی ایشانرا پس باشی از ستمکاران وهمچنین آزموده‌ایم ما بعضی ایشانرا ببعضی

لِيَقُولُوٓا أَهَٰٓؤُلَآءِ مَنَّ ٱللَّهُ عَلَيْهِم مِّنۢ بَيْنِنَآ ۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِأَعْلَمَ بِٱلشَّٰكِرِينَ ●

تا بگویند ای این گروهند که منت نهاد خدا بر ایشان از میان ما ای نیست خدا داناتر بشکر کنندگان

وَإِذَا جَآءَكَ ٱلَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِـَٔايَٰتِنَا فَقُلْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ ۖ كَتَبَ رَبُّكُمْ

و چون آیند بتو آنها که بگروند بنشانهای ما پس بگو سلام باد بر شما واجب کرد ایزد پروردگار شما

عَلَىٰ نَفْسِهِ ٱلرَّحْمَةَ ۖ أَنَّهُۥ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوٓءًۢا بِجَهَٰلَةٍ ثُمَّ

بر ذات پاک خود رحمت را بانک هر که کند از شما بدی را بنادانی پس

تَابَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُۥ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ● وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ

باز آید از پس آن و کار با صلاح آورد پس او آمرزگار مهربانست و همچنین هویدا میکنیم ما

ٱلْـَٔايَٰتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ ٱلْمُجْرِمِينَ ● قُلْ إِنِّى نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱلَّذِينَ

نشانها را و تا روشن شود راه مؤمنان از کافران بگو که نهی کرده اند مرا که پرستم آنها را

تَدْعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۚ قُل لَّآ أَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ ۙ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَآ أَنَا۠

که میخوانید از جز خدا بگو پیروی نمیکنم مرادهای شما را هرآینه گمراه شده باشم آنگه و نباشم

مِنَ ٱلْمُهْتَدِينَ ● قُلْ إِنِّى عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّى وَكَذَّبْتُم بِهِۦ ۚ مَا عِندِى

از راه یافتگان بگو هرآینه که من بر حجتی ام از پروردگار خود و بدروغ داشتید شما آنرا نیست نزد من

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦٓ ۚ إِنِ ٱلْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ يَقُصُّ ٱلْحَقَّ ۖ وَهُوَ خَيْرُ

آنچه بشتاب میخواهید آنرا نیست حکم مگر خدا را حکم کند بحق و او بهترین

ٱلْفَٰصِلِينَ ● قُل لَّوْ أَنَّ عِندِى مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِۦ لَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ بَيْنِى

حکم کنندگانست بگو اگر بودی نزدیک من آنچه بشتاب میخواهید آنرا هرآینه گزارده شدی فرمان میان

وَبَيْنَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِٱلظَّٰلِمِينَ ● وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ

و میان شما و خدا داناتر بحال ستمکاران و نزدیک اوست کلیدهای غیب نداند آنرا

إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا

مگر او و میداند آنچه در خشکی و تری است و نیفتد هیچ برگی از درختی مگر بمعلومی او

حَبَّةٍ فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ●

و نه دانه در تاریکیهای زمین و نه تری و نه خشکی مگر که در لوح المحفوظ او نوشت

وَهُوَ ٱلَّذِى يَتَوَفَّىٰكُم بِٱلَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِٱلنَّهَارِ

و اوست آن خدایی که جان بستاند شما را بشب و میداند آنچه می اندوزید بروز

ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰٓ أَجَلٌ مُّسَمًّى ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ

پس برانگیزد شما را در آن تا بگزارد کاری را تا اجلی نام نهاده پس با اوست بازگشت شما پس

يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ● وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِۦ ۖ وَ

بیاگاهاند شما را بدانچه شما کرده باشید و اوست قهر کننده بالای بندگان خود

يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءَ أَحَدَكُمُ ٱلْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ

و میفرستد بر شما نگهبانان تا چون آید بیکی از شما اسباب مرگ جان بستانند او را

رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ● ثُمَّ رُدُّوٓا إِلَى ٱللَّهِ مَوْلَىٰهُمُ ٱلْحَقِّ ۚ أَلَا لَهُ ٱلْحُكْمُ

رسولان ما و ایشان تقصیر نکنند پس باز گردانیده شوند بخدا که دوست ایشانست بحق بدان که او را ست

وَهُوَ أَسْرَعُ ٱلْحَٰسِبِينَ ● قُلِ ٱللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ

و او زود شمار ترین شمار کنندگانست بگو خدا برهاند شما را از آن و از هر اندوهی

ثم انتم تشركون • قل هو القادر على ان يبعث عليكم عذابا من
پس شما انباز فرا میدارید بگو او تواناست بر آنکه بفرستد بر شما عذابی از
فوقكم او من تحت ارجلكم او يلبسكم شيعا ويذيق
بالای شما یا از زیر پایهای شما یا بیامیزد شمارا گروهان مختلف و در چشاند
بعضكم بأس بعض انظر كيف نصرف الآيات لعلهم
بعضی شمارا عذاب بعضی بنگر که چگونه هویدا میکنیم نشانهارا تا بود که ایشان
يفقهون • وكذب به قومك وهو الحق قل لست عليكم
دریابند و بدروغ داشتند آنرا قوم تو و آن حق است بگو نیستم من بر شما
بوكيل • لكل نبإ مستقر وسوف تعلمون • واذا رأيت
کارساز هر چیزی را آرامگاهیست و زود بدانید و چون بینی تو
الذين يخوضون في آياتنا فاعرض عنهم حتى يخوضوا في حديث
آنهارا که شروع میکنند در نشانهای ما پس برگرد از ایشان تا شروع کنند در سخنی
غيره واما ينسينك الشيطان فلا تقعد بعد الذكرى مع
جز آن واگر از یاد تو ببرد دیو پس منشین پس از پند دادن با
القوم الظالمين • وما على الذين يتقون من حسابهم من شيء
گروه ستمکاران و نیست بر آنها که پرهیزند از حساب ایشان هیچ چیزی
ولكن ذكرى لعلهم يتقون • وذر الذين اتخذوا دينهم
ولیکن پندی است تا بود که ایشان بپرهیزند و بگذار آنهارا که فرا گرفتند دین خودرا

لعبا ولهوا وغرتهم الحياة الدنيا وذكر به ان تبسل نفس
ببازی و نافرجام و بفریفت ایشانرا زندگانی دنیا و پند ده بدین قرآن که در گرو کرده شود تنی
بما كسبت ليس لها من دون الله ولي ولا شفيع وان تعدل
بدانچه اندوخته بود نبود مر آنرا از جز خدا دوستی و نه شفیعی واگر فدا دهد
كل عدل لا يؤخذ منها اولئك الذين ابسلوا بما كسبوا
هر فدا دادنی فرا گرفته نشود از آن تن آن گروه آنهااند که در گرو کرده شدند بدانچه اندوختند
لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا يكفرون • قل
مر ایشانرا بود آشامیدنی از آب گرم و عذابی دردناک بسبب آنچه ایشان کافر شدند بگو
اندعوا من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا ونرد على اعقابنا بعد
ای برخوانیم از جز خدا آنچه نه سود کند مارا و نه زیان کند مارا و باز گردانیده شویم بر پی پایهای ما پس
اذ هدانا الله كالذي استهوته الشياطين في الارض حيران
از آنچه راه نمود مارا خدا همچون آنکسی که بیراه گردانیده باشند اورا دیوان در زمین حیران و متحیر
له اصحاب يدعونه الى الهدى ائتنا قل ان هدى الله هو الهدى و
مر اوراست اصحابی که میخوانند اورا با راه که بیا با ما بگو بدرستی که راه خدا آنست راه راست
امرنا لنسلم لرب العالمين • وان اقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي
و فرموده اند مارا تا مخلص و منقاد شویم مر پروردگار جهانرا و آنکه بپای دارید نمازرا و بترسید از وی و اوست آن خدایی
اليه تحشرون • وهو الذي خلق السموات والارض بالحق ويوم
که بسوی او حشر کرده شوید و اوست آن خدایی که بیافرید آسمانها و زمین را بحق و روزی

يقول كن فيكون ۝ قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور
که کوید بباش پس بباشد گفتار او حق است و مر او راست پادشاهی روزی که دردمند در صور
عالم الغيب والشهادة وهو الحكيم الخبير ۝ وإذ قال إبرهيم حزب
او است داننده نا پیدا و پیدا و او است محکم کار آگاه و چون گفت ابراهیم
لأبيه آزر أتتخذ أصناما آلهة إني أراك وقومك في ضلال
مر پدر را آزر فرا میکیری بتان را خدایان بدرستی که من میبینم ترا و قوم ترا در کمراهی
مبين ۝ وكذلك نري إبرهيم ملكوت السموات والأرض
روشن و همچنین بنمودیم ما ابراهیم را عجایب آسمانها و زمین
وليكون من الموقنين ۝ فلما جن عليه الليل رأى كوكبا
و تا باشد از جمله بیقین دارندگان پس چون درآمد برو شب دید ستاره را
قال هذا ربي فلما أفل قال لا أحب الآفلين ۝ فلما رأى القمر بازغا
گفت اینست پروردگار من پس چون فرو شد گفت دوست ندارم فرو شدگان را پس چون دید ماه را برآمده
قال هذا ربي فلما أفل قال لئن لم يهدني ربي لأكونن من القوم
گفت اینست پروردگار من پس چون فرو شد گفت اگر نه راه نماید مرا پروردگار من هر آینه باشم از گروه
الضالين ۝ فلما رأى الشمس بازغة قال هذا ربي هذا أكبر فلما
کمراهان پس چون دید آفتاب را برآمده گفت اینست پروردگار من این بزرگتر است پس چون
أفلت قال يا قوم إني بريء مما تشركون ۝ إني وجهت وجهي
فرو شد گفت ای قوم من بدرستی که من بیزارم از آنکه انباز او میسازید بدرستی که من خالص کردانیدم دین خود

للذي فطر السموات والأرض حنيفا وما أنا من المشركين ۝
مر آن خدای را که بیافرید آسمانها و زمین را مایل از باطل بحق و نیستم من از جمله انباز آرندگان
وحاجه قومه قال أتحاجوني في الله وقد هدان ولا أخاف
و خصومت کردند با او قوم او گفت آیا خصومت میکنید با من در حق خدا و بدرستی که راه نمود مرا و نمی ترسم
ما تشركون به إلا أن يشاء ربي شيئا وسع ربي كل شيء
از آنچه انباز او میسازید بدو مگر آنکه خواهد پروردگار من چیزی فراخ برسیده است پروردگار من همه چیز را
علما أفلا تتذكرون ۝ وكيف أخاف ما أشركتم ولا
بدانش آیا پس پند نمیگیرید و چگونه ترسم از آنچه انباز او ساختید شما
تخافون أنكم أشركتم بالله ما لم ينزل به عليكم سلطانا
و نمی ترسید که شما که انباز او ساختید شما بخدا آنچه فرو نفرستاده است بر شما هیچ حجتی
فأي الفريقين أحق بالأمن إن كنتم تعلمون ۝ الذين آمنوا
پس کدام یک از دو گروه سزاوارتر بایمنی اگر هستید شما میدانید آنها که ایمان آوردند
ولم يلبسوا إيمانهم بظلم أولئك لهم الأمن وهم مهتدون
و نیامیختند ایمان خود را بستم آن گروه مر ایشان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند
وتلك حجتنا آتيناها إبرهيم على قومه نرفع درجات من نشاء
و آنست حجت ما که بدادیم ما آنرا ابراهیم را بر قوم او برافرازیم هر که را خواهیم درجات
إن ربك حكيم عليم ۝ ووهبنا له إسحق ويعقوب كلا
بدرستی که پروردگار تو محکم کار داناست و بخشیدیم ما مر او را اسحق و اسحق را یعقوب همه

هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ

راه نمودیم ما ونوح را راه نمودیم ما از پیش واز فرزندان او داود وسلیمان

وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي

وایوب ویوسف وموسی وهارون را وهمچنین پاداشت دهیم

الْمُحْسِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ

نیکوکارانرا وزکریا ویحیی وعیسی والیاس همه بودند

مِّنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا

از جمله نیکوکاران واسمعیل والیسع ویونس ولوط همه را

فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ

افزونی نهادیم ما برجهانیان واز پدران ایشان وفرزندان ایشان وبرادران ایشان

وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝

وبرگزیدیم ما ایشانرا وراه نمودیم ما ایشانرا باراه راست

ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا

آنست راه خدا راه نماید بدان آنرا که خواهد از بندگان خود واگر انبازی آوردندی

لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ

هر آینه باطل گشتی از ایشان آنچه ایشان کرده باشند آن گروه آنهاند که بدادیم ما ایشانرا

الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ۚ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَٰؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا

کتاب وحکمت وپیغمبری پس اگر کافر شوند بدان این گروه پس براستی که موکل کردیم

بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ

بدان گروهی را که نیستند بدان کافران آن گروه آنهااند که راه نمود ایشانرا خدای

فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ ۗ قُل لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَىٰ

پس براه ایشان اقتدا کن بگوی یا محمد نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست آن مگر پندی

لِلْعَالَمِينَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ بَشَرٍ

مر جهانیانرا ونشناختند خدارا سزای شناختن او چون گفتند فرونفرستاد خدا بر هیچ آدمی

مِّن شَيْءٍ ۗ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ نُورًا وَهُدًى

هیچ چیزی بگو که فرو فرستاد کتاب آن کتابی که آمد بدان موسی نوری وراه نمونی

لِّلنَّاسِ ۖ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ۖ وَ

مردمانرا همیکنید آنرا کاغذپارها آشکارا میکنید وپنهان میکنید بسیاری را

عُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ ۖ قُلِ اللَّهُ ۖ ثُمَّ ذَرْهُمْ

ودرآموخته شمارا آنچه ندانستید شما ونه پدران شما بگو خدا پس بگذار ایشانرا

فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ۝ وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ

تا درشروع خویش بازی میکنند واین قرآنیست که فرو فرستادیم ما آنرا خجسته باور دارنده

الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۚ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

آنچه در پیش آن بوده وتا بیم کنی بدان اهل مکه را وآنکه پیرامون آنند وآنها که بگروند

بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۖ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝

بآخرت بگروند کاآنند بدان وایشان برنمازهای خویش مداومت نمایند

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوحِيَ اِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ اِلَيْهِ
وکیست ستمکارتر از انکه بر بافت بر خدا دروغ را یا گفت که وحی کرده میشود و وحی کرده نشده بود بدو
شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَاُنْزِلُ مِثْلَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَوْ تَرٰى اِذِ الظَّالِمُونَ فِي
چیزی و انکه گفت زود فرود آورم مانند آنچه فرو فرستاد خدا و اگر ببینی تو که چون ستمکاران در
غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلٰئِكَةُ بَاسِطُوا اَيْدِيهِمْ اَخْرِجُوا اَنْفُسَكُمُ
سختی جان کندن باشند و فرشتگان فراخ بگشاینده باشند دستهای خود را که بیرون کنید جانها از تنهای خود
اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ
گویند ایشان را امروز پاداشت داده شوند بعذابی خوار کننده بدانچه شما میگفتید بر خدا نه
الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادٰى
بحق و بودید شما از نشانهای او گردنکشان و براستی که آمدید بما تنها
كَمَا خَلَقْنَاكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ
همچنانک آفریدیم ما شما را اول بار و گذاشتید شما آنچه بدادیم ما شما را وا پس
ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرٰى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ
پشتهای شما و نمی بینیم ما با شما شفیعان شما را آنها که دعوی کردید شما
اَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ
که ایشان در میان شما انبازانند براستی که بریده شود میان شما وصلت اسباب و گم شود از شما
مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰى يُخْرِجُ الْحَيَّ
آنچه شما دعوی میکردید براستی که خدا شکافنده دانه است و پسته خرما بیرون آرد زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ
از مرده و بیرون آورنده مرده است از زنده آنست خدا است از کجا بر گردانیده میشوید از حق
فَالِقُ الْاِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا
اوست شکافنده صبح و گردانید شب را آرامی و آفتاب و ماه که بحساب میروند
ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ
آنست تقدیر خدای غالب دانا و اوست آن خدائی که گردانید برای شما ستارگان
لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيَاتِ
تا راه می برید بدانها در تاریکیهای بیابان و دریا براستی که هویدا کردیم نشانها را
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي اَنْشَاَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ
برای گروهی که میدانند و اوست آن خدائی که آفرید شما را از یک تن
فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ
پس آرامگاه داد و برخورداری داد براستی که هویدا کردیم ما نشانها را برای گروهی که دریابند
وَهُوَ الَّذِي اَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ
و اوست آن خدائی که فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم ما بدان رستنی هر چیزی
فَاَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ
پس بیرون آوردیم ما از ان سبزی و بیرون آوردیم ما از ان دانه برهم نشانده و از
النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ اَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ
خرما بنان از خوشه آن نزدیک متناول و بستانهای از انگور و زیتون

وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ

و درختهای انار بهم مانده و نه بهم مانده بنگرید بمیوه آن چون میوه دار شود و خوش آن

إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ

بدرستی که در آنستان هرآینه نشانهاست مرگروهیرا که بگروند و بدید کردند مر خدایرا انبازانی

الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ

از پری و حال آنکه آفرید ایشانرا و بدروغ برباقتند مراورا پسران و دختران بی دانشی پاک و منزه است او

وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ

و از شنه آنچه صفت میکنند نو آفریننده اوست آسمانها و زمین از کجا بود

لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ

مراورا فرزندی و حال آنکه نبوده مراورا زنی و آفرید همه چیزیرا و او

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

بهمه چیزی داناست آنستان خداست پروردگار شما نیست خدائی مگر او

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

آفریدگار همه چیزی پس بپرستید اورا و او بر همه چیزی نگاهدارست

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ

درنیابد اورا بینائیها و او دریابد بینائیهارا و او باریک بین

الْخَبِيرُ ۝ قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ

آگاه بدرستی که آمد شما سبب بینائیهای از پروردگار شما پس هر که دیده ور شود پس سود مر او را بود و هر که

عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ

کور دل شود پس زیان بر آن تن بود و نیستم من بر شما نگهبان اعمال و همچنین میگردانیم

الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝

نشانهارا و تا بگویند که درس کردی تو و تا روشن کنیم مر آنرا مرگروهیرا که دانند

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ

پیروی کن آنچه وحی کرده میشود بتو از پروردگار تو نیست خدائی مگر او و برگرد از

الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ

بت پرستان و اگر خواستی خدا انباز فرا نداشتندی و نگردانیدیم ما ترا

عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسُبُّوا

بر ایشان حافظ اعمال و نیستی تو بر ایشان کارزان و کارگزار و دشنام مدهید

الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

آنهارا که میخوانند از جز خدای پس دشنام کنند خدایرا بدشمنی بی دانش

كَذَٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ

همچنین بیاراستیم ما مر هر گروهی را عمل ایشان پس با پروردگار ایشان بازگشت ایشان

فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ

پس آگاه کند ایشانرا بدانچه کردند و سوگند خوردند بخدا بسوگندان مغلظ ایشان

لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لَيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا

که هرآینه اگر آید بدیشان نشانی هرآینه بگروند بدان بگو بدرستی که نشانها نزدیک خداست

الجزو ٨

بِشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ● وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ
وه داناگرداند شمارا که آن معجزات چون آید نمی گروند و میگردانیم دلهای ایشانرا
وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ
و بینائیهای ایشانرا همچنانک نگرویدند بدان اول بار و بگذاریم ایشانرا تا در گمراهی خود
يَعْمَهُونَ ● وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ
سرگردان شوند و اگر آنک فرو فرستادمی بدیشان فرشتگانرا و سخن گفتندی با ایشان
الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا
مردگان و گرد آوردیمی بر ایشان هر چیزیرا روی باروی نبودندی که بگروندی
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ● وَ
مگر آنرا که خواسته بود خدا ولیکن بیشترین ایشان نادانند و
كَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَ
همچنین بدید کردیم ما مر هر پیغمبری را دشمنی از دیوان آدمی
الْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ
و پری که می اندازند بعضی ایشان سوی بعضی آراسته داشتند گفتار بجهت فریب و اگر خواستی
رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ● وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ
پروردگار تو نکردندی آنرا پس بگذار ایشانرا و آنچه بر می بافند و تا مایل کنند بدان
أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ
دلهای آنها که نمی گروند بآخرت و تا راضی شوند و تا کسب کنند آنچه ایشان

مُقْتَرِفُونَ ● أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ
اندوزندگانند ای پس بجز از خدا جویم حکمی را و اوست آن خدای که فرو فرستاد بشما
الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ
کتابی را هویدا کرده و آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب بیدانند
أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ● وَتَمَّتْ
که آن فرو فرستاده شده است از پروردگار تو بحق پس مباش از جمله بشک شوندگان و تمام شد
كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ
سخن پروردگار تو براستی و عدالت بدل کننده نیست مر سخنان او را و اوست شنوای
الْعَلِيمُ ● وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ
دانا و اگر فرمان بری بیشتری را از آنک در زمینند بیرکردانند ترا از
سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ●
راه خدای پس روی نمیکنند مگر گمانی را و نیستند ایشان مگر دروغ بر می بافند
إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
براستی که پروردگار تو او داناترست بآنک گمره شد از راه او و او داناترست براه یابندگان
فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ
پس بخورید از آنچه یاد کرده باشند نام خدایرا بر آن اگر هستید شما بنشانهای او
مُؤْمِنِينَ ● وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
گروندگان و چیست مر شمارا که نمیخورید از آنچه یاد کرده اند نام خدای را بر آن

وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ

و بدرستی که آن براینه خروج از طاعت و بدرستی که دیوان فرا دل میدهند بدوستان خود تا خصومت کنند با شما

وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ۞ أَوَمَنْ كَانَ مَيْتًا

واگر فرمان برید ایشان را بدرستی که شما اهل شرک باشید ای آنکه هست کافر دل

فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ

پس زنده دل کنیم ما او را و بدیدکنیم ما او را روشنایی تمیز که رود و تمیز کند بدان در میان مردمان همچون آنکه شان او بود

فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ

که در تاریکیها بود که نبود بیرون آینده ازان همچنین آراسته شد مر کافران را

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ

خواه آنچه ایشان میکردند و همچنین بکردیم ما در هر دیه

أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ

بزرگترین ایشان را کافران تا مکر فعلی نمایند درانجا و مکر نمیسازند مگر بتنهای خود

وَمَا يَشْعُرُونَ ۞ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ

و ایشان نمیدانستند و چون آید بدیشان نشانی گویند براست نداریم تا آورند بما مانند

مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۘ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ سَيُصِيبُ

آنچه بدادند رسولان خدا را خدا داناتر است بر کجا که خواهد بکند رسالات خود را زود برسد

الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا

آنها را که گناه کردند کافر شدند خواری از نزد خدا و عذابی سخت بآنچه ایشان

يَمْكُرُونَ ۞ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ

مکر ساختند پس هر کرا که خواهد خدا که راه نماید او را برگشاید سینه او را باسلام

وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا

و هر کرا که خواهد که گمراه کند او را بکند سینه او را تنگ تنگ گوییا که

يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ

بر خواهد شدن در آسمان همچنین بکند خدا پلیدی بی توفیقی را بر آنها

لَا يُؤْمِنُونَ ۞ وَهَٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا

که نمی گروند و اینست راه پروردگار تو راست بدرستی که بیان کردیم ما

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۞ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ

نشانها را برای گروهی که پند گیرند مر ایشان راست بهشت دار السلام نزد پروردگار ایشان

وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ

و او دوست و یار ایشان بآنچه ایشان کرده باشند و روزی که حشر کنیم ایشان را

جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ

همه گوییم ای گروه پری بدرستی که بسیار تبع حاصل کردید از آدمیان و گویند دوستان ایشان

مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي

از آدمیان ای پروردگار ما برخورداری گرفت بعضی از ما ببعضی و برسیدیم ما بوعده ما آن وعده

أَجَّلْتَ لَنَا ۚ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ

که تو فرمودی ما را گوید خدا آتش جایگاه شماست همیشه باشند درانجا مگر آنچه خواسته بود خدای

إن ربك حكيم عليم • وكذلك نولي بعض الظالمين بعضا

براستی که پروردگار تو محکم کار داناست و همچنین مسلط گردانیم بعضی ظالمان را بر بعضی

بما كانوا يكسبون • يا معشر الجن والإنس ألم يأتكم رسل

بدانچه ایشان اندوخته باشند ای گروه پری و آدمی ای نیامدند بشما رسولانی

منكم يقصون عليكم آياتي وينذرونكم لقاء يومكم هذا قالوا

از شما تا قصه خوانند بر شما نشانهای مرا و بیم کنند شمارا بباز رسیدن شما بدین روز گفتند

شهدنا على أنفسنا وغرتهم الحياة الدنيا وشهدوا على

گواهی میدهیم ما بر تنهای ما و بفریفت ایشانرا زندگانی دنیا و گواهی بدهند بر

أنفسهم أنهم كانوا كافرين • ذلك أن لم يكن ربك

تنهای خود که ایشان بودند کافران اینک گفتیم آنست که نیست پروردگار تو

مهلك القرى بظلم وأهلها غافلون • ولكل درجات مما

هلاک کننده اهل دیهی را بستم و اهل آن غافلان باشند و مر هر گروهی را درجاتی و درکاتی بود از آنچه

عملوا وما ربك بغافل عما يعملون • وربك الغني ذو الرحمة

ایشان کرده باشند و نیست پروردگار تو غافل از آنچه ایشان میکنند و پروردگار تو بی نیازست خداوند رحمت

إن يشأ يذهبكم ويستخلف من بعدكم ما يشاء كما

اگر خواهد ببرد شما را و خلیفتی بگمارد از پس شما آنرا که خواهد همچنانک

أنشأكم من ذرية قوم آخرين • إنما توعدون لآت وما

بیافرید شمارا از گروهی فرزندان دیگران براستی که آنچه وعده میدهند شمارا هر آینه آینده است

أنتم بمعجزين • قل يا قوم اعملوا على مكانتكم إني عامل فسوف

شما ایشان که از حساب فوت شوید بگو ای قوم من کار کنید بر خوی و عادت خود براستی که من کار کننده ام پس زود

تعلمون • من تكون له عاقبة الدار إنه لا يفلح الظالمون

بدانید که کیست که او راست عاقبت سرای آخرت براستی که رستگاری نیابند ستمکاران

وجعلوا لله مما ذرأ من الحرث والأنعام نصيبا فقالوا هذا

و بدید کردند مر خدا را از آنچه آفرید از کشت زرع و چهارپایان بهره پس گفتند این

لله بزعمهم وهذا لشركائنا فما كان لشركائهم

مر خدا راست بگمانهای ایشان و این مر انبازان مار است پس آنچه بود مر انبازان ایشان را

فلا يصل إلى الله وما كان لله فهو يصل إلى شركائهم

پس نمیرسید بخدا و آنچه بود مر خدا را پس آن میرسید با نبازان ایشان

ساء ما يحكمون • وكذلك زين لكثير من المشركين

بدست آنچه ایشان حکم میکنند و همچنین بیاراست مر بسیاری را از بت پرستان

قتل أولادهم شركاؤهم ليردوهم وليلبسوا عليهم

کشتن فرزندان ایشان یا که زنده در گور کنند انبازان ایشان تا بازا تا بر گردانند ایشانرا و تا مشتبه گردانید بر ایشان

دينهم ولو شاء الله ما فعلوه فذرهم وما يفترون

دین خود را و اگر خواستی خدا نکردندی آنرا پس بگذار ایشانرا و آنچه بر می بافند

وقالوا هذه أنعام وحرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

و گفتند این چهار پایان و کشت زار [illegible] ندهیم آنرا مگر آنرا که خواهیم بگمانهای ایشان

باز داشته شده اند ازین طعام

وانعام حرمت ظهورها وانعام لا يذكرون اسم الله
و چهارپایانی که حرام کردهاند پشتهاء آنها را و چهارپایانی که یاد نکرده باشند نام خدا را
عليها افتراء عليه سيجزيهم بما كانوا يفترون •
بر آنها دروغ بربافتنی بر حکم خدا زود پاداشت دهد ایشانرا بدانچه ایشان بربافته باشند
وقالوا ما في بطون هذه الانعام خالصة لذكورنا ومحرم
و گفتند آنچه در شکمهای این چهارپایانست خالص مر پسران ماراست و حرام است
على ازواجنا وان يكن ميتة فهم فيه شركاء سيجزيهم
بر جفتان ما و اگر چه باشد مردار پس ایشان در آن انبازانند زود پاداش دهد ایشانرا
وصفهم انه حكيم عليم • قد خسر الذين قتلوا
بوصف کردن ایشان بدرستی که او محکم کار داناست بدرستی که زیانکار اندند آنها که بکشتند
اولادهم سفها بغير علم وحرموا ما رزقهم الله افتراء
فرزندان خودرا از نادانی بی دانشی و حرام داشتند آنچه روزی کرده بود ایشانرا خدا دروغ بربافتن
على الله قد ضلوا وما كانوا مهتدين • وهو الذي انشا
بر خدا بدرستی که گمره شدند و نبودند راه یافتگان و اوست آن خدایی که بابتدا بیافرید
جنات معروشات وغير معروشات والنخل والزرع مختلفا
بستانها سقف بدید کرده از چوب و بر زمین افتاده برگ و بار آن و خرماستانها و کشتزارها مختلف
اكله والزيتون والرمان متشابها وغير متشابه كلوا
خورش آن و درخت زیتون و انار بهم ماننده و نه بهم ماننده بخورید گفتیم ما

من ثمره اذا اثمر واتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا انه لا يحب
از میوه آن چون میوه دار شوند و بدهید حق آنرا روز درودن آن و اسراف مکنید بدرستی که او دوست ندارد
المسرفين • ومن الانعام حمولة وفرشا كلوا مما رزقكم الله ولا
گزاف کارانرا و از چهارپایان آنچه بار برداشته شاید و آنچه ذبح را شاید گفتیم ما بخورید از آنچه روزی کرد شمارا خدا
تتبعوا خطوات الشيطان انه لكم عدو مبين • ثمانية
و پیروی مکنید مرادهای دیو را بدرستی که او مر شمارا دشمنی روشن است هشت
ازواج من الضان اثنين ومن المعز اثنين قل الذكرين
صنف از میش دو و از بز دو بگو ای دو نرینه را
حرم ام الانثيين اما اشتملت عليه ارحام الانثيين نبئوني
حرام کرد یا دو مادینه را یا آنچه گرد در آمده است برو رحمهای دو مادینه بیاگاهانید
بعلم ان كنتم صادقين • ومن الابل اثنين ومن البقر اثنين
بدانش اگر هستید شما راست گویان و از شتر دو و از گاو دو
قل الذكرين حرم ام الانثيين اما اشتملت عليه ارحام
بگو ای دو نرینه را حرام کرد یا دو مادینه را یا آنچه گرد در آمده است برو رحمهای
الانثيين • ام كنتم شهداء اذ وصيكم الله بهذا فمن
دو مادینه یا بودید شما گواهان چون فرمود شمارا خدا بدین پس کیست
اظلم ممن افترى على الله كذبا ليضل الناس بغير علم
ستمکارتر از آنکه بربافت بر خدا دروغ را تا گمره کند مردمانرا بی دانشی

إن الله لا يهدي القوم الظالمين • قل لا أجد فيما أوحي إلي محرما
به راستی که خدا راه ننماید گروه ستمکاران را بگو نمی یابم در آنچه وحی کرده میشود بمن حرام کرده
على طاعم يطعمه إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم
بر خورشی که خورنده آنرا مگر که باشد مردار یا خونی ریخته یا گوشتی
خنزير فإنه رجس أو فسقا أهل لغير الله به فمن اضطر
خوک بود پس به راستی که آن نجس است یا خروج از طاعت که آواز برداشته باشند بجز نام خدای بران پس هر که بناچار آرند
غير باغ ولا عاد فإن ربك غفور رحيم • وعلى الذين هادوا
و نه ستم کننده بود و نه از حد درگذرنده پس به راستی که پروردگار تو آمرزگار مهربانست و بر آنها که جهود شدند
حرمنا كل ذي ظفر ومن البقر والغنم حرمنا عليهم
حرام کردیم ما هر حیوانی خداوند ناخن را و از گاو و گوسفند حرام کردیم ما بر ایشان
شحومهما إلا ما حملت ظهورهما أو الحوايا أو ما اختلط بعظم
پیه های آنها مگر آنچه برداشته باشند پشتهای آنها یا چربی روده های آنها یا آنچه بهم آمیخته باشد با استخوان
ذلك جزيناهم ببغيهم وإنا لصادقون • فإن كذبوك
آن پاداشت دادیم ما ایشانرا بسبب ستم کردن و به راستی که ما هر آینه راست گویانیم پس اگر بدروغ دارند ترا
فقل ربكم ذو رحمة واسعة ولا يرد بأسه عن القوم
پس بگو پروردگار شما خداوند رحمت فراخست و رد کرده نشود عذاب او از گروه
المجرمين • سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا
کافران زود گویند آنها که انباز فرا داشتند اگر خواستی خدا انباز فرا نداشتمانی ما

ولا آباؤنا ولا حرمنا من شيء كذلك كذب الذين
و نه پدران ما و حرام نداشتمانی هیچ چیزی همچنین بدروغ داشتند آنها
من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل هل عندكم من علم
که پیش از ایشان بودند تا در چشیدند عذاب ما را بگو اگر هست نزدیک شما هیچ دانشی
فتخرجوه لنا إن تتبعون إلا الظن وإن أنتم إلا تخرصون •
پس بیرون آورید آنرا برای ما پیروی نمیکنید مگر گمان بردنی و نیستید شما مگر دروغ بر می بافید
قل فلله الحجة البالغة فلو شاء لهداكم أجمعين •
بگو پس مر خدایراست حجتهای تمام رسنده پس اگر خواستی هر آینه راه نمودی شما را همه
قل هلم شهداءكم الذين يشهدون أن الله حرم هذا
بگو بیاورید گواهان خود را آنها که گواهی دهند که خدا حرام کرد این را
فإن شهدوا فلا تشهد معهم ولا تتبع أهواء الذين
پس اگر گواهی دهند پس گواهی مده با ایشان و پس روی مکن مرادهای آنهارا
كذبوا بآياتنا والذين لا يؤمنون بالآخرة وهم بربهم
که بدروغ داشتند نشانهای ما را و آنها که نمی گروند بسرای آخرت و ایشان به پروردگار خود
يعدلون • قل تعالوا أتل ما حرم ربكم عليكم ألا
برابری میکنند بگو بیایید تا بر خوانم آنچه حرام کرد پروردگار شما بر شما آنکه
تشركوا به شيئا وبالوالدين إحسانا ولا تقتلوا أولادكم
انباز فرا ندارید بخدا چیزی و با مادر و پدر نیکوئی کنید و مکشید فرزندان خود را

مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ
از ترس درویشی ما روزی میدهیم شما را وایشانرا و فرا نزدیک مروید ناشایستها را آنچه ظاهرست
مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ
ازآن وآنچه پنهانست ومکشید تن را آن تنی که حرام کرد خدا مگر بحق
ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ • وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا
آنتان فرمود شمارا بدان تا بود که شما دریابید وفرا نزدیک مروید مال یتیم مگر
بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ
بطریقتی که آن نیکوترست تا برسد بغایت قوت خود وتمام کنید کیله وترازو را
بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا
بعدالت تکلیف نفرماییم هیچ تنی را مگر بقدر وسع وطاقت آن تن وچون گویید شما پس عدالت کنید
وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ
واگرچه باشد خداوند خویشی وبعهد خدا وفا کنید آنتان فرمود شمارا بدان
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ • وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ
تا بود که شما پند گیرید وآنکه این راه من راستست پس پیروی کنید آنرا
وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ
وپیروی مکنید راهها را پس پراکنده شوید شما از راه او آنتان فرمود شمارا
بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ • ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي
بدان تا بود که شما پرهیزید پس بدادیم ما موسی را کتاب تمامی بر آنچه

أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ
که آن نیکوترست وهویدا کردنی مر هر چیزی را وراهی ورحمتی بود تا بود که ایشان بباز رسیدن با پروردگار خود
يُؤْمِنُونَ • وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ
بگروند واین قرآنیست که فرو فرستادیم ما آنرا خجسته پس پیروی کنید آنرا وبترسید تا مگر بود که شما
تُرْحَمُونَ • أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَ
رحمت کرده شوید تا نگویید برای عدم ارادت که فرو فرستاده شد کتاب بر دو گروه پیش از ما
إِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ • أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ
وبدرستی که هستیم ما از درس کردن ایشان بدرستی غافلان یا نگویید که اگر فرو فرستاده شدی بر ما کتاب
لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى
هرآینه بودیمی راه یابنده تر از ایشان پس بدرستی که آمد بشما حجتی از پروردگار شما وراهی
وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا
ورحمتی پس کیست ستمکارتر از آنکه بدروغ داشت نشانهای خدا را وبرگشت ازآن
سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا
زود پاداشت دهیم آنهارا که برگشتند از نشانهای ما ببدی عذاب بدانچه ایشان
يَصْدِفُونَ • هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ
برگشتند ای هیچ چشم نمیدارند مگر که آید بدیشان فرشتگان یا آید
رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ
فرمان پروردگار تو یا آید بعضی نشانهای پروردگار تو روزی که آید بعضی نشانهای

ربك لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت

پروردگار تو سود ندهد هیچ تنی را ایمان آن تن که نگرویده بود از پیش یا نیندوخته بود

في ايمانها خيرا قل انتظروا انا منتظرون ۝ ان الذين فرقوا

در ایمان خود نیکی بگو چشم دارید بدرستی که ما نیز چشم دارندگانیم بدرستی که آنها که جدا کردند

دينهم وكانوا شيعا لست منهم في شيء انما امرهم الى

دین خود را و بودند گروهان نیستی تو از کار ایشان در چیزی بدرستی که کار ایشان مفوض

الله ثم ينبئهم بما كانوا يفعلون ۝ من جاء بالحسنة

با خداست پس بیاگاهاند ایشان را بدانچه ایشان کرده باشند هر که آید بنیکوئی

فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزى الا مثلها

پس مر او را بود ده چندان آن و هر که آید ببدی پس پاداشت داده نشود مگر بمانند آن

وهم لا يظلمون ۝ قل انني هداني ربي الى صراط مستقيم

و ایشان ستم نکنند بگو بدرستی که راه نمود مرا پروردگار من بار آهی راست

دينا قيما ملة ابراهيم حنيفا وما كان من المشركين ۝

دینی با اعتدال که آن ملت ابراهیم است مایل از باطل بحق و نبود او از جمله انبازگیرداران

قل ان صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي لله رب العالمين ۝

بگو بدرستی که نماز من و قربان من و زیست من و مرگ من مر خدای راست که پروردگار جهانیانست

لا شريك له وبذلك امرت وانا اول المسلمين ۝ قل اغير الله

هیچ انبازی نیست مر او را و بدین فرموده اند مرا و من اول مسلمانانم بگو ای بجز از خدا

ابغي ربا وهو رب كل شيء ولا تكسب كل نفس الا عليها

جویم پروردگاری را و اوست پروردگار همه چیزی و نیندوزد هیچ تنی مگر که زیان و سود بر او بود

ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم فينبئكم

و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را پس با پروردگار شماست بازگشت شما پس بیاگاهاند شما را

بما كنتم فيه تختلفون ۝ وهو الذي جعلكم خلائف الارض

بدانچه شما در آن اختلاف میکردید و اوست آن خدائی که گردانید شما را کاشتکان در زمین

ورفع بعضكم فوق بعض درجات ليبلوكم فيما اتاكم

و بر افراشت بعضی شما را بالای بعضی بدرجه و مرتبه تا آزمایش کند شما را بدانچه بداد شما را

ان ربك سريع العقاب وانه لغفور رحيم ۝

بدرستی که پروردگار تو زود عقوبتست و بدرستی که او آمرزگار مهربانست

سورة الاعراف مائتان وست ايات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

المص ۝ كتاب انزل اليك فلا يكن في صدرك حرج منه

منم خدای که میدانم و راست میگویم این قرآنیست که فرود فرستاده شد بتو پس نباید که باشد در سینه تو تنگی از آن

لتنذر به وذكرى للمؤمنين ۝ اتبعوا ما انزل اليكم من

تا بیم کنی بدان و پندی بود مر مؤمنان را پیروی کنید آنچه فرود فرستاده شد بشما از

فواصلها

نصف

رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَكَمْ
پروردگار شما و پیروی مکنید از جز او دوستان را اندکی اند آنچه پند میگیرند و بسا
مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ ۝
از اهل دیهها که هلاک کردیم آنها را پس آمد بدیشان عذاب ما شب یا ایشان در خواب نیمروز
فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا
پس نبود خواندن ایشان چون آمد بدیشان عذاب ما مگر آنکه گفتند بدرستی که بودیم ما
ظَالِمِينَ ۝ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ
ستمکاران پس هر آینه بازپرسیم از آنها که فرستاده شد بدیشان و هر آینه بازپرسیم از رسولان
فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ۝ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ
قصه کنیم ما بر ایشان بدانشی و نبودیم ما غایبان و ترازو و جزا اعمال آن روز
الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ
راست است پس هرکه گران آید ترازوی طاعت او پس آن گروه ایشانند رستگاران و هرکه
خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا
سبک آید ترازوی طاعت او پس آن گروه آنها اند که زیانکار آمدند بر تنهای خود بدانچه بودند
بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ۝ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا
بنشانهای ما ستم میکنند و بدرستی که تمکین دادیم ما شما را در زمین و پدید کردیم ما
لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ
مر شما را در آنجا سبب معاش اندکی اند آنچه شکر میکنند و بدرستی که آفریدیم ما شما را

ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا
پس صورت بنگاشتیم ما شما را پس گفتیم ما مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر
إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ
ابلیس که نبود از جمله سجودکنندگان گفت چه منع کرد ترا که سجده نکردی
إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ
چون فرمودم ترا گفت که من بهترم ازو آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از گل
قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ
گفت خدا که فرو رو از بهشت پس نبود مر ترا که گردنکشی کنی در آنجا پس بیرون رو از جنت که تو
مِنَ الصَّاغِرِينَ ۝ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ
از جمله خواران گفت زمان ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند گفت خدا که تو از زمان دادگانی
قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ
گفت ابلیس که بسبب آنچه گمراه گردانیدی مرا هر آینه بنشینم مر ایشان را بر راه راست پس
لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ
هر آینه درآیم بدیشان از پیش ایشان و از پس ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان
وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا
و نیابی تو بیشترین ایشان را شاکران گفت خدا بیرون رو از آنجا نکوهیده رانده دور از رحمت
لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ
هر آینه هرکه پیروی کند ترا از ایشان هر آینه پر کنم دوزخ را از شما همه و ای آدم آرام گیر

أنت وزوجك الجنة فكلا من حيث شئتما ولا تقربا هذه الشجرة

تو وزن تو در بهشت پس بخورید از آنجا در کجا که میخواهید شما و فراز دیک این درخت گندم

فتكونا من الظالمين • فوسوس لهما الشيطان ليبدي لهما ما ووري

پس باشید از جمله ستمکاران پس وسوسه داد مر ایشان را دیو تا ظاهر شد مر ایشان را آنچه پنهان بود

عنهما من سوآتهما وقال ما نهاكما ربكما عن هذه الشجرة

از ایشان از عورات ایشان و گفت نهی نکرد شما را پروردگار شما ازین درخت

إلا أن تكونا ملكين أو تكونا من الخالدين • وقاسمهما

مگر آنکه باشید دو فرشته یا باشید از جمله باقی ماندگان و سوگند خورد ایشان را

إني لكما لمن الناصحين • فدلاهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

که من مر شما را از جمله نصیحت کنندگانم پس دلالت کرد ایشان را بفریفتن پس چون چشیدند از آن درخت

بدت لهما سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق

ظاهر شد مر ایشان را عورتهای ایشان و در ایستادند میدوسانیدند بر خود از برگ درخت

الجنة وناداهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجرة

بهشت و بر خواند ایشان را پروردگار ایشان که ای نهی نکردم شما را از خوردن این درخت

وأقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين • قالا ربنا ظلمنا أنفسنا

و نگفتم مر شما را که دیو مر شما را دشمنی پیدا است گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم ما بر تنهای خود

وإن لم تغفر لنا وترحمنا لنكونن من الخاسرين •

اگر نیامرزی ما را و رحمت نکنی بر ما هر آینه باشیم از جمله زیانکاران

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو ولكم في الأرض مستقر

گفت خدا پایان شیب بروید مر بعضی را بعضی شما دشمنان باشند و مر شما را بود در زمین آرامگاهیست

ومتاع إلى حين • قال فيها تحيون وفيها تموتون ومنها

و برخورداری تا هنگامی گفت خدا در آنجا زنده شوید و در آنجا بمیرید و از آنجا

تخرجون • يا بني آدم قد أنزلنا عليكم لباسا يواري سوآتكم

بیرون آورده شوید ای فرزندان آدم بدرستی که فرو فرستادیم ما بر شما پوششی که بپوشاند عورتهای شما را

وريشا ولباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله

و جامهای سلامت و پوشش پرهیزکاری آن بهتر بود آن از نشانهای خدا است

لعلهم يذكرون • يا بني آدم لا يفتننكم الشيطان كما أخرج

تا بود که ایشان پند گیرند ای فرزندان آدم نفریفتن مفکناد شما را دیو همچنانکه بیرون آورد

أبويكم من الجنة ينزع عنهما لباسهما ليريهما سوآتهما

پدر و مادر شما را از بهشت بر کند از ایشان پوشش ایشان را تا باز نمود مر ایشان را عورتهای ایشان

إنه يراكم هو وقبيله من حيث لا ترونهم إنا جعلنا الشياطين

بدرستی که او می بیند شما را او و لشکر او از آنجا که نمی بینید ایشان را بدرستی که بکردیم ما دیوان را

أولياء للذين لا يؤمنون • وإذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا

دوستان مر آنها را که بنمی گروند و چون کنند ناشایستی گویند که یافتیم ما

عليها آباءنا والله أمرنا بها قل إن الله لا يأمر بالفحشاء

بر آن پدران خود را و خدا فرمود ما را بدان بگو بدرستی که خدا نفرماید بناشایست

أتقولون على الله ما لا تعلمون • قل أمر ربي بالقسط وأقيموا
ای میکوئید بر خدا آنچه نمیدانید بکو فرمود پروردکار من بعدالت و راست بدارید
وجوهكم عند كل مسجد وادعوه مخلصين له الدين كما بدأكم
رویهای خودرا نزدیک هر مسجدی و برخوانید اورا خالص کنندکان مراورا دین همچنانک با بتدا بیافرید شمارا
تعودون فريقا هدى وفريقا حق عليهم الضلالة إنهم
باز آئید دیکربار گروهی را راه نمود و کروهی واجب شد بریشان کمراهی بدرستی که ایشان
اتخذوا الشياطين أولياء من دون الله ويحسبون أنهم
فراکرفتند دیوانرا بدوستان از جز خدا و پندارند که ایشان
مهتدون • يا بني آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد
راه یافتکانند ای فرزندان آدم فراکرید زینت خودرا نزدیک هر مسجدی
وكلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين • قل من
و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید بدرستی که خدا دوست ندارد کزاف کارانرا بکو که
حرم زينة الله التي أخرج لعباده والطيبات من الرزق قل
حرام کرد زینت خدارا آن زینتی که بیرون آورد بندکان خودرا و پاکیهای از روزی بکو
هي للذين آمنوا في الحياة الدنيا خالصة يوم القيامة كذلك
آن مرانهاراست که بکرویدند در زندکانی دنیا خالص در روز قیامت همچنین
نفصل الآيات لقوم يعلمون • قل إنما حرم ربي الفواحش ما
هویدا میکنیم نشانهارا برای کروهی که بدانند بکو بدرستی که حرام کرد پروردکار من ناشایستهارا آنچه

ظهر منها وما بطن والإثم والبغي بغير الحق وأن تشركوا
ظاهرست ازآن وآنچه پنهانست و بزه وستم را بناحق وآنک انباز آورید
بالله ما لم ينزل به سلطانا وأن تقولوا على الله ما لا تعلمون • ولكل أمة
بخدا آنچه فرو نفرستاد بدان هیچ حجتی وآنک کوئید بر خدا آنچه ندانید و مر هر کروهی را
أجل فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون
وعده ایست پس چون آید وعده ایشان باز پس نایستند ساعتی و نه فراپیش روند
يا بني آدم إما يأتينكم رسل منكم يقصون عليكم آياتي
ای فرزندان آدم آمدند بشما رسولانی از جنس شما تا قصه کنند بر شما نشانهای را
فمن اتقى وأصلح فلا خوف عليهم ولا هم يحزنون • والذين
پس هر که بپرهیزد و کار باصلاح آورد پس هیچ ترسی نبود بریشان و نه ایشان اندوهکن باشند وآنها
كذبوا بآياتنا واستكبروا عنها أولئك أصحاب النار هم
که بدروغ داشتند نشانهای مارا و کردنکشی کردند ازان آن کروه اصحاب آتش اند ایشان
فيها خالدون • فمن أظلم ممن افترى على الله كذبا أو كذب
در آنجا همیشه باشند پس کیست ستمکارتر ازانک بر بافت بر خدا دروغ را یا بدروغ داشت
بآياته أولئك ينالهم نصيبهم من الكتاب حتى إذا جاءتهم
نشانهای اورا آن کروه برسد بدیشان بهره ایشان از کتاب تا چون آمد بدیشان
رسلنا يتوفونهم قالوا أين ما كنتم تدعون من دون الله
رسولان ما جان بستانند ایشانرا کویند کجا شدند آنها که میخواندند از جز خدا

قالوا ضلوا عنا وشهدوا على انفسهم انهم كانوا كافرين
گویند گم شدند از ما وگواهی دهند بر تنهای خود که ایشان بودند کافران
قال ادخلوا في امم قد خلت من قبلكم من الجن والانس في النار
گوید خدا در روید در میان گروهانی که گذشتند پیش از شما از پری و آدمی در آتش
كلما دخلت امة لعنت اختها حتى اذا اداركوا فيها
هرگاه که در روند گروهی بلعنت کنند بر دیگران تا چون رسند بیکدیگر در آنجا
جميعا قالت اخريهم لاوليهم ربنا هؤلاء اضلونا فاتهم عذابا
همه گویند باز پسینیان ایشان ایشانرا مر اولینیان را ای پروردگار ما این گروهند که گمراه کردانیدند ما را پس بده ایشانرا عذابی
ضعفا من النار قال لكل ضعف ولكن لا تعلمون ۝ وقالت
دو چندان از آتش گوید خدا همه را دو چند است ولیکن نمیدانید شما وگویند
اوليهم لاخريهم فما كان لكم علينا من فضل فذوقوا
اولینیان ایشان مر آخرینیان ایشانرا پس نبود مر شمارا بر ما هیچ فضیلتی پس در چشید
العذاب بما كنتم تكسبون ۝ ان الذين كذبوا باياتنا
عذاب بدانچه شما گردنکشی کردید بدرستی که آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را
واستكبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء ولا يدخلون
وگردنکشی کردند از آن گشوده نشود مر ایشانرا درهای آسمان و در نروند
الجنة حتى يلج الجمل في سم الخياط وكذلك نجزي
در بهشت تا در رود شتر در سوراخ سوزن و همچنین پاداشت دهیم

المجرمين ۝ لهم من جهنم مهاد ومن فوقهم غواش وكذلك نجزي
کافرانرا مر ایشانرا بود از دوزخ بستری و از بالای ایشان پوششهای و همچنین پاداشت دهیم
الظالمين ۝ والذين امنوا وعملوا الصالحات لا نكلف نفسا
ستمکارانرا و آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند تکلیف نفرمائیم هیچ تنی را
الا وسعها اولئك اصحاب الجنة هم فيها خالدون ۝
مگر بقدر وسع و طاقت آن تن آن گروه اصحاب بهشت اند ایشان در آنجا همیشه باشند
ونزعنا ما في صدورهم من غل تجري من تحتهم الانهار و
و برکنیم ما آنچه در سینهای ایشانست از کینه رود از زیر بستانهای ایشان جویها روان
قالوا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا
وگویند شکر و سپاس مر خدایرا آن خدایی که راه نمود ما را بدین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نه
ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق ونودوا ان تلكم
آنکه راه می نمود ما را خدا بدرستی که آمدند رسولان پروردگار ما بحق و برخوانند که آن شمارا
الجنة اورثتموها بما كنتم تعملون ۝ ونادى اصحاب الجنة
بهشتست بمیراث بو کرید آنرا بدانچه شما کردید وبرخوانند اصحاب بهشت مر
اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم
اصحاب آتش را که یافتیم ما آنچه وعده داد ما را پروردگار ما بحق پس ای هیچ یافتید شما
ما وعد ربكم حقا قالوا نعم فاذن مؤذن بينهم
آنچه وعده داد پروردگار شما بحق گویند آری پس آواز دهد آواز دهنده میان ایشان

أَن لَّعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا
که لعنت خدای باد بر ستمکاران آنها که برگشتند از راه دین خدا وجستند آن راه را
عِوَجًا وَهُم بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى
کژی وایشان بسرای آخرت کافران بودند ومیان ایشان پرده بود وبر
الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ
اعراف مردان باشند که شناسند همه را بسیمای ایشان وبرخوانند اصحاب بهشت را
أَن سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ۝ وَإِذَا
که سلام باد بر شما درنروند درآنجا وایشان طمع دارند وچون
صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ
بگردانیده شود بینائیهای ایشان فراسوی اصحاب آتش گویند ای پروردگار ما مگردان ما را با
الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ
گروه ستمکاران وبرخوانند اصحاب اعراف مردانی را که شناسند ایشان را
بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَى عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ
بسیمای ایشان گویند چه بکار آمد از شما جمع کردن شما وآنچه بودید شما گردنکشی کردید
أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ
ای این گروه آنها اند که سوگند خوردید شما که نرساند ایشان را خدا برحمتی درروید در بهشت
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ
هیچ ترسی نبود بر شما ونه شما اندوهگین باشید وبرخوانند اصحاب آتش

أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالُوا
اصحاب بهشت را که بریزید بر ما از آب یا از آنچه روزی کرد شما را خدا گویند
إِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا
بدرستی که خدا حرام کرد آن هردو را بر کافران آنها که فرا گرفتند دین خود را بازی
وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا
و نافرجام وبفریفت ایشان را زندگانی دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را از رحمت همچنانکه فراموش کردند
لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ وَلَقَدْ
بازرسیدن ایشان بدین روز وآنچه بودند بنشانهای ما انکار میکردند وبدرستی که
جِئْنَاهُم بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ
آوردیم ما ایشان را کتابی بیان کردیم ما آن را بر دانشی راه نمودنی ورحمتی مر گروهی را
يُؤْمِنُونَ ۝ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلُهُ يَقُولُ
که بگروند ای هیچ چشم نمیدارند مگر بعاقبت آن روزی که آید عاقبت آن گویند
الَّذِينَ نَسُوهُ مِن قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن
آنها که فراموش کردند آن را از پیش بدرستی که آمدند رسولان پروردگار ما بحق پس هیچ هست ما را از
شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ
شفیعان که شفاعت کنند ما را یا باز گردانید ما را باز دنیا تا کار کنیم جز آنچه بودیم ما میکردیم بدرستی
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ
که زیانکار آمدند بر تنهای خود وگم شود از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند بدرستی که پروردگار شما

الله

الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
آن خدایی که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز پس مستولی و غالب شد بر عرش
يغشي الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات
در می پوشاند شب را بروز و بعکس طالب بود یکدیگر را شتابان و آفتاب و ماه و ستارگان رام کرده
بامره الا له الخلق والامر تبارك الله رب العالمين ادعوا
بفرمان خود بدان که او راست آفرینش و فرمان بزرگوارست خدا که پروردگار جهانیانست بخوانید
ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا في
پروردگار خود را بزاری و پنهانی بدرستی که او دوست ندارد از حد درگذرندگان را و تباهی مکنید در
الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله
زمین پس از اصلاح آن و بخوانید او را از بیم و طمع داران بدرستی که رحمت خدا
قريب من المحسنين وهو الذي يرسل الرياح بشرا بين يدي
نزدیکست بنیکوکاران و اوست آن خدایی که میفرستد بادها را بشارت دهنده پیش از
رحمته حتى اذا اقلت سحابا ثقالا سقناه لبلد ميت فانزلنا
رحمت خود تا چون بردارند آن بادها ابرهای گران بار را برانیم آنرا بزمینی مرده پس فرو فرستیم
به الماء فاخرجنا به من كل الثمرات كذلك نخرج الموتى لعلكم
بدان آب پس بیرون آوریم بدان از همه میوه‌ها همچنین بیرون آوریم مردگان را تا بود که شما
تذكرون والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه والذي
پند گیرید و زمین پاک بیرون می آید گیاه آن بفرمان پروردگار او و آنکه

خبث لا يخرج الا نكدا كذلك نصرف الايات لقوم يشكرون
که پلیدست بیرون نمی آورد مگر آنچه در آن چیزی نباشد همچنین هویدا میکنیم نشانها را برای گروهی که شکر کنند
لقد ارسلنا نوحا الى قومه فقال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من
بدرستی که فرستادیم ما نوح را سوی قوم او پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را نیست مر شما را
اله غيره اني اخاف عليكم عذاب يوم عظيم قال الملأ
هیچ خدایی جز او بدرستی که من می ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ گفتند اشراف
من قومه انا لنراك في ضلال مبين قال يا قوم ليس بي ضلالة
از قوم او بدرستی که ما میبینیم ترا در گمراهی روشن گفت ای قوم من نیست بمن گمراهی
ولكني رسول من رب العالمين ابلغكم رسالات ربي
ولیکن من رسولم از پروردگار جهانیان میرسانم شما را رسالتهای پروردگار خود
وانصح لكم واعلم من الله ما لا تعلمون اوعجبتم ان جاءكم
و نصیحت میکنم شما را و میدانم از خدا آنچه شما نمیدانید ای شگفت آمد شما را که آمد شما را
ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم ولتتقوا
پندی از پروردگار شما بر مردی از جنس شما تا بیم کند شما را و بپرهیزید
ولعلكم ترحمون فكذبوه فانجيناه والذين معه في
و تا بود که شما رحمت کرده شوید پس دروغ داشتند او را پس برهانیدیم او را و آنها را که با او بودند در
الفلك واغرقنا الذين كذبوا بآياتنا انهم كانوا قوما
کشتی و غرق کردیم ما آنها را که دروغ داشتند نشانهای ما را بدرستی که ایشان بودند گروهی

عمين • والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم

کوردلان و بفرستادیم بسوی عاد برادر ایشانرا هود گفت ای قوم من بپرستید خدایرا نیست مر شما را

من اله غيره افلا تتقون • قال الملأ الذين كفروا من قومه انا

هیچ خدای جز او ای پس نمی پرهیزید گفتند اشراف آنها که کافر شدند از قوم او که ما

لنراك في سفاهة وانا لنظنك من الكاذبين • قال يا قوم ليس بي

می بینیم ترا در بیخردی و بدرستی که ما میپنداریم ترا از جملهٔ دروغ گویان گفت ای قوم من نیست بمن

سفاهة ولكني رسول من رب العالمين ابلغكم

بیخردی ولیکن من رسولم از پروردگار جهانیان میرسانم شما را

رسالات ربي وانا لكم ناصح امين • اوعجبتم ان جاءكم

پیغامهای پروردگار خود را و من مر شما را ناصحی امینم ای شگفت آمد شما را که آمد بشما

ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم واذكروا اذ

پندی از پروردگار شما بر مردی از جنس شما تا بیم کند شما را و یاد کنید چون

جعلكم خلفاء من بعد قوم نوح وزادكم في الخلق

گردانید شما را گماشتگان از پس گروه نوح و زیادت کرد شما را در آفرینش

بسطة فاذكروا آلاء الله لعلكم تفلحون • قالوا

فراخی پس یاد کنید نعمتهای خدایرا تا بود که شما رستگاری یابید گفتند

اجئتنا لنعبد الله وحده ونذر ما كان يعبد آباؤنا

ای آمدی بما تا بپرستیم خدایرا بیگانه و بگذاریم آنچه بودند می پرستیدند پدران ما

فأتنا بما تعدنا ان كنت من الصادقين • قال قد وقع عليكم من ربكم

پس بیار بما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی تو از جملهٔ راست گویان گفت بدرستی که واقع شد بر شما از پروردگار شما

رجس وغضب اتجادلونني في اسماء سميتموها انتم و

خواری و خشمی ای خصومت میکنید با من در نامهای که نام نهادید آنرا شما

آباؤكم ما نزل الله بها من سلطان فانتظروا اني معكم

و پدران شما آنچه فرو نفرستاد خدا بدان هیچ حجتی پس چشم دارید که من با شما

من المنتظرين • فانجيناه والذين معه برحمة منا وقطعنا

از جملهٔ چشم دارندگانم پس برهانیدیم هود را و آنها را که با او بودند برحمتی از ما و ببریدیم ما

دابر الذين كذبوا بآياتنا وما كانوا مؤمنين • والى ثمود

اصل و نسل آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را و نبودند مؤمنان و بفرستادیم بقوم ثمود صالح

اخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره

برادر ایشانرا صالح گفت ای قوم من بپرستید خدایرا نیست مر شما را هیچ خدای جز او

قد جاءتكم بينة من ربكم هذه ناقة الله لكم آية

بدرستی که آوردم بشما معجزهٔ از پروردگار شما این ناقهٔ خدا مر شما را نشانی

فذروها تأكل في ارض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم

پس بگذارید آنرا تا بخورد در زمین خدا و مرسانید آنرا بدی پس بگیرد شما را

عذاب اليم • واذكروا اذ جعلكم خلفاء من بعد

عذابی دردناک و یاد کنید چون گردانید شما را گماشتگان از پس

الجزو ٩

عاد وبوأكم في الأرض تتخذون من سهولها قصورا وتنحتون
قوم هود وجای داد شما را در زمین تا فرا میگیرید از زمینهای هامون آن کوشکهای وبی تراشید
الجبال بيوتا فاذكروا آلاء الله ولا تعثوا في الأرض مفسدين
از کوهها خانهای پس یاد کنید نعمتهای خدا را و مشتابید در زمین تباهی کنندگان
قال الملأ الذين استكبروا من قومه للذين استضعفوا لمن
گفتند اشراف آنها که گردنکشی از قوم او مر آنها را که ضعیفان بودند مر آنرا
آمن منهم أتعلمون أن صالحا مرسل من ربه قالوا إنا
که بگرویده بود از ایشان ای میدانید که صالح فرستاده ایست از پروردگار او گفتند که ما
بما أرسل به مؤمنون • قال الذين استكبروا إنا بالذي
بدانچه فرستاده شد او را بآن بگرویدگانیم گفتند آنها که گردنکشی میکردند که ما بدانچه
آمنتم به كافرون • فعقروا الناقة وعتوا عن أمر ربهم و
بگرویده اید شما بدان کافرانیم پس کشتند آن ناقه را و در گذشتند از فرمان پروردگار خود
قالوا يا صالح ائتنا بما تعدنا إن كنت من المرسلين • فأخذتهم
و گفتند ای صالح بیار بما آنچه وعده میدهی ما را اگر هستی از جمله رسولان پس بگرفت ایشان را
الرجفة فأصبحوا في دارهم جاثمين • فتولى عنهم وقال
زلزله پس گشتند در سراهای خود مردگان پس برگشت از ایشان و گفت
يا قوم لقد أبلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون
ای قوم من بدرستی که رسانیدم شما را رسالتهای پروردگار خود و نصیحت کردم شما را ولیکن دوست نمیدارند

الناصحين • ولوطا إذ قال لقومه أتأتون الفاحشة ما سبقكم بها
نصیحت کنندگان را و یاد کن لوط را چون گفت مر قوم خود را ای می آیید بناشایستی که پیشی نگرفت شما را بدان
من أحد من العالمين • إنكم لتأتون الرجال شهوة من دون
هیچ یکی از جهانیان ای شما برای می آیید بمردان بشهوت از غیر
النساء بل أنتم قوم مسرفون • وما كان جواب قومه إلا أن قالوا
زنان بلکه شما گروهی گزاف کارانید و نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند
أخرجوهم من قريتكم إنهم أناس يتطهرون • فأنجيناه
بیرون کنید ایشان را از دیه شما بدرستی که ایشان مردمانند که پاکی میجویند پس برهانیدیم ما او را
وأهله إلا امرأته كانت من الغابرين • وأمطرنا عليهم مطرا
و کسان او را مگر زن او را که بود از جمله هالکان و بارانیدیم ما بر ایشان باران
فانظر كيف كان عاقبة المجرمين • وإلى مدين أخاهم شعيبا
پس بنگر که چگونه بود عاقبت کافران و بفرستادیم ما بقوم مدین برادر ایشان را شعیب
قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره قد جاءتكم بينة
گفت ای قوم من بپرستید خدای را نیست مر شما را هیچ خدایی جز او بدرستی که آوردم شما را معجزه
من ربكم فأوفوا الكيل والميزان ولا تبخسوا الناس أشياءهم ولا
از پروردگار شما پس تمام کنید کیله و ترازو را و باز مکاهانید مردمان را چیزهای ایشان
تفسدوا في الأرض بعد إصلاحها ذلكم خير لكم إن كنتم
و تباهی مکنید در زمین پس از اصلاح آن آنتان بهتر بود مر شما را اگر هستید شما

مُؤْمِنِينَ ۝ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ
مؤمنان و منشینید بهر سر راهی در آن حال که می ترسانید و بر میگردانید مردمان از
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا
راه خدای آنرا که بگرویده بود بدو و میجوئید آن راه را کژی و یاد کنید چون بودید شما اندکی
فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ وَ
پس بسیار کرد شما را و بنگرید که چگونه بود عاقبت تباهی کنندگان
إِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ
و اگر هستی گروهی از شما که بگرویده بودند بدانچه بفرستاده شدم بدان و گروهی
لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ
که نگرویدند پس صبر کنید تا حکم کند خدا میان ما و او بهترین حکم کنندگانست
قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ
گفتند اشراف آنها که گردنکشی کردند از قوم او که البته بیرون کنیم ترا ای شعیب
وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا
و آنهارا که بگرویدند با تو از دیه ما یا در آوریم ترا و آنهارا در دین خود گفت شعیب ای وا اگر چه باشیم ما
كَارِهِينَ ۝ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ
کارهان بدرستی که برنهاده باشیم بر خدا دروغ را اگر درآییم ما در دین شما پس
إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
آنچه برهانید ما را خدا ازان و نباشد ما را که در آییم در آن ملت مگر که خواهد خدا

الجزء ٩

رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَ
که پروردگار ما فرا گرفت پروردگار ما بهمه چیزی بدانش بر خدای توکل کردیم ای پروردگار ما حکم کن میان ما
بَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ۝ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا
و میان قوم ما بحق و توئی بهترین حکم کنندگان و گفتند اشراف آنها که کافر شدند
مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ فَأَخَذَتْهُمُ
از قوم او که اگر پیروی کنید شما شعیب را آنگاه شما زیانکاران باشید پس گرفت ایشانرا
الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا
زلزله پس گشتند در سرایهای خود مردگان آنها که بدروغ داشتند شعیب را
كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ
گوئیا که درنگ نکردند در آنجا آنها که بدروغ داشتند شعیب را بودند ایشان زیانکاران
فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ
پس برگشت از ایشان و گفت ای قوم من بدرستی که رسانیدم شما را رسالتهای پروردگار خود
نَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَى عَلَى قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي
و نصیحت کردم مر شما را پس چگونه اندوه خورم بر گروه کافران و نفرستادیم ما در
قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ۝
هیچ دیهی هیچ پیغمبری را مگر گرفتیم اهل آنرا ببدحالی و سختی حالی تا بود که ایشان زاری کنند
ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ
پس بدل کردیم ما بجایگاه بدی نیکوئی تا در گذشتند و گفتند که بدرستی

آباءنا الضراء والسراء فأخذناهم بغتة وهم لا يشعرون

پدران ما سختحالی و بدحالی پس بگرفتیم ما ایشانرا ناگاه و ایشان ندانسته

ولو أن أهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات

واگر آنکه اهل دیهها بگرویدی و پرهیزیدی هرآینه برگشودما برایشان برکتهای

من السماء والأرض ولكن كذبوا فأخذناهم بما كانوا

از آسمان و زمین ولیکن بدروغ داشتند پس بگرفتیم ما ایشانرا بدانچه ایشان

يكسبون • أفأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا بياتا وهم

اندوختند ای پس ایمن شدند اهل دیهها که آید بدیشان عذاب ما بشب و ایشان

نائمون • أوأمن أهل القرى أن يأتيهم بأسنا ضحى وهم

خفتگان باشند ای ایمن شدند اهل دیهها که آید بدیشان عذاب ما بچاشتگاه و ایشان

يلعبون • أفأمنوا مكر الله فلا يأمن مكر الله إلا القوم

درحالت بازی باشند ای پس ایمن شدند از خشم خدا پس نباید که ایمن شوند از شناختن خدا مگر گروه

الخاسرون • أولم يهد للذين يرثون الأرض من بعد أهلها

زیانکاران ای راه ننمود مرآنهارا که میراث برگرفتند زمین را از پس اهل آن

أن لو نشاء أصبناهم بذنوبهم ونطبع على قلوبهم فهم

اگر خواستیمانی برسیدیمی بدیشان بسبب گناهان ایشان و مهر نهادمانی بر دلهای ایشان پس ایشان

لا يسمعون • تلك القرى نقص عليك من أنبائها ولقد جاءتهم

نشنوندی آن دیههای مذکوره که قصه میگوییم برتو از خبرهای آنها و بدرستی که آمدند بدیشان

رسلهم بالبينات فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل

رسولان ایشان بحجتها پس نزدیک نبود که بگروند بدانچه بدروغ داشتند از پیش

كذلك يطبع الله على قلوب الكافرين • وما وجدنا

همچنین مهر نهد خدا بر دلهای کافران و نیافتیم ما

لأكثرهم من عهد وإن وجدنا أكثرهم لفاسقين

مر بیشترین ایشانرا هیچ عهدی و بدرستی که یافتیم ما بیشترین ایشانرا هرآینه فاسقان

ثم بعثنا من بعدهم موسى بآياتنا إلى فرعون وملائه فظلموا

پس بفرستادیم ما از پس ایشان موسی را بنشانهای ما بسوی فرعون و اشراف او پس ستم کردند

بها فانظر كيف كان عاقبة المفسدين • وقال

بدان پس بنگر که چگونه بود عاقبت تباهی کنندگان و گفت

موسى يا فرعون إني رسول من رب العالمين • حقيق على أن لا أقول

موسی ای فرعون بدرستی که من رسولم از پروردگار جهان سزاوارست بآنکه نگویم

على الله إلا الحق قد جئتكم ببينة من ربكم فأرسل معي

بر خدا مگر حق و صواب را بدرستی که آوردم بشما معجزه از پروردگار شما پس بفرست با من

بني إسرائيل • قال إن كنت جئت بآية فأت بها إن كنت من الصادقين

بنی اسرائیل را گفت اگر هستی تو آورده معجزه پس بیار آنرا اگر هستی تو از جمله راستگویان

فألقى عصاه فإذا هي ثعبان مبين • ونزع يده فإذا هي بيضاء

پس بینداخت عصای خودرا پس آنگاه آن اژدهای بود روشن و بکشید دست خودرا از گریبان پس آنگاه آن سفید بود

للناظرين ۝ قال الملأ من قوم فرعون ان هذا لساحر عليم ۝ يريد
مر نگرندگان را ۝ گفتند اشراف از قوم فرعون بدرستی که این مرد جادوی داناست میخواهد
ان يخرجكم من ارضكم فماذا تأمرون ۝ قالوا ارجه واخاه
که بیرون کند شمارا از زمین شما پس چه میفرمایید گفتند نگاه دار اورا و برادر اورا
وارسل في المدائن حاشرين ۝ يأتوك بكل ساحر عليم ۝
و بفرست در شهرها جمع کنندگان تا آورند بتو هر جادوی دانارا
وجاء السحرة فرعون قالوا ان لنا لأجرا ان كنا نحن الغالبين
و آمدند جادوان بفرعون گفتند ای هیچ باشد مارا مزدی اگر باشیم ما غالبان
قال نعم وانكم لمن المقربين ۝ قالوا يا موسى اما ان تلقي و
گفت آری و بدرستی که شما از جملهٔ نزدیکان باشید گفتند ای موسی یا تو بینداز
اما ان نكون نحن الملقين ۝ قال القوا فلما القوا سحروا اعين الناس
و یا ما باشیم اندازندگان گفت بیندازید پس چون انداختند جادوی کردند بچشمهای مردمان
واسترهبوهم وجاءوا بسحر عظيم ۝ واوحينا الى موسى ان الق
و بترسانیدند ایشانرا و آمدند بجادوی بزرگ و وحی کردیم بموسی که بینداز
عصاك فاذا هي تلقف ما يأفكون ۝ فوقع الحق وبطل
عصای خودرا پس آنگه آن فرو برد آنچه ایشان بربافته بودند پس واقع شد حق و باطل شد
ما كانوا يعملون ۝ فغلبوا هنالك وانقلبوا صاغرين
آنچه ایشان کرده بودند پس مغلوب شدند آنجایگاه و گشتند خواران

والقي السحرة ساجدين ۝ قالوا آمنا برب العالمين ۝ رب موسى
و بروی در افتادند جادوان بسجود کردن گفتند بگرویدیم ما بپروردگار جهانیان پروردگار موسی
وهرون ۝ قال فرعون آمنتم به قبل ان آذن لكم ان هذا
و هارون گفت فرعون بگروید شما بدو پیش از آنکه فرمایم مر شمارا بدرستی که این
لمكر مكرتموه في المدينة لتخرجوا منها اهلها فسوف
مرآینه جادوئیست که جادو ساختند آنرا در شهرها تا بیرون کنند شمارا از آن اهل آن پس زود
تعلمون ۝ لاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف ثم
بدانید مرآینه ببرّم دستهای شمارا و پایهای شمارا از خلاف یکدیگر پس
لاصلبنكم اجمعين ۝ قالوا انا الى ربنا منقلبون ۝ وما تنقم
مرآینه بردار کنم شمارا همه گفتند که ما با پروردگار خود گردندگانیم و زشت نمیداری
منا الا ان آمنا بآيات ربنا لما جاءتنا ربنا افرغ علينا صبرا وتوفنا
از ما مگر آنکه بگرویدیم بنشانهای پروردگار ما چون آمد بما ای پروردگار ما بریز بر ما صبری و بمیران مارا
مسلمين ۝ وقال الملأ من قوم فرعون اتذر موسى وقومه
منقادان و گفتند اشراف از قوم فرعون ای میگذارید موسی و قوم اورا
ليفسدوا في الارض ويذرك وآلهتك قال سنقتل ابناءهم
تا تباهی کنند در زمین و بگذارد ترا و باخدایان تو گفت زود بکشیم پسران ایشانرا
ونستحيي نساءهم وانا فوقهم قاهرون ۝ قال موسى لقومه
و زنده بگذاریم زنان ایشانرا و ما بالای ایشان قاهرانیم گفت موسی مر قوم خودرا

استعينوا بالله واصبروا إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده
یاری خواهید از خدا و صبر کنید بدرستی که زمین مر خدا راست میراث دهد آنرا که خواهد از بندگان خود
والعاقبة للمتقين • قالوا أوذينا من قبل أن تأتينا ومن بعد
و عاقبت کار مر پرهیزکاران را بود گفتند رنجانیده شدیم ما از پیش آنکه آیی بما و از پس
ما جئتنا قال عسى ربكم أن يهلك عدوكم ويستخلفكم في
آنچه آمدی بما گفت شاید بود که پروردگار شما هلاک کند دشمن شما را و خلیفتی بگذارد شما را در
الأرض فينظر كيف تعملون • ولقد أخذنا آل فرعون بالسنين
زمین پس بنگرد که چگونه میکنید و بدرستی که بگرفتیم ما آل فرعون را بقحطها
ونقص من الثمرات لعلهم يذكرون • فإذا جاءتهم الحسنة
و باز کم کردنی از میوها تا بود که ایشان پند گیرند پس چون آمد بایشان نیکویی
قالوا لنا هذه وإن تصبهم سيئة يطيروا بموسى ومن معه
گفتند ما راست این و اگر برسد بایشان بدی فال بد گیرند بموسی و آنکه با او بودند
ألا إنما طائرهم عند الله ولكن أكثرهم لا يعلمون • وقالوا
بدان که فال بد ایشان نزد خداست و لیکن بیشترین ایشان نمیدانند و گفتند
مهما تأتنا به من آية لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين •
هرگاه که آوری بما بدان از نشانی تا جادوی کنی ما بدان پس نیستیم ما ترا گروندگان
فأرسلنا عليهم الطوفان والجراد والقمل والضفادع والدم
پس بفرستادیم ما برایشان باران غالب و ملخ و شپش و وزغها را و خون را

آيات مفصلات فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين • ولما
نشانهای جدا کرده پس گردنکشی کردند و بودند گروهی کافران و چون
وقع عليهم الرجز قالوا يا موسى ادع لنا ربك بما عهد عندك
واقع شد بر ایشان خواری عذاب میگفتند ای موسی بخوان برای ما پروردگار خود را بدانچه عهد بست نزد تو
لئن كشفت عنا الرجز لنؤمنن لك ولنرسلن معك بني
هر آینه اگر برداری تو از ما عذاب را هر آینه بگرویم بتو و بفرستیم ما با تو بنی
إسرائيل • فلما كشفنا عنهم الرجز إلى أجل هم بالغوه إذا هم
اسرائیل را پس چون برداشتیم ما از ایشان خواری عذاب تا اجلی که ایشان رسنده اند بدان آنگه ایشان
ينكثون • فانتقمنا منهم فأغرقناهم في اليم بأنهم كذبوا
می شکستند عهد را پس کینه باز خواستیم ما از ایشان پس غرق کردیم ما ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان بدروغ داشتند
بآياتنا وكانوا عنها غافلين • وأورثنا القوم الذين كانوا
نشانهای ما را و بودند از آن غافلان و بمیراث بر گرفتیم ما گروه آنها را که بودند
يستضعفون مشارق الأرض ومغاربها التي باركنا
ضعیف داشتگان در مشرقهاء زمین و مغربها در آن آن زمینی که برکت کردیم ما
فيها وتمت كلمت ربك الحسنى على بني إسرائيل بما صبروا ودمرنا
در آنجا و تمام شد سخن تو پروردگار بهلاک اعدا بر نیکوتر وجهی بر بنی اسرائیل بدانچه صبر کردند و هلاک کردیم ما
ما كان يصنع فرعون وقومه وما كانوا يعرشون • وجاوزنا
آنچه بود میساخت فرعون و قوم او و آنچه بودند سقف بر میکردند از چوب بوستانها و بگذرانیدیم ما

بَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا
بنی اسرائیل را از دریا پس آمدند بر گروهی که مقیم بودند بر بتانی که مرایشانرا بود گفتند
يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ
ای موسی بدید کن برای ما خدائی همچنانکه مرایشانراست خدایانی گفت که شما گروهی
تَجْهَلُونَ ۝ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا
جاهلانید بدرستی که این گروه عابدان هلاک کرده میشود آنچه ایشان درانند و باطلست آنچه ایشان
يَعْمَلُونَ ۝ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى
میکنند گفت موسی ای بجز از خدا جویم شما را خدائی واو فضیلت نهاد شمارا بر
الْعَالَمِينَ ۝ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
جهانیان زمانه شما وچون برهانیدیم ما شمارا از آل فرعون درپیچانیدند شمارا بدی عذاب
يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ
میکشتند پسران شمارا وزنده میگذاشتند زنان شمارا ودرایشان آزمایشی بود
مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا
از پروردگار شما بزرگ و وعده دادیم ما موسی را سی شب وتمام گردانیدیم ما آنرا
بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ
بده دیگر پس تمام شد میقات پروردگار او چهل شب وگفت موسی مر برادر خودرا
هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ
هارون خلیفتی کن درمیان قوم من وکاربا صلاح آور وپیروی مکن راه تباهی کنندگانرا

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ
وچون آمد موسی برای وقت تعیین کرده ما وسخن گفت باو پروردگار او گفت ای پروردگار من بنمای بمن خودرا تا بنگرم
إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ
بتو گفت هرگز نبینی مرا ولیکن بنگر بسوی کوه پس اگر آرام گیرد بجایگاه خود
فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ
پس زود ببینی مرا پس چون بتافت نور پروردگار او بر کوه گردانید آنرا خورد ومرد وبیفتاد موسی
صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ
بیهوش شده پس چون باهوش آمد گفت پاک ومنزهی تو بازآمدم باتو ومن از اول بگروندگانم
قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي
گفت ای موسی بدرستی که من برگزیدیم ترا بر مردمان برسالتهای خود وبسخنان خود
فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي
پس فراگیر آنچه بدادم ترا وباش از جمله شکرگزارندگان ونوشتیم ما برای او در
الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ
تختها از همه چیزی پندی که بآن محتاج بودند وهویدا کردن مرهر چیزی را پس فراگیر آنرا بقوت
وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا سَأُرِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ
وبفرما قوم خودرا تا فراگیرند نیکوتر آنرا زود باز نمایم شمارا سرای فاسقان
سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ
زود بگردانم نشانهای خودرا از آنها که گردنکشی کردند در زمین بناحق واگر ببینند هر نشانی

لا يؤمنوا بها وإن يروا سبيل الرشد لا يتخذوه سبيلا وإن يروا سبيل
بنگروند بدان واگر ببینند راه صواب را فرا نگیرند آنرا براه واگر ببینند راه
الغي يتخذوه سبيلا ذلك بأنهم كذبوا بآياتنا وكانوا
گمراهی را فرا گیرند آنرا براه آن بسبب آنست که ایشان بدروغ داشتند نشانهای ما را وبودند
عنها غافلين ۝ والذين كذبوا بآياتنا ولقاء الآخرة
ازان غافلان وآنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را وبازرسیدن بآخرت
حبطت أعمالهم هل يجزون إلا ما كانوا يعملون
باطل شود عملهای ایشان ای هیچ پاداشت داده نشوید مگر بدانچه ایشان کرده باشید
واتخذ قوم موسى من بعده من حليهم عجلا جسدا
وفرا گرفتند قوم موسی از پس او از زیور ایشان گوساله بی جان تنی که
له خوار ألم يروا أنه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا
مر او را بود بانگی ای ندیدند که او سخن نمیکرد با ایشان وراه نمی نمود ایشانرا باری
اتخذوه وكانوا ظالمين ۝ ولما سقط في أيديهم ورأوا
فرا گرفتند آنرا وبودند ستمکاران وچون افتاد دستهای ایشان در دستهای ایشان ودیدند
أنهم قد ضلوا قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن
ودانستند که ایشان گمره شدند گفتند هرآینه اگر رحمت نکند بر ما پروردگار ما وبیامرزد ما را هرآینه باشیم
من الخاسرين ۝ ولما رجع موسى إلى قومه غضبان أسفا قال
از جملهٔ زیانکاران وچون بازگشت موسی سوی قوم خود خشمناک اندوهگین گفت

بئسما خلفتموني من بعدي أعجلتم أمر ربكم وألقى الألواح و
بد خلیفتی کردی مرا پس از من ای شتاب کردید شما در فرمان پروردگار خود وانداخت تختهارا
أخذ برأس أخيه يجره إليه قال ابن أم إن القوم استضعفوني
وفرا گرفت سر برادر خود را میکشید با سوی خود گفت ای پسر مادر من بدرستی که قوم ضعیف شمردند مرا
وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي الأعداء ولا تجعلني مع القوم
ونزدیک بود که بکشتندی مرا پس شاد مکردان بمن دشمنان مرا ومگردان مرا با گروه
الظالمين ۝ قال رب اغفر لي ولأخي وأدخلنا في رحمتك وأنت
ستمکاران گفت ای پروردگار من بیامرز مرا وبرادرم مرا ودرآور ما را در رحمت خود وتوی
أرحم الراحمين ۝ إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب
رحمت کننده ترین رحمت کنندگان بدرستی که آنها که فرا گرفتند گوساله را بمعبودی زود برساند بدیشان خشمی
من ربهم وذلة في الحياة الدنيا وكذلك نجزي المفترين
از پروردگار ایشان وخواری در زندگانی دنیا وهمچنین پاداشت دهیم بربافندگان را
والذين عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها وآمنوا إن ربك من
وآنها که کردند بدیها را پس بازآمدند از پس آن وبگرویدند بدرستی که پروردگار تو از
بعدها لغفور رحيم ۝ ولما سكت عن موسى الغضب أخذ الألواح
پس آن هرآینه آمرزگار مهربانست وچون ساکن شد از موسی خشم گرفت تختهارا
وفي نسختها هدى ورحمة للذين هم لربهم يرهبون واختار
ودر نوشته آن بود راهی ورحمتی مر آنها را که ایشان پروردگار خود میترسند وبرگزید

موسى قومه سبعين رجلا لميقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب
موسی از قوم خود هفتاد مرد را برای میقات ما پس چون بگرفت ایشانرا زلزله گفت ای پروردگار من
لو شئت اهلكتهم من قبل واياي اتهلكنا بما فعل السفهاء
اگر خواستی هلاک کردی این را از پیش و مرا نیز ای هلاک میکنی ما را بدانچه کردند بیخردان
منا ان هي الا فتنتك تضل بها من تشاء وتهدي من تشاء انت
از ما نیست این مگر از آزمایش تو گمراه کنی بدان آنرا که خواهی و راه نمائی آنرا که خواهی توی
ولينا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الغافرين واكتب لنا
خداوند ما پس بیامرز ما را و رحمت کن بما و توئی بهترین آمرزندگان و باز نویس مارا
في هذه الدنيا حسنة وفي الآخرة انا هدنا اليك قال عذابي
درین جهان نیکوئی و در آخرت بدرستی که باز آمدیم ما بتو گفت خدا عذاب من
اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل شيء فساكتبها
برسانم بدان آنرا که خواهم و رحمت من فراخ برسیده است بهمه چیزی پس زود باز نویسم آنرا
للذين يتقون ويؤتون الزكوة والذين هم بآياتنا يؤمنون
برای آنها که بپرهیزند و بدهند زکات را و آنها که ایشان بنشانهای ما بگروند کانند
الذين يتبعون الرسول النبي الامي الذي يجدونه مكتوبا
آنها که پیروی کردند رسول را پیغمبر ناخواننده را آن پیغمبری که می یابید نعت و صفت اورا نوشته
عندهم في التورية والانجيل يأمرهم بالمعروف وينهاهم
نزد ایشان در توریة و انجیل میفرماید ایشانرا بنیکوئی و باز میدارد ایشانرا

عن المنكر ويحل لهم الطيبات ويحرم عليهم الخبائث ويضع
از ناشایست و حلال کند مر ایشانرا پاکیها و حرام کند بر ایشان حرام و پلیدیها را و بنهد
عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم فالذين امنوا
از ایشان بارگران ایشانرا و بندها آن بندهائی که بود بر ایشان پس آنها که بگروید
به وعزروه ونصروه واتبعوا النور الذي انزل معه اولئك هم
بدو و حرمت داشتند اورا و یاری کردند دین اورا و پیروی کردند نور قرآنرا آنکه فرو فرستاده شد با او آن گروه ایشانند
المفلحون ۝ قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا
رستگاران بگو ای مردمان بدرستیکه من رسول خدا ام بشما همه
الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا
آن خدائی که مر اوراست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی مگر او زنده کند و بمیراند پس بگروید
بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته
بخدا و رسول او پیغمبر ناخواننده آنکه بگروید بخدا و سخنان او
واتبعوه لعلكم تهتدون ۝ ومن قوم موسى امة يهدون
و پیروی کنید اورا تا بود که شما راه یابید و از قوم موسی گروهی بودند که راه بردند
بالحق وبه يعدلون ۝ وقطعناهم اثنتي عشرة اسباطا امما
بحق و بدو گروندگان بودند و جدا گردانیده بودیم ما ایشانرا دوازده قبیله و فرق بودند نوادگان یعقوب
واوحينا الى موسى اذ استسقيه قومه ان اضرب بعصاك
و وحی کردیم ما بموسی چون آب خواستند ازو قوم او که بزن عصای خودرا

الحجر فانبجست منه اثنتا عشرة عينا قد علم كل اناس مشربهم

بر سنگ پس بزد پس روان شد از آن دوازده چشمه بدرستی که بدانست هر گروه مردم آبشخور خود را

وظللنا عليهم الغمام وانزلنا عليهم المن والسلوى كلوا

و سایه بان کردیم ما بریشان ابر را و فرو فرستادیم ما بریشان ترنجبین و مرغ بریان را بخورید

من طيبات ما رزقناكم وما ظلمونا ولكن كانوا انفسهم

از پاکیها آنچه روزی کردیم ما شما را و ستم نکردند ما را ولیکن بودند بر تنهای خود

يظلمون ۝ واذ قيل لهم اسكنوا هذه القرية وكلوا منها

ستم میکردند و چون گفته شد مر ایشانرا ساکن شوید درین دیه پس بخورید ازانجا

حيث شئتم وقولوا حطة وادخلوا الباب سجدا نغفر لكم

هرکجا که خواهید شما و بگوئید فرونه از ما گناه ما را و در روید از در به سجود کنندگان تا بیامرزیم شما را

خطيئاتكم سنزيد المحسنين ۝ فبدل الذين ظلموا منهم

گناهان شما زود بزیادت کنیم مزد نیکوکارانرا پس بدل کردند آنها که ستم کردند ازیشان

قولا غير الذي قيل لهم فارسلنا عليهم رجزا من السماء بما

گفتاری جز آنچه گفته شد مر ایشانرا پس بفرستادیم ما بریشان خواری از آسمان بسبب آنچه

كانوا يظلمون ۝ واسألهم عن القرية التي كانت حاضرة البحر

ایشان ستم میکردند و بپرس ازیشان از حال شهرهائی که بودند ایشان نزدیک دریا

اذ يعدون في السبت اذ تأتيهم حيتانهم يوم سبتهم

چون از حد در گذشتند در روز شنبه چون می آمدند بدیشان ماهیان ایشان روزی که شنبه میکردند

شرعا ويوم لا يسبتون لا تأتيهم كذلك نبلوهم بما كانوا

حال آنکه ظاهر بودند و روزی که شنبه نبود نمی آمدند بدیشان همچنین آزمودیم ما ایشانرا بدانچه بودند

نصف

يفسقون ۝ واذ قالت امة منهم لم تعظون قوما الله مهلكهم

بیرون از راه خروج از طاعت مینمودند و چون گفتند گروهی ازیشان چرا پند میدهید گروهی را که خدا هلاک کننده ایشانست

او معذبهم عذابا شديدا قالوا معذرة الى ربكم ولعلهم

یا عذاب کننده ایشانست عذابی سخت گفتند موعظت اعتذاریست بسوی پروردگار شما و تا بود که ایشان

يتقون ۝ فلما نسوا ما ذكروا به انجينا الذين ينهون عن السوء

بپرهیزند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بدان برهانیدیم ما آنها را که نهی کردند از بدی

واخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس بما كانوا يفسقون ۝ فلما

و گرفتیم ما آنها را که ستم کردند بعذابی بد بدانچه ایشان تباهی کردند پس چون

عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين ۝ واذ تأذن

در گذشتند از آنچه نهی کرده شدند ازان گفتیم ما مر ایشانرا بوزینگان زیانکاران و چون فرمان داد

ربك ليبعثن عليهم الى يوم القيامة من يسومهم سوء العذاب

پروردگار تو که البته بفرستد بر ایشان تا روز قیامت کسی که تکلیف کند ایشانرا بدی عذاب

ان ربك لسريع العقاب وانه لغفور رحيم ۝ وقطعناهم في

بدرستی که پروردگار تو هر آینه زود عقوبتست و او آمرزگار مهربانست و متفرق گردانیدیم ما ایشانرا

الارض امما منهم الصالحون ومنهم دون ذلك وبلوناهم بالحسنات

در زمین گروهانی ازیشان هستند نیکوکاران و ازیشان هستند جز آن و آزمودیم ما ایشانرا بنیکوئیها

وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۞ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا

و بديها تا بود كه ايشان باز گردند پس باقی ماند بجای ايشان از پس ايشان بازماندگانی كه ميراث

الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَ

بر گرفتند كتاب را ميگيرند بطريق رشوت حطام اين جهان را و ميگويند زود بيامرزد ما را

إِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ

و اگر آيد بديشان حطامی مانند آن فرا گيرند آنرا ای فرا گرفت بر ايشان عهدی از كتاب

أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ

تا نگويند بر خدا مگر حق و صواب را و خواندند و گويند آنچه در آنست و سرای آخرت بهتر

لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۞ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ

مر آنهارا كه پرهيزند ای پس استعمال عقل نميكنيد و آنها كه تمسك نمودند بكتاب توراة

وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۞ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ

و بپای داشتند نماز را براستی كه ما ضايع نكنيم مزد نيكوكاران را و چون از جای بر داشتيم ما كوه را

فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ

كه بالای ايشانست گوئيا كه آن سايبانی بود و گمان بردند كه آن واقعست بايشان گفتيم فرا گيريد آنچه بداديم شما را

بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۞ وَإِذْ أَخَذَ

بقوت و ياد كنيد آنچه در آنست مگر بود كه شما بپرهيزيد و ياد كن چون فرا گرفت

رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ

پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ايشان و از فرزندان ايشان نيز و گواه گردانيد ايشانرا

أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا

بر تنهای ايشان ای نيستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی دهيم ما تا نگوئيد

يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ ۞ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ

روز قيامت كه بوديم ما ازان غافلان تا نگوئيد كه انباز گرفتند

آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا

پدران ما از پيش و بوديم ما فرزندانی از پس ايشان ای بهلاك ميكنی ما را بدانچه

فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۞ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

كردند باطل كاران و همچنين ميگردانيم نشانهارا تا بود كه ايشان باز گردند

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ

و برخوان بر ايشان خبر آنكه بداديم ما او را نشانهای ما پس عاری شد بعمل ازان پس رسيد بدو

الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ۞ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا

ديو پس بود از جمله گمراهان و اگر خواستمانی ما برداشتمانی او را بسبب آن آيات

وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ

وليكن او ميل كرد بسوی زمين و پيروی كرد مراد و آرزوی نفس را پس مثل او همچون مثل سگست

إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ

اگر حمله بری زبان از دهن بيرون كند يا اگر بگذاری او را زبان از دهن بيرون كند آنست مثل گروه

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

آنها كه دروغ داشتند نشانهای ما را پس برخوان قصه‌ها را تا بود كه ايشان انديشه كنند

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسَهُمْ كَانُوا
بدیست مثل گروه آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما و بر تنهای خود ایشان
يَظْلِمُونَ • مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضْلِلْ فَأُولَئِكَ
ستم میکردند هر کرا راه نماید او را خدای پس او راه یابنده بود و هر کرا گمراه کند پس آن گروه
هُمُ الْخَاسِرُونَ • وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
ایشان زیانکاران اند و بدرستی که آفریدیم ما مر دوزخ را بسیاری از پری و آدمی
لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ
مر ایشان راست دلهای که در نمی یابند بدان و مر ایشان راست چشمهای که نمی بینند بدان و مر ایشان راست
آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ
گوشهایی که نمی شنوند بدان آن گروه همچون چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند آن گروه
هُمُ الْغَافِلُونَ • وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا
ایشان غافلانند و مر خدا راست نامهای نیکو پس خوانند او را بدان و بگذارید
الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ •
آنها را که انکار میکنند در نامهای او زود پاداشت داده شوند بدانچه ایشان کردند
وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ • وَالَّذِينَ
و از آنکه آفریدیم ما گروهی هستند که راه می برند بحق و بدو کردند کاننند و آنها
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ
که بدروغ داشتند نشانهای ما را زود بگیریم ما ایشان را از آنجا که نمیدانستند

وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ • أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِنْ
و مهلت دادم مر ایشان را بدرستی که کید من محکم است ای اندیشه نکردند که نیست بصاحب ایشان هیچ
جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ • أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ
دیوانگی نیست او مگر بیم کننده روشن ای ننگریستند در عجایب قدرتها آسمانها
وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ
و زمین و آنچه آفرید خدا از چیزی و آنکه شاید بود که نزدیک بود
أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ • مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا
اجل ایشان . پس بکدام چیز سخن بعد از این قرآن می گروند هر کرا گمراه کند خدا پس
هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ • يَسْأَلُونَكَ
راه نماینده نبود مر او را و بگذارد ایشان را تا در گمراهی خود سرگشته میشوند می پرسند از تو
عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا
از قیامت که کی خواهد بود اثبات آن بگو بدرستی که علم آن نزد پروردگار منست ظاهر نکند آنرا
لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً
در وقت آن مگر او . دشوارست معرفت آن وقت در آسمانها و زمین نیاید بشما مگر ناگاه
يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَ
می پرسند از تو گویا که دانایی از آن مبالغت میکنند بگو بدرستی که علم آن نزد خداست
لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ • قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا
و لیکن بیشترین مردمان نمیدانند بگو قادر نیستم مر تن خود را سودی

ولا ضرا الا ما شاء الله ولو كنت اعلم الغيب لاستكثرت من

و نه زیانی مگر آنچه خواست خدا و اگر بودمی دانستمی غیب را هر آینه بسیار کردمی از

الخير وما مسني السوء ان انا الا نذير وبشير لقوم يؤمنون

نیکیها و خیرات و نرسیدی بمن بدی نیستم من مگر بیم کننده و بشارت دهنده مر گروهی را که ایمان آورند

هو الذي خلقكم من نفس واحدة وجعل منها زوجها

اوست آن خدایی که آفرید شما را از یک تن که آدمست و بیافرید از آن تن زن او را

ليسكن اليها فلما تغشيها حملت حملا خفيفا فمرت

تا آرام گیرد بدو پس چون نزدیکی کرد با حوا آدم برداشت باری سبک پس آمد و شد کرد

به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن اتيتنا صالحا لنكونن

آن زن بدان پس چون گران بار شد بخواندند خدا را که پروردگار ایشان بود که اگر بدهی ما را فرزندی نیکو هر آینه باشیم

من الشاكرين فلما اتيهما صالحا جعلا له شركاء فيما

از جمله شکر کنندگان پس چون بداد ایشان را فرزندی نیکو بدید کردند مر او را انبازان در آنچه

اتيهما فتعالى الله عما يشركون ايشركون ما لا يخلق شيئا

بداد ایشان را پس بزرگوارست خدا از آنچه انباز فرا میدارند ای انباز فرا میدارند بدو آنچه نتواند آفرید چیزی را

وهم يخلقون ولا يستطيعون لهم نصرا ولا انفسهم

و ایشان را آفریده اند و توانایی نداشتند مر ایشان را یاری کردنی و نه تنهای خود را

ينصرون وان تدعوهم الى الهدى لا يتبعوكم سواء عليكم

توانند کرد و اگر خوانی ایشان را باره پیروی نکنند شما را یکسانست بر شما

ادعوتموهم ام انتم صامتون ان الذين تدعون من دون الله

ای اگر خوانید ایشان را یا شما خاموش باشید بدرستی که آنان که میخوانید از جز خدای

عباد امثالكم فادعوهم فليستجيبوا لكم ان كنتم

بندگانی اند مانند شما پس بخوانید ایشان را پس باید که پاسخ کنند مر شما را اگر هستید شما

صادقين الهم ارجل يمشون بها ام لهم ايد يبطشون

راست گویان ای مر ایشان راست پایها که بدان بروند یا مر ایشان راست دستهایی که بسخت گیرند

بها ام لهم اعين يبصرون بها ام لهم اذان يسمعون بها

بدان یا مر ایشان راست چشمهایی که ببینند بدان یا مر ایشان راست گوشهایی که بشنوند بدان

قل ادعوا شركاءكم ثم كيدون فلا تنظرون ان

بگو بخوانید انبازان خود را پس کید سازید بمن پس زمان مدهید مرا بدرستی

وليي الله الذي نزل الكتاب وهو يتولى الصالحين والذين

که دوست من خداست آن خدایی که فرو فرستاد کتاب را و او دوست نیکوکارانست و آنها که

تدعون من دونه لا يستطيعون نصركم ولا انفسهم

میخوانند از جز او میتوانایی ندارند یاری کردن شما را و نه تنهای خود را

ينصرون وان تدعوهم الى الهدى لا يسمعوا وتريهم ينظرون

یاری توانند کرد و اگر برخوانی ایشان را باره نشنوند و بینی ایشان را که نگرند

اليك وهم لا يبصرون خذ العفو وامر بالعرف واعرض

بسوی تو و ایشان نبینند فرا گیر عفو را و فرما نیکویی و برگرد

عن الجاهلين • وإما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله
از نادانان • واگر برسد بتو از دیو وسوسه پس پناه گیر بخدا
إنه سميع عليم • إن الذين اتقوا إذا مسهم طائف من الشيطان
بدرستیکه او شنوای داناست • بدرستیکه آنانکه پرهیزیدند چون برسد بدیشان گروهی از دیوان
تذكروا فإذا هم مبصرون • وإخوانهم يمدونهم في
یاد کنند پس آنگه ایشان بینندگان باشند طریق صواب را • و برادران ایشان در کشند ایشانرا
الغي ثم لا يقصرون • وإذا لم تأتهم بآية قالوا لولا اجتبيتها
گمراهی پس هیچ نقصان نمیکنند از اغواء ایشان • وچون نیاوری تو بدیشان معجزه که ملتمس ایست گویند چرا از نزد خود بیاوردی آنرا
قل إنما أتبع ما يوحى إلي من ربي هذا بصائر من ربكم وهدى
بگو که پیروی میکنم آنچه وحی کرده میشود بمن از پروردگارم این قرآن سبب بینائی دلهاست از پروردگار شما و راستی
ورحمة لقوم يؤمنون • وإذا قرئ القرآن فاستمعوا له وأنصتوا
و رحمتی مر قومی را که بگروند • وچون خوانده شود قرآن پس گوش باز دارید بدان و خاموش شوید
لعلكم ترحمون • واذكر ربك في نفسك تضرعا وخيفة
تا بود که شما رحمت کرده شوید • و یاد کن پروردگار خود را در تن خود زاری کنان و ترسان
ودون الجهر من القول بالغدو والآصال ولا تكن من
وجز آشکارا از گفتار بامداد و شبانگاه • و مباش از جمله
الغافلين • إن الذين عند ربك لا يستكبرون عن عبادته
غافلان • بدرستیکه آنانکه نزد پروردگار تواند گردنکشی نمیکنند از پرستیدن او

سجده

ويسبحونه وله يسجدون
و تسبیح میکنند اورا و مراورا سجده میکنند

سورة الأنفال خمس وسبعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

يسألونك عن الأنفال قل الأنفال لله والرسول فاتقوا الله
می پرسند از تو از حال غنیمتها بگو غنیمتها مر خدای راست و مر رسول را پس بترسید از خدا
وأصلحوا ذات بينكم وأطيعوا الله ورسوله إن كنتم
و کار با صلاح آورید میان یکدیگر و فرمان برید خدا را و رسول او را اگر هستید شما
مؤمنين • إنما المؤمنون الذين إذا ذكر الله وجلت قلوبهم
مؤمنان • بدرستیکه مؤمنان آنانند که چون یاد کنند خدا را بترسد دلهای ایشان
وإذا تليت عليهم آياته زادتهم إيمانا وعلى ربهم يتوكلون
وچون خوانده شود بریشان نشانهای او زیادت شود ایشانرا یقینی و بر پروردگار خود توکل کنند
الذين يقيمون الصلاة ومما رزقناهم ينفقون
آنها که بپای میدارند نماز را و از آنچه روزی کردیم ما ایشانرا نفقت میکنند
أولئك هم المؤمنون حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة
آن گروه ایشان مؤمنانند حقا مر ایشانراست منزلتهای نزدیک پروردگار ایشان و آمرزشی
ورزق كريم • كما أخرجك ربك من بيتك بالحق وإن فريقا
و روزی نیکو • همچنانک بیرون آورد ترا پروردگار تو از خانه تو بمدینه براستی و بدرستیکه گروهی

من المؤمنين لكارهون ۝ يجادلونك في الحق بعد ما تبين

از مؤمنان مراینه نخواهندگانند خصومت میکنند باتو در سخن حق پس ازانچه روشن شد

كأنما يساقون الى الموت وهم ينظرون ۝ واذ يعدكم الله

گوییا که ایشانرا رانند بسوی مرگ وایشان می نگریستند باسباب مرگ و چون وعده داد شمارا خدا

احدى الطائفتين انها لكم وتودون ان غير ذات

یکی از دو گروه که آن یک طایفه مرشمارا خواهد بود وآرزو کردید که آن خداوند

الشوكة تكون لكم ويريد الله ان يحق الحق بكلماته ويقطع

سلاح باشد مرشمارا و میخواهد خدا که درست گرداند حق را بسخنان خود و ببرد

دابر الكافرين ۝ ليحق الحق ويبطل الباطل ولو كره المجرمون

اصل و نسل کافرانرا تا ثابت کرداند صواب را و باطل کرداند بت را واگرچه کاره دارند کافران

اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم اني ممدكم بالف

چون فریاد رسی میخواستند از پروردگار خود پس پاسخ کرد مرشمارا که من مدد کننده ام شمارا بهزار

من الملائكة مردفين ۝ وما جعله الله الا بشرى ولتطمئن

از فرشتگان از پی یکدیگر درآیندگان و نکرد آنرا خدا مگر بشارتی وتا آرام گیرد

به قلوبكم وما النصر الا من عند الله ان الله عزيز حكيم ۝

بدان دلهای شما و نیست نصرت مگر از نزدیک خدا بدرستی که خدا غالب محکم کارست

اذ يغشيكم النعاس امنة منه وينزل عليكم من السماء

چون در رسانید بشما خواب اندکرا ایمنی از قبل خود و فرو میفرستاد برشما از آسمان

ماء ليطهركم به ويذهب عنكم رجز الشيطان وليربط

آبی را تا پاک گرداند شمارا بدان و ببرد از شما پلیدی وخواری دیورا وتا محکم گرداند

على قلوبكم ويثبت به الاقدام ۝ اذ يوحي ربك الى الملائكة

بر دلهای شما و ثابت بدارد بدان قدمهارا چون وحی کرد پروردگار تو بفرشتگان

اني معكم فثبتوا الذين امنوا سالقي في قلوب الذين كفروا

که من باشمایم پس ثابت دارید آنهارا که بگرویدند زود اندازم در دلهای آنها که کافر شدند

الرعب فاضربوا فوق الاعناق واضربوا منهم كل بنان ۝ ذلك

ترس را پس بزنید بالای گردنهارا و بزنید از ایشان هر سر اصبعی آن

بانهم شاقوا الله ورسوله ومن يشاقق الله ورسوله فان الله

بسبب آنست که ایشان خلاف کردند باخدا و رسول او و هر که خلاف کند با خدا و رسول او پس بدرستی که خدا

شديد العقاب ۝ ذلكم فذوقوه وان للكافرين عذاب

سخت عقوبتست آن عذاب سخت است پس بچشید آنرا و آنکه مر کافرانرا عذاب

النار ۝ يا ايها الذين امنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا

آتش بود ای آنها که بگرویده اید چون برسید شما بدانها که کافر شدند درحالی که انبوه باشند پس

تولوهم الادبار ۝ ومن يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال

برمگردانید ازیشان پشتهارا و هر که برگرداند از ایشان آنروز پشتهای خود را مگر درحالی که برتیزی [illegible] — بطریق فریب — [illegible] کارزار

او متحيزا الى فئة فقد باء بغضب من الله وماواه جهنم

یا التجا نماینده بگروه مسلمانان پس بازگشته بود بخشمی از خدا و جایگاه او دوزخ بود

وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ

و بد بازگشتنیست دوزخ پس نکشتید شما ایشان را ولیکن خدا بکشت ایشان را و نینداختی تو سنگ ریزه وادی را

إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا

چون انداختی ولیکن خدا انداخت و تا بیازماید مومنان را از قبل خود آزمودنی نیکو

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ ۝

بدرستی که خدا شنوای داناست آنستان آنست که خدا سست کننده است کید کافران را

إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمُ الْفَتْحُ وَإِنْ تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

اگر طلب فتح کردید ای کفار پس بدرستی که آمد بشما فتح واگر بازایستید پس آن بهتر بود مر شما را

وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ

واگر باز بعداوت رسول روید عود کنیم بانصرت او و بنگزیراند از شما گروهان شما چیزی را واگرچه بسیار باشند

وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا

و آنکه خدا با مومنانست ای آنها که بگرویده‌اید فرمان برید خدا را و رسول او را

تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا

و برمگردید از و و شما می‌شنوید مواعظ قرآن را و مباشید همچون آنها که گفتند شنودیم ما

وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ

و ایشان نشنودند بدرستی که بدترین جنبندگان نزد خدا کرانند گنگانند آنهااند

لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ

که استعمال عقل نمیکنند واگر دانستی خدا در ایشان نیکی مر آینه شنوا گردانیدی ایشان را واگر شنوا گردانیدی ایشان را

لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا

مر آینه برگردیدندی و ایشان برگردندگانند ای آنها که بگرویده‌اید پاسخ کنید فرمان خدا را و رسول را چون

دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ

خواند شما را سوی آنچه بحیات ابدی زنده گرداند شما را و بدانید که خدا میان مرد و دل او حجاب میشود و آنکه باو

تُحْشَرُونَ ۝ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً

حشر کرده شوید و بترسید از بلائی که نرسد اگر برسد بدان آنها که ستم کردند از شما خاصه

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ

و بدانید که خدا سخت عقوبتست و یاد کنید چون اندکی بودند ضعیف داشتگان

فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ

در زمین می‌ترسیدند که در ربایند شما را مردمان دشمن پس جای داد شما را و نیرومند کرد شما را بنصرت خود

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و روزی داد شما را از پاکیها تا بود که شما شکر کنید ای آنها که بگرویده‌اید

لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَاعْلَمُوا

خیانت مکنید با خدا و رسول و خیانت میکنید با امانتهای خود و شما میدانید و بدانید

أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝

که مالهای شما و فرزندان شما سبب آزمایشی اند و آنکه خدا نزدیک اوست مزدی بزرگ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ

ای آنها که بگرویده‌اید اگر بترسید از خدا بکند مر شما را نصرتی در غزا و باز پوشاند از شما

سيئاتكم ويغفر لكم والله ذو الفضل العظيم ۝ واذ يمكر بك

بدیهای شمارا و بیامرزد مرشمارا و خدا خداوند فضل بزرگست و چون مکر میکردند بتو

الذين كفروا ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك ويمكرون ويمكر

آنها که کافر شدند تا حبس کنند ترا یا بکشند ترا یا بیرون کنند ترا از مکه و مکر میکردند و مکر میساخت

الله والله خير الماكرين ۝ واذا تتلى عليهم اياتنا قالوا قد

خدا و خدا بهترین مکرکنندگانست و چون خوانده شود بریشان نشانهای ما گویند

سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا ان هذا الا اساطير الاولين

شنیدیم اگر خواستیمی براستی گفتمانی مانند این نیست این مگر افسانهای پیشینیان

واذ قالوا اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فامطر علينا

و چون گفتند ای بار خدایا اگر هست این قرآن یا محمد بحق از نزدیک تو پس بباران بر ما

حجارة من السماء او ائتنا بعذاب اليم ۝ وما كان الله ليعذبهم

سنگباران از آسمان یا بیار بما عذابی دردناک و نخواست خدا که عذاب کند ایشانرا

وانت فيهم وما كان الله معذبهم وهم يستغفرون

و تو در میان ایشان باشی و نبود خدا عذاب کننده ایشانرا اگر ایشان آمرزش خواهند

وما لهم الا يعذبهم الله وهم يصدون عن المسجد الحرام وما

و چرا ایشانرا عذاب کند خدای و ایشان بر میگردانند مردمانرا از مسجد الحرام و نبودند

كانوا اولياءه ان اولياؤه الا المتقون ولكن اكثرهم

دوستان او نیستند دوستان او مگر پرهیزکاران ولیکن بیشترین ایشان

لا يعلمون ۝ وما كان صلاتهم عند البيت الا مكاء وتصدية

نمیدانند و نبود نماز ایشان نزد خانه کعبه مگر صفیر و تصفیق

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون ۝ ان الذين كفروا

پس در چشید عذاب را بدانچه شما کافر شدید بدرستی که آنها که کافر شدند

ينفقون اموالهم ليصدوا عن سبيل الله فسينفقونها ثم

نفقت میکنند مالهای خودرا تا برگردانند مردمانرا از راه خدا پس زود نفقت کنند آنرا پس

تكون عليهم حسرة ثم يغلبون ۝ والذين كفروا الى جهنم

باشد بریشان سبب اندوهی پس غلبه کرده شوند و آنها که کافر شدند بسوی دوزخ

يحشرون ۝ ليميز الله الخبيث من الطيب ويجعل الخبيث بعضه

حشر کرده شوند تا جدا بازکند خدا پلیدرا از پاک و بکند پلیدرا که گذارند بعضی آنرا

على بعض فيركمه جميعا فيجعله في جهنم اولئك هم الخاسرون

بر بعضی پس بهم برنشاند آنرا همه پس بکند همه را در دوزخ آن گروه ایشانند زیانکاران

قل للذين كفروا ان ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف وان يعودوا فقد

بگو مر آنهارا که کافر شدند اگر باز ایستند از کفر بیامرزد مرایشانرا آنچه از پیش گذشت و اگر باز کفر روند پس بدرستی

مضت سنت الاولين ۝ وقاتلوهم حتى لا تكون فتنة ويكون الدين

که گذشت طریقت پیشینیان و کارزار کنید با ایشان تا نباشد شرک و کفر و باشد دین

كله لله فان انتهوا فان الله بما يعملون بصير ۝ وان تولوا فاعلموا

همه آن مرخدایرا پس اگر باز ایستید پس بدرستی خدا بدانچه ایشان میکنند بیناست و اگر برگردند پس بدانید

الجزو ١٠

إن الله مولىٰكم نعم المولىٰ ونعم النصير ۝ واعلموا أنما غنمتم

که خداست خداوند شما نیکو خداوندیست ونیکو یاری کننده وبدانید آنچه غنیمت کردید شما

من شيء فأن لله خمسه وللرسول ولذي القربىٰ واليتامىٰ والمساكين

از چیزی پس مر خدایراست پنج یک آن ومر پیغمبر را ومر خداوندان خویشی را ویتیمانرا ومسکینانرا

وابن السبيل إن كنتم آمنتم بالله وما أنزلنا علىٰ عبدنا يوم

وراه گذریانرا اگر هستید شما ایمان دارید بخدا وبدانچه فرو فرستادیم ما بر بنده ما محمد در روز بدر

الفرقان يوم التقى الجمعان والله علىٰ كل شيء قدير ۝

که فرق میان حق وباطل در روزی بهم رسیدند دو لشکر وخدا بر همه چیزی تواناست

إذ أنتم بالعدوة الدنيا وهم بالعدوة القصوىٰ والركب

چون شما بکناره وادی بودید نزدیک مدینه وایشان بودند بکناره دورتر وشتر سواران

أسفل منكم ولو تواعدتم لاختلفتم في الميعاد ولكن ليقضي

که پایان تر بودند زیر تر بودند از شما واگر وعده میکردید شما هر آینه خلاف میکردید شما در وعده ولیکن بگزارد

الله أمرا كان مفعولا ۝ ليهلك من هلك عن بينة ويحيىٰ

خدا کاری را که باشد کرده شده تا هلاک کند آنرا که هلاک شد بعد دیگر از حجت روشن وزنده کند

من حي عن بينة وإن الله لسميع عليم ۝ إذ يريكهم الله

آنرا که زنده شد بیقین اسلام وبدرستی که خدا هر آینه شنواست ودانا چون نمود ایشانرا خدا

في منامك قليلا ولو أراكهم كثيرا لفشلتم ولتنازعتم

در خواب تو اندکی واگر باز نمودی ایشانرا بسیاری هر آینه بددل میشدید شما وهر آینه منازعت میکردید

١٣٦

ونازع

في الأمر ولكن الله سلم إنه عليم بذات الصدور ۝ وإذ يريكموهم

در کار قتال ولیکن خدا سالم گردانید شمارا بدرستی که او داناست باسرار سینهها وچون باز نمود ایشانرا

إذ التقيتم في أعينكم قليلا ويقللكم في أعينهم ليقضي الله

چون بهم رسیدید در چشمهای شما اندکی واندک گردانید شمارا [در چشمهای ایشان] تا بگزارد خدا

أمرا كان مفعولا ۝ وإلى الله ترجع الأمور ۝ يا أيها الذين آمنوا إذا

کاری را که باشد کرده شده وبا خداست بازگشت کارها ای آنها که بگرویدید چون

لقيتم فئة فاثبتوا واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون ۝

برسید شما بگروهی دشمن پس ثابت باشید ویاد کنید خدارا بسیاری تا بود که شما رستگاری یابید

وأطيعوا الله ورسوله ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم

وفرمان برید خدارا ورسول اورا وخصومت مکنید پس بددل شوید ودولت شما زایل شود

واصبروا إن الله مع الصابرين ۝ ولا تكونوا كالذين خرجوا من

وصبر کنید بدرستی که خدا با صابرانست ومباشید همچون آنها که بیرون آمدند از

ديارهم بطرا ورئاء الناس ويصدون عن سبيل الله والله بما

سرایهای خود کاهلان وبروی ریا مردمان وبرگشتند از راه دین خدا وخدا بدانچه

يعملون محيط ۝ وإذ زين لهم الشيطان أعمالهم وقال لا غالب

ایشان میکنند داناست وچون بیاراست مر ایشانرا دیو عملهای ایشان وگفت غلبه کننده نیست

لكم اليوم من الناس وإني جار لكم فلما تراءت الفئتان نكص

مر شمارا امروز از مردمان وبدرستی که من [...] مر شمارا پس چون بهم رسیدند دو لشکر برگشت

عَلىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ اِنِّي بَرِيٓءٌ مِنْكُمْ اِنِّي اَرٰى مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّي اَخَافُ اللّٰهَ

بر دو پای خود وگفت که من بیزارم از شما بدرستیکه من میبینم آنچه نمی بینید بدرستی که من میترسم از خدا

وَاللّٰهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ اِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

وخدا سخت عقوبتست چون گفتند منافقان وآنها که در دلهای ایشان بیماری

غَرَّ هٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

بفریفت اینگروه را دین ایشان وهرکه توکل کند بر خدا پس بدرستی که خدا غالب محکم کارست

وَلَوْ تَرٰى اِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ

واگر ببینی که چون جان میستانند آنهارا که کافر شدند فرشتگان زنند بر رویهای ایشان

اَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيكُمْ وَ

وپشتهای ایشان وگویند ایشانرا بچشید عذاب سوزان آن بسبب آنچیزیست که در پیش داشتند دستهای شما

اَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝ كَدَأْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ

وآنکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان خودرا همچون خو وعادت فرعونیانست وآنها که

قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ اِنَّ

پیش از ایشان بودند کافر شدند بنشانهای خدا پس بگرفت ایشانرا خدا بسبب گناهان ایشان بدرستی

اللّٰهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً اَنْعَمَهَا

که خدا نیرومندست وسخت عقوبت آن بسبب آنست که خدا تغییر کننده نیست نعمتی را که نعمت کرده بود آنرا

عَلىٰ قَوْمٍ حَتّٰى يُغَيِّرُوا مَا بِاَنْفُسِهِمْ وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَدَأْبِ

بر گروهی تا تغییر دهند آنچه بتنهای ایشان بود وآنکه خدا شنواست ودانا خو وعادت ایشان

اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ رَبِّهِمْ فَاَهْلَكْنَاهُمْ

همچون خو وعادت فرعونیانست وآنها که پیش از ایشان بودند که دروغ داشتند نشانهای پروردگار خودرا پس هلاک کردیم ایشانرا

بِذُنُوبِهِمْ وَاَغْرَقْنَا اٰلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ۝ اِنَّ

بسبب گناهان ایشان وغرق کردیم ما فرعونیانرا وهمه بودند ستمکاران بدرستیکه

شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللّٰهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ اَلَّذِينَ عَاهَدْتَ

که بدترین جنبندگان نزدیک خدا آنهااند که کافر شدند پس ایشان نمیگروند آنها که عهد بستند با تو

مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

از ایشان پس بشکستند عهد خودرا در هر باری وایشان نمی پرهیزیدند

فَاِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

پس … ایشانرا در کارزار … تا بود که ایشان پند گیرند

وَاِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ اِلَيْهِمْ عَلىٰ سَوَآءٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ

واگر ترسی تو از گروهی خیانتی پس … بدرستی که خدا دوست ندارد

الْخَائِنِينَ ۝ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا اِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَ

خیانت کنندگانرا وپندارد آنهارا که کافر شدند پیشی گیرندگان بدرستی که ایشان عاجز کنندگان نیند

اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللّٰهِ

وساز کنید برای ایشان آنچه توانائی دارید شما از قوت واز … دشمنان خدا

وَعَدُوَّكُمْ وَاٰخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ

ودشمنان خودرا ودیگران از جز ایشان که نمیدانید ایشانرا خدای میداند ایشانرا

وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ
و آنچه نفقت کنید از چیزی در راه خدا تمام بدهد بشما مزد آنرا و شمارا ستم نکنند
وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
و اگر میل کنند بصلح پس میل کن بصلح کردن و توکل کن بر خدا بدرستی که او شنوای
الْعَلِيمُ • وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي
داناست و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس بدرستی که بسنده است ترا خدا آن خدای اوست
أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ • وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي
که نیرومند گردانید ترا بنصرت خود و بمؤمنان و الفت افکند میان دلهای ایشان اگر نفقت کردندی آنچه در
الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ
زمین است همه الفت نتوانستندی افکندن میان دلهای ایشان و لیکن خدا الفت افکند میان ایشان بدرستی که او
عَزِيزٌ حَكِيمٌ • يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
غالب محکم کارست ای پیغمبر بسنده است ترا خدا و آنکه پیروی کردند ترا از مؤمنان
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ
ای پیغمبر حریص گردان مؤمنانرا بر کارزار اگر باشند از شما بیست مرد
صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ
صابر غلبه کنند بر دویست و اگر باشند از شما صد مرد غلبه کنند بر دو هزار از آنها
كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ • الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَ
که کافر شدند بسبب آنکه ایشان گروهی اند که در نمی یابند اکنون سبک گردانید خدا از شما

عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ
دانست که در میان شما ضعیفان هستند پس اگر باشند از شما صد مرد غلبه کنند بر دویست
وَإِن يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ •
و اگر باشند از شما هزار غلبه کنند بر دو هزار بفرمان خدا و خدا با صابرانست
مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ
نبود مر پیغمبر را که باشند او را اسیران تا ... در زمین میخواهید
عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ • لَّوْلَا كِتَابٌ
کالای دنیا را و خدا میخواهد آخرت را و خدا غالب محکم کارست اگر نه کتابی بودی
مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ • فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ
از خدا پیشی گرفتی هر آینه برسیدی بشما در آنچه فرا گرفتید شما عذابی بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت گرفتید شما
حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ • يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل
حلال پاک و بترسید از خدا بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست ای پیغمبر بگو
لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا
مر آنرا که در دستهای شماست از اسیران اگر دانستی خدا در دلهای شما نیکی
يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ • وَإِن يُرِيدُوا
بدادی شمارا بهتر از آنچه فرا گرفته شد از شما و بیامرزد شمارا و خدا آمرزگار مهربانست و اگر خواهند
خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
که خیانت کنند با تو پس بدرستی که خیانت کردند با خدا از پیش پس ... و خدا داناست و محکم کار

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
بدرستی که آنها که بگرویدند و هجرت کردند و جهاد کردند بمالهای خود و تنهای خود در راه
اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ
خدا و آنها که جای دادند و یاری کردند آن گروه بعضی ایشان دوستان بعضی اند و آنها
آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا
که بگرویدند و هجرت نکردند نبود مر شما را از ولایت ایشان هیچ چیزی تا هجرت کنند
وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ
و اگر یاری خواهند شما را در دین پس بر شما باد یاری کردن مگر بر گروهی که میان شما
وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ
و میان ایشان عهدی بود و خدا بدانچه شما میکنید بیناست و آنها که کافر شدند بعضی ایشان
أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ
دوستان بعضی اند اگر نکنید آنرا باشد آزمایشی در زمین و تباهی بزرگ
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا
و آنها که بگرویدند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا و آنها
وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ
و یاری کردند آن گروه ایشان مؤمنانند حقا مر ایشانرا بود آمرزشی و روزی نیکو
وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ
و آنها که بگرویدند از پس فتح و هجرت کردند و جهاد کردند با شما پس آن گروه

مِنكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
از شما و خداوندان رحمها بعضی ایشان سزاوارترند ببعضی در کتاب خدا بدرستی که خدا

سورة التوبة مدنية	بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ بهمه چیزی داناست	مائة وعشرون وتسع آيات

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ فَسِيحُوا
این سوره بیزاریست از خدا و رسول او بدانها که عهد بستند با شما از بت پرستان پس بروید
فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي
در زمین چهار ماه و بدانید که شما نه عاجز کنندگانید خدا را و آنکه خدا رسوا کننده
الْكَافِرِينَ وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ
کافرانست و اعلامیست از خدا و رسول او بمردمان در روز حج بزرگ
أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
آنکه خدا بیزارست از بت پرستان و رسول او نیز پس اگر برگردید پس آن بهتر بود مر شما را
وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا
و اگر برگردید شما پس بدانید که شما نه عاجز کنندگانید خدا را و بشارت ده آنها را که کافر شدند
بِعَذَابٍ أَلِيمٍ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ
بعذابی دردناک مگر آنها که عهد بستند با شما از بت پرستان پس باز نکشتند شما را
شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ
چیزی و هم پشت نگردانیدند بر شما هیچ یکی را پس تمام کنید ایشانرا عهد ایشان

مدتهم ان الله يحب المتقين ● فاذا انسلخ الاشهر الحرم فاقتلوا المشركين

مدت ایشان بدرستی که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا پس چون بگذرد ماههای حرام پس بکشید بت پرستانرا

حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل

هر کجا که یابید ایشانرا و بگیرید ایشانرا و بنشینید مر ایشانرا بهر

مرصد فان تابوا واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فخلوا سبيلهم

راهی پس اگر باز آیند و بپای دارند نمازرا و بدهند زکاترا پس برخیزید از راه ایشان

ان الله غفور رحيم ● وان احد من المشركين استجارك

بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست و اگر یکی از بت پرستان زنهار خواهد از تو

فاجره حتى يسمع كلام الله ثم ابلغه مامنه ذلك بانهم قوم

پس زنهار ده او را تا بشنود سخن خدا را پس آن بسبب آنست که ایشان گروهی

لا يعلمون ● كيف يكون للمشركين عهد عند الله و

که نمیدانند چگونه بود مر بت پرستانرا عهدی نزدیک خدا

عند رسوله الا الذين عاهدتم عند المسجد الحرام فما استقاموا

و نزد رسول او مگر آنها که عهد بستند با شما نزدیک مسجد مکه

لكم فاستقيموا لهم ان الله يحب المتقين ● كيف وان

بدرستی که خدا دوست دارد پرهیزکارانرا چگونه و اگر

يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم الا ولا ذمة يرضونكم بافواههم

ظفر یافته شوند بر شما در میان شما خشنود میکنند شمارا بدهنهای خود

وتابى قلوبهم واكثرهم فاسقون ● اشتروا بايات الله

و سر باز زنند دلهای ایشان و بیشترین ایشان نافرمانند فروختند بنشانهای خدا

ثمنا قليلا فصدوا عن سبيله انهم ساء ما كانوا يعملون ●

بهای اندک را پس برگشتند از راه او بدرستی که بدست آنچه ایشان میکنند

لا يرقبون في مؤمن الا ولا ذمة واولئك هم المعتدون ● فان تابوا

نگاه نمیدارند در حق هیچ مومنی دوستی و نه زنهاری و آن گروه ایشانند از حد درگذرندگان پس اگر توبه کنند

واقاموا الصلوة واتوا الزكوة فاخوانكم في الدين ونفصل

و بپای دارند نمازرا و بدهند زکاترا پس برادران شمااند در دین و هویدا میکنیم

الايات لقوم يعلمون ● وان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم

نشانهارا برای گروهی که بدانند و اگر باز شکافند عهد خودرا از پس عهدی که کردند

وطعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم

و طعنه زنند در دین شما پس کارزار کنید با پیشوایان کفر بدرستی که ایشان نیست ایمان مر ایشانرا

لعلهم ينتهون ● الا تقاتلون قوما نكثوا ايمانهم وهموا

تا بود که ایشان بازایستند چرا کارزار نمیکنید با گروهی که شکستند عهد خودرا و قصد کردند

باخراج الرسول وهم بدءوكم اول مرة اتخشونهم فالله

به بیرون کردن رسول و ایشان ابتدا کردند بشما اول بار آیا می ترسید از ایشان پس خدا

احق ان تخشوه ان كنتم مؤمنين ● قاتلوهم يعذبهم الله

سزاوارتر که بترسید از او اگر هستید شما مومنان کارزار کنید با ایشان تا عذاب کند ایشانرا خدا

بأيديكم ويخزهم وينصركم عليهم ويشف صدور قوم
بدستهای شما ورسوا کند ایشانرا ویاری کند شمارا بریشان وشفا دهد سینهای گروه
مؤمنين ۝ ويذهب غيظ قلوبهم ويتوب الله على من يشاء والله عليم
مؤمنانرا وببرد خشم را از دلها وسهل کند خدا بر آنکه خواهد وخدا داناست
حكيم ۝ أم حسبتم أن تتركوا ولما يعلم الله الذين جاهدوا منكم
ومحکم کار یا نه که پنداشتید شما که ترک کرده شوید وهنوز جدا باز نکند خدا آنهارا که جهاد کردند از شما
ولم يتخذوا من دون الله ولا رسوله ولا المؤمنين وليجة والله
وفرا نگرفتند از جز خدا ونه رسول اورا ونه مؤمنانرا پناهگاهی وخدا
خبير بما تعملون ۝ ما كان للمشركين أن يعمروا مساجد
آگاهست بدانچه شما میکنید نبود مر بت پرستانرا که عمارت کنند مسجدهای
الله شاهدين على أنفسهم بالكفر أولئك حبطت أعمالهم
خدایرا گواهی دهندگان برتنهای خود بکفر آن گروه باطل شد عملهای ایشان
وفي النار هم خالدون ۝ إنما يعمر مساجد الله من آمن بالله
ودر آتش ایشان همیشه باشند بدرستی که عمارت کنند مسجدهای خدایرا آنکه بگروید بخدا
واليوم الآخر وأقام الصلوة وآتى الزكوة ولم يخش إلا الله فعسى
وبروز آخرت وبپای داشت نمازرا وبداد زکوة را ونترسید مگر از خدا پس شاید بود
أولئك أن يكونوا من المهتدين ۝ أجعلتم سقاية الحاج وعمارة
که آن گروه باشند از راه یافتگان ای میکنید شما کلید داشتن حج ها وعمارت کردن

المسجد الحرام كمن آمن بالله واليوم الآخر وجاهد في سبيل
مسجد مکه را همچون آنکس که بگروید بخدا وبروز آخرت وجهاد کرد در راه
الله لا يستوون عند الله والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ الذين
خدا یکسان نیستند نزد خدا وخدا راه ننماید گروه ستمکارانرا آنها
آمنوا وهاجروا وجاهدوا في سبيل الله بأموالهم وأنفسهم
که بگرویدند وهجرت کردند وجهاد کردند در راه خدا بمالهای خود وتنهای خود
أعظم درجة عند الله وأولئك هم الفائزون ۝ يبشرهم
بزرگترند بمرتبه ومنزلت نزد خدا وآن گروه ایشان رستگارانند بشارت میدهد ایشانرا
ربهم برحمة منه ورضوان وجنات لهم فيها نعيم مقيم
پروردگار ایشان برحمتی از قبل خود وخشنودی وبستانهائی که مر ایشانرا بود در آنجا نعمتهای جاویدانه
خالدين فيها أبدا إن الله عنده أجر عظيم ۝ يا أيها الذين آمنوا
همیشه باشند در آنجا جاوید بدرستی که خدا نزدیک اوست مزدی بزرگ ای آنها که بگرویده اید
لا تتخذوا آباءكم وإخوانكم أولياء إن استحبوا الكفر على
فرا مگیرید پدران خودرا وبرادران خودرا بدوستان اگر ایشان دوست تر دارند کفررا بر
الإيمان ومن يتولهم منكم فأولئك هم الظالمون ۝ قل إن
ایمان وهر که دوستی کند با ایشان از شما پس آن گروه ایشان ستمکاران باشند بگو اگر
كان آباؤكم وأبناؤكم وإخوانكم وأزواجكم وعشيرتكم
باشند پدران شما وپسران شما وبرادران شما وزنان شما واهل قبیله شما

وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا
ومالهای که می اندوزید آنرا و بازرگانی که می ترسید از کسادی آن و مسکنهای که بپسندید آنرا
أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ
دوست تر بشما از خدا و رسول او و جهاد کردن در راه او پس چشم دارید تا
يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ • لَقَدْ نَصَرَكُمُ
آورد خدا فرمان خودرا و خدا راه نماید گروه فاسقانرا بدرستی که یاری کرد شمارا
اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ
خدا در جایهای بسیار و در روز حنین چون بشگفت آورد شمارا بسیاری شما پس
تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ
بنگزرانید از شما چیزی را و تنگ شد بر شما زمین بدان فراخی که بود پس
وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ • ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ
برگشتید شما پشت برکنان پس فرو فرستاد خدا آرام خودرا بر رسول خود و بر مومنان
أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ
و فرستاد لشکرهای که ندیدید آنرا و عذاب کرد آنهارا که کافر شدند و آنست پاداشت کافران
ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
پس سهل کند خدا از پس آن بر آنکه خواهد و خدا آمرزگار مهربانست
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ
ای آنها که بگرویده اید بدرستی که بت پرستان نجس اند پس نباید که فراز دیک مسجد الحرام روند

بَعْدَ عَامِهِمْ هَٰذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
پس ازین سال و اگر ترسید شما اندرویشی پس زود توانگر گرداند شمارا خدا از فضل خود
إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ • قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ
اگر خواهد بدرستی که خدا داناست و محکم کار کارزار کنید با آنها که نمی گروند بخدا و نه بروز
الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ
آخرت و حرام نداشتند آنچه حرام گردانید خدا و رسول او و دین حق از
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ
آنها که داده شد ایشانرا کتاب تا بدهند جزیه را از دست و ایشان خواران
وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ
و گفتند جهودان عزیر پسر خداست و گفتند ترسایان عیسی پسر خدا
ذَٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
آنست گفتار ایشان بدهنهای ایشان مانند میکنند گفتار آنهای که کافر شدند از پیش
قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ • اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ
بکشاد ایشانرا خدا چگونه برگردانیده میشوند فرا گرفتند دانشمندان و زاهدان خودرا
أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا
خدایان از جز خدا و عیسی پسر مریم را و نفرموده مگر که بپرستند مگر یک خدای
وَاحِدًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ • يُرِيدُونَ أَنْ
یگانه را نیست خدای مگر او پاک و منزه است او از آنچه انباز فرا میدارند میخواهند که

يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ

بکشانند نور خدا را بدهنهای خود و نخواست خدا که تمام گرداند نور خود را واگرچه کاره دارند

الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ

کافران اوست آن خدائی که بفرستاد رسول خود را براه راست و دین حق

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

تا غالب گرداند دین اسلام را بر همه دینها واگرچه کاره دارند بت پرستان ای آنها

آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ

که بگرویده اید بدرستی که بسیاری از دانشمندان و زاهدان هراینه میخورند مالهای

النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ

مردمان را بباطل و برمیگردانند مردمان را از راه خدا و آنها که گنج می نهند

الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ

طلا و نقره را و نفقه نکنند آنرا در راه خدا پس بشارت ده ایشانرا

بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا

بعذابی دردناک روزی که بتابانند آنرا در آتش دوزخ پس گرم کنند بدان

جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ

پیشانیهای ایشانرا و پهلوهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا که اینست آنچه گنج می نهادید شما برای تنهای خود

فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ۝ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا

پس بچشید آنچه شما گنج می نهادید بدرستی که شمار ماهها نزدیک خدا دوازده

عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا

دوازده ماهست در کتاب خدا روزی که آفرید آسمانها و زمین را از آنها

أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا

چهار ماه حرامست این آنست دین راست پس ستم مکنید در آن ماهها تنهای خود و کارزار کنید

الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

با بت پرستان همه چنانکه کارزار کردند با شما همه و بدانید که خدا

مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا

با پرهیزکارانست بدرستی که در آن ماهها زیاده کردند کفر را گمراه کرده شوند بدان آنها که کافر شدند

يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيُحِلُّوا

حلال میدارند آنرا سالی و حرام میدارند آنرا سالی تا راست دارند شمار آنچه حرام کرد خدا پس حلال داشتند

مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

آنچه حرام کرد خدا آراسته شد مر ایشانرا بدی عملهای ایشان و خدا راه ننماید گروه

الْكَافِرِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي

کافرانرا ای آنها که بگرویده اید چیست مر شما را چون گویند مر شما را که بیرون روید در

سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ

راه خدا گرانی کنید شما در زمین ای خشنود شدید شما بزندگانی دنیا از آخرت

فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ۝ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ

پس نیست برخورداری زندگانی دنیا در جنب آخرت مگر اندکی اگر بیرون نروید عذاب کند شمارا

عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْـًٔا وَاللَّهُ عَلَى
عذابی دردناک وبدل کند گروهی را بجز از شما وزیانی نتوانید رسانید او را چیزی وخدا بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا
همه چیزی توانا است اگر یاری نکنید محمد را پس بدرستی که یاری کرد او را خدا چون بیرون آورد او را آنها که
ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ
کافر شدند در حالتی که دوتن بودند چون آن مردو در غار شدند چون گفت محمد مر یار و مصاحب خود را که اندوه مخور که خدا
مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَ
با ما است پس فرو فرستاد خدا آرام خود را بر او ابوبکر و نیرومند گردانید او را بلشکرهائی که نمی دیدید آنها را
جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ
و گردانید سخن آنها که کافر شدند زیرتر و سخن و حکم خدا آنست
الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۞ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَ
بلندتر و افرشته تر وخدا غالب محکم کار است بیرون روید اگر سبک بار باشید یا گران بار
جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ
و جهاد کنید بمالهای خود و تنهای خود در راه خدا آن شما را بهتر بود
لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۞ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا
مر شما را اگر هستید شما میدانید اگر باشد کالای نزدیک و سفری
قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ
دور مر انه پیروی کنند ترا ولیکن چه دور است بریشان این سفر و زود سوگند خورند

بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ
بخدا که مرانه اگر توانائی داشتمانی مرانه با بیرون آمدمانی با شما هلاک میکنند تنهای خود و خدا
يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۞ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنْتَ لَهُمْ
میداند که ایشان مرانه دروغ زنانند درگذشت خدا از تو چرا دستوری میدهی مر ایشان را
حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ ۞
تا روشن شود و ترا آنها که راست گفتند و جدا باز کنی دروغ گویان را
لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا
دستوری نمیخواهند از تو آنها که می گروند بخدا و بروز آخرت که جهاد کنند
بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ۞ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ
بمالهای خود و تنهای خود و خدا دانا است بحال پرهیزکاران بدرستی که دستوری خواهند از تو
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي
آنها که نمی گروند بخدا و بروز آخرت و بشک شدند دلهای ایشان پس ایشان در
رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ۞ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ
شک خود متردد اند و اگر خواستندی بیرون شدن را مرانه بساختندی مر او را ساز ولیکن
كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ۞
نخواست قتال ایشان را پس باز گردانید ایشان را و گفته شد بنشینید با نشستگان
لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ
اگر بیرون آمدندی در میان شما زیادت نکردندی شما را مگر تباهی و مرانه بشتافتندی در میان شما

يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝
ميجويند شما را فتنه، و در ميان شما هستند جاسوسان مر ايشانرا و خدا داناست بحال ستمكاران
لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ
بدرستی كه جستند آن فتنه را از پيش و بگردانيدند زمان ترا تا آمد حق
وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا
و ظاهر شد فرمان خدا و ايشان نخواهندگانند و از ايشان كس هست كه ميگويد دستوری ده مرا
تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۝
و بفتنه ميفكن مرا بدان كه در فتنه افتاده شدند و بدرستی كه دوزخ فرا گيرد در آينده است بكافران
إِنْ تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ
اگر برسيد بتو نيكويی برنجاند ايشانرا و اگر برسيد بتو مصيبتی گويند بدرستی
أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ۝ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا
كه فرا گرفتيم ما كار خود را از پيش و برگردند و ايشان شادان ميشوند بگو هرگز نرسد بما مگر
مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝
آنچه نوشت خدا مارا اوست خداوند ما و بر خدا بايد كه توكل كنند مؤمنان
قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ
بگو ای هيچ چشم ميداريد با مگر يكی از دو چيز و ما چشم ميداريم بشما كه
يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ
برساند بشما خدا عذابی از نزد خود يا بدستهای ما پس چشم داريد كه ما با شما

مُتَرَبِّصُونَ ۝ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ إِنَّكُمْ
چشم دارندگانيم بگو انفاق كنيد برغبت يا بی رغبت هرگز قبول كرده نشود از شما بدرستی كه شما
كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ وَمَا مَنَعَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ
هستيد گروهی فاسقان و منع نكرد ايشانرا كه قبول كرده شود از ايشان نفقهای ايشان
إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ
مگر آنكه ايشان كافر شدند بخدا و برسول او و نيايند بنماز مگر كه ايشان
كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ۝ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ
كاهلان بوند و نفقت نكنند مگر كه ايشان نخواهندگان بوند پس بشگفت مياورد ترا مالهای ايشان
وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
و نه فرزندان ايشان بدرستی كه ميخواهد خدا تا بيازارد ايشانرا بدان در زندگانی دنيا
وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ۝ وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ
و بيرون كند تنهای ايشانرا و ايشان كافران بوند و سوگند خورند بخدا كه ايشان
لَمِنْكُمْ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ۝
مرانه از شمااند و نيستند ايشان از شما و ليكن ايشان گروهی فرق كنندگانند
لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ۝
اگر يابند پناه گاهی يا در غارهای يا شكافتهای مرانه بر گردند بدان و ايشان شتابندگان
وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ
و از ايشان كس هست كه عيب ميكند ترا در صدقه دادن پس اگر عطا داده شوند از آن خشنود شوند و اگر

يعطوا منها اذا هم يسخطون ۝ ولو انهم رضوا ما آتاهم الله ورسوله
عطا داده شوند ازان انکه ایشان خشمکین باشند واکر ایشان خشنود شدندی بانچه بداد ایشانرا خدا ورسول او
وقالوا حسبنا الله سيؤتينا الله من فضله ورسوله انا الى الله
وکفتندی بسنده است مارا خدا زود بدهد مارا خدا از فضل خود ورسول او نیز بدرستی که ما با خدا
راغبون ۝ انما الصدقات للفقراء والمساكين والعاملين عليها
رغبت کنندکانیم بدرستی که صدقها مر درویشانرا بود وبیچارکانرا وکار کنندکانرا بر آن
والمؤلفة قلوبهم وفي الرقاب والغارمين وفي سبيل الله
و دلهای ایشان ودر احوال بندکان وخودرا بازخریدکان ودر راه خدای
وابن السبيل فريضة من الله والله عليم حكيم ۝ ومنهم
ودر راه کذر یافتکان واجبی است نزد خدا وخدا داناست ومحکم کار واز ایشان ستند
الذين يؤذون النبي ويقولون هو اذن قل اذن خير لكم
آنها که میرنجانند پیغمبررا ومیکویند که او اذن است بکو اذن بهتر مرشمارا
يؤمن بالله ويؤمن للمؤمنين ورحمة للذين آمنوا منكم و
که بکرویده بخدا وبکرویده مرمومنانرا ورحمتی بود مرآنهارا که بکرویدند از شما
الذين يؤذون رسول الله لهم عذاب اليم ۝ يحلفون بالله
آنها که میرنجانند رسول خدارا مرایشانرا بود عذابی دردناک سوکند میخورند بخدا
لكم ليرضوكم والله ورسوله احق ان يرضوه ان كانوا
مرشمارا تا خشنود کنند شمارا وخدا ورسول او سزاوارتر که خشنود کنند اورا اکر هستند

٤

حزب

مؤمنين ۝ الم يعلموا انه من يحادد الله ورسوله فان له نار
مؤمنان ای ندانستند که هر که خصومت کند با خدا ورسول او پس آنست که او را بود آتش
جهنم خالدا فيها ذلك الخزي العظيم ۝ يحذر المنافقون ان تنزل
دوزخ همیشه بود درآنجا آنست رسوائی بزرک می ترسند منافقان که فرود فرستاده شود
عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم قل استهزءوا ان
بر ایشان سورتی که بیاکاهاند ایشانرا بدانچه در دلهای ایشان بود بکو استهزا میدارید بدرستی
الله مخرج ما تحذرون ۝ ولئن سألتهم ليقولن انما كنا
که خدا بیرون آورنده است آنچه ازان می ترسید واکر بپرسی تو از ایشان هرآینه کویند بدرستی که بودیم ما
نخوض ونلعب قل ابالله وآياته ورسوله كنتم تستهزءون
شروع میکردیم وبازی میکردیم بکو ای بخدا ونشانهای او ورسول او مسخره میکنید شما استهزا دارندکان
لا تعتذروا قد كفرتم بعد ايمانكم ان نعف عن طائفة
عذر مخواهید بدرستی که کافر شدید شما پس از ایمان شما اکر درکذریم از کروهی
منكم نعذب طائفة بانهم كانوا مجرمين ۝ المنافقون
از شما عذاب کنیم کروهی را بسبب آنکه ایشان بودند کافران مردان منافق
والمنافقات بعضهم من بعض يأمرون بالمنكر وينهون عن المعروف
وزنان منافقه بعضی ایشان از بعضی میفرمایند بنا شایست وباز میدارند از نیکوئی
ويقبضون ايديهم نسوا الله فنسيهم ان المنافقين هم الفاسقون
وباز میدارند دستهای خودرا فراموش کردند خدارا پس فراموش کرد ایشانرا بدرستی که منافقان ایشانند فاسقانند

وَعَدَ اللّٰهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ
وعده داد خدا مردان منافق را وزنان منافقه را وکافرانرا آتش دوزخ همیشه باشند
فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ كَالَّذِينَ
در آنجا آن بسنده بود ایشانرا ولعنت کرد ایشانرا خدای ومرایشانرا بود عذابی جاودانه همچون آنها
مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا
که پیش از شما بودند بودند سخت تر از شما بقوت وبیشتر بمالها وفرزندان
فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ
پس برخورداری گرفتند بهره خود پس برخورداری گرفتید شما بهره خود همچنانکه برخورداری گرفتند
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ
آنها که از پیش شما بودند بهره خود ودرحدیث شدید شما همچون آنها که درشروع شدند آن گروه
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
باطل شد عملهای ایشان در دنیا ودر آخرت وآن گروه ایشانند زیانکاران
أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
ای نیامد بدیشان خبر آنها که پیش از ایشان بودند چون قوم نوح وقوم هود وقوم صالح وقوم
إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
ابرهیم واصحاب شعیب واهل شهرها پیش آمدند بدیشان رسولان ایشان
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ
بمعجزات پس نخواست خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند برتنهای خود

يَظْلِمُونَ ۝ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
ستم میکردند ومردان مومن وزنان مومنه بعضی ایشان دوستان بعضی اند میفرمایند
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ
بنیکوئی وباز میزنند از ناشایست وبپای میدارند نمازرا ومیدهند
الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ
زکات را وفرمان برند خدارا ورسول اورا آن گروه زود رحمت کند ایشانرا خدا بدرستی که خدا
عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَعَدَ اللّٰهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
غالب محکم کارست وعده داد خدا مردان مومن وزنان مومنه را در بستانهائی که رود از
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ
زیر آن جویها همیشه باشند درآنجا ومسکنهای پسندیده در بستانهای
عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللّٰهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا
اقامت وخشنودی از خدا بزرگتر آنست آن رستگاری بزرگ ای
النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ
پیغمبر جهاد کن با کافران ومنافقان ودرشتی خوی باش برایشان وجایگاه ایشان
جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ
دوزخ بود وبد بازگشتیست دوزخ سوگند خورند بخدا آنچه گفتند وبدرستی که گفتند کلمه
الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا
کفررا وکافر شدند پس از اسلام خود وقصد کردند بآنچه نرسیدند بدان وزنک نداشتند

إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ
مگر آنکه توانگر گردانید ایشانرا خدا و پیغمبر او از فضل خود پس اگر توبه کنند باشد بهتر مر ایشانرا
وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
واگر برگردند عذاب کند ایشانرا خدا عذابی دردناک در دنیا و در آخرت و نبود مر ایشانرا
فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا
در زمین هیچ دوستی و نه یاری کنی و از ایشان کس است که عهد کرد خدا که هر آینه اگر بدهد ما را
مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ فَلَمَّا آتَاهُمْ
از فضل خود هر آینه صدقه بدهیم و هر آینه باشیم از جمله نیکوکاران پس چون بداد ایشانرا
مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ فَأَعْقَبَهُمْ
از فضل خود بخیلی کردند بدان و برگشتند و ایشان برگردندگانند پس در پی ایشان گذاشت
نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ
نفاق در دلهای ایشان تا روزی که رسند بدان بدانچه خلاف کردند با خدا آنچه وعده کرده بودند
وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ
و بدانچه ایشان بدروغ داشتند ای ندانستند که خدا میداند پنهان ایشان
وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
و راز ایشان و آنکه خدا دانای غیبهاست آنها که جنگ میزنند زبان بر دارند از
الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
مؤمنان در صدقه دادن و آنها که نمی یابند مگر جهد خویش را

فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝
پس مسخرگی میکنند از ایشان خدا جزا استهزاء ایشان بدهد و مر ایشانرا بود عذابی دردناک
اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ
آمرزش خواه مر ایشانرا یا آمرزش مخواه مر ایشانرا اگر آمرزش خواهی مر ایشانرا هفتاد
مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
بار پس هرگز نخواهد آمرزید خدای مر ایشانرا آن بسبب آنست که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ
و خدا راه ننماید گروه فاسقانرا شاد شدند بازپس گذاشتگان بنشستن جای ایشان
خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
خلاف از رسول خدا و کاره داشتند که جهاد کنند بمالهای خود و تنهای خود
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا
در راه خدا و گفتند بیرون مروید در گرما بگو آتش دوزخ سخت تر گرمی
لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا
اگر ایشان بدانند پس باید که بخندند اندکی و باید که بگریند بسیار
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ
پاداشتی بدانچه ایشان اندوخته باشند پس اگر باز گرداند ترا خدا با گروهی از ایشان
فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا
پس دستوری میخواهند از تو مر بیرون شدن را پس بگو بیرون نیایید با من هرگز و هرگز کارزار مکنید با من دشمنی

إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ ۞
بدرستی که خشنود شدید شما بنشستن اول بار پس بنشینید با پس گذاشتگان
وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ
و نماز مگزار بر هیچ یکی از ایشان که بمیرند هرگز و مایست بر سر قبر او بدرستی که ایشان که کافر شدند بخدا
وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ ۞ وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ
و رسول او و بمردند و ایشان فاسقان بودند و بشگفت نیاورد ترا مالهای ایشان
أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ
و فرزندان ایشان بدرستی که میخواهد خدا که عذاب کند ایشان را بآن در دنیا و نیست کند
أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ۞ وَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا
تنهای ایشان را و ایشان کافران بودند و چون فرو فرستاده شود سوره که بگروید
بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَ
بخدا و جهاد کردند با رسول او دستوری خواستند از تو خداوندان فرمان از ایشان
قَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ۞ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ
و گفتند بگذارید ما را تا باشیم با نشینندگان خشنود شدند که باشند با
الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۞ لَٰكِنِ الرَّسُولُ
پس گذاشتگان و مهر نهاد بر دلهای ایشان پس ایشان در نمی یابند لیکن پیغمبر
وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَٰئِكَ
و آنها که بگرویدند با او جهاد کردند بمالهای خود و تنهای خود و آن گروه

لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۞ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ
مر ایشان را بود نیکوئیها و آن گروه ایشانند رستگاران بیماره خدای برای ایشان بستانهائی
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۞
که رود از زیر آن جویها همیشه باشند در آنجا و اینست رستگاری بزرگ
وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَ
و آمدند عذرخواهان تا دستوری دهند مر ایشان را و بنشستند آنها که بدروغ داشتند خدا را
من الاعراب
از عربان
رَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ لَيْسَ
و رسول او را زود برسد آنها را که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک نیست
عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَىٰ وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ
بر ضعیفان و نه بر بیماران و نه بر آنها که نیابند آنچه نفقت کنند
حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ
بزه هر برفتن بجهاد چون نصیحت کنند خدا را و رسول او را نبود بر نیکوکاران هیچ راه بزه و خدا
غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ
آمرزگار مهربانست و نه بر آنها که چون آیند بتو تا برنشانی ایشان را بر گوئی تو نمی یابم
مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا
آنچه برنشانم شما را بر آن برگردند و چشمهای ایشان اشک ریزد از اندوه آنکه
يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ۞ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ
نیابند آنچه نفقت کنند بدرستی که راه بزه بر آنهاست که دستوری میخواهند از تو و ایشان

الجزو ۱۱

اغنیاء رضوا بان یکونوا مع الخوالف وطبع الله علی قلوبهم فهم

توانگران بودن خشنود شدند بانک باشند با پس گذاشتگان و مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان پس ایشان

لا یعلمون ۝ یعتذرون الیکم اذا رجعتم الیهم قل

نمیدانند عذر خواهند از شما چون باز گشته باشید شما بدیشان بگو

لا تعتذروا لن نؤمن لکم قد نبأنا الله من اخبارکم و

عذر مخواهید که باور نداریم مر شمارا بدرستی که روشن کرد مارا خدا از خبرهای شما

سیری الله عملکم ورسوله ثم تردون الی عالم الغیب

و زود باز نماید خدا عملهای شمارا و رسول او پس باز گردانیده شوید سوی جز دانندهٔ ناپیدا

والشهادة فینبئکم بما کنتم تعملون ۝ سیحلفون

و پیدا پس بیاگاهاند شمارا بدانچه شما کرده باشید زود سوگند خورند

بالله لکم اذا انقلبتم الیهم لتعرضوا عنهم فاعرضوا

بخدا مر شمارا چون بازگردیده باشید شما بدیشان تا برگردید از ایشان پس برگردید

عنهم انهم رجس ومأویهم جهنم جزاء بما کانوا

از ایشان بدرستی که ایشان پلیداند و جایگاه ایشان دوزخست پاداشتی بدانچه ایشان

یکسبون ۝ یحلفون لکم لترضوا عنهم فان ترضوا

اندوخته باشند سوگند خورند مر شمارا تا خشنود شوید از ایشان پس اگر خشنود شوید شما

عنهم فان الله لا یرضی عن القوم الفاسقین ۝ الاعراب

از ایشان پس بدرستی که خدا خشنود نیست از گروه فاسقان اهل بادیه

اشد کفرا ونفاقا واجدر الا یعلموا حدود ما انزل الله

سخت ترند بکفر و نفاق و بانک نمیدانسته حدهای آنچه فرو فرستاد خدا

علی رسوله والله علیم حکیم ۝ ومن الاعراب من یتخذ

بر رسول خود و خدا داناست محکم کار و از اهل بادیه کس هست که فرا میگیرد

ما ینفق مغرما ویتربص بکم الدوائر علیهم دائرة السوء

آنچه نفقت میکند تاوانی و چشم میدارد بشما حادثهای روزگار بر ایشان باد حادثهای بد

والله سمیع علیم ۝ ومن الاعراب من یؤمن بالله والیوم الآخر

و خدا شنواست دانا و از اهل بادیه کس هست که میگرود بخدا و بروز آخرت

ویتخذ ما ینفق قربات عند الله وصلوات الرسول الا انها

و فرا میگیرد آنچه نفقت میکند نزدیکی جستنی نزد خدا و صلوات دادن بر پیغمبر بدان که آن

قربة لهم سیدخلهم الله فی رحمته ان الله غفور

نزدیکیست مر ایشانرا زود درآورد ایشانرا خدا در رحمت خود بدرستی که خدا آمرزگار

رحیم ۝ والسابقون الاولون من المهاجرین والانصار و

مهربانست و پیشی گیرندگان اولینان از مکیان و مدنیان

الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم ورضوا عنه

آنها که پیروی کردند ایشانرا بنیکوئی خشنود بود خدا از ایشان و خشنود باشند ازو

واعد لهم جنات تجری تحتها الانهار خالدین فیها ابدا

و بیچارد برای ایشان بهشتهای که رود از زیر آن جویها روان جاوید باشند در آنجا همیشه

ذلك الفوز العظيم • ومن حولكم من الأعراب منافقون ومن أهل

آنست رستگاری بزرگ وازآنکه پیرامون شمااند از اهل بادیه منافقانند واز اهل

المدينة مردوا على النفاق لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم

مدینه بازگردیدند بر نفاق نمیدانی تو ایشانرا ما میدانیم ایشانرا زود عذاب کنیم ایشانرا

مرتين ثم يردون إلى عذاب عظيم • وآخرون اعترفوا بذنوبهم

دو باره پس بازگردانیده شوند با عذابی بزرگ ودیگران که معترف شدند بگناهان خود

خلطوا عملا صالحا وآخر سيئا عسى الله أن يتوب عليهم إن

مخلط ساختند کاری نیکو ودیگر بدرا شاید بود که خدا سهل کند بریشان بدرستی

الله غفور رحيم • خذ من أموالهم صدقة تطهرهم وتزكيهم

که خدا آمرزگار مهربانست فراگیر از مالهای ایشان صدقه تا پاک گردانی ایشانرا وتزکیه فرمائی ایشانرا

بها وصل عليهم إن صلوتك سكن لهم والله سميع عليم •

بدان ودعا کن بریشان بدرستی که دعای تو آرامیست مرایشانرا وخدا شنواست دانا

ألم يعلموا أن الله هو يقبل التوبة عن عباده ويأخذ الصدقات

ای ندانستند که خدا او قبول کند توبه را از بندگان خود وفراگیرد صدقهارا

وأن الله هو التواب الرحيم • وقل اعملوا فسيرى الله عملكم

وآنکه خدا اوست توبه پذیرنده مهربان وبگو کار کنید پس زود بنماید خدا عمل شمارا

ورسوله والمؤمنون وستردون إلى عالم الغيب والشهادة

ورسول اورا ومؤمنان وزود بازگردانیده گردانیده شوید بداننده ناپیدا وپیدا

فينبئكم بما كنتم تعملون • وآخرون مرجون لأمر الله إما

پس بیاگاهاند شمارا بدانچه شما کرده باشید ودیگران که امیدوارند فرمان خدارا یا

يعذبهم وإما يتوب عليهم والله عليم حكيم • والذين

عذاب کند ایشانرا ویا سهل کند بریشان وخدا داناست محکم کار وآنها

اتخذوا مسجدا ضرارا وكفرا وتفريقا بين المؤمنين و

که فراگرفتند نماز گاهی [illegible] وازکفر وجدای افکندنی میان مؤمنان

إرصادا لمن حارب الله ورسوله من قبل وليحلفن إن أردنا

ومرآنرا که محاربت کرد با خدا ورسول او از پیش وهرآینه سوگند خورند که نخواستیم ما

إلا الحسنى والله يشهد إنهم لكاذبون • لا تقم فيه

مگر بنیکوئی وخدا گواهی میدهد که ایشان هرآینه دروغ زنانند برنخیزی درآن

أبدا لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه فيه

هرگز هرآینه مسجدی که اساس نهاده شد بر پرهیزکاری از اول روز سزاوارتر که بایستی درآن درآن [illegible]

رجال يحبون أن يتطهروا والله يحب المطهرين • أفمن أسس

مردانی [illegible] دوست میدارند که پاک شوند وپاکی جویند وخدا دوست دارد پاکانرا ای پس آنکه اساس نهاد

بنيانه على تقوى من الله ورضوان خير أم من أسس بنيانه على

بنای کار خودرا بر پرهیزکاری از خدا وخشنودی بهتر یا آنکه اساس نهاد بنای کار خودرا بر

شفا جرف هار فانهار به في نار جهنم والله لا يهدي القوم

[illegible] پس [illegible] در آتش دوزخ وخدا راه ننماید گروه

الظالمين ۝ لا يزال بنيانهم الذي بنوا ريبة في قلوبهم الا ان تقطع

ستمکارانرا همیشه در دلهای ایشان مگر آنک ببرند

قلوبهم والله عليم حكيم ۝ ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم

دلهای ایشانرا وخدا داناست ومحکم کار بدرستی که خدا فراگرفت وبخرید از مؤمنان تنهای ایشانرا

واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون

ومالهای ایشانرا بانک باشد برای ایشانرا بهشت کارزار میکنند در راه خدا پس میکشند

ويقتلون وعدا عليه حقا في التورية والانجيل والقران

وکشته میشوند وعده دادن برآن حقست در توریة وانجیل وقرآن

ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به

وهرکه وفا کند بعهد خود از خدا پس شادی کنید بخرید وفروخت شما آنک خرید وفروخت نمودید بآن

وذلك هو الفوز العظيم ۝ التائبون العابدون الحامدون

وآن آنست رستگاری بزرگ توبه کاران پرستندگان حمدگویان

السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف

روزه داران رکوع کنندگان سجود کنندگان فرماینده گان بنیکوی

والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنين

وبازدارندگان از ناشایست ونگه دارندگان مرحدهای خدارا وبشارت ده مؤمنانرا

ما كان للنبي والذين امنوا ان يستغفروا للمشركين ولو

روا نبود مر پیغمبر را وآنهارا که بگرویدند که آمرزش خواهند مر بت پرستانرا واگرچه

كانوا اولي قربى من بعد ما تبين لهم انهم اصحاب الجحيم ۝ وما

باشند خداوندان خویشی از پس آنچ روشن شد مرایشانرا که ایشان اصحاب دوزخند و

كان استغفار ابرهيم لابيه الا عن موعدة وعدها اياه

نبود آمرزش خواستن ابرهیم پدرخودرا مگر از سر وعده که وعده کرده بود اورا

فلما تبين له انه عدو لله تبرا منه ان ابرهيم لاواه حليم ۝ وما

پس چون روشن شد مراورا که او دشمنست خدایرا بیزار شد ازو بدرستی که ابرهیم بسیار زاری کننده و بردبار

كان الله ليضل قوما بعد اذ هديهم حتى يبين لهم

ونخواست خدا که گمراه کند گروهی را پس از انک راه نمود ایشانرا تا روشن کند مرایشانرا

ما يتقون ان الله بكل شيء عليم ۝ ان الله له ملك السموات

که از چه چیز بپرهیزند بدرستی که خدا بهمه چیزی داناست بدرستی که خدارا مراوراست پادشاهی آسمانها

والارض يحيي ويميت وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير

وزمین زنده کند ومیمیراند ونبود مرشمارا از جز خدا هیچ دوستی ونه یاری کننده

لقد تاب الله على النبي والمهاجرين والانصار الذين اتبعوه في ساعة

بدرستی که سهل کرد خدا بر پیغمبر ومهاجران ومدنیان آنها که پیروی کردند اورا در ساعت

العسرة من بعد ما كاد يزيغ قلوب فريق منهم ثم تاب

دشواری از پس آنچ نزدیک بود که میل کنند دلهای گروهی از ایشان پس سهل کرد

عليهم انه بهم رءوف رحيم ۝ وعلى الثلثة الذين خلفوا حتى

بریشان بدرستی که او بدلیشان مهربان رحمت کننده است

إذا ضاقت عليهم الأرض بما رحبت وضاقت عليهم أنفسهم
چون تنگ شد بریشان زمین بدان فراخی که بود وتنگ شد بریشان تنهای ایشان
وظنوا أن لا ملجأ من الله إلا إليه ثم تاب عليهم ليتوبوا إن الله
ودانند که پناه گاهی نیست از خدا مگر با درگاه او پس سهل کند بریشان تا باز آیند بدرستی که خدا
هو التواب الرحيم • يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع
اوست توبه پذیرنده مهربان ای آنها که ایمان اورده اید بترسید از خدا وباشید با
الصادقين • ما كان لأهل المدينة ومن حولهم من الأعراب
راست گویان صدق دهنده نبود مر اهل مدینه را وآنکه پیرامون ایشانند از اهل بادیه
أن يتخلفوا عن رسول الله ولا يرغبوا بأنفسهم عن نفسه
که خلاف نمایند از فرمان رسول خدا ونه آنکه رغبت نکردندی بتنهای خود از بهر تن او
ذلك بأنهم لا يصيبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة في
آن بسبب آنست که نرسید بدیشان تشنگی ونه رنجی ونه تشویشی در
سبيل الله ولا يطئون موطئا يغيظ الكفار ولا ينالون من
راه خدا که بخشم آورد کافرانرا ونیل نکردند از
عدو نيلا إلا كتب لهم به عمل صالح إن الله
دشمنی هیچ نیلی کردنی مگر که نوشته شد مرایشانرا بدان کاری نیکو بدرستی که خدا
لا يضيع أجر المحسنين • ولا ينفقون نفقة صغيرة
ضایع نکند مزد نیکوکارانرا ونفقت نکردند نه نفقت کردنی کوچک

ولا كبيرة ولا يقطعون واديا إلا كتب لهم ليجزيهم الله
ونه بزرگ ونه بریدند وادی مگر که نوشته شد مرایشانرا تا پاداشت دهد ایشانرا خدا
أحسن ما كانوا يعملون • وما كان المؤمنون
نیکوتر آنچه ایشان کرده باشند ونبودند مؤمنان
لينفروا كافة فلولا نفر من كل فرقة منهم
که بیرون روند همه پس اگر نه چرا بیرون نرفتند از هر گروهی از ایشان
طائفة ليتفقهوا في الدين ولينذروا قومهم إذا
طایفه تا فقیه شوند در دین وتا بیم کنند قوم خودرا چون
يا أيها الذين آمنوا
رجعوا إليهم لعلهم يحذرون • قاتلوا الذين
حزب
باز گردیدند بدیشان تا بود که ایشان برحیزند ای آنها که بگرویده اید کارزار کنید با آنها
يلونكم من الكفار وليجدوا فيكم غلظة واعلموا
که نخشم اورند شمارا از کافران وباید که بیابند درمیان شما درشتی وبدانید
أن الله مع المتقين • وإذا ما أنزلت سورة فمنهم من يقول
که خدا با پرهیزکارانست وچون فرو فرستاده شود سورتی پس از ایشان کس هست که میگوید
أيكم زادته هذه إيمانا فأما الذين آمنوا فزادتهم إيمانا
کدامیست شمارا بزیادت کرد اورا این سوره یعنی پس اما آنها که بگرویده اند پس بزیادت شد ایشانرا یعنی
وهم يستبشرون • وأما الذين في قلوبهم مرض فزادتهم
وایشان شادی میکنند واما آنها که در دلهای ایشان بیماری شک ونفاقست پس بزیادت شد ایشانرا

رجسا الى رجسهم وماتوا وهم كافرون ● اولا يرون انهم

پلیدی با پلیدی ایشان و بمردند وایشان کافران بودند ای نمی بینند که ایشان

يفتنون في كل عام مرة او مرتين ثم لا يتوبون ولا هم

بفتنت افکنده میشوند در هر سالی یکبار یا دو بار پس توبه نمیکنند و نه ایشان

يذكرون ● واذا ما انزلت سورة نظر بعضهم الى بعض

پند میگیرند و چون فرو فرستاده شود سورتی نگرند بعضی ایشان بسوی بعضی

هل يراكم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

ای هیچ می بیند شمارا هیچ یکی پس برگردیدند برگرداند خدا دلهای ایشانرا

بانهم قوم لا يفقهون ● لقد جاءكم رسول من انفسكم

بسبب آنکه ایشان گروهی اند که در نمی یابند براستی که آمد بشما رسولی از تنهای شما

عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف

که دشوارست برو حریص است برشما باایمان مهربانست

رحيم ● فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت

و رحیم دل پس اگر برگردند پس بگو پسنده است مرا خدا نیست خدایی مگر او برو توکل کردم

وهو رب العرش العظيم سورة يونس عليه السلام

و اوست پروردگار عرش بزرگوار

بسم الله الرحمن الرحيم

الر ● تلك ايات الكتاب الحكيم ● اكان للناس عجبا ان اوحينا

منم خدای که می بینم این نشانهای قرآنی با حکمتست ای هست مردمانرا عجب که وحی کردیم

الى رجل منهم ان انذر الناس وبشر الذين امنوا ان لهم

بمردی از جنس ایشان که بیم کن مردمانرا و بشارت ده آنهارا که بگرویدند که مرایشانراست

قدم صدق عند ربهم قال الكافرون ان هذا لساحر مبين

نزد پروردگار ایشان گفتند کافران براستی که این مرد جادوی روشنست

ان ربكم الله الذي خلق السموات والارض في ستة ايام

براستی که پروردگار شما خداست آن خدایی که آفرید آسمانها و زمین در شش روز

ثم استوى على العرش يدبر الامر ما من شفيع الا من بعد اذنه

پس غالب شد بر عرش می اندازد فرمانرا نیست هیچ شفیعی مگر از پس فرمان او

ذلكم الله ربكم فاعبدوه افلا تذكرون ● اليه

آنستان خداست پروردگار شما پس پرستید اورا ای پس پند نمیگیرید باوست

مرجعكم جميعا وعد الله حقا انه يبدؤا الخلق ثم

بازگشت شما همه وعده خدا حق است براستی که او ابتدا میکند آفرینش را پس

يعيده ليجزي الذين امنوا وعملوا الصالحات بالقسط

بازآورد آنرا یا پاداشت دهد آنهارا که بگرویدند و کردند کارهای نیک بعدل و داد

والذين كفروا لهم شراب من حميم وعذاب اليم بما كانوا

و آنها که کافر شدند مرایشانراست آشامیدنی از آب گرم و عذابی دردناک بسبب آنچه بودند

يكفرون ۝ هو الذي جعل الشمس ضياء والقمر نورا
كافر شده‌اند او است آن خدائی که کرد آفتاب را با روشنائی وماه را بمنزلت نوری
وقدره منازل لتعلموا عدد السنين والحساب ۝ ما خلق الله
واندازه کردیم ما آن را منزلهای تا بدانید شمار سالها را وحساب را نیافرید خدا
ذلك الا بالحق يفصل الآيات لقوم يعلمون ۝ ان في اختلاف
آن را مگر بحق پیدا میکنیم نشانها را برای گروهی که بدانند بدرستی که در اختلاف
الليل والنهار وما خلق الله في السموات والارض
شب وروز وآنچه آفرید خدا در آسمانها وزمین
لآيات لقوم يتقون ۝ ان الذين لا يرجون لقاءنا ورضوا
هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بپرهیزند بدرستی که آنها که امید نمیدارند باز رسیدن با ما وخشنود شدند
بالحيوة الدنيا واطمأنوا بها والذين هم عن آياتنا
بزندگانی دنیا وآرام گرفتند بدان وآنها که ایشان از نشانهای ما
غافلون ۝ اولئك مأويهم النار بما كانوا يكسبون ۝
غافلانند آن گروه جایگاه ایشان آتش بود بدانچه ایشان اندوختند
ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات يهديهم ربهم
بدرستی که آنهائی که ایمان آوردند وکردند کارهای نیک راه نماید ایشان را پروردگار ایشان
بايمانهم تجري من تحتهم الانهار في جنات النعيم ۝
بسبب ایمان ایشان بستانهائی که رود از زیر آنها جویها در بهشتها وبستانهای پر نعمت

دعويهم فيها سبحانك اللهم وتحيتهم فيها سلام
خواندن ایشان در آنجا سبحانک اللهم بود وتحیت ایشان در آنجا سلام بود بر یکدیگر
وآخر دعويهم ان الحمد لله رب العالمين ۝ ولو يعجل الله
ودیگر خواندن ایشان آن بود که سپاس مر خدای راست که پروردگار جهانیانست واگر بشتافتی خدا
للناس الشر استعجالهم بالخير لقضي اليهم اجلهم
مر دمان را بدی همچون بشتاب خواستن ایشان نیکی را هر آینه گزارده شدی ایشان را اجل ایشان
فنذر الذين لا يرجون لقاءنا في طغيانهم يعمهون ۝ واذا
پس بگذاریم ما آنها را که امید نمیدارند باز رسیدن با ما تا در گمراهی خود سرگشته شوند وچون
مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما
برسید آدمی زیانی بر خواند ما را در حالتی که بر پهلوها افتاده باشند یا نشسته یا ایستاده پس چون
كشفنا عنه ضره مر كان لم يدعنا الى ضر مسه
برداریم ما از او زیان او را بگذرد گوئیا که نخوانده است ما را بزیانی که رسیده است بدو
كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون ۝ ولقد اهلكنا
همچنین آراسته شد مر گزافکاران را آنچه ایشان میکردند وبدرستی که هلاک کردیم ما
القرون من قبلكم لما ظلموا وجاءتهم رسلهم
گروهانی را که پیش از شما بودند چون ستم کردند وآمدند بدیشان رسولان ایشان
بالبينات وما كانوا ليؤمنوا كذلك نجزي القوم المجرمين ۝
بمعجزات پس نگرویدند همچنین پاداش دهیم گروه کافران را

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ

پس بکردیم ما شما را کاشتکان در زمین از پس ایشان تا بنگریم که چه

تَعْمَلُونَ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ

میکنید وچون خوانند برایشان نشانهای ما را روشن گویند آنها

لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَٰذَا أَوْ بَدِّلْهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي

که امید نمیدارند بما رسیدن ما را بیار قرانی را جز این یا بدل کن آنرا بگو نیست مرا

أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ

که بدل کنم آنرا از نزد خود و از سر خود پیروی نمیکنم مگر آنچه وحی کرده میشود بمن بدرستی که من بترسم

إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ

اگر عاصی شوم در فرمان پروردگار خود از عذاب روزی بزرگ بگو اگر خواستی خدا نخواندمی آنرا

عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا

بر شما و نه دانستمی آنرا پس هستی که درنگ کردم در میان شما مدت از عمر

مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ

پیش از این ای پس استعمال عقل نمیکنید و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافت بر خدا

كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ۝ وَ

دروغ را یا بدروغ داشت نشانهای او را بدرستی که رستگاری نیابند کافران و

يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَ

می پرستند از جز خدا آنچه نه زیانی کند ایشانرا و نه سودی کند ایشانرا

يَقُولُونَ هَٰؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتُنَبِّئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ

میگویند اینها شفیعان ما اند نزد خدا بگو ای می آگاه کنید خدا را بدانچه نداند

فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝

در آسمانها و زمین پاکی و منزه است او و او برتر از آنچه انباز میدارند

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ

و نبودند مردمان مگر یک گروه بر یک دین پس اختلاف کردند و اگر نه سخنی بودی

سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

پیشی گرفته از پروردگار تو هر آینه گزارده شدی کار میان ایشان در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ

و میگویند چرا فرو نفرستاده بر او نشانی از پروردگار او پس بگو که علم غیب مر خدا راست

فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ

پس چشم دارید که من با شما از جمله چشم دارندگانم و چون درچشانیم ما آدمی را

رَحْمَةً مِنْ بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا

رحمتی از پس زیانی که رسیده بود بدیشان آنگه حرا ایشان را بود مکر ساختن در نشانهای ما

قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا تَمْكُرُونَ ۝ هُوَ

بگو خدا زودتر است بمکر ساختن بدرستی که رسولان ما بازنویسند آنچه مکر میسازید شما او

الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ

آن خدای که روان گرداند شما را در خشکی و تری تا چون باشید شما در کشتی

بهم بریح طیبة وفرحوا بها جاءتها ریح عاصف وجاءهم
وبکرد برایشان بادی خوش شاد شوند بدان آید بدان بادی سخت جهنده و آید بدیشان
الموج من کل مکان وظنوا انهم احیط بهم دعوا الله مخلصین
موج از هر جانی و دانند که ایشان را در یابنده است و هلاک میکند بر خوانند خدا را خالص کنندگان
له الدین لئن انجیتنا من هذه لنکونن من الشاکرین • فلما
مر او را دین که اگر برهانی ما را ازاین هر آینه باشیم از جمله شکرکنندگان پس چون
انجیهم اذا هم یبغون فی الارض بغیر الحق یا ایها الناس انما بغیکم
برهاند ایشان را آنگه ایشان جویند در زمین باغی کردن ای مردمان بدرستی که ستم کردن شما
علی انفسکم متاع الحیوة الدنیا ثم الینا مرجعکم فننبئکم
بر تنهای شماست این برخورداری زندگانی دنیاست پس با ماست بازگشت شما پس بیاگاهاند شما را
بما کنتم تعملون • انما مثل الحیوة الدنیا کماء انزلناه
بدانچه شما کرده باشید بدرستی که مثل زندگانی دنیا همچون آبی است که فرو فرستادیم آنرا
من السماء فاختلط به نبات الارض مما یاکل الناس والانعام
از آسمان پس مخلط شد بدان گیاه رستنی زمین از آنچه میخورند مردمان و چهارپایان
حتی اذا اخذت الارض زخرفها وازینت وظن اهلها انهم
تا چون فرا گیرد زمین آرایش خود را و در جنبد و گمان برند اهل آن که ایشان
قادرون علیها اتیها امرنا لیلا او نهارا فجعلناها حصیدا
توانا باشند بر آن آمد بدانجا فرمان ما بشب یا بروز پس گردانیدیم ما آنرا درووده

کان لم تغن بالامس کذلک نفصل الایات لقوم یتفکرون •
گوئیا که در نگ نکردی تو دی روز همچنین هویدا میکنیم نشانها را برای گروهی که اندیشه میکنند
والله یدعوا الی دار السلام ویهدی من یشاء الی صراط
و خدا میخواند بهشت دار السلام و راه می نماید آنرا که خواهد با راه
مستقیم • للذین احسنوا الحسنی وزیادة ولا یرهق
راست مر آنها را که نیکوئی کردند پاداشت بهشت بود و زیاده بر آن نیز و نرسید
وجوههم قتر ولا ذلة اولئک اصحاب الجنة هم فیها
برویهای ایشان گردی و نه خواری آن گروه اصحاب بهشتند ایشان در آنجا
خالدون • والذین کسبوا السیئات جزاء سیئة بمثلها و
همیشه باشند و آنها که اندوختند بدیها را و پاداشت بدی بود بمانند آن
ترهقهم ذلة ما لهم من الله من عاصم کانما اغشیت
و برسید بدیشان خواری نبود مر ایشان را از خدا هیچ نگه دارنده گوئیا که پوشانیده بود
وجوههم قطعا من اللیل مظلما اولئک اصحاب النار هم
رویهای ایشان پاره از شب تاریک آن گروه اصحاب آتش اند ایشان
فیها خالدون • ویوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین
در آنجا همیشه باشند و روزی که جمع کنیم ایشان را همه پس گوئیم مر آنها را
اشرکوا مکانکم انتم وشرکاؤکم فزیلنا بینهم
که انباز داشتند بجای شما شما و انبازان شما پس زایل گردانیدیم ما میان ایشان

وقال شركاؤهم ما كنتم إيانا تعبدون • فكفى
وگویند انبازان ایشان نبودید شما که مارا می پرستیدید پس کفایت
بالله شهيدا بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغافلين •
خدا گواه میانه ما و میانه شما پرستی که بودیم ما از پرستیدن شما هرآینه غافلانیم
هنالك تبلو كل نفس ما أسلفت وردوا إلى الله مولاهم
آنجایگاه آزموده شود هر تنی بدانچه اندوخته بود و رد کرده شوند با خدا که خداوند ایشانست
الحق وضل عنهم ما كانوا يفترون • قل من يرزقكم
بحق و گم شد از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند بگو کیست که روزی دهد شمارا
من السماء والأرض أمن يملك السمع والأبصار ومن يخرج
از آسمان و زمین یا کیست که قادر باشد شنوائی و بینائی را و کیست که بیرون آورد
الحي من الميت ويخرج الميت من الحي ومن يدبر الأمر فسيقولون
زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را از زنده و کیست که اندازد فرمان را پس زود باشد که گویند
الله فقل أفلا تتقون • فذلكم الله ربكم الحق فماذا بعد
که خدا پس بگو ای پس نمی پرهیزید پس آنست خدا پروردگار شما حق پس چه بود پس
الحق إلا الضلال فأنى تصرفون • كذلك حقت كلمة ربك
از حق مگر گمراهی پس از کجا برگردانیده میشوید از حق همچنین واجب شد سخن پروردگار تو
على الذين فسقوا أنهم لا يؤمنون • قل هل من شركائكم
بر آنهائی که تباهی کردند بآنکه ایشان نمی گروند بگو ای هیچ هست از انبازان شما

نصف

من يبدؤا الخلق ثم يعيده قل الله يبدؤا الخلق ثم يعيده
آنکه با بتدا بیافرید خلق را پس باز آفریند آنرا بگو خدا با بتدا بیافرید خلق را پس باز آفریند آنرا
فأنى تؤفكون • قل هل من شركائكم من يهدي إلى الحق
پس از کجا برگردانیده میشوید از حق بگو ای هیچ هست از انبازان شما آنکه راه نماید بحق
قل الله يهدي للحق أفمن يهدي إلى الحق أحق أن يتبع أمن لا يهدي
بگو خدا راه نماید بحق ای پس آنکه راه نماید بحق سزاوارتر که پیروی کنند اورا یا آنکه راه نتواند نمود
إلا أن يهدى فما لكم كيف تحكمون • وما يتبع أكثرهم
مگر که راه نمایند اورا پس چیست مر شمارا چگونه حکم میکنید و پیروی نمیکنند بیشترین ایشان
إلا ظنا إن الظن لا يغني من الحق شيئا إن الله عليم بما يفعلون •
مگر گمانی را بدرستی که گمان بنگزیراند از حق چیزی را بدرستی که خدا داناست بدانچه ایشان میکنند
وما كان هذا القرآن أن يفترى من دون الله ولكن تصديق
و نیست این قرآن که بر بافته باشند آنرا از جز خدای ولیکن باور داشتن
الذي بين يديه وتفصيل الكتاب لا ريب فيه من رب العالمين •
انجیل نیست که در پیش آن بوده و هویدا کردن کتاب هیچ شکی نیست دران که از پروردگار جهانیان
أم يقولون افتراه قل فأتوا بسورة مثله وادعوا من استطعتم
یا میگویند که بر بافته است آنرا محمد بگو پس بیاورید سوره مانند آنرا و بر خوانید آنرا که توانائی دارید
من دون الله إن كنتم صادقين • بل كذبوا بما لم يحيطوا بعلمه
از جز خدای اگر هستید شما راست گوی بلکه دروغ داشتند بدانچه نرسید بدانش آن

وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ

ونيامده بديشان تاويل آن همچنين بدروغ داشتند آنها كه پيش از ايشان بودند پس بنگر

كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَ

بود عاقبت ستمكاران وازيشان كسيست كه مى گرود بدان وازيشان كسيست كه نمى گرود بدان

رَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ ۝ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ

پروردگار تو داناترست بحال تباهى كنندگان واگر بدروغ دارندترا پس بگو مراست عمل من وشماراست

عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ۝

عمل شما شما بيزاريد از آنچه ما مى كنيم ومن بيزارم از آنچه شما مى كنيد

وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا

وازيشان كسيست كه گوش بازمى دارد بتو اى پس تو بتوانى شنوانيدن كرانرا واگرچه ايشان

لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ

درنيابند وازيشان كسيست كه مى نگرد بتو اى پس تو راه توانى نمودن كورانرا

وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ

واگرچه ايشان نه بينند بدرستى كه خدا ستم نكند بر مردمان چيزى وليكن

النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا

مردمان بر نفسهاى خود ستم مى كنند وروزى كه جمع كنيم ايشانرا گوئيا كه درنگ نكرده باشند

إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا

مگر ساعتى از روز شناسند يكديگر را ميان خويش بدرستى كه زيان كار شدند آنها كه

بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ

بباز رسيدن با خدا ونبودند راه يافتگان واگر باز نمائيم ترا بعضى آنچه وعده ميدهيم ايشانرا

أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ۝ وَ

يا جان بستانيم ترا پس با ماست بازگشت ايشان پس خدا گواست بر آنچه ايشان ميكنند

لِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ

ومر هر گروهى را رسولى را بود پس چون آمد رسول ايشان حكم كرده شد ميان ايشان بعدالت وايشانرا

لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ستم نكردند وميگويند كه كى خواهد بود اين وعده اگر هستيد شما راست گويان

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ

بگو قادر نيستم مر تن خود را نه زيانى ونه سودى مگر آنچه خواسته بود خدا مر هر گروهى را اجليست

إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝

چون آمد اجل ايشان پس باز پس نايستند ساعتى ونه فرا پيش توانند رفت

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ

بگو اى چون بينيد شما اگر آيد بشما عذاب او بشب يا بروز چه چيز بشتاب ميخواهند

مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ۝ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ

ازان كافران اى پس چون واقع شود آن عذاب بگرويد شما بدان اكنون و بدرستى كه شما آنرا

تَسْتَعْجِلُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ ٥

بشتاب ميخواستيد پس گفته شود مر آنهارا كه ستم كردند در چشيد عذاب هميشه را

هل تجزون الا بما كنتم تكسبون ۝ ويستنبئونك احق هو

ای پیچ پاداشت داده نشوید مگر بدانچه شما اندوخته باشید ومی پرسند از تو ای حقست آن

قل اي وربي انه لحق وما انتم بمعجزين ۝ ولو ان لكل نفس ظلمت

بگو ای وبحق پروردگار من بدرستیکه آن حقست ونباشید شما فوت شونده از عذاب خدا واگر آنکه بودی مر تنی را که ستم کرد

ما في الارض لافتدت به واسروا الندامة لما راوا العذاب

آنچه در زمینست وخود خواهنده که باز خرید خود را بدان وظاهر کنند پشیمانی را چون ببینند عذاب را

وقضي بينهم بالقسط وهم لا يظلمون ۝ الا ان لله ما في

وحکم کرده شده میان ایشان بعدالت وایشان را ستم نکنند بدانکه مر خدا راست آنچه در

السموات والارض الا ان وعد الله حق ولكن اكثرهم

آسمانها وزمینست بدان بدرستیکه وعده خدا حقست ولیکن بیشتر ایشان

لا يعلمون ۝ هو يحيي ويميت واليه ترجعون ۝ يا ايها الناس

نمی دانند او زنده کند ومیمیراند وبا جزا او باز گردانیده شوید ای مردمان

قد جاءتكم موعظة من ربكم وشفاء لما في الصدور و

بدرستی که آمد بشما پندی از پروردگار شما وشفائی مر آنچه در سینهاست

هدى ورحمة للمؤمنين ۝ قل بفضل الله وبرحمته فبذلك

وراهی ورحمتی بود مر مومنان را بگو بفضل خداست وبرحمت او پس بدانست

فليفرحوا هو خير مما يجمعون ۝ قل ارايتم ما انزل الله لكم

پس باید که شاد شوند آن بهتر از آنچه جمع کنند بگو ای می بینید شما آنچه فرو فرستاد مر شما را

من رزق فجعلتم منه حراما وحلالا قل الله اذن لكم ام على الله تفترون

از روزی پس گردانیدید از آن حرام وحلال بگو ای خدا دستوری داد شما را یا بر خدا دروغ [illegible]

وما ظن الذين يفترون على الله الكذب يوم

یا بر بستید [illegible] وچیست گمان آنها که بر بافند بر خدا دروغ را در روز

القيامة ان الله لذو فضل على الناس ولكن اكثرهم لا يشكرون

قیامت بدرستی که خدا خداوند فضلست بر مردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر نکنند

وما تكون في شان وما تتلوا منه من قران ولا تعملون من عمل الا

ونباشی تو در هیچ کاری ونخوانی از آن از قرآن ونکنی تو هیچ عملی مگر

كنا عليكم شهودا اذ تفيضون فيه وما يعزب عن ربك من

که باشیم ما بر شما گواهان چون شروع کنید در آن ونهان نشود از پروردگار تو

مثقال ذرة في الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا

هم سنگ موری در زمین ونه در آسمان ونه کوچکتر از آن ونه

اكبر الا في كتاب مبين ۝ الا ان اولياء الله لا خوف عليهم

بزرگتر مگر که در لوح روشنست بدان که دوستان خدا هیچ ترسی نبود بر ایشان

ولا هم يحزنون ۝ الذين امنوا وكانوا يتقون ۝ لهم البشرى

ونه ایشان اندوهگین باشند آنها که بگرویدند وبودند پرهیزکاران مر ایشانرا بود بشارت

في الحيوة الدنيا وفي الاخرة لا تبديل لكلمات الله ذلك هو الفوز

در زندگانی دنیا ودر آخرت بدل کننده نیست مر سخنهای خدا را آنست آن رستگاری

العظيم ۝ ولا يحزنك قولهم إن العزة لله جميعا هو السميع العليم
بزرگ واندوهگین مکناد ترا گفتار ایشان بدرستی که عزت مر خدا راست همه اوست شنوا و دانا
ألا إن لله من في السماوات ومن في الأرض وما يتبع الذين يدعون
بدان بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است و پیروی نمیکنند آنها که میخوانند
من دون الله شركاء إن يتبعون إلا الظن وإن هم إلا يخرصون
از جز خدای انبازانی را پیروی نمیکنند مگر گمانی را ونیستند ایشان مگر دروغ زنی
هو الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا
اوست آن خدایی که بیافرید برای شما شب را تا آرام گیرید در آن و روز را سبب بینایی
إن في ذلك لآيات لقوم يسمعون ۝ قالوا اتخذ الله ولدا سبحانه
بدرستی که در آن نشانهاست مر گروهی را که بشنوند گفتند فرا گرفته است خدا فرزندی پاک و منزه است او
هو الغني له ما في السماوات وما في الأرض إن عندكم من
اوست بی نیاز مر او راست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است نیست نزد شما هیچ
سلطان بهذا أتقولون على الله ما لا تعلمون ۝ قل إن الذين
حجتی بدین ای میگوئید بر خدا آنچه نمیدانید بگو بدرستی که آنها
يفترون على الله الكذب لا يفلحون ۝ متاع في
که برمی بافند بر خدا دروغ را رستگار نباشند این برخورداری دنیا
الدنيا ثم إلينا مرجعهم ثم نذيقهم العذاب الشديد بما
اندکست پس با ماست بازگشت ایشان پس بچشانیم ایشان را عذاب سخت بدانچه

حزب

كانوا يكفرون ۝ واتل عليهم نبأ نوح إذ قال لقومه يا قوم إن كان
ایشان کافر شدند و برخوان بر ایشان خبر نوح چون گفت مر قوم خود را ای قوم اگر هست
كبر عليكم مقامي وتذكيري بآيات الله فعلى الله
بزرگ بر شما مقام من و پند دادن من بنشانهای خدا پس بر خدا
توكلت فأجمعوا أمركم وشركاءكم ثم لا يكن
توکل کردم پس جمع شوید در کار خود و انبازان داشتن شما پس نباشد
أمركم عليكم غمة ثم اقضوا إلي ولا تنظرون
کار شما بر شما پوشیده پس حکم کنید بمن و زمان مدهید مرا
فإن توليتم فما سألتكم من أجر إن أجري إلا على الله
پس اگر برگردیده شما پس نمیخواهم شما را بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدا
وأمرت أن أكون من المسلمين ۝ فكذبوه فنجيناه
و فرموده اند مرا که باشم از جمله منقادان پس بدروغ داشتند او را
ومن معه في الفلك وجعلناهم خلائف وأغرقنا الذين
و آنرا که با او بودند در کشتی و گردانیدیم ما ایشان را جانشینان و غرق کردیم ما آنها
كذبوا بآياتنا فانظر كيف كان عاقبة المنذرين
که بدروغ داشتند نشانهای ما را پس بنگر که چگونه بود عاقبت بیم کرده شدگان
ثم بعثنا من بعده رسلا إلى قومهم فجاءوهم بالبينات
پس برانگیختیم ما از پس ایشان رسولی بسوی قوم ایشان پس آمدند بدیشان بمعجزات

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على
پس نبودند که بگروند بآنچه بدروغ داشتند آنرا از پیش همچنین مهر نهیم بر
قلوب المعتدين ۝ ثم بعثنا من بعدهم موسى وهرون الى
دلهای از حد درگذرندگان پس فرستادیم ما از پس ایشان موسی و هارونرا بسوی
فرعون وملائه بآياتنا فاستكبروا وكانوا قوما مجرمين ۝
فرعون و اشراف او بنشانهای ما پس گردنکشی کردند و بودند گروهی کافران
فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا ان هذا لسحر مبين ۝ قال
پس چون آمد بدیشان حق از نزدیک ما گفتند بدرستی که این هر آینه جادویی روشنست گفت
موسى اتقولون للحق لما جاءكم أسحر هذا ولا يفلح الساحرون
موسی ای میگویید مر حق را چون آمد بشما ای جادویست این و رستگاری نیابند جادوان
قالوا أجئتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا وتكون لكما
گفتند ای آمدی با تا برگردانی مارا از آنچه یافتیم ما بر آن پدران خودرا و باشد مر شمارا
الكبرياء في الأرض وما نحن لكما بمؤمنين ۝ وقال فرعون
بزرگی در زمین و نباشیم ما مر شمارا بگروندگان و گفت فرعون
ائتوني بكل ساحر عليم ۝ فلما جاء السحرة قال لهم موسى القوا
بیاورید بمن هر جادوی دانارا پس چون آمدند جادوان گفت مر ایشانرا موسی بیفکنید
ما انتم ملقون ۝ فلما القوا قال موسى ما جئتم به السحر ان الله
آنچه شما اندازندگانید پس چون بیفکندند گفت موسی آنچه آوردید شما بدان جادو بدرستی که خدا

سيبطله ان الله لا يصلح عمل المفسدين ۝ ويحق الله الحق
زود باطل کند آنرا بدرستی که خدا باصلاح نیاورد کار تباهی کنندگانرا و درست گرداند خدا سخن حق را
بكلماته ولو كره المجرمون ۝ فما آمن لموسى الا ذرية من قومه
بسخنان خود و اگرچه کاره دارند کافران پس نگرویدند بموسی مگر فرزندانی از قوم او
على خوف من فرعون وملائهم ان يفتنهم وان فرعون
بر ترسی از فرعون و اشراف ایشان که بفتنه افکند ایشانرا و بدرستی که فرعون
لعال في الأرض وانه لمن المسرفين ۝ وقال موسى يا قوم ان
هرآینه از گردنکشی جست در زمین و بدرستی که او از جملهٔ گزافکاران بود و گفت موسی ای گروه من اگر
كنتم آمنتم بالله فعليه توكلوا ان كنتم مسلمين ۝
هستید شما ایمان دارید بخدا پس بر او توکل کنید اگر هستید شما منقادان
فقالوا على الله توكلنا ربنا لا تجعلنا فتنة للقوم الظالمين ۝
پس گفتند بر خدا توکل کردیم ای پروردگار ما مگردان مارا سبب آزمایشی مر گروهی ستمکارانرا
ونجنا برحمتك من القوم الكافرين ۝ واوحينا الى موسى واخيه
و برهان مارا برحمت خود از گروه کافران و وحی کردیم ما بموسی و برادر او
ان تبوآ لقومكما بمصر بيوتا واجعلوا بيوتكم قبلة واقيموا
که جای دهید مر قوم خودرا در شهر مصر خانهای و بکنید جایهای خودرا نمازگاهی و بپای دارید
الصلوة وبشر المؤمنين ۝ وقال موسى ربنا انك آتيت فرعون
نمازرا و بشارت ده مؤمنانرا و گفت موسی ای پروردگار ما بدرستی که بدادی تو فرعون

وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ

و گروه او را زینتی و مالهائی در زندگانی دنیا ای پروردگار ما تا برگردانند مردمانرا از راه تو

رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا

ای پروردگار ما محو کن مالهای ایشانرا و بهبند بر دلهای ایشان پس نگروند

حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا

تا ببینند عذاب دردناک گفت خدا هر آینه که پاسخ کرده شد خواندن شمارا پس راست باشید

وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ

و پیروی مکنید راه آنهارا که نمیدانند و بگذرانیدیم ما بنی اسرائیل را

الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّىٰ إِذَا

از دریا پس در پی ایشان ایستاد فرعون و لشکرهای او از ستم و دشمنی تا چون

أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ

دریافت او را غرق شدن گفت ایمان آوردم بانکه نیست خدائی مگر آن خدا که بگرویدند بدو

بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَ

بنی اسرائیل و من از جمله منقادانم گفت جبرئیل اکنون میگروی و هر آینه که عاصی شدی از پیش

كُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ۝ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ

و بودی از جمله تباهی کنندگان پس امروز بر هانیم ترا تا باشد مرآنرا که

خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ

پس از تو بود نشانی و هر آینه که بسیاری از مردمان از نشانهای ما هر آینه غافلانند

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مُبَوَّأَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

و هر آینه که جای دادیم ما بنی اسرائیلرا جای خوب و روزی دادیم ما ایشانرا از پاکیها

فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

پس اختلاف نکردند تا آمد بدیشان دانش بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند پس اگر هستی تو در شکی از آنچه فرو فرستادیم ما بتو

فَاسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ

پس بپرس از آنها که میخوانند کتابرا پیش از تو هر آینه که آمد بتو حق از

رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا

پروردگار تو پس مباش از جمله بشک شوندگان و مباش از آنها که بدروغ داشتند

بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَةُ

نشانهای خدا را پس باشی از جمله زیانکاران بدرستی که واجب شد بر ایشان سخن

رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ آيَةٍ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ

پروردگار تو نمی گروند و اگر آوری بدیشان هر نشانی تا ببینند عذاب

الْأَلِيمَ ۝ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ

دردناک پس چرا نبودند اهل دیهی که بگرویدند که سود دهنده بود ایمان آنها مگر قوم یونس

لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ

چون بگرویدند برداشتیم ما از ایشان عذاب رسوائیرا در زندگانی دنیا و برخورداری دادیم ما ایشانرا

الی حین ۝ ولو شاء ربک لامن من فی الارض کلهم جمیعا افانت

تا هنگامی واگر خواستی پروردگار تو هرآینه بگرویدی آنکه در زمینند همه ایشان مجموع همه ای پس تو

تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین ۝ وما کان لنفس ان تؤمن

باکراه بر توانی داشت مردمانرا که باشند مؤمنان ونبود هیچ تنی را که بگرود

الا باذن الله ویجعل الرجس علی الذین لا یعقلون ۝ قل انظروا

مگر بفرمان وخواست خدا ومیکنیم پلیدی را برآنها که استعمال عقل نمیکنند بگو چشم دارید

ماذا فی السموات والارض وما تغنی الایات والنذر عن قوم لا

که چه چیز در آسمانهاست وزمین وچه بکار آیند نشانها وبیم کنندگان از قومی

یؤمنون ۝ فهل ینتظرون الا مثل ایام الذین خلوا من قبلهم

که نمی گروند پس ای هیچ چشم نمی دارند مگر مانند عقوبتهای آنها که گذشتند پیش از ایشان

قل فانتظروا انی معکم من المنتظرین ۝ ثم ننجی رسلنا

بگو پس چشم دارید بدرستی که من از جمله چشم دارندگانم پس میرهانیم ما رسولان خودرا

والذین امنوا کذلک حقا علینا ننج المؤمنین ۝ قل یا ایها

وآنهارا که بگرویدند همچنین واجب بود بر ما رهانیدن مؤمنان بگو ای

الناس ان کنتم فی شک من دینی فلا اعبد الذین تعبدون

مردمان اگر هستید شما در شکی از دین من پس نمی پرستم آنچیزی راکه می پرستید شما

من دون الله ولکن اعبد الله الذی یتوفکم وامرت ان اکون

از جز خدا ولیکن می پرستم خدائی راکه جان میستاند شمارا وفرموده اندمرا که باشم

من المؤمنین ۝ وان اقم وجهک للدین حنیفا ولا تکونن من

از مؤمنان وآنکه براست دار روی خودرا در دین اسلام را مائل از باطل بحق ومباش از جمله

المشرکین ۝ ولا تدع من دون الله ما لا ینفعک ولا یضرک فان

بت پرستان ومخوان از جز خدای آنچه نه سود کند ترا ونه زیان تواند رسانید ترا پس اگر

فعلت فانک اذا من الظالمین ۝ وان یمسسک الله بضر فلا کاشف

بکنی تو پس بدرستی که تو آنگه از ستمکاران باشی واگر برساند بتو خدای زیانی پس نبود دارنده

له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من

مرآنرا مگر او واگر خواهد بتو نیکوئی پس رد کننده نبود مر فضل اورا بهره دهد آن آنرا که خواهد از

عباده وهو الغفور الرحیم ۝ قل یا ایها الناس قد جاءکم الحق

بندگان خود واوست آمرزگار مهربان بگو ای مردمان بدرستی که آمد بشما حق

من ربکم فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه ومن ضل

از پروردگار شما پس هرکه راه یابد پس بدرستی که سود راه یافتن مر اورا بود وهرکه گمره شود

فانما یضل علیها وما انا علیکم بوکیل ۝ واتبع ما یوحی

پس بدرستی که زیان گمراهی بر آن تن بود ونیستم من بر شما کارسازان وپیروی کن آنچه وحی کرده میشود

الیک واصبر حتی یحکم الله وهو خیر الحاکمین ۝

بتو وصبر کن تا حکم کند خدا واو بهترین حکم کنندگانست

سورة هود علیه السلام ماية وثلث وعشرون اية

بامالة

فواصلها
ذ ق ن د ظ ل م ص ط ب

بسم الله الرحمن الرحيم

الر كتاب احكمت اياته ثم فصلت من لدن حكيم خبير ان

این کتابیست که محکم کشاده شد آیتهای آن پس سوید کرده شد است از نزد خدای محکم کار آگاه که

لا تعبدوا الا الله انني لكم منه نذير وبشير وان

پرستید مگر خدا را بدرستی که من شما را از قبل خود بیم کننده‌ام و بشارت دهنده و آنکه

استغفروا ربكم ثم توبوا اليه يمتعكم متاعا

آمرزش خواهید از پروردگار شما پس بازآیید بدو تا برخورداری دهد شما را برخورداری

حسنا الى اجل مسمى ويؤت كل ذي فضل فضله

نیکو تا اجلی نام نهاده و بدهد هر خداوند فضل را فضل او

وان تولوا فاني اخاف عليكم عذاب يوم كبير الى الله

و اگر برگردید پس بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ با خدا است

مرجعكم وهو على كل شيء قدير الا انهم يثنون

بازگشت شما و او بر همه چیزها توانا است بدان که ایشان

صدورهم ليستخفوا منه الا حين يستغشون

سینهای ایشان تا پنهان دارند از او آنزمان که در سر میکشند

ثيابهم يعلم ما يسرون وما يعلنون انه عليم

جامهای خود را میداند آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا میکنند بدرستی که او داناست

بذات الصدور وما من دابة في الارض الا على الله رزقها

به راز سینها و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او

ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب

و میداند آرامگاه آنرا و جایگاه آنها را همه در لوح المحفوظ

مبين وهو الذي خلق السماوات والارض في ستة ايام

روشن است و اوست آن خدایی که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز

وكان عرشه على الماء ليبلوكم ايكم احسن عملا

و بود عرش او بر سر آب تا عاقبت آزمایش نماید شما را که کدامین از شما نیکوترست بعمل

ولئن قلت انكم مبعوثون من بعد الموت ليقولن الذين كفروا

و هر آینه اگر گویی تو که شما برانگیختگان باشید پس از مرگ هر آینه گویند آنها که کافر شدند

ان هذا الا سحر مبين ولئن اخرنا عنهم العذاب الى امة

نیست این مگر سحری روشن و هر آینه اگر باز پس داریم ما از ایشان عذاب را تا مدتی

معدودة ليقولن ما يحبسه الا يوم يأتيهم ليس مصروفا

شمرده شده هر آینه گویند که چه چیز باز داشت او را بدان که روزی که آید بدیشان نبود بگردانیده

عنهم وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ولئن

از ایشان و برسید بدیشان و بال آنچه ایشان بدان استهزا داشتند و هر آینه اگر

اذقنا الانسان منا رحمة ثم نزعناها منه انه ليئوس كفور

در چشانیم ما آدمی را از قبل خود رحمتی پس برکنیم آنرا از او بدرستی که او نومید ناسپاس است



ولئن اذقناه نعماء بعد ضراء مسته ليقولن ذهب السيئات عني

و مراینه اگر در چشانیم ما او را نعمتی پس از زیانی که رسیده بود بدو هرآینه میگوید برفت بدیها از من

انه لفرح فخور ● الا الذين صبروا وعملوا الصالحات اولئك

بدرستی که او شادان و فخر نماینده بود مگر که آنها که صبر کردند و کردند کارهای نیک آن گروه

لهم مغفرة واجر كبير ● فلعلك تارك بعض ما يوحى

مر ایشانرا بود آمرزشی و مزدی بزرگ پس مگر تو ترک کننده بعضی آنچه وحی کرده میشود

اليك وضائق به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه كنز

بتو و تنگ می آید بدان سینهٔ تو تا نگویند چرا فرو نفرستاده نشد بدو گنجی

او جاء معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء وكيل ●

یا چرا نیامد با او فرشته بدرستی که تو بیم کننده ای و خدا بر همه چیزی کارساز

ام يقولون افتريه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتريات

یا میگویند ... بگو پس بیاورید ... بربافته

وادعوا من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين ●

و آواز کنید آنرا که توانائی داشته باشید شما از جز خدا اگر هستید شما راستگویان

فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا

پس اگر پاسخ نکنند مر شما را پس بدانید که آنچه فرو فرستاده شده است بعلم خداست و آنکه نیست خدای مگر

هو فهل انتم مسلمون ● من كان يريد الحيوة الدنيا وزينتها

او پس آیا هیچ منقاد میشوید هر که میخواهد زندگانی دنیا را و آرایش او را

نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون ●

تمام بدهیم ایشانرا عملهای ایشانرا در آنجا و ایشان در آنجا عملشان باز نکاهانند

اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا

آن گروه آنها اند که نبود مر ایشانرا در آخرت مگر آتش و باطل شود آنچه ایشان ساخته باشند

فيها وباطل ما كانوا يعملون ● افمن كان على بينة من

در آنجا و باطل بود آنچه ایشان کرده باشند ای پس آنکه باشد بر حجتی از

ربه ويتلوه شاهد منه ومن قبله كتاب موسى اماما

پروردگار خود و خواند آنرا گواهی دهنده از وی و از پیش او بود کتاب موسی پیشوائی

ورحمة اولئك يؤمنون به ومن يكفر به من الاحزاب

و رحمتی آن گروه ایمان آورند بدان و هر که کافر شود بدان از گروهان

فالنار موعده فلا تك في مرية منه انه الحق من ربك ولكن

پس آتش بود جایگاه او پس مباش در شکی از آن بدرستی که آن حقست از پروردگار تو و لیکن

اكثر الناس لا يؤمنون ● ومن اظلم ممن افترى على الله كذبا

بیشترین مردمان ایمان نمی آورند و کیست ستمکارتر از آنکه بر بافت بر خدا دروغی

اولئك يعرضون على ربهم ويقول الاشهاد هؤلاء الذين

آن گروه عرضه کرده شوند بر خداوند پروردگار خود و گویند گواهان این گروه آنها اند

كذبوا على ربهم الا لعنة الله على الظالمين ● الذين

که دروغ بستند بر پروردگار خود بدان بدرستی که لعنت خدا باد بر ستمکاران آنها

يصدون عن سبيل الله ويبغونها عوجا وهم بالآخرة
کی برکشتند از راه خدا وجستند آن راه را کژی وایشان باخرت
هم كافرون ۝ أولئك لم يكونوا معجزين في الأرض وما كان
ایشان کافرانند آن کروه نباشند عاجزکنندکان در زمین ونباشد
لهم من دون الله من أولياء يضاعف لهم العذاب ما كانوا
ایشانرا از جز خدا هیچ دوستانی دوچند کردانیده شود ایشانرا عذاب نباشند
يستطيعون السمع وما كانوا يبصرون ۝ أولئك الذين
کی توانایی داشته باشند شنودن را ونباشند که ببینند آن کروه آنهااند
خسروا أنفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝
که زیانکار آمدند بتنهای خود وکم شود ازایشان آنچه ایشان برهافته باشند
لا جرم أنهم في الآخرة هم الأخسرون ۝ إن الذين آمنوا
حق که ایشان در آخرت ایشانند زیانکاران بدرستی که آنهاکه ایمان آوردند
وعملوا الصالحات وأخبتوا إلى ربهم أولئك أصحاب الجنة هم
وکردند کارهای نیک بسوی پروردکار خود آن کروه اصحاب بهشتند ایشان
فيها خالدون ۝ مثل الفريقين كالأعمى والأصم و
درآنجا همیشه باشند مثل دوکروه همچون نابینا وبینا
البصير والسميع هل يستويان مثلا أفلا تذكرون ۝ ولقد
وبینا وشنوا ای یکسان باشند بمثل ای پس پند نمی کیرید وبدرستی

أرسلنا نوحا إلى قومه إني لكم نذير مبين ۝ أن لا تعبدوا إلا الله
که فرستادیم ما نوح را بسوی قوم او بدرستی که من مرشمارا بیم کننده ای روشن بانک پرستید مکر خدارا
إني أخاف عليكم عذاب يوم أليم ۝ فقال الملأ الذين كفروا
بدرستی که من میترسم برشما عذاب روز دردناک پس کفتند اشراف آنهاکه کافر بودند
من قومه ما نراك إلا بشرا مثلنا وما نراك اتبعك إلا الذين
از کروه او نمی بینیم ترا مکر آدمی مانند ما ونمی بینیم ترا که پیروی میکنند ترا مکر آنها
هم أراذلنا بادي الرأي وما نرى لكم علينا من فضل بل
که ایشان ارذال ما اند بادیه نشینان ونمی بینیم مرشمارا برما هیچ فضیلتی بلک
نظنكم كاذبين ۝ قال يا قوم أرأيتم إن كنت على بينة
کمان می بریم شمارا دروغکویان کفت ای قوم من ای چه بینید شما اکر باشم من بر حجتی
من ربي وآتاني رحمة من عنده فعميت عليكم أنلزمكموها
از پروردکار خود وبداد مرا رحمتی از نزد خود پس پوشیده بود آن برشما ای الزام توانم کرد شمارا آن
وأنتم لها كارهون ۝ ويا قوم لا أسألكم عليه مالا
وشما مرآنرا نخواهندکانید وای کروه من نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ زری
إن أجري إلا على الله وما أنا بطارد الذين آمنوا إنهم ملاقو ربهم
نیست مزد من مکر بر خدا ونیستم من راننده آنهائی راکه ایمان آوردند بدرستی که ایشان بیننده اند با پروردکار خود
ولكني أراكم قوما تجهلون ۝ ويا قوم من ينصرني من الله إن طردتهم
ولیکن من می بینم شمارا کروهی نادانان وای قوم کیست که یاری دهد مرا از عذاب خدا اکر طلبم ایشانرا

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ
ای پس پند نمیگیرید و نمیگویم مر شما را که نزد منست خزینهای خدا و نمیگویم که من میدانم
الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَن
علم غیب را و نمیگویم مر شما را که فرشته ام و نمیگویم مر آنهارا که خوار دارد چشمهای شما که
يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنفُسِهِمْ إِنِّي إِذًا لَّمِنَ
ندهد ایشانرا خدا خیری خدا داناترست بدانچه در تنهای ایشانست بدرستی که من آنگه از جمله
الظَّالِمِينَ ۝ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا
ستمکاران باشم گفتند ای نوح بدرستی که خصومت کردی با ما پس بسیار کردی با ما خصومت را پس بیار بما
بِمَا تَعِدُنَا إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُم بِهِ اللَّهُ
آنچه وعده میدهی مارا اگر هستی تو از جملهٔ راست گویان گفت بدرستی که آورد بشما آنرا خدا
إِن شَاءَ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ۝ وَلَا يَنفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدتُّ أَنْ
اگر خواهد و نباشید شما عاجز کنندگان و سود نکند شما را نصیحت من اگر خواهم که
أَنصَحَ لَكُمْ إِن كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَن يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ
نصیحت کنم شما را اگر خدا خواهد که بیراه کند شما را اوست پروردگار شما و بجزای او
تُرْجَعُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي
و بجزای او بازگردانیده شوید یا میگویند بربافته است آنرا محمد بگو اگر بربافته باشم آنرا پس بر منست جرم من
وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تُجْرِمُونَ ۝ وَأُوحِيَ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَن يُؤْمِنَ مِن قَوْمِكَ
و من بیزارم از آنچه گناه میکنید و وحی کرده شد بنوح که نخواهند گروید از قوم تو

إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ
مگر آنکه از پیش گرویده پس اندوه مخور بدانچه ایشان کردند و بساز کشتی را
بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ ۝
بنگهداشت ما و بنگهداشت ما و سخن ما در حق آنها که ایشان غرقه شدگانند
وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ
و میساخت کشتی را و هرگاه که میگذشتند برو اشراف از قوم او استهزا میکردند ازو گفت نوح
إِن تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ۝ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
اگر استهزا میکنید از ما پس ما نیز استهزا داریم بشما همچنانکه شما استهزا میدارید پس زود بدانید
مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ
که کیست که آید بدو عذابی که رسوا کند اورا و فرود آید برو عذاب جاوید تا چون آمد
أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِن كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ
فرمان ما و برجوشید تنور گفتیم در نشان در آنجا از هر چیزی دو صنف
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ ۚ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا
و کسان خود را مگر آن کسی که پیشی گرفت برو گفتار وعید و آنرا که بگرویده است و نگرویده بودند با او مگر
قَلِيلٌ ۝ وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي
اندکی و گفت برنشینید در آنجا بنام خداست نگهداشت آن و روان شدن آن بدرستی که پروردگار من
لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ
هر آینه آمرزنده است و مهربان و آن کشتی میبرد ایشانرا در موجی همچون کوهها و برخواند نوح

ابنه وكان في معزل يا بني اركب معنا ولا تكن مع الكافرين

پسر خود را و بود او در جای دور که ای پسرک من در نشین با ما و مباش با کافران

قال سآوي إلى جبل يعصمني من الماء قال لا عاصم اليوم من أمر

گفت کنعان زود پناه دهم با کوهی که نگه دارد مرا از آب گفت نوح نگه دارنده نبود امروز از فرمان

الله إلا من رحم وحال بينهما الموج فكان من المغرقين و

خدا مگر آنرا که رحمت کرده بود و حایل شد میان ایشان موج آب پس بود از جمله غرق شدگان

قيل يا أرض ابلعي ماءك ويا سماء أقلعي وغيض الماء وقضي الأمر

و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را وای آسمان باز ایست و بر جوشید آب و کار گزارده شد

واستوت على الجودي وقيل بعدا للقوم الظالمين ونادى

و راست بایستاد آب بر کنار کوه جودی و گفته شد دوری و هلاکت باد مر گروه ستمکاران را و بر خواند

نوح ربه فقال رب إن ابني من أهلي وإن وعدك الحق وأنت

نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار بدرستی که پسر من از اهل منست و بدرستی که وعده تو حقست و تویی

أحكم الحاكمين قال يا نوح إنه ليس من أهلك إنه عمل

حکم کننده ترین حاکمان گفت خدا ای نوح که او نیست از کسان تو که عمل و کار او

غير صالح فلا تسألن ما ليس لك به علم إني أعظك أن تكون

نه نیکوست پس مخواه از من آنچه نیست ترا بدان دانش بدرستی که من پند میدهم ترا که نباشی

من الجاهلين قال رب إني أعوذ بك أن أسألك ما ليس لي به

از جمله جاهلان گفت نوح ای پروردگار من پناه میگیرم بتو که درخواهم از تو آنچه نیست مرا بدان

علم وإلا تغفر لي وترحمني أكن من الخاسرين قيل

هیچ دانشی و اگر نیامرزی مرا و رحمت نکنی بر من باشم از جمله زیانکاران گفته شد

يا نوح اهبط بسلام منا وبركات عليك وعلى أمم ممن

ای نوح فرود آی بسلامتی از ما و برکتهای بر تو و بر گروهانی از آنک

معك وأمم سنمتعهم ثم يمسهم منا عذاب أليم تلك

با تواند و گروهانی زود برخوردار دهیم ایشانرا پس رسد بدیشان از ما عذابی دردناک آن

من أنباء الغيب نوحيها إليك ما كنت تعلمها أنت ولا قومك

از خبرهای غیبست که وحی میکنیم آنرا بتو نبودی تو که دانی آنرا نه تو و نه قوم تو

من قبل هذا فاصبر إن العاقبة للمتقين وإلى عاد أخاهم

از پیش این پس صبر کن که عاقبت کار مر پرهیزکارانراست و فرستادیم بقوم عاد برادر ایشانرا

هودا قال يا قوم اعبدوا الله ما لكم من إله غيره إن أنتم إلا

هود گفت ای قوم بپرستید خدا را که نیست مر شما را هیچ خدایی جز او نیستید شما مگر

مفترون يا قوم لا أسألكم عليه أجرا إن أجري إلا على الذي

دروغ زنان ای قوم نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر آنکه

فطرني أفلا تعقلون ويا قوم استغفروا ربكم ثم توبوا

که بیافرید مرا ای پس استعمال عقل نمیکنید وای قوم آمرزش خواهید از پروردگار خود پس بازآیید

إليه يرسل السماء عليكم مدرارا ويزدكم قوة إلى قوتكم

بدرگاه او تا بارانی ریزان را قوتی با قوت شما

وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ • قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا

و بر مگردید شما کافران گفتند ای هود نیاوردی تو ما را بحجتی و نیستیم

نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ • إِنْ نَقُولُ

ما ترک کنندگان خدایان خودرا از گفتار تو و نیستیم ما مر ترا گرویدگان نمیگوییم

إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي

مگر که از خود بر رفته بعضی خدایان ما را ببدی گفت که من گواه میگردانم خدا را و گواه باشید که من

بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ • مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ

بیزارم از آنچه انباز قرار میدهید از خداو پس کید سازید بمن همه پس

لَا تُنْظِرُونِ • إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ

زمان مدهید مرا بدرستی که توکل من بر خداست که پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ

دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ •

جنبنده مگر که او فراگیرنده است او را بموی پیشانی او بدرستی که پروردگار من بر راه راست است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ

پس براستی که رسانیدم آنچه فرستاده شده‌ام بدان بشما و خلیفتی بکارد

رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ

پروردگار من گروهی را جز از شما و مضرت نرسانند او را چیزی بدرستی که پروردگار من بر همه

شَيْءٍ حَفِيظٌ • وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

چیزی نگاهبانست و چون آمد فرمان ما برهانیدیم ما هود را و آنهارا که بگرویده بودند با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ • وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا

برحمتی از ما و برهانیدیم ما ایشان را از عذابی درشت و آینده قوم هود که انکار کردند

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

بنشانهای پروردگار خود و عاصی شدند در رسولان خود و پیروی کردند فرمان هر گردنکش ستیهنده

وَأُتْبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ عَادًا

و در پی داشته شدند در این دنیا بلعنتی و در روز قیامت بدان که قوم هود

كَفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ • وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ

کافر شدند در پروردگار خود بدان که دوری و هلاک باد قوم هود را و بفرستادیم بقوم صالح برادر ایشان را

صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ

صالح گفت ای قوم من پرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدایی جز از او او

أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ

بیافرید شما را از زمین و زندگانی داد شما را در آن پس آمرزش خواهید از او

ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ • قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ

پس بازآیید با درگاه او بدرستی که پروردگار نزدیکست باجابت خواننده گفتند ای صالح بدرستی که بودی

فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي

در میان ما امیدوار پیش از این ای نهی میکنی ما را که پرستیم آنچه می پرستیدند پدران ما و بدرستی که ما هر آینه

شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ • قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ

شکی ام از آنچه میخوانید ما را بدان بشک افکننده گفت ای قوم ای چه بینید شما اگر باشم بر حجتی

من ربي وآتاني منه رحمة فمن ينصرني من الله ان عصيته فما
از پروردگار خود وبداده بود مرا از قبل خود رحمتی پس کیست که یاری کند مرا از عذاب خدا اگر نافرمانی کنم او را پس
تزيدونني غير تخسير ● ويا قوم هذه ناقة الله لكم آية
نه زیادت نشوانند مرا جز زیانکاری وای قوم من این ناقه خداست مر شما را معجزه
فذروها تأكل في أرض الله ولا تمسوها بسوء فيأخذكم
پس بگذارید آنرا تا بخورد در زمین خدا و مرسانید آنرا بدی پس فرا گیرد شما را
عذاب قريب ● فعقروها فقال تمتعوا في داركم
عذابی نزدیک پس بکشتند آنرا پس گفت برخورداری گیرید در سرایهای خود
ثلثة أيام ذلك وعد غير مكذوب ● فلما جاء أمرنا نجينا
سه روز آنست وعده جز بدروغ داشته پس چون آمد فرمان ما برهانیدیم
صالحا والذين آمنوا معه برحمة منا ومن خزي يومئذ ان
صالح را وآنهارا که بگرویده بودند با او برحمتی از ما واز رسوائی آن روز بدرستی
ربك هو القوي العزيز ● وأخذ الذين ظلموا الصيحة فأصبحوا
که پروردگار تو اوست نیرومند غالب وفرا گرفت آنهارا که ستم کردند بانگ هایل پس گشتند
في ديارهم جاثمين ● كأن لم يغنوا فيها ألا ان ثمود كفروا
در سرایهای خود مردگان گوئیا که درنگ نکرده بودند در آنجا بدانکه قوم صالح کافر شدند
ربهم ألا بعدا لثمود ● ولقد جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى
در پروردگار خود بدانکه دوری وهلاکت باد قوم صالح را وبدرستی که آمدند ملائکه ما به ابراهیم ببشارت

قالوا سلاما قال سلام فما لبث ان جاء بعجل حنيذ ● فلما رأى
گفتند سلام باد گفت لوط سلام بر شما باد پس درنگ نکرد که آورد گوساله بریان پس چون دید
أيديهم لا تصل اليه نكرهم وأوجس منهم خيفة قالوا لا تخف
دستهای ایشان را که نمیرسید بوی نشناخت ایشانرا و در دل خود گذاشت از ایشان ترسی گفتند مترس
انا أرسلنا الى قوم لوط ● وامرأته قائمة فضحكت فبشرناها
بدرستی که ما فرستاده اند ما را بقوم لوط وزن او ایستاده بود بخندید پس بشارت دادیم اورا
باسحق ومن وراء اسحق يعقوب ● قالت يا ويلتى أألد وانا
باسحق واز پس اسحق بیعقوب گفت ای وای بر من آیا بزایم وحال آنکه من
عجوز وهذا بعلي شيخا ان هذا لشيء عجيب ● قالوا أتعجبين
پیره زنی ام واین شوهر من پیر است بدرستی که این هر آینه چیزی عجبست گفتند ای عجب میدارید
من أمر الله رحمت الله وبركاته عليكم أهل البيت انه حميد
از فرمان خدا رحمت خدا وبرکت او بر شما ای اهل بیت خلیل بدرستی که او ستوده
مجيد ● فلما ذهب عن ابرهيم الروع وجاءته البشرى يجادلنا
بزرگوارست پس چون برفت از ابراهیم ترس وآمد بدو بشارت خصومت کرد با ما
في قوم لوط ● ان ابرهيم لحليم أواه منيب ● يا ابرهيم أعرض
در حق قوم لوط بدرستی که ابراهیم هر آینه بردبار بود آه کننده بازگردنده ای ابراهیم برگرد
عن هذا انه قد جاء أمر ربك وانهم آتيهم عذاب غير مردود
از آن بدرستی که آمد فرمان پروردگار تو وبدرستی که آینده است بدیشان عذابی جز رد کرده

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَٰذَا يَوْمٌ
وچون آمدند رسولان ما بلوط بد آمد ایشانرا و وگفت این روزیست
عَصِيبٌ • وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ
دشوارست وآمدند نزد قوم او واز پیش بودند میکردند بدیهارا
قَالَ يَا قَوْمِ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي
گفت ای قوم من این گروه دختران منند پاکیزه تر شمارا پس بترسید از خدا ورسوا مکنید مرا در میان مهمانان من
أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ • قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ
ای نیست از شما مردی باصواب گفتند بدرستی که دانی تو که نیست مارا در دختران تو هیچ
حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ • قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ
حقی وبدرستی که تو میدانی آنچه ما میخواهیم گفت لوط ای کاشکی بودی مرا بشما قوتی یا پناه گرفتمی تا جای
شَدِيدٍ • قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ
سخت محکم گفتند ای لوط بدرستی که ما رسولان پروردگار توایم نرسند بتو پس ببر
بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ
کسان خودرا بپارهٔ از شب وباید که بازپس ننگرد از شما هیچ یکی مگر زن تو که بدو
مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ •
رسیده است آنچه رسنده است بدیشان بدرستی که وعده ایشان صبحست ای نیست صبح نزدیک
فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ
پس چون آمد فرمان ما گردانیدیم ما زبر آنرا زیر آن وبارانیدیم ما برایشان سنگبارانی از

سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ • مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ • وَ
سنگ گل نشان کرده نزد پروردگار تو ونبود آن از ستمکاران دور وفرستادیم ما
إِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ
بقوم شعیب برادر ایشانرا شعیب گفت ای قوم من بپرستید خدایرا نیست مر شمارا هیچ خدائی جز او
وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ
وبازمکاهانید کیله وترازورا بدرستی که من بینم شمارا بخیر وبدرستی که من میترسم
عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ • وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ
بر شما از عذاب روزی گرد درآینده ودشوار وای قوم من تمام کنید کیله وترازو
بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ
بعدالت وبازمکاهانید مردمانرا چیزهای ایشان ومشتابید در زمین
مُفْسِدِينَ • بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا
تباهی کنندگان این باقی گذاشته خدایست بهتر مر شمارا اگر هستید شما مؤمنان ونیستم
أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ • قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ
من بر شما نگهبان اعمال گفتند ای شعیب ای نمازهای تو میفرماید ترا که
نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ
ترک کنیم ما آنچه می پرستیدند پدران ما یا آنکه کنیم ما در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستی که تو
لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ • قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ
هر آینه تویی بردبار باصواب گفت ای قوم من ای خبر دهید شما اگر باشم بر حجتی

نصف

من ربي ورزقني منه رزقا حسنا وما اريد ان اخالفكم الى
از پروردگار خود و روزی داد مرا از قبل خود روزی نیکو و نمیخواهم که مخالفت کنم شما را

ما انهاكم عنه ان اريد الا الاصلاح ما استطعت وما توفيقي
بدانچه نهی کرده شدم ازان نمیخواهم مگر کار باصلاح آوردن آنچه توانای داشته باشم و نیست اعتماد من

الا بالله عليه توكلت واليه انيب ۝ ويا قوم لا يجرمنكم
مگر بخدا بر او توکل کردم و بادرگاه او باز آمدم و ای قوم بر مداراد شما را

شقاقي ان يصيبكم مثل ما اصاب قوم نوح او قوم هود
خلاف من که برسد شما حادثه مانند آنچه برسید بقوم نوح یا بقوم هود

او قوم صالح وما قوم لوط منكم ببعيد ۝ واستغفروا
یا بقوم صالح و نبودند قوم لوط از شما دور و آمرزش خواهید

ربكم ثم توبوا اليه ان ربي رحيم ودود ۝ قالوا يا شعيب
از پروردگار خود پس باز آیید بدرگاه او بدرستی که پروردگار من مهربانست دوست دار مطیعان گفتند ای شعیب

ما نفقه كثيرا مما تقول وانا لنراك فينا ضعيفا
در نمی یابیم بسیاری از آنچه میگوئی تو و بدرستی که ما می بینیم ترا در میان خود ضعیف

ولولا رهطك لرجمناك وما انت علينا بعزيز ۝ قال يا قوم ارهطي
و اگر نه حرمت اهل قبیلهٔ تو بودی براینه بسنگ میزدیم ترا و نیستی تو بر ما عزیز و ارجمند گفت ای قوم من ای اهل قبیلهٔ من

اعز عليكم من الله واتخذتموه وراءكم ظهريا ان ربي بما
عزیزترند بر شما از فرمان خدا و فرا گرفتید شما آنرا واپس پشتهای خود بدرستی که پروردگار من بدانچه

تعملون محيط ۝ ويا قوم اعملوا على مكانتكم اني عامل سوف
شما میکنید بینا و داناست و ای قوم من کار کنید بر خو و عادت خود بدرستی که من کار کننده ام زود

تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه ومن هو كاذب وارتقبوا
بدانید که کیست که آید بدو عذابی که خوار و رسوا کند او را و کیست که او دروغ گویست و چشم دارید

اني معكم رقيب ۝ ولما جاء امرنا نجينا شعيبا والذين آمنوا معه
بدرستی که من با شما چشم دارنده ام و چون آمد فرمان ما برهانیدیم شعیب را و آنها که بگرویدند با او

برحمة منا واخذت الذين ظلموا الصيحة فاصبحوا في ديارهم
برحمتی از ما و فرا گرفت آنها را که ستم کردند بانگی پس گشتند در سرایهای خود

جاثمين ۝ كان لم يغنوا فيها الا بعدا لمدين كما بعدت
مردگان گوییا که درنگ نکردند در آنجا بدان که دوری و هلاکت باد مر قوم شعیب را همچنانکه هلاک شدند

ثمود ۝ ولقد ارسلنا موسى باياتنا وسلطان مبين ۝ الى فرعون
قوم صالح و بدرستی که بفرستادیم موسی را بنشانهای ما و بحجتی روشن بسوی فرعون

وملائه فاتبعوا امر فرعون وما امر فرعون برشيد ۝ يقدم قومه
و اشراف او پس پیروی کردند فرمان فرعون و نبود فرمان فرعون بصواب در پیش ایستد قوم خود را

يوم القيامة فاوردهم النار وبئس الورد المورود ۝ واتبعوا في
در روز قیامت پس در آورد ایشان را در آتش و بد [illegible] و در پی داشته شدند در

هذه لعنة ويوم القيامة بئس الرفد المرفود ۝ ذلك من انباء
این دنیا لعنتی و در روز قیامت نیز بد [illegible] آن از خبرهای

الْقُرَىٰ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَآئِمٌ وَحَصِيدٌ ۝ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ

اهل شهرهاست که قصه میکویم آنرا بر تو بعضی از آنهاست اثر آن و بعضی اثری نیست و ستم نکردیم ما ایشانرا و لیکن

ظَلَمُوٓا أَنْفُسَهُمْ فَمَآ أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ

ستم کردند بر تنهای خود پس نکزرانید ند از ایشان خدایان ایشان آنهای که میخواندند از

دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ۝

جز خدا هیچ چیزی چون آمد فرمان پروردکار تو و نیفزودند ایشانرا جز تخسیری

وَكَذَٰلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَآ أَخَذَ الْقُرَىٰ وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ

و همچنین بود کرفتن پروردکار تو چون بکیرد اهل دیهی را و آنها ستم کار بوده باشند بدرستی

أَخْذَهُ أَلِيمٌ شَدِيدٌ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ

که کرفتن او دردناک و سخت بود بدرستی که در آن هراینه نشانیست آنرا که ترسید از عذاب

الْآخِرَةِ ذَٰلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَٰلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ۝

آخرت آنست روزی که جمع کرده شوند در آن روز مردمان و آنست روزی که حاضر شوند خلایق

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ ۝ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ

و تاخیر نکنیم آنرا مکر از بهر اجلی شمرده آن روزی که آید سخن نکوید هیچ تنی

إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ۝ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي

مکر بفرمان او پس از ایشان بدبخت بود و نیکبخت بود پس اما آنهای که بدبخت باشند پس در

النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ

آتش باشند مرایشانرا بود در آنجا نالشی و بانکی چون بانک خر همیشه باشند در آنجا مادام که باشند

السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۝ فَلَا تَكُ فِي

آسمانها و زمین مکر آنچه خواسته بود پروردکار تو بخششی جز منت نهاده پس مباش در

مِرْيَةٍ مِمَّا يَعْبُدُ هَٰٓؤُلَآءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ آبَآؤُهُمْ

شکی از آنچه می پرستند این کروه نمی پرستند مکر همچنانک می پرستیدند پدران ایشان

مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ۝ وَلَقَدْ

از پیش و بدرستی که ما هراینه تمام دهندهایم ایشانرا بهره ایشان جز نا کاهانیده شده و بدرستی

آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ

بدادیم ما موسی را کتاب توریة پس اختلاف کردند در آن و اکر نه سخنی بودی پیشی کرفته

مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ۝ وَإِنَّ

از پروردکار تو هراینه کزارده شدی کار میان ایشان و بدرستی که ایشان هراینه در شکی اند از آن بتهمت آورنده و بدرستی

كُلًّا لَمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ

که همه را تمام بدهد ایشانرا پروردکار تو جزاء عملهای ایشانرا بدرستی که او بدانچه ایشان میکنند

خَبِيرٌ ۝ فَاسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا

آکاهست پس ثابت و راست باش همچنانک فرموده شد ترا و آنکه بازآمد با تو و از حد تجاوز منمائید

إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَلَا تَرْكَنُوٓا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ

بدرستی که او بدانچه شما میکنید بیناست و میل مکنید بدانها که ستم کردند پس دریابد شمارا

النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ۝

در آتش و نیست مرشمارا از جز خدای هیچ دوستانی پس یاری کرده نشوید

وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِنَ اللَّيْلِ اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ

وبپای دار نمازرا در دو کناره از روز وبعضی از شب بدرستی که نیکوییها ببرند

السَّيِّئَاتِ ذٰلِكَ ذِكْرٰى لِلذَّاكِرِينَ ۝ وَاصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ

بدیهارا این قرآن پندیست مر پند گیرندگانرا وصبر کن پس بدرستی که خدا

لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ

ضایع نکند مزد نیکوکارانرا پس اگر نه چرا نبودند گروهانی که پیش

قَبْلِكُمْ اُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْاَرْضِ اِلَّا قَلِيلًا

از شما بودند خداوند بقیتی نهی کردند ایشانرا از تباهی کردن در زمین مگر اندکی

مِمَّنْ اَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا اُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا

از آنکه برهانیدیم ما ایشانرا وپیروی کردند آنهارا که ستم کردند آنچه متنعم کرده بودیم ما ایشانرا در آن وبودند

مُجْرِمِينَ ۝ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَاَهْلُهَا

کافران ونه پروردگار تو هلاک کند اهل هیچ دیهی را بستم وظلم واهل آن

مُصْلِحُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا

کار باصلاح آورندگان باشند واگر خواستی پروردگار تو هراینه گردانیدی مردمانرا یک گروه بر یک دین

يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ اِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ وَ

وهمیشه اختلاف کنندگان بودند مگر آنرا که رحمت کرد پروردگار تو وبدین آفرید ایشانرا

تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَاَمْلَاَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ

وتمام شد سخن پروردگار تو که پر کنم دوزخ را از جنس پری وآدمی همه

وَكُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ

وهمه را قصه میگوییم بر تو از خبرهای رسولان تا ثابت بداریم بدان دل ترا

وَجَاءَكَ فِي هٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَ

وآمد ترا درین سوره حق وپند گرفتنی وپند دادنی مؤمنانرا

قُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنَّا عَامِلُونَ

وبگو مر آنهارا که نمی گروند کار کنید برخوی وعادت خود بدرستی که ما کارکنانیم

وَانْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ ۝ وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَ

وچشم دارید که ما با شما چشم دارندگانیم ومر خدا راست غیب آسمانها وزمین

اِلَيْهِ يُرْجَعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ

وباو بازگردد کارها همه آن پس بپرست اورا وتوکل کن برو ونیست پروردگار

سورة يوسف عليه السلام مائة واحد عشر آية

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

غافل از آنچه شما میکنید

فواصلها لم نر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدائی که مهربان بخشاینده

الٓرٰ ۝ تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا

ای انا الله اری آن نشانهای قرآنی با روشنائیست بدرستی که فرو فرستادیم مانرا قرانی بلغت عرب

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا

تا بود که شما استعمال عقل کنید ما قصه میگوییم بر تو خوبترین قصها را بدانچه

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ ۝
وحی کردیم ما بتو داین قرآن و بدرستی که تو بودی از پیش این هرآینه از جملهٔ غافلان ازان

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ
چون گفت یوسف مر پدر خودرا که ای پدر من بدرستی که من درخواب دیدم که یازده ستاره و آفتاب

وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ۝ قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ
و ماه را دیدم ایشان‌را که مرا سجده میکردند گفت ای پسرک من باز نگوی

رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ
خواب خود را بر برادران خود پس کید سازند مر ترا کیدی بدرستی که دیو

لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَ
مر آدمی را دشمنی روشنست و همچنین برگزیند ترا پروردگار تو

يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آلِ
و در آموزاند ترا از تعبیر خوابها و سخنها و تمام کند نعمت او بر تو و بر آل

يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ
یعقوب همچنانک تمام کرد آینه آنرا بر پدر و جد تو از پیش ابرهیم و اسحق

إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ
بدرستی که پروردگار تو داناست محکم کار بدرستی که هست در قصهٔ یوسف و برادران او

آيَاتٌ لِلسَّائِلِينَ ۝ إِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَىٰ أَبِينَا
نشانهای مر سوال کنندگان را چون گفتند که یوسف و برادر او دوست‌ترند پیش پدر ما

ابن یامین

مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ اقْتُلُوا يُوسُفَ
از ما و حال آنکه ما گروهی‌ایم بدرستی که پدر ما در گمراهی روشنست بکشید یوسف را

أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ
یا اندازند اورا بزمین دور تا خالی مانَد شما را روی پدر او را ببینید و باشید از پس آن

قَوْمًا صَالِحِينَ ۝ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي
گروهی نیکوکاران گفت گوینده از ایشان مکشید یوسف را و اندازید اورا در

غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ۝
بن چاه تا بر دارند اورا بعضی از کاروانیان اگر هستید شما کنندگان

حزب

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ ۝
گفتند ای پدر ما چیست مر ترا که امین نمیداری ما را بر یوسف و بدرستی که ما اورا نصیحت کنندگانیم

أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ قَالَ إِنِّي
بفرست اورا با ما فردا تا بچرد و بازی کند و ما مر اورا نگهبانان باشیم گفت که

لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ
اندوهگین میکرداند مرا که ببرید اورا و من میترسم که بخورد اورا گرگ و شما

عَنْهُ غَافِلُونَ ۝ قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا
ازو غافلان باشید گفتند چون بخورد اورا گرگ و ما گروهی‌ایم بدرستی که ما آنگاه

لَخَاسِرُونَ ۝ فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ
هرآینه زیانکاران باشیم پس چون بردند اورا و گرد آمدند که بکنند اورا در بن

الجب واوحينا اليه لتنبئنهم بامرهم هذا وهم لا يشعرون

چاه و وحی کردیم بوی که ترا خبر دهی ایشان را بکار ایشان این و ایشان ندانند

وجاءو اباهم عشاء يبكون • قالوا يا ابانا انا ذهبنا نستبق

و آمدند پدر خود را شبانگاه بگریستند گفتند ای پدر ما برفتیم ما تیر می انداختیم

وتركنا يوسف عند متاعنا فاكله الذئب وما انت بمؤمن

و بگذاشتیم یوسف را نزد رختها کالاها پس بخورد اورا گرگ و نیستی تو باور دارنده

لنا ولو كنا صادقين • وجاءو على قميصه بدم كذب قال

ما را و اگرچه هستیم ما راست گویان و آوردند بر پیراهن او بخونی بدروغ گفت

بل سولت لكم انفسكم امرا فصبر جميل والله المستعان

بلکه بیاراست مر شما را تنها اماره شما کاری را پس بر صبر صبر کردنی نیکو و خدایست که یاری خواهند

على ما تصفون • وجاءت سيارة فارسلوا واردهم فادلى

بر آنچه صفت میکنید و آمدند کاروانیان پس بفرستادند آب آورنده خود را پس فرو گذاشت

دلوه قال يا بشرى هذا غلام واسروه بضاعة والله عليم

دلو خود را گفت ای مژده باد این کودکیست و پنهان کردند او را جهت بضاعتی و خدا داناست

بما يعملون • وشروه بثمن بخس دراهم معدودة وكانوا

بآنچه ایشان میکنند و بفروختند او را بهای اندک درمهایی که شمرده شده و بودند

فيه من الزاهدين • وقال الذي اشتراه من مصر لامراته اكرمي

دران از جمله بی رغبتان و گفت آنکس که خریده بود او را از شهر مصر زن خود را گرامی دار

مثواه عسى ان ينفعنا او نتخذه ولدا وكذلك مكنا

جایگاه او را شاید بود که سود کند ما را یا فرا گیریم او را بفرزندی و همچنین تمکین دادیم ما

ليوسف في الارض ولنعلمه من تأويل الاحاديث والله غالب

مر یوسف را در زمین و تا درآموزانیم او را از تعبیر خوابها و خدا غالبست

على امره ولكن اكثر الناس لا يعلمون • ولما بلغ اشده

بر فرمان خود و لیکن بیشترین مردمان نمی دانند و چون برسید بغایت قوت خود

آتيناه حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين • و

بدادیم او را حکمت و دانش و همچنین پاداش نیکوکاران را و

راودته التي هو في بيتها عن نفسه وغلقت الابواب

درخواست او را آن زنی که یوسف در خانه او بود از بهر تن خود جهت غرض شهوت را و ببست درها را

وقالت هيت لك قال معاذ الله انه ربي احسن مثواي انه

و گفت زلیخا بشتاب گفت پناه بخدا بدرستی که او پروردگار من نیکو کرد جایگاه مرا بدرستی که

لا يفلح الظالمون • ولقد همت به وهم بها لولا ان راى

رستگاری نیابند ستمکاران و بدرستی که قصد کرد زلیخا بیوسف و او نیز بزلیخا اگر نه که دید

برهان ربه كذلك لنصرف عنه السوء والفحشاء انه من

حجت پروردگار خود را همچنین تا بگردانیم از وی بدی و ناشایست بدرستی که او از

عبادنا المخلصين • واستبقا الباب وقدت قميصه من دبر والفيا

بندگان ما بود خالص کاران و پیشی گرفتند بدر رفتن و بدرید پیراهن او را از پس و بیافتند

سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ اَرَادَ بِاَهْلِكَ سُوءًا اِلَّا اَنْ يُسْجَنَ
عزيز را نزديك در خانه گفت زليخا چه بود پاداشت آنكه خواسته بود با اهل و عيال تو بدى مگر كه در زندان كنى
اَوْ عَذَابٌ اَلِيمٌ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ اَهْلِهَا
يا عذابى دردناك گفت زليخا درخواست مرا از بهر تن خود وگواهى داد گواهى دهنده از اهل زليخا
اِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
اگر هست پيراهن او دريده از پيش پس زليخا راست ميگويد و او از جملهٔ دروغ گويانست
وَاِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ
و اگر هست پيراهن او دريده از پس پس زليخا دروغ ميگويد و يوسف از جملهٔ راست گويانست
فَلَمَّا رَاَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ اِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ اِنَّ كَيْدَكُنَّ
پس چون ديدند پيراهن او را دريده بود از پس گفت عزيز كه اين كيد و مكر شما زنانست بدرستى كه كيد و مكر شما
عَظِيمٌ يُوسُفُ اَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ اِنَّكِ كُنْتِ
بزرگست اى يوسف روى بگردان ازين و آمرزش خواه مر گناه خود را كه تو بودى
مِنَ الْخَاطِئِينَ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَاَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ
از جملهٔ خطاكاران وگفتند زنان در شهر مصر كه زن عزيز درخواسته است
فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا اِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
جوان خود را از بهر تن خود بحقيقت كه رسيده است دوستى او بميان دل او بدرستى كه ما مى بينيم او را در گمراهى روشن
فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ اَرْسَلَتْ اِلَيْهِنَّ وَاَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَاً
پس چون شنيد مكر ايشان را بفرستاد بديشان و معد ساخت براى ايشان تكيه جاى

وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ
و بداد هر يكى را از آن زنان كاردى و گفت بيرون آى برايشان
فَلَمَّا رَاَيْنَهُ اَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ اَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا
پس چون ديدند او را بزرگ داشتند او را و مى بريدند دستهاى خود را و گفتند حاش لله نيست اين
بَشَرًا اِنْ هَذَا اِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي
آدمى نيست اين مگر فرشتهٔ نيكو گفت زليخا پس آنست آنكه ملامت ميكرديد مرا
فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ
در حق او و بدرستى كه درخواستم او را از بهر تن خود پس نگه داشت خود را و هر آينه اگر نكند
مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ اَحَبُّ اِلَيَّ
آنچه فرمودم او را هر آينه در زندانش كنم و هر آينه باشد از جملهٔ خواران گفت يوسف اى پروردگار من زندان دوست ترست بمن
مِمَّا يَدْعُونَنِي اِلَيْهِ وَاِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ اَصْبُ اِلَيْهِنَّ وَ
از آنچه ميخوانند مرا بدان و اگر بنگردانى از من كيد اين زنان را ميل كنم بديشان
اَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ
و باشم از جملهٔ نادانان پس اجابت نمود او را پروردگار او پس بگردانيد از او كيد ايشان را
اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَاَوُا الْآيَاتِ
بدرستى كه او شنواى داناست پس ظاهر شد مر ايشان را كه از پس آنچه ديدند نشانها را
لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ اَحَدُهُمَا
كه هر آينه در زندان كنند او را تا هنگامى و در آمدند با او در زندان دو جوان گفت يكى از آن دو مرد

إني أراني أعصر خمرا وقال الآخر إني أراني أحمل فوق رأسي خبزا

که من در خواب میبینم که همی فشردم خمر را وگفت آن دیگر که من در خواب میبینم که نهاده بودم بالای سر خود نان را

تأكل الطير منه نبئنا بتأويله إنا نراك من المحسنين ۝ قال لا يأتيكما

میخوردند مرغان ازان . آگاه کن مارا بتعبیر آن که ما می بینم ترا از جمله نیکو کاران گفت نیاورند بشما

طعام ترزقانه إلا نبأتكما بتأويله قبل أن يأتيكما ذلكما

هیچ خورشی که بخورید آنرا مگر که آگاه کنم شمارا بتعبیر آن پیش ازانکه آورند بشما آن

مما علمني ربي إني تركت ملة قوم لا يؤمنون بالله وهم بالآخرة

ازانچه بیاموخته است مرا پروردگار من که من ترک کردم ملت گروهی را که نمی گروند بخدا وایشان باخرت

هم كافرون ۝ واتبعت ملة آبائي إبراهيم وإسحاق ويعقوب

ایشانند کافران و پیروی کردم ملت پدران خود را ابرهیم واسحق ویعقوب

ما كان لنا أن نشرك بالله من شيء ذلك من فضل الله علينا

نبود مارا که انباز فرا داریم بخدا هیچ چیزی ازان از فضل خدا برما

وعلى الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون ۝ يا صاحبي

و بر مردمان ولیکن بیشترین مردمان شکر نمی کنند ای دو یار

السجن أأرباب متفرقون خير أم الله الواحد القهار ۝ ما تعبدون

در زندان ای خدایان پراکنده بهتر یا خدای یکتای یگانه قهرکننده نمی پرستید

من دونه إلا أسماء سميتموها أنتم وآباؤكم ما أنزل الله

از جز او مگر نامهایی که نام نهاده اید آنرا شما و پدران شما آنچه نفرستاد خدا

بها من سلطان إن الحكم إلا لله أمر ألا تعبدوا إلا إياه

بدان هیچ حجتی نیست حکم مگر خدایرا فرمود آنکه پرستید اورا مگر او را

ذلك الدين القيم ولكن أكثر الناس لا يعلمون ۝ يا صاحبي

آنست دین راست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند ای دو یار من

السجن أما أحدكما فيسقي ربه خمرا وأما الآخر فيصلب

در زندان یا یکی از شما پس بیاشامد خواجه خود را خمر واما آن دیگر پس بردار کنند

فتأكل الطير من رأسه قضي الأمر الذي فيه تستفتيان

پس بخورند مرغان از سر او گزارده شد کار آنچه در آن فتوی میخواهید

وقال للذي ظن أنه ناج منهما اذكرني عند ربك فأنساه الشيطان

وگفت یوسف مرانکس را که پنداشت که او ناجیست ازان هر دو یاد کنی مرا نزد خواجه خود پس از یاد او ببرد دیو

ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين ۝ وقال الملك إني أرى

یاد او نزد خواجه خود پس درنگ کرد در زندان هفت سال یا نه سال وگفت پادشاه که من در خواب دیدم

سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف وسبع سنبلات

هفت گاو فربه را که میخوردند ایشانرا هفت گاو لاغر وهفت خوشه

خضر وأخر يابسات يا أيها الملأ أفتوني في رؤياي إن كنتم للرؤيا

سبز وآن دیگر خشک ای اشراف فتوی دهید مرا در خواب من اگر هستید شما خواب را

تعبرون ۝ قالوا أضغاث أحلام وما نحن بتأويل الأحلام بعالمين

تعبیر گویندگان گفتند این خوابهای شوریده اند و نیستیم ما بتعبیر این خوابها دانایان

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ
وگفت آنکسی که ناجی بود ازان هردو و بایاد آورد پس از مدتی که من بیاگاهانم شما را بخبر این
فَأَرْسِلُونِ ۝ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ
پس بفرستید مرا پیش یوسف ای راست گوی فتوی ده ما را در باب هفت گاو
سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ
فربه که خورند آنرا هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و دیگر
يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ قَالَ تَزْرَعُونَ
خشک تا بود که من بازگردم سوی مردمان تا بود که ایشان بدانند گفت زراعت کنید
سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا
هفت سال پیاپی پس آنچه بردارید شما از فروع پس بگذارید آنرا در خوشه آن مگر اندکی ازانچه
تَأْكُلُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ
بخورید پس آید از پس آن هفت سال سخت بخورند
مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
آنچه فرا پیش داشته باشید شما مر آنها را مگر اندکی ازانچه بگذارید پس آید از پس آن
عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا
سالی که در آن سال باران باراند مردمانرا و در آن سال شیره گیرند وگفت پادشاه بیاورید اورا پس چون
جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي
آمد نزد او پیام گزار گفت بازگرد بسوی خواجه خود پس بازپرس ازو که چه بود حال و کار آن زنانی که

قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ۝ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ
که می بریدند دستهای خودرا بدرستی که پروردگار من بکید ایشان داناست گفت عزیز چه بود حال و کار شما
إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ
چون درخواستید یوسف را از بهر تن خود گفتند خداوندا ندیدیم ما برو هیچ بدی
قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ
گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد حق من درخواسته بودم اورا از بهر تن خود و وی
لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝ ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
از جمله راست گویانست آن بدان کردم تا بداند عزیز که من خیانت نکردم با او در حالت غیبت او و آنکه خدا راه ننماید
الجزو ١٣ كَيْدَ الْخَائِنِينَ ۝ وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ
کید خیانت کنندگانرا و بری نمیکنم تن خودرا بدرستی که نفس اماره فرماینده است ببدی
إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ
مگر آنرا که رحمت کرده بود پروردگار من بدرستی که پروردگار من آمرزگار مهربانست وگفت پادشاه بیاورید اورا
أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ
تا خالص گردانم اورا از بهر تن خود پس چون سخن گفت با او گفت عزیز که تو امروز نزدیک ما با مکانت و
أَمِينٌ ۝ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ۝ وَ
با امانتی گفت یوسف گردان مرا بر خزینهاء زمین بدرستی که من نگهبانم دانا ام و
كَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ
تمکین دادیم ما مر یوسف را در زمین جای گرفت ازانجا هرکجا که بخواهد بهره دهیم

بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ
برحمت خود آنرا که خواهیم وضایع نکنیم مزد نیکوکارانرا ومرآئنه مزد آخرت بهتر
لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ
مرآنهارا که گرویدند وبودند پرهیزکاران وآمدند برادران یوسف پس دررفتند برو
فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ۝ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ
پس بشناخت ایشانرا وآنها مراورا نشناختند وچون بساخت برای ایشان تهیه اسباب ایشان گفت
ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا
بیاورید برادری که شمارا است از پدر شما آیا نمی بینید که من تمام میدهم کیل را ومن
خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ
بهترین فرودآورندگانم پس اگر نمی آورید بمن اورا پس هیچ کیل نیست برشمارا نزد من و نزدیک من میایید
قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ۝ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا
گفتند زود درخواهیم اورا از پدر او وبدرستی که ما هرآئنه کنندگانیم وگفت مر غلامان خودرا که بنهید
بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى
بضاعتهای ایشانرا در بارهای ایشان تا بود که ایشان بشناسند آنرا چون بازگردند بسوی
أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ قَالُوا
کسان خود تا بود که ایشان زود بازآیند پس چون بازگشتند بسوی پدر خود گفتند
يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ
ای پدر ما منع کرده شد از ما کیل پس بفرست با ما برادر مارا تا کیل زیاده کنیم وما اورا نگهبانانیم

قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَى أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ
گفت ای چون ایمن گردانم شمارا برو مگر همچنانکه ایمن گردانیدم شمارا بر برادر او از پیش
فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ
پس خدا بهترین نگهدار است واو رحم کننده ترین رحم کنندگانست وچون گشودند کالای خودرا
وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَذِهِ
یافتند که بضاعتهای ایشانرا رد کرده بودند با ایشان گفتند ای پدر ما اینست
بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ
کالای ما که رد کرده اند با ما و کسان خودرا ومحافظت نمائیم برادر خودرا وزیاده کنیم
كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ۝ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى
یک شتروار غله آن کیل آسانست گفت یعقوب هرگز نفرستم اورا با شما تا
تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ
آورید بمن عهدی از خدا که هرآینه آورید بمن اورا مگر که هلاک کنند شمارا پس چون بدادند اورا
مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا
عهد خود گفت خدا بر آنچه میگوییم کارسازست وگفت ای پسران من در مروید
مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ
از در یک دروازه مصر ودر روید از درهای پراکنده ونمیتوانم گردانید از شما
مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
از خواست خدا هیچ چیزی نیست حکم مگر بخدا بر وست توکل کنم و برو باید که توکل کنند

المتوكلون ● ولما دخلوا من حيث امرهم ابوهم ما كان
توكل كنندگان وچون در رفتند از آنجا كه فرموده بود ايشانرا پدر ايشان نبود
يغني عنهم من الله من شيء الا حاجة في نفس يعقوب
كه بگرداند از ايشان از خواست خدا چيزى مگر حاجتى را در تن يعقوب
قضاها وانه لذو علم لما علمناه ولكن اكثر الناس لا يعلمون ●
كه بگزارد آنرا و بدرستى كه او خداوند دانشى بود ... وليكن بيشترين مردمان نمى دانند
ولما دخلوا على يوسف اوى اليه اخاه قال اني انا اخوك
وچون در رفتند بر يوسف جاى داد با خود برادر خود را گفت كه من برادر توام
فلا تبتئس بما كانوا يعملون ● فلما جهزهم بجهازهم
پس اندوه مخور بدانچه ايشان ميكردند پس چون ساز داد ايشانرا باسباب ايشان
جعل السقاية في رحل اخيه ثم اذن مؤذن ايتها العير
بنهاد صاع خود را در بار برادر خود پس آواز داد آواز دهنده كه اى كاروانيان
انكم لسارقون ● قالوا واقبلوا عليهم ماذا تفقدون
بدرستى كه شما دزدانيد گفتند وروى فرا كردند بر ايشان كه چه چيز گم كرده ايد
قالوا نفقد صواع الملك ولمن جاء به حمل بعير وانا به زعيم ●
گفتند گم كرده ايم صاع پادشاه را و مر آنرا كه آورد آنرا يك بار شتر غله بود و من بدان كفيلم
قالوا تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد في الارض وما كنا
گفتند بحق خدا كه ميدانيد شما كه نيامديم ما تا تباهى كنيم در زمين و نبوديم ما

سارقين

سارقين ● قالوا فما جزاؤه ان كنتم كاذبين ● قالوا جزاؤه
دزدان گفتند چه بود پاداشت اگر باشيد شما دروغ گويان گفتند پاداشت او آنست
من وجد في رحله فهو جزاؤه كذلك نجزي الظالمين
كه يافته شود در بار او پس آنست پاداشت او همچنين پاداشت دهيم ستمكارانرا
فبدا باوعيتهم قبل وعاء اخيه ثم استخرجها من وعاء
پس ابتدا كرد بجوالهاى برادران ايشان پيش از بار برادرش ... از بار برادر
اخيه كذلك كدنا ليوسف ما كان لياخذ اخاه
برادر او همچنين تدبير كرديم مر يوسف را تا فرا گيرد برادر خود را
في دين الملك الا ان يشاء الله نرفع درجات من نشاء و
در دين پادشاهى مگر كه خواستى خدا بلند كنيم مرتبه آنرا كه خواهيم
فوق كل ذي علم عليم ● قالوا ان يسرق فقد سرق اخ له
بالاى هر خداوند دانش دانايست گفتند اگر دزدى كرد بدرستيكه پس دزدى كرد برادرى كه اورا
من قبل فاسرها يوسف في نفسه ولم يبدها لهم قال انتم
بود از پيش پس پنهان داشت آنرا يوسف در تن خود و آشكارا نكرد ايشانرا گفت شما
شر مكانا والله اعلم بما تصفون ● قالوا يا ايها العزيز
بتريد بجايگاه و منزلت و خدا داناتر بدانچه صفت ميكنند گفتند اى عزيز
ان له ابا شيخا كبيرا فخذ احدنا مكانه انا نريك
بدرستى كه او را پدريست پيرى بزرگ پس فرا گير يكى را از ما بجايگاه او بدرستى كه ما مى بينيم ترا

من المحسنين ● قال معاذ الله ان ناخذ الا من وجدنا متاعنا
از نیکوکاران گفت معاذ الله والکریم مگر انرا کریابیم مالی لای خود را

عنده انا اذا لظالمون ● فلما استيئسوا منه خلصوا نجيا قال
نزدیک او وما انگاه از ستمکاران باشیم پس نومید شدند از برادران او با جانبی رفتند راز گویان گفت

كبيرهم الم تعلموا ان اباكم قد اخذ عليكم موثقا من الله و
بزرگ ایشان ای نه استید که پدر شما بدرستی که فرا گرفت از شما عهدی از خدا و

من قبل ما فرطتم في يوسف فلن ابرح الارض حتى ياذن لي
از پیش انچه تقصیر کردید شما در حق یوسف پس هرگز فراتر نروم از زمین مصر تا دستوری دهد مرا

ابي او يحكم الله لي وهو خير الحاكمين ● ارجعوا
پدر من یا فرمان دهد خدای مرا واو بهترین حکم کنندگانست باز گردید شما

الى ابيكم فقولوا يا ابانا ان ابنك سرق وما شهدنا
بسوی پدر خویش بگویید ای پدر ما بدرستی که پسر تو دزدی کرد وگواهی ندهیم

الا بما علمنا وما كنا للغيب حافظين ● واسئل
مگر بدانچه دانیم ما ونیستیم ما علم غیب را نگهبانان وبپرس

القرية التي كنا فيها والعير التي اقبلنا فيها
از اهل شهر که بودیم ما در انجا واز کاروانیان که روی اورده بودیم در انجا

وانا لصادقون ● قال بل سولت لكم انفسكم امرا
وما راست گویانیم گفت یعقوب بلکه بیاراست شما را تنهای شما پس کاری

٩

فصبر جميل عسى الله ان ياتيني بهم جميعا انه هو العليم الحكيم ●
صبر کردنی نیکو شاید که خدا آورد ایشان را بمن همه بدرستی که او دانای محکم کار است

وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف وابيضت عيناه
وبرگشت از ایشان وگفت ای اندوها بر یوسف وسفید شده بود چشمهای او

من الحزن فهو كظيم ● قالوا تالله تفتؤا تذكر يوسف حتى
از اندوه پس او خشم فرو خورده بود گفتند بحق خدا که همیشه باشی یاد کنی تو یوسف را تا

تكون حرضا او تكون من الهالكين ● قال انما اشكوا بثي وحزني
باشی مشرف بر هلاک یا باشی از هلاک شوندگان گفت که گلا از م حدیث بی طاقتی و اندوه خود را

الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون ● يا بني اذهبوا فتحسسوا
با خدا ومیدانم از خدا انچه نمیدانید شما ای پسران من بروید پس تفحص نمایید

من يوسف واخيه ولا تيأسوا من روح الله انه لا ييأس
از حال یوسف وبرادر او ونومید مباشید از رحمت خدای بدرستی که نومید نشوند

من روح الله الا القوم الكافرون ● فلما دخلوا
از رحمت خدای مگر گروه کافران پس چون در رفتند

عليه قالوا يا ايها العزيز مسنا واهلنا الضر وجئنا
برو گفتند ای عزیز برسید با وخانه ان ما زیان و اوردیم ما

ببضاعة مزجاة فاوف لنا الكيل وتصدق علينا
تجارتی از غنیمت بیه پس تمام کن ما را کیل وصدقه کن بر ما

إن الله يجزي المتصدقين ۝ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف
بدرستی که خدا پاداش دهد صدقه کنندگان را گفت ای هیچ دانستید شما که چه کردید شما بیوسف

وأخيه إذ أنتم جاهلون ۝ قالوا أئنك لأنت يوسف قال
وبرادر او چون شما جاهلان بودید گفتند ای توئی یوسف گفت

أنا يوسف وهذا أخي قد من الله علينا إنه من يتق ويصبر
منم یوسف واین برادر منست که منت خدا برما بدرستی که هر که بپرهیزد وصبر کند

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين ۝ قالوا تالله لقد آثرك الله
پس خدا ضایع نکند مزد نیکوکاران را گفتند بحق خدا بدرستی که برگزید خدا ترا

علينا وإن كنا لخاطئين ۝ قال لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم
برما وبودیم وهستیم ما گناهکاران گفت هیچ عتابی نیست بر شما امروز بیامرزد خدا

وهو أرحم الراحمين ۝ اذهبوا بقميصي هذا فألقوه على وجه أبي يأت
واو بهترین رحمت کنندگانست ببرید پیراهن مرا پس اندازید آنرا بر روی پدر من تا آرد

بصيرا وأتوني بأهلكم أجمعين ۝ ولما فصلت العير قال
بینا وبیارید بمن کسان را همه وچون روان شدند گفت

أبوهم إني لأجد ريح يوسف لولا أن تفندون ۝ قالوا تالله إنك
پدر ایشان که من یابم بوی یوسف را اگرچه بخرفی نسبت میکنید مرا گفتند بحق خدا که تو هراینه

لفي ضلالك القديم ۝ فلما أن جاء البشير ألقاه على وجهه
در گمراهی دیرینه پس چون آمد بشیر انداخت بر روی او

فارتد بصيرا قال ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون ۝ قالوا
پس گشت بینا گفت ای نگفتم مر شما را که من میدانم از خدا آنچه شما نمیدانید گفتند

يا أبانا استغفر لنا ذنوبنا إنا كنا خاطئين ۝ قال سوف
ای پدر ما آمرزش خواه برای ما از گناهان ما بدرستی که هستیم ما گناهکاران گفت یعقوب زود

أستغفر لكم ربي إنه هو الغفور الرحيم ۝ فلما دخلوا على
آمرزش خواهم مر شما را از پروردگار خود بدرستی که اوست آمرزگار مهربان پس چون در رفتند بر

يوسف آوى إليه أبويه وقال ادخلوا مصر إن شاء الله آمنين ۝
یوسف جای داد باخود پدر وخاله خودرا وگفت در روید در مصر اگر خواهد خدا ایمنان

ورفع أبويه على العرش وخروا له سجدا وقال يا أبت هذا تأويل
وبرنشانید پدر وخاله خودرا بر تخت وبروی در افتادند برادران بسجود مر اورا وگفت یوسف ای پدر این است تعبیر

رؤياي من قبل قد جعلها ربي حقا وقد أحسن بي إذ أخرجني
خواب من از پیش بدرستی که کرد آنرا پروردگار من بحق وبدرستی که نیکوئی کرد بمن چون بیرون آورد مرا

من السجن وجاء بكم من البدو من بعد أن نزغ الشيطان
از زندان وآورد شمارا از بیابان از پس آنکه وسوسه افکند دیو

بيني وبين إخوتي إن ربي لطيف لما يشاء إنه هو العليم
میان من ومیان برادران من بدرستی که پروردگار من باریک بینست مرانچه خواهد بدرستی که اوست دانای

خاب

الحكيم ۝ رب قد آتيتني من الملك وعلمتني من تأويل
محکم کار ای پروردگار من بدرستی که بدادی مرا از ملک پادشاهی ودر آموختی مرا از تعبیر

الأحاديث فاطر السموات والأرض أنت وليي في الدنيا والآخرة

خوابها ای تو آفریننده آسمانها و زمین تویی دوست من در دنیا و آخرت

توفني مسلما وألحقني بالصالحين ذلك من أنباء الغيب

بمیران مرا مسلمان و در رسان مرا بزمرهٔ نیکوکاران آن از خبرهای غیبست

نوحيه إليك وما كنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم وهم يمكرون

که وحی میکنیم آنرا بتو و نبودی نزدیک ایشان چون جمع آمدند در کار خود و ایشان مکر میساختند

وما أكثر الناس ولو حرصت بمؤمنين وما تسألهم

و نیستند بیشترین مردمان و اگرچه حریصی تو بایمان ایشان و نمیخواهی از ایشان

عليه من أجر إن هو إلا ذكر للعالمين وكأين من آية

بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست آن مگر پندی مر عالمیان را و چند از نشانها

في السموات والأرض يمرون عليها وهم عنها معرضون

که در آسمانها و زمینست که گذر میکنند بر آن و ایشان از آن برگردندگانند

وما يؤمن أكثرهم بالله إلا وهم مشركون أفأمنوا أن

و ایمان ندارند بیشترین ایشان بخدا مگر که ایشان انباز آرندگانند ای پس ایمن شدند

تأتيهم غاشية من عذاب الله أو تأتيهم الساعة بغتة وهم

که آید بدیشان پوششی از عذاب خدا یا آید بدیشان قیامت ناگاه و ایشان

لا يشعرون قل هذه سبيلي أدعو إلى الله على بصيرة أنا ومن

ندانند بگو این راه منست که میخوانم مردمانرا با خدا من بر حجتی ام و آنکه

اتبعني وسبحان الله وما أنا من المشركين وما أرسلنا

پیروی کرد مرا و پاکست خدا و نیستم من از جملهٔ انباز آرندگان و نفرستادیم

من قبلك إلا رجالا نوحي إليهم من أهل القرى أفلم يسيروا

پیش از تو مگر مردانی را که وحی کردیم بدیشان از اهل دیهها ای پس نرفتند

في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من

در زمین پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنهائی که از

قبلهم ولدار الآخرة خير للذين اتقوا أفلا تعقلون

پیش ایشان بودند و هرآینه سرای آخرت بهتر مر آنهارا که پرهیزیدند ای پس استعمال عقل نمیکنید

حتى إذا استيئس الرسل وظنوا أنهم قد كذبوا جاءهم

تا چون نومید شدند رسولان و دانستند که ایشان دروغ داشته شدند آمد بدیشان

نصرنا فنجي من نشاء ولا يرد بأسنا عن القوم المجرمين لقد

نصرت ما پس رهانیم آنرا که خواهیم و رد کرده نشود عذاب ما از گروه کافران بدرستی

كان في قصصهم عبرة لأولي الألباب ما كان حديثا يفترى

که هست در قصهای ایشان عبرتی مر خداوندان خردها نیست این قرآن سخنی بربافته

ولكن تصديق الذي بين يديه وتفصيل كل شيء و

ولیکن باور داشتنی است آنرا که در پیش آن بوده و هویدا کردن هر چیزی را

سورة الرعد ...

هدى ورحمة لقوم يؤمنون

و راهی و رحمتی مر گروهی را که میگرویدند

اصلها
عنبود لو

بسم الله الرحمن الرحيم

انا الله اعلم و ارى

المر • تلك ايات الكتاب والذي انزل اليك من ربك الحق ولكن

این نشانهای کتاب قرآن و آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو حق ولیکن

منم خدای که می دانم و می بینم

اكثر الناس لا يؤمنون • الله الذي رفع السموات بغير عمد

بیشترین مردمان ایمان نمی آورند خدا آن خدایست که برافراشت آسمانها را بی ستونی

ترونها ثم استوى على العرش وسخر الشمس والقمر كل يجري

که می بینید آنرا پس مستولی شد بر عرش و مسخر کرد آفتاب را و ماه را همه میروند

لاجل مسمى يدبر الامر يفصل الايات لعلكم بلقاء ربكم

تا اجلی نام نهاده می اندازد فرمان را هویدا میکند نشانها را تا بود که شما بباز رسیدن با پروردگار خود

توقنون • وهو الذي مد الارض وجعل فيها رواسي وانهارا و

بیقین شوید و اوست آن خدای که بگسترانید زمین را و بدید کرد در آنجا کوههای ثابت بیخ آورا و جویهای

من كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين يغشي الليل

از هر میوه بدید کرد در آنجا دو صنف دو دو در می پوشاند شب را

النهار ان في ذلك لايات لقوم يتفكرون • وفي الارض

بروز بدرستی که در آن مراینه نشانهاست مر گروهی را که اندیشه کنند و در زمین

قطع متجاورات وجنات من اعناب وزرع ونخيل صنوان

پارها نزدیک است و بستانهایی از انگورستانها و کشت زرعها و خرما بستانها

۳

وغير صنوان يسقى بماء واحد ونفضل بعضها على بعض في

و نه جز بسته در خورد داده میشود بآبی یگانه و هویدا میکنیم بعضی آنرا بر بعضی در

و افزونی میدهیم

الاكل ان في ذلك لايات لقوم يعقلون • وان تعجب

خورش بدرستی که در آن مراینه نشانهاست مر گروهی که استعمال عقل کنند و اگر عجب میداری ترا

فعجب قولهم ءاذا كنا ترابا ءانا لفي خلق جديد • اولئك

پس عجبست گفتار ایشان که میگویند ای چون باشیم ما خاکی ای ما در آفرینش نو باشیم آن گروه

الذين كفروا بربهم واولئك الاغلال في اعناقهم واولئك

آنها اند که کافر شدند بپروردگار خود و آن گروه بندها بود در گردنهای ایشان و آن گروه

اصحاب النار هم فيها خالدون • ويستعجلونك بالسيئة

اصحاب آتش اند ایشان در آنجا همیشه باشند و بشتاب میخواهند از تو بدی را

قبل الحسنة وقد خلت من قبلهم المثلات وان ربك

پیش از نیکویی و بدرستی که گذشت از پیش ایشان عقوبتهای پیشینه و بدرستی که پروردگار تو

لذو مغفرة للناس على ظلمهم وان ربك لشديد العقاب •

خداوند آمرزش است بر مردمان بر ستم کردن ایشان و بدرستی که پروردگار تو مراینه سخت عقوبت

ويقول الذين كفروا لولا انزل عليه اية من ربه انما انت منذر

و میگویند آنها که کافر شدند چرا فرو نفرستادند برو نشانی از پروردگار او بدرستی که تو بیم کننده

ولكل قوم هاد • الله يعلم ما تحمل كل انثى وما تغيض

و مر هر گروهی را راه نماینده خدا میداند آنچه بار برگی دارد هر مادینه و آنچه یا شد

الأرحام وما تزداد • وكل شيء عنده بمقدار • عالم الغيب و
رحمها وآنچه زیاد کند وهر چیزی نزد علم او باندازه است اوست داننده ناپیدا
الشهادة الكبير المتعال • سواء منكم من أسر القول و
وپیدا بزرگوار او فرشته است یکسانست از شما آنکه پنهان کرد گفتار را
من جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار •
وآنکه آشکارا کرد آنرا وآنکه او بشب درونده است بروز
له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله إن
راورا از پیش او وازپس او نگه میدارند اورا از فرمان خدا بدرستی
الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بأنفسهم وإذا أراد الله بقوم
که خدا تغییر ندهد آنچه بقومی بود تا تغییر دهند آنچه بتنهای ایشان بود وچون خواهد خدا بقومی
سوءا فلا مرد له وما لهم من دونه من وال • هو الذي يريكم
بدی پس بازگرداننده نبود آنرا ونبود مرایشانرا از جز او هیچ دوستی اوست آن خدائی که بازی نماید شمارا
البرق خوفا وطمعا وينشئ السحاب الثقال • ويسبح الرعد بحمده
آتش ترسان وطمع داران ومیفرستد ابرهای گران بارا وتسبیح میکند بانگ ابر بستایش او
والملائكة من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء و
وفرشتگان از ترس او ومیفرستد بانگهارا پس برساند بدان آنرا که خواهد
وهم يجادلون في الله وهو شديد المحال • له دعوة الحق
وایشان خصومت میکنند در دین خدا واو سخت عقوبتست مراورا خواندن بحق

والذين يدعون من دونه لا يستجيبون لهم بشيء إلا كباسط
وآنهارا که میخوانند از جز او پاسخ نتوانند کرد ایشانرا بچیزی مگر همچنانکه گسترانیده بود
كفيه إلى الماء ليبلغ فاه وما هو ببالغه وما دعاء الكافرين إلا في
هردو کف خودرا بآب تا برسد دهان او وبان ونبود برسنده آن ونیست خواندن کافران مگر در
ضلال • ولله يسجد من في السماوات والأرض طوعا وكرها و
گمراهی ومر خدارا سجده میکند آنکه در آسمانها وزمینست برغبت وبی رغبت
سجده
ظلالهم بالغدو والآصال • قل من رب السماوات والأرض قل الله
وسایهای ایشان بامداد وشبانگاه بگو کیست پروردگار آسمانها وزمین بگو خدا
قل أفاتخذتم من دونه أولياء لا يملكون لأنفسهم نفعا ولا
بگو ای فرا میگیرید شما از جز او دوستانی که قادر نباشند بر تنهای خودرا نه سودی ونه
ضرا قل هل يستوي الأعمى والبصير أم هل تستوي الظلمات
زیانی بگو ای هیچ یکسان باشند نابینا وبینا یا ای هیچ یکسان باشند تاریکیها
والنور أم جعلوا لله شركاء خلقوا كخلقه فتشابه
وروشنائی یا بدید کردند مرخدارا انبازانی که آفریدند همچون آفریدن خدا پس مانند شد
الخلق عليهم قل الله خالق كل شيء وهو الواحد القهار •
آفرینش برایشان بگو خدا آفریدگار همه چیزی است واوست یکتای قهرکننده
أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبدا
فرو فرستاد از آسمان آبی را پس برسانید رودها باندازه پس برداشت سیل کفی

رابيا ومما يوقدون عليه في النار ابتغاء حلية او متاع زبد

وازانچه برمی افروزید بر آن در آتش از بهر جستن زیوری یا بر خورداری کفی

مثله كذلك يضرب الله الحق والباطل فاما الزبد فيذهب

مثل آن همچنین میزند خدا مثلهای حق و باطل را پس اما کف

جفاء واما ما ينفع الناس فيمكث في الارض كذلك يضرب

واما آنچه سود کند مردمانرا پس درنگ کند در زمین همچنین میزند

الله الامثال ● للذين استجابوا لربهم الحسنى والذين لم

خدا مثلهارا مر آنهارا که پاسخ کردند مر فرمان پروردگار خودرا بهشت بود وآنها که

يستجيبوا له لو ان لهم ما في الارض جميعا ومثله معه

پاسخ نکردند مر اورا اگر بودی مرایشانرا آنچه در زمینست همه و مانند آن با آن

لافتدوا به اولئك لهم سوء الحساب ● وماويهم جهنم

خودرا خواستندی بازخرید بدان آن گروه مرایشانرا بود بد حسابی و جایگاه ایشان دوزخ بود

وبئس المهاد ● افمن يعلم انما انزل اليك من ربك الحق

و بد بازگشتنیست دوزخ ای پس آنک داند که آنچه فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو حق است

كمن هو اعمى انما يتذكر اولوا الالباب ● الذين يوفون

چون آنکس بود که نابینا بود هر آینه پند گیرند خداوندان خردها آنها که وفا میکنند

بعهد الله ولا ينقضون الميثاق ● والذين يصلون ما امر الله به

بعهد خدا و نمی شکافند پیمان را وآنها که میپیوندند بدانچه فرمود خدا که بدان

ان يوصل ويخشون ربهم ويخافون سوء الحساب ● والذين

که بپیوندند بدان و می ترسند از پروردگار خود و می ترسند از بدی حساب وآنها که

صبروا ابتغاء وجه ربهم واقاموا الصلوة وانفقوا مما

صبر کردند از بهر جستن رضای پروردگار خود و بپای داشتند نماز را و نفقت کردند از آنچه

رزقناهم سرا وعلانية ويدرءون بالحسنة السيئة

روزی کردیم ایشانرا پنهان و آشکارا و دفع کردند بنیکویی بدی را

اولئك لهم عقبى الدار ● جنات عدن يدخلونها ومن

آن گروه مرایشانرا بود عاقبت آن سرای بستانهای اقامت در روند در آنجا و هر که

صلح من ابائهم وازواجهم وذرياتهم والملئكة

کار باصلاح آورد از پدران ایشان و همجفتان ایشان و فرزندان ایشان و فرشتگان

يدخلون عليهم من كل باب ● سلام عليكم بما

در آیند بر ایشان از هر دری که سلام باد بر شما بدانچه

صبرتم فنعم عقبى الدار ● والذين ينقضون عهد الله من

صبر کردید شما پس نیکو بود عاقبت آن سرای وآنها که باز می شکافند عهد خدارا از

بعد ميثاقه ويقطعون ما امر الله به ان يوصل ويفسدون

پس استواری آن و می برند آنچه فرمود خدا که بدان بپیوندند و تباهی میکنند

في الارض اولئك لهم اللعنة ولهم سوء الدار ● الله يبسط

در زمین آن گروه مرایشانرا بود لعنتی و مرایشانرا بود بدی آن سرای خدا فراخ میگستراند

الرزق لمن يشاء ويقدر وفرحوا بالحيوة الدنيا وما الحيوة الدنيا

روزی مرانرا که خواهد وتنگ باز گیرد وشاد شدند بزندگانی دنیا ونیست زندگانی دنیا

في الاخرة الا متاع ويقول الذين كفروا لولا انزل عليه اية من

در جنب آخرت مگر برخورداری ومیگویند آنانکه کافر شدند چرا فرو نفرستادند برو نشانه از

ربه قل ان الله يضل من يشاء ويهدي اليه من اناب ۝ الذين

پروردگاراو بگو بدرستی که خدا گمراه کند آنرا که خواهد وراه نماید باخود آنرا که بازگردد وباز آید آنانکه

امنوا وتطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن

که بگرویدند وآرام گرفت دلهای ایشان بیاد خدا بدانکه بیاد کرد خدا آرام گیرد

القلوب ۝ الذين امنوا وعملوا الصالحات طوبى لهم وحسن

دلها آنانکه بگرویدند وکارهای نیکو کردند خوشا مرایشانرا ونیکو

ماب ۝ كذلك ارسلناك في امة قد خلت من قبلها امم لتتلو

بازگشتن جای همچنین بفرستادیم ماترا درمیان گروهی که گذشتند پیش ازآنها گروهان تا خوانی تو

عليهم الذي اوحينا اليك وهم يكفرون بالرحمن قل هو

برایشان آنچه وحی کردیم ما بتو وایشان کافر میشوند بخدای روزی دهنده بگو اوست

ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ۝ ولو ان قرانا

پروردگار من نیست خدای مگر او برو توکل کردم وبدرگاه او بازآمدم واگر آنکه قرآنی بودی

سيرت به الجبال او قطعت به الارض او كلم به الموتى

که روان شدی بدان کوهها یا پاره پاره شدی بدان زمین یا سخن کنندی بدان مردگان

بل لله الامر جميعا افلم ييئس الذين امنوا ان لو يشاء الله لهدى

بلکه مرخدایراست فرمان همه پس ندانستند آنانکه بگرویدند که اگر خواستی خدا راه نمودی

الناس جميعا ولا يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعة

مردمانرا همه وهمیشه آنانکه کافر شدند برسد بدیشان بسبب آنچه ساختند داهیه

او تحل قريبا من دارهم حتى ياتي وعد الله ان الله لا يخلف

یا فرود آید نزدیک سراهای ایشان تا آید وعده خدا بدرستی که خدا خلاف نکند

الميعاد ۝ ولقد استهزئ برسل من قبلك فامليت للذين

وعده را وبدرستی که استهزا کردند برسولانی که پیش از تو بودند پس مهلت دادم مرآنانرا

كفروا ثم اخذتهم فكيف كان عقاب ۝ افمن هو قائم

که کافر شدند پس بگرفتم ایشانرا پس چگونه بود عقوبت من آیا پس آنکه او ایستاده ودانا

على كل نفس بما كسبت وجعلوا لله شركاء قل

بر هر تنی بدانچه اندوختند وبدید کردند مرخدایرا انبازانی بگو

سموهم ام تنبئونه بما لا يعلم في الارض ام بظاهر من

نام نهید ایشانرا یا آگاه میکنید او را بدانچه نداند در زمین یا بظاهری از

القول بل زين للذين كفروا مكرهم وصدوا عن السبيل و

گفتار بلکه آراسته مرآنهارا که کافر شدند مکر ایشان وبرگشتند از راه خدا

من يضلل الله فما له من هاد لهم عذاب في الحيوة الدنيا

وهرکه گمراه کند او را خدای پس نبود او را هیچ راه نماینده مرایشانرا بود عذابی در زندگانی دنیا

ولعذاب الآخرة أشق وما لهم من الله من واق مثل الجنة
وهرآینه عذاب آخرت سخت تر ونبود مرایشانرا از عذاب خدا هیچ نگه دارنده مثل بهشت
التي وعد المتقون تجري من تحتها الأنهار أكلها دائم
آنکه وعده داده شد پرهیزکارانرا رود از زیر آن جویها روان خورش آن دائمی بود
وظلها تلك عقبى الذين اتقوا وعقبى الكافرين النار
وسایه آن آنست عاقبت کار آنها که پرهیزیدند وعاقبت سرای کافران آتش بود
والذين آتيناهم الكتاب يفرحون بما أنزل إليك ومن
وآنها که بدادیم مر ایشانرا کتاب شادانند بدانچه فرو فرستاده شد بتو واز
الأحزاب من ينكر بعضه قل إنما أمرت أن أعبد الله ولا
گروهان کس هست که انکار میکند بعضی آنرا بگو بدرستی که فرموده اند مرا که بپرستم خدا را
أشرك به إليه أدعو وإليه مآب وكذلك أنزلناه
وانباز نگردانم بدو باو خوانده شوم وباو هست بازگشت من وهمچنین بفرستادیم قرآنرا
حكما عربيا ولئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك
حکمی برهان عربی وهرآینه اگر پیروی کنی تو مرادهای ایشانرا پس از آنچه آمد بتو
من العلم ما لك من الله من ولي ولا واق ولقد أرسلنا
از دانش نبود مرترا از عذاب خدا هیچ دوستی ونه نگهدارنده وبدرستی که بفرستادیم
رسلا من قبلك وجعلنا لهم أزواجا وذرية وما كان
برسولانی که پیش از تو بودند وبدیه کردیم برای ایشان همخفتانی وفرزندانی ونبود

لرسول أن يأتي بآية إلا بإذن الله لكل أجل كتاب يمحو الله ما يشاء
مرهیچ رسولی را که آورد معجزه مگر بفرمان خدا مر هر اجلی را کتابیست محو کند خدا آنچه خواهد
ويثبت وعنده أم الكتاب وإن ما نرينك بعض الذي نعدهم
وثابت مدارد ونزدیک اوست اصل کتابها واگر بازنمایم ترا بعضی آنچه وعده میدهیم ایشانرا
أو نتوفينك فإنما عليك البلاغ وعلينا الحساب أولم يروا أنا
یا جان بستانیم ترا پس بدرستی که بر تست رسانیدن وبر ماست حساب کردن ای ندیدند که ما
نأتي الأرض ننقصها من أطرافها والله يحكم لا معقب لحكمه
می آوریم فرمانرا بزمین بازکم میکنیم از اطراف آن وخدا حکم کند تعقیب کننده نیست حکم ورا
وهو سريع الحساب وقد مكر الذين من قبلهم فلله المكر
واو زود شمارست وبدرستی که مکر ساختند آنها که پیش از ایشان بودند پس مرخدا راست مکر
جميعا يعلم ما تكسب كل نفس وسيعلم الكفار
همه میداند آنچه میاندوزد هر تنی وزود بدانند کافران
لمن عقبى الدار ويقول الذين كفروا لست مرسلا قل
کرا راست عاقبت آن سرای ومیگویند آنها که کافر شدند نیستی تو فرستاده بگو
كفى بالله شهيدا بيني وبينكم ومن عنده علم الكتاب
بس است خدا گواه میان من ومیان شما وکیست که نزدیک اوست علم کتاب

سورة ابرهیم علیه السلام اربع وخمسون آیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای که بی بیم

الٓرٰ كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ اِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ

این کتابیست که فرو فرستادیم ما آنرا بتو تا بیرون آوری مردمانرا از تاریکیهای کفر بنور ایمان

بِاِذْنِ رَبِّهِمْ اِلٰى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ اَللّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ

بفرمان پروردگار ایشان براه خدای غالب ستوده خدا آن خدائیست که مر او راست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْاَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۝ اَلَّذِينَ

وآنچه در زمینست ووای مر کافرانرا از عذابی سخت آنها

يَسْتَحِبُّونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا عَلَى الْاٰخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ

که دوست تر داشتند زندگانی دنیارا بر آخرت و بر گشتند از راه

اللّٰهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا اُولٰٓئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ وَمَا اَرْسَلْنَا مِنْ

خدا و جویند آن راه کجی آن گروه در گمراهی دور از حق اند و نفرستادیم ما هیچ

رَسُولٍ اِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي

رسولی را مگر بزبان قوم او تا روشن کند مر ایشانرا پس گمراه کند خدا هر که خواهد و راه نماید

مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوسٰى بِاٰيَاتِنَا

آنرا که خواهد واوست غالب محکم کار و بدرستی که بفرستادیم ما موسی را بنشانهای ما

اَنْ اَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِاَيَّامِ اللّٰهِ

که بیرون آور قوم خودرا از تاریکیهای کفر بنور و یاد کن ایشانرا بعقوبات خدا

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا

بدرستی که در آن مر آنرا نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را و چون گفت موسی مر قوم خودرا که یاد کنید

نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ اَنْجٰكُمْ مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ

نعمت خدا بر شما چون برهانید شمارا از آل فرعون در میچشانیدند شمارا

سُوٓءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ اَبْنَاۤءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاۤءَكُمْ وَفِي

بدی عذاب و میکشتند پسران شمارا و زنده میگذاشتند زنان شمارا و در

ذٰلِكُمْ بَلَاۤءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَاِذْ تَاَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ

آن آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ و چون اعلام کرد پروردگار شما که هر آینه اگر شکر کنید شما

لَاَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ۝ وَقَالَ مُوسٰى

بزیادت کنم شمارا و هر آینه اگر کافر شوید شما بدرستی که عذاب من سخت است و گفت موسی

اِنْ تَكْفُرُوا اَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا فَاِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ

اگر کافر شوید شما وانکه در زمینست همه پس بدرستی که خدا بی نیاز

حَمِيدٌ ۝ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ

ستوده است ای نیامد بشما خبر آنها که از پیش شما بودند چون قوم نوح و قوم هود

وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ جَاۤءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ

و قوم صالح و آنها که از پس ایشان بودند نداند ایشانرا مگر خدا که آمدند بدیشان رسولان ایشان

بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا اَيْدِيَهُمْ فِي اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا اِنَّا كَفَرْنَا بِمَا اُرْسِلْتُمْ

بمعجزات پس گردانیدند دستهای خودرا در دهنهای خود و گفتند که ما کافر شدیم بدانچه فرستاده اند شمارا

بِهٖ وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ۝ قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِي اللّٰهِ

بدان و بدرستی که ما هر آینه در شکی ایم از آنچه میخوانید ما را بدان نیک بشک شونده گفتند رسولان ایشان ای در حق خدا

شَكٌّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ

شکیست که نو آفریننده آسمانها و زمینست میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را گناهان شما

وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ

و تاخیر کند شما را تا اجلی نام نهاده گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما میخواهید

أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝

که برگردانید ما را از آنچه می پرستیدند پدران ما پس بیارید ما را حجتی روشن

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلَى حزب

گفتند مر ایشانرا رسولان ایشان نیستیم مگر آدمی مانند شما ولیکن منت نهد خدا بر

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا

آنکه خواهد از بندگان خود و نبود ما را که آوریم شما را هیچ حجتی مگر

بِإِذْنِ اللّٰهِ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ

بفرمان خدا و بر خدا باید که توکل کنند مؤمنان و چیست ما را که تکیه نکنیم

عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى اللّٰهِ

بخدا و بتحقیق که راه نمود ما را راههای ما و هر آینه صبر کنیم بر آنچه رنجانیدید ما را و بر خدا

فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ

پس باید که توکل کنند توکل کنندگان و گفتند آنها که کافر شدند مر رسولان خود را هر آینه بیرون کنیم شما را

مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ

از زمین ما یا در آوریم شما را در دین خود پس وحی کرد بدیشان پروردگار ایشان که هر آینه هلاک کنیم

الظَّالِمِينَ ۝ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ

ستمکاران را و هر آینه ساکن گردانیم شما را در زمین از پس ایشان آنرا که بترسید

مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ۝ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۝

از مقام من و بترسید از وعده من و طلب فتح کردند و نومید شد هر گردنکش ستیهنده

مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ۝ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ

که از پس او بود دوزخ و در خورد داده شود از آبی که از تن دوزخیان برود آشامد آنرا و نه نزدیک بود

يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ

که بگوارد آنرا و آید بدو مرگ از هر جایگاهی و نبود او بمیرنده و از پس او

عَذَابٌ غَلِيظٌ ۝ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ

عذابی بود درشت مثل آنها که کافر شدند به پروردگار خود عملهای ایشان همچون خاکستر بود

اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى

که سخت کرده بود آنرا باد در روزی سخت جهنده توانا نباشند از آنچه اندوخته باشند

شَيْءٍ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ

چیزی آنست آن گمراهی دور از حق ای نگرستی تو که خدا آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ وَمَا ذٰلِكَ

و زمین را بحق اگر خواهد ببرد شما را و آورد خلق نو را و نیست آن

عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ ٱلضُّعَفَٰٓؤُا لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوٓا

برخدا دشوار وبیرون آیند برای خدا همه پس گویند ضعیفان مرآنهارا که گردنکشی کردند

إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنتُم مُّغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ

ما بودیم مر شما پیروان پس ای هیچ هستید شما باز دارندگان از ما از عذاب خدا هیچ چیزی

قَالُوا لَوْ هَدَىٰنَا ٱللَّهُ لَهَدَيْنَٰكُمْ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ أَجَزِعْنَآ أَمْ صَبَرْنَا

گویند اگر راه نمودی ما را خدا هرآینه راه نمودمانی شما را یکسانست بر ما [illegible] یا صبر کنیم

مَا لَنَا مِن مَّحِيصٍ ۝ وَقَالَ ٱلشَّيْطَٰنُ لَمَّا قُضِىَ ٱلْأَمْرُ إِنَّ ٱللَّهَ وَعَدَكُمْ

نیست ما را هیچ گریزگاهی وگوید دیو چون بگزارد کاری بدرستی که خدا وعده داد شما را

وَعْدَ ٱلْحَقِّ وَوَعَدتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِىَ عَلَيْكُم

وعده بحق و وعده دادم شما را پس خلاف کردید شما ونبود مرا بر شما

مِّن سُلْطَٰنٍ إِلَّآ أَن دَعَوْتُكُمْ فَٱسْتَجَبْتُمْ لِى فَلَا تَلُومُونِى

هیچ حجتی مگر آنکه خواندم شما را پس پاسخ کردید شما مرا پس ملامت مکنید مرا

وَلُومُوٓا أَنفُسَكُم مَّآ أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ أَنتُم بِمُصْرِخِىَّ إِنِّى

وملامت کنید تنهای خودرا نیستم من فریادرس شما ونیستید شما فریادرس من بدرستی که من

كَفَرْتُ بِمَآ أَشْرَكْتُمُونِ مِن قَبْلُ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ

کافرشدم بدانچه انباز گردانیدید مرا از پیش بدرستی که ستمکاران مرایشانرا بود عذابی

أَلِيمٌ ۝ وَأُدْخِلَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّٰلِحَٰتِ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن

دردناک ودرآورد آنهارا که بگرویدند وکردند کارهای نیک در بستانهای که رود از

تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَٰمٌ

زیر آن جویها روان همیشه باشند درآنجا بفرمان پروردگار خود تحیت ایشان درآنجا سلام بود

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ

ای ننگریستی که چگونه بزد خدا مثلی همچون سخن پاک خوش چون درختیست پاک

أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى ٱلسَّمَآءِ تُؤْتِىٓ أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ

که بیخ آن ثابت بود وشاخ آن در آسمان بود آورد بار خودرا بهر هنگامی بفرمان

رَبِّهَا وَيَضْرِبُ ٱللَّهُ ٱلْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَثَلُ

پروردگار خود ومیزند خدا مثلهارا برای مردمان تا بود که ایشان پند گیرند ومثل

كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ ٱجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ ٱلْأَرْضِ

سخن پلید زشت همچون درختیست پلید که برکنده از بالای زمین

مَا لَهَا مِن قَرَارٍ ۝ يُثَبِّتُ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا بِٱلْقَوْلِ ٱلثَّابِتِ فِى ٱلْحَيَوٰةِ

که نبود مرآنرا هیچ قرارگاهی ثابت بدارد خدا آنهارا که بگرویدند بگفتار ثابت در زندگانی

ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ وَيُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلظَّٰلِمِينَ وَيَفْعَلُ ٱللَّهُ مَا يَشَآءُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

دنیا ودر آخرت وگمراه کند خدا ستمکارانرا وبکند خدا آنچه خواهد ای ننگریستی

ٱلَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ ٱللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ ٱلْبَوَارِ ۝ جَهَنَّمَ

بآنهایکه بدل کردند نعمت خدارا از ناسپاسی وفرود آوردند قوم خود را درسرای هلاکت دوزخ

يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ ٱلْقَرَارُ ۝ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ

درروند درآنجا پس بد قرارگاهیست وبدید کردند مرخدا را همتایانی تا برگردانند از راه او مردمانرا

قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۝ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا

بگو برخورداری گیرید که بازگشت شما آتش خواهد بود بگو بندگان مرا آنانی که گرویدند تا بپای دارند

الصَّلَوٰةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ

نماز را و تا نفقت کنند از آنچه روزی کردیم بایشان پنهان و آشکارا از پیش آنکه

يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

آید روزی که هیچ خرید و فروختی نبود در آن روز و نه هیچ دوستی خدا آن خدایست که آفرید آسمانها و زمین

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ

و فرو فرستاد از آسمان آبی پس برون آورد بدان از میوها روزی مر شما را و مسخر کرد برای شما

الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ۝ وَسَخَّرَ

کشتی را تا برود در دریا بفرمان او و مسخر کرد برای شما جویها را و مسخر کرد

لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۝ وَ

برای شما آفتاب و ماه را از پی یکدیگر درآیندگان و مسخر کرد مر شما را شب و روز را

آتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا

و بداد شما را از هرچه درخواستید آنرا و اگر خواهید که برشمرید نعمت خدا را بر نتوانید شمردن آنرا

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا

بدرستی که آدمی هر آینه ستمکار ناسپاس است و چون گفت ابراهیم ای پروردگار من بکن این

الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ۝ رَبِّ إِنَّهُنَّ

شهر مکه را شهری ایمن و دور گردان مرا و پسران مرا که پرستیم بتان را ای پروردگار من بدرستی که این

بتان

أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ

گمراه گردانیدند بسیاری را از مردمان پس هر که پیروی کند مرا پس او از منست و هر که عاصی شود مرا پس تو

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ

آمرزگار مهربانی ای پروردگار ما بدرستی که من ساکن گردانیدم بعضی از فرزندان خود را بوادی جز خداوند کشت و زرع نزدیک

بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَوٰةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ

خانه حرم تو ای پروردگار ما تا بپای دارند نماز را پس بکن دلهای مردمان را

تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

که میل کنند بایشان و روزی ده ایشانرا از میوها تا بود که ایشان شکر کنند

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ

ای پروردگار ما بدرستی که تو میدانی آنچه پنهان میکنیم و آنچه آشکارا میکنیم و پوشیده نمیشود بر خدا هیچ چیزی

فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ

نه در زمین و نه در آسمان شکر و سپاس مر خدا را آن خدایی که بخشود بر پیری اسمعیل

وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ ۝ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَوٰةِ وَمِنْ

و اسحق بدرستی که پروردگار من هر آینه شنونده دعاست ای پروردگار من بکن مرا بپای دارنده نماز را و از

ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ۝ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ

فرزندان من نیز ای پروردگار ما و قبول کن خواندن مرا ای پروردگار ما بیامرز مرا و مادر و پدر مرا و مر مومنانرا روزی

يَقُومُ الْحِسَابُ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ

که برخیزد حساب و مپندارید خدا را غافل از آنچه میکنند ستمکاران

إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ۝ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي

بدرستی که تاخیر میکند ایشانرا مر روزی را که خیره شود در او چشمها شتابان بر داشتگان

رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ ۝ وَأَنْذِرِ النَّاسَ

سرهای ایشان باز نگردد بدیشان چشم ایشان و دلهای ایشان خالی اند و بیم کن مردمانرا

يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا

روزی که آید بدیشان عذاب پس گویند آنها که ستم کرده بودند ای پروردگار ما تاخیر کن مارا

إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ الرُّسُلَ ۗ أَوَلَمْ تَكُونُوا

تا اجلی نزدیک تا اجابت کنیم خواندن ترا و پیروی کنیم رسولانرا گوید خدا ای نبود دیده شما

أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ مَا لَكُمْ مِنْ زَوَالٍ ۝ وَسَكَنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ

که سوگند میخوردید از پیش که نبود مر شمارا هیچ زوالی و ساکن شده بودید در جایگاههای

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ

آنها که ستم کردند بر تنهای خود و روشن شد مر شمارا که چگونه کردیم ما بدیشان

وَضَرَبْنَا لَكُمُ الْأَمْثَالَ ۝ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ

و بزدیم ما برای شما مثلها را و بدرستی که مکر کردند مکر ساختن ایشان و نزد خدا

مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۝ فَلَا

جزای مکر ایشان و اگر بود مکر کردن ایشان که زایل شدی از آن کوهها پس

تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

مپندار خدا را خلاف کننده وعده خود رسولان خود را بدرستی که خدا غالبست خداوند کینه کشیدن

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ ۖ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ

روزی که تغییر کرده شود این زمین بزمینی جز این و آسمانها نیز و بیرون آیند مر خدای یکتای

الْقَهَّارِ ۝ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

قهر کننده را و ببینی تو کافرانرا آن روز کردن بهم بستگان بندها

سَرَابِيلُهُمْ مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۝ لِيَجْزِيَ اللَّهُ

پیراهنهای ایشان از قطران بود و بپوشاند روبهای ایشانرا آتش تا پاداشت دهد خدا

كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ هَٰذَا بَلَاغٌ

هر تنی را جزای آنچه اندوخته بود بدرستی که خدا زود شمارست این قرآن رسانیدنیست

لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ

برای مردمان و تا پند کرده شوند بدان و تا بدانند که اوست خدای یگانه و تا پند گیرند

أُولُو الْأَلْبَابِ

خداوندان خردها

سورة الحجر تسع وتسعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۝ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

این نشانهای کتابیاند و قرآنی ظاهر الاعجاز بسا که آرزو کنند آنها که کافر شدند

لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ

که کاشکی بودندی مسلمانان بگذار ایشانرا تا بخورند و برخورداری بگیرند و مشغول کند ایشانرا آرزو

فواصله

الجزء الرابع عشر

فسوف يعلمون ۝ وما اهلكنا من قرية الا ولها كتاب معلوم

پس زود بدانند ۝ و هلاک نکردیم ما هیچ اهل دیهی را مگر که بود مرآنرا نامهٔ دانسته شده

ما تسبق من امة اجلها وما يستأخرون ۝ وقالوا يا ايها الذي نزل

پیشی نگیرد هیچ گروهی اجل خودرا و باز پس نایستند ۝ وگفتند ای آنکسی که فرو فرستاده شده

عليه الذكر انك لمجنون ۝ لوما تأتينا بالملائكة ان كنت من

بر و قرآن که تو دیوانهٔ ۝ چرا نیاوری بما فرشتگانرا اگر هستی تو از

الصادقين ۝ ما ننزل الملائكة الا بالحق وما كانوا اذا

راست گویان ۝ فرو نفرستیم فرشتگانرا مگر بحق و نباشند آنگه

منظرين ۝ انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون ۝ ولقد

زمان دادگان ۝ بدرستی که ما فرو فرستادیم قرآنرا و ما مرآنرا نگهبانانیم ۝ و بدرستی

ارسلنا من قبلك في شيع الاولين ۝ وما يأتيهم من رسول الا

که بفرستادیم ما پیش از تو در میان گروهان اولینان ۝ و نیامد بدیشان هیچ رسولی مگر

كانوا به يستهزءون ۝ كذلك نسلكه في قلوب المجرمين

که بودند بدان استهزا میکردند ۝ همچنین درآوردیم ما آنرا در دلهای کافران

لا يؤمنون به وقد خلت سنة الاولين ۝ ولو فتحنا عليهم بابا

که نمی گروند بدان و بدرستی که گذشت طریقت اولینان ۝ واگر برگشودمانی بریشان دری

من السماء فظلوا فيه يعرجون ۝ لقالوا انما سكرت ابصارنا بل

از آسمان پس همیشه درآن بالا بر رفتندی ۝ آینه بگویند که درپوشیده اند بینائیهای ما بلکه

نحن قوم مسحورون ۝ ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها

ما گروهی هستیم جادو کرده شدگان ۝ و بدرستی که بدید کردیم ما در آسمان برجهای و بیاراستیم ما آنرا

للناظرين ۝ وحفظناها من كل شيطان رجيم ۝ الا من استرق

برای نگرندگان ۝ ونگه بداشتیم ما آنرا از هر دیوی رانده ۝ مگر آنکه

السمع فاتبعه شهاب مبين ۝ والارض مددناها والقينا فيها

شنودن را ۝ پس در پی او آید آتش روشن ۝ و زمینرا که بگستردیم ما آنرا و انداختیم ما درآنجا

رواسي وانبتنا فيها من كل شيء موزون ۝ وجعلنا لكم فيها

کوههای ثابت را ۝ و برویانیدیم ما درآنجا از هر چیزی موزون بحکمت ۝ و بدید کردیم ما شمارا درآنجای

معايش ومن لستم له برازقين ۝ وان من شيء الا عندنا خزائنه

سبب معاش ۝ و آنرا که نیستید شما مرا او را روزی دهندگان ۝ و نیست هیچ چیزی مگر نزد ما است خزینهای آن

وما ننزله الا بقدر معلوم ۝ وارسلنا الرياح لواقح فانزلنا

و فرو نفرستیم ما آنرا مگر باندازهٔ دانسته ۝ و بفرستادیم ما بادها را بار دار ۝ پس فرو فرستادیم

من السماء ماء فاسقيناكموه وما انتم له بخازنين ۝ و

از آسمان آبی را ۝ پس درخورد دادیم ما آن شمارا ۝ و نبود بید شما مرآنرا نگه دارندگان

انا لنحن نحيي ونميت ونحن الوارثون ۝ ولقد علمنا المستقدمين

و بدرستی که ما زنده کنیم و بمیرانیم و مائیم میراث گیرندگان ۝ و بدرستیکه بدانیم پیشی برندگانرا

منكم ولقد علمنا المستأخرين ۝ وان ربك هو يحشرهم

از شما ۝ و بدرستی که بدانیم بازپسینانرا ۝ و بدرستی که پروردگار تو او جمع کند ایشانرا

إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ

بدرستی که او محکم کار داناست ۝ و بدرستی که آفریدیم ما آدمی را از گل خشک از لوشی

مَّسْنُونٍ ۝ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ مِن نَّارِ السَّمُومِ ۝ وَإِذْ

بوی بگردانیده ۝ و پدر پریان را آفریدیم ما او را از پیش از آتش گرم سموم ۝ و چون

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

گفت پروردگار تو فرشتگان را که من آفریننده ام آدمی از گل خشک از لوشی بوی بگردانیده

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

پس چون راست اندام کنم او را و دمم درو از باد خود پس افتید او را بسجود

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ أَن يَكُونَ

پس سجده کردند فرشتگان همه ایشان ۝ مگر که ابلیس که سر باز زد که باشد

مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

با سجده کنندگان ۝ گفت خدا ای ابلیس چیست مر ترا که نبودی با سجده کنندگان

قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِن صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

گفت نیستم که سجده کنم آدمی را که آفریدی او را از گل خشک از لوشی بوی بگردانیده

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ

گفت خدا که بیرون رو از بهشت که تو رانده ۝ و بدرستی که بر تست لعنت من تا روز قیامت

قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

گفت ای پروردگار مرا زمان ده مرا تا روز قیامت ۝ گفت خدا که تو از جملهٔ زمان دادگانی

إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ

تا روز وقت دانسته ۝ گفت ای پروردگار من بسبب آنچه گمراه کردانیدی مرا آراسته دارم ایشان را

فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

در زمین و هرآینه گمراه کردانم ایشان را همه ۝ مگر بندگان ترا یعنی از ایشان خالص کاران

قَالَ هَٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ ۝ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ

گفت خدا این راه منست راست ۝ بدرستی که بندگان من نیست ترا بر ایشان

سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ۝ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ

حجتی مگر آنکه پیروی کرد ترا از گمراهان بود ۝ و بدرستی که دوزخ هرآینه وعده گاه ایشانست همه

لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي

مر آنرا هفت در باشد مر هر دری را باشد از ایشان جزوی قسمت کرده ۝ بدرستی که پرهیزکاران در

جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ ۝ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم

بوستانها و چشمها باشند ۝ گویند ایشانرا درروید در آنجا بسلامت ایمنان ۝ و برکنیم ما آنچه در سینهای ایشانست

مِّنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ۝ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم مِّنْهَا

از کینه حال آنکه برادران باشند بر تختهای روی با یکدیگر کنندگان ۝ نرسد بدیشان در آنجا هیچ رنجی و نباشند ایشان از آنجا

بِمُخْرَجِينَ ۝ نَبِّئْ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ

بیرون آیندگان ۝ آگاه کن بندگان مرا بدرستی که من آمرزنده مهربانم ۝ و بدرستی که عذاب منست عذاب

الْأَلِيمُ ۝ وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا

دردناک ۝ و خبر ده ایشانرا از حال مهمانان ابراهیم ۝ چون در رفتند برو پس گفتند

سلاما قال انا منكم وجلون • قالوا لا توجل انا نبشرك بغلام

سلام بود گفت که ما از شما ترسندگانیم گفتند مترس پس بدرستی که بشارت میدهیم ترا بفرزندی

عليم • قال ابشرتموني على ان مسني الكبر فبم تبشرون

دانا گفت ای بشارت میدهید مرا بر آنک رسیده است بمن پیری پس بچه بشارت میدهید مرا

قالوا بشرناك بالحق فلا تكن من القانطين • قال ومن يقنط

گفتند بشارت میدهیم ترا بحق پس مباش از جمله نومیدان گفت و کیست که نومید شود

من رحمة ربه الا الضالون • قال فما خطبكم ايها المرسلون

از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان گفت پس چیست حال و کار شما ای رسولان

قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين • الا آل لوط انا لمنجوهم

گفتند بدرستی که بفرستاده اند ما را بقوم گناه کاران مگر آل لوط بدرستی که ما رهانیدیم ایشان را

اجمعين • الا امراته قدرنا انها لمن الغابرين • فلما جاء آل لوط

همه مگر زن او که تقدیر کردیم او را که از جمله هالکان بود پس چون آمدند بآل لوط

المرسلون • قال انكم قوم منكرون • قالوا بل جئناك

رسولان گفت بدرستی که شما گروهی اید که نمی شناسیم شما را گفتند بلکه آمدیم با تو

بما كانوا فيه يمترون • واتيناك بالحق وانا لصادقون

بدانچه بود دران بشک میشدند و آمدیم ما بتو بحق و بدرستی که ما راستگویانیم

فاسر باهلك بقطع من الليل واتبع ادبارهم ولا يلتفت منكم

پس ببر کسان خود را بپاره از شب و پیروی کن ارزوهای ایشان را و باید که باز ننگرد از شما

احد وامضوا حيث تؤمرون • وقضينا اليه ذلك الامر ان

هیچ یکی و بگذرید آنجا که فرموده شد شما را و بگذاردیم ما فرمان او را که آن است حکم که

دابر هؤلاء مقطوع مصبحين • وجاء اهل المدينة يستبشرون

اصل و نسل این گروه بریده خواهد شد در بامدادان و آمدند اهل شهر شادی میکردند

قال ان هؤلاء ضيفي فلا تفضحون • واتقوا الله ولا تخزون

گفت لوط که این جماعت مهمانان منند پس فضیحت مکنید مرا پس بترسید از خدا و رسوا مکنید مرا

قالوا اولم ننهك عن العالمين • قال هؤلاء بناتي ان كنتم

گفتند ای نهی نکردیم ما ترا از جمله عالمیان گفت لوط اینها دختران منند اگر هستید شما

فاعلين • لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون • فاخذتهم

کنندگان بسر زندگانی تو سوگند که ایشان در مستی خود سرگشته بودند پس بگرفت ایشان را

الصيحة مشرقين • فجعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليهم

بانگی هایل در بامدادان پس گردانیدیم زبر آن زیر آن و بارانیدیم ما بر ایشان

حجارة من سجيل • ان في ذلك لايات للمتوسمين • وانها لبسبيل

سنگباران از سنگ گل بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر بینندگان را و بدرستی که آن هر آینه راهیست

مقيم • ان في ذلك لاية للمؤمنين • وان كان اصحاب الايكة

جاودانه بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر مؤمنان را و بدرستی که بودند اصحاب شعیب

لظالمين • فانتقمنا منهم وانهما لبامام مبين • ولقد

هر آینه ستمکاران پس کینه باز خواستیم ما از ایشان و بدرستی

كذب اصحاب الحجر المرسلين ۝ وآتيناهم آياتنا فكانوا
که بدروغ داشتند اصحاب حجر رسولانرا و بداده بودیم ما ایشانرا نشانهای ما پس بودند
عنها معرضين ۝ وكانوا ينحتون من الجبال بيوتا آمنين
ازآن بر گردندگان و بودند می تراشیدند از کوهها خانهای ایمنان
فأخذتهم الصيحة مصبحين ۝ فما أغنى عنهم ما كانوا
پس بگرفت ایشانرا بانگ هایل در بامدادان پس باز نداشت از ایشان آنچه ایشان
يكسبون ۝ وما خلقنا السماوات والأرض وما بينهما إلا بالحق
اندوخته بودند و نیافریدیم ما آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست مگر بحق
وإن الساعة لآتية فاصفح الصفح الجميل ۝ إن ربك هو
و بدرستی که قیامت هر آینه آینده است پس درگذر و درگذشتنی نیکو بدرستی که پروردگار تو اوست
الخلاق العليم ۝ ولقد آتيناك سبعا من المثاني والقرآن
آفریننده دانا و بدرستی که بدادیم ما ترا هفت آیه از فاتحه و قرآن
العظيم ۝ لا تمدن عينيك إلى ما متعنا به أزواجا منهم ولا تحزن
بزرگوار بر مدار مرد و چشم تو باآنچه برخوردار کردیم بدان مهمانی را از ایشان و اندوه مخور
عليهم واخفض جناحك للمؤمنين ۝ وقل إني أنا النذير
بر ایشان و فرو نه بال تواضع مر مؤمنانرا و بگو بدرستی که من بیم کننده
المبين ۝ كما أنزلنا على المقتسمين ۝ الذين جعلوا القرآن
روشنم همچنانکه فرو فرستادیم ما آنرا بر آنها که ببدید کردند قرآنرا

حزب

عضين ۝ فوربك لنسألنهم أجمعين ۝ عما كانوا
پاره پاره پس بحق پروردگار تو که هرآینه بازپرسیم از ایشان همه از آنچه ایشان
يعملون ۝ فاصدع بما تؤمر وأعرض عن المشركين ۝ إنا كفيناك
کرده باشند پس فرمان بردار شو بدانچه فرموده شد و اعراض کن از بت پرستان بدرستی که ما کفایت کنیم از تو
المستهزئين ۝ الذين يجعلون مع الله إلها آخر فسوف يعلمون
شر استهزاء دارندگانرا آنهای که گردیدند با خدا خدای دیگررا پس زود بدانند
ولقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون ۝ فسبح
و بدرستی که میدانیم که تنگ می آید سینه تو بدانچه میگویند پس تسبیح کن
بحمد ربك وكن من الساجدين ۝ واعبد ربك حتى يأتيك
بستایش پروردگار خود و باش از جمله سجود کنندگان و بپرست پروردگار خودرا تا آید بتو
اليقين
اسباب مرگ

سورة النحل مائة و عشرون و ثمان آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

أتى أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون
آمد فرمان خدای پس بشتاب مخواهید آنرا پاک و منزه است او و برتر است از آنچه انباز میآرند
ينزل الملائكة بالروح من أمره على من يشاء من عباده أن أنذروا أنه
فرو میفرستد فرشتگانرا با جبرئیل از فرمان خود بر آنکه خواهد از بندگان خود که بانگ بیم کنید که مر

لا اله الا انا فاتقون ● خلق السموات والارض بالحق تعالى
که نیست خدائی مگر من پس بپرستید مرا آفرید آسمانها و زمین را بحق افرشته است
عما يشركون ● خلق الانسان من نطفة فاذا هو خصيم مبين ●
از آنچه انباز فرا میدارند بدو آفرید آدمی را از نطفه پس آنگه او خصومت کننده روشنست
والانعام خلقها لكم فيها دفء ومنافع ومنها تأكلون ●
و آفرید چهارپایان را برای شما در آنهاست و سودهای و از آنها میخورند
ولكم فيها جمال حين تريحون وحين تسرحون ● وتحمل
و مر شما راست در آنها زینتی هنگامی که بچرامی برید و هنگامی که نگاه میدارید و برمیدارند
اثقالكم الى بلد لم تكونوا بالغيه الا بشق الانفس ان
بارهای گران شمارا شهر بشهری که نیستید رسنده بدان مگر بدشواری تنها بدرستی
ربكم لرءوف رحيم ● والخيل والبغال والحمير لتركبوها
که پروردگار شما هرآینه مهربانست و رحمت کننده و آفرید اسبان و استران و خران را تا برمی نشینید برآنها
وزينة ويخلق ما لا تعلمون ● وعلى الله قصد السبيل
و آرایشی و می آفریند آنچه نمیدانید و بر خداست قصد راه راست
ومنها جائر ولو شاء لهديكم اجمعين ● هو الذي
و از آنهاست و اگر خواستی خدا هرآینه راه نمودی شمارا همه اوست آن خدائی
انزل من السماء ماء لكم منه شراب ومنه شجر فيه تسيمون
که بفرستاد از آسمان آبی برای شما از آن مست آشامیدنی و از آن مست درختی که در آن

ينبت لكم به الزرع والزيتون والنخيل والاعناب ومن كل
برویانیدیم ما برای شما بدان کشت زرع را و زیتون و خرمابنان و انگورستانها و از سر
الثمرات ان في ذلك لاية لقوم يتفكرون ● وسخر لكم الليل
میوه های بدرستی که در آن هرآینه نشانیست مر گروهی را که اندیشه کنند و مسخر کرد برای شما شب را
والنهار والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره ان في ذلك
و روز را و آفتاب را و ماه را و ستارگان را رام کرده بفرمان خود بدرستی که در آن
لايات لقوم يعقلون ● وما ذرا لكم في الارض مختلفا الوانه
هرآینه نشانهاست مر گروهی که استعمال عقل کنند و آنچه بپراکند برای شما در زمین مختلف رنگهای آن
ان في ذلك لاية لقوم يذكرون ● وهو الذي سخر البحر
بدرستی که در آن هرآینه نشانیست مر گروهی را که پند گیرند و او آن خدائیست که مسخر کرد دریا را
لتأكلوا منه لحما طريا وتستخرجوا منه حلية تلبسونها
تا خورید از آن گوشتی تازه و بیرون می آورید از آن زیوری که در پوشید آنرا
وترى الفلك مواخر فيه ولتبتغوا من فضله ولعلكم
و بینی تو کشتی را لنگر برکشیده در آنجا و تا بجویید از فضل خود و تا بود که شما
تشكرون ● والقى في الارض رواسي ان تميد بكم
شکر کنید و انداخت در زمین کوههای بیخ آورده که ثابت بدارد شمارا
وانهارا وسبلا لعلكم تهتدون ● وعلامات وبالنجم
و جویهای و راههای تا بود که شما راه یابید و نشانها و بستارگان

هم يهتدون ۝ أفمن يخلق كمن لا يخلق أفلا تذكرون
ایشان راه می برند ای پس آنک آفریند همچون آنکس بود که نیافریند ای پس پند نمیگیرید
وإن تعدوا نعمة الله لا تحصوها إن الله لغفور رحيم ۝ والله
واگر خواهید که بشمرید نعمت خدا را بر نتوانند شمرد آنرا بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست وخدا
يعلم ما تسرون وما تعلنون ۝ والذين يدعون من
میداند آنچه پنهان میکنید وآنچه آشکارا میکنید وآنها که میخوانند از
دون الله لا يخلقون شيئا وهم يخلقون أموات غير أحياء و
جز خدا نتوانند آفرید چیزی وایشانرا آفریده اند ایشان مردگانند جز زندگان
ما يشعرون أيان يبعثون ۝ إلهكم إله واحد فالذين
و ندانند که کی برانگیخته شوند خدای شما یک خداست پس آنها
لا يؤمنون بالآخرة قلوبهم منكرة وهم مستكبرون
که نمی گروند بآخرت دلهای ایشان منکرند وایشان گردنکشانند
لا جرم أن الله يعلم ما يسرون وما يعلنون إنه لا يحب المستكبرين
حقا که خدا میداند آنچه پنهان میکنید وآنچه آشکارا میکنید بدرستی که او دوست ندارد گردنکشانرا
وإذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أساطير الأولين
وچون گویند مر ایشانرا که چه چیز فرو فرستاد پروردگار شما گویند این افسانهای پیشینیانست
ليحملوا أوزارهم كاملة يوم القيامة ومن أوزار الذين
تا بردارند بارهای گران ایشانرا تمام در روز قیامت واز بارهای آنها

يضلونهم بغير علم ألا ساء ما يزرون ۝ قد مكر الذين من
که گمراه میکنند ایشانرا بی دانشی بدان که بدست آنچه ایشان بر میدارند بدرستی که مکر ساختند آنها که
قبلهم فأتى الله بنيانهم من القواعد فخر عليهم السقف
پیش از ایشان بودند پس آمد عذاب خدا ببناهای ایشان را از بناهای پس افتاد بریشان سقفهای ایشان
من فوقهم وأتاهم العذاب من حيث لا يشعرون ۝ ثم
از بالای ایشان وآمد بدیشان عذاب از آنجا که ندانستند پس
يوم القيامة يخزيهم ويقول أين شركائي الذين كنتم
روز قیامت رسوا کند ایشانرا وگوید خدا که کجا شریکان من آنها که بودید شما
تشاقون فيهم قال الذين أوتوا العلم إن الخزي اليوم والسوء
خلاف میکردید در حق ایشان گویند آنها که بداده شد ایشانرا دانش بدرستی که رسوائی امروز وبدی
على الكافرين ۝ الذين تتوفاهم الملائكة ظالمي أنفسهم
بر کافران بود آنها که جان بستانند ایشانرا فرشتگان در حالت که ستم کننده بودند بر تنهای خود
فألقوا السلم ما كنا نعمل من سوء بلى إن الله عليم بما كنتم
پس انداختند صلح را که نبودیم ما میکردیم هیچ بدی آری بدرستی که خدا داناست بدانچه شما
تعملون ۝ فادخلوا أبواب جهنم خالدين فيها فلبئس
میکردید پس در روید از درهای دوزخ همیشه باشید در آنجا پس هر آینه بد بود
مثوى المتكبرين ۝ وقيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم
جایگاه گردنکشان وگویند مر آنهارا که پرهیزیدند که چه چیز فرو فرستاد بر شما

قالوا خيرا للذين احسنوا في هذه الدنيا حسنة ولدار الآخرة
گویند خیری مر آنهارا که نیکوئی کردند در این دنیا نیکوئی بود پاداشت و برای سرای آخرت
خير ولنعم دار المتقين جنات عدن يدخلونها تجري من
بهتر بود و هر آینه نیکو بود سرای پرهیزکاران بوستانهای اقامت که در روند در آنجا که رود
تحتها الانهار لهم فيها ما يشاؤن كذلك يجزي الله
از زیر آن جویها روان مر ایشانرا بود در آنجا آنچه ایشان خواهند همچنین پاداشت دهد خدا
المتقين الذين تتوفاهم الملائكة طيبين يقولون سلام
پرهیزکارانرا آنها که جان بستاند ایشانرا فرشتگان خوش عیشان گویند که سلام باد
عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون هل ينظرون
بر شما در روید در بهشت بدانچه شما کردید در دنیا هیچ چشم نمیدارند
الا ان تأتيهم الملائكة او يأتي امر ربك كذلك فعل
مگر که آیند بدیشان فرشتگان تا آید فرمان پروردگار تو همچنین کردند
الذين من قبلهم وما ظلمهم الله ولكن كانوا انفسهم
مر آنهارا که از پیش ایشان بودند و ستم نکرد ایشانرا خدا ولیکن بودند بر تنهای خود
يظلمون فاصابهم سيئات ما عملوا وحاق بهم ما كانوا
ستم میکردند پس رسید بدیشان وبال بدیهای آنچه کرده بودند و برسید بدیشان آنچه بودند
به يستهزءون وقال الذين اشركوا لو شاء الله ما عبدنا من
بدان استهزا میکردند و گفتند آنها که انباز داشتند اگر خواستی خدا نپرستیدمانی ما از

دونه من شيء نحن ولا آباؤنا ولا حرمنا من دونه من شيء كذلك
جز او هیچ چیزی نه ما و نه پدران ما و حرام نداشتمانی از جز او هیچ چیزی را همچنین
فعل الذين من قبلهم فهل على الرسل الا البلاغ المبين ولقد
کردند آنها که پیش از ایشان بودند پس آیا هیچ بود بر رسول مگر گزاردن پیغام روشن و بدرستی
بعثنا في كل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت
که بفرستادیم ما در میان هر گروهی رسولیرا با آنکه بپرستید خدارا و دوری نمایید از پرستیدن بتان
فمنهم من هدى الله ومنهم من حقت عليه الضلالة
پس از ایشان کسیست که راه نمود اورا خدا و از ایشان کسیست که واجب شد برو گمراهی
فسيروا في الارض فانظروا كيف كان عاقبة المكذبين
پس بروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت بدروغ دارندگان
ان تحرص على هداهم فان الله لا يهدي من يضل وما لهم من
اگر حریصی تو بر راه نمودن ایشان پس بدرستیکه خدا راه ننماید آنرا که گمراه کند و نبود مر ایشانرا هیچ
ناصرين واقسموا بالله جهد ايمانهم لا يبعث الله من
یاری کنندگان و سوگند خوردند بخدا سوگندان مغلظ ایشان که بر نینگیزاند خدا آنرا
يموت بلى وعدا عليه حقا ولكن اكثر الناس لا يعلمون
که بمیرد آری وعده داد بران حقست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند
ليبين لهم الذي يختلفون فيه وليعلم الذين كفروا انهم
تا روشن کند مر ایشانرا آنچه اختلاف کردند در آن و تا خدا بازکند آنهارا که کافر شدند که ایشان

نصف

كانوا كاذبين • انما قولنا لشيء اذا اردناه ان نقول له كن
بودند دروغ گویان ، براستی که گفتار ما مر چیزی را چون خواهیم ما آنرا که گوییم آنرا که باش
فيكون • والذين هاجروا في الله من بعد ما ظلموا لنبوئنهم
پس باشد ، و آنها که هجرت کردند در راه خدا از پس آنچه ستم کرده شدند برانیم جای دهیم ایشان را
في الدنيا حسنة ولأجر الآخرة اكبر لو كانوا يعلمون •
در دنیا نیکی ، و مزد آخرت بزرگتر بود اگر ایشان بدانند
الذين صبروا وعلى ربهم يتوكلون • وما ارسلنا من قبلك الا
آنها که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل کردند ، و نفرستادیم ما پیش از تو
رجالا نوحي اليهم فسئلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون •
مردانی را که وحی میکنیم ما بدیشان ، پس بپرسید از اهل پند اگر هستید شما که نمیدانید
بالبينات والزبر وانزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل
بحجتها و بکتابها ، و فرو فرستادیم ما بتو قرآنرا تا روشن کنی برای مردمان آنچه فرو فرستاده شد
اليهم ولعلهم يتفكرون • افأمن الذين مكروا السيئات
بدیشان ، و تا بود که ایشان پند گیرند ، ای پس ایمن شدند آنها که ساختند بدیهارا
ان يخسف الله بهم الارض او يأتيهم العذاب من حيث لا يشعرون •
که فرو برد خدا ایشانرا بزمین یا آید بدیشان عذاب از آنجا که ندانند
او يأخذهم في تقلبهم فما هم بمعجزين • او يأخذهم على
یا فراگیرد ایشانرا در گردیدن ایشان پس نباشند ایشان عاجز کننده ، یا فراگیرد ایشانرا بر
از عذاب خدا

تخوف فان ربكم لرءوف رحيم • اولم يروا الى ما خلق الله من شيء
ترسی ، پس براستی که پروردگار شما هرآینه مهربانست و بردبار ، ای ندیدند بدآنچه آفرید خدا از چیزی
يتفيؤا ظلاله عن اليمين والشمائل سجدا لله وهم داخرون •
که در می آید سایه آن از راست و چپ سجده کنندگان مر خدا را و ایشان خواران باشند
سجده
ولله يسجد ما في السموات وما في الارض من دابة والملئكة
و مر خدا را سجده کند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست از جنبنده و فرشتگان
وهم لا يستكبرون • يخافون ربهم من فوقهم ويفعلون
و ایشان گردنکشی نمیکنند ، می ترسند از پروردگار خود از بالای ایشان و میکنند
سجده
ما يؤمرون • وقال الله لا تتخذوا الهين اثنين انما هو اله
آنچه فرموده شد ایشانرا ، و گفت خدا که فرا مگیرید دو خدایانرا بخدائی جز این نیست که او یک
واحد فاياي فارهبون • وله ما في السموات والارض وله الدين
خداست پس از من بترسید ، و مر اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و مر اوراست دین
واصبا افغير الله تتقون • وما بكم من نعمة فمن الله
تمام ، ای پس بجز از خدا می پرهیزید ، و آنچه بشماست از نعمت پس از نزد خدا
ثم اذا مسكم الضر فاليه تجأرون • ثم اذا كشف الضر عنكم
پس چون برسد بشما زیان پس بسوی او زاری کنید و باز آیید ، پس چون بردارد زیان را از شما
اذا فريق منكم بربهم يشركون • ليكفروا بما آتيناهم فتمتعوا
آنگه گروهی از ایشان بپروردگار خود انباز فرا دارند ، تا کافر شوند بدآنچه بدادیم مر ایشان را پس برخورداری گیرید

فسوف تعلمون • ويجعلون لما لا يعلمون نصيبا مما
پس زود بدانید و بدید میکنند مر آنچیزی را که نمیدانند بهره از آنچه
رزقناهم تالله لتسألن عما كنتم تفترون • ويجعلون
روزی کردیم ما ایشانرا بحق خدا که هر آینه باز پرسند از شما از آنچه شما بر بافته باشید و بدید میکنند
لله البنات سبحانه ولهم ما يشتهون • وإذا بشر أحدهم
مر خدا را دختران پاک و منزه است او و مر ایشانرا بود آنچه آرزو کنند و چون بشارت دهند یکی از ایشان
بالأنثى ظل وجهه مسودا وهو كظيم • يتوارى من
بمادینه گردد روی او سیاه و او خشم فروخورنده بود دور شود از
القوم من سوء ما بشر به أيمسكه على هون أم يدسه في
قوم خود از بدی آنچه بشارت داده باشند او را ای نگه دارد آنرا بر سر دشواری یا در
التراب ألا ساء ما يحكمون • للذين لا يؤمنون بالآخرة مثل
خاک بدان که بدست آنچه حکم میکنند مر آنها را که نمی گروند ببرای آخرت مثل
السوء ولله المثل الأعلى وهو العزيز الحكيم • ولو يؤاخذ الله
بد بود و مر خدا راست مثل از شنه و بلندتر و او دست غالب محکم کار و اگر فرا گرفتی خدا
الناس بظلمهم ما ترك عليها من دابة ولكن يؤخرهم إلى
مردمانرا بسبب ظلم ایشان نگذاشتی بر روی زمین هیچ جنبنده را ولیکن تاخیر میکند ایشانرا
أجل مسمى فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا
با اجلی نام نهاده پس چون آید اجل ایشان باز پس نایستند ساعتی و نه

يستقدمون • ويجعلون لله ما يكرهون • وتصف ألسنتهم
فراپیش توانند رفت و بدید میکنند مر خدا را آنچه کاره میدارند و صفت میکند زبانهای ایشان
الكذب أن لهم الحسنى لا جرم أن لهم النار وأنهم مفرطون •
دروغ را اینکه باشد مر ایشانرا بهشت حقا که مر ایشانرا بود آتش و اینکه ایشان افراط جوینده گان بوده
تالله لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك فزين لهم الشيطان أعمالهم
بحق خدا هر آینه که بفرستادیم ما بگروهانی که پیش از تو بودند پس بیاراست مر ایشانرا دیو عملهای ایشان
فهو وليهم اليوم ولهم عذاب أليم • وما أنزلنا عليك
پس او دوست ایشان بود امروز و مر ایشانرا بود عذابی دردناک و نفرستادیم ما بر تو
الكتاب إلا لتبين لهم الذي اختلفوا فيه وهدى ورحمة
کتاب را مگر تا روشن کنی مر ایشانرا آنچه اختلاف بکردند در آن و راهی و رحمتی
لقوم يؤمنون • والله أنزل من السماء ماء فأحيا به الأرض بعد موتها
مر گروهی را که بگروند و خدا بفرستاد از آسمان آبی پس زنده گردانید بدان زمین را پس از مرگ آن
إن في ذلك لآية لقوم يسمعون • وإن لكم في الأنعام لعبرة
بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که بشنوند و بدرستی که مر شما راست در چهارپایان هر آینه عبرتیست
نسقيكم مما في بطونه من بين فرث ودم لبنا خالصا سائغا
درخورد میدهیم شمارا از آنچه در شکمهای آنست از میان سرگین و خون شیری خالص گوارنده
للشاربين • ومن ثمرات النخيل والأعناب تتخذون منه سكرا ورزقا
مر آشامندگان را و از میوهها خرمابنان و انگورستانها که فرا میگیرید از آن مستی و شیره و روزی

حسنا ان في ذلك لاية لقوم يعقلون • واوحى ربك الى النحل
نیکو بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که استعمال عقل کنند و الهام داد پروردگار تو بزنبور عسل
ان اتخذي من الجبال بيوتا ومن الشجر ومما يعرشون • ثم
که فرا گیر از کوهها خانهائی و از درختان و از آنچه برمی‌افرازند پس
كلي من كل الثمرات فاسلكي سبل ربك ذللا يخرج
بخور از همه میوه‌ها پس سپر راههای پروردگار خود را رام کرده بیرون آید
من بطونها شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس ان في
از شکمهای آن آشامیدنی مختلف رنگهای آن در آن هست شفائی مردمانرا بدرستی که در
ذلك لاية لقوم يتفكرون • والله خلقكم ثم يتوفكم
آن هر آینه نشانیست مر گروهی را که اندیشه میکنند و خدا آفرید شما را پس جان میستاند شما را
ومنكم من يرد الى ارذل العمر لكي لا يعلم بعد علم شيئا ان
و از شما کس هست که بازگرده باخسیس‌ترین عمر تا بداند پس از دانش چیزی بدرستی
الله عليم قدير • والله فضل بعضكم على بعض في الرزق فما
که خدا داناست توانا و خدا افزونی نهاد بعضی شما را بر بعضی در روزی پس نیستند
الذين فضلوا برادي رزقهم على ما ملكت ايمانهم فهم فيه سواء
آنها که افزونی نهاده شدند ردکنندگان روزی خود را بر آنچه قادر باشند دستهای ایشان پس ایشان در آن یکسانند
افبنعمة الله يجحدون • والله جعل لكم من انفسكم ازواجا
ای پس بنعمت خدا انکار میکنند و خدا بدید کرد برای شما از تنهای شما زنانی

وجعل لكم من ازواجكم بنين وحفدة ورزقكم من
و بدید کرد برای شما از زنان شما پسران و نوادگان و روزی داد شما را از
الطيبات افبالباطل يؤمنون وبنعمت الله هم يكفرون •
پاکیها ای پس بباطل میگروند و بنعمت خدا ایشان کافر میشوند
ويعبدون من دون الله ما لا يملك لهم رزقا من السموات
و می پرستند از جز خدای آنچه قادر نیست مر ایشانرا روزی دادنی از آسمانها
والارض شيئا ولا يستطيعون • فلا تضربوا لله الامثال ان الله
و زمین چیزی را و توانائی ندارند پس بیمکنید مر خدا را مثلها بدرستی که خدا
يعلم وانتم لا تعلمون • ضرب الله مثلا عبدا مملوكا
میداند و شما نمیدانید بزد خدا مثل بنده را که خریده باشند
لا يقدر على شيء ومن رزقناه منا رزقا حسنا فهو ينفق منه
که توانائی ندارد بر چیزی و آنرا که روزی دهیم او را از قبل خود روزی نیکو پس او نفقت کند از آن
سرا وجهرا هل يستوي هو ومن يأمر بالعدل وهو على صراط
پنهان و آشکارا ای یکسان باشد او و آنکه فرماید بعدالت و او بر راه
مستقيم • ولله غيب السموات والارض وما امر الساعة الا كلمح
راست بود و مر خدا راست غیب آسمانها و زمین و نبود کار زیست مگر چون کرشمه
البصر او هو اقرب ان الله على كل شيء قدير • والله اخرجكم من
بچشم یا آن نزدیکتر بود بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست و خدا بیرون آورد شما را از

هل يستوون الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون وضرب الله
مثلا رجلين احدهما ابكم لا يقدر على شيء وهو كل على مولاه اينما يوجهه لا يأت بخير

بطون امهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل لكم السمع والابصار

شکمهای مادران شما که نمیدانستید چیزی را و بدید کرد مر شمارا شنوائی و بینائیهای

والافئدة لعلكم تشكرون ● الم يروا الى الطير مسخرات في

و دلهائی تا بود که شما شکر کنید ای ندیدند مرغان رام کرده در

جو السماء ما يمسكهن الا الله ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون ●

میان آسمان نگه نمیدارد ایشانرا مگر خدا بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بگروند

والله جعل لكم من بيوتكم سكنا وجعل لكم من

و خدا بدید کرد برای شما از خانهای شما آرامگاهی و بدید کرد برای شما از

جلود الانعام بيوتا تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم

پوستهای چهارپایان خانهائی که سبک میدارید آنهارا روز سفر شما و روز اقامت شما

ومن اصوافها واوبارها واشعارها اثاثا ومتاعا الى حين

واز پشمهای آنها واز وبر آنها و مویهای آنها قماشی و برخورداری تا هنگامی

والله جعل لكم مما خلق ظلالا وجعل لكم من الجبال

و خدا بدید کرد برای شما از آنچه آفرید سایهائی و بدید کرد مر شمارا از کوهها

اكنانا وجعل لكم سرابيل تقيكم الحر وسرابيل تقيكم

خانهائی و بدید کرد برای شما پیراهنهائی که نگه بدارد شمارا از گرما و پیراهنها که نگه بدارد شمارا

بأسكم كذلك يتم نعمته عليكم لعلكم تسلمون ●

از کارزار شما همچنین تمام میکند نعمت خودرا بر شما تا بود که شما منقاد شوید

فان تولوا فانما عليك البلاغ المبين ● يعرفون نعمت الله ثم

پس اگر برگردند پس بدرستی که بر تست رسانیدن روشن می شناسند نعمت خدارا پس

ينكرونها واكثرهم الكافرون ● ويوم نبعث من كل

انکار میکنند آنرا و بیشترین ایشان کافرانند و روزی که برانگیزیم از هر

امة شهيدا ثم لا يؤذن للذين كفروا ولا هم يستعتبون ●

گروهی گواهی را پس فرمان ندهند مر آنهارا که کافر شدند و نه ایشانرا عذر قبول کنند

واذا رأى الذين ظلموا العذاب فلا يخفف عنهم ولا هم

و چون ببینند آنها که ستم کرده باشند عذابرا پس سبک کرده نشود از ایشان و نه ایشانرا

ينظرون ● واذا رأى الذين اشركوا شركاءهم قالوا ربنا

زمان دهند و چون ببینند آنها که انباز قرار داشتند انبازان خودرا گویند ای پروردگار ما

هؤلاء شركاؤنا الذين كنا ندعوا من دونك فالقوا اليهم

اینهااند که انبازان ما بودند آنها که بودیم ما میخواندیم از جز تو پس اندازند بسوی ایشان

القول انكم لكاذبون ● والقوا الى الله يومئذ السلم وضل

گفتار را که شما هر آینه دروغ گویانید و پیش آورند با خدا آنروز میل بصلح و گم شود

عنهم ما كانوا يفترون ● الذين كفروا وصدوا عن سبيل

از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند آنها که کافر شدند و برگشتند از راه

الله زدناهم عذابا فوق العذاب بما كانوا يفسدون ●

خدا برافزائیم ایشانرا عذابی بالای عذاب بسبب آنچه ایشان تباهی کردند

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ
و یاد کن روزی که برانگیزیم در میان هر گروهی گواهی را بر ایشان از نفسهای ایشان و آوردیم ما ترا
شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ
گواه برین اهل مکه و فرو فرستادیم ما بر تو قرآن را برای روشن کردن هر چیزی
وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ
و راهی و رحمتی و بشارتی مر منقادان را بدرستی که خدا فرماید بعدل
وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ
و نیکویی و نیکویی با خویشان نزدیک کردن و باز میدارد از شما ناشایست و منکر
وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا
و ستم را پند میدهد شمارا تا بود که شما پند گیرید و وفا کنید بعهد خدا چون
عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ
عهد ببندید شما و باز مشکنید سوگندها را پس از استواری آن و بدرستی که گردانیدید شما
اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ۝ وَلَا
خدا را بر خود کارساز و کفیل مهمات بدرستی که خدا میداند آنچه شما میکنید و
تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ
مباشید همچون آن زنی که باز شکافت ریسمان خود را از پس قوت فرا میگیرید
أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا
سوگندان خود را حاجزی میان شما که باشند گروهی راه یابنده تر از گروهی بدرستی

يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ
که می آزماید شما را خدای بدان و هر آینه روشن کند مر شما را روز قیامت در آنچه بودید شما
فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ
در آن اختلاف میکردید و اگر خواستی خدا هر آینه گردانیدی شما را یک گروه بر یک دین ولیکن
يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ
گمراه کند آنرا که خواهد و راه نماید آنرا که خواهد و هر آینه باز پرسند از شما از آنچه شما
تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ
کرده باشید و فرا مگیرید سوگندان خود را حائلی میان یکدیگر پس بلغزد
بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ
پس از ثابت شدن آن و تا در چشید بدی را بآنچه برگشتید شما از راه خدا و مر شما را بود
عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ
عذابی بزرگ و فرا مگیرید بعهد خدا بهای اندک را بدرستی که آنچه نزدیک
اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ
خداست آن بهتر بود شما را اگر شما میدانید آنچه نزدیک شماست نیست گردد
وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا
صَبَرُوا
که صبر کردند
و آنچه نزدیک خداست باقی ماند و هر آینه پاداشت دهیم آنهارا مزد ایشان بنیکوتر آنچه ایشان
يَعْمَلُونَ ۝ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ
کرده باشند هر که کند کاری نیکو از نرینه یا مادینه و هو مومن بود پس زنده گردانیم ورا

حيوة طيبة ولنجزينهم اجرهم باحسن ما كانوا يعملون

زندگانی خوش و هر آینه پاداشت دهیم ایشانرا مزد ایشان بنیکوتر آنچه ایشان کرده باشند

فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم انه

پس چون تو خوانی قرآنرا پس پناه گیر بخدا از دیو رانده بدرستی که آنکه

ليس له سلطان على الذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون

نیست اورا حجتی بر آنها که بگرویدند و بر پروردگار خود توکل کردند

انما سلطانه على الذين يتولونه والذين هم به مشركون

بدرستی که حجت او بر آنهاست که دوستی کردند با او و آنها که با ایشان بوی انباز فرا دارندگان

واذا بدلنا آية مكان آية والله اعلم بما ينزل قالوا انما

و چون بدل کنیم ما نشان بجایگاه نشانی و خدا داناتر بدانچه فرو میفرستد گفتند بدرستی

انت مفتر بل اكثرهم لا يعلمون قل نزله روح

که تو از خود بر بافنده بلک بیشترین ایشان بندانند بگو فرو آورد آنرا جبرئیل

القدس من ربك بالحق ليثبت الذين آمنوا وهدى وبشرى

پاک مقدس از پروردگار تو بحق تا ثابت بدارد آنهارا که ایمان آوردند و راه و بشارتی بود

للمسلمين ولقد نعلم انهم يقولون انما يعلمه بشر

مر منقادانرا و بدرستی که میدانیم که ایشان میگویند که در آموخته است اورا آدمی

لسان الذي يلحدون اليه اعجمي وهذا لسان عربي

زبان آنک می پیچاند آنرا ای او عجمی و این قرآن زبان عربیست

مراد سلمان فارسی است

مبين ان الذين لا يؤمنون بآيات الله لا يهديهم الله ولهم

روشن بدرستی که آنها که نمی گروند بنشانهای خدا راه ننماید ایشانرا خدا و مر ایشانرا بود

عذاب اليم انما يفتري الكذب الذين لا يؤمنون بآيات

عذابی دردناک بدرستی که بر می بافند دروغ را آنها که نمی گروند بنشانهای

الله واولئك هم الكاذبون من كفر بالله من بعد

خدا و آن گروه ایشانند دروغ دارندگان هر که کافر شود بخدا از پس

ايمانه الا من اكره وقلبه مطمئن بالايمان ولكن من

ایمان خود مگر آنک که کراهت دارد آنرا و دل او آرامیده بود با ایمان و لیکن آنک

شرح بالكفر صدرا فعليهم غضب من الله ولهم

برگشود بکفر سینه خودرا پس بر ایشان بود خشمی از خدا و مر ایشانرا بود

عذاب عظيم ذلك بانهم استحبوا الحيوة الدنيا على

عذابی بزرگ آن بسبب آنست که ایشان برگزیدند زندگانی دنیارا بر

الآخرة وان الله لا يهدي القوم الكافرين اولئك

آخرت و آنکه خدا راه ننماید گروه کافرانرا آن گروه

الذين طبع الله على قلوبهم وسمعهم وابصارهم واولئك

آنهااند که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و بر شنوائیهای ایشان و بینائیهای ایشان و آن گروه

هم الغافلون لا جرم انهم في الآخرة هم الخاسرون

ایشان باشند غافلان حقا که ایشان در آخرت ایشانند زیان کاران

ثم ان ربك للذين هاجروا من بعد ما فتنوا ثم جاهدوا
پس بدرستی که پروردگار تو مر آنهارا که هجرت کردند از پس آنچه بفتنت افکنده شدند پس جهاد کردند
وصبروا ان ربك من بعدها لغفور رحيم • يوم تأتي كل
وصبر کردند بدرستی که پروردگار تو از پس آن مرآینه آمرزگار مهربانست روزی که آید هر
نفس تجادل عن نفسها وتوفى كل نفس ما عملت وهم
تنی خصومت کند از بهر تن خود وتمام بدهند هر تنی را جزا آنچه کرده بود وایشانرا
لا يظلمون • وضرب الله مثلا قرية كانت امنة مطمئنة
ستم نکنند وبزد خدا مثلی اهل دیهی که باشند ایمن آرامگیرنده
يأتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بأنعم الله
آمد بدانجا روزی او نوش وخوشگوار از هر جانبی پس کافر شدند بنعمت خدا
فاذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون •
پس درچشانید آنهارا خدا پوششی از گرسنگی وترس بدانچه ایشان ساختند
ولقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فاخذهم العذاب
وبدرستی که آمد بدیشان رسولی از جنس ایشان پس بدروغ داشتند اورا پس بگرفت ایشانرا عذاب
وهم ظالمون • فكلوا مما رزقكم الله حلالا
وایشان ستمکاران بودند پس بخورید از آنچه روزی کرد شمارا خدا حلال
طيبا واشكروا نعمة الله ان كنتم اياه تعبدون • انما
پاک وشکر کنید نعمت خدارا اگر هستید شما اورا می پرستید بدرستی

٩

حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل لغير
که حرام کرد بر شما مرده را وخون را وگوشت خوک را وآنچه آواز برداشته شد بجز
الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور رحيم • ولا
نام خدای بدان پس هر که بناچار آرند اورا نه ستم کننده بر دیگری ونه از حد درگذرنده پس بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست
تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال و
ومگوئید مر آنچیزی را که صفت میکنید زبانهای شما بدروغ که این حلال است و
هذا حرام لتفتروا على الله الكذب ان الذين يفترون
این حرام تا بربافید بر خدا دروغی بدرستی که آنها که بر می بافند
على الله الكذب لا يفلحون • متاع قليل ولهم عذاب
بر خدا دروغی رستکاری نیابند این برخورداری دنیا اندکیست ومر ایشانرا بود عذابی
اليم • وعلى الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك من قبل وما ظلمناهم
دردناک وبر آنها که جهود شدند حرام کردیم ما بر تو از پیش وستم نکردیم ما ایشانرا
ولكن كانوا انفسهم يظلمون • ثم ان ربك للذين
ولیکن بودند بر تنهای خود ستم میکردند پس بدرستی که پروردگار تو مر آنهارا
عملوا السوء بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك واصلحوا ان
که کردند بدی را بنادانی پس بازآمدند از پس آن وکار باصلاح آوردند بدرستی
ربك من بعدها لغفور رحيم • ان ابراهيم كان امة قانتا
که پروردگار تو از پس آن مرآینه آمرزگار مهربانست بدرستی که ابراهیم بود بر دین اسلام فرمان بردار

ما قصصنا

لِلّٰهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبٰهُ وَ

مر خدا را مایل از باطل بحق ونبود او از جمله انباز فرادارندگان شکرگوینده بود مر نعمتهای خدا را برگزید او را

هَدٰيهُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ● وَاٰتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَاِنَّهُ

وراه نمود او را باره راست وبدادیم ما او را در دنیا نیکی وبدرستی که او

فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ● ثُمَّ اَوْحَيْنَا اِلَيْكَ اَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ اِبْرٰهِيمَ

در آخرت هر آینه از جمله نیکوکاران بود پس وحی کردیم ما بتو که پیروی کن ملت ابرهیم

حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ● اِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى

مایل از باطل بحق ونبود او از جمله انباز فرادارندگان بدرستی که گردانیده شد شنبه کردن را بر

الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَاِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

آنها که اختلاف کردند در آن وبدرستی که پروردگار تو هر آینه حکم کند میان ایشان روز قیامت

فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ● اُدْعُ اِلٰى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ

در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند بخوان مردمان را براه پروردگار خود بحکمت

وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ

وپند دادن بنیکوئی ومجادله نمای با ایشان بطریقی که آن نیکوترست بدرستی که پروردگار تو

اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ● وَاِنْ

داناترست بآنکه گمره شد از راه او واو داناترست براه یابندگان واگر

عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

عقوبت کنید شما پس عقوبت فرمائید بمانند آنچه عقوبت کرده شدید شما بدان واگر صبر کنید شما آن بهتر بود مر صابران را

٤

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا

وصبر کن ونیست صبر تو مگر بخدا واندوه مخور بر ایشان ومباش در تنگی از آنچه

يَمْكُرُونَ ● اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ●

مکر میسازند بدرستی که خدا با آنهاست که بپرهیزید وبا آنهاست که ایشان نیکوکارانند

سورة بني اسرائيل مائة واحدى عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ●

الجزء الخامس عشر ١٥

سُبْحَانَ الَّذِي اَسْرٰى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَى الْمَسْجِدِ

پاک و منزه است آن خدائی که برد بنده خود را یک شب از مسجد مکه تا مسجد

الْاَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ اٰيَاتِنَا اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

اقصی آن مسجدی که برکت کردیم ما پیرامون آنرا تا باز نمائیم او را از نشانهای ما بدرستی که اوست شنوا

الْبَصِيرُ ● وَاٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي اِسْرَائِيلَ

وبینا ودادیم ما موسی را کتاب توریة وگردانیدیم ما او را راهنمونی مر بنی اسرائیل را

اَلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكِيلًا ● ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ اِنَّهُ كَانَ

بآنکه فرا مگیرید از جز من کارسازی را فرزندان آنکه در نشاندیم ما با نوح بدرستی که او بود

عَبْدًا شَكُورًا ● وَقَضَيْنَا اِلٰى بَنِي اِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ

بنده پذیرفته ووحی کردیم ما بفرزندان یعقوب در کتاب که تباهی کردید

فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا

در زمین دوبار و برانه افزونشکی جستید افزونشکی بزرگ پس چون آمد وعده اولین ایشان

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ

برانگیختیم ما برشما بندکان مارا خداوندان حربی سخت پس

الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ

و بود آن وعده کرده شده پس بازکردانیدیم ما شمارا یکبار دیگر بریشان

وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

و مدد کردیم ما شمارا بمالها و بپسران و بکردیم ما شمارا بیشتر بعدد

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا

اگر نیکوئی کنید شما نیکوئی کرده باشید از بهر تنهای خود و اگر بدی کنید شما پس زیان هم بر آن تنها بود پس چون

جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا

آید وعده آخرت بدود رویهای شمارا و تا در روند در مسجد همچنانکه

دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ

در رفتند آنجا اول بار و تا برون کنند آنچه افزونشکی جسته باشید شاید بود که پروردکار شما

يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

رحمت کند شمارا و اگر بازکناه روید شما ما بار عذاب رویم و بکردیم ما دوزخ را از برای کافران زندان

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

بدرستی که این قرآن راه می نماید بطریقی که آن راست‌تر و بشارت میدهد مؤمنان را آنها

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

که کردند نیکویها را آنکه مرایشانراست مزدی بزرگ و آنکه آنانکه نمی کروند

بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ

بسرای آخرت بیجاردیم ما برایشان عذابی دردناک و بخواند آدمی بدی همچون خواندن او

بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

بنیکوئی و هست آدمی شتابنده و بکردیم ما شب و روز را

آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً

دو نشانه پس محو کردیم ما نشانه شب و بکردیم ما نشانه روز را سبب بینائی

لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَ

تا بجوئید فضلی از پروردکار شما و تا بدانید شمار سالها را

الْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ۝ وَكُلَّ إِنْسَانٍ

و شمار عدد را و هر چیزی روشن پیدا کردیم ما آنرا هویدا کردنی و هر آدمی

أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا

لازم کردانیدیم ما عملهاورا شامت قلاده در کردن او و بیرون آوریم ما اورا در روز قیامت نامه

يَلْقَاهُ مَنْشُورًا ۝ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ

که خواند آنرا بازکرده کوینده بخوان نامه خودرا بسنده است تن تو امروز

عَلَيْكَ حَسِيبًا ۝ مَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ

بر تو حساب کننده هر که راه یافت پس بدرستی که سود راه یافتن تن اوراست و هر که کمراه شد

فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ
پس هر کسی که زیان کاری بران تن بود و برندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را و نبودیم ما عذاب کنندگان
حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ۝ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا
تا بفرستیم رسولانرا و چون خواهیم ما که هلاک کنیم اهل شهری را فرمائیم متنعمان آنجارا
فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ۝ وَكَمْ
تا تباهی کنند در آنجا پس واجب شود بر آنها گفتار بعذاب پس هلاک کردیم ما آنهارا هلاک کردنی و بسا
أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ
که هلاک کردیم ما از گروهانی که از پس نوح بودند و بس [illegible] پروردگار تو
بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ مَن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ
بگناهان بندگان خود آگاه و بینا هرکه خواهد بجوامع همت دنیارا
عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ
بشتابیم ما مراورا در آنجا آنچه خواهیم مرآنرا که خواهیم پس بکنیم ما اورا دوزخ
يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَّدْحُورًا ۝ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا
که در رود در آنجا نکوهیده رانده از رحمت و هرکه خواهد آخرت را و بشتابد مرآنرا
سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُم مَّشْكُورًا
بسعی آن و او مؤمن بود پس آن گروه باشد سعی ایشان پذیرفته
كُلًّا نُّمِدُّ هَٰؤُلَاءِ وَهَٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ
همه را مدد بکنیم این گروه را و آن گروه را از عطاء پروردگار تو و نیست

عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ۝ انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
بخشش پروردگار تو ممنوع نیست از مطیع و عاصی بنگر که چگونه هویدا میکنیم ما بعضی ایشانرا بر بعضی
وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا ۝ لَّا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ
و هرآینه آخرت بزرگتر برتبه و منزلت و بزرگتر بافزونی نهادنی به بر مکن با خدا
إِلَٰهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا ۝ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا
خدای دیگررا پس بنشینی مذمت کرده شده خوار و رسوا و حکم فرمود پروردگار تو که نپرستید
إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا
مگر اورا و با مادر و پدر خود نیکوئی کنید اگر برسند نزد تو به پیری یکی از آن هردو
أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا
یا هردو ایشان پس مگو مرایشانرا این کلمه زجر و باز مزن ایشانرا و بگو مرایشانرا
قَوْلًا كَرِيمًا ۝ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل
گفتاری نیکو و فرو نه بال تواضع مرایشانرا از رحمت و بگو
رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۝ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي
ای پروردگار من رحمت کن ایشانرا همچنانکه پرورانیدند مرا در حالت کودکی پروردگار شما داناتر است بآنچه در
نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا
تنهای شماست اگر باشید نیکوکاران پس بدرستی که او هست مر بازگردندگانرا آمرزگار
وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ
و بده خداوندان خویشی را حق آن و بیچارگانرا و راه گذریانرا و اسراف مکن

تبذيرا ۝ إن المبذرين كانوا إخوان الشياطين وكان الشيطان

اسراف كردنى هر آينه كه مسرفان هستند برادران ديوان و هست ديو

لربه كفورا ۝ وإما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك

مر پروردگار خود را ناسپاس واگر اعراض كنى از ايشان از بهر جستن رحمتى از پروردگار تو

ترجوها فقل لهم قولا ميسورا ۝ ولا تجعل يدك مغلولة

كه اميد ميدارى آنرا پس بگو مر ايشانرا گفتارى مشتمل بر صواب و مگردان دست خود را بسته

إلى عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما

با گردن خود و فراخ مگستران آنرا هر گستردنى پس بنشينى ملامت زده

محسورا ۝ إن ربك يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر إنه

با حسرت و اندوه هر آينه كه پروردگار تو فراخ بگستراند روزى آنرا كه خواهد و تنگ بازگرداند هر آينه كه او

كان بعباده خبيرا بصيرا ۝ ولا تقتلوا أولادكم خشية

هست بحال بندگان خود آگاه بينا و مكشيد فرزندان خود را از ترس

إملاق نحن نرزقهم وإياكم إن قتلهم كان خطأ

درويشى ما روزى ميدهيم ايشانرا و شما را هر آينه كه كشتن ايشان هست گناهى

كبيرا ۝ ولا تقربوا الزنى إنه كان فاحشة وساء

بزرگ و فراز ديك مرويد زنا را هر آينه كه آن هست ناشايستى و بد

سبيلا ۝ ولا تقتلوا النفس التي حرم الله إلا بالحق ومن قتل

راهى و مكشيد تن را آن تنى كه حرام كرد خدا مگر بحق و هر كه كشته

مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل إنه

مظلومى را پس هر آينه كه بكرديم مر ولى قتيل او را حجتى پس بايد كه اسراف نكند در قتل هر آينه كه او

كان منصورا ۝ ولا تقربوا مال اليتيم إلا بالتي هي أحسن

هست يارى كرده شده و فراز ديك مال يتيم مرويد مگر بطريقتى كه آن نيكوترست

حتى يبلغ أشده وأوفوا بالعهد إن العهد كان

تا برسند بغايت قوت خود و وفا كنيد بعهد خدا هر آينه كه عهد هست از آن

مسئولا ۝ وأوفوا الكيل إذا كلتم وزنوا بالقسطاس

بازپرسيده شده و تمام كنيد كيل را چون كيل كنيد شما و بركشيد براستى

المستقيم ذلك خير وأحسن تأويلا ۝ ولا تقف ما ليس لك

و عدالت ترازو را آن بهتر و نيكوتر بعاقبت و در پى مرويد آنچه نيست مر ترا

به علم إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه

بدان هيچ دانشى هر آينه كه گوش و چشم و دلهاى خلايق و آن گروه هست از آن

مسئولا ۝ ولا تمش في الأرض مرحا إنك لن تخرق الأرض ولن

پرسيده شده و مرو در زمين نازان و شادان هر آينه كه تو هرگز نتوانى دريد زمين را و هرگز

تبلغ الجبال طولا ۝ كل ذلك كان سيئه عند ربك

نتوانى رسيد بكوهها بدرازى همه آن هست بدى نزد پروردگار تو

مكروها ۝ ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة ولا تجعل

بكراهيت آن از آن چيزيست كه وحى كرد بسوى تو پروردگار تو از حكمت و مگردان

مع الله الها آخر فتلقى في جهنم ملوما مدحورا ۝ أفأصفاكم
با خدا خدای دیگر را پس انداخته شود در دوزخ ملامت زده زیان کار ای پس برگزید شما را
ربكم بالبنين واتخذ من الملائكة إناثا إنكم لتقولون
پروردگار شما پسران و فرا گرفت از فرشتگان مادگانی بدرستی که شما مرانه میگویید
قولا عظيما ۝ ولقد صرفنا في هذا القرآن ليذكروا
گفتاری بزرگ و بدرستی که هویدا کردیم ما در این قرآن تا پند گیرند
وما يزيدهم إلا نفورا ۝ قل لو كان معه آلهة كما يقولون
و نیفزاید ایشانرا مگر رمیدنی بگو اگر بودی با او خدایانی همچنانک میگویند
إذا لابتغوا إلى ذي العرش سبيلا ۝ سبحانه وتعالى عما يقولون
آنگه مرانه جویند با خداوند عرش راهی پاک و منزه است او و او [illegible] آنچه میگویند
علوا كبيرا ۝ تسبح له السماوات السبع والأرض ومن
افراشتگی بزرگ تسبیح میکند مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین و آنک
فيهن وإن من شيء إلا يسبح بحمده ولكن لا تفقهون
در آنهااند و نیست هیچ چیزی مگر که تسبیح میکند بستایش او و لیکن در نمی یابید
تسبيحهم إنه كان حليما غفورا ۝ وإذا قرأت القرآن
تسبیح ایشانرا بدرستی که او هست بردبار آمرزگار و چون خوانی تو قرآنرا
جعلنا بينك وبين الذين لا يؤمنون بالآخرة حجابا مستورا
بکردیم ما میان تو و میان آنانکه نمی گروند بآخرت پرده مستور

وجعلنا على قلوبهم أكنة أن يفقهوه وفي آذانهم وقرا
و بکردیم ما بر دلهای ایشان پوششی که در نیابند آنرا و در گوشهای ایشان گرانی است
وإذا ذكرت ربك في القرآن وحده ولوا على أدبارهم نفورا
و چون یاد کنی تو پروردگار خودرا در قرآن که یکتا است او برگردند بر پشتهای خود رمندگان
نحن أعلم بما يستمعون به إذ يستمعون إليك وإذ هم
ما داناتریم بدانچه گوش باز میدارند بدان چون گوش باز میدارند بسوی تو و چون ایشان
نجوى إذ يقول الظالمون إن تتبعون إلا رجلا مسحورا ۝
راز میگویند آنگه گویند ستمکاران پیروی نمیکنند مگر مردی جادوی را
انظر كيف ضربوا لك الأمثال فضلوا فلا يستطيعون
بنگر که چگونه بزدند مر ترا مثلها پس گمراه شدند پس نیافتند
حزب سبيلا ۝ وقالوا أئذا كنا عظاما ورفاتا أئنا لمبعوثون
راه را و گفتند ای چون باشیم ما استخوانهای پوسیده و ریزیده ای ما آمرنده برانگیخته شدگان هستیم
خلقا جديدا ۝ قل كونوا حجارة أو حديدا أو خلقا
در آفریدنی نو بگو باشید سنگهایی یا آهن پارهایی یا خلقی
مما يكبر في صدوركم فسيقولون من يعيدنا قل الذي
از آنچه بزرگ می آید در سینهای شما پس زود گویند که کیست که باز گرداند ما را بگو آن خدای
فطركم أول مرة فسينغضون إليك رؤوسهم ويقولون
که بیافرید شما را اول بار پس زود بجنبانند بسوی تو سرهای خود را و میگویند

متى هو قل عسى أن يكون قريبا ۝ يوم يدعوكم فتستجيبون

که کی خواهد بود آن بگو شاید بود که باشد نزدیک روزی که بر خواند شمارا پس پاسخ کنید

بحمده وتظنون إن لبثتم إلا قليلا ۝ وقل لعبادي يقولوا

بستایش او و گمان برید شما که درنگ کرده‌اید شما مگر اندکی و بگو مر بندگان مرا که گویند

التي هي أحسن إن الشيطان ينزغ بينهم إن الشيطان كان

بطریقتی که آن نیکوترست هر آینه دیو وسوسه افکند میان ایشان هر آینه دیو هست

للإنسان عدوا مبينا ۝ ربكم أعلم بكم إن يشأ يرحمكم

مر آدمی را دشمنی روشن پروردگار شما داناترست بشما اگر خواهد رحمت کند شمارا

أو إن يشأ يعذبكم وما أرسلناك عليهم وكيلا ۝ و

یا اگر خواهد عذاب کند شمارا و نفرستادیم ترا بر ایشان نگهبان اعمال و

ربك أعلم بمن في السماوات والأرض ولقد فضلنا بعض

پروردگار تو داناترست بآنکه در آسمانها و زمینست و هر آینه که افزونی نهادیم ما بعضی

النبيين على بعض وآتينا داود زبورا ۝ قل ادعوا الذين زعمتم

پیغمبران را بر بعضی و بدادیم ما داود را کتاب زبور بگو بر خوانید آنهارا که دعوی کردید شما

من دونه فلا يملكون كشف الضر عنكم ولا تحويلا ۝ أولئك

از خدا او پس قادر نباشند بر داشتن زیانی از شما و نه بگردانیدن آن گروه

الذين يدعون يبتغون إلى ربهم الوسيلة أيهم أقرب و

آنها اند که میخوانند ایشانرا تا بجویند سوی پروردگار خود وسیلتی که کدامین از ایشان نزدیکترند

يرجون رحمته ويخافون عذابه إن عذاب ربك كان محذورا ۝

امید میدارند رحمت اورا و می‌ترسند از عذاب او هر آینه عذاب پروردگار تو هست ازان حذر کرده شده

وإن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيامة أو معذبوها

و نیست هیچ اهل دهی مگر که ما هلاک کننده‌ایم آنرا پیش از روز قیامت یا عذاب کننده‌ایم آنرا

عذابا شديدا كان ذلك في الكتاب مسطورا ۝ وما

عذابی سخت هست آن در لوح المحفوظ نوشته و ثابت

منعنا أن نرسل بالآيات إلا أن كذب بها الأولون و

و مانع نشد مارا که بفرستیم نشانها را مگر آنکه بدروغ داشتند آنرا اولینیان

آتينا ثمود الناقة مبصرة فظلموا بها وما نرسل بالآيات

و بدادیم ما قوم صالح را ناقه سبب بینای معجزه پس بکشتند اورا و نفرستیم ما نشانها را

إلا تخويفا ۝ وإذ قلنا لك إن ربك أحاط بالناس وما جعلنا

مگر از بهر ترسانیدن و چون گفتیم ما مرترا که پروردگار تو داناست بحال مردمان و نگردانیدیم ما

الرؤيا التي أريناك إلا فتنة للناس والشجرة الملعونة في القرآن

خواب ترا آن خوابی که دیدی مگر سبب آزمایشی مردمانرا و درخت لعنت کرده شده را الملس(?) در قران

ونخوفهم فما يزيدهم إلا طغيانا كبيرا ۝ وإذ قلنا

و می ترسانیم ایشانرا پس نیفزاید ایشانرا مگر طغیانی بزرگ و چون گفتیم ما

للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس قال أأسجد لمن

مر ملائکه را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس گفت ای سجده کنم مر آنرا

خَلَقْتَ طِينًا ○ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ

که آفریدی تو از گل گفت ابلیس ای دیدی تو این را آنک گرامی کردی بر من برانه اگر تاخیر کنی مرا تا روز

الْقِيَٰمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ○ قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ

قیامت برانم گمراه گردانم فرزندان او را مگر اندکی گفت خدا برو تو بکار خود پس هر که پیروی کند ترا

مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ○ وَاسْتَفْزِزْ

از ایشان پس بدرستی که دوزخ پاداشت شما بود پاداشتی تمام و بلغزان

مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ

آنرا که توانائی داشته باشی از ایشان باواز خود و برنشان بر ایشان سواران

وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ

و پیادگان خود را و انباز گردان ایشانرا در مالها و فرزندان و وعده ده ایشانرا و وعده نمیدهد ایشانرا

الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ○ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ

دیو مگر فریب بدرستی که بندگان من نیست مر ترا بر ایشان حجتی

وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ○ رَبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ

و بس است پروردگار تو بکارسازی پروردگار شما آن خدایست که میراند برای شما کشتی را

فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ○ وَإِذَا

در دریا تا بجوئید از فضل او بدرستی که او هست بشما مهربان و چون

مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ

برسد بشما زیانی در دریا گم شود آنک میخوانند مگر او را پس چون برهانید شما را

إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ○ أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ

بسوی خشکی برگردید شما و هست آدمی ناسپاس ای پس ایمن شدید شما که

يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا

فرو برد شما را بجانب خشکی یا بفرستد بر شما سنگباران پس نیابید

لَكُمْ وَكِيلًا ○ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ

مر شما را کارسازی یا نه که ایمن شدید که بازگرداند شما را در آن یکبار دیگر ٥

فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ

پس بفرستد بر شما شکننده از باد پس غرق کند شما را بدانچه کافر شدید شما

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ○ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ

پس نیابید مر شما را بر ما بدان پیروی و بدرستی که گرامی کردیم ما فرزندان آدم را

وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

و برنشاندیم ما ایشانرا در خشکی و دریا و روزی دادیم ما ایشانرا از پاکیها و افزونی نهادیم ما ایشانرا

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ○ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ

بر بسیاری از آنک آفریدیم ما افزونی نهادنی روزی که خوانیم همه گروه آدمیانرا

بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ

به پیشوای ایشان پس هر که بدهند نامهٔ او را بدست راست او پس آن گروه خوانند نامهٔ خود را

وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ○ وَمَنْ كَانَ فِي هَٰذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ

و ستم کرده نشوند مقدار فتیلهٔ و هر که باشد در این دنیا نابینا پس او در آخرت

أعمى وأضل سبيلا ۝ وإن كادوا ليفتنونك عن الذي أوحينا

بی بصیرت تر بود و گمراه تر براه ۝ و بدرستی که نزدیک بود که بفتنت افکنند ترا از آنچه وحی کردیم ما

إليك لتفتري علينا غيره وإذا لاتخذوك خليلا ۝ ولولا أن

بتو تا بربافی برما جز آنرا و آنگه مر آنه فرا گیرند ترا بدوست ۝ و اگر نه آن بودی

ثبتناك لقد كدت تركن إليهم شيئا قليلا ۝ إذا

که ثابت بداشتمانی ترا بدرستی که میل بکردی بدیشان چیزی اندک ۝ آنگه

لأذقناك ضعف الحيوة وضعف الممات ثم لا تجد لك

مر بچشانیدمانی ترا دو بهره از زندگانی و دو بهره از مرگ پس نیافتی مر ترا

علينا نصيرا ۝ وإن كادوا ليستفزونك من الأرض ليخرجوك

برما یاری کنی ۝ و بدرستی که نزدیک بود که بلغزانند ترا از زمین تا بیرون کنند ترا

منها وإذا لا يلبثون خلافك إلا قليلا ۝ سنة من قد أرسلنا

از آن و آنگه درنگ نکردندی از پس تو مگر اندکی ۝ وضع طریقتی کردیم ترا همچنانک طریقتی که فرستادیم

قبلك من رسلنا ولا تجد لسنتنا تحويلا ۝ أقم الصلوة

پیش از تو از پیغمبران ما و نیابی تو مر طریقت ما را بگردیدنی ۝ بپای دار نماز را

لدلوك الشمس إلى غسق الليل وقرآن الفجر إن قرآن الفجر كان

مر برگشتن آفتاب را تا تیره شدن شب و قرآن خواندن در نماز بامداد ۝ بدرستی که قرآن در نماز بامداد بود

مشهودا ۝ ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى أن يبعثك

فرشتگان حاضر درا ۝ و بعضی از شب پس نماز تهجد گزار علی زیادتی مر ترا شاید بود که برانگیزاند ترا

ربك مقاما محمودا ۝ وقل رب أدخلني مدخل صدق و

پروردگار تو بجایگاهی ستوده که عزت ۝ و بگو ای پروردگار من درآور مرا درآوردنی نیکو

أخرجني مخرج صدق واجعل لي من لدنك سلطانا

و بیرون آور مرا بیرون آوردنی نیکو و بکن مرا از نزدیک خود حجتی

نصيرا ۝ وقل جاء الحق وزهق الباطل إن الباطل كان

یاری کننده ۝ و بگو آمد حق و نیست گشت باطل بدرستی که باطل باشد

زهوقا ۝ وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين

نیست شونده ۝ و فرو می‌فرستیم از قرآن آنچه آن شفاست و رحمت مر مؤمنان را

ولا يزيد الظالمين إلا خسارا ۝ وإذا أنعمنا على الإنسان أعرض ونا

و نیفزاید ستمکاران را مگر زیانکاری ۝ و چون نعمت کنیم بر آدمی برگرداند و بادور

بجانبه وإذا مسه الشر كان يؤسا ۝ قل كل يعمل على

گرداند خود را و چون برسد بدو بدی باشد نومید ۝ بگو هر یکی کار کند بر

شاكلته فربكم أعلم بمن هو أهدى سبيلا ۝ ويسئلونك

خو و عادت خود پس پروردگار شما داناترست بآنک او راه یابنده ترست براه ۝ و می پرسند از تو

عن الروح قل الروح من أمر ربي وما أوتيتم من العلم إلا قليلا

از جان ۝ بگو جان از آن چیزهاست که مختص است بعلم پروردگار من و نداده اند شمارا از دانش مگر اندکی

ولئن شئنا لنذهبن بالذي أوحينا إليك ثم لا تجد لك به علينا

و اگر خواهیم ببریم آنچه وحی کردیم ما بتو پس نیابی تو بدان برما

وكيلا • الا رحمة من ربك ان فضله كان عليك كبيرا • قل

كار ران مگر رحمتی از پروردگار تو بدرستی که فضل اوست بر تو بزرگ بگو

لئن اجتمعت الانس والجن على ان ياتوا بمثل هذا القران لا ياتون

اگر جمع شوند آدمی و پری برانکه آورند مانند این قرآنرا نتوانند آوردن

بمثله ولو كان بعضهم لبعض ظهيرا • ولقد صرفنا للناس

مانند آن واگرچه باشند بعضی ایشان مر بعضی را هم پشت و بدرستی که هویدا گردیم برای مردمان

في هذا القران من كل مثل فابى اكثر الناس الا كفورا •

در این قرآن از هر مثلی پس سر باز زدند بیشترین مردمان مگر بنا سپاسی

وقالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا • او تكون

و گفتند باور نداریم مر ترا تا روان کنی برای ما از زمین چشمه یا باشد

لك جنة من نخيل وعنب فتفجر الانهار خلالها تفجيرا •

مر ترا بستانی از خرما بنانی و انگوربستانهای پس روان کنی جویهارا در میان آن روان کردنی

او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفا او تاتي بالله

یا اندازی آسمانرا همچنانک دعوی کردی تو بر ما پاره‌ها یا آوری خدا

والملائكة قبيلا • او يكون لك بيت من زخرف او ترقى في السماء

و فرشتگانرا روی بارو یا باشد مر ترا خانه از جواهر یا بر بالای در معارج آسمانها

ولن نؤمن لرقيك حتى تنزل علينا كتابا نقرؤه قل سبحان

و هرگز باور نداریم بر شدن ترا تا فرود آوری بر ما کتابی که میخوانیم آنرا بگو پاکی مر است

ربي هل كنت الا بشرا رسولا • وما منع الناس ان يؤمنوا اذ جاءهم

پروردگار من نیستم من مگر آدمی فرستاده به رسالت و منع نکرد مردمانرا که بگروند چون آمد باو

الهدى الا ان قالوا ابعث الله بشرا رسولا • قل لو كان

راه راست مگر آنک گفتند ای نفرستاده است خدا آدمی را رسالت بگو اگر بودندی

في الارض ملائكة يمشون مطمئنين لنزلنا عليهم من السماء

در زمین فرشتگان که رفتندی آرامیدگان هرآینه فرو فرستادیمی بر ایشان از آسمان

ملكا رسولا • قل كفى بالله شهيدا بيني وبينكم انه

فرشته را برسالت بگو بس است خدا گواه میان من و میان شما بدرستی که او

نصف

كان بعباده خبيرا بصيرا • ومن يهد الله فهو المهتد ومن

هست بحال بندگان خود آگاه و بینا و هر که راه نماید او را خدا پس او راه یابنده بود و هر کرا

يضلل فلن تجد لهم اولياء من دونه ونحشرهم يوم القيامة

که گمراه کند پس هرگز نیابی مر ایشانرا دوستانی از جز او و حشر کنیم ایشانرا روز قیامت

على وجوههم عميا وبكما وصما ماواهم جهنم كلما

بر رویهای ایشان کوران و گنگان و کران جایگاه ایشان دوزخ بود هرگاه

خبت زدناهم سعيرا • ذلك جزاؤهم بانهم كفروا باياتنا

که ساکن شود بزیادت کنیم ایشانرا آتشی افروخته آنست پاداشت ایشان بسبب آنکه ایشان کافر شدند بنشانهای ما

ورفاتا

وقالوا ءاذا كنا عظاما ورفاتا ءانا لمبعوثون خلقا جديدا

و گفتند ای چون باشیم ما خاکی و استخوانهای ای ما برانگیخته‌شدگان باشیم در آفریدنی نو

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ
ای ندیدند که خدا آن خدائیست که آفرید آسمانها و زمین را تواناست بر آنکه بیافریند مانند ایشانرا
وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا • قُلْ
و بدید کرد برای ایشان اجلی که هیچ شکی نیست در آن پس سر باز زدند ستمکاران مگر ناسپاسی بگو
لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ
اگر شما قادر می بودید خزینهای رحمت پروردگار مرا آنگه هرآینه امساک میکردید شما از ترس درویشی
وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا • وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
و هست آدمی بغایت بخیل و بدرستی که بدادیم ما موسی را نه معجزهٔ روشن
فَسْئَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ
پس بپرس از فرزندان یعقوب چون آمد به ایشان پس گفت مر اورا فرعون که من گمان می برم ترا
يَا مُوسَى مَسْحُورًا • قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ
ای موسی جادو کرده گفت بدرستی که دانی تو که فرو نفرستاد اینها را مگر پروردگار
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا • فَأَرَادَ
آسمانها و زمین سبب بینائی دلها و بدرستی که من یقین میدانم ترا ای فرعون از جملهٔ هالکان پس خواست
أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا • وَقُلْنَا مِنْ
که بلغزانند ایشانرا از زمین پس غرق کردیم ما اورا و هر که با او بود همه و گفتیم ما از
بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا
پس او مر بنی اسرائیل را ساکن شوید در زمین پس چون آید وعدهٔ آخرت آوریم ما

٣

بِكُمْ لَفِيفًا • وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا
شمارا همه باهم و بحق آنکه فرود آوردیم قرآنرا و بحق آنچه فرود آمد و نفرستادیم ما ترا مگر بشارت دهنده
وَنَذِيرًا • وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ
و بیم کننده و قرآنی را فارق میان حق و باطل تا خوانی آنرا بر مردمان بر آهستگی و فرو فرستادیم ما قرآنرا
تَنْزِيلًا • قُلْ آمِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ
فرو فرستادنی بگو بگروید بدان یا نگروید بدرستی که بداده شد ایشانرا دانش از پیش آن
إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا • وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا
چون خوانده میشود بر ایشان بروی درافتند سجود کنندگان و میگویند پاکی و منزه است پروردگار ما
إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا • وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ
بدرستی که هست وعدهٔ پروردگار ما رسانیده شده و بروی درافتند و گریند و زیادت شود ایشانرا
خُشُوعًا • قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
خضوعی بگو برخوانید خدارا یا برخوانید خدای روزی دهنده را بهر کدام نام که خواهید برخوانید پس مر اوراست نامهای نیکو
وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا • وَقُلِ
و بلند نخوان در نماز خود و آهسته نگوی آنرا و بجوی میان این و آن راهی و بگو
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ
سپاس مر خدارا آن خدای که فرا نگرفت فرزندی را و نبود مر اورا انبازی در پادشاهی
يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ۵
و نبود مر اورا هیچ دوستی از خواری و بزرگی یاد کن اورا به بزرگی یاد کردنی

وقف
سجده

سورة الكهف مائة وعشر آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداى روزى دهنده مهربان

الحمد لله الذى انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا

شكر وسپاس مر خدا را آن خدائى كه فرو فرستاد بر بنده خود محمد قرآن را و نكرد آن را كژى

قيما لينذر بأسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين يعملون

دين راست تا بيم كند بر پاداشى سخت از نزديك او و بشارت دهد مؤمنان را آنهائى كه كردند

الصالحات ان لهم اجرا حسنا ماكثين فيه ابدا ويُنذر

كارهاى نيك باكه باشد مر ايشان را مزدى نيكو درنگ كنندگان در آنجا هميشه و بيم كند

الذين قالوا اتخذ الله ولدا ما لهم به من علم ولا لآبائهم

آنها را كه گفتند فرا گرفت خدا فرزندى نيست مر ايشان را بدان هيچ دانشى و نه پدران ايشان را

كبرت كلمة تخرج من افواههم ان يقولون الا كذبا

بزرگ كلمه ايست كه بيرون آيد از دهنهاى ايشان نميگويند مگر دروغى

فلعلك باخع نفسك على آثارهم ان لم يؤمنوا بهذا الحديث

پس مگر تو هلاك كننده تن خود را بر اثرهاى ايشان اگر نگروند بدين سخن قرآن

اسفا انا جعلنا ما على الارض زينة لها لنبلوهم ايهم

بيزدان بدرستى كه بگردانيديم ما آنكه بر روى زمينست زينتى مر اهل آن را تا صورت آزمايش كنيم ايشان را كه كدام

احسن عملا وانا لجاعلون ما عليها صعيدا جرزا ام حسبت ان

نيكوتر بعمل و بدرستى كه ما كننده ايم آن را كه بر روى زمينند خاكى بى نبات يا پنداشتى تو كه

اصحاب الكهف والرقيم كانوا من آياتنا عجبا اذ اوى الفتية الى

اصحاب غار و شكاف در كوه بودند از نشانهاى ما شگفت چون پناه بردند جوانمردان بسوى

الكهف فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من امرنا

غار پس گفتند اى پروردگار ما بده ما را از نزد خود رحمتى و آسان گردان ما را از كار ما

رشدا فضربنا على آذانهم فى الكهف سنين عددا ثم

صوابى پس بخوابانيديم ما ايشان را در غار سالهاى شمرده پس

بعثناهم لنعلم اى الحزبين احصى لما لبثوا امدا نحن نقص

بيدار كرديم ما ايشان را تا بدانيم كه كدام يك از دو گروه شمرده ترند مر آنچه درنگ كردند غايتى را ما قصه ميگوييم

عليك نبأهم بالحق انهم فتية آمنوا بربهم وزدناهم هدى

بر تو خبر ايشان را بحق بدرستى كه ايشان جوانانى بودند كه گرويده بودند بپروردگار خود و زيادت كرده بوديم ما ايشان را راهى

وربطنا على قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات والارض

و بستيم ما بر دلهاى ايشان چون برخاستند پس گفتند كه پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمينست

لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا هؤلاء قومنا اتخذوا

هرگز نخوانيم از جز او خدائى را بدرستى كه گفته باشيم آنگه دروغى اين گروه قوم ما فرا گرفتند

من دونه آلهة لولا يأتون عليهم بسلطان بين فمن اظلم ممن

از جز او خدايانى را چرا نيارند بر ايشان حجتى روشن پس كيست ستمكارتر از آنك

افترى على الله كذبا واذ اعتزلتموهم وما يعبدون الا الله

بربافت بر خدا دروغی وچون باکسوی شدید ایشان ونمی پرستیدند مگر خدارا

فأووا الى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من

پس پناه دهید باغار تا براکند مر شمارا پروردگار شما از رحمت خود واسان گرداند مر شمارا از

امركم مرفقا ● وترى الشمس اذا طلعت تزاور عن كهفهم

کار شما یاری وموافقت وبیدیدی آفتاب را که چون برمی آمد برمی تافت از غار ایشان

ذات اليمين واذا غربت تقرضهم ذات الشمال وهم في فجوة منه

از دست راست وچون فرو می شد برمی آمد از جانب چپ وایشان در تنگنائی بودند ازان

ذلك من ايات الله من يهد الله فهو المهتد ومن يضلل فلن

آن از نشانهای خداست آنرا که راه نماید خدا پس او راه یابنده بود وهر کرا که گمراه کنی پس هرگز

تجد له وليا مرشدا ● وتحسبهم ايقاظا وهم رقود و

نیابی او را دوستی باصواب وپنداشتی تو ایشانرا بیداران وایشان خفتگان بودند

نقلبهم ذات اليمين وذات الشمال وكلبهم باسط

وی گردانیدیم ما ایشانرا از جانب راست واز جانب چپ وسگ ایشان گسترانندهٔ بود

ذراعيه بالوصيد ● لو اطلعت عليهم لوليت منهم فرارا

هر دو کف دست خودرا بآستانه در اگر مطلع باشدی بر ایشان هر آینه برگردیدی از ایشان گریختنی

ولملئت منهم رعبا ● وكذلك بعثناهم ليتساءلوا بينهم

وهر آینه پر شدی از ایشان ترسی وهمچنین که خوابانیدیم ما بیدار کردیم ما ایشانرا از بهر آنکه پرسند ایشان

قال قائل منهم كم لبثتم قالوا لبثنا يوما او بعض يوم قالوا

گفت گوینده از ایشان که چند درنگ کردید شما گفتند درنگ کردیم ما روزی یا بعضی از روز گفتند

ربكم اعلم بما لبثتم فابعثوا احدكم بورقكم هذه الى

پروردگار شما داناتر است بدانچه درنگ کردید شما پس بفرستید یکی را از شما بدین درم شما بسوی

المدينة فلينظر ايها ازكى طعاما فليأتكم برزق منه وليتلطف

شهر پس باید که بنگرد که کدام چیز از طعامها پاکیزه تر است پس بیاورد بشما روزی ازان وباید که نرمی کوید

ولا يشعرن بكم احدا ● انهم ان يظهروا عليكم يرجموكم

ومطلع نگرداند بحال شما هیچ یکی را بدرستی که ایشان اگر مطلع شوند بر شما سنگسار کنند شمارا

او يعيدوكم في ملتهم ولن تفلحوا اذا ابدا ● وكذلك

یا درآرند شمارا در دین خود ورستگاری نباشد آنگه همیشه وهمچنین

اعثرنا عليهم ليعلموا ان وعد الله حق وان الساعة لا ريب

بیدار کردیم ما ایشانرا تا بدانند بدرستی که وعدهٔ خدا حق است واینکه قیامت هر آینه هیچ شکی نیست

فيها اذ يتنازعون بينهم امرهم فقالوا ابنوا عليهم بنيانا

در آن چون خصومت میکردند میان یکدیگر در کار خود پس گفتند بنا نهید بر ایشان بنا نهادنی

ربهم اعلم بهم قال الذين غلبوا على امرهم لنتخذن عليهم

پروردگار ایشان داناتر است بایشان گفتند آنها که غلبه کردند بر کار ایشان که هر آینه فرا گیریم بر ایشان

مسجدا ● سيقولون ثلثة رابعهم كلبهم ويقولون

زیارتگاهی زود گویند که سه بودند چهارم ایشان سگ ایشان بود ومیگویند

نصف القرآن باعتبار الحروف

خمسة سادسهم كلبهم رجما بالغيب ويقولون سبعة
پنج بودند ششم ایشان سگ ایشان بود انداختنی بناپیدا ومیگویند که هفت بودند
وثامنهم كلبهم قل ربي اعلم بعدتهم ما يعلمهم الا
وهشتم ایشان سگ ایشان بود بگو پروردگار من داناترست بشمار ایشان نداند ایشانرا مگر
قليل فلا تمار فيهم الا مراء ظاهرا ولا تستفت فيهم منهم
اندکی پس بشک مباش در حق ایشان مگر بشک شدنی ظاهر وفتوی مخواه در حق ایشان از ایشان
احدا ولا تقولن لشيء اني فاعل ذلك غدا الا ان يشاء الله
هیچ یکی را ومگوئید مر هیچ چیزی که من کننده ام آنرا فردا مگر که خواهد الله نگوئید
واذكر ربك اذا نسيت وقل عسى ان يهدين ربي لاقرب من
و یاد کن پروردگار خودرا چون فراموش کنی وبگو شاید بود که راه نماید مرا پروردگار من نزدیکتر از
هذا رشدا ولبثوا في كهفهم ثلث مائة سنين وازدادوا
این رای بصواب و درنگ کردند در غار خود سیصد سال وبزیادت کردند
تسعا قل الله اعلم بما لبثوا له غيب السموات والارض ابصر
نه سال دیگررا بگو که خدا داناترست بدانچه درنگ کردند مراورا ست غیب آسمانها و زمین می بینم
به واسمع ما لهم من دونه من ولي ولا يشرك في حكمه احدا
بدو و می شنوم نیست مر ایشانرا از جز او هیچ دوستی وایاری واندارد وشریک نکرده اند در حکم خود هیچ یکی را
واتل ما اوحي اليك من كتاب ربك لا مبدل لكلماته
وبرخوان آنچه وحی کرده میشود بتو از کتاب پروردگار تو بدل کننده نیست مر سخنان اورا

ولن تجد من دونه ملتحدا واصبر نفسك مع الذين يدعون
وهرگز نیابی از جز او پناهگاهی وصبرده تن خودرا با آنها که میخوانند
ربهم بالغدوة والعشي يريدون وجهه ولا تعد عيناك
پروردگار خودرا بامداد وشبانگاه میخواهند رضای اورا ودرمگذراناد دوچشم تو
عنهم تريد زينة الحيوة الدنيا ولا تطع من اغفلنا قلبه
از ایشان میخواهی زینت زندگانی دنیارا وفرمان مبر آنرا که غافل گردانیدیم ما دل اورا
عن ذكرنا واتبع هواه وكان امره فرطا وقل الحق من
از یاد کرد ما وپیروی کرد هوای نفس را وبود کار او در ضایع وبگو حق از
ربكم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليكفر انا اعتدنا للظالمين
پروردگار شماست پس هرکه خواهد گو ایمان آر وهرکه خواهد گو کافر شو بدرستی که بیچاردیم ما برای ظالمان
نارا احاط بهم سرادقها وان يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل
آتشی را که گرد درآید بدیشان سراپردهای آن واگر فریاد خواهند فریاد رسند ایشانرا بآبی همچون مس گداخته
يشوي الوجوه بئس الشراب وساءت مرتفقا ان الذين
که بریان کند رویهارا بدست آشامیدنی وبد آرامگاهی بدرستی که آنها
آمنوا وعملوا الصالحات انا لا نضيع اجر من احسن عملا اولئك
که بگرویدند وکردند کارهای نیک بدرستی ما ضایع نکنیم مزد آنرا که نیکو کرد عمل وکاررا آن گروه
لهم جنات عدن تجري من تحتهم الانهار يحلون فيها من اساور
مرایشانرا بستانهای اقامت که رود از زیر آن جویها رود آن زیور در برکنند درآنجا دستورنجهای

من ذهب ويلبسون ثيابا خضرا من سندس واستبرق متكئين

از طلا و در پوشند جامهای سبز از سندس و استبرق تکیه زنندگان

فيها على الأرائك نعم الثواب وحسنت مرتفقا ۝ واضرب

در آنجا بر تختها چه نیکو بود آن ثواب و چه نیکو بود تکیه جای و بزن

لهم مثلا رجلين جعلنا لأحدهما جنتين من أعناب

برای ایشان مثل دو مرد که کرده بودیم مر یکی را از ایشان دو بستان از انگورستانها

وحففناهما بنخل وجعلنا بينهما زرعا ۝ كلتا الجنتين

و در نشانده بودیم در آن مرد خرما بنان و پدید کرده میان آن هر دو کشت زرعی آن هر دو بستان

آتت أكلها ولم تظلم منه شيئا وفجرنا خلالهما نهرا

میدادند بار خود را و باز کم نمیکردند از آن چیزی و روان کرده بودیم در میان آن هر دو جوئی

وكان له ثمر فقال لصاحبه وهو يحاوره أنا أكثر

و بود مر آنرا میوه پس گفت مر یار خود را و او خصومت میکرد با او که من بیشترم

منك مالا وأعز نفرا ۝ ودخل جنته وهو ظالم لنفسه قال

از تو بمال و عزیزتر بنفر و در رفت در بستان خود و او ظالم بود بر تن خود گفت

ما أظن أن تبيد هذه أبدا ۝ وما أظن الساعة قائمة ولئن رددت

گمان نمی برم که نیست گردد این هرگز و گمان نمی برم قیامت را بودنی و اگر باز گردانیده شوم

إلى ربي لأجدن خيرا منها منقلبا ۝ قال له صاحبه وهو يحاوره

با خدا پروردگار من هر آینه یابم بهتر از آن بازگشتن جای گفت مر او را یار او و او خصومت میکرد با او

حزب

أكفرت بالذي خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سواك رجلا

ای کافر شدی بدان خدایی که آفریدت از خاک پس از نطفه پس راست اندام کرد ترا بصورت مردی

لكنا هو الله ربي ولا أشرك بربي أحدا ۝ ولولا إذ دخلت جنتك

لیکن اوست خدا پروردگار من و انباز نیارم بپروردگار خود هیچ کس را و چرا چون درآمدی تو در بستان خود

قلت ما شاء الله لا قوة إلا بالله إن ترن أنا أقل منك مالا وولدا

نگفتی که آنچه خواسته بود خدای بشود هیچ قوتی نیست مگر بخدا اگر می بینی مرا کمتر از خود بمال و فرزندان

فعسى ربي أن يؤتين خيرا من جنتك ويرسل عليها حسبانا من

پس شاید بود که پروردگار من بدهد مرا بهتر از بستان تو و فرستد بران پیکانها از

السماء فتصبح صعيدا زلقا ۝ أو يصبح ماؤها غورا فلن

آسمان پس گردد زمینی بی گیاه یا گردد آب آن بزمین فرو شده پس

تستطيع له طلبا ۝ وأحيط بثمره فأصبح يقلب كفيه على

نتوانی مر آنرا طلب کردن و فرا آورده شد میوه او پس بامداد کرد ... دو دست خود بر

ما أنفق فيها وهي خاوية على عروشها ويقول يا ليتني لم أشرك

بر آنچه خرج کرده بود در آنجا و آن افتاده بود بر سقفهای آن و گفت ای کاشکی من انباز نیاوردمی

بربي أحدا ۝ ولم تكن له فئة ينصرونه من دون الله وما كان

بپروردگار خود هیچ یکی را و نبود مر او را گروهی که یاری کنند او را از جز خدا و نبود

منتصرا ۝ هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا وخير عقبا

داد [illegible] آنجا ولایت مر خدای راست بحق او بهتر ثواب و بهتر عاقبت

واضرب لهم مثل الحيوة الدنيا كماء انزلناه من السماء

و بزن برای ایشان مثل زندگانی دنیا همچون آبی که فرو فرستادیم آنرا از آسمان

فاختلط به نبات الارض فاصبح هشيما تذروه الرياح وكان

پس مخلوط شد بدان رستنی زمین پس گشت ناچیز که پراگنده کند آنرا بادها و هست

الله على كل شيء مقتدرا ۝ المال والبنون زينة الحيوة

خدا بر همه چیزی قادر و توانا مال دنیا و پسران زینت زندگانی

الدنيا والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير املا

دنیا اند و نمازهای پنج گانه و اعمال صالحه بهتر نزد پروردگار تو بثواب و بهتر بامید

ويوم نسير الجبال وترى الارض بارزة وحشرناهم فلم نغادر

و یاد کن روزی را که روان کنیم کوهها را و بینی تو زمین منکشف و گرد آوریم ایشانرا پس باز نگذاریم

منهم احدا ۝ وعرضوا على ربك صفا لقد جئتمونا كما خلقناكم

از ایشان هیچ یکی را و عرض کرده شوند بپروردگار تو صف صف بدرستی که آمدید بما همچنانکه آفریدیم شمارا

اول مرة بل زعمتم الن نجعل لكم موعدا ۝ ووضع الكتاب

اول بار بلکه گمان بردید شما که پدید نکنیم مر شمارا وعده جای و نهند نامه اعمال را

فترى المجرمين مشفقين مما فيه ويقولون يا ويلتنا مال هذا

پس بینی تو کافرانرا ترسندگان از آنچه بود در آن و گویند ای وای بر ما چیست این

الكتاب لا يغادر صغيرة ولا كبيرة الا احصيها

نامه را که فرو نگذاشته است نه کوچک و نه بزرگ را مگر که بر شمرده است آنرا

ووجدوا ما عملوا حاضرا ولا يظلم ربك احدا ۝ واذ قلنا للملئكة

و یابند آنچه کرده باشند حاضر و ستم نکند پروردگار تو هیچ یکی را و چون گفتیم مر فرشتگانرا

اسجدوا لادم فسجدوا الا ابليس كان من الجن ففسق عن امر

سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس که بود از دیوان پس نافرمانی کرد از فرمان

ربه افتتخذونه وذريته اولياء من دوني وهم لكم عدو

پروردگار خود ای پس فرا میگیرید او را و فرزندان او را دوستان از جز من و ایشان مر شمارا دشمنند

بئس للظالمين بدلا ۝ ما اشهدتهم خلق السموات والارض ولا

بدست مر ستمکارانرا بدلی حاضر نکرده ام ایشانرا با آفرینش آسمانها و زمین

خلق انفسهم وما كنت متخذ المضلين عضدا ۝ ويوم

و نه آفرینش تنهای ایشان و نیستم من فرا گیرنده گمراهانرا یاریده و روزی

يقول نادوا شركاءي الذين زعمتم فدعوهم فلم يستجيبوا

که گوید خدا بر خوانید انبازان مرا آنها که دعوی کردید شما پس بر خوانند ایشانرا پس پاسخ نکنند

لهم وجعلنا بينهم موبقا ۝ ورأى المجرمون النار فظنوا انهم

مر ایشانرا و بدید کنیم میان ایشان حائلی و ببینند کافران آتش را پس بپندارند که ایشان

مواقعوها ولم يجدوا عنها مصرفا ۝ ولقد صرفنا في هذا القرآن

در رفتنی اند در آنجا و نیابند از آن گریزگاهی و بدرستی که بگردانیدیم درین قرآن

للناس من كل مثل وكان الانسان اكثر شيء جدلا ۝ وما

برای مردمان از هر مثلی و هست آدمی بیشتر چیزی مجادله کننده

مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا
و منع نکرد مردمان را که بگروند چون آمد بدیشان راه و آمرزش خواهند از پروردگار مگر
أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا
که آید بدیشان طریقت پیشینان یا آید بدیشان عذاب روی باروی
نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا
و نفرستادیم ما رسولان را مگر بشارت دهندگان و بیم کنندگان و خصومت کردند آنها که کافر شدند
بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا
به باطل تا باطل کنند بدان حق را و فرا گرفتند نشانهای مرا و آنچه بیم کرده شدند با آن استهزا
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا
و کیست ستمکارتر از آنکه پند داده شود به نشانهای پروردگار خود پس برگردد از آن و فراموش کند آنچه
قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
در پیش داشته باشند دو دست او براستی که کردیم ما بر دلهای ایشان پوششی که در نیابند آنرا
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۝ وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا
و در گوشهای ایشان گرانیست و اگر خوانی ایشان را باراه پس هرگز راه نیابند
إِذًا أَبَدًا ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا
آنگه همیشه و پروردگار تو آمرزگارست خداوند رحمت اگر فراگیرد ایشان را بدانچه
كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ
اندوخته باشند هر آینه شتافتی مر ایشان را عذاب بلکه مر ایشان راست وعده‌گاهی که نیابند از فرود

مَوْئِلًا ۝ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا
پناهگاهی و آن اهل شهرها که هلاک کردیم ما ایشان را چون ستم کردند و بکردیم ما
لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ
مر هلاک ایشان را وعده‌گاهی و چون گفت موسی مر جوان خود را یوشع بن نون هرگز زدوم تا برسیم
مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ۝ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا
مجمع البحرین و اگرچه روم سالها پس چون برسیدند بمجمع البحرین فراموش کردند
حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ
ماهی خود را پس فرا گرفت ماهی راه خود را در دریا شکافتی پس چون بگذشتند گفت مر جوان خود را
آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَٰذَا نَصَبًا ۝ قَالَ أَرَأَيْتَ
که بیار ما را چاشت ما بدرستی که رسیدیم ما از سفر ما این سفر رنجی گفت ای دیدی تو
إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسَانِيهُ إِلَّا الشَّيْطَانُ
چون جای گرفتیم ما بسوی سنگ پس من فراموش کردم ماهی را و از یاد من نبرد آنرا مگر دیو
أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۝ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا
که یاد کنم آنرا و فرا گرفت ماهی راه خود را در دریا تعجب گفت آنست که بودیم
نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا قَصَصًا ۝ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا
جوییم پس بازگشتند بر اثرهای خود قصه کنان پس یافتند بنده را از بندگان ما
آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ۝ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ
که بداده بودیم ما او را رحمتی از نزد ما و در آموخته بودیم او را از نزدیک خود دانشی گفت او را موسی

أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۝ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ

ای پیروی کنم ترا براک که درآموزانی مرا ازآنچه درآموخته راه صوابی گفت خضر که تو نتوانی با من

صَبْرًا ۝ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِۦ خُبْرًا ۝ قَالَ

صبر کردن وچگونه صبر کنی بدانچه نرسیدی بدان آگاهی گفت موسی

سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ صَابِرًا وَلَآ أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ۝ قَالَ

زود یابی مرا اگر خواهد خدا صبر کننده ونافرمانی نکنم ترا در هیچ کاری گفت خضر

فَإِنِ ٱتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْـَٔلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّىٰٓ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

پس اگر پیروی بکنی مرا پس مپرس از من از هیچ چیزی تا روشن کنم ترا ازآن پندی

فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا رَكِبَا فِي ٱلسَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا

پس برفتند تا چون برنشستند در کشتی بشکست آنرا خضر گفت ای بشکستی آنرا

لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا إِمْرًا ۝ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَن

تا غرق شوند اهل آن بدرستی که آمدی تو بچیزی عجب گفت خضر ای نگفتم که تو

تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي

نتوانی با من صبر کردن گفت فرامگیر مرا بدانچه فراموش کردم ودیگر مرا

مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ۝ فَٱنطَلَقَا حَتَّىٰٓ إِذَا لَقِيَا غُلَٰمًا فَقَتَلَهُۥ قَالَ

از کار من دشواری پس چون برفتند تا چون برسیدند بکودکی پس بکشت خضر اورا گفت

أَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةًۢ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْـًٔا نُّكْرًا

ای بکشتی تنی را پاک بی آنکه بکشته بودی دیگری را بدرستی که آمدی بچیزی منکر

الجزو ١٦

أَلَمْ أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ قَالَ إِن سَأَلْتُكَ عَن

ای نگفتم مرترا که تو نتوانی با من صبر کردن گفت موسی اگر درخواهم ازتو از

شَيْءٍۭ بَعْدَهَا فَلَا تُصَٰحِبْنِي قَدْ بَلَغْتَ مِن لَّدُنِّي عُذْرًا ۝ فَٱنطَلَقَا

چیزی پس ازین پس مصاحبت مکن با من بدرستی که برسیده ای از نزدیکی من بعذر برگرفتی پس برفتند

أهلها

حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَيَآ أَهْلَ قَرْيَةٍ ٱسْتَطْعَمَآ فَأَبَوْاْ أَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا

تا چون آمدند براهل دهی که طعام خواستند پس سر باز زدند که مهمان کنند ایشان را پس یافتند

فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَن يَنقَضَّ فَأَقَامَهُۥ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ

درآنجا دیواری که نزدیک بود که بیفتد پس راست بداشت آنرا گفت اگر میخواستی فرا گرفتی برآن

أَجْرًا ۝ قَالَ هَٰذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ

مزدی گفت خضر اینست فراق میان من ومیان تو زود آگاه کنم ترا بتعبیر آنچه

تَسْتَطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ۝ أَمَّا ٱلسَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَٰكِينَ

نتوانستی با من برآن صبر کردن اما کشتی پس بود مر بیچارگانرا

يَعْمَلُونَ فِي ٱلْبَحْرِ فَأَرَدتُّ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُم مَّلِكٌ

که کار میکردند در دریا پس خواستم که عیبناک گردانم آنرا وبود از پس ایشان پادشاهی

يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ۝ وَأَمَّا ٱلْغُلَٰمُ فَكَانَ أَبَوَاهُ

که فرا میگرفت هر کشتی را بغصب واما کودک پس بود پدر ومادرش

مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَآ أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَٰنًا وَكُفْرًا ۝ فَأَرَدْنَآ

مومن پس بترسیدیم ما که بگیرد آنها را از طغیان وناسپاسی پس خواستیم

أَن يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَوٰةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا ۝ وَأَمَّا الْجِدَارُ

که بدل کنه ایشانرا پروردگار ایشان بهتر ازان بپاکی و نزدیکتر برآبت و اما دیوار

فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنزٌ

پس بود مر دو کودک یتیم را در شهر و بود در زیر آن گنجی

لَّهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا ۝ فَأَرَادَ رَبُّكَ أَن يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا

مر ایشانرا و بود پدر ایشان مردی نیکو پس خواست پروردگار تو که برسند بغایت قوت خود

وَيَسْتَخْرِجَا كَنزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۚ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ

و بیرون آورند گنج خودرا رحمتی از پروردگار تو و نکردم آنرا از

أَمْرِي ۚ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِع عَّلَيْهِ صَبْرًا ۝ وَيَسْأَلُونَكَ

پیش خود آنست تاویل آنچه توانا نبایستی برآن صبر کردن وی پرسند ترا

عَن ذِي الْقَرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ۝ إِنَّا مَكَّنَّا

از حال اسکندر بگو زود برخوانم برشما ازآن پندی بدرستی که ما تمکین داده بودیم

لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ۝ فَأَتْبَعَ سَبَبًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا

مراورا در زمین و داده بودیم ماورا از هر چیزی سببی پس پیروی کرد آن سبب را تا چون

بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِندَهَا

برسید بجای فرو شدن آفتاب یافت آنرا که فرو میرفت در چشمهٔ گرم و یافت نزدیک آن

قَوْمًا ۗ قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَن تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَن تَتَّخِذَ

گروهی گفتیم یا ای اسکندر یا آنکه عذاب کنی و یا آنکه فرا گیری

فِيهِمْ حُسْنًا ۝ قَالَ أَمَّا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ

در میان ایشان نیکوئی گفت اما آنکه ستم کرد پس زود عذاب کنیم اورا پس رد کرده شود سوی

رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكْرًا ۝ وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

خدای پروردگار خود پس عذاب کند اورا عذابی منکر و اما آنکه بگروید و کارهای نیکو کرد

فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنَىٰ ۖ وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

پس مراورا پاداشت بهشت بود و زود گوئیم مراورا از فرمان ما آسانی پس پیروی کرد سببی

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَل

تا چون برسید بجای برآمدن آفتاب یافت آنرا که برمی آید بر گروهی که نکرده بودیم

لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا ۝ كَذَٰلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ

مر ایشانرا از فرو آن پرده همچنین دانایم بدانچه نزد او بود

خُبْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن

آگاهی پس پیروی کرد سببی را تا چون برسید میان دو بند یافت از

دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۝ قَالُوا يَا ذَا

جز ایشان گروهی را که نزدیک بود که در نیابند گفتاری را گفتند ای

الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ

اسکندر بدرستی که یاجوج و ماجوج تباهی کنندگانند در زمین پس ایا

نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝ قَالَ

بکنیم ترا خرجی برآنکه بکنی میان ما و میان ایشان بندی گفت

مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَ

آنچه تمکین داد مرا در آن پروردگار من بهتر پس مدد دهید مرا بقوتی تا بگردانم میان شما و

بَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝ آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ

میان ایشان بندی سخت بیاورید مرا پاره آهن را تا چون

قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

گفت در دمید تا چون گردانید آنرا چون آتش گفت بیاورید مرا تا بریزم بران پاره مس را

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ۝

پس توانای ندارند که بر آیند بران و توانای نداشته باشند مر آنرا سوراخ کردن

قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ

گفت این رحمتیست از پروردگار من پس چون آید وعده پروردگار من بکند آنرا خورد و

وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ۝ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ

و هست وعده پروردگار من بحق و بگذاریم ما بعضی ایشانرا آنروز که موج زنند

فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ۝ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ

در میان بعضی و در دمند در صور پس جمع کردیم ما ایشانرا جمعه و عرض کنیم ما دوزخ را

يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ۝ الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي

آنروز مر کافرانرا عرض کردنی آنهای که بود چشمهای ایشان در

غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۝ أَفَحَسِبَ

پوشش از یاد کردن من و بودند توانای نداشته باشند شنودن را آیا پس پنداشتند

الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ ۚ إِنَّا أَعْتَدْنَا

آنهای که کافر شدند که فرا گیرند بندگان مرا جز از من دوستان بدرستی که بیاراستیم ما

جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ

دوزخ را برای کافران معدی بگو ای آیا آگاهانم شمارا بزیانکارترین

أَعْمَالًا ۝ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ

عملها آنهااند که گم شد سعی ایشان در زندگانی دنیا و ایشان پنداشتند

أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ

که ایشان نکوئی میکنند آن گروه آنهااند که کافر شدند بنشانهای پروردگار خود

وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

و بباز رسیدن باو پس باطل شد عملهای ایشان پس ننهیم مر ایشانرا روز قیامت

وَزْنًا ۝ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي

وزنی آن پاداشت دادیم ما ایشانرا دوزخ بسبب آنچه کافر شدند و فرا گرفتند نشانها مرا

وَرُسُلِي هُزُوًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ

و رسولان مرا باستهزا بدرستی که آنها که بگرویدند و کردند کارهای نیک باشد

لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا

مر ایشانرا بهشت فردوس منزلگاهی همیشه باشند در آنجا نجویند از آن

حِوَلًا ۝ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ

گردیدن بگو اگر بودی دریاها مداد مر سخنان پروردگار من هرآینه نافد شدی دریا پیش

نوشتنی

أن تنفد كلمات ربي ولو جئنا بمثله مددا ۝ قل إنما

از آنکه نافد شوند سخنان پروردگار من واگرچه آوریم مانند آنرا بمدد بگو بدرستی

أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فمن

که من آدمی‌ام مانند شما وحی کرده میشود بمن که خدای شما یکیست پس هر که

كان يرجوا لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك

هست امید میدارد بازرسیدن پروردگار خود پس باید که کند کاری نیکو و انباز فرا ندارد

بعبادة ربه أحدا

بپرستیدن پروردگار خود هیچ کی را

سورة مريم عليها السلام ثمان وتسعون

بسم الله الرحمن الرحيم

كهيعص ۝ ذكر رحمت ربك عبده زكريا ۝ إذ نادى

راست گفت این یاد کرد رحمت پروردگارتست بر بنده خود زکریا چون برخواند

ربه نداء خفيا ۝ قال رب إني وهن العظم مني واشتعل

پروردگار خودرا خواندنی پنهان گفت ای پروردگار من بدرستی که سست شد استخوان از من و برافروخته شد

الرأس شيبا ۝ ولم أكن بدعائك رب شقيا ۝ وإني

موی سر من به پیری و نیستم بخواندن تو ای پروردگار من بی نصیب و بدرستی که من

خفت الموالي من ورائي وكانت امرأتي عاقرا ۝ فهب لي من

می ترسم از خویشاوندان که از پس من باشند و هست زن من نازاینده پس بخش مرا از

لدنك وليا ۝ يرثني ويرث من آل يعقوب واجعله رب

نزد خود دوستی که میراث گیرد از من و میراث گیرد از آل یعقوب و بکن اورا ای پروردگار من

رضيا ۝ يا زكريا إنا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل

پسندیده ای زکریا بدرستی که ما بشارت میدهیم ترا بفرزندی که نام او یحیی بود که نکرده بودیم

له من قبل سميا ۝ قال رب أنى يكون لي غلام وكانت

مر اورا از پیش هم نامی گفت ای پروردگار من از کجا بود مرا فرزندی و هست

امرأتي عاقرا وقد بلغت من الكبر عتيا ۝ قال كذلك

زن من نازاینده و بدرستی که برسیدم من به پیری گفت جبرئیل همچنین است

قال ربك هو علي هين وقد خلقتك من قبل ولم تك شيئا

گفت پروردگار تو آن بر من آسانست و بدرستی که آفریدم ترا از پیش و نبودی تو چیزی

قال رب اجعل لي آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلث

گفت ای پروردگار من بکن مرا نشانی گفت نشان تو آنست که سخن نگوئی با مردمان سه

ليال سويا ۝ فخرج على قومه من المحراب فأوحى إليهم أن سبحوا

روز بپائی پس بیرون آمد بر قوم خود از پیش محراب پس وحی کرد بدیشان که تسبیح کنید

بكرة وعشيا ۝ يا يحيى خذ الكتاب بقوة وآتيناه

بامداد و شبانگاه ای یحیی فراگیر کتاب را از سر قوت و بدادیم ما اورا

الحكم صبيا ۝ وحنانا من لدنا وزكوة وكان تقيا

حکمت در حالت کودکی و مهربانی از نزدیک ما و پاکی و بود پرهیزکار

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ۝ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ

ونیکوکار باز و پدر خود ونبود گردنکش عاصی وسلام بر وباد روزی

وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

که زاییده شد و روزی که بمیرد و روزی که برانگیخته شود زنده و یاد کن در کتاب

مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝ فَاتَّخَذَتْ

مریم را چون بایکسوی شد از کسان خود بجایگاهی شرقی پس فراگرفت

مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا

از جز ایشان پرده پس بفرستادیم سوی او جبرئیل را پس تا نمانده شد او را بصورت مردی

سَوِيًّا ۝ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا

تمام خلقت گفت مریم بدرستی که من پناه میگیرم بخدا از تو اگر هستی تو پرهیزکار

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۝ قَالَتْ أَنَّىٰ

گفت بدرستی که من رسول پروردگار توام تا ببخشم مر ترا فرزندی پاک گفت مریم از کجا بود

يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۝ قَالَ

مرا فرزندی وحال آنکه نرسیده است بمن آدمی ونبوده‌ام من ستمکار گفت

كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ

همچنین است که تو میگویی گفت پروردگار تو آن برمن آسانست و تا بکنیم او را نشانی برای مردمان

وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ۝ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ

ورحمتی بود از ما و هست فرمانی گزارده شده پس باردار شد بعیسی پس بایکسوی

بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۝ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ

اورا بجایگاهی دور پس آمد بدو درد زاییدن بتنه خرما بن گفت مریم

يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا ۝ فَنَادَاهَا

ای کاشکی من مرده بودمی پیش از این و می‌بودم فراموش کرده و نسی پس بخواند او را

مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۝ وَهُزِّي

از زیر او بود بانگ که اندوه مخور که کرد پروردگار تو در زیر تو جویی را و بجنبان

إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ۝ فَكُلِي

سوی تنه خرما بن تا فرو ریزد بر تو خرماهای چیده پس بخور

وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۝ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي

و بیاشام و روشن چشم باش پس اگر ببینی تو از آدمی هیچ یکی را پس بگو که من

نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ۝ فَأَتَتْ

نذر کردم مر خدای را روزه داشتن پس سخن نگویم امروز با هیچ آدمی پس آمد

بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۝ يَا

بدو قوم او که برداشته بود او را گفتند ای مریم بدرستی که آمدی تو بچیزی شنیع ای

أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ

خواهر هارون نبود پدر تو مردی بد ونبود

أُمُّكِ بَغِيًّا ۝ فَأَشَارَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ

مادر تو بدکاره

سوء وما كانت امك بغيا ۝ فاشارت اليه قالوا كيف

پس اشارت کرد مریم بسوی عیسی گفتند که چگونه

نكلم من كان في المهد صبيا ۝ قال اني عبد الله

سخن گوییم با آنکه هست در گهواره کودک گفت که من بنده خدایم

اتاني الكتاب وجعلني نبيا وجعلني مباركا اينما

بدهد مرا کتاب انجیل وگردانید مرا پیغمبر وگردانید مرا خجسته ومبارک هرکجا که

كنت واوصاني بالصلوة والزكوة ما دمت حيا ۝ وبرا بوالدتي

باشم وفرمایم بنماز وزکات مادام که باشم زنده ونیکویی کننده با مادر خود

ولم يجعلني جبارا شقيا ۝ والسلام علي يوم ولدت ويوم

ونکرد مرا گردنکش بدبخت وسلام باد بر من روزی که زاییده شدم وروزی

اموت ويوم ابعث حيا ۝ ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي

که بمیرم وروزی که برانگیخته شوم زنده آنست عیسی پسر مریم گفتار بحق آنچه

فيه يمترون ۝ ما كان لله ان يتخذ من ولد سبحانه

در آن شک میشوند نبود مر خدا را که فرا گیرد هیچ فرزندی پاکی ومنزه است او

اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون ۝ وان الله ربي وربكم

چون خواهد که بگزارد کاری را پس گوید مر آنرا که بباش پس باشد وبدرستی که خدا پروردگار من وشما

فاعبدوه هذا صراط مستقيم ۝ فاختلف الاحزاب من

پس پرستید او را که اینست راه راست پس اختلاف کردند گروهان از

بينهم فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم ۝ اسمع

میان ایشان پس وای مر آنان را که کافر شدند از حاضر شدن روزی بزرگ شنوا

بهم وابصر يوم ياتوننا لكن الظلمون اليوم في

بدیشان وبینا روزی که آیند بما لیکن ستمکاران امروز در

ضلل مبين ۝ وانذرهم يوم الحسرة اذ قضي الامر

گمراهی روشن باشند وبیم کن ایشان را بروز اندوه وحسرت چون گزارده شد فرمان

وهم في غفلة وهم لا يؤمنون ۝ انا نحن نرث الارض

وایشان در غفلتی اند وایشان نمی گروند بدرستی که ما میراث برگیریم زمین را

ومن عليها والينا يرجعون ۝ واذكر في الكتاب

وآنکه برآنست وبا ما بازگردانیده شوند ویاد کن در کتاب

ابرهيم انه كان صديقا نبيا ۝ اذ قال لابيه يا ابت

ابرهیم را بدرستی که بود راست گوی پیغمبری چون گفت ابرهیم مر پدر خود را ای پدر من

لم تعبد ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئا ۝ يا ابت

چرا می پرستی آنچه نشنود ونه بیند ونه بسنده باشد از تو چیزی ای پدر من

اني قد جاءني من العلم ما لم ياتك فاتبعني اهدك صراطا

بدرستی که آمده بمن از دانش آنچه نیامد بتو پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا براه

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا ۝ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ
ونیکوکار بمادر و پدر خود و نبود گردنکش عاصی و سلام بر و باد روزی
وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ
که زاییده شد و روزی که بمیرد و روزی که برانگیخته شود زنده و یاد کن در کتاب
مَرْيَمَ إِذِ انتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝ فَاتَّخَذَتْ
مریم را چون با یکسو شد از کسان خود بجایگاهی شرقی پس فرا گرفت
مِن دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا
از جز ایشان پرده پس بفرستادیم سوی او جبرئیل را پس بمانند شد مر او را بصورت مردی
سَوِيًّا ۝ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا
تمام خلقت گفت مریم من پناه میگیرم بخدا از تو اگر هستی تو پرهیزکار
قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۝ قَالَتْ أَنَّىٰ
گفت جز این نیست که من رسول پروردگار توام تا ببخشم ترا فرزندی پاک گفت مریم از کجا بود
يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۝ قَالَ
مرا فرزندی و حال آنکه نرسیده است بمن آدمی و نبوده‌ام من ستمکار گفت
كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ آيَةً لِّلنَّاسِ
همچنین است که تو میگویی گفت پروردگار تو آن بر من آسانست و تا بکنیم او را نشانی مر مردمان
وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ۝ فَحَمَلَتْهُ فَانتَبَذَتْ
و رحمتی بود از ما و هست فرمانی گزارده شده پس باردار شد بعیسی پس با یکسوی

بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۝ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ
او را بجایگاهی دور پس آمد درد زادن به بن درخت خرما گفت مریم
يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ۝ فَنَادَاهَا
ای کاشکی من مرده بودم پیش از این و می‌بودم فراموش کرده شده پس بخواند مریم را
مِن تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ۝ وَهُزِّي
آنکه در زیر او بود بانگ که اندوه مخور که کرد اینک پروردگار تو در زیر تو جوی را و بجنبان
إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ۝ فَكُلِي
سوی تنه خرما بنان تا فرو ریزد بر تو خرماهای چیده پس بخور
وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۝ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي
و بیاشام و روشن چشم باش پس اگر بینی تو از آدمی هیچ یکی را پس بگو که من
نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنسِيًّا ۝ فَأَتَتْ
نذر کردم مر خدای را روزه پس سخن نگویم امروز با هیچ آدمی پس آمد
بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۝ يَا
بدو قوم او که برداشته بود او را گفتند ای مریم هر آینه آمدی تو بچیزی شنیع ای
أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ
خواهر هارون نبود پدر تو مردی بد و نبود
أُمُّكِ بَغِيًّا ۝ فَأَشَارَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ
مادر تو بدکاره

سوء وما كانت امك بغيا فاشارت اليه قالوا كيف

پس اشارت کرد مریم بسوی عیسی گفتند که چگونه

نكلم من كان في المهد صبيا قال اني عبد الله

سخن گوییم با آنکه هست در گهواره کودک گفت که من بنده خدایم

اتاني الكتاب وجعلني نبيا وجعلني مباركا اينما

بداد مرا کتاب انجیل وگردانید مرا پیغمبر وگرداند مرا خجسته ومبارک هرکجا که

كنت واوصاني بالصلوة والزكوة مادمت حيا وبرا بوالدتي

باشم وفرمایدم بنماز وزکات مادام که باشم زنده ونیکویی کننده با مادر خود

ولم يجعلني جبارا شقيا والسلام علي يوم ولدت ويوم

ونگردانید مرا گردنکش بدبخت وسلام باد بر من روزی که زاییده شدم وروزی

اموت ويوم ابعث حيا ذلك عيسى ابن مريم قول الحق الذي

که بمیرم وروزی که برانگیخته شوم زنده گردم آنست عیسی پسر مریم گفتار بحق آنچه

فيه يمترون ما كان لله ان يتخذ من ولد سبحانه

در آن بشک میشوند نبود مر خدا را که فرا گیرد هیچ فرزندی پاک ومنزه است او

اذا قضى امرا فانما يقول له كن فيكون وان الله ربي وربكم

چون خواهد که بگزارد کاری را پس گوید مر آنرا که بباش پس بباشد وبدرستی که خدایست پروردگار من وشما

فاعبدوه هذا صراط مستقيم فاختلف الاحزاب من

پس بپرستید اورا که اینست راه راست پس اختلاف کردند گروهان از

بينهم فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم اسمع

میان ایشان پس وای مر آنهارا که کافر شدند از حاضر شدن روزی بزرگ چه شنوا

بهم وابصر يوم ياتوننا لكن الظلمون اليوم في

بدیشان وچه بینا روزی که آیند بما لیکن ستمکاران امروز در

ضلال مبين وانذرهم يوم الحسرة اذ قضي الامر

گمراهی روشن باشند وبیم کن ایشانرا روز اندوه وحسرت چون گزارده شد فرمان

وهم في غفلة وهم لا يؤمنون انا نحن نرث الارض

وایشان در غفلتی اند وایشان نمی گروند بدرستی که ما میراث بگیریم زمین را

ومن عليها والينا يرجعون واذكر في الكتاب

وآنکه بر اوست وبا جانب ما بازگردانیده شوند ویاد کن در کتاب

ابرهيم انه كان صديقا نبيا اذ قال لابيه يا ابت

ابرهیم را بدرستی که بود راست گوی پیغمبری چون گفت ابرهیم مر پدر خود را ای پدر من

لم تعبد ما لا يسمع ولا يبصر ولا يغني عنك شيئا يا ابت

چرا می پرستی آنچه نشنود ونه بیند ودفع نکند از تو چیزی ای پدر من

اني قد جاءني من العلم ما لم ياتك فاتبعني اهدك صراطا

بدرستی که آمده بمن از دانش آنچه نیامد بتو پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا براه

سَوِيًّا ۝ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ

راست ای پدر من مپرست دیو را مر دیو که بود مر خدا را

عَصِيًّا ۝ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَتَكُونَ

عاصی ای پدر من بدرستی که من میترسم که برسد بتو عذابی از خدای روزی دهنده پس باشی

لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ۝ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ

مر دیو را دوست گفت آزر ای رغبت بگردانیده تو از خدایان من ای ابرهیم

لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ۝ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ

آزر اگر باز نایستی از این آزرده سنگسار کنم ترا و دوری گزین از من بیکمندی گفت سلام وداع باد بر تو

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ۝ وَأَعْتَزِلُكُمْ

زود آمرزش خواهم ترا از پروردگار خود بمن که او هست مهربان و یکسوی شوم از شما

وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَى أَلَّا أَكُونَ

و آنچه میخوانند شما از جز خدای و میخوانم پروردگار خود شاید که نباشم

بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ۝ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

بخواندن پروردگار خود بدبخت پس چون یکسوی شد از ایشان و آنچه می پرستیدند از جز

اللّٰهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ۝

خدای بخشودیم ما مر اورا اسحق را و اسحق را یعقوب و همه را کردیم ما پیغمبران

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

و بخشودیم ما مر ایشان را از رحمت خود و گردانیدیم ما مر ایشان را زبانی راست افراشته

وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا

و یاد کن در قرآن موسی را بدرستی که او بود خالص کار و بود رسولی

نَبِيًّا ۝ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝

پیغمبر و بر خواندیم ما او را از جانب کوه طور ایمن و نزدیک گردانیدیم ما او را بهم رازی

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝ وَاذْكُرْ

و بخشودیم ما مر او را از رحمت ما برادر او را هارون پیغمبری و یاد کن

فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ

در قرآن اسمعیل بدرستی که او بود راست کننده وعده و بود

رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

رسولی پیغمبر و بود که میفرمود اهل خود را بنماز و زکات

وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ

و بود نزدیک پروردگار خود پسندیده و یاد کن در قرآن ادریس را

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ وَ

بدرستی که او بود راست گوی پیغمبری و

رَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

و بر افراشتیم ما او را بمکان و جایگاهی عالی و بلند مرتبه

مكانا عليا ۞ اولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين
آن گروه آنهااند كه نعمت كرد خداى بريشان از پيغمبران
من ذرية ادم وممن حملنا مع نوح ومن ذرية ابرهيم و
از فرزندان آدم وازآنكه درنشانده بوديم با نوح واز فرزندان ابرهيم
اسرائيل وممن هدينا واجتبينا اذا تتلى عليهم
ويعقوب وازآنكه راه نموديم ما وبرگزيديم ايشانرا چون خوانده شود بريشان
ايت الرحمن خروا سجدا وبكيا ۞ فخلف من بعدهم خلف
نشانهاى خدا بروى درافتند سجودكننده وگريه پس از پى ايشان واقع شد از پس ايشان فرزندان بد
اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف يلقون غيا ۞
كه ضايع كردند نمازرا وپيروى كردند آرزوهاى نفس را پس زود افتاده شوند در گمراهى
الا من تاب وامن وعمل صالحا فاولئك يدخلون الجنة
مگر آنكه توبه كرد وبگرويد وكارى نيكو كرد پس آن گروه درروند دربهشت
ولا يظلمون شيئا ۞ جنت عدن التي وعد الرحمن عباده بالغيب
وستم كرده نشوند چيزى دربستانهاى اقامت باشند آنكه وعده داد خدا بندگان خودرا بناپيدا
انه كان وعده ماتيا ۞ لا يسمعون فيها لغوا الا سلاما
بدرستى كه هست وعده او آينده نشنوند درآنجا هيچ ناخوش مگر گفتار سلامتى
ولهم رزقهم فيها بكرة وعشيا ۞ تلك الجنة التي
ومرايشانرا بود روزى ايشان درآنجا بامداد وشبانگاه آنست بهشت آنكه

سجدة

نصف

نورث من عبادنا من كان تقيا ۞ وما نتنزل الا بامر ربك
ميراث دهيم بندگان خودرا آنراكه باشد پرهيزكار وفرود نياييم مگر بفرمان پروردگار تو
له ما بين ايدينا وما خلفنا وما بين ذلك وما كان ربك
مراورات آنچه درپيش ماست وآنچه ازپس ماست وآنچه ميان آنست ونيست پروردگار تو
نسيا ۞ رب السموت والارض وما بينهما فاعبده واصطبر
فراموش كار پروردگار آسمانها وزمين وآنچه ميان ايشانست پس بپرست اورا وصبر نماى
لعبادته هل تعلم له سميا ۞ ويقول الانسان ءاذا ما مت
برپرستيدن اورا آيا هيچ ميدانى مراورا همنامى وميگويد آدمى آيا چون بميرم
لسوف اخرج حيا ۞ اولا يذكر الانسان انا خلقناه من قبل
آيا زود بيرون آورده شوم زنده آيا ياد نميكند آدمى كه ما آفريديم اورا ازپيش
ولم يك شيئا ۞ فوربك لنحشرنهم والشياطين ثم
ونبود او چيزى پس بحق پروردگار تو كه جمع كنيم ايشانرا وديوانرا پس
لنحضرنهم حول جهنم جثيا ۞ ثم لننزعن من كل شيعة
حاضر كردانيم ايشانرا پيرامون دوزخ بزانو درافتادگان پس بيرون آوريم از گروهى
ايهم اشد على الرحمن عتيا ۞ ثم لنحن اعلم بالذين هم اولى
كه كدام ازايشان سخت تر بودند برخداى سركشى پس آنكه ما داناتريم بآنانكه ايشان سزاوارترند
بها صليا ۞ وان منكم الا واردها كان على ربك
بدان درآمدنى وهيچ كس نبود از شما مگر كه آينده بود پيرامون آن هست بر پروردگار تو

حتما مقضيا • ثم ننجي الذين اتقوا ونذر الظالمين فيها جثيا
وعده گزارده پس برهانیم آنها را که پرهیزیدند وگذاریم ستمکاران را در آنجا برانو درآیندگان
وإذا تتلى عليهم آياتنا بينات قال الذين كفروا للذين
وچون خوانده شود برایشان نشانهای ما روشن گویند آنها که کافر شدند مر آنها را
آمنوا أي الفريقين خير مقاما وأحسن نديا • وكم
که بگرویدند که کدام بهتر از دو گروه بهترند بجایگاه ونیکوتر بانجمن وبسا
أهلكنا قبلهم من قرن هم أحسن أثاثا ورئيا •
که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهانی که ایشان نیکوتر بودند بمتاع خانه
قل من كان في الضلالة فليمدد له الرحمن مدا • حتى إذا
بگو هر که باشد در گمراهی پس در کشد مر او را خدای در کشیدنی تا چون
رأوا ما يوعدون إما العذاب وإما الساعة فسيعلمون
ببینند آنچه وعده داده شدند یا عذاب ویا قیامت پس زود بدانند
من هو شر مكانا وأضعف جندا • ويزيد الله الذين اهتدوا
که کیست که او سخت‌تر است بجایگاه وضعیف‌تر بلشکر وزیادت کند خدا آنها که راه یافتند
هدى ط والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا وخير
راهی ونمازهای پنجگانه واعمال صالحه بهتر نزد پروردگار تو بثواب وبهتر
مردا • أفرأيت الذي كفر بآياتنا وقال لأوتين مالا وولدا
بعاقبت ای دیدی آنکس را که کافر شد بنشانهای ما وگفت هر آینه داده شوم مر مالی وفرزندی

أطلع الغيب أم اتخذ عند الرحمن عهدا • كلا سنكتب
ای مطلع شده است بر غیب یا فرا گرفته است نزد خدای عهدی حقا که زود باز نویسیم
ما يقول ونمد له من العذاب مدا • ونرثه ما يقول ويأتينا
آنچه میگوید ومدد کنیم مر او را از عذاب مددکردنی ومیراث دهیم او را آنچه بگوید وآید ما را
فردا • واتخذوا من دون الله آلهة ليكونوا لهم عزا •
تنها وفرا گرفتند از جز خدا خدایانی را تا باشند مر ایشان را عزتی
كلا سيكفرون بعبادتهم ويكونون عليهم ضدا •
حقا که زود کافر شوند بپرستیدن ایشان وباشند بر ایشان معاندان
ألم تر أنا أرسلنا الشياطين على الكافرين تؤزهم أزا
ای ننگریستی تو که بفرستادیم ما دیوان را بر کافران در می‌جنبانند ایشان را در جنبانیدنی
فلا تعجل عليهم إنما نعد لهم عدا • يوم نحشر
پس شتاب مکن بر ایشان بدرستی که ما برشمردیم ایشان را برشمردنی روزی که جمع کنیم
المتقين إلى الرحمن وفدا • ونسوق المجرمين إلى جهنم
پرهیزکاران را با خدای روزی دهنده جماعتی وبرانیم کافران را بسوی دوزخ برحال
وردا • لا يملكون الشفاعة إلا من اتخذ عند الرحمن عهدا
شتران تشنه قادر نباشند بهیچ خواهشی مگر آنکه فرا گرفته بود نزد خدای عهدی
وقالوا اتخذ الرحمن ولدا • لقد جئتم شيئا إدا • تكاد
وگفتند فرا گرفته است خدای فرزندی هر آینه که آمدید شما بچیزی منکر نزدیک بود

السموات يتفطرن منه وتنشق الأرض وتخر الجبال هدا
كه آسمانها شكافته شوند ازان و شكافته گردد زمين و بيفتادند كوهها خورد و درشتى
ان دعوا للرحمن ولدا ● وما ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا
بانگ خوانند مر خداى روزى دهنده را فرزندى و نسزد خداى را كه فرا گيرد فرزندى
ان كل من في السموات والأرض الا اتي الرحمن عبدا
نيستند همه آنكه در آسمانها و زمينست مگر كه آينده الا بخداى روزى دهنده بر بندگى
لقد احصيهم وعدهم عدا ● وكلهم اتيه يوم
بدرستى كه برشمرد ايشانرا و بشمارد ايشانرا بشماردنى وهمه ايشان آينده اند بدو در روز
القيمة فردا ● ان الذين امنوا وعملوا الصالحات
قيامت تنها ● بدرستى كه آنانكه بگرويدند و كردند كارهاى نيك
سيجعل لهم الرحمن ودا ● فانما يسرناه بلسانك لتبشر
زود كند مر ايشانرا خداى روزى دهنده دوستى ● پس بدرستى كه آسان كرديم ما اين قرآنرا بزبان عربى تا بشارت دهى
به المتقين وتنذر به قوما لدا ● وكم اهلكنا
بدان پرهيزكارانرا و بيم كنى بدان گروهى كه خصومت كنند ● و بسا كه هلاك كرديم ما
قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم ركزا
پيش از ايشان از گروهان اى محمد هيچ بينى از ايشان هيچ يكى يا مى شنوى مر ايشانرا آوازى نرم

سورة طه مائة وخمس وثلثون اية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا ميكنم بنام خداى روزى دهنده مهربان
طه ● ما انزلنا عليك القرآن لتشقى ● الا تذكرة لمن
اى طاهر اى هادى فرو نفرستاديم ما بر تو قرآنرا تا رنجه شوى مگر پنديست مر آنرا
يخشى ● تنزيلا ممن خلق الأرض والسموات العلى
كه ترسد فرو فرستادنيست از آن خدايى كه آفريد زمين و آسمانها را افراشته و عالى
الرحمن على العرش استوى ● له ما في السموات وما في الأرض
خداى روزى دهنده بر عرش مستوليست ● مر اوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمينست
وما بينهما وما تحت الثرى ● وان تجهر بالقول فانه
و آنچه ميان آن هر دوست و آنچه در زير خاكست ● واگر آشكارا كنى گفتارا پس بدرستى كه او
يعلم السر واخفى ● الله لا اله الا هو له الأسماء الحسنى
ميداند پنهانرا و پنهان ترا ● خدا نيست خدايى مگر او مر اوراست نامهاى نيكو
وهل اتيك حديث موسى ● اذ رأى نارا فقال لأهله امكثوا
و بدرستى كه آمد بتو قصه موسى ● چون ديد آتشى را پس گفت مر كسان خود را كه درنگ كنيد
اني انست نارا لعلي اتيكم منها بقبس او اجد على النار
كه من ديدم آتشى را تا بود كه بيارم بشما ازان پاره يا يابم بر آتش
هدى ● فلما اتيها نودي يا موسى ● اني انا ربك فاخلع نعليك
راهى ● پس چون آمد بدان ندا كرده شد كه اى موسى ● بدرستى كه منم پروردگار تو بيرون كن نعلين خود را

إنك بالواد المقدس طوى وأنا اخترتك فاستمع لما يوحى

بدرستی که تو بوادی پاکی که نام آن طوی است و من برگزیده‌ام ترا پس گوش باز دار مر آنرا که وحی کرده میشود

إنني أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدني وأقم الصلوة لذكري

بدرستی که منم خدا نیست خدائی مگر من پس بپرست مرا و بپای دار نماز را برای یاد کرد مرا

إن الساعة آتية أكاد أخفيها لتجزى كل نفس

بدرستی که قیامت آینده است نزدیکست که ظاهر کنم آنرا تا پاداشت داده شود هر تنی

بما تسعى فلا يصدنك عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه

بدانچه سعی کرده بود پس باز مکرداناد ترا از آن آنکه نگرویده بدان و پیروی کرد هوای نفس خود را

فتردى وما تلك بيمينك يا موسى قال هي عصاي أتوكؤا

پس برگشت و چیست آن که بدست راست تست ای موسی گفت آن عصای منست که تکیه میکنم

عليها وأهش بها على غنمي ولي فيها مآرب أخرى قال

بر آن و میپرانم بدان گوسپندان خود را و مراست در آن حاجتهائی دیگر گفت خدا

ألقها يا موسى فألقيها فإذا هي حية تسعى قال خذها

بینداز آنرا ای موسی پس انداخت آنرا پس آنگه آن ماری بود که میشتافت گفت خدا بگیر آنرا

ولا تخف سنعيدها سيرتها الأولى واضمم يدك إلى

و مترس زود باز آوریم آنرا بطریق اول وضم گردان دست خود را

جناحك تخرج بيضاء من غير سوء آية أخرى لنريك من

با گریبان خود تا برون آید سپید از جز عیبی نشانی دیگر بود تا باز نمائیم ترا از

آياتنا الكبرى اذهب إلى فرعون إنه طغى قال رب اشرح لي

نشانهای ما بزرگتر برو بسوی فرعون که او طاغیت کرد گفت ای پروردگار من برکشا

صدري ويسر لي أمري واحلل عقدة من لساني يفقهوا

سینه مرا و آسان گردان مرا کار من و برکشا گره ولکنتی که در زبان منست تا دریابند

قولي واجعل لي وزيرا من أهلي هرون أخي اشدد به أزري

گفتار مرا و بده بمن وزیری از کسان من هارون که برادر منست محکم گردان بدو پشت مرا

وأشركه في أمري كي نسبحك كثيرا ونذكرك

وانباز گردان اورا در کار من تا پاکی یاد کنیم ترا بسیاری و یاد کنیم ترا

كثيرا إنك كنت بنا بصيرا قال قد أوتيت سؤلك يا موسى

بسیاری بدرستی که تو هستی بحال ما بینا گفت خدا بدادم حاجت ترا ای موسی

ولقد مننا عليك مرة أخرى إذ أوحينا إلى أمك ما يوحى

و بدرستی که منت نهادیم برتو یکبار دیگر چون وحی کردیم با مادر تو آنچه وحی کرده شد

أن اقذفيه في التابوت فاقذفيه في اليم فليلقه اليم

که در تابوت نه اورا در تابوت پس بینداز اورا در دریا پس باید که بیندازد اورا دریا

بالساحل يأخذه عدو لي وعدو له وألقيت عليك محبة

بکنار تا فرا گیرد اورا دشمنی که مراست و دشمنی که مر اوراست و انداختم بر تو محبتی

مني ولتصنع على عيني إذ تمشي أختك فتقول هل أدلكم

از من و تا پرورده شوی در نظر من چون میرفت خواهر تو پس میگفت ای دلالت کنم شمارا

عَلٰى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ اِلٰى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ

برانکه پایندانی کند اورا پس بازگردانیدیم ترا سوی مادر تو تا روشن شود چشم او و اندوه نخورد

وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ

و بکشتی تو تنی را پس برهانیدیم ترا از غم و اندوه آن و آزمودیم ترا آزمودنی پس درنگ کردی

سِنِينَ فِي اَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلٰى قَدَرٍ يَا مُوسٰى ۝ وَ

سالها درمیان اهل مدین پس آمدی بر قدری ای موسی و

اصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۝ اِذْهَبْ اَنْتَ وَاَخُوكَ بِاٰيَاتِي وَلَا

برگزیدم ترا از بهر رسالت خود برو تو و برادر تو بنشانهای من

تَنِيَا فِي ذِكْرِي ۝ اِذْهَبَا اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى ۝ فَقُولَا لَهُ

وستی در مرسید در یاد کردن من برید سوی فرعون بدرستی که او طاغیست پس بگویید او را

قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى ۝ قَالَا رَبَّنَا اِنَّنَا

گفتاری نرم تا بود که او پند گیرد یا بترسد گفتند ای پروردگار ما بدرستی

نَخَافُ اَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا اَوْ اَنْ يَطْغٰى ۝ قَالَ لَا تَخَافَا اِنَّنِي

که ما می ترسیم ما که سبقت گیرد بر ما یا آنکه طاغی شود گفت خدا مترسید که من

مَعَكُمَا اَسْمَعُ وَاَرٰى ۝ فَاْتِيَاهُ فَقُولَا اِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ

با شما ام می شنوم و می بینم پس بروید بسوی او پس بگویید که ما دو پیغمبر پروردگار توایم

فَاَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي اِسْرَآئِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِاٰيَةٍ

پس بفرست با ما بنی اسرائیل را و عذاب مکن ایشان را بدرستی که آمدیم با تو بمعجزه

مِنْ رَبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى ۝ اِنَّا قَدْ اُوحِيَ اِلَيْنَا اَنَّ

از پروردگار تو و سلام باد برانکه پیروی کرد راه او را بدرستی که وحی کرده شد بما که

الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ۝ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسٰى ۝

عذاب بر آنکس بود که دروغ داشت و برگشت گفت فرعون کیست پروردگار شما ای موسی

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي اَعْطٰى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰى ۝ قَالَ

گفت پروردگار ما آن خدایست که بداد هر چیزی را آفرینش آن پس راه نمود گفت فرعون

فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْاُولٰى ۝ قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ

پس چه بود حال گروهان زمانه پیشین گفت موسی علم آن نزد پروردگار منست در لوح المحفوظ

لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ۝ اَلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ

بخطا نیفتد پروردگار من و نه فراموش کند آن خدایی که گردانید برای شما زمین را بمثابت گهواره و پدید کرد

لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهِ اَزْوَاجًا

برای شما در آنجا راههای و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بدان بجفتانی را

مِنْ نَبَاتٍ شَتّٰى ۝ كُلُوا وَارْعَوْا اَنْعَامَكُمْ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ

از گیاهی پراکنده گفتیم ما بخورید و بچرانید چهارپایان خود را بدرستی که در آن نشانهاست

لِاُولِي النُّهٰى ۝ مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا

مر خداوندان خردها را از آنجا آفریدیم ما شمارا و در آنجا بازگردانیم شما و از آنجا

نُخْرِجُكُمْ تَارَةً اُخْرٰى ۝ وَلَقَدْ اَرَيْنَاهُ اٰيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَاَبٰى

بیرون آوریم شمارا یکبار دیگر و بدرستی که باز نمودیم او را نشانهای ما همه آن پس دروغ داشت و باز کرد

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى ۝ فَلَنَأْتِيَنَّكَ

گفت ای آمدی بما تا بیرون کنی ما را از زمین ما بسبب جادوی خود ای موسی پس هر آینه آوریم تو

بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ

با جادوی مانند آن پس بکن میان ما و میان خود وعده گاهی که خلاف نکنیم آنرا نه ما

وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ۝ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَ

و نه تو بجا نکاهی گفت وعده جای شما روز عید است

أَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ۝ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى

وانکه جمع آیند مردمان چاشتگاه پس بازگشت فرعون پس جمع کرد کید خود را پس آمد

قَالَ لَهُمْ مُوسَى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ

گفت مر ایشانرا موسی وای بر شما بر مبافید بر خدا دروغ را پس در شکند شما را

بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ۝ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ

عذابی و بدرستی که نومید شود آنکه دروغ بربافته بود پس مخالفت کردند در کار خویش میان یکدیگر

وَأَسَرُّوا النَّجْوَى ۝ قَالُوا إِنْ هَذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ

و پنهان کردند راز را گفتند که این دو جادواند میخواهند که بیرون کنند شما را

مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثْلَى

از زمین شما بسبب جادوی خود و ببرند طریقت شما را پیشینه

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلَى

پس گرد کنید کید خود را پس بیائید صف صف و بدرستی که رستگاری یافت امروز آنکه تفوق جست

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ۝ قَالَ

گفتند ای موسی یا باشی تو اندازنده و یا باشیم ما اول آنکه اندازد گفت موسی

بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ

بلکه شما اندازید پس آنکه رسنهای ایشان و عصاهای ایشان می نمود اورا از سحر ایشان

أَنَّهَا تَسْعَى ۝ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ۝ قُلْنَا لَا تَخَفْ

که آن می شتافت پس در تن خویش گذاشت ترسی را موسی گفتیم ما مترس

إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ۝ وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا

بدرستی که تو توی بلندتر و بیفکن آنچه در دست راست تست تا فرو برد آنچه کردند بدرستی

صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ۝ فَأُلْقِيَ

آنچه کردند کید ساحرست و رستگاری نیابد ساحر هرجا که آید پس در افتادند

السَّحَرَةُ سُجَّدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ۝ قَالَ آمَنْتُمْ

ساحران سجود کنندگان گفتند بگرویدیم ما بپروردگار هرون و موسی گفت فرعون ای بگرویدید شما

لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ

مر اورا پیش از آنکه فرمایم شما را بدرستی که او بزرگ شماست آنکه در آموخت شما را سحر

فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ

پس هر آینه ببرم دستهای شما را و پایهای شما را از خلاف یکدیگر و هر آینه بردار کنم شما را

فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى ۝ قَالُوا لَنْ

در تنهٔ خرمابن و هر آینه بدانند که کدامین سخت ترند بعذاب و باقی تر گفتند بر

نُؤْثِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنتَ قَاضٍ
نگزینیم ترا بر آنچه آمد بما از حجتهای وآن خدای که بیافرید مارا پس بکن آنچه کننده تو
إِنَّمَا تَقْضِي هَٰذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا
بدرستی که حکم کنی تو درین زندگانی دنیا بدرستی که بگرویدیم ما بپروردگار ما تا بیامرزد مارا گناهان ما
وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ إِنَّهُ
وآنچه باکراه برداشتی تو مارا بر آن از سحر وخدا بهترست وباقی تر بدرستی
مَن يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ
که هرکه آید بپروردگار خود کافر پس بدرستی که اوراست دوزخ نمیرد درانجا ونه زید
وَمَن يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ
وهرکه آید بوی مومن بدرستی که کرده باشد کارهای نیک پس آن گروه مر ایشانراست مرتبهای
الْعُلَىٰ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
بلند بستانهای اقامت که رود از زیر آن جویها همیشه باشند
فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَن تَزَكَّىٰ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ
درانجا وآنست پاداشت آنکه پاک شد وبدرستی که وحی کردیم ما بموسی که بشب
أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ
ببر بندگان مرا پس بزن ایشان را راهی در دریا خشک نترسی تو
دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم
ازدریافتن فرعون ونترسی از غرق شدن پس دربی ایشان ایستاد فرعون با لشکرهای خود پس بپوشانید ایشانرا

حب

مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَىٰ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
از دریا آنچه بپوشانید ایشانرا وگمراه کرد فرعون قوم خود را وراه ننمود گفتیم ما ای بنی اسرائیل
قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ
بدرستی که برهانیدیم ماشمارا از دشمنان شما ووعده دادیم ما شمارا از جانب کوه طور
الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ
ایمن وفرو فرستادیم ما بر شما ترنگبین را ومرغ را گفتیم ما بخورید از پاکیهای
مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي
آنچه روزی کردیم ما شمارا وطاغی مشوید دران پس فرود آید بر شما خشم من
وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن
وهرکه فرود آید برو خشم من پس بدرستی که هلاک شود وبدرستی که من هرآینه آمرزنده ام مر انرا
تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ وَمَا أَعْجَلَكَ عَن قَوْمِكَ
که بازآید وبگرود وکار نیکو کند پس باشد راه یابنده وچه بشتافت تو از قوم تو
يَا مُوسَىٰ قَالَ هُمْ أُولَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ
ای موسی گفت موسی ایشانرا این قوم بر از من اند وبشتافتم بتو ای پروردگار من تا بپسندی
قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِن بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ
گفت خدا پس بدرستی که آزمودیم ما قوم ترا از پس تو وگمراه کرد ایشانرا سامری
فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ
پس بازگشت موسی با قوم خود خشمگین واندوهگین گفت ای قوم من ای نه وعده داد شمارا پروردگار شما

وعدا حسنا افطال عليكم العهد ام اردتم ان يحل
وعدهٔ نیکو ای دراز گشت بر شما مدت دیدن شما مرا یا خواستید شما که فرود آید
عليكم غضب من ربكم فاخلفتم موعدي قالوا
بر شما خشمی از پروردگار شما پس خلاف کردید شما در وعدهٔ من گفتند
ما اخلفنا موعدك بملكنا ولكنا حملنا اوزارا من
خلاف نکردیم ما وعدهٔ ترا باختیار ما ولیکن برداشته بودیم ما بارهای را از
زينة القوم فقذفناها فكذلك القى السامري فاخرج
زینت قوم پس انداختیم ما آنرا و همچنین انداخت سامری پس بیرون آورد
لهم عجلا جسدا له خوار فقالوا هذا الهكم واله
ایشانرا گوساله تنی که ازو بود بانگی پس گفتند اینست خدای شما وخدای
موسى فنسي افلا يرون الا يرجع اليهم قولا ولا يملك لهم
موسی پس فراموش کرد ای ندیدند که باز نمیگردید با ایشان بگفتار و خداوند نبود مرایشانرا
ضرا ولا نفعا ولقد قال لهم هرون من قبل
زیانی ونه سودی و بدرستی که گفته بود مرایشانرا هارون از پیش که
يا قوم انما فتنتم به وان ربكم الرحمن فاتبعوني و
ای قوم من بدرستی که بفتنت افکندند شمارا بدان و بدرستی که پروردگار شما خدای روزی دهنده است پس پس روی کنید مرا
اطيعوا امري قالوا لن نبرح عليه عاكفين حتى يرجع
و فرمان برید در کار من گفتند همیشه بران مقیم شوندگان باشیم تا باز گردد

الينا موسى قال يا هرون ما منعك اذ رايتهم ضلوا الا
بما موسی گفت موسی ای هارون چه منع کرد ترا چون دیدی ایشانرا که گمراه شدند که از
تتبعن افعصيت امري قال يا ابن ام لا تاخذ بلحيتي ولا
پس من نیامدی ای خلاف کردی در فرمان من گفت ای پسر مادر من فرا مگیر ریش من ونه
براسي اني خشيت ان تقول فرقت بين بني اسرائيل ولم
سر من بدرستی که من ترسیدم که گویی تو فرقت افکندی میان من وبنی اسرائیل ونگه
ترقب قولي قال فما خطبك يا سامري قال بصرت
نداشتی گفتار مرا گفت موسی پس چیست کار تو ای سامری گفت سامری دیدم
بما لم يبصروا به فقبضت قبضة من اثر الرسول فنبذتها
آنچه ندیدی تو آنرا پس برگرفتم قبضهٔ خاک از اثر سم اسب جبرئیل پس انداختم آنرا
وكذلك سولت لي نفسي قال فاذهب فان لك في الحيوة
وهمچنین بیاراست مرا تن من گفت موسی پس برو تو پس بدرستی که تراست در زندگانی دنیا
ان تقول لا مساس وان لك موعدا لن تخلفه وانظر الى الهك
که گویی لا مساس و بدرستی که تراست وعده جائی که خلاف نکند از او و بنگر بخدای خود
الذي ظلت عليه عاكفا لنحرقنه ثم لننسفنه في اليم
آن خدای که همه روز بران مقیم شونده بودی هر اینه بسوزیم آنرا بسوهان پس هر اینه بباد بردهیم آنرا در دریا
نسفا انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما
بباد در دوانی بدرستی که خدای شما خدا است آن خدای که نیست خدای مگر او فراخ رسیده است بهمه چیزی بدانش

كذلك نقص عليك من أنباء ما قد سبق ۚ وقد آتيناك من لدنا
همچنین بازمیگوئیم ما بر تو از خبرهای آنچه گذشت و بدرستی که بدادیم ما ترا از نزدیک ما
ذكرا ۝ من أعرض عنه فإنه يحمل يوم القيامة وزرا
پندی هرکه برگردد ازان پس بدرستی که او بردارد روز قیامت باری را
خالدين فيه وساء لهم يوم القيامة حملا ۝ يوم ينفخ
جاوید بود دران و بد بود ایشان را روز قیامت باری . ازروز در دمند
في الصور ونحشر المجرمين يومئذ زرقا ۝ يتخافتون بينهم
در صور و حشر کنیم کافران را ازروز کرچشمان درنگ گویند سخن را که میان ایشان
إن لبثتم إلا عشرا ۝ نحن أعلم بما يقولون إذ يقول أمثلهم
درنگ نکردید شما مگر ده روز ما داناتریم بدانچه میگویند چون گوید فاضلترین ایشان
طريقة إن لبثتم إلا يوما ۝ ويسألونك عن الجبال فقل
گفتار درنگ نکردی شما مگر روزی و می پرسند از تو حال کوهها پس بگو
ينسفها ربي نسفا ۝ فيذرها قاعا صفصفا ۝ لا ترى
باد بر دهد ازا پروردگار من بباد دادنی پس بگذارد ازا زمین هامون نرم نه بینی تو
فيها عوجا ولا أمتا ۝ يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له
دران هیچ کژی و نه پشته ازروز پس روی کنند داعی را کژی نبود ازا
وخشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همسا ۝ يومئذ لا تنفع
و خاضع شوند خداوندان آوازها مر خدای روزی دهنده را پس نشنوی تو مگر آوازی نرم ازروز سود نکند

الشفاعة إلا من أذن له الرحمن ورضي له قولا ۝ يعلم ما بين
شفاعت مگر از آنکه دستوری داده باشد او را خدای بخشنده و پسندد او را گفتار داند آنچه در پیش
أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما ۝ وعنت
ایشان بود و آنچه در پس ایشان بود و در نرسند بدو بدانش و خاضع شوند
الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ۝ ومن يعمل
خداوند رویها مر زنده پاینده را و بدرستی که نومید شد آنکه بر داشت ظلمی و هر که کند از کارها
من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما ۝ وكذلك
نیکو و او مؤمن بود پس نترسد از کاهش ثواب و نه از عذاب و همچنین
أنزلناه قرآنا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون
فرو فرستادیم ما این قرآن را بلغت عرب و هویدا کردیم ما دران از گفتار وعید تا مگر بود که ایشان بپرهیزند
أو يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله الملك الحق ولا
یا پدید آورد مر ایشان را پندی پس برتر است خدا پادشاه بحق
تعجل بالقرآن من قبل أن يقضى إليك وحيه وقل رب
شتاب مکن قرآن را از پیش آنکه بگذارند بتو وحی آن را و بگوی ای محمد پروردگار من
زدني علما ۝ ولقد عهدنا إلى آدم من قبل فنسي ولم نجد
بزیادت کن مرا دانش و بدرستی که فرمودیم ما بآدم از پیش پس فراموش کرد و نیافتیم
له عزما ۝ وإذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس
او را عزمی و چون گفتیم ما مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس

ابی وقلنا یا آدم ان هذا عدو لك ولزوجك فلا یخرجنكما
که سرباززد پس گفتیم ما که ای آدم بدرستی که دشمنست مر ترا ومرزن ترا پس بیرون نیاورد شمارا
من الجنة فتشقی ان لك الا تجوع فیها ولا تعری وانك
از بهشت پس تو بدبخت شوی بدرستی که مرتراست که گرسنه نشوی دران ونه برهنه شوی وانکه
لا تظمؤا فیها ولا تضحی فوسوس الیه الشیطان قال
تشنه نشوی دران ونه گرما یابی پس وسوسه کرد اورا شیطان گفت
یا آدم هل ادلك علی شجرة الخلد وملك لا یبلی فاكلا
ای آدم ای راه نمونی کنم ترا بر درخت جاویدی وملکی که کهنه نشود پس بخوردند
منها فبدت لهما سوآتهما وطفقا یخصفان علیهما
ازان پس ظاهر شد مرایشان را عورات ایشان ودر ایستادند می دوسانیدند بر خود
من ورق الجنة وعصی آدم ربه فغوی ثم اجتباه
از برگ درخت بهشت وخلاف کرد آدم فرمان پروردگار خودرا پس بنادانان هانست پس برگزید اورا
ربه فتاب علیه وهدی قال اهبطا منها جمیعا
پروردگار او پس سهل کرد برو وراه نمود بصواب گفت خدای یا بنشیب روید ازان همه
بعضكم لبعض عدو فاما یاتینكم منی هدی فمن
که بعضی شما مر بعضی را دشمن باشند پس اگر آید بشما ازمن راهی پس هرکه
اتبع هدای فلا یضل ولا یشقی ومن اعرض عن ذكری
پس روی کرد راه مرا پس نه گمراه شود ونه بدبخت شود وهرکه برگردد از یاد کردن من

فان له معیشة ضنكا ونحشره یوم القیمة اعمی قال
پس بدرستی که اورا باشد زیستنی تنگ وحشر کنیم اورا روز قیامت کور گوید
رب لم حشرتنی اعمی وقد كنت بصیرا قال كذلك
ای پروردگار من چرا برانگیختی مرا کور وبدرستی که بودم من بینا گوید همچنین است
اتتك ایاتنا فنسیتها وكذلك الیوم تنسی وكذلك
آمد بتو پس فراموش کردی تو ازا وهمچنین امروز ترک کنند ترا ازرحمت وهمچنین
نجزی من اسرف ولم یؤمن بایات ربه ولعذاب الاخرة اشد
پاداشت دهیم ازا که اسراف کرد ونگرویدند بنشانهای پروردگار خود وهراینه عذاب آخرة سخت تر
وابقی افلم یهد لهم كم اهلكنا قبلهم من
وباقی تر آیا پس روشن نشد ایشان را که بس که هلاک کردیم ما پیش ازیشان از
القرون یمشون فی مساكنهم ان فی ذلك لایات
گروهان میرفتند در مسکنهای خویش بدرستی که دران هراینه نشانهاست
لاولی النهی ولولا كلمة سبقت من ربك لكان لزاما
مر خداوندان خردهارا واگر نه سخنی بودی پیشی گرفته از پروردگار تو هراینه بودی عذابی لازم
واجل مسمی فاصبر علی ما یقولون وسبح بحمد ربك قبل
واجلی نام نهاده شده پس صبر کن برانچه میگویند وتسبیح کن بستایش پروردگار خود پیش
طلوع الشمس وقبل غروبها ومن اناء اللیل فسبح واطراف
از برآمدن آفتاب وپیش از فروشدن آن واز ساعتهای شب پس تسبیح کن ودر کنارهای

النهار لعلك ترضى ۝ ولا تمدن عينيك الى ما متعنا به

روز تا بود مگر که تو راضی شوی ودر مگذار دو چشم تو با نچه برخورداری دادیم ما بدان

ازواجا منهم زهرة الحيوة الدنيا لنفتنهم فيه و

صنفهای از ایشان را آرایش زندگانی دنیا تا بیازمائیم ما ایشانرا دران

رزق ربك خير وابقى ۝ وامر اهلك بالصلوة واصطبر عليها

وروزی پروردگار بهتر وباقی تر وبفرمای اهل خودرا بنماز وپای دار بران

لا نسئلك رزقا نحن نرزقك والعاقبة للتقوى ۝ وقالوا

نه خواهیم از تو روزی را ما روزی میدهیم ترا وعاقبت مر پرهیزکاران را بود وگفتند

لولا يأتينا باية من ربه اولم تأتهم بينة ما في الصحف الاولى

چرا نیاورد بما نشانی را از پروردگار خود ای نیامد بدیشان حجت آنچه در صحف اولینست

ولو انا اهلكناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا

واگر هلاک میگردانیدیم ما ایشانرا بعذابی از پیش آن هرآینه گفتندی ای پروردگار

لولا ارسلت الينا رسولا فنتبع اياتك من قبل ان نذل

چرا فرو نفرستادی تو بما رسولی را تا پس روی کردمانی نشانهای ترا از پیش آنکه خوار

ونخزى ۝ قل كل متربص فتربصوا فستعلمون من

ورسوا شدیمی بگو ای محمد همه چشم دارنده ایم پس چشم دارید پس زود بدانید که کیست

اصحاب الصراط السوي ومن اهتدى

اصحاب راه راست وآنکه راه یافت

سورة الانبياء عليهم السلام مائة واثنتى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الجزو ١٧

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون ۝ ما يأتيهم

نزدیک شد مردمانرا حساب ایشان وایشان در غفلتی اند برگردندگان نیاید بدیشان

من ذكر من ربهم محدث الا استمعوه وهم يلعبون

هیچ پندی از پروردگار ایشان نو مگر که شنیدند آنرا وایشان بازی میکردند

لاهية قلوبهم واسروا النجوى الذين ظلموا هل هذا الا بشر

غافل بودند دلهای ایشان وپنهان کردند رازرا آنها که ستم کردند میگفتند نیست این مگر آدمی

مثلكم افتأتون السحر وانتم تبصرون ۝ قال ربي يعلم القول

مانند شما ای پس آیند بسحر وشما میدانید بگو ای محمد پروردگار من داند گفتار را

في السماء والارض وهو السميع العليم ۝ بل قالوا اضغاث

در آسمانها وزمین واوست شنوا ودانا بلکه گفتند این خوابهای

احلام بل افتريه بل هو شاعر فليأتنا باية كما ارسل الاولون

شوریده اند آری برتافته است بلکه او شاعرست پس باید که آورد بما نشانی همچنانکه فرستادند اولینان

ما امنت قبلهم من قرية اهلكناها افهم يؤمنون ۝ وما ارسلنا

نگرویدند پیش از ایشان هیچ اهل دیهی که هلاک کردیم ما آنرا ای ایشان بخواهند گروید ونفرستادیم ما

قبلك
پیش از تو

الا رجالا نوحی الیهم فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون
مگر مردانی را که وحی کردیم بایشان پس در خواهید از اهل پند اگر هستید شما که نمیدانید
وما جعلناهم جسدا لا یاکلون الطعام وما کانوا
و نکردیم ما ایشان را تنی که نخورند طعام را و نباشند ایشان
خالدین ثم صدقناهم الوعد فانجیناهم ومن نشاء و
جاویدان پس راست کردیم ما ایشانرا وعده پس برهانیدیم ما ایشان را و انرا که خواستیم
اهلکنا المسرفین لقد انزلنا الیکم کتابا فیه
و هلاک کردیم ما گزاف کارانرا بدرستی که فرو فرستادیم ما بشما کتابی را که در انست
ذکرکم افلا تعقلون وکم قصمنا من قریة کانت
پندی مر شمارا ای پس در نمی یابید و بسا که هلاک کردیم ما از اهل دهی که بودند
ظالمة وانشانا بعدها قوما اخرین فلما احسوا باسنا اذا
ستمکاران و افریدیم ما از پس آن قومی دیگررا پس چون یافتند عذاب مارا الکه
هم منها یرکضون لا ترکضوا وارجعوا الی ما اترفتم فیه
ایشان ازان میگریختند مگریزید و باز گردید باانچه متنعم داشتند شمارا دران
ومساکنکم لعلکم تسئلون قالوا یا ویلنا انا کنا
و مسکنهای شما تامگر بود که شمارا باز پرسند گویند ای وای بر ما بدرستی که بودیم ما
ظالمین فما زالت تلك دعویهم حتی جعلناهم حصیدا
ستمکاران پس همیشه آن بود خواندن ایشان تا بکردیم ما ایشان را درووده

خامدین وما خلقنا السماء والارض وما بینهما لاعبین
مردگان نیافریدیم ما اسمانهارا و زمین را وانچه میان ایشانست بازی کنندگان
لو اردنا ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان کنا فاعلین
اگر خواستمانی که فرا گیریم ما فرزندی را هر اینه فرا گرفتمانی ازا از نزدیک ما اگر بودمانی ما کنندگان
بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق
اری میزنیم حق را بر باطل پس نیست کند ازا پس انگه آن نیست شونده بود
ولکم الویل مما تصفون وله من فی السموات
و مر شمارا بود ویل از انچه صفت می کنید و او راست انچه در اسمانهاست
والارض ومن عنده لا یستکبرون عن عبادته ولا یستحسرون
و زمین و انکه نزدیک اوند گردنکشی نمیکنند از پرستیدن او و مانده نمی شوند
یسبحون اللیل والنهار لا یفترون ام اتخذوا الهة
تسبیح میکنند شب و روز سست نمی شوند یا فرا گرفتند خدایانی را
من الارض هم ینشرون لو کان فیهما الهة الا الله
از زمین که ایشان را افرینند اگر بودندی در اسمان و زمین خدایانی جز خدای
لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما یصفون لا یسئل
هر اینه تباه شدندی پس پاکی و منزهست خدای پروردگار عرش از انچه صفت میکنند نپرسند ایشان
عما یفعل وهم یسئلون ام اتخذوا من دونه الهة قل
از انچه او کند و از ایشان باز پرسند یا فرا گرفتند از جز خدای خدایانی را بگوی محمد

هاتوا برهانكم هذا ذكر من معي وذكر من قبلي بل اكثرهم

بیارید حجت خود را این پندیست از آنکه با منست و پندی از آنکه از پیش آن بود بلکه بیشتری ایشان

لا يعلمون الحق فهم معرضون • وما ارسلنا من قبلك من

نمیدانند حق را پس ایشان برگردندگانند و نفرستادیم ما از پیش تو هیچ

رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون • وقالوا اتخذ

رسولی را مگر که وحی کردیم بدو که آنست که خدای نیست مگر من پس بیگانگی پرستید مرا و گفتند فرا گرفت

الرحمن ولدا سبحانه بل عباد مكرمون • لا يسبقونه بالقول

خدای روزی دهنده فرزندی را پاک و منزه است او بلکه آن بندگانی اند گرامی کردگان پیشی نگیرند او را بگفتار

وهم بامره يعملون • يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم

و ایشان بفرمان او کار میکنند میداند آنچه در پیش ایشانست و آنچه از پس ایشانست

ولا يشفعون الا لمن ارتضى وهم من خشيته مشفقون

و شفاعت نکنند مگر آنرا که پسندد و ایشان از ترس او ترسندگانند

ومن يقل منهم اني اله من دونه فذلك نجزيه جهنم

و هر که گوید از ایشان من پروردگاری که من خدا ام جز او پس بجزی پاداشت دهیم او را دوزخ

كذلك نجزي الظالمين • اولم ير الذين كفروا ان السموات

همچنین پاداشت دهیم ستمکاران را ای ندیدند آنها که کافر شدند که آسمانها

والارض كانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء

و زمین بودند بسته و بگشودیم ما آن هر دو را و بکردیم ما از آب

كل شيء حي افلا يؤمنون • وجعلنا في الارض رواسي ان تميد

هر چیزی را زنده پس نگروند و بکردیم ما در زمین کوههای بیخ آور را تا نجنبانند

بهم وجعلنا فيها فجاجا سبلا لعلهم يهتدون • وجعلنا

ایشان را و بکردیم ما در آن راههای فراخ را تا مگر بود که ایشان راه یابند و بکردیم ما

السماء سقفا محفوظا وهم عن آياتها معرضون •

آسمان را سقفی نگه داشته و ایشان از نشانهای آن برگردندگانند

وهو الذي خلق الليل والنهار والشمس والقمر كل

و اوست آن خدائی که بیافرید شب و روز را و آفتاب را و ماه را همه

في فلك يسبحون • وما جعلنا لبشر من قبلك الخلد افان مت

در فلک بشتاب میروند و نکردیم ما هیچ آدمی را از پیش تو جاویدی پس اگر بمیری تو

فهم الخالدون • كل نفس ذائقة الموت ونبلوكم

پس ایشان جاوید خواهند بودن هر تنی چشنده مرگ بود و می آزمائیم شمارا

بالشر والخير فتنة والينا ترجعون • واذا رآك الذين

ببد و نیکی آزمودنی و با ما گردانند شمارا و چون ببینند ترا آنها

كفروا ان يتخذونك الا هزوا اهذا الذي يذكر آلهتكم

که کافر شدند فرا نگیرند ترا مگر بافسوس ای اینست آنکه یاد میکند خدایان شمارا

وهم بذكر الرحمن هم كافرون • خلق الانسان من عجل

و ایشان بیاد کرد خدای ایشانند کافران آفریده شد گشت آدمی از شتاب زدگی

سَأُرِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ
زود باز نمایم شما را نشانهای خود پس شتاب مکنید ومیگفتند که کی خواهد بود این وعده
إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ
اگر هستید شما راست گویان اگر بدانندی آنها که کافر شدند آن هنگام باز ندارند از
وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ
رویهای ایشان آتش را ونه از پشتهای ایشان ونه ایشان را یاری کنند
بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا
بلکه آید بدیشان ناگاه پس حیران کند ایشان را پس توانائی ندارند رد کردن آن را
وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ
ونه ایشان را زمان دهند وبدرستی که استهزا کردند برسولان از پیش تو
فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
پس برسید بآنها که کافر شدند از ایشان آنچه بدان استهزا میکردند
قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ بَلْ هُمْ
بگوای محمد کیست که نگه دارد شما را بشب وروز از عذاب خدای بلکه ایشان
عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ
از یاد کرد پروردگار خود برگردندگانند یا ایشان را اند خدایانی که منع کنند ایشان را
مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ
از جز ما توانائی ندارند که یاری کنند تنهای خود را ونه ایشان را از ما که توانند داشت

بَلْ مَتَّعْنَا هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ
بلکه برخورداری دادیم ما اینگروه را وپدران ایشان را تا دراز گشت بر ایشان مدت ای پس نمی بینند
أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ۝ قُلْ
که ما آوریم زمین را کم میکنیم سرای دشمنان ما را از طرفها ای پس ایشان باشند غالبان بگو ای محمد
إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنْذَرُونَ
بدرستی که بیم میکنم شما را بوحی ونشنوند کر خواندن را چون بیم کنند ایشان را
وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا
وهر آینه اگر رسد بدیشان نوعی از عذاب پروردگار تو هر آینه گویند ای وای بر ما بدرستی
كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ
که بودیم ما ستمکاران ونهیم ما ترازوها بعدل وداد از برای روز قیامت پس ستم نکنند
نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا
هیچ نفس را چیزی واگر باشد مثقال حبه از سپندان خورد آوریم آنرا
وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ
وکافیم ما حساب کنندگان وبدرستی که بدادیم ما موسی را وهارون را کتاب فرقان
وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ
وروشنائی وپندی مر پرهیزکاران را آنها که می ترسند از پروردگار خود بنادیده
وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ۝ وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ
وایشان از قیامت ترسندگانند واین پندیست مبارک

أنزلناه أفأنتم له منكرون ۞ ولقد آتينا إبرهيم رشده
که فرو فرستادیم ما آنرا ای شما آنرا منکر آیند وبدرستی که بدادیم ما ابرهیم را راه صواب او
من قبل وكنا به عالمين ۞ إذ قال لأبيه وقومه ما هذه التماثيل
از پیش وبودیم ما بدو دانایان چون گفت مر پدر خودرا وقوم خودرا چیستند این تمثیلها
التي أنتم لها عاكفون ۞ قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين
آنکه شما آنرا پرستندگانید گفتند یافتیم ما پدران خودرا بدان پرستندگان
قال لقد كنتم أنتم وآباؤكم في ضلال مبين
گفت ابرهیم بدرستی که شما وپدران شما درگمراهی روشن اند
قالوا أجئتنا بالحق أم أنت من اللاعبين ۞ قال بل ربكم رب
گفتند ای آمدی تو بما بحق یا تو از جمله بازی کنندگانی گفت ابرهیم بلکه پروردگار شما پروردگار
السموات والأرض الذي فطرهن وأنا على ذلكم من الشاهدين
آسمانهاست وزمین آن خدای که بنوی بیافریدشانرا ومن آنرا از جمله گواهی دهندگانم
وتالله لأكيدن أصنامكم بعد أن تولوا مدبرين
حزب
وبحق خدای که هر آینه کید سازم بتان شما پس از آنکه برگردید پشت کنندگان
فجعلهم جذاذا إلا كبيرا لهم لعلهم إليه يرجعون
پس بکرد ایشانرا پاره پاره مگر بزرگ ایشانرا تا مگر بود که ایشان باو گردند
قالوا من فعل هذا بآلهتنا إنه لمن الظالمين ۞ قالوا سمعنا
گفتند که کرد این را بخدایان ما بدرستی که او از جمله ستمکارانست گفتند شنیدیم ما

٣

فتى يذكرهم يقال له إبرهيم ۞ قالوا فأتوا به على أعين
جوانی را که یاد میکند ایشانرا میگویند اورا ابرهیم گفتند پس بیارید اورا بر چشمهای
الناس لعلهم يشهدون ۞ قالوا أأنت فعلت هذا بآلهتنا
مردمان تا بود مگر که ایشان گواهی دهند گفتند ای تو کردی این را بخدایان ما
يا إبرهيم ۞ قال بل فعله كبيرهم هذا فاسألوهم
ای ابرهیم گفت بلکه کرد آنرا بزرگ ایشان اینست پس بپرسید ایشانرا
إن كانوا ينطقون ۞ فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنكم
اگر ایشان سخن میگویند پس بازگشتند با تنهای خود پس گفتند بدرستی که شما
أنتم الظالمون ۞ ثم نكسوا على رءوسهم لقد علمت ما هؤلاء
شمائید ستمکاران پس بازگردیدن ایشان برسر کفر خود بدرستی که دانستی تو که این گروه
ينطقون ۞ قال أفتعبدون من دون الله ما لا ينفعكم شيئا
سخن نگویند گفت ابرهیم ای شما می پرستید از جز خدای آنچه نه سود کند شمارا چیزی
ولا يضركم ۞ أف لكم ولما تعبدون من دون الله أفلا
ونه زیان کند شمارا زشت باد شمارا وآنچه می پرستید شما از جز خدای ای پس
تعقلون ۞ قالوا حرقوه وانصروا آلهتكم إن كنتم
استعمال عقل نمیکنید گفتند بسوزانید اورا ویاری کنید خدایان خودرا اگر هستید شما
فاعلين ۞ قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على إبرهيم ۞ وأرادوا به
کنندگان گفتیم ما ای آتش باشی سرد وسلام باد بر ابرهیم وخواستند بدو



كيدا فجعلناهم الأخسرين ۝ ونجيناه ولوطا إلى الأرض التي
كيدى را پس بكرديم ما ايشانرا زيانكاران وبرهانيديم اورا ولوطرا بزمين انكه
باركنا فيها للعالمين ۝ ووهبنا له إسحق ويعقوب
بركت كرديم ما دران مرجهانيانرا وبخشيديم ما اورا اسحق ويعقوب
نافلة وكلا جعلنا صالحين ۝ وجعلناهم أئمة
زيادتى وهمه را بكرديم ما نيك مردان وبكرديم ما ايشانرا پيشروانى
يهدون بأمرنا وأوحينا إليهم فعل الخيرات وإقام
راه مى برند بفرمان ما ووحى كرديم ما بديشان كردن نيكيها وبرپاى داشتن
الصلوة وإيتاء الزكوة وكانوا لنا عابدين ۝ ولوطا
نماز وبدادن زكوة وبودند مارا پرستندگان ولوط را
آتيناه حكما وعلما ونجيناه من القرية التي كانت
بداده بوديم ما حكمى ودانشى وبرهانيديم ما اورا از ديه آن ديهى
تعمل الخبائث إنهم كانوا قوم سوء فاسقين ۝ و
كه ميكردند زشتيهارا بدرستى كه ايشان بودند گروهى بد نافرمانان
أدخلناه في رحمتنا إنه من الصالحين ۝ ونوحا إذ نادى
ودرآورديم ما اورا در رحمت خود بدرستى كه او از جمله نيكوكاران بود وياد كن نوح را چون برخواند
من قبل فاستجبنا له فنجيناه وأهله من الكرب العظيم
از پيش پس پاسخ كرديم ما اورا وبرهانيديم ما اورا واهل اورا از اندوه بزرگ

ونصرناه من القوم الذين كذبوا بآياتنا إنهم كانوا
ويارى كرديم ما اورا از گروه آنها كه بدروغ داشتند نشانهاى مارا بدرستى كه ايشان بودند
قوم سوء فأغرقناهم أجمعين ۝ وداود وسليمان إذ
گروه بد پس غرق كرديم ما ايشانرا همه وياد كن داودرا وسليمان چون
يحكمان في الحرث إذ نفشت فيه غنم القوم وكنا
حكم كردند در كشت زرع قوم چون بشب چرا كرده بودند دران گوسفندان قوم وبوديم ما
لحكمهم شاهدين ۝ ففهمناها سليمان وكلا آتينا
مر حكم ايشانرا دانايان پس فراخ داديم ما آن حكم را سليمانرا وهمه را بداده بوديم ما
حكما وعلما وسخرنا مع داود الجبال يسبحن والطير وكنا
حكمى ودانشى ومسخر كرديم ما با داود كوههارا كه تسبيح ميكردند ومرغانرا وهستيم ما
فاعلين ۝ وعلمناه صنعة لبوس لكم لتحصنكم من بأسكم
كنندگان ودرآموخته بوديم ما اورا صنعت زره گرى مرشمارا تا نگاه دارد شمارا از كارزار شما
فهل أنتم شاكرون ۝ ولسليمان الريح عاصفة تجري
آيا هيچ هستيد شما شكركنندگان ومر سليمانرا مسخر كرده بوديم ما باد سخت جهنده ميرفت
بأمره إلى الأرض التي باركنا فيها وكنا بكل شيء عالمين
بفرمان او بزمين آن زمينى كه بركت كرده بوديم ما دران وهستيم ما بهمه چيزى دانايان
ومن الشياطين من يغوصون له ويعملون عملا دون ذلك
واز ديوان بود آنكه غواصى ميكردند اورا وميكردند عملى جز آن

وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ • وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ
وبستیم ما مرایشان را نگه دارندگان ویادکن ایوب را جون برخواند پروردگار خودرا بانکه برسید بمن زیان

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ • فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ
وتو رحمت کنن رحمت کنندگانی پس پاسخ کردیم ما اورا وبرداشتیم ما بدو انچه بود

ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَ
اززیان وبدادیم ما اورا واهل اورا ومانند ایشان باایشان رحمتی از نزدیک ما

ذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ • وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ
وپندی مر پرستندگان را واسمعیل وادریس وذا الکفل

كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ • وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ
همه بودند ازجملهٔ صبرکنندگان ودراوردیم ما ایشان را در رحمت ما بدرستی که ایشان

مِنَ الصَّالِحِينَ • وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ
ازجملهٔ نیکوکاران بودند وذوالنون جون برفت خشم فروخورده پس گمان برد که تنگ

نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ
بازنگیریم برو پس برخواند در تاریکیها که نیست خدای مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ • فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ
پاک ومنزهی تو بدرستی که هستم من ازجملهٔ ستمکاران پس پاسخ کردیم ما اورا وبرهانیدیم ما اورا

مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ • وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ
از غم وهمچنین برهانیم مؤمنان را ویادکن ذکریا را جون برخواند

رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ • فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ
پروردگار خودرا که ای پروردگار من بمگذارم تنها وتوئی بهترین میراث گیرندگان پس پاسخ کردیم ما اورا

وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا
وبخشودیم ما اورا یحیی وباصلاح اوردیم اورا جفت او بدرستی که ایشان

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا
می شتافتند در نیکیها ومیخواندند مارا از سر رغبت وترسی وبودند

لَنَا خَاشِعِينَ • وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا
مارا خاضعان وآن زنی که بداشت عورت خودرا پس دردمیدیم ما دراو

مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ • إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ
از باد ما وبکردیم ما اورا وپسر اورا نشانی مر جهانیان را بدرستی که این دین شما

أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ • وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ
یکی دینست ومنم پروردگار شما پس بپرستید مرا وپراکنده شوید در کار خویش

بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ • فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ
میان یکدیگر همه باما بازگردندگانند پس هرکه کند از کارهای نیک

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ • وَحَرَامٌ
واو مؤمن بود پس بازپوشاندنی نبود مر سعی اورا بدرستی که ما اورا نویسندگانیم وحرامست

عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ • حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ
بر اهل دهی که هلاک کردیم ما انرا که ایشان بازنگردند تاجون گشوده شود سد

يأجوج ومأجوج وهم من كل حدب ينسلون ۝ واقترب

يأجوج وماجوج وايشان از هر سربالائی می پایند ونزدیک شد

الوعد الحق فإذا هي شاخصة أبصار الذين كفروا يا ويلنا

وعدهٔ حق پس آنگه دران خیره شوند چشمهاء آنها که کافر شدند گویند ای وای برما

قد كنا في غفلة من هذا بل كنا ظالمين ۝ إنكم

بدرستی که بودیم ما در غفلتی ازان بلکه بودیم ما ستمکاران بدرستی که شما

وما تعبدون من دون الله حصب جهنم أنتم لها واردون

وانچه می پرستید از جز خدای هیزم دوزخ اند شما دران آیندگانید

لو كان هؤلاء آلهة ما وردوها وكل فيها خالدون

اگر بودندی این گروه را خدایانی نیامدندی دران وهمه دران جاودان باشند

لهم فيها زفير وهم فيها لا يسمعون ۝ إن الذين

ایشان را باشد درانجا نالیدنی وایشان درانجا هیچ نشنوند بدرستی که آنها

سبقت لهم منا الحسنى أولئك عنها مبعدون

که پیشی گرفت مرایشان را ازما بهشت آن گروه ازان دور گردندگان باشند

لا يسمعون حسيسها وهم في ما اشتهت أنفسهم

نشنوند آوازان وایشان را بود درانجا انچه آرزو کند تنهائی ایشان

خالدون ۝ لا يحزنهم الفزع الأكبر وتتلقاهم الملائكة

همیشه اندوهگین نکند ایشان را ترس بزرگتر وپیش ایشان باز آیند ملائکه

هذا يومكم الذي كنتم توعدون ۝ يوم نطوي السماء

گویندگان اینست روز شما آن روزی که شمارا وعده میدادند ازروز درنوردیم ما آسمان را

كطي السجل للكتب كما بدأنا أول خلق نعيده وعدا

همچون درنوردیدن دبیر نامه را چنانکه بابتدا بیافریدیم ما اول آفریدن بازگردانیم اورا وعده دادست

علينا إنا كنا فاعلين ۝ ولقد كتبنا في الزبور

برما بدرستی که هستیم ما کنندگان وبدرستی که نوشتیم ما در کتاب

من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

از پس پند که زمین بمیراث برگیرند آنرا بندگان من نیک مردان

إن في هذا لبلاغا لقوم عابدين ۝ وما أرسلناك إلا رحمة

بدرستی که در آن هرآینه الساینده نیست مرگروه پرستندگان را ونفرستادیم ما ترا ای محمد مگر رحمتی

للعالمين ۝ قل إنما يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فهل

مر جهانیان را بگوای محمد بدرستی که وحی کرده میشود بمن که خدای شما یک خداست پس هیچ هستید

أنتم مسلمون ۝ فإن تولوا فقل آذنتكم على سواء وإن

شما اورا منقادان پس اگر برگردند پس بگو دستوری دادم شمارا بریکسانی ونمیدانم

أدري أقريب أم بعيد ما توعدون ۝ إنه يعلم الجهر

ای نزدیکست یا دور آنچه وعده میدهند شمارا که او میداند آواز بلند را

من القول ويعلم ما تكتمون ۝ وإن أدري لعله فتنة لكم

از گفتار ومیداند آنچه بازمی پوشانید ونمیدانم آن مگر آزمایشی است مر شمارا

وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ • قَالَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمٰنُ الْمُسْتَعَانُ

و برخورداری تا هنگامی بگوای محمد ای پروردگار من حکم کن بحق و پروردگار ما خدای روزی دهنده است آنکه یاری خواهند از و

عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ

برانچه صفت میکنند

سورة الحج ثمان وسبعون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردمان بترسید از پروردگار شما بدرستی که زلزله قیامت چیزی بزرگست

يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ

آنروز که بینند انرا هر شیر دهنده از انچه شیر داده باشد و بنهد

كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ

هر خداوند بار بار خود را و بینی تو مردمان را مستان و نباشند ایشان

بِسُكَارَىٰ وَلٰكِنَّ عَذَابَ اللّٰهِ شَدِيدٌ • وَمِنَ النَّاسِ مَنْ

مستان ولیکن عذاب خدای سخت بود و از مردمان کس هست انکه

يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ

خصومت میکند در حق خدای بی دانشی و پس روی میکند هر شیطانی را

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ

نوشته شد برو که امر شان انست که هر که دوستی کند با او پس او گمراه کند اورا و راه نماید اورا بعذاب

نصف

السَّعِيرِ • يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا

افروخته ای مردمان اگر هستید شما در شکی از برانگیختن پس بدرستی

خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

که ما افریدیم شمارا از خاک پس از نطفه پس از خون بسته پس

مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

از گوشت پاره صورت بدید کرده و نه صورت بدید کرده تا روشن کنیم مر شمارا و ارام دهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

در رحمها انچه خواهیم تا اجلی نام نهاده شده پس بیرون آوریم شمارا طفل پس

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ

تا برسید بنهایت قوت خود و از شما کس هست که جان ستانند اورا و از شما کس هست انکه

يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا

رد کرده میشود بخسیس ترین عمر تا نداند از پس دانستن چیزی را

وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ

و بینی تو زمین را مرده پس چون فرو فرستیم ما بران آب را در جنبد

وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ • ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ

و بالا گیرد و برویاند از هر صنفی زیبا این بسبب انست که خدای او

هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

حق و انکه او زنده میکند مردگان را و انکه او بر همه چیزی تواناست

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

وانکه قیامت آینده است هیچ شکی نیست درا[ن] وانکه خدا برانگیزد ازا که در گورها اند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا

واز مردمان کس هست که خصومت میکند در حق خدای بی دانشی ونه راهی ونه

كِتَابٍ مُنِيرٍ ۝ ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

کتابی روشن بگرداننده دوش خود تا برگرداند مردمانرا از راه خدا

لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ

اورا بود در دنیا خواری ودر چشانیم اورا روز قیامت عذاب سوزناک

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝

آن بسبب آنست که فراپیش داشت دو دست تو وانکه خدا نیست ظلم کننده مر بندگان خودرا

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ

واز مردمان کس هست که می پرستد خدایرا بر کناره پس اگر برسد بدو نیکی

اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ

آرام گیرنده بود بدو واگر برسد بدو آزمایشی برگردد بر روی خود زیانکار اند

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۝ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ

در دنیا واخرت آن آنست آن زیانکاری روشن خواند از جز خدای

مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ۝ يَدْعُو

آنچه زیان کند اورا ونه سود کند اورا آن آنست گمراهی دور از حق خواند

لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَى وَلَبِئْسَ الْعَشِيرُ ۝ إِنَّ اللَّهَ

مرانرا که زیان او نزدیکتر است از سود او هر آینه بد یاریست وهر آینه بد همنشینی است بدرستی که خدا

يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

در آورد آنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند در بستانهای که رود از زیر آن

الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۝ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ

جویها بدرستی که خدا بکند آنچه خواهد هر که گمان برد که

يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ

یاری نکند خدای اورا در دنیا واخرت پس گو بیاویز خودرا برسنی از آسمان

ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ۝ وَكَذَلِكَ

پس باید که ببرد محمد وباید که بنگرد ای ببرد کید او آنچه بخشم آورد وهمچنین

أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۝ إِنَّ

فرو فرستادیم ما آنرا نشانهای روشن را وانکه خدای راه نماید آنرا که خواهد بدرستی که

الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ

آنها که بگرویدند وآنها که جهود شدند واز دینی بدینی شوندگان وترسایان وگبران

وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ

وآنها که انباز فرا داشتند بدرستی که خدای حکم کند میان ایشان روز قیامت بدرستی که خدا

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

بر همه چیزی گواه وحاضر است ای ندیدی تو که خدای سجود میکنند اورا آنکه در آسمانهاست

وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَ
واانکه در زمینست وخورشید وماه وستارگان وکوهها ودرختان
الدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ
وجنبندگان وبسیاری از مردمان وبسیاری واجب شد برو عذاب
وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۩ سجده
وهرکه خوار کند اورا خدای پس نبود اورا هیچ گرامی کننده بدرستی که خدا میکند انچه خواهد
هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ
این دو گروه خصومت میکنند درحق پروردگار خود پس انها که کافر شدند ببریدند
لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ٥
مرایشانرا جامهای از آتش فروریخته شود از بالای سرهای ایشان آب گرم
يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ وَلَهُم مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ
بگدازند انچه در شکمهای ایشان بود وپوستها وایشانرا گرزهای از آهن
كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا
هرکه که خواهند که بیرون آیند ازان از غم بازگردانند ایشانرا دران
وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
وچشید عذاب آتش سوزان را بدرستی که خدا درآورد انها که بگرویدند وکارهای
الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
نیکو کردند دربستانهای که رود از زیر آن جویهای روان وزیور برکنند ایشانرا دران از

أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ۝ وَ
دست ربخن از زر ومروارید ولباس ایشان درانجا حریر بود
هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ ۝
وراه نمایند ایشانرا باپاکی از گفتار وراه نمایندشان براه خدای ستوده
إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ
بدرستی انها که کافر شدند وبرگشتند از راه خدای ومسجد
الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ
الحرام ان مسجدی که بکردیم ما انرا از بهر مردمان یکسانست مقیم دران وآینده
وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَإِذْ بَوَّأْنَا
وهرکه خواهد دران بچسبیدن بظلم درچشانیم اورا از عذاب دردناک وچون جای دادیم
لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ
مرابراهیم را بجایگاه خانه باکه انباز مکن بامن چیزی را وپاکیزه دار خانه مرا
لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ وَأَذِّن فِي النَّاسِ
مرطواف کنندگان وایستادگانرا ورکوع وسجود کنندگانرا وآواز ده در میان مردمان
بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ
بحج کردن تا آیند بتو پیادگان وبر هر شتری باریک میان آیند از هر راه دور
لِّيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ
تاحاضر آیند بمنفعت جای خود ویاد کنند نام خدا را در روزها دانسته شده

عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا

بر انچه روزی دادیشان را از بسته زبانها چهارپایان پس بخورید ازان وطعام دهید

الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۝ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ

درویش را و سخت درویش را پس باید که بگذارند عبادت جایهاء خود و باید که وفا کنند بنذرهاء خود

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝ ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ

و باید که طواف کنند بخانه دیرینه آنست فرمان و هرکه بزرگ دارد عبادت جایهای خدا

فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِندَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ

پس آن بهتر بود مر اورا نزدیک پروردگار او و حلال کردند شمارا چهارپایان مگر انچه میخوانند

عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

بر شما پس دور شوید از پرستیدن بتان و دور شوید از گفتار دروغ

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا

میل کنندگان مر خدا را جز انباز فرا دارندگان بدو و هرکه انباز فرا دارد بخدای پس گوییا که

خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ

بیفتاد از آسمان پس در ربودندی اورا مرغان یا ببرد اورا باد در جایگاهی

سَحِيقٍ ۝ ذَٰلِكَ وَمَن يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ

دور آنست فرمان و هرکه بزرگ دارد نشانهای خدا را پس پرستی که آن از ترس دلهاست

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

مر شمارا است دران سودهای تا اجلی نام نهاده پس فرود آمدن آن تا بخانه دیرینه است

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا

و مر هر گروهی را بکردیم ما عبادت جایهایی تا یاد کنند نام خدا را بر انچه

رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ

روزی دادیشان را از بسته زانوهای چهارپایان پس خدای شما یک خدایست

فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ

پس اورا منقاد شوید و بشارت ده منقادان را انهاکه چون یاد کنند نام خدا را بترسد

قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا

دلهاءیشان و انهاکه صبر کردند برانچه برسید بدیشان و برپای دارندگان نماز و ازانچه

رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ۝ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُم مِّن

مالک گردانیدیم ما ایشان را نفقت میکنند و شتران قربان بکردیم آن مر شمارا از

شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا

نشانهای خدای شمارا است درانجا چیزی پس یاد کنید نام خدا را برآن

صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ

شتران که دست و پا ایستاده باشند پس چون بیفتند بپهلوی خود پس بخورید ازان وطعام دهید خواهنده را

وَالْمُعْتَرَّ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وناخواهنده را همچنین مسخر کردیم ما آنرا برای شما تا مگر بود که شما شکر کنید

لَن يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَٰكِن يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنكُمْ

نرسد بخدای گوشت آن و نه خون آن و لیکن برسد پرهیزکاری از شما

كذلك سخرها لكم لتكبروا الله على ما هداكم وبشر المحسنين
همچنين مسخر كرد آن مر شما را تا ببزرگى ياد كنيد خداى را بر آنچه راه نمود شما را وبشارت ده نيكوكاران را

إن الله يدافع عن الذين آمنوا إن الله لا يحب كل خوان كفور
بدرستى كه خداى دفع كند از آنها كه بگرويدند بدرستى كه خداى دوست ندارد هر خيانت كننده را ناسپاس را

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا وإن الله على نصرهم لقدير
دستورى داده شد مر آنها را كه كارزار ميكنند با كافران با آنكه ايشان ستم كرده شدند وبدرستى كه خداى را يارى كردن ايشان هر آينه تواناست

الذين أخرجوا من ديارهم بغير حق إلا أن يقولوا ربنا الله
آنها كه بيرون كردند ايشان را از سرايهاى ايشان بنا حق مگر آنكه گويند كه پروردگار ما خداست

ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و
واگر نه دفع كردن خداى بودى مردمان را بعضى ايشان ببعضى هر آينه خراب كردندى صومعها را

بيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا
وكليساها را وكنشتها را ومسجدهائى كه ياد كنند دران نام خداى را بسيارى

ولينصرن الله من ينصره إن الله لقوي عزيز ۝ الذين إن
وهر آينه يارى كند خداى آن را كه يارى كند دين او را بدرستى كه خدا هر آينه تواناست غالب همتا آنها كه اگر

مكناهم في الأرض أقاموا الصلوة وآتوا الزكوة وأمروا
تمكين داده ماى ايشان را در زمين بپاى داشتندى نماز را وبدادندى زكوة را وفرمودندى

بالمعروف ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الأمور ۝ وإن
بنيكوئى وباز داشتندى از ناشايست ومر خداى راست عاقبت كارها واگر

يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم
بدروغ دارند ترا پس بدرستى كه بدروغ داشتند پيش ايشان گروه نوح را وقوم هود وقوم صالح وقوم

إبراهيم وقوم لوط وأصحاب مدين وكذب موسى فأمليت
ابرهيم ابرهيم را وقوم لوط لوط را واصحاب شعيب وبدروغ داشتند موسى را پس مهلت دادم

للكافرين ثم أخذتهم فكيف كان نكير ۝ فكأين
مر كافران را پس بگرفتيم ما ايشان را پس چگونه بود عقوبت كردن من پس بس

من قرية أهلكناها وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها
از گروهان كه هلاك كرديم ما آن را واهل آن ستمكار بودند پس آن افتاده بودند بر سقفهاى آن

وبئر معطلة وقصر مشيد ۝ أفلم يسيروا في الأرض فتكون
وچاهى فرو گذاشته وكوشكى افراشته اى پس نرفتند در زمين پس باشد

لهم قلوب يعقلون بها أو آذان يسمعون بها فإنها لا تعمى
مر ايشان را دلهائى كه دريابند بدان يا گوشهاى كه بشنوند بدان پس بدرستى كه آن نه كور شوند

الأبصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور ۝ و
چشمها وليكن كور شوند دلهاى آن دلها كه در سينه اند

يستعجلونك بالعذاب ولن يخلف الله وعده وإن يوما عند
وميشتابند ترا بعذاب وخلاف نكند خداى وعده خود را وبدرستى كه روز بود نزديك

ربك كألف سنة مما تعدون ۝ وكأين من قرية
پروردگار تو چون هزار سال از آنچه شمريد شما وبسا از اهل ديهها

املیت لها وهی ظالمة ثم اخذتها والی المصیر ۞ قل یا ایها
که مهلت دادم ازا وازا اهل ایشان ظالم بودند پس بگرفتیم اهل انرا وباماست بازگشت بگو ای مردمان
الناس انما انا لکم نذیر مبین ۞ فالذین امنوا وعملوا
مردمان بدرستی که من شمارا بیم کننده روشنم پس انها که بگرویدند وکردند
الصالحات لهم مغفرة ورزق کریم ۞ والذین سعوا فی
کارهای نیکو مرایشان را بود آمرزش وروزی نیکو وانها که شتافتند در
ایاتنا معاجزین اولئک اصحاب الجحیم ۞ وما ارسلنا من
نشانهای ما عاجز کنانند آن گروه اصحاب دوزخ باشند ونفرستادیم ما از
قبلک من رسول ولا نبی الا اذا تمنی القی الشیطان فی امنیته
پیش تو هیچ رسول را ونه پیغمبری را مگر چون خواند انداخت شیطان در خواندن
فینسخ الله ما یلقی الشیطان ثم یحکم الله ایاته والله
پس نیست کند خدا آنچه انداخت شیطان پس روشن کند مارا خدا نشانهای خود وخدا
علیم حکیم ۞ لیجعل ما یلقی الشیطان فتنة للذین فی
داناست ومحکم کار تا بکند آنچه انداخت شیطان آزمایشی مرانهارا که در
قلوبهم مرض والقاسیة قلوبهم وان الظالمین لفی شقاق
دلهای ایشانست در بیماری وسخت شدند دلهای ایشان وبدرستی که ستمکاران هراینه در خلافی اند
بعید ۞ ولیعلم الذین اوتوا العلم انه الحق من ربک فیؤمنوا
دور از حق وتا بدانند انها که بداده شد ایشانرا دانش که آن حق است از پروردگار تو پس بگروند

به فتخبت له قلوبهم وان الله لهاد الذین امنوا الی صراط
دلهای ایشان وبدرستی که خدا هراینه راه نماینده است انهارا که بگرویدند باراه راست
مستقیم ۞ ولا یزال الذین کفروا فی مریة منه حتی
وهمیشه باشند انها که کافر شدند در شکی ازان تا
تاتیهم الساعة بغتة او یاتیهم عذاب یوم عقیم
آید بدیشان قیامت ناگاه یا آید بدیشان عذاب روزی
الملک یومئذ لله یحکم بینهم فالذین امنوا
پادشاهی آن روز مرخدارا بود حکم کند میان ایشان پس انها که بگرویدند
وعملوا الصالحات فی جنات النعیم ۞ والذین کفروا وکذبوا
وکارهای نیکو کردند در بهشتهای بانعمت وآنها که کافر شدند ودروغ داشتند
بایاتنا فاولئک لهم عذاب مهین ۞ والذین هاجروا فی
نشانهای مارا پس آن گروه مرایشان را بود عذابی خوارکننده وانها که مهاجرت کردند در
سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا
راه خدای پس کشته شدند یا بمردند هراینه روزی دهد ایشانرا خدای روزی نیکو
وان الله لهو خیر الرازقین ۞ لیدخلنهم مدخلا یرضونه
وبدرستی که خدا هراینه اوست بهترین روزی دهندگان هراینه درآورد ایشانرا درآوردنی که خشنود باشند ازو
وان الله لعلیم حلیم ۞ ذلک ومن عاقب بمثل ما عوقب به
وبدرستی که خدا هراینه داناست وبردبار

ثم بغي عليه لينصرنه الله ان الله لعفو غفور • ذلك
هراينه یاری کند اورا خدای بدرستی که خدا هراینه درگذرنده است و آمرزنده آن
بان الله یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل و ان
بسبب آنست که خدا در می آورد شب را در روز و در می آورد روز را در شب و آنکه
الله سمیع بصیر • ذلك بان الله هو الحق و ان ما یدعون من دونه
خدا شنوا است و بینا آن بسبب آنست که خدا اوست بحق و آنرا که خوانند از جز او
هو الباطل و ان الله هو العلی الکبیر • الم تر ان الله
آن باطلست و آنکه خدا اوست بزرگوار برافراشته ای ندیدی تو که خدا
انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطیف
فرو فرستاد از آسمان آبی را پس گشت زمین سبز بدرستی که خدا مهربانست
خبیر • له ما فی السموات و ما فی الارض و ان الله لهو الغنی
داناه مراو راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و بدرستی که خدا هراینه اوست بی نیاز
الحمید • الم تر ان الله سخر لکم ما فی الارض و الفلك
ستوده ای ندیدی تو که خدای مسخر کرد مر شما را آنچه در زمینست و کشتی را که
تجری فی البحر بامره و یمسك السماء ان تقع علی الارض الا
میرود در دریا بفرمان او و نگه میدارد آسمانرا تا نیفتد بر زمین مگر
باذنه ان الله بالناس لرءوف رحیم • و هو الذی احیاکم
بفرمان او بدرستی که خدا بمردمان هراینه مهربانست و رحمت کننده و او آن خداست که زنده کرد شمارا

٣٩١

١٦

ثم یمیتکم ثم یحییکم ان الانسان لکفور • لکل امة جعلنا منسکا
پس بمیراند شمارا بدرستی که آدمی هراینه ناسپاس است مر هر گروهی را بگردیم ما عبادت جایی
هم ناسکوه فلا ینازعنك فی الامر وادع الی ربك انك لعلی
که ایشان عبادت کنندگانند دران پس نباید که کنند خصومت در فرمان و برخوان پروردگار خودرا بدرستی که تو هراینه
هدی مستقیم • و ان جادلوك فقل الله اعلم بما تعملون
بر راه راستی و اگر خصومت کنند با تو پس بگو که خدا داناترست بآنچه میکنید
الله یحکم بینکم یوم القیمة فیما کنتم فیه
خدا حکم کند میان شما روز قیامت در آنچه بودید شما در آن
تختلفون • الم تعلم ان الله یعلم ما فی السماء و الارض
خلاف کنندگان ای ندانی تو که خدای میداند آنچه در آسمانهاست و در زمینست
ان ذلك فی کتاب ان ذلك علی الله یسیر • و یعبدون
بدرستی که آن در کتابست بدرستی که آن بر خدا آسانست و می پرستند
من دون الله ما لم ینزل به سلطانا و ما لیس لهم به علم و ما
از جز خدای آنچه فرو نفرستادند بدان حجتی را و نیست مر ایشانرا بدان دانشی و نیست
للظالمین من نصیر • و اذا تتلی علیهم ایاتنا بینات
مر ستمکارانرا هیچ یاری کننده و چون خوانند بر ایشان نشانهای مارا روشن
تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر یکادون یسطون
شناسی تو در رویهای آنها که کافر شدند انکار کردنی نزدیک بود که در آویزند

بالذين يتلون عليهم آياتنا قل أفأنبئكم بشر من ذلكم
بانهاکه میخوانند برایشان نشانهای ما را بگوای محمد ای یا کاه کنم شمارا ببدتر از ایشان
النار وعدها الله الذين كفروا وبئس المصير • يا أيها
اتش وعده داد انرا خدای انهارا که کافر شدند وبد بازگشتیست یعنی دوزخ ای
الناس ضرب مثل فاستمعوا له إن الذين تدعون من دون
مردمان زده شد مثلی پس گوش بازدارید مرانرا بدرستی که انها میخوانند از جز
الله لن يخلقوا ذبابا ولو اجتمعوا له وإن يسلبهم الذباب
خدای نیافرینند مگسی را واگرچه جمع شوند مرانرا واگر دزد بایدیشان ازان مگسی
شيئا لا يستنقذوه منه ضعف الطالب والمطلوب •
چیزی را نتوانید رهانیدن انرا ازو ضعیفست طالب ومطلوب
ما قدروا الله حق قدره إن الله لقوي عزيز • الله يصطفي من
نشناختید خدارا سزای شناختن او بدرستی که خدا تعالی بافوتست و پیروزمند خدای برگزید از
الملائكة رسلا ومن الناس إن الله سميع بصير • يعلم
فرشتگان رسولانی را واز مردمان بدرستی که خدا شنواست وبینا میداند
ما بين أيديهم وما خلفهم وإلى الله ترجع الأمور • يا أيها
انچه در پیش ایشانست وانچه از پس ایشانست وبا خداست بازگشت کارها ای
الذين آمنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا ربكم
انها که بگرویده اید رکوع کنید وسجود کنید وبپرستید پروردگار خود را

سجده عند الشافعي

وافعلوا الخير لعلكم تفلحون • وجاهدوا في الله حق
ونیکوکاری کنید تا مگر بود که شمارستگاری یابید وجهاد کنید در راه خدای سزای
جهاده هو اجتباكم وما جعل عليكم في الدين من
جهاد کردن آن او برگزید شمارا ونکرد بر شما در دین هیچ
حرج ملة أبيكم إبراهيم هو سماكم المسلمين من
تنگی ملازم باشید دین پدر خود را ابرهیم او نام نهاد شمارا منقادان از
قبل وفي هذا ليكون الرسول شهيدا عليكم وتكونوا
پیش خدای نام نهاد شمارا درین قرآن تا باشد رسول گواه بر شما وباشید شما
شهداء على الناس فأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة واعتصموا
گواهان بر مردمان پس بپای دارید نماز را وبدهید زکوة را وچنگ در زنید
بالله هو مولاكم فنعم المولى ونعم النصير
بدین خدای اوست خداوند شما پس نیک خداوندیست ونیک یاری کننده

سورة المؤمنون مائة وثماني عشر آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

الجزو ١٨

قد أفلح المؤمنون • الذين هم في صلوتهم خاشعون • والذين هم
بدرستی که رستگاری یافتند مؤمنان انها که ایشان در نماز خویش ترسندگانند وانها که ایشان

عن اللغو معرضون ۝ والذين هم للزكوة فاعلون ۝ والذين
از لغو برگردندگانند وآنها که ایشان مر زکوة را کنندگانند وآنها

هم لفروجهم حافظون ۝ الا على ازواجهم او ما ملكت
که ایشان مر عورات خودرا نگهدارندگانند مگر برهم جفتان خویش یا مالک باشند

ايمانهم فانهم غير ملومين ۝ فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك
دستهای ایشان پس بدرستی که ایشان جز ملامت کردگانند پس هر که جوید جز آن پس آن گروه

هم العادون ۝ والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون
ایشانند از حد درگذرندگان وآنها که ایشان مر امانتهای خودرا وعهدهای خودرا نگهدارندگانند

والذين هم على صلواتهم يحافظون ۝ اولئك هم الوارثون
وآنها که ایشان برنمازهای خود محافظت کنندگانند آن گروه ایشانند میراث گیرندگان

الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون ۝ ولقد خلقنا
آنها اند که میراث برگیرند فردوس را ایشان دران جا باشند همیشه وبدرستی که بیافریدیم

الانسان من سلالة من طين ۝ ثم جعلناه نطفة في
آدمی را از گزیده از گل پس کردیم ما ازا نطفه در

قرار مكين ۝ ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة
قرارگاهی استوار پس کردیم ما نطفه را خون بسته پس بکردیم ما علقه را

مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم
گوشت پاره پس کردیم ما گوشت پاره را استخوانهای پس درپوشانیدیم ما استخوانهارا گوشت

انشأناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين ۝ ثم انكم
آفریدیم ما ازا یکبار دیگر پس بزرگوارست خدای نیکوترین آفرینندگان پس بدرستی شما

بعد ذلك لميتون ۝ ثم انكم يوم القيمة تبعثون ۝ ولقد
پس ازان هرآینه مردگان باشید پس بدرستی که شما روز قیامت برانگیختگان باشید وبدرستی

خلقنا فوقكم سبع طرائق وما كنا عن الخلق غافلين
که آفریدیم ما بالای شما هفت طبقهای آسمان ونیستیم ما از آفریدن غافلان

وانزلنا من السماء ماء بقدر فاسكناه في الارض وانا
وفرو فرستادیم ما از آسمان آبی را باندازه پس آرام دادیم ما ازا در زمین وبدرستی که ما

على ذهاب به لقادرون ۝ فانشأنا لكم به جنات من
بر بردن آن هرآینه توانایانیم پس آفریدیم مرشمارا بدان بستانهای از

نخيل واعناب لكم فيها فواكه كثيرة ومنها تأكلون
خرمابنان وانگورستانها که شمارا است دران میوههای بسیار وازان میخورید شما

وشجرة تخرج من طور سيناء تنبت بالدهن وصبغ للآكلين
ودرختی که بیرون می آید از کوه طور سینا میرویاند روغن را وبان خورشی مر خورندگان را

وان لكم في الانعام لعبرة نسقيكم مما في بطونها و
وبدرستی که مر شمارا است در چهارپایان هرآینه عبرتی درخورد میدهیم شمارا آنچه در شکمهای ایشت

لكم فيها منافع كثيرة ومنها تأكلون ۝ وعليها وعلى
مر شمارا است دران سودهای بسیار وازان میخورید شما وبران وبر

الفلك تحملون ۝ ولقد ارسلنا نوحا الی قومه فقال یا قوم
کشتی می نشانند شمارا و بدرستی که بفرستادیم ما نوح را با قوم خود پس گفت ای قوم من
اعبدوا الله ما لکم من اله غیره افلا تتقون ۝ فقال
بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی جز او ای پس نمی پرهیزید پس گفتند
الملؤا الذین کفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلکم یرید
اشراف آنها که کافر بودند از قوم او نیست این مگر آدمی مانند شما میخواهد
ان یتفضل علیکم ولو شاء الله لانزل ملئکة ما سمعنا
که افزونی جوید بر شما و اگر خواستی خدای هر آینه فرو فرستادی فرشتگان را نشنیدیم ما
بهذا فی آبائنا الاولین ۝ ان هو الا رجل به جنة فتربصوا
این را در پدران ما اولینیان نیست او مگر مردی که بدو دیوانگی است پس چشم دارید
به حتی حین ۝ قال رب انصرنی بما کذبون ۝ فاوحینا
بدو تا هنگامی گفت نوح ای پروردگار من یاری کن مرا بانچه بدروغ داشتند مرا پس وحی کردیم ما
الیه ان اصنع الفلک باعیننا ووحینا فاذا جاء امرنا وفار
بدو که بساز کشتی را بنگهداشت ما و وحی ما پس چون آمد فرمان ما و بر جوشید
التنور فاسلک فیها من کل زوجین اثنین واهلک الا
تنور پس در آور در آن از هر صنفی دو و اهل خویش را مگر
من سبق علیه القول منهم ولا تخاطبنی فی الذین ظلموا
آنکه پیشی گرفت برو گفتار از ایشان و سخن مگوی در حق آنها که ستم کردند

مغرقون ۝ فاذا استویت انت ومن معک علی الفلک فقل الحمد لله
غرق کردگانند پس چون راست بایستی تو و آنها که با تو اند در کشتی پس بگو سپاس و ستایش
الذی نجانا من القوم الظالمین ۝ وقل رب انزلنی منزلا مبارکا
آنکه برهانید ما را از گروه ستمکاران و بگوای محمد ای پروردگار من فرو آور مرا فرو آوردنی مبارک
وانت خیر المنزلین ۝ ان فی ذلک لایات وان کنا لمبتلین ۝
و توئی بهترین فرو آورندگان بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست و بدرستی که هستیم ما هر آینه آزمایندگان
ثم انشانا من بعدهم قرنا آخرین ۝ فارسلنا فیهم رسولا منهم
پس آفریدیم ما از پس ایشان گروهی دیگر انرا پس بفرستادیم ما در میان ایشان رسولی را از ایشان
ان اعبدوا الله ما لکم من اله غیره افلا تتقون ۝ و
که بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی جز او ای پس نمی پرهیزید
قال الملا من قومه الذین کفروا وکذبوا بلقاء الآخرة
گفتند اشراف از قوم او آنها که کافر شدند و بدروغ داشتند بباز رسیدن با وعده آخرت
واترفناهم فی الحیوة الدنیا ما هذا الا بشر مثلکم یاکل
و منعم گردانیدیم ما ایشان را زندگانی دنیا نیست این مگر آدمی مانند شما میخورد
مما تاکلون منه ویشرب مما تشربون ۝ ولئن اطعتم بشرا
از آنچه شما میخورید از آن و می آشامید شما و هر آینه اگر فرمان برید شما آدمی را
مثلکم انکم اذا لخاسرون ۝ ایعدکم انکم اذا متم
مانند شما بدرستی که شما از جمله زیانکاران باشید ای وعده میدهد شما را که شما چون بمیرید

وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون ۝ هيهات هيهات
وباشید شما خاکی واستخوانی بدرستی که شما برون آوردگان باشید دورا دورا
لما توعدون ۝ ان هي الا حياتنا الدنيا نموت ونحيى وما نحن
مرانچه وعده میدهند شمارا نیست این مگر زندگانی دنیا بمیریم وزییم ونباشیم ما
بمبعوثين ۝ ان هو الا رجل افترى على الله كذبا وما نحن
بعث کردگان نیست او مگر مردی که بربافت بر خدا دروغ را ونیستیم ما
له بمؤمنين ۝ قال رب انصرني بما كذبون ۝ قال
اورا بگروندگان گفت ای پروردگار من یاری کن مرا بانچه بدروغ میدارند مرا گفت خدای
عما قليل ليصبحن نادمين ۝ فاخذتهم الصيحة بالحق
از اندکی بامداد کنند پشیمانان پس بگرفت ایشانرا بانگ ابر بحق
فجعلناهم غثاء فبعدا للقوم الظالمين ۝ ثم انشانا
پس بکردیم ما ایشانرا خاشاکی پس دوری وهلاکت باد مر گروه ستمکارانرا پس آفریدیم ما
من بعدهم قرونا آخرين ۝ ما تسبق من امة اجلها
از پس ایشان گروهی دیگررا پیشی نگیرد هیچ گروهی اجل خودرا
وما يستأخرون ۝ ثم ارسلنا رسلنا تترا كلما
وباز پس نایستند پس بفرستادیم ما رسولان را پیاپی هرکه
جاء امة رسولها كذبوه فاتبعنا بعضهم بعضا
که آمد بگروهی [illegible] آن بدروغ داشتند اورا پس در پی داشتیم ما بعضی ایشانرا بعضی

وجعلناهم احاديث فبعدا لقوم لا يؤمنون ۝ ثم ارسلنا
پس بکردیم ما ایشانرا سخنانی پس دوری وهلاکت باد مر گروهی راکه نمی گروند پس بفرستادیم ما
موسى واخاه هرون باياتنا وسلطان مبين ۝ الى
موسی وبرادر اورا هارون را بنشانها وحجتی روشن
فرعون وملائه فاستكبروا وكانوا قوما عالين ۝
بفرعون واشراف او پس گردنکشی کردند وبودند قومی از حد درگذرندگان
فقالوا انؤمن لبشرين مثلنا وقومهما لنا عابدون
پس گفتند ای چون بگرویم دو آدمی را مانند ما وقوم ایشان مارا پرستندگانند
فكذبوهما فكانوا من المهلكين ۝ ولقد
پس بدروغ داشتند ایشانرا پس بودند از جمله هلاک کرده شدگان وبدرستی که
آتينا موسى الكتاب لعلهم يهتدون ۝ وجعلنا ابن مريم
بدادیم موسی را کتاب تا بود که ایشان راه راست یابند وبکردیم پسر مریم
وامه آية وآويناهما الى ربوة ذات قرار ومعين ۝
ومادر اورا نشانی وجای دادیم ایشانرا بابالای خداوند آرامی وچشمه
يا ايها الرسل كلوا من الطيبات واعملوا صالحا اني
گفتیم ما ای رسولان بخورید از پاکیها وبکنید کارهای نیکو بدرستی که من
بما تعملون عليم ۝ وان هذه امتكم امة واحدة وانا ربكم
بدانچه میکنید شما داناست وبدرستی که این دین شما یک دین است ومن پروردگار شماام

فَاتَّقُونِ ۝ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ

پس بپرستید مرا   پس خلاف کردند در فرمان خود   میان یکدیگر کرویکان   هر   کروهی

بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۝ فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

بدانچه نزدیک ایشانست   شاد اند   پس بگذار ایشانرا در مستی و جهالت ایشان   تا هنگامی

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي

ای پندارند   که مدد میکنیم ایشانرا بدان از مالی   و پسران   می شتابیم مر ایشانرا در

الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ

نیکیها   بلکه ایشان نمیدانند   بدرستی که آنها که ایشان از ترس   پروردکار خود

مُشْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ۝ وَ

ترسندکانند   آنها که ایشان   بنشانهای پروردکار خود بکرویدکانند

الَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا

و آنها که ایشان   بپروردکار خود نه انبازفرادارندکان   و آنها که بدهند   آنچه بدهند

وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ۝ أُولَٰئِكَ

و دلهای ایشان   ترسان باشند با آنکه ایشان   با پروردکار خود بازکردندکانند   آن کروه

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ۝ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا

می شتابند   در نیکیها   و ایشان از آن پیشی کیرندکانند   و تکلیف نمیفرمائیم هیچ تنی را

إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مکر بقدر طاقت او   و نزدیک ماست کتابی که سخن میکوید بحق   و ایشانرا   ستم نکنند

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَٰلِكَ

بلکه دلهای ایشان   در پوشش اند از آن   و مر ایشانراست عملهای   از جز   آن

هُمْ لَهَا عَامِلُونَ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ

ایشان   آنرا کنندکانند   تا   چون بکیریم ما   متنعمان ایشانرا   بعذاب   آنکه ایشان

يَجْأَرُونَ ۝ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ۝ قَدْ

زاری کنند   کویند ایشانرا زاری مکنید امروز   بدرستی که شما را   از ما یاری نکنند   بدرستی

كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ

که چون خوانند نشانهای من بر شما   پس شما   بر پاشنه های خود کردیده میکردیدند

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ۝ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ

کردنکشان   بدان حدیث کنندکان بیهوده میکفتند   ای اندیشه نکردند در کفتار   یا آمد بدیشان

مَا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ ۝ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ

آنچه نیامد   به پدران ایشان اولینیان   یا نشناختند   رسول خود را   پس ایشان   او را

مُنْكِرُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ

منکرانند   یا میکویند   که بدوست دیوانکی   بلکه آمد بدیشان بحق   و بیشتر ایشان

لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۝ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَ

مر حق را کارهانند   و اکر پس روی کردی حق   مرادهای ایشانرا   هر آینه تباهی کرفتندی   در آسمانها

الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ

و زمین   و آنکه در ایشانست   بلکه بدادیم ما ایشانرا   پند   ایشان   پس ایشان از پند ایشان

معرضون • ام تسئلهم خرجا فخراج ربك خير وهو خير الرازقين
روی گردانندگانند • یا میخواهی تو از ایشان مزدی پس مزد پروردگار تو بهتر واو بهترین روزی دهندگانست
وانك لتدعوهم الى صراط مستقيم • وان الذين لا يؤمنون
وبدرستی که تو میخوانی ایشانرا با راه راست • وبدرستی که آنها که نمی گروند
بالاخرة عن الصراط لناكبون • ولو رحمناهم وكشفنا
باخرت از راه راست هرآینه برگردندگانند • واگر رحمت کردمی ما ایشانرا و بردمی
ما بهم من ضر للجوا في طغيانهم يعمهون • ولقد
آنچه بدیشانست از زیان هرآینه لجاج کنندی در گمراهی خود سرگشته شدندی • وبدرستی
اخذناهم بالعذاب فما استكانوا لربهم وما يتضرعون
که بگرفتیم ما ایشانرا بعذاب پس تن بندادند مر پروردگار خودرا و زاری نکردند
حتى اذا فتحنا عليهم بابا ذا عذاب شديد اذا هم فيه
تا چون برگشودیم ما بر ایشان دری را خداوند عذاب سخت انگاه ایشان دران
مبلسون • وهو الذي انشا لكم السمع والابصار
نومید شدگان بودند • واوان خدائیست که بیافرید مرشمارا شنوائیها وبینائیها
والافئدة قليلا ما تشكرون • وهو الذي ذراكم في
ودلها اندکی شکر می کنید شما • واوان خدائیست که بیافرید شمارا در
الارض واليه تحشرون • وهو الذي يحيي ويميت وله اختلاف
زمین وبا او حشر کنند شمارا • واوست آن خدائی که زنده کند و بمیراند واورا است اختلاف

حزب

الليل والنهار افلا تعقلون • بل قالوا مثل ما قال الاولون
شب وروز ای پس استعمال عقل مکنید • بلکه گفتند مانند آنچه گفتند اولینیان
قالوا ااذا متنا وكنا ترابا وعظاما اانا لمبعوثون
گفتند ای چون بمیریم ما وباشیم خاکی واستخوانی ای چون باشیم ما بر انگیخته شدگان
لقد وعدنا نحن واباؤنا هذا من قبل ان هذا الا اساطير
بدرستی که وعده داده شد مارا وپدران مارا این از پیش نیست این مگر افسانه
الاولين • قل لمن الارض ومن فيها ان كنتم تعلمون
اولینیان • بگوای محمد مرکراست زمین وآنچه درانست اگر شما میدانید
سيقولون لله قل افلا تذكرون • قل من رب السموات
زود گویند مرخدایرا بگو ای پس اندیشه نمی کنید • بگوای محمد کیست پروردگار آسمانها
السبع ورب العرش العظيم • سيقولون لله قل افلا
هفت گانه وپروردگار عرش بزرگ • زود گویند که خدایست بگوای محمد ای پس
تتقون • قل من بيده ملكوت كل شيء وهو يجير ولا يجار
نمی پرهیزید • بگوای محمد کیست که بدید قدرت اوست پادشاهی همه چیزی واو زنهار دهد و زنهار نداده شود
عليه ان كنتم تعلمون • سيقولون لله قل فانى تسحرون
برو اگر هستید شما دانایان • زود گویند مرخدایرا بگوای محمد پس چگونه فریفته میشوید
بل اتيناهم بالحق وانهم لكاذبون • ما اتخذ الله من ولد
بلکه آوردیم بدیشان بحق وبدرستی که ایشان دروغ زنانند • فرا نگرفت خدای هیچ فرزندی را

وما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق ولعلا
و نبود با او هیچ خدای اگه همانه شدی هر خدای بدانچه افریدی و هر اینه

بعضهم على بعض سبحان الله عما يصفون ۝ عالم الغيب
از شکی جستندی بعض ایشان بر بعضی پاک و منزه است خدا از انچه صفت میکنند اوست داننده نابیدا

والشهادة فتعالى عما يشركون ۝ قل رب اما تريني ما يوعدون
و بیدا پس بزرگوارست و افراشته از انچه انبار فرامیدارند بدو بگوای محمد ای پروردگار من اگر باز نمائی انچه وعده میدهند ایشان

رب فلا تجعلني في القوم الظالمين ۝ وانا على ان نريك ما
ای پروردگار من پس مکن مرا با گروه ستمکاران و بدرستی که ما بر انکه باز نمائیم ترا انچه

نعدهم لقادرون ۝ ادفع بالتي هي احسن السيئة
وعده میدهیم ایشانرا هر اینه توانائیم دفع کن بدی را بطریقی که آن نیکوترست

نحن اعلم بما يصفون ۝ وقل رب اعوذ بك من همزات
ما داناتریم بدانچه صفت میکنند و بگوای محمد ای پروردگار من پناه میگیرم بتو از وسوسه

الشياطين ۝ واعوذ بك رب ان يحضرون ۝ حتى اذا جاء احدهم
دیوان و پناه میدهم بتو ای پروردگار من که حاضر آیند بمن تا چون آید یکی از ایشانرا

الموت قال رب ارجعون ۝ لعلي اعمل صالحا فيما تركت
اسباب مرگ گوید ای پروردگار من بازگردان مرا تا مگر بود که من بکنم کاری نیکو را در انچه ترک کردم

كلا انها كلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ الى يوم
نه که آن سخنی است که او گوینده آنست و در پس ایشان مانعی بود تا بروزی

يبعثون ۝ فاذا نفخ في الصور فلا انساب بينهم يومئذ ولا
که برانگیزانند ایشانرا پس چون دردمند نفخ در صور پس نسبها نماند میان ایشان از روز و پرسند

يتساءلون ۝ فمن ثقلت موازينه فاولئك هم المفلحون
از نسبهای ایشان پس هرکه گرانی آید ترازوی او پس آن گروه ایشانند رستکاران

ومن خفت موازينه فاولئك الذين خسروا انفسهم في
و هرکه سبک آید ترازوی او پس آن گروه آنها اند که زیان کار آمدند بر تنهای خود ایشان در

جهنم خالدون ۝ تلفح وجوههم النار وهم فيها كالحون
دوزخ همیشه باشند بسوزاند رویهای ایشانرا آتش و ایشان در انجا ترش رویان باشند

الم تكن اياتي تتلى عليكم فكنتم بها تكذبون
ای نشانهای من نخواندند بر شما پس شما ازا بدروغ می داشتید

قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا وكنا قوما ضالين ربنا
گفتند ای پروردگار ما غلبه کرد بر ما بدبختی ما و بودیم ما گروهی گمراهان ای پروردگار ما

اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون ۝ قال اخسئوا فيها ولا
بیرون آور تو ما را از آن پس اگر باز گردیم بدرستی که باشیم ستمکاران گوید خدای دور شوید در آن و مگوید

تكلمون ۝ انه كان فريق من عبادي يقولون ربنا امنا
سخن با من بدرستی که بودند گروهی از بندگان من که میگفتند ای پروردگار ما بگرویدیم

فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الراحمين ۝ فاتخذتموهم سخريا
پس بیامرز ما را و رحم کن بر ما و توئی بهترین رحمت کنندگان پس فرا گرفتید شما ایشانرا باستهزا

حَتّى أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

تا فراموش گردید شما پندی مرا و بودید شما ازیشان می خندیدید

إِنّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِما صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفائِزُونَ قالَ

بدرستی که پاداشت دهم ایشانرا امروز بدانچه صبر کردند بدرستی که ایشان ایشانند رستگاران گوید خدای

كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ قالُوا لَبِثْنا يَوْماً

چند درنگ کردید شما در زمین شما سالها گفتند درنگ کردیم ما روزی

أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْئَلِ الْعادِّينَ قالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلّا قَلِيلاً لَوْ أَنَّكُمْ

یا بعضی را از روز پس بپرس از شمرندگان گوید خدای درنگ نکردید شما مگر اندکی اگر شما بدانید

كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّما خَلَقْناكُمْ عَبَثاً

بدانید ای پنداشتید شما که افریدیم ما شمارا بعبث

وَأَنَّكُمْ إِلَيْنا لا تُرْجَعُونَ فَتَعالَى اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلّا

وانکه شما با ما باز نگردید پس افراشته است خدای پادشاه بحق نیست خدای مگر

هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللهِ إِلهاً آخَرَ

او پروردگار عرش نیکو وهرکه خواند با خدای خدای دیگر

لا بُرْهانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّما حِسابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لا يُفْلِحُ الْكافِرُونَ

حجتی نبود اورا بدان پس بدرستی که حساب او نزدیک پروردگار او بود بدرستی که او رستگاری نیابند کافران

وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرّاحِمِينَ

وبگوای پروردگار من بیامرز مرا ورحمت کن و توی بهترین رحمت کنندگان

سورة النور اربع و ستون آية مكية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنْزَلْناها وَفَرَضْناها وَأَنْزَلْنا فِيها آياتٍ بَيِّناتٍ

این سورتیست که فرو فرستادیم ما آنرا ای هذه و هویدا کردیم احکام آنرا ای فصلنا وفرو فرستادیم دران نشانی روشن را

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ الزّانِيَةُ وَالزّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ

تا مگر بود که شما پند گیرید زن زانیه و مرد زانی را پس بزنید هر

واحِدٍ مِنْهُما مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلا تَأْخُذْكُمْ بِهِما رَأْفَةٌ فِي

یکی را ازیشان صد تازیانه و نبرد که رحمت کند بدیشان که ضارب و مضروب اند مهربانی در

دِينِ اللهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذابَهُما

دین خدای اگر هستید شما بگرویدگان بخدای و بروز آخرت و باید که حاضر آیند بعذاب کردن ایشان

طائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الزّانِي لا يَنْكِحُ إِلّا زانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً

گروهی از مؤمنان مرد زانی باید که جماع نکند مگر با زن زانیه یا مشرکه

وَالزّانِيَةُ لا يَنْكِحُها إِلّا زانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

و زن زانیه باید که جماع نکند با او مگر مردی زانی یا مشرک و حرام کردند آنرا بر مؤمنان

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَناتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَداءَ فَاجْلِدُوهُمْ

وآنها که دشنام دهند زنان پارسارا پس نیابند بچهار گواه پس بزنید ایشانرا

ثمانين جلدة ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك

هشتاد تازیانه و قبول مکنید مر ایشانرا بگواهی هرگز و آن گروه

هم الفاسقون • الا الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان

ایشانند فاسقان مگر آنها که توبه کردند از پس آن و کار باصلاح آوردند پس بدرستی

الله غفور رحيم • والذين يرمون ازواجهم ولم يكن

که خدای آمرزنده است و رحمت کننده و آنها که دشنام دهند زنان خود را و نباشند مر ایشانرا

لهم شهداء الا انفسهم فشهادة احدهم اربع

گواهان مگر تنهای ایشان پس گواهی یکی از ایشان چهار بار

شهادات بالله انه لمن الصادقين • والخامسة ان لعنة الله

گواهی دادن بود بخدای بدرستی که او هر آینه از جملهٔ راست گویانست و گواهی پنجم که لعنت خدای باد

عليه ان كان من الكاذبين • ويدرؤا عنها العذاب

برو اگر هست از جملهٔ دروغ زنان و دفع کند از آن زن عذاب را

ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين

اگر گواهی دهند چهار بار گواهی دادن بخدا بدرستی که او یعنی مرد از جملهٔ دروغ زنانست

والخامسة ان غضب الله عليها ان كان من الصادقين

و گواهی پنجم آنکه خشم خدای باد بر آن زن اگر هست مرد از جملهٔ راست گویان

ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم

اگرنه فضل خدای بودی بر شما و رحمت او و آنکه خدای توبه پذیرنده است و حکیم کار

ان الذين جاؤا بالافك عصبة منكم لا تحسبوه شرا لكم

بدرستی که آنها که آمدند بدروغ گروهی اند از شما مپندارید آن بدتر مر شما را

بل هو خير لكم لكل امرئ منهم ما اكتسب من الاثم

بلکه آن بهترست مر شما را تا هر مردی را بود از ایشان آنچه اندوخت از بزه

والذي تولى كبره منهم له عذاب عظيم • لولا اذ سمعتموه

و آنکه قیام نمود بمعظم آن دروغ از ایشان مر او را بود عذابی بزرگ چرا چون شنیدند آنرا

ظن المؤمنون والمؤمنات بانفسهم خيرا وقالوا هذا افك

گمان نبردید بیچوگان مردان مؤمن و زنان مؤمنه بتنهای ایشان نیکی و گفتند این دروغی

مبين • لولا جاؤا عليه باربعة شهداء فاذ لم ياتوا بالشهداء

روشن چرا نیاوردند بر آن چهار گواه پس چون نیاوردند گواهان را

فاولئك عند الله هم الكاذبون • ولولا فضل الله عليكم

پس آن گروه نزدیک خدای ایشانند دروغ زنان و اگرنه فضل خدای بودی بر شما

ورحمته في الدنيا والاخرة لمسكم فيما افضتم فيه

و رحمت او در دنیا و آخرت هر آینه برسیدی بشما در آنچه شروع کردید شما در آن

عذاب عظيم • اذ تلقونه بالسنتكم وتقولون بافواهكم

عذابی بزرگ چون بر بافتید آنرا بزبانهای خود و گفتند بدهانهای خود

ما ليس لكم به علم وتحسبونه هينا وهو عند الله عظيم

آنچه نبود مر شما را بدان دانشی و پنداشتید آنرا آسان و آن نزدیک خدای بزرگست

ولولا اذ سمعتموه قلتم ما يكون لنا ان نتكلم بهذا سبحانك
وچرا چون شنیدید آنرا نگفتید ای بهلا که نبود مارا که سخن گوئیم بدین پاک ومنزهی تو
هذا بهتان عظيم • يعظكم الله ان تعودوا لمثله ابدا
این بهتانی بزرگست پند میدهد شمارا خدا که باز نگردید ای لا بمانند آن هرگز
ان كنتم مؤمنين • ويبين الله لكم الايات والله عليم
اگر هستید شما بگرویدگان وروشن میکند خدا مر شمارا نشانها وخدا داناست
حكيم • ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين
ومحکم کار بدرستی که آنها در آنها
امنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والاخرة والله يعلم
که بگرویدند مرایشانرا بود عذابی دردناک در دنیا وآخرت وخدا میداند
وانتم لا تعلمون • ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله
وشما نمیدانید واگر نه فضل خدای بودی بر شما ورحمت او وآنکه خدای
رءوف رحيم • يا ايها الذين امنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان
مهربانست ورحمت کننده ای آنها که بگرویده اید پس روی مکنید مرادهای شیطانرا
ومن يتبع خطوات الشيطان فانه يامر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل
وهر که پس روی کند مرادهای شیطانرا پس بدرستی که او میفرماید ناشایست وبدی واگر نه فضل
الله عليكم ورحمته ما زكى منكم من احد ابدا ولكن الله
خدا بودی بر شما ورحمت او پاک نشدی از شما هیچ یکی هرگز ولیکن خدا

يزكي من يشاء والله سميع عليم • ولا ياتل اولوا الفضل منكم
پاک کند آنرا که خواهد وخدا شنواست ودانا ونباید که سوگند خورند خداوندان فضل از شما
والسعة ان يؤتوا اولي القربى والمساكين والمهاجرين
وتوانگری که ندهند خداوند خویشی را ومسکینانرا وهجرت کنندگانرا
في سبيل الله وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله
در راه خدای وباید که در گذرند وباید که جرم فرو گذارند ای دوست نمیدارید که بیامرزد خدای
لكم والله غفور رحيم • ان الذين يرمون المحصنات
مر شمارا وخدا آمرزنده است ورحمت کننده بدرستی که آنها که دشنام میدهند زنان پارسارا
الغافلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والاخرة ولهم عذاب
غافله مؤمنه بلعنت کرده شدند در دنیا وآخرت ومر ایشانرا بود عذابی
عظيم • يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم بما
بزرگ آنروز گواهی دهد برایشان زبانهای ایشان ودستهای ایشان وپایهای ایشان
كانوا يعملون • يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق ويعلمون
بآنچه ایشان کردند آنروز تمام بدهد ایشانرا خدا پاداشت عملهای ایشان بحق ودانند
ان الله هو الحق المبين • الخبيثات للخبيثين والخبيثون
که خدای اوست حق روشن زنان پلید سزاوار مردان پلید باشند ومردان پلید
للخبيثات والطيبات للطيبين والطيبون للطيبات
سزاوار زنان پلید باشند وزنان پاک سزاوار مردان پاک باشند ومردان پاک سزاوار زنان پاک باشند

أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

آن گروه بری کرده‌اند ازانچه میگویند مرایشان‌را بود آمرزشی و روزی نیکو

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا

ای آنها که بگرویده‌اند درمروید در خانها جز ازخانهای خود تا دستوری خواهید

وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

درشدن را وسلام کنید بر اهل آن آنان بهتر مرشمارا تا مگر بوده که شما پند گیرید

فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ

پس اگر نیابید درانجا هیچ یکی را پس مروید دران تا دستوری دهند مرشمارا

وَإِن قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ

واگر گویند مرشمارا که بازگردید پس بازگردید آن پاکتر مرشمارا وخدا

بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ لَّيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ

بانچه میکنید شما داناست نیست بر شما هیچ بزه که در روید در خانهای که نه

مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا

آرام گیرید دران چون بودم شمارا جو خوازی و خدا میداند آنچه آشکارا میکنید و آنچه

تَكْتُمُونَ ۝ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا

پنهان میکنید بگوای محمد مرمومنان را تا برهم نهند چشمهای خودرا و نگه بدارند

فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

عورتهای خودرا آن پاکتر مرایشان را بدرستی که خدا آگاهست بانچه میکنید شما

وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ

وبگوای محمد مرزنان مومنه را تا برهم نهند چشمهای خودرا و نگه دارند عورتهای خودرا

وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ

وظاهر نکنند زینت خودرا مگر آنچه ظاهرست ازان و باید که برزنند چادرهای خویش

عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ

بر سرهای خویش و نباید که موضع زینت خودرا مگر بر شوهران خود یا بر پدران خود

أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ

یا بر پدران شوهران یا پسران خود یا پسران شوهران خود یا

إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ

برادران خود یا پسران برادر خود یا پسران خواهران خود یا زنان خود

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ

یا آنچه مالک باشند دستهای ایشان یا تابعان نه خداوندان حاجت بزنان از مردان

أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

یا کودکان آنها که مطلع نشده باشند بر عورات زنان و نباید که برزنند

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ

پایهای خود بر زمین تا بدانند آنچه پنهان کرده باشند از زینت ایشان و بازآیید بخدای

جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَنكِحُوا الْأَيَامَىٰ

همه ای مومنان تا مگر بوده که شما رستگار یابید و نکاح کنید با بیوه زنان

منكم والصالحين من عبادكم وإمائكم إن يكونوا
از شما ونیکوکاران از بندگان شما وکنیزکان شما اگر باشند

فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم وليستعفف
فقیران توانگر گرداند ایشان را خدای از فضل خود وخدای فراخ رحمت ودانا وباید که دست بدارند

الذين لا يجدون نكاحا حتى يغنيهم الله من فضله
آنها که نیابند مهری را تا توانگر گرداند ایشان را خدای از فضل خود

والذين يبتغون الكتاب مما ملكت أيمانكم فكاتبوهم
وآنها که طلب مکاتبت کنند از آنچه مالک باشند دستهای شما پس باز فروشید ایشان را

إن علمتم فيهم خيرا وآتوهم من مال الله الذي آتاكم
اگر دانید در ایشان خیری وبدهید ایشان را از مال خدای آن مال که بداد شما را

ولا تكرهوا فتياتكم على البغاء إن أردن تحصنا
وباکراه برمدارید کنیزکان خود را بر زنا اگر خواهند خویشتن را نگاه داشتن

لتبتغوا عرض الحياة الدنيا ومن يكرههن فإن الله من بعد
واگر خواهید تا جویید کالای زندگانی دنیا را وهرکه باکراه بردارد ایشان را پس بدرستی که خدای از پس

إكراههن غفور رحيم ۝ ولقد أنزلنا إليكم آيات
اکراه برداشتن ایشان آمرزنده است ورحمت کنن وبدرستی که فرو فرستادیم بشما نشانها

مبينات ومثلا من الذين خلوا من قبلكم وموعظة للمتقين
روشن را ومثلی از آنها که گذشتند از پیش شما وپندی مر پرهیزکاران را

١٢

الله نور السموات والأرض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح
خدای راه نماینده اسمانها وزمینست مثل نور او چون مثل روزنی بود که دران بود چراغی

المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب دري
چراغ در قندیل آبگینه بود آبگینه گوئیا که آن ستاره بود روشن

يوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد
افروخته شود از درخت مبارک زیتون نه شرقی ونه غربی نزدیک بود

زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله لنوره
که روغن آن روشنی دهد واگرچه نرسیده باشد بدان آتشی نوری بر نوری راه نماید خدای بنور خود آن را

من يشاء ويضرب الله الأمثال للناس والله بكل شيء عليم ۝ في
که خواهد ومیزند خدای مثلها را برای مردمان وخدا بهمه چیزی داناست در

بيوت أذن الله أن ترفع ويذكر فيها اسمه يسبح له فيها
خانهای که دستوری داد خدای که برافرازند ویاد کنند دران نام او را تسبیح میکنند مر او را دران جا

بالغدو والآصال ۝ رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر
ببامداد وشبانگاه مردانی که مشغول نکند ایشان را تجارتی ونه بیعی از یاد کرد

الله وإقام الصلوة وإيتاء الزكوة يخافون يوما تتقلب
خدای وبپای داشتن نماز وبدادن زکوة ترسند از روزی که بگردند

فيه القلوب والأبصار ۝ ليجزيهم الله أحسن ما عملوا
دران روز دلها وبینائیها تا پاداشت دهد ایشان را خدای نیکوتر آنچه کردند

وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ
وتا بزیادت کند ایشان را از فضل خود وخدا روزی دهد انرا که خواهد بی حساب
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ
وآنها که کافر شدند عملهای ایشان همچو کورابی بود بیابانی پندارد ازا تشنه
مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِندَهُ فَوَفَّاهُ
آبی تا جون آید بدان نیابد ازا جیزی ویابد خدای را نزدیک آن پس تمام داد اورا
حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ
پاداش حساب او وخدا زود حسابست یا جون تاریکیهای بود که در دریا دور فرود پوشد آنرا
مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ
موجی از بالای آن موجی از بالای آن بود ابری تاریکیها آن بعضی بالای
بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا
بعضی جون بیرون دست خودرا نزدیک بود که نبیند ازا وهرکه نکند خدای اورا نوری
فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
پس نبود اورا هیچ نوری ای ندیدی تو که خدای را تسبیح میکند اورا انکه در اسمانهاست وزمین
وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا
ومرغان صف زنندگان همه را دانست نماز او وتسبیح او وخدا داناست بانچه
يَفْعَلُونَ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ
میکنند ومر خدا راست پادشاهی اسمانها وزمین وباخداست بازگشت همه

١٣
أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا
ای ندیدی تو که خدای میراند ابررا پس باهم می آورد میان آن پس میکند ازا بر هم نشاند
فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِن جِبَالٍ
پس بینی تو باران را که بیرون آید از میان آن وفرو می فرستد از آسمان مانند کوهها
فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَن مَّن يَشَاءُ
در آنست از تگرگ پس برساند آن ازا که خواهد وبگرداند آن از انکه خواهد
يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ
نزدیک بود که ببرد بینایها را همه میگرداند خدای شب
وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ
وروز را بدرستی که دران هرآینه عبرتست خداوندان بینایها را وخدا افرید کار هر
دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ
دابه را از آبی پس ازیشان انکه میرود بر شکم خود وازیشان هست انکه میرود
رِجْلَيْنِ وَمِنْهُم مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ
بر هردو پای وازیشان هست انکه میرود بر جهارپای افرید خدای انجه خواهد بدرستی که خدا
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَّقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي
بر همه جیزی توانا است بدرستی که فرو فرستاده که نشانهارا روشن وخدا راه نماید
مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ
ازا که خواهد با راه راست ومیکویند بگرویدیم ما بخدا ورسول

وأطعنا ثم يتولى فريق منهم من بعد ذلك وما أولئك
و فرمان بردیم ما پس برگشتند گروهی از ایشان از پس آن و نیستند آن گروه

بالمؤمنين ۝ وإذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا
مؤمنان و چون خوانند ایشان را با خدای و رسول او تا حکم کند میان ایشان آن

فريق منهم معرضون ۝ وإن يكن لهم الحق يأتوا إليه
گروهی از ایشان برگردندگان باشند و اگر باشد ایشان را حق آیند بدو

مذعنين ۝ أفي قلوبهم مرض أم ارتابوا أم يخافون أن
گردن نهندگان ای در دلهای ایشان شکی است یا می‌ترسند که ظلم کند

يحيف الله عليهم ورسوله بل أولئك هم الظالمون
خدای بر ایشان و رسول او بلکه آن گروه ایشانند ستمکاران

إنما كان قول المؤمنين إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم
بدرستی که گفتار مؤمنان چون خوانند ایشان را با خدای و رسول او تا حکم کند

بينهم أن يقولوا سمعنا وأطعنا وأولئك هم المفلحون
میان ایشان آن بود که گویند بشنیدیم و فرمان بردیم ما و آن گروه ایشانند رستگاران

ومن يطع الله ورسوله ويخش الله ويتقه فأولئك هم
و هر که فرمان برد خدای را و رسول او را و بترسد از خدای و بپرهیزد پس آن گروه ایشانند

الفائزون ۝ وأقسموا بالله جهد أيمانهم لئن أمرتهم
رستگاران و سوگند خوردند بخدای سوگندان غلاظ خود که هر آینه اگر فرمائی تو ایشان را

ليخرجن قل لا تقسموا طاعة معروفة إن الله خبير بما تعملون
هر آینه بیرون آیند بگو که سوگند مخورید اگر فرمان برید رسول خدای را بهتر بدرستی که خدای آگاه است بآنچه میکنید

قل أطيعوا الله وأطيعوا الرسول فإن تولوا فإنما عليه ما حمل
بگوای محمد فرمان برید خدای را و فرمان برید رسول را پس اگر برگردند پس بدرستی که بروست آنچه نهادند بر او

وعليكم ما حملتم وإن تطيعوه تهتدوا وما على الرسول
و بر شماست آنچه نهادند بر شما و اگر فرمان برید او را راه یابید و نیست بر رسول

إلا البلاغ المبين ۝ وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات
مگر رسانیدن روشن و عده داد خدای آنها را که بگرویدند از شما و کارهای نیکو کردند

ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم
هر آینه بخلافت بگمارد ایشان را در زمین همچنانکه بخلافت بگماشت آنها را که از پیش ایشان بودند

وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد
و هر آینه ممکن دهد ایشان را دین ایشان آن دینی که پسندید ایشان را و هر آینه بدل کند ایشان را از پس

خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر
ترس ایشان ایمنی پرستند مرا و انباز نیارند بمن چیزی را و هر که کافر شود

بعد ذلك فأولئك هم الفاسقون ۝ وأقيموا الصلوة وآتوا الزكوة
پس از آن پس آن گروه ایشانند فاسقان و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را

وأطيعوا الرسول لعلكم ترحمون ۝ لا تحسبن الذين كفروا
و فرمان برید رسول را تا مگر بود که بر شما رحمت کنند مپندار آنها را که کافر شدند

معجزين في الارض ومأويهم النار ولبئس المصير ۝ يا ايها الذين
عاجز کنندگان در زمین وجای ایشان آتش بود وهرآینه بد بازگشتنی است ای آنها

امنوا ليستاذنكم الذين ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا
که گرویده اید باید که دستوری خواهند از شما آنها که مالک اند دستهای شمارا وآنها که نرسیده باشند

الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر وحين
بلاغت از شما سه وقت از پیش نماز بامداد وآن هنگام

تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة العشاء
که بنهید جامهای خودرا از نیم روز واز پس نماز خفتن

ثلث عورات لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح
سه وقت ظاهر بودن عورات شما نیست بر شما ونه برایشان بزه

بعدهن طوافون عليكم بعضكم على بعض كذلك
پس از آن وقتها طواف کنندگان بر شما بعضی شما بر بعضی همچنین

يبين الله لكم الايات والله عليم حكيم ۝ واذا بلغ
روشن میکند خدا مر شمارا نشانها وخدا داناست ومحکم کار وچون برسند

الاطفال منكم الحلم فليستاذنوا كما استاذن الذين
طفلان از شما بلاغت پس باید که دستوری خواهند همچنانکه دستوری خواستند آنها

من قبلهم كذلك يبين الله لكم اياته والله عليم حكيم
که از پیش ایشان بودند همچنین روشن میکند خدای مر شمارا نشانهای خود وخدای داناست ومحکم کار

والقواعد من النساء اللاتي لا يرجون نكاحا فليس عليهن
وپیرزنان از زنان آن زنانی که امید ندارند نکاحی را پس نیست برایشان

جناح ان يضعن ثيابهن غير متبرجات بزينة وان يستعففن
بزه که بنهند چادرهای خودرا نه آراسته بیرون آیند بزینت وآنکه خودرا نگه داشتن

خير لهن والله سميع عليم ۝ ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج
بهتر بود مرایشان را وخدا شنواست ودانا نیست بر کور بزه ونه بر لنگ

حرج ولا على المريض حرج ولا على انفسكم ان تاكلوا من
بزه ونه بر بیمار بزه ونه بر تنهای شما که بخورید شما از

بيوتكم او بيوت اباءكم او بيوت امهاتكم او بيوت
خانهای خود یا از خانهای پدران خود یا از خانهای مادران خود یا از خانهای

اخوانكم او بيوت اخواتكم او بيوت اعمامكم
برادران خود یا از خانهای خواهران خود یا از خانهای برادران پدر خود

او بيوت عماتكم او بيوت اخوالكم او بيوت خالاتكم
یا از خانها خواهران پدر خود یا از خانهای برادران مادر خود یا از خانهای خواهران مادر خود

او ما ملكتم مفاتحه او صديقكم ليس عليكم جناح
یا آنچه مالک باشید کلیدهای آنرا یا دوست شما بود نبود بر شما بزه

ان تاكلوا جميعا او اشتاتا فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على
که بخورید باهم یا پراکنده پس چون در روید شما در خانهای پس سلام کنید

أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمُ
بر اهل خانهٔ خود تحیتی از نزدیک خدای مبارک پاک بجیش روشن میکند خدای شمارا

الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۞ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللهِ
نشانها تا مگر بود که شما دریابید بدرستی که مومنان آنهااند که بگرویدند بخدای

وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ
ورسول او وچون باشند با او برکاری جمع کننده نروند تا دستوری

يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللهِ
خواهند ازو بدرستی که آنها دستوری خواهند از تو آن گروه آنهااند که بگرویدند بخدای

وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَنْ لِمَنْ شِئْتَ
ورسول او پس چون دستوری خواهند از تو مر بعضی کار خود را پس دستوری ده مر آنرا که خواهی تو

مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللهَ إِنَّ اللهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ لَا تَجْعَلُوا
از ایشان و آمرزش خواه از بهر ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده است رحمت کننده مکنید

دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ
خواندن رسول میان شما چون خواندن بعضی شما بعضی را بدرستی که میداند

اللهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ
خدای آنهارا که در پسها پنهان میشوند از شما پناه دادنی پس باید که بترسند آنها که مخالفت میکنند

عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ أَلَا
از فرمان او که برسد بدیشان آزمایشی یا برسد بدیشان عذابی دردناک بدان

إِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ
بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانهاست وزمین بدرستی که داند آنچه شما برآیید وآن روز

يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
بازگردانند ایشان را تا او پس بیاگاهاند ایشان را بدانچه کردند وخدا بهمه چیزی

عَلِيمٌ
داناست

سورة الفرقان سبع وسبعون آية مكية

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ۞
بزرگوارست آنخدای که فرو فرستاد کتاب فرق کنن را بر بندهٔ خود تا باشد مر جهانیان را بیم کنن

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ
آنخدای که او راست پادشاهی آسمانها وزمین وفرانگرفت فرزندی را ونباشد او را انبازی

فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا ۞ وَاتَّخَذُوا مِنْ
در پادشاهی وبیافرید هر چیزی را پس اندازه کرد آنرا اندازه کردنی وفراگرفتند از

دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا يَمْلِكُونَ
جز او خدایانی را نیافرینند چیزی را وایشان را آفریدند وآنها که قادر نباشند

لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا
مر تنهای خود را زیانی ونه سودی وقادر نباشند مرگی را ونه زندگانی را ونه

نشورا ● وقال الذين كفروا ان هذا الا افك افتريه واعانه
زنده شدنی را ● وگفتند آنها که کافر شدند نیست این مگر دروغی بربافت است از محمد ویاری کردند
عليه قوم اخرون فقد جاءو ظلما وزورا ● وقالوا اساطير
بران قومی دیگران پس بدرستی که آمدند بگناهی و بدروغی ● وگفتند این افسانهای
الاولين اكتتبها فهي تملى عليه بكرة واصيلا ● قل
اولینانست که بازنوشته است از ایشان پس آن املا کرده اند برو بامداد و شبانگاه ● بگوای محمد
انزله الذي يعلم السر في السموات والارض انه كان غفورا
فرو فرستاد از خدایی که میداند پنهان را در آسمانها و زمین بدرستی که او هست آمرزنده
رحيما ● وقالوا مال هذا الرسول ياكل الطعام و
رحمت کنند ● وگفتند چیست این رسول را که میخورد طعام را
يمشي في الاسواق لولا انزل اليه ملك فيكون معه نذيرا
و میرود در بازارها چرا فرو نفرستاد برو فرشته را پس بودی با او بیم کننده
او يلقى اليه كنز او تكون له جنة ياكل منها وقال
یا چرا بیفکنند بدو گنجی یا چرا هست او را بستانی که میخورد ازان وگفتند
الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا ● انظر كيف
ظالمان پس روی می کنید مگر مردی را که جادو کرده اند بدو ● بنگر که چگونه
ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا ● تبارك
زدند مرترا مثلها پس گمره شدند پس نیافتند راهی را ● بزرگوارست

الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها
آنخدای که اگر خواهد بکند مرترا بهتر ازان بستانهای که روند از زیران
الانهار ويجعل لك قصورا ● بل كذبوا بالساعة واعتدنا
جویها وبکند مرترا کوشکهای ● بلکه بدروغ داشتند قیامت را وبساختیم
لمن كذب بالساعة سعيرا ● اذا راتهم من مكان بعيد
مرانهارا که بدروغ داشتند قیامت را آتشی افروخته ● چون ببیند ایشانرا از جایگاهی دور
سمعوا لها تغيظا وزفيرا ● واذا القوا منها مكانا ضيقا
شنوند ازا خشم اوردن و نالیدنی ● وچون بیفکنند ازا جایگاهی تنگ گردن را
مقرنين دعوا هنالك ثبورا ● لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا
بستگان خوانند آنجایگاه واهلاکاه ● گویند ایشانرا مخوانید امروز واهلاکاه یکی
وادعوا ثبورا كثيرا ● قل اذلك خير ام جنة الخلد التي
وخوانید واهلاکاه بسیاری ● بگوای محمد آن بهتر یا بهشت جاوید آنکه
وعد المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا ● لهم فيها
وعده دادند پرهیزکاران را باشد ایشان را پاداشتی و بازگشتن جایی مرایشان را بود در آنجا
ما يشاءون خالدين كان على ربك وعدا مسئولا ● ويوم
آنچه خواهند جاویدان هست بر پروردگار تو وعده پرسیدنی ● وانروز
يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءانتم اضللتم
حشر کنیم ایشانرا وانچه می پرستیدند از جز خدای پس گوید خدای آیا شما گمراه کردانیدید
این گروه را

عِبَادِي هٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ
از پرستیدن ما من یا ایشان خود گمراهی را اختیار کرده‌اند گویند پیغمبران پاک و منزهی تو نسزد
يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ
ما را که فرا گیریم از جز تو هیچ دوستانی را ولیکن برخورداری دادی ایشان را
وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا فَقَدْ
و پدران ایشان را تا فراموش کردند پند را و بودند قومی هالکان پس بدرستی که
كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا
بدروغ میدارند شما را معبودان شما آنچه میگویند پس توانائی ندارند برگردانیدن و نه یاری کردن
وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ
و هر که ستم کند از شما در چشانیم او را عذابی بزرگ و نفرستادیم پیش از تو
مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي
هیچ رسول را مگر که ایشان هر آینه میخوردند طعام را و میرفتند در
الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ
بازارها و بگردیم ما بعضی شما را مر بعضی را آزمایشی صبر کنید ای اصبروا و هست
رَبُّكَ بَصِيرًا وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ
پروردگار تو بینا و گفتند آنها که امید ندارند بازرسیدن وعدهٔ ما چرا فرو فرستاده نشد
عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ
بر ما فرشتگان یا نمی‌بینیم پروردگار خود را بدرستی که گردنکشی کردند در تنهای خود

الجزء ١٩

وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ
و در گذشتند در گذشتنی بزرگ آن روز ببینند فرشتگان را گویند بشارتی نیست امروز
لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ
مر کافران را و گویند حرامی حرام کرده و فرا پیش داریم آنچه کرده باشند از
عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ
عملی پس بکنیم آنرا گردی پراکنده اصحاب بهشت آن روز بهتر باشند
مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ
بارامگاه و نیکوتر بموضع قیلوله آن روز شکافته شود آسمان با بر
وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمٰنِ وَكَانَ
و فرو فرستاده شوند فرشتگان فرستادنی پادشاهی بحق آن روز مر خدای راست و باشد روزی بر منکران دشوار
يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ
آن روز بر کافران دشوار و آن روز گزد دست خود را ستمکار
يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي
گوید که ای کاشکی من فرا گرفتمی با رسول راهی ای وای بر من ای کاشکی من
لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ
فرا نگرفتمی فلان را بدوستی بدرستی که برگردانید مرا از پند پس از آنکه
إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا وَقَالَ
آمد بمن و هست شیطان مر آدمی را فرو گذارنده و گفت

الرسول یا رب ان قومی اتخذوا هذا القرآن مهجورا • و

رسول ای پروردگار من بدرستی که قوم من فرا گرفتند این قران را بیهوده

کذلک جعلنا لکل نبی عدوا من المجرمین وکفی بربک

و بچنین بکردیم ما مر هر پیغمبری را دشمنی از کافران و کفی بتو پروردگار تو

هادیا ونصیرا • وقال الذین کفروا لولا نزل علیه

هادی و یاری کننده و گفتند آنها که کافر شدند چرا فرو نفرستادند برو

القرآن جملة واحدة کذلک لنثبت به فؤادک

قران را جمله بیکبار همچنین فرو فرستادیم نجم نجم را تا ثابت داریم بدان دل ترا

ورتلناه ترتیلا • ولا یأتونک بمثل الا جئناک بالحق واحسن

و هویدا خواندیم ما آنرا خواندنی و نیاورند بتو مثلی را مگر که آوریم ما بتو جواب آنرا بحق و نیکوتر

تفسیرا • الذین یحشرون علی وجوههم الی جهنم اولئک

بتفسیر آنها که حشر کنند ایشان را بر رویهای ایشان با دوزخ آن گروه

شر مکانا واضل سبیلا • ولقد آتینا موسی الکتاب

بدترند بجایگاه و برگردیده تر براه و بدرستی که بدادیم ما موسی را کتاب

وجعلنا معه اخاه هرون وزیرا • فقلنا اذهبا الی القوم

و بکردیم ما باو برادر او را هارون وزیری پس گفتیم ما بروید بقوم

الذین کذبوا بآیاتنا فدمرناهم تدمیرا • وقوم نوح

آنها که بدروغ داشتند نشانهای ما را پس هلاک کردیم ما ایشان را هلاک کردنی و قوم نوح

لما کذبوا الرسل اغرقناهم وجعلناهم للناس آیة و

چون بدروغ داشتند رسولان را غرق کردیم ما ایشان را و بکردیم ما ایشان را از بهر مردمان نشانی

اعتدنا للظالمین عذابا الیما • وعادا وثمود واصحاب الرس

و بساختیم ما مر ستمکاران را عذابی دردناک و هلاک کردیم ما قوم هود و قوم صالح را و اصحاب چاه

وقرونا بین ذلک کثیرا • وکلا ضربنا له الامثال وکلا

و گروهانی میان آن بسیاری و همه را روشن کردیم ما او را مثلها و همه را

تبرنا تتبیرا • ولقد اتوا علی القریة التی امطرت مطر السوء

هلاک کردیم ما هلاک کردنی و بدرستی که آمدند بر اهل دیه آنکه بارانیدند بریشان باران بد

افلم یکونوا یرونها بل کانوا لا یرجون نشورا • واذا رأوک

ای ندیدند آنرا بلکه ایشان امید نداشتند زنده شدن و چون بینند ترا

ان یتخذونک الا هزوا • اهذا الذی بعث الله رسولا • ان

فرا نگیرند ترا مگر باستهزا گویند این است آنکه بفرستاد خدای او را برسولی

کاد لیضلنا عن آلهتنا لولا ان صبرنا علیها وسوف یعلمون

نزدیک بود که برگرداند ما را از خدایان ما اگر نه پای بداشتمانی بران و زود بدانند

حین یرون العذاب من اضل سبیلا • ارأیت من اتخذ الهه

آن هنگام که ببینند عذاب که کیست گمراه تر از راه ای دیدی تو آنکه فرا گرفت هوای خود را

هواه افانت تکون علیه وکیلا • ام تحسب ان اکثرهم

بخدای خود ای هستی تو برو نگهبان یا پنداری تو که بیشترین ایشان

يسمعون او يعقلون ان هم الا كالانعام بل هم اضل

میشنوند یا درمی یابند نیستند ایشان مگر همچون چهارپایان بلکه ایشان گمراه‌ترند

سبيلا ۝ الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا

براه ای ننگریستی تو بصنع پروردگار خود که چگونه بکشید سایه را و اگر خواستی هرآینه بکردی آنرا دائم

ثم جعلنا الشمس عليه دليلا ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا

پس بکردیم ما آفتاب را بران دلیلی پس برافراشتیم آنرا ما برافراشتنی اندک

وهو الذي جعل لكم الليل لباسا والنوم سباتا وجعل

و او آن خدائیست که بکرد شمارا شب را لباسی و خواب را سبب راحتی و بکرد

النهار نشورا ۝ وهو الذي ارسل الرياح بشرا بين يدي

روز را سببی زیستنی و او آن خدائیست که بفرستاد بادهارا بشارت دهنده پیش از

رحمته وانزلنا من السماء ماء طهورا لنحيي به بلدة ميتا

رحمت خود و فرو فرستادیم ما از آسمان آبی را پاک تا زنده کنیم بدان زمین مرده را

ونسقيه مما خلقنا انعاما واناسي كثيرا ۝ ولقد

و درخورد میدهیم ما آنرا از آنچه آفریدیم ما وچهارپایانی و مردمان بسیار را و بدرستی که

صرفناه بينهم ليذكروا فابى اكثر الناس الا كفورا

روشن کردیم ما آنرا میان ایشان تا پند گیرند پس سرباز زدند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی

ولو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيرا ۝ فلا تطع الكافرين

و اگر خواستمانی ما هرآینه بفرستادمانی ما در دیهی بیم کننده پس فرمان مبر کافران را

وجاهدهم به جهادا كبيرا ۝ وهو الذي مرج البحرين

و جهاد کن با ایشان بدان جهاد کردنی بزرگ و او آن خدائیست که بر هم گشود دو دریا را

هذا عذب فرات وهذا ملح اجاج وجعل بينهما برزخا

این خوش خوش و آن شوری تلخ و بکرد میان ایشان دومانعی

وحجرا محجورا ۝ وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا

و دوای حرام کرده و او آن خدائیست که بیافرید از آب آدمی را پس بکرد آنرا خداوند نسبی

وصهرا ط وكان ربك قديرا ۝ ويعبدون من دون الله ما لا

و سبب مناکحتی و هست پروردگار تو توانا و می پرستند از جز خدای آنچه

ينفعهم ولا يضرهم وكان الكافر على ربه

سود نمیکند ایشانرا و نه زیان کند ایشانرا و هست کافر بر پروردگار خود

ظهيرا ۝ وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا ۝ قل ما اسئلكم عليه

خوار و نفرستادیم ما ترا ای محمد مگر بشارت دهنده و بیم کننده بگوای محمد نمیخواهم از شما برین رسالت

من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا ۝ وتوكل على

هیچ مزدی مگر آنکه خواهد که فرا گیرد با پروردگار خود راهی و توکل کن بر

الحي الذي لا يموت وسبح بحمده وكفى به بذنوب عباده

خدای زنده آن خدای که هرگز نمیرد و تسبیح کن بستایش او و کفایتست او بگناهان بندگان خود

خبيرا ۝ الذي خلق السموات والارض وما بينهما في ستة ايام ثم

آگاه آنخدای که بیافرید آسمانهارا و زمین را و آنچه میان ایشانست در شش روز پس

استوى على العرش الرحمن فسئل به خبيرا ۝ واذا قيل لهم
مستولی شد بر عرش خدای روزی دهنده پس بپرس ازان از خدای آگاه و چون گویند ایشان را
اسجدوا للرحمن قالوا وما الرحمن انسجد لما تامرنا وزادهم
که سجود کنید مر خدای روزی دهنده را گفتند و کیست خدای که سجود کنیم ما آنچه میفرمایی ما را و بیفزاید ایشان را
نفورا ۝ تبارك الذي جعل في السماء بروجا وجعل فيها
رمیدنی بزرگوارست آن خدای که بکرد در آسمانها برجها را و بکرد دران
سراجا وقمرا منيرا ۝ وهو الذي جعل الليل والنهار خلفة
چراغی را و ماهی روشن را و او آن خدایست که بکرد شب و روز را از پی یکدیگر
لمن اراد ان يذكر او اراد شكورا ۝ وعباد الرحمن الذين
مرانرا که خواهد که پند گیرد یا خواهد شکر کردنی و بندگان خدای آنها
يمشون على الارض هونا واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما
که میروند بر زمین بآسانی و چون سخن گویند با ایشان جاهلان گویند صوابی
والذين يبيتون لربهم سجدا وقياما ۝ والذين يقولون
و آنها که شب کنند مر پروردگار خود سجود کنندگان و ایستادگان و آنها که گویند
ربنا اصرف عنا عذاب جهنم ان عذابها كان غراما ۝
ای پروردگار ما بگردان از ما عذاب دوزخ را بدرستی که عذاب آن هست لازم
انها ساءت مستقرا ۝ والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولم يقتروا
بدرستی که آن بدست بآرام گاه و آنها که چون نفقت کنند اسراف نکنند و تنگ بازنگیرند

سجده واجب

ومقاما
وبجایگاه

وكان بين ذلك قواما ۝ والذين لا يدعون مع الله الها اخر
و باشد میان این و آن ایستاده بر و آنها که نمیخوانند با خدا خدای دیگر را
ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق ولا يزنون ومن يفعل
و نمیکشند تن را آن تنی که حرام کرد خدا مگر بحق و زنا نکنند و هرکه کند
ذلك يلق اثاما ۝ يضاعف له العذاب يوم القيمة ويخلد فيه
آن دریابد بزه دو چندان کرده شود مر او را عذاب روز قیامت و همیشه باشد در آنجا
مهانا ۝ الا من تاب وامن وعمل عملا صالحا فاولئك يبدل
خوار مگر آنکه بازآید و بگروید و کار کرد کاری نیکو پس آن گروه بدل کند
الله سيئاتهم حسنات وكان الله غفورا رحيما ۝
خدا بدیهای ایشان را نیکوییها و هست خدا آمرزگار مهربان
ومن تاب وعمل صالحا فانه يتوب الى الله متابا ۝ والذين
و هرکه توبه کند و بازآید و بکند کاری نیکو پس بدرستی که بازآینده بود بدرگاه خدا بازآمدنی و آنها
لا يشهدون الزور واذا مروا باللغو مروا كراما ۝ و
که گواهی ندهند بدروغ و چون بگذرند بناسزا بگذرند کریمانه و آنها
الذين اذا ذكروا بايات ربهم لم يخروا عليها صما
که چون پند داده شدند بنشانهای پروردگار خود نیفتند بر آن کران
وعميانا ۝ والذين يقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و
و کوران و آنها که میگویند ای پروردگار ما بخش ما را از زنان ما

ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا • أُولَٰئِكَ
فرزندان ما روشنائی چشمی و بکن مارا برای پرهیزکاران پیشوائی آن گروه
يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا •
باداشت داده شوند بغرفها جنت بدانچه صبر کردند و انداخته شوند در آنجا درود و سلامی
خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا • قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ
همیشه باشند در آنجا چه نیکو بود بارامگاه و جایگاه بگو
رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ
پروردگار من اگر نه خواندن شما بودی پس بدرستی که بدروغ میداشتید شما پس زود بود

سورة الشعراء مائتان وسبع وعشرون آية مكية
لِزَامًا
عذاب لازم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بحق طول ...
طسم • تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ • لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ
و ملک سمع این نشانها کتاب روشنند مگر تو هلاک کننده نفس خودرا
أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ • إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً
بانکه ایشان ایمان نمی آرند اگر خواستمانی فرو فرستادمانی برایشان از آسمان نشانی
فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ • وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ
پس گشتی گردنهای ایشان مر آنرا خاضعان و نیامد بدیشان هیچ پند از

الرَّحْمَٰنِ مُحْدَثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ • فَقَدْ كَذَّبُوا
خدای روزی دهنده نو مگر که بودند از آن برگردندگان پس بدرستی که دروغ داشتند
فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ • أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ
پس زود آید بدیشان خبرهای آنچه بودند بدان استهزا میکردند ای ندیدند بسوی زمین
كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ • إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً
که چند بر رویانیدیم ما در آنجا از هر صنفی و زنا نیکو بدرستی که در آن هر آینه نشانیست
وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ • وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ
و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان و بدرستی که پروردگار تو اوست غالب
الرَّحِيمُ • وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
مهربان و چون ندا کرد بموسی که بیا برو بسوی گروه ستمکاران
قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ • قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ
قوم فرعون که آیا نمی پرهیزند گفت ای پروردگار من بدرستی که من میترسم که بدروغ دارند مرا
وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ • وَ
و تنگ می آید سینه من و گویا نیست زبان من پس بفرست بسوی هارون را
لَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ • قَالَ كَلَّا فَاذْهَبَا
و ایشانرا بر من حق خونیست پس میترسم که بکشند مرا گفت خطا که نه چنانست پس بروید
بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ • فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بنشانهای ما بدرستی که ما با شما گوش دارندگانیم پس آیند بسوی فرعون پس گفته که ما رسول پروردگار جهانیانیم

حسب

ان ارسل معنا بني اسرائيل • قال الم نربك فينا وليدا ولبثت فينا
بفرست با ما بنی اسرائیل را • گفت فرعون ای پرورانیدیم ترا درمیان خود درحالت کودکی و درنگ کردی
من عمرك سنين • وفعلت فعلتك التي فعلت وانت
از عمر خویش سالها درمیان ما • و کردی تو آنچه فعل که کردی • و تو
من الكافرين • قال فعلتها اذا وانا من الضالين
از جمله ناسپاسانی • گفت کردم آنرا آنکه من از جمله بی خبران بودم
ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما
پس بگریختم از شما چون ترسیدم از شما پس ببخشود مرا پروردگار من علمی
وجعلني من المرسلين • وتلك نعمة تمنها علي ان عبدت
و گردانید مرا از جمله رسولان • و آن نعمی که منت می نهی آنرا بر من که به بندگی گرفتی
بني اسرائيل • قال فرعون وما رب العالمين • قال رب
بنی اسرائیل را • گفت فرعون چیست پروردگار جهانیان • گفت موسی پروردگار
السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين • قال
آسمانهاست و زمین و آنچه میان ایشانست اگر هستید شما یقین شوندگان • گفت فرعون
لمن حوله الا تستمعون • قال ربكم ورب ابائكم الاولين
آنها را که گرداگرد او بودند ای نمی شنوید • گفت که پروردگار شماست و پروردگار پدران شما اولینان
قال ان رسولكم الذي ارسل اليكم لمجنون • قال
گفت هر آینه کسی که رسول شما • آنکه فرستاده شده بشما هر آینه دیوانه است • گفت موسی

رب المشرق والمغرب وما بينهما ان كنتم تعقلون • قال
پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان آن هر دو است اگر هستید شما استعمال عقل میکنید • گفت
لئن اتخذت الها غيري لاجعلنك من المسجونين • قال اولو جئتك
هر آینه اگر فراگیری تو خدایی را جز از من هر آینه اگر گردانم ترا از جمله زندان کردگان • گفت ای و اگرچه
بشيء مبين • قال فأت به ان كنت من الصادقين • فالقى
بچیزی روشن • گفت پس بیار آنرا اگر هستی تو از جمله راست گویان • پس انداخت
عصاه فاذا هي ثعبان مبين • ونزع يده فاذا هي بيضاء
عصای خود را پس آنگه آن اژدهای بود روشن • و بیرون آورد دست خود را پس آنگه آن سپید بود
للناظرين • قال للملا حوله ان هذا لساحر عليم • يريد
و نگرندگان را • گفت مر اشراف را بدرستی که این هر آینه جادوی داناست • میخواهد
ان يخرجكم من ارضكم بسحره فماذا تامرون • قالوا
که بیرون کند شما را از زمین شما بسبب جادوی خود پس چه میفرمایید • گفتند
ارجه واخاه وابعث في المداين حاشرين • ياتوك بكل سحار
مهل ده او را و برادر او را و بفرست در شهرها جمع کنندگان • تا آورند بتو هر جادوی
عليم • فجمع السحرة لميقات يوم معلوم • وقيل للناس
دانا را • پس جمع آمدند جادوان مر وعده جای روز دانسته را • و گفته شد مردمان را
هل انتم مجتمعون • لعلنا نتبع السحرة ان كانوا هم
ای هیچ هستید شما جمع شوندگان • تا بود که ما پیروی کنیم جادوان را اگر باشند ایشان

الغالبين • فلما جاء السحرة قالوا لفرعون أئن لنا لأجرا

غالبان پس چون آمدند جادوان گفتند مر فرعون را آیا هیچ باشد ما را هر آینه مزدی

إن كنا نحن الغالبين • قال نعم وإنكم إذا لمن

اگر باشیم ما غالبان گفت آری و هر آینه شما آنگه از جمله

المقربين • قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون • فألقوا

نزدیکان باشید گفت مر ایشان را موسی بیندازید آنچه شما اندازندهاید پس انداختند

حبالهم وعصيهم وقالوا بعزة فرعون إنا لنحن الغالبون

ریسمانهای خود و چوبدستیهای خود را و گفتند بعزت فرعون که ما هر آینه باشیم غالبان

فألقى موسى عصاه فإذا هي تلقف ما يأفكون • فألقي

پس انداخت موسی عصای خود را پس آنگه آن فرو برد آنچه ایشان بربافته بودند پس بروی در افتادند

السحرة ساجدين • قالوا آمنا برب العالمين • رب موسى

جادوان سجودکنندگان گفتند بگرویدیم ما به پروردگار عالمیان پروردگار موسی

وهرون • قال آمنتم له قبل أن آذن لكم إنه

و هرون گفت فرعون ای بگرویدید شما مر او را پیش از آنکه دستوری دهیم شما را بدرستی که او

لكبيركم الذي علمكم السحر فلسوف تعلمون

هر آینه بزرگ شماست آنکه درآموخت شما را جادو پس زود بدانید

لأقطعن أيديكم وأرجلكم من خلاف ولأصلبنكم

هر آینه ببرم دستهای شما و پایهای شما را از خلاف یکدیگر و بر دار کنم شما را

أجمعين • قالوا لا ضير إنا إلى ربنا منقلبون • إنا نطمع

همه گفتند هیچ سرزنش نیست بدرستی که ما با پروردگار خود بازگردندگانیم بدرستی که طمع داریم ما

أن يغفر لنا ربنا خطايانا أن كنا أول المؤمنين • وأوحينا إلى

که بیامرزد ما را پروردگار ما گناهان ما که هستیم ما اول بگروندگان وحی کردیم ما

موسى أن أسر بعبادي إنكم متبعون • فأرسل فرعون في

بموسی که بشب ببر بندگان مرا که شما متبوعان خواهید بودن پس بفرستاد فرعون در

المدائن حاشرين • إن هؤلاء لشرذمة قليلون • وإنهم

شهرها جمعکنندگان بدرستی که این گروه هر آینه جمعی اندکند و بدرستی که ایشان

لنا لغائظون • وإنا لجميع حاذرون • فأخرجناهم من

ما را بخشم آورندگانند و بدرستی که ما همه جمعی ترسندگانیم پس بیرون کنیم ما ایشان را از

جنات وعيون • وكنوز ومقام كريم • كذلك

بستانها و چشمها و گنجها و مقامی نیکو همچنین

وأورثناها بني إسرائيل • فأتبعوهم مشرقين • فلما تراءا

میراث دادیم ما آنرا بنی اسرائیل پس در پی ایشان ایستادند در وقت بامدادان پس چون دیدند

الجمعان قال أصحاب موسى إنا لمدركون • قال كلا إن

دو لشکر یکدیگر را گفت اصحاب موسی که ما را در می یابند گفت موسی نه چنین است که

معي ربي سيهدين • فأوحينا إلى موسى أن اضرب بعصاك البحر

با منست پروردگار من زود راه نماید مرا پس وحی کردیم ما به موسی که بزن عصای خود را بر دریا

فانفلق فكان كل فرق كالطود العظيم ۝ وازلفنا

پس شکافته شد پس بود هر شکافی همچون کوه بزرگ ونزدیک گردانیدیم ما

ثم الاخرين ۝ وانجينا موسى ومن معه اجمعين ۝ ثم اغرقنا

پس ازان آن دیگرانرا و برهانیدیم موسی را و آنکه با او بودند همه پس غرق کردیم ما

الاخرين ۝ ان في ذلك لاية وما كان اكثرهم

دیگرانرا ۝ هر آینه که در آن هر آینه عبرتیست و نبودند بیشترین ایشان

مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز الرحيم ۝ واتل عليهم

مؤمنان و هر آینه که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان و برخوان بر ایشان

نبا ابرهيم اذ قال لابيه وقومه ما تعبدون ۝ قالوا نعبد اصناما

خبر ابراهیم را چون گفت مر پدر خودرا و قوم خودرا چه چیزی می پرستید شما گفتند می پرستیم بتانرا

فنظل لها عاكفين ۝ قال هل يسمعونكم اذ تدعون ۝ او ينفعونكم

پس همیشه مر آنهارا مقیم شونده گانیم گفت هیچ می شنوند شمارا چون میخوانند ایشانرا یا سود میکنند شمارا

او يضرون ۝ قالوا بل وجدنا اباءنا كذلك يفعلون ۝ قال افرءيتم ما كنتم

یا زیانی می توانند رسانید گفتند بلکه یافتیم ما پدران خودرا که همچنین میکردند گفت ای پس می بینید شما آنچه هستید

تعبدون ۝ انتم واباؤكم الاقدمون ۝ فانهم عدو لي الا رب

می پرستید شما شما و پدران شما پیشینگان پس هر آینه ایشان دشمنند مگر پروردگار

العالمين ۝ الذي خلقني فهو يهدين ۝ والذي هو

جهانیان آن خدایی که آفرید مرا پس او راه نماید مرا و آن خدایی که او

يطعمني ويسقين ۝ واذا مرضت فهو يشفين ۝ والذي يميتني

که خورش دهد مرا و آب دهد مرا و چون بیمار شوم پس او شفا دهد مرا و آن خدایی که بمیراند مرا

ثم يحيين ۝ والذي اطمع ان يغفر لي خطيئتي يوم الدين ۝ رب

پس زنده گرداند مرا و آن خدایی که طمع دارم که بیامرزد مرا گناه من در روز جزا ای پروردگار من

هب لي حكما والحقني بالصالحين ۝ واجعل لي لسان

ببخش مرا حکمتی و در رسان مرا بزمره نیکوکاران و بکن مرا زبانی

صدق في الاخرين ۝ واجعلني من ورثة جنة النعيم ۝

راست در ملت باز پسینان و بکن مرا از میراث گیرندگان بهشت پر نعمت

واغفر لابي انه كان من الضالين ۝ ولا تخزني يوم يبعثون ۝

و بیامرز پدر مرا هر آینه که او بود از جمله گمراهان و رسوا مگردان مرا روزی که برانگیخته شوند

يوم لا ينفع مال ولا بنون ۝ الا من اتى الله بقلب سليم ۝ وازلفت

روزی که سود نکند نه مال و نه پسران مگر آنکه آید بخدا بدلی بسلامت و نزدیک کرده شود

الجنة للمتقين ۝ وبرزت الجحيم للغاوين ۝ وقيل لهم

بهشت پرهیزکارانرا و پدید کرده شود دوزخ مر گمراهانرا و گویند مر ایشانرا

اين ما كنتم تعبدون ۝ من دون الله هل ينصرونكم او

که کجا شدند آنچه شما می پرستیدید از جز خدا ایا هیچ یاری می توانند کرد شمارا یا

ينتصرون ۝ فكبكبوا فيها هم والغاوون ۝ وجنود

داد بستانند پس بروی در افتاده شوند در آنجا ایشان و گمراهان و لشکرهای

ابليس اجمعون ۝ قالوا وهم فيها يختصمون ۝ تالله ان كنا

ابلیس همه گفتند وایشان در آنجا با هم خصومت کنند که بحق خدا که بودیم ما

لفي ضلال مبين ۝ اذ نسويكم برب العالمين ۝ وما اضلنا

در گمراهی روشن چون برابر کردانیدیم شما را با پروردگار جهانیان و گمراه نکرد ما را

الا المجرمون ۝ فما لنا من شافعين ۝ ولا صديق حميم ۝ فلو

مگر کافران پس نیست ما را هیچ شفاعت کنندگان و نه دوستی خویشاوند پس اگر

ان لنا كرة فنكون من المؤمنين ۝ ان في ذلك لاية

ما را بازگشتنی با دنیا بودی پس بودمانی از جمله مومنان بدرستی که در آن هر آینه نشانیست

وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو

و نبودند بیشترین ایشان مومنان و بدرستی که پروردگار تو او

العزيز الرحيم ۝ كذبت قوم نوح المرسلين ۝ اذ قال لهم

غالب مهربان بدروغ داشتند قوم نوح رسولانرا چون گفت ایشانرا

اخوهم نوح الا تتقون ۝ اني لكم رسول امين ۝ فاتقوا

برادر ایشانرا نوح ای نمی پرهیزید بدرستی که من مر شما را رسولی با امانتم پس بپرهیزید

الله واطيعون ۝ وما اسئلكم عليه من اجر ان اجري الا

از خدا و فرمان برید مرا ونمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر

على رب العالمين ۝ فاتقوا الله واطيعون ۝ قالوا انؤمن لك نصف

بر پروردگار جهانیان پس بپرهیزید از خدا و فرمان برید مرا گفتند ای گرویم مرترا

واتبعك الارذلون ۝ قال وما علمي بما كانوا يعملون ۝ ان

و پیروی کرده اند ترا ارذلها گفت هیچ دانشی نیست مرا بدانچه ایشان کردند نیست

حسابهم الا على ربي لو تشعرون ۝ وما انا بطارد المؤمنين ۝ ان انا

حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر میدانید و نیستم من راننده مومنانرا نیستم من

الا نذير مبين ۝ قالوا لئن لم تنته يا نوح لتكونن من المرجومين ۝

مگر بیم کننده روشن گفتند هر آینه اگر باز نایستی ای نوح هر آینه باشی از جمله سنگسار کردگان

قال رب ان قومي كذبون ۝ فافتح بيني وبينهم فتحا

گفت ای پروردگار من بدرستی که قوم من بدروغ داشتند مرا پس حکم کن میان من و میان ایشان حکم کردنی

ونجني ومن معي من المؤمنين ۝ فانجيناه ومن معه في

و برهان مرا و آنرا که با منند از مومنان پس برهانیدیم او را و آنکی با او بود در

الفلك المشحون ۝ ثم اغرقنا بعد الباقين ۝ ان في ذلك لاية

کشتی پر کرده پس غرق کردیم ما پس از آن باقی ماندگانرا بدرستی که در آن هر آینه نشانیست

وما كان اكثرهم مؤمنين ۝ وان ربك لهو العزيز

و نبودند بیشترین ایشان مومنان و بدرستی که پروردگار تو او غالب

الرحيم ۝ كذبت عاد المرسلين ۝ اذ قال لهم اخوهم هود الا

مهربان بدروغ داشتند قوم هود رسولانرا چون گفت مر ایشانرا برادر ایشان هود

تتقون ۝ اني لكم رسول امين ۝ فاتقوا الله واطيعون

نمی پرهیزید بدرستی که من مر شما را رسولی با امانتم پس بپرهیزید از خدا و فرمان برید مرا

وما أسئلكم عليه من أجر إن أجري إلا على رب العالمين

و نمی خواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان

أتبنون بكل ريع آية تعبثون وتتخذون مصانع

ای بنا مینهید بهر بر راهی نشانی و فرا میگیرید جایهای محکم

لعلكم تخلدون وإذا بطشتم بطشتم جبارين

مگر که شما همه خواهید ماندن و چون بگیرید شما بگیرید گردنکشان

فاتقوا الله وأطيعون واتقوا الذي أمدكم بما تعلمون

پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و بترسید از آن خدای که مدد کرد شما را بدانچه میدانید

أمدكم بأنعام وبنين وجنات وعيون إني أخاف

مدد کرد شما را به چهارپایان و پسران و بستانهای و چشمههای بدرستی که من می ترسم

عليكم عذاب يوم عظيم قالوا سواء علينا أوعظت

بر شما عذاب روز بزرگ گفتند یکسانست برما ای اگر پند میدهی تو

أم لم تكن من الواعظين إن هذا إلا خلق الأولين وما

یا نیستی از جملهٔ پند دهندگان نیست این مگر آفرینش اولینیان و ما نیستیم

نحن بمعذبين فكذبوه فأهلكناهم إن في ذلك

ما عذاب کردگان پس بدروغ داشتند او را پس هلاک کردیم ما ایشانرا بدرستی که در آن

لآية وما كان أكثرهم مؤمنين وإن ربك لهو العزيز

هر آینه نشانیست و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان و بدرستی که پروردگار تو هر آینه وست غالب

الرحيم كذبت ثمود المرسلين إذ قال لهم أخوهم صالح

مهربان بدروغ داشتند قوم صالح رسولانرا چون گفت مرایشانرا برادر ایشان صالح

ألا تتقون إني لكم رسول أمين فاتقوا الله وأطيعون وما

ای نمی پرهیزید بدرستی که من مر شما را رسولی با امانتم پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا

أسئلكم عليه من أجر إن أجري إلا على رب العالمين

و نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان

أتتركون فيما هاهنا آمنين في جنات وعيون وزروع

ای ترک کرده شوید در آنجا ایمنان در بستانها و چشمهای و کشت زرعها

ونخل طلعها هضيم وتنحتون من الجبال بيوتا فارهين

و خرما استانها پرکرده و انبوه و می تراشید از کوهها خانهارا محکم کرده

فاتقوا الله وأطيعون ولا تطيعوا أمر المسرفين الذين يفسدون

پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و فرمان مبرید کار و فرمان گزاف کارانرا آنها که تباهی میکنند

في الأرض ولا يصلحون قالوا إنما أنت من المسحرين ما أنت إلا بشر

در زمین و کار با صلاح نمی آورند گفتند بدرستی که تو از جملهٔ جادوانی نیستی تو مگر آدمی

مثلنا فأت بآية إن كنت من الصادقين قال هذه ناقة لها

مانند ما پس بیار معجزه اگر هستی تو از جملهٔ راست گویان گفت صالح این ناقه ایست که مر آنراست

شرب ولكم شرب يوم معلوم ولا تمسوها بسوء فيأخذكم

آبشخوری و مر شما راست آبشخور روزی دانسته و مرسانید آنرا بدی پس بگیرد شما را

عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ • فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ • فَأَخَذَهُمُ

عذاب روزی بزرگ پس بکشتند آنرا پس گشتند پشیمانان پس بگرفت ایشانرا

الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

عذاب بدرستی که در آن هر آینه نشانیست و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ • كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان بدروغ داشتند قوم لوط رسولانرا

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ • إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ

چون گفت مر ایشانرا برادر ایشان لوط ای نمی پرهیزید بدرستی که من مر شمارا رسولی

أَمِينٌ • فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ • وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ

با امانتم پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی

إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ • أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان آیا می آیید بنرینگان از عالمیان

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ

و میگذارید آنچه آفرید برای شما پروردگار شما از همجفتان شما بلکه شما

قَوْمٌ عَادُونَ • قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

گروهی از حد درگذرندگانید گفتند هر آینه اگر باز نایستی ای لوط یا باشی از جملهٔ شهربدرکردگان

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ • رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

گفت بدرستی که من عمل شما را از منکرانم ای پروردگار من برهان مرا و کسان مرا از آنچه میکنند

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ • إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ • ثُمَّ دَمَّرْنَا

پس برهانیدیم اورا و کسان اورا همه مگر پیره زنی که از بازماندگان بود پس هلاک کردیم ما

الْآخَرِينَ • وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

دیگرانرا و بارانیدیم ما برایشان بارانی پس بد بود باران بیم کردگان

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ • وَإِنَّ

بدرستی که در آن هر آینه نشانیست و نبودند بیشترین ایشان مؤمنان و بدرستی

رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ • كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

پروردگار تو اوست غالب مهربان بدروغ داشتند اصحاب شعیب رسولانرا

إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ • إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

چون گفت مر ایشانرا شعیب ای نمی پرهیزید بدرستی که من شمارا رسولی با امانتم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ • وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ

پس بترسید از خدا و فرمان برید مرا و نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من

إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ • أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

مگر بر پروردگار جهانیان تمام کنید کیلرا و مباشید از کاهندگان

وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ • وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا

و برکشید بترازوی راست و باز مکاهانید مردمانرا چیزهای ایشان

تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ • وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ

و مشتابید در زمین تباهی کنندگان و بترسید از آن خدایی که آفرید شمارا و گروهان

الْأَوَّلِينَ ۝ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ۝ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
پیشینیانرا گفتند بدرستی که تو از جمله جادو شدگانی ونیستی تو مگر آدمی مانند ما
وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ
وبدرستی که گمان می بریم ترا از جمله دروغگویان پس انداز برما پاره پاره از آسمان
إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ
اگر هستی تو از جمله راستگویان گفت پروردگار من داناترست بانچه شما میکنید پس دروغ داشتند او را
فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
پس بگرفت ایشانرا عذاب روز تاریکی بدرستی که آن بود عذاب روزی بزرگ
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ
بدرستی که در آن مر آیه نشانیست ونبودند بیشترین ایشان مؤمنان وبدرستی
رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ نَزَلَ
که پروردگار تو مر اوست غالب مهربان وبدرستی که این قرآن فرو فرستاده ایست از پروردگار جهانیان فرود آورد
بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ ۝ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ۝ بِلِسَانٍ
آنرا جبرئیل با امانت بر دل تو تا باشی از بیم کردگان بزبانی
عَرَبِيٍّ مُبِينٍ ۝ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۝ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً
عربی روشن وبدرستی که آن مر آنرا کتابهای پیشینیانست ای نبود مرایشانرا نشانی
أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ
که دانند آنرا علماء بنی اسرائیل واگر فرو فرستادمانی آنرا بر بعضی عجمیان

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ۝ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ
پس خواندی آنرا بر ایشان آنچه بودند بدان بگروندگان همچنین درآوریم آنرا
فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ
در دلهای کافران که نگروند بدان تا چون بینند عذاب دردناک را
فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ
پس آید بدیشان ناگاه وایشان ندانند پس گویند ای هیچ باشیم ما
مُنْظَرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝ أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ
زمان دادگان ای پس بعذاب ما شتاب میکنند ای پس دیدی اگر برخورداری دادیم ایشانرا
سِنِينَ ۝ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ مَا أَغْنَى عَنْهُمْ
سالها پس آید بدیشان آنچه بودند ایشانرا وعده میدادند چه بکار آید ایشانرا
مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ۝ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا
آنچه برخورداری کرده بودند وهلاک نکردیم ما هیچ اهل دیهی را مگر که مر آنرا بود
مُنْذِرُونَ ۝ ذِكْرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ
بیم کنندگان از بهر پند ونبودیم ما ستمکاران وفرو نیاورده اند بدان
الشَّيَاطِينُ ۝ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ إِنَّهُمْ عَنِ
دیوان ونسزد مرایشانرا ونتوانائی ندارند بدرستی که ایشان از
السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ۝ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ
شنودن مرانده معزولانند پس مخوان با خدا خدائی دیگر را پس باشی

من المعذبين ۝ وانذر عشيرتك الاقربين ۝ واخفض جناحك لمن
از جملهٔ عذاب کرده شدگان ۝ و بیم کن اهل قبیلهٔ خود را نزدیکان ۝ و فرو نه بال تواضع را آنرا
اتبعك من المؤمنين ۝ فان عصوك فقل اني بريء مما تعملون
که پیروی کرد ترا از جملهٔ مؤمنان ۝ پس اگر نافرمانی کنند ترا پس بگو که من بیزارم از آنچه شما میکنید
وتوكل على العزيز الرحيم ۝ الذي يراك حين تقوم ۝ و
و توکل کن بر خدای غالب مهربان ۝ آن خدائی که می بیند ترا هنگامی که بر میخیزی
تقلبك في الساجدين ۝ انه هو السميع العليم ۝ هل انبئكم
گردیدن تو در میان سجودکنندگان ۝ بدرستی که اوست شنوای دانا ۝ ای خبر دهم شما را
على من تنزل الشياطين ۝ تنزل على كل افاك اثيم ۝
که بر که فرود آیند دیوان ۝ فرود آیند بر هر دروغ بافنده بزه کار
يلقون السمع واكثرهم كاذبون ۝ والشعراء يتبعهم
می اندازند شنودن را ۝ و بیشترین ایشان دروغ گویانند ۝ و شاعران پیروی میکنند ایشان را
الغاوون ۝ الم تر انهم في كل واد يهيمون ۝ وانهم يقولون
گمراهان ۝ آیا ندیدی تو که ایشان در هر وادی در میمانند ۝ و آنکه ایشان میگویند
ما لا يفعلون ۝ الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وذكروا
آنچه نمیکنند ۝ مگر آنها که بگرویدند و کردند کارهای نیک ۝ و یاد کردند
الله كثيرا وانتصروا من بعد ما ظلموا وسيعلم الذين
خدا را بسیار و داد بستدند از پس آنچه ستم کرده شدند و زود بدانند آنها

ظلموا اي منقلب ينقلبون

سورة النمل ثلث وتسعون آية

که ستم کردند که بکدام بازگشتن جای باز میگردند

بسم الله الرحمن الرحيم

بحق طول و سنا
طس ۝ تلك آيات القرآن وكتاب مبين ۝ هدى وبشرى
طس ۝ این نشانهای قرآن و کتابی ظاهر اعجاز کننده ۝ راهنمونی و بشارتی
للمؤمنين ۝ الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم
مر مؤمنان را ۝ آنها که بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان
بالآخرة هم يوقنون ۝ ان الذين لا يؤمنون بالآخرة زينا لهم
بسرای آخرت ایشان بیقین شوند ۝ بدرستی که آنها که نمیگروند بآخرت بیآراستیم مر ایشان را
اعمالهم فهم يعمهون ۝ اولئك الذين لهم سوء العذاب
عملهای ایشان پس ایشان سرگشته شوند ۝ آن گروه آنهااند که مر ایشان را بود بدی عذاب
وهم في الآخرة هم الاخسرون ۝ وانك لتلقى القرآن من لدن
و ایشان در آخرت ایشانند زیان کاران ۝ و بدرستی که تو هر آینه فرا گرفته میشوی قرآن را از نزدیک
حكيم عليم ۝ اذ قال موسى لاهله اني آنست نارا سآتيكم منها
محکم کار دانا ۝ چون گفت موسی مر اهل خود را که من دیدم آتشی را زود آورم بشما از آن
بخبر او آتيكم بشهاب قبس لعلكم تصطلون ۝ فلما
خبری یا آورم بشما پارهٔ آتش را تا بود که شما گرم شوید پس چون

جاءها نودي أن بورك من في النار ومن حولها وسبحان الله

آمد نزدیک آنجا ندا کرده شد که برکت باد آنرا که در آتش است و آنکه پیرامون آنست و پاکی و منزهست خدا

رب العالمين • يا موسى إنه أنا الله العزيز الحكيم • وألق

پروردگار جهانیانست ای موسی بدرستی که منم خدای غالب مهربان و بینداز

عصاك فلما رآها تهتز كأنها جان ولى مدبرا ولم يعقب

عصای خود را پس چون دید آنرا میجنبید گویا که آن ماری بود برگشت پشت برگننده و باز پس نگردید

يا موسى لا تخف إني لا يخاف لدي المرسلون • إلا من ظلم

گفتیم ما ای موسی مترس بدرستی که نترسند نزد من رسولان مگر آنکه ستم کرد

ثم بدل حسنا بعد سوء فإني غفور رحيم • وأدخل يدك

پس بدل کرد نیکوئی پس از بدی پس بدرستی که من آمرزگار مهربانم و در آور دست خود را

في جيبك تخرج بيضاء من غير سوء في تسع آيات

در گریبان خود تا بیرون آید سپید از جز بدی در نه معجزه

من الرهب فذانك برهانان من ر   إلى فرعون وقومه

بسوی فرعون و قوم او

إنهم كانوا قوما فاسقين • فلما جاءتهم آياتنا مبصرة

بدرستی که ایشان هستند گروهی نافرمانان پس چون آمد بدیشان نشانهای ما معجزه

قالوا هذا سحر مبين • وجحدوا بها واستيقنتها أنفسهم

گفتند این جادوی روشنست و انکار کردند آنرا و بیقین دانستند آنرا تنهای ایشان

ظلما وعلوا فانظر كيف كان عاقبة المفسدين • ولقد

از ستم و از سرکشی پس بنگر که چگونه بود عاقبت تباهی کنندگان و بدرستی

آتينا داود وسليمن علما وقالا الحمد لله الذي فضلنا

که بدادیم ما داود و سلیمان را دانش و گفتند سپاس مر خدای را آن خدائی که افزونی نهاد ما را

على كثير من عباده المؤمنين • وورث سليمن داود وقال

بر بسیاری از بندگان خود مؤمنان و میراث گرفت سلیمان از داود و گفت

يا أيها الناس علمنا منطق الطير وأوتينا من كل شيء

ای مردمان در آموخته اند ما را زبان مرغان و داده اند ما را از هر چیزی

إن هذا لهو الفضل المبين • وحشر لسليمن جنوده من الجن

بدرستی که این هر آینه آنست فضل روشن و جمع کرد سلیمان لشکرهای خود را از دیو

والإنس والطير فهم يوزعون • حتى إذا أتوا على واد النمل

و آدمی و مرغان پس ایشان می ترسیدند تا چون آمدند بر وادی مورچگان

قالت نملة يا أيها النمل ادخلوا مساكنكم لا يحطمنكم

گفت مورچه ای مورچگان در روید در مسکنهای خود هلاک نکند شما را

سليمن وجنوده وهم لا يشعرون • فتبسم ضاحكا من قولها

سلیمان و لشکرهای او و ایشان ندانند پس تبسم کرد خنده کرد از سخن او

وقال رب أوزعني أن أشكر نعمتك التي أنعمت علي وعلى والدي

و گفت ای خداوند دل ده مرا تا شکر گویم نعمت ترا آن نعمتی که کردی بر من و بر مادر و پدر من

وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ
وآنکه کار کنم کاری نیکو که بپسندی آنرا و درآور مرا برحمت خود در زمره بندگان خود
الصَّالِحِينَ ۝ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ
نیکوکاران وطلب نمود مرغانرا پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را
أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۝ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ
یا هست از جمله غایبان هرآینه عذاب کنم اورا عذابی سخت یا
لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ
یا بکشم اورا یا آورد بمن حجتی روشن پس درنگ کرد نه دور
فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ
پس گفت دیدم ودریافتم بچیزی که نرسیدی تو بدان و آوردم تو از شهر سبا خبری بیقین
إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
بدرستی که من یافتم زنی که پادشاهی میکند ایشانرا وبداده اند اورا از هر چیزی ومر اورا است
عَرْشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ
عرش بزرگ یافتم اورا وقوم اورا سجده میکردند مر آفتاب را از
دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ
جز خدای و بیاراست مر ایشانرا دیو عملهای ایشانرا پس برگردانید ایشانرا از
السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۝ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ
راه پس ایشان راه نمی برند چرا سجده نمیکنند مر خدای را آن خدای که بیرون می آرد

سجده

فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ اللَّهُ
در آسمانها و زمین است و میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا میکنید خدا
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝ قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ
نیست خدائی مگر او پروردگار عرش باعظمت گفت زود بنگریم ای راست میگوئی
أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ اذْهَبْ بِكِتَابِي هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ
یا هستی از جمله دروغگویان برو بنامه من این پس انداز آنرا بایشان
ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۝ قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي
پس برگرد از ایشان پس بنگر که چه باز میگردانند گفت بلقیس ای اشراف بدرستی
أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ۝ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ
که انداخته شد بمن نامه نیکو که آن از سلیمان است و بدرستی که آن
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ
بنام خدای روزی دهنده مهربان بانگ از شما گردن کشی مکنید بر من و بیائید بمن منقادان
قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ
گفت ای اشراف فتوی دهید مرا در کار من نیستم برنده کاری را تا
تَشْهَدُونِ ۝ قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ
حاضر آئید بمن گفتند ما خداوندان قوتیم و خداوندان حربی سخت و فرمان ترا است
فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ۝ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
پس بنگر که چه میفرمائی مرا گفت بلقیس که پادشاهان چون درآیند در شهری

أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ
تباهی کنند آنجا و بکنند عزیزترا اهل آنرا خواران و همچنین کنند
وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِم بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ
و بدرستی که من فرستنده‌ام بدیشان تحفه پس نگرنده‌ام که بچه بازمیگردند رسولان
فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا
پس چون آمد بسلیمان گفت ای مدد میکنید مرا بمالی پس آنچه بداده است مرا خدا بهتر از آنچه
آتَاكُم بَلْ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ۝ ارْجِعْ
بداد شمارا بلکه شما بتحفه خود شادمان میشوید بازگرد
إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُم بِجُنُودٍ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُم
بدیشان پس بیاریم بدیشان لشکرهایی که هیچ دستی نبود ایشانرا بآنها و هرآینه بیرون کنیم ایشانرا
مِّنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ
از آنجا خواران و ایشان خواران باشند گفت ای اشراف کدام کس است
يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَن يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝ قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ
که آورد بمن تخت اورا پیش ازانکه آیند بمن منقادان گفت پیشتر از
الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ
دیو که من آورم بتو آنرا پیش ازانکه برخیزی از جای خود و بدرستی که من بران
أَمِينٌ ۝ قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ
با امانتم گفت آن کسی که نزد او بود دانشی از کتاب که من آورم بتو آنرا پیش

أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُ قَالَ هَٰذَا
ازانکه بازگردد بتو چشم تو پس چون دید اورا آرامگیرنده نزدیک او گفت این
مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا
از فضل پروردگار منست تا صورت آزمایش نماید مرا ای شکر میکنم یا ناسپاسی میکنم و هرکه شکر کند پس
يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ۝
شکر کردن مرتن اورا بود و هرکه کافر شود پس بدرستی که پروردگار من بی نیازست با کرامت
قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ
گفت بگردانید مراورا تخت او تا بنگریم ای راه یابد یا هست از جمله آنها
لَا يَهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ
که راه نیافته اند پس چون آمد گفته شد ای اینست تخت تو گفت گویا که این آنست
وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۝ وَصَدَّهَا
و بداده اند ما را دانش از پیش آن و بودیم ما منقادان و برگشت او
مَا كَانَت تَّعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ
آنچه بود ند می پرستیدند از جز خدا بدرستی که او بود از گروه کافران
قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن
گفته شد مراورا که درآی در آن سرای پس چون دید آنرا پنداشت آنرا آب و برداشته شد از
سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ ۝ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ
بردو ساق او گفت که آن کوشکیست املس از قارورها گفت بلقیس ای پروردگار من بدرستی که من ستم کردم

نفسي واسلمت مع سليمن لله رب العالمين • ولقد ارسلنا

برتن خود و شادشدم با سلیمن مرخدای را که پروردگار عالمیانست و بدرستی که بفرستادیم

الى ثمود اخاهم صالحا ان اعبدوا الله فاذا هم فريقان

بقوم صالح برادر ایشانرا صالح تا بگه بپرستید خدایرا پس انگه ایشان دو گروه شدند

يختصمون • قال يا قوم لم تستعجلون بالسيئة قبل

خصومت میکردند گفت ای قوم چرا بشتاب میخواهید بدی را پیش

الحسنة لولا تستغفرون الله لعلكم ترحمون • قالوا اطيرنا

از نیکویی چرا آمرزش نمیخواهید از خدا تا بود که شما رحمت کرده شوید گفتند فال بد گرفتیم ما

بك وبمن معك قال طائركم عند الله بل انتم قوم تفتنون

بتو و بدانکه با تو اند گفت فال بد گرفتیم ما بشما نزدیک خدا بلکه شما قومی بفتنه افکندگان

وكان في المدينة تسعة رهط يفسدون في الارض

و بودند در آن شهر نه قبیله که تباهی میکردند در زمین

ولا يصلحون • قالوا تقاسموا بالله لنبيتنه واهله ثم

و کار باصلاح نمی آوردند گفتند سوگند خوردند بخدا که هلاک کنیم اورا و کسان اورا پس

لنقولن لوليه ما شهدنا مهلك اهله وانا لصادقون

بگوییم مر ولی دم اورا که حاضر نبودیم ما بهلاک شدن اهل او و بدرستی که ما راست گویانیم

ومكروا مكرا ومكرنا مكرا وهم لا يشعرون

و مکر ساختند مکر ساختنی و ساختیم ما مکافات مکر ایشانرا و ایشان نمیدانستند

فانظر كيف كان عاقبة مكرهم انا دمرناهم وقومهم

پس بنگر که چگونه بود عاقبت مکر ایشان که ما هلاک کردیم ما ایشانرا و قوم ایشانرا

اجمعين • فتلك بيوتهم خاوية بما ظلموا ان في ذلك لاية

همه پس آنند خانهای ایشان خراب شده بسبب آنچه ستم کردند بدرستی که در آن مر آیتست

لقوم يعلمون • وانجينا الذين امنوا وكانوا يتقون • و

مر گروهی را که بدانند و برهانیدیم ما آنهارا که بگرویدند و بودند می پرهیزیدند

لوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة وانتم تبصرون

و یاد کن لوط را چون گفت مر قوم خود را ای می آیید بناشایستی و شما می بینید

ائنكم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم

بدرستی که شما هرآینه می آیید بمردان بشهوت از جز زنان بلکه شما گروهی

تجهلون • فما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا ال

جاهلانید پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید آل

لوط من قريتكم انهم اناس يتطهرون • فانجيناه و

لوط را از دیه شما بدرستی که ایشان مردمانی اند که پاکی میجویند پس برهانیدیم ما او

اهله الا امراته قدرناها من الغابرين • وامطرنا عليهم

و اهل اورا مگر زن اورا که تقدیر کرده بودیم ما اورا از جمله هالکان و بارانیدیم ما برایشان

مطرا فساء مطر المنذرين • قل الحمد لله وسلام على

بارانی پس بد بود باران بیم کردگان بگوای محمد شکر و ستایش مر خدای را و

عباده الذين اصطفى آلله خير اما يشركون ۞ امن خلق

بنده‌گان او آنانكه بركزيد آنهارا اى خدا بهتر از آنچه انباز واداشته‌اند يا كيست كه آفريد

السموات والارض وانزل لكم من السماء ماء فانبتنا به

آسمانها و زمين و فرود آورد مر شمارا از آسمان آبى پس برويانيديم بآن

حدائق ذات بهجة ما كان لكم ان تنبتوا شجرها

باغها خداوند زيبايى نبود مر شمارا كه برويانيد درخت آنرا

ءاله مع الله بل هم قوم يعدلون ۞ امن جعل الارض

اى خدايى ديگر هست با خدا بلك ايشان كروهى‌اند كه برابرى ميكنند يا كيست كه كرد زمين را

قرارا وجعل خلالها انهارا وجعل لها رواسى وجعل

آرامگاه و بديد كرد درميان آنها جويهايى و بديد كرد مر آنرا كوههاى ثابت و بديد كرد

بين البحرين حاجزا ءاله مع الله بل اكثرهم لا يعلمون

ميان دو دريا مانعى اى خدايى ديگر هست با خدا بلك بيشترين ايشان نميدانند

امن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء ويجعلكم

يا كيست كه اجابت كند بيچاره را چون خواند آنرا و بردارد بدى را و ميكند شمارا

خلفاء الارض ءاله مع الله قليلا ما تذكرون ۞ امن يهديكم

كماشتكان در زمين اى با خدا خدايى ديگر هست اندكى آنچه پند ميكيريد يا كيست كه راه نمايد شمارا

فى ظلمات البر والبحر ومن يرسل الرياح بشرا بين يدى

در تاريكيهاى زمين و دريا و كيست كه ميفرستد بادها بشارت دهنده پيش از رحمت خود

رحمته ءاله مع الله تعالى الله عما يشركون ۞ امن يبدؤا الخلق ثم

رحمت خود اى باخدا خدايى ديگر هست برتر است خدا از آنچه انباز ميآرند بدو يا كيست كه ابتدا ميكند خلق را پس

يعيده ومن يرزقكم من السماء والارض ءاله مع الله قل هاتوا

باز آفريند آنرا و كيست كه روزى ميدهد شمارا از آسمان و زمين اى با خدا خدايى ديگر هست بكو بياوريد

برهانكم ان كنتم صادقين ۞ قل لا يعلم من فى السموات والارض

حجت خودرا اگر هستيد شما راست كويان بكو نداند آنكه در آسمانهاست و زمين

الغيب الا الله وما يشعرون ايان يبعثون ۞ بل ادارك علمهم

علم غيب را مكر خداى و ندانند ايشان كه كى برانكيخته شوند بلك شامل علم ايشان

فى الاخرة بل هم فى شك منها بل هم منها عمون ۞ وقال

در آخرت بلك ايشان در شك‌اند ازان بلك ايشان ازان كوردلانند و كفت

الذين كفروا ءاذا كنا ترابا وآباؤنا ائنا لمخرجون ۞ لقد

آنانكه كافر شدند اى چون باشيم ما خاكى و پدران ما اى ما بيرون آينده‌كان باشيم از كورها بدرستى

وعدنا هذا نحن وآباؤنا من قبل ان هذا الا اساطير

كه وعده داده شديم ما اين ما و پدران ما از پيش نيست اين مكر افسانهاى

الاولين ۞ قل سيروا فى الارض فانظروا كيف كان

پيشينيان بكو برويد در زمين پس بنكريد كه چكونه بود

عاقبة المجرمين ۞ ولا تحزن عليهم ولا تكن فى ضيق مما يمكرون

عاقبت كافران و اندوه مخور برايشان و مباش در تنكى از آنچه مكر ميسازند

ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين ۝ قل عسى

ومیگویند که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان بگو شاید بود

أن يكون ردف لكم بعض الذي تستعجلون ۝ وإن ربك

که باشد نزدیک گردانیم برای شما بعضی آنچه بشتاب میخواهید وبدرستی که پروردگار تو

لذو فضل على الناس ولكن أكثرهم لا يشكرون

هر آینه خداوند فضل است بر مردمان ولیکن بیشترین ایشان شکر نمیکنند

وإن ربك ليعلم ما تكن صدورهم وما يعلنون ۝ وما من

وبدرستی که پروردگار تو هر آینه میداند آنچه پنهان میکند سینهای ایشان وآنچه آشکارا میکنند وهیچ

غائبة في السماء والأرض إلا في كتاب مبين ۝ إن هذا القرآن

پوشیده نشود نه در آسمان ونه در زمین مگر در کتاب روشن بدرستی که این قرآن

يقص على بني إسرائيل أكثر الذي هم فيه يختلفون

قصه باز میگوید بر بنی اسرائیل بیشترین آنچه ایشان در آن اختلاف کردند

وإنه لهدى ورحمة للمؤمنين ۝ إن ربك يقضي بينهم

وبدرستی که آن هر آینه راهنمونی است ورحمتی مر مؤمنان را بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان

بحكمه وهو العزيز العليم ۝ فتوكل على الله إنك

بحکم خود واوست غالب دانا پس توکل کن بر خدا بدرستی که تو

على الحق المبين ۝ إنك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء

بر حقی روشنی بدرستی که تو نتوانی شنوانید مردگان را ونتوانی شنوانید کران را خواندن

إذا ولوا مدبرين ۝ وما أنت بهادي العمي عن ضلالتهم إن تسمع

چون برگشتند پشت برکنندگان ونیستی تو رهنماینده کوران را از گمراهی ایشان نتوانی شنوانید

إلا من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون ۝ وإذا وقع القول عليهم

مگر آنکه بگرویده بنشانهای ما پس ایشان منقادانند وچون واقع شد گفتار بعذاب بر ایشان

أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم أن الناس كانوا

بیرون آوردیم برای ایشان جنبنده از زمین که سخن بگوید با ایشان که مردمان بودند

بآياتنا لا يوقنون ۝ ويوم نحشر من كل أمة فوجا ممن

بنشانهای ما یقین نمیکنند وروزی که حشر کنیم از هر گروهی گروهی از آنکه

يكذب بآياتنا فهم يوزعون ۝ حتى إذا جاءوا قال أكذبتم

دروغ داشتند نشانهای ما را پس ایشان بازداشته شوند تا چون آیند تا آنجا گوید خدا آیا بدروغ داشتید

بآياتي ولم تحيطوا بها علما أماذا كنتم تعملون ۝ ووقع

نشانهای مرا ودر نرسیده بدان بدانش یا آنچه بودید شما میکردید وواقع شد

القول عليهم بما ظلموا فهم لا ينطقون ۝ ألم يروا أنا جعلنا

گفتار بعذاب بر ایشان بسبب آنکه ستم کردند پس ایشان گویا نباشند آیا نمیبینند که بکردیم

الليل ليسكنوا فيه والنهار مبصرا إن في ذلك لآيات

شب را تا آرام گیرند دران وروز را سبب بینایی بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست

لقوم يؤمنون ۝ ويوم ينفخ في الصور ففزع من في السماوات

گروهی را که بگروند وروزی که دمیده شود در صور پس بترسید آنکه در آسمانهاست

وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صُنْعَ اللَّهِ

الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ

فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ

كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ

فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ

الْمُنذِرِينَ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ

بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

سورة القصص ثمان وثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

طسم تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ نَتْلُو عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَ

فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ

أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ

وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ وَنُرِيدُ

أَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ

نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ

وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّا كَانُوا يَحْذَرُونَ وَأَوْحَيْنَا

إلى أم موسى أن أرضعيه فإذا خفت عليه فألقيه في اليم ولا

بمادر موسى که شیر ده اورا پس چون ترسی بر وی پس انداز اورا در دریا

تخافي ولا تحزني إنا رادوه إليك وجاعلوه من المرسلين

و مترس و اندوه مخور بدرستی که ما بازگرداننده ایم اورا بسوی تو و کرداننده ایم اورا از جملهٔ رسولان

فالتقطه آل فرعون ليكون لهم عدوا وحزنا إن فرعون

پس برداشتند اورا فرعونیان تا باشد مرایشانرا دشمنی و سبب اندوهی بدرستی که فرعون

وهامان وجنودهما كانوا خاطئين ۝ وقالت امرأت

و هامان و لشکرهای ایشان بودند گناه کاران و گفت زن

فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه عسى أن ينفعنا أو نتخذه

فرعون این روشنای چشمست مرا و ترا مکشید اورا شاید بود که سود کند مارا یا فرا گیریم اورا

ولدا وهم لا يشعرون ۝ وأصبح فؤاد أم موسى فارغا إن كادت

بفرزندی و ایشان ندانستند و گشت دل مادر موسی فارغ نزدیک بود که

لتبدي به لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين ۝ وقالت

ظاهر کند آنرا اگرنه می بستیم ما بر دل او صبری تا باشد از جملهٔ مؤمنان و گفت

لأخته قصيه فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون

مر خواهر خودرا از پی او برو پس میدید اورا از دور و ایشان نمیدانستند

وحرمنا عليه المراضع من قبل فقالت هل أدلكم على أهل

و حرام کردیم ما بر وی شیر دایگان را از پیش پس گفت ای دلالت کنم شمارا بر اهل

بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون ۝ فرددناه إلى أمه

خانه که پاینده کنند اورا برای شما و ایشان مر اورا نصیحت کنان باشند پس بازگردانیدیم اورا بسوی مادر او

كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم أن وعد الله حق ولكن

تا روشن شود چشم او و اندوه نخورد و تا بداند که وعده خدا حقست و لیکن

أكثرهم لا يعلمون ۝ ولما بلغ أشده واستوى آتيناه

بیشترین ایشان نمی دانند و چون برسید بغایت قوت خود و نیرومند شد بدادیم مر اورا

حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين ۝ ودخل المدينة

حکمت و دانش و همچنین پاداشت دهیم نیکوکارانرا و در رفت در شهر مصر

على حين غفلة من أهلها فوجد فيها رجلين يقتتلان

بهنگام غفلتی از اهل آن پس یافت در آنجا دو مردرا که یکدیگررا میکشتند

هذا من شيعته وهذا من عدوه فاستغاثه الذي من

این یکی از گروه موسی بود و آن دیگر از دشمنان او بود پس فریاد خواست ازو آنکه از

شيعته على الذي من عدوه فوكزه موسى فقضى عليه قال

گروه موسی بود بر آنکه از دشمن او بود پس سیلی زد اورا موسی پس بکشت اورا گفت

هذا من عمل الشيطان إنه عدو مضل مبين ۝ قال رب

این کار دیو بود بدرستی که او دشمنست و گمراه کننده روشن گفت ای پروردگار من

إني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر له إنه هو الغفور الرحيم

بدرستی که من ستم کردم برتن خود پس بیامرز مرا پس آمرزید اورا بدرستی که او آمرزگار مهربانست

قال رب بما انعمت علي فلن اكون ظهيرا للمجرمين • فاصبح

گفت ای پروردگار من بسبب آنچه نعمت کردی بر من پس نباشم هم پشت مجرمانرا پس بامداد آمد

في المدينة خائفا يترقب فاذا الذي استنصره بالامس يستصرخه

در شهر ترسان چشم میداشت پس ناگه آنکسی که یاری خواسته بود ازو دی فریاد خواست ازو

قال له موسى انك لغوي مبين • فلما ان اراد ان يبطش بالذي

گفت مر او را موسی که تو گمره کننده روشنی پس چون خواست که در گیرد آنکسی که

هو عدو لهما قال يا موسى اتريد ان تقتلني كما قتلت

او دشمن بود مر ایشانرا گفت ای موسی ای میخواهی که بکشی مرا همچنانکه بکشتی

نفسا بالامس ان تريد الا ان تكون جبارا في الارض وما تريد

تنی را دی روز نمیخواهی مگر آنکه باشی گردنکشی در زمین و نمیخواهی

ان تكون من المصلحين • وجاء رجل من اقصى المدينة يسعى

که باشی از کار با صلاح آورندگان و آمد مردی از نهایت شهر می شتافت

قال يا موسى ان الملا ياتمرون بك ليقتلوك فاخرج اني لك

گفت ای موسی بدرستی که اشراف مشورت میکنند در کار تو تا بکشند ترا پس بیرون رو که من ترا

من الناصحين • فخرج منها خائفا يترقب قال رب نجني من

از جمله نصیحت کنندگانم پس بیرون آمد از آنجا ترسان بانتظار میکرد گفت پروردگار من برهان مرا از

القوم الظالمين • ولما توجه تلقاء مدين قال عسى ربي ان

گروه ستمکاران و چون برسید بنزدیک شهر مدین گفت شاید بود که پروردگار

يهديني سواء السبيل • ولما ورد ماء مدين وجد عليه امة

راه نماید مرا بارای راست و چون برسید بآب مدین و یافت بر آنجا گروهی

من الناس يسقون ووجد من دونهم امراتين تذودان

از مردمان که آب میدادند مواشی خود را و یافت از فروتر ایشان دو زن را که ایستاده بودند (?)

قال ما خطبكما قالتا لا نسقي حتى يصدر الرعاء وابونا

گفت چیست حال و کار شما گفتند آب ندهیم تا باز گردند شبانان و پدر ما

شيخ كبير • فسقى لهما ثم تولى الى الظل فقال رب اني

شیخی بزرگست پس آب داد مواشی مر ایشانرا پس برگشت سوی سایه پس گفت ای پروردگار

لما انزلت الي من خير فقير • فجاءته احداهما تمشي على استحياء

آنرا فرو فرستی بمن خیری که سخت محتاجم پس آمد بدو یکی ازان دو جهز (?) میآمد بر شرمی

قالت ان ابي يدعوك ليجزيك اجر ما سقيت لنا فلما جاءه

گفت که پدر من میخواند ترا تا پاداش دهد ترا مزد آنچه آب دادی مواشی ما را پس چون آمد پیش شعیب

وقص عليه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمين •

و قصه خواند برو قصهٔ خود را گفت مترس برهانیدی از گروه ستمکاران

قالت احداهما يا ابت استاجره ان خير من استاجرت القوي

گفت یکی ازان دو ای پدر من بمزدوری گیر او را بدرستی که بهترین آنکسی است که بمزدوری گیری که نیرومند

الامين • قال اني اريد ان انكحك احدى ابنتي هاتين على ان

باامانت است گفت شعیب که من میخواهم که بنکاح تو در آورم یکی ازین دو دختر را اینها بر آنکه

تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ
مزدوری کنی مرا هشت سال پس اگر تمام گردانی ده سال پس آن کرمی بود از نزد تو ونمیخواهم که سخت گیرم
عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۞ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي
برتو زود یابی مرا اگر خواهد خدا از جملهٔ نیکوکاران گفت آنست عهد میان من
وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ
و میان تو هرکدام ازین دو مدت که بگزارم آنرا پس هیچ دشمنی نبود بر من و خدا بر
مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۞ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ
آنچه میگوییم کارسازنست پس چون بگزارد موسی وعده را وببرد کسان خود را
آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ
دید از جانب کوه طور آتشی را گفت مرکسان خود را درنگ کنید که من دیدم
نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ
آتشی را تا بود که من آورم بشما از آن خبری یا پاره از آتش تا بود که شما
تَصْطَلُونَ ۞ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي
گرم شوید پس چون آمد بدانجا ندا کرده شد از کنار وادی ایمن در
الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ
بقعهٔ مبارکه از درخت عناب یا غرآن که ای موسی بدرستی که منم خدا
رَبُّ الْعَالَمِينَ ۞ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا
پروردگار جهانیان وانکه بینداز عصای خود را پس چون دیدش را برخود میجنبید گوییا که آن

جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ۞
ماری بود برگشت پشت کننده وبازپس ننگریست ای موسی روی فراکن و مترس بدرستی که تو از ایمنانی
اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ
درآور دست خودرا در گریبان خود تابرون آید سفید از جز بدی وضم کن
إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
باخود دست خودرا پس آن دو معجزه اند از پروردگار تو برد بسوی فرعون
وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۞ قَالَ رَبِّ إِنِّي
واشراف او بدرستی که ایشان بودند گروهی فاسقان گفت ای پروردگار من بدرستی که من
قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ۞ وَأَخِي هَارُونُ
بکشتم از ایشان تنی را پس من می ترسم که بکشند مرا و برادر من هارون
هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي
او فصیح تر است از من بزبان پس بفرست اورا با من بیاری تا راست دارند مرا بدرستی که من
أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ۞ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ
میترسم که دروغ دارند مرا گفت خدا زود سخت گردانم پشت ترا ببرادر تو
وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمَا
و بکنیم مرشمارا حجتی پس نرسند بشما بسببهای ما شما
وَمَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغَالِبُونَ ۞ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ
وانکه پیروی کند شمارا غالبان باشید پس چون آمد بایشان موسی بنشانهای ما روشن

قالوا ما هذا الا سحر مفترى وما سمعنا بهذا في آبائنا

گفتند نیست این مگر جادوی کرده و نشنیدیم ما این را در پدران ما

الاولين ۞ وقال موسى ربي اعلم بمن جاء بالهدى من عنده ومن

پیشینه و گفت موسی پروردگار من داناتر است بآنکه آمد با راه از نزد او و هرکه

تكون له عاقبة الدار انه لا يفلح الظالمون ۞ وقال فرعون

باشد برای او عاقبت آن سرای بدرستی که رستگاری نیابند ستمکاران و گفت فرعون

يا ايها الملأ ما علمت لكم من اله غيري فاوقد لي يا هامان

ای اشراف ندانستم برای شما هیچ خدای جز از خود پس آتش کن برای من ای هامان

على الطين فاجعل لي صرحا لعلي اطلع الى اله موسى واني

بر سر گل پس بکن برای من کوشکی تا بود که من مطلع شوم بخدای موسی و بدرستی که من

لاظنه من الكاذبين ۞ واستكبر هو وجنوده في

گمان می برم او را از جمله دروغ گویان و گردن کشی کرد او و لشکرهای او در

الارض بغير الحق وظنوا انهم الينا لا يرجعون ۞ فاخذناه

زمین بناحق و گمان بردند که ایشان بسوی ما باز گردانیده نشوند پس گرفتیم او را

وجنوده فنبذناهم في اليم فانظر كيف كان عاقبة

و لشکرهای او را پس انداختیم ایشان را [illegible]

الظالمين ۞ وجعلناهم ائمة يدعون الى النار ويوم القيمة

و گردانیدیم ایشان را پیشوایانی که میخوانند بآتش و در روز قیامت

نصف

لا ينصرون ۞ واتبعناهم في هذه الدنيا لعنة ويوم القيمة

یاری کرده نشوند و از پی آوردیم ایشان را در این دنیا لعنت و در روز قیامت

هم من المقبوحين ۞ ولقد آتينا موسى الكتاب من بعد

ایشان از رانده شدگان باشند و بدرستی که بدادیم ما موسی را کتاب از پس آنکه

ما اهلكنا القرون الاولى بصائر للناس وهدى ورحمة

هلاک کرده بودیم گروهای پیشینه را سبب روشنایی برای مردمان و راهی و رحمتی

لعلهم يتذكرون ۞ وما كنت بجانب الغربي اذ قضينا

تا بود که ایشان پند گیرند و نبودی تو از جانب مکان غربی چون گزاردیم ما

الى موسى الامر وما كنت من الشاهدين ۞ ولكنا انشأنا

سوی موسی فرمان را و نبودی تو از جمله حاضران و گواهان و لیکن آفریدیم ما

قرونا فتطاول عليهم العمر وما كنت ثاويا في اهل مدين

گروهانی را پس دراز شد برایشان مدت عمر و نبودی تو مقیم در میان اهل مدین

تتلوا عليهم آياتنا ولكنا كنا مرسلين ۞ وما كنت

تا خوانی بر ایشان نشانهای ما را و لیکن بودیم ما فرستندگان و نبودی تو

بجانب الطور اذ نادينا ولكن رحمة من ربك لتنذر قوما

جانب کوه طور چون بر خواندیم ما را و لیکن رحمتی بود از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را

ما اتاهم من نذير من قبلك لعلهم يتذكرون ۞ ولولا ان

که نیامد بدیشان هیچ بیم کننده پیش از تو تا بود که ایشان پند گیرند و اگر نه

تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت

برسیدی بدیشان مصیبتی بدانچه فرا پیش داشتند دستهای ایشان پس گویند ای پروردگار ما چرا نفرستادی

إلينا رسولا فنتبع آياتك ونكون من المؤمنين ۝ فلما جاءهم

بما رسولی را پس پیروی کردمانی نشانهای ترا و بودمانی از جملهٔ مؤمنان پس چون آمد بدیشان

الحق من عندنا قالوا لولا أوتي مثل ما أوتي موسى أولم يكفروا

پیغمبر باکتاب از نزد ما گفتند چرا نداده اند اورا مانند آنچه داده شد موسی را ای نه کافر شدند

بما أوتي موسى من قبل قالوا سحران تظاهرا وقالوا إنا بكل

بدانچه داده شد موسی را از پیش گفتند این دو جادو اند که ظاهر شد اند و گفتند که ما بهمه

كافرون ۝ قل فأتوا بكتاب من عند الله هو أهدى منهما

کافرانیم بگو پس بیاورید کتابی از نزدیک خدا که آن راه یابنده تر بود از آن هردو

أتبعه إن كنتم صادقين ۝ فإن لم يستجيبوا لك فاعلم أنما

تا پیروی کنیم آنرا اگر هستید شما راست گویان پس اگر پاسخ نکنند ترا پس بدان که

يتبعون أهواءهم ومن أضل ممن اتبع هواه بغير هدى

پیروی میکنند هواهای خودرا و کیست گمراه تر از آنکه پیروی کرد هوای نفس خودرا بی دانشی

من الله إن الله لا يهدي القوم الظالمين ۝ ولقد وصلنا لهم القول

از خدا بدرستی که خدا راه نماید گروه ستمکاران را و بدرستی که رسانیدیم مر ایشان را گفتار

لعلهم يتذكرون ۝ الذين آتيناهم الكتاب من

تا بود که ایشان پند گیرند آنها که بدادیم ما ایشانرا کتاب از

قبله هم به يؤمنون ۝ وإذا يتلى عليهم قالوا آمنا به إنه الحق

پیش آن ایشان بدان بگروندگانند و چون خوانده شود بر ایشان گویند بگرویدیم بدان بدرستی که آن حقست

من ربنا إنا كنا من قبله مسلمين ۝ أولئك يؤتون أجرهم

از پروردگار ما بدرستی که بودیم ما پیش از این منقادان آن گروه بدهند مزدهای ایشان

مرتين بما صبروا ويدرءون بالحسنة السيئة ومما رزقناهم

دو باره بدانچه صبر کردند و دفع کردند بنیکوئی بدی را و از آنچه روزی کردیم ما ایشانرا

ينفقون ۝ وإذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه وقالوا لنا أعمالنا

نفقت میکنند و چون شنوند ناسزا را برگردند ازان و گویند مارا علمهای ما

ولكم أعمالكم سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين

و مر شمارا است عملهای شما سلام بود وداع باد بر شما نمیخواهیم جاهلانرا یاری

إنك لا تهدي من أحببت ولكن الله يهدي من يشاء وهو

بدرستی که تو راه نتوانی نمود آنرا که دوست داری ولیکن خدا راه نماید آنرا که خواهد و او

أعلم بالمهتدين ۝ وقالوا إن نتبع الهدى معك نتخطف

داناترست براه یابندگان و گفتند اگر پیروی کنیم راه را با تو در ربایند مارا

من أرضنا أولم نمكن لهم حرما آمنا يجبى إليه ثمرات

از زمین ما ای نه تمکن کردانیدیم ما ایشانرا حرمی ایمن از غارت که اختیار کرده شود در آن میوهای

كل شيء رزقا من لدنا ولكن أكثرهم لا يعلمون ۝ وكم

هر چیزی روزی از نزدیک ما ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند و بسا

أهلكنا من قرية بطرت معيشتها فتلك مساكنهم لم

که هلاک کردیم از اهل دههای که ... عیش ایشان بود پس آینک مسکنهای ایشان

تسكن من بعدهم إلا قليلا وكنا نحن الوارثين

که ساکن نشده از پس ایشان مگر اندکی و بودیم ما میراث گیرندگان

وما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا يتلو

و نبود پروردگار تو هلاک کننده اهل دهها تا بفرستد در معظم ترین آنجا رسولی را تا خواند

عليهم آياتنا وما كنا مهلكي القرى إلا وأهلها ظالمون

بر ایشان نشانهای مارا و نبودیم ما هلاک کننده اهل شهرها مگر که اهل آنجا ستمکاران بودند

وما أوتيتم من شيء فمتاع الحيوة الدنيا وزينتها وما عند

وآنچه داده اند شمارا از چیزی پس برخورداری زندگانی دنیا و آرایش آن وآنچه نزد

الله خير وأبقى أفلا تعقلون أفمن وعدناه وعدا حسنا فهو

خدا است بهتر و باقی تر ای پس استعمال عقل نمیکنید ای پس انکه وعده دادیم اورا وعده نیکو پس او

لاقيه كمن متعناه متاع الحيوة الدنيا ثم هو يوم القيمة

رسنده بود بدان همچون آنکس بود که برخورداری داده باشیم برخورداری در زندگانی دنیا پس او روز قیامت

من المحضرين ويوم يناديهم فيقول أين شركائي الذين كنتم

از حاضر کردگان باشد در عذاب و روزی که برخواند ایشانرا پس گوید خدا که کجا اند انبازان من آنها که بودید

تزعمون قال الذين حق عليهم القول ربنا هؤلاء الذين أغوينا

دعوی کردید گویند آنها که واجب شد بر ایشان گفتار پروردگارا این گروه آنها اند که گمراه کردیم عذاب

أغويناهم كما غوينا تبرأنا إليك ما كانوا إيانا يعبدون

گمراه کردان ایشانرا همچنانک گمراه گردانیده شدیم بیزار شدیم ما بسوی تو بازآمدیم نبودند که مارا پرستند

وقيل ادعوا شركاءكم فدعوهم فلم يستجيبوا لهم ورأوا

و گویند ایشانرا برخوانید انبازان خودرا پس برخوانند ایشانرا پس پاسخ نکنند مر ایشانرا و ببینند

العذاب لو أنهم كانوا يهتدون ويوم يناديهم فيقول ماذا

عذابرا آرزو کنند کاشکی ایشان راه یافتگان بودندی و روزی که برخواند ایشانرا پس گوید خدا چه چیز

أجبتم المرسلين فعميت عليهم الأنباء يومئذ فهم

پاسخ کردید شما رسولانرا پس پوشیده شد بر ایشان خبرهای آن روز پس ایشان

لا يتساءلون فأما من تاب وآمن وعمل صالحا فعسى أن يكون

از هم نپرسند پس آنکه توبه کرد و بگروید و کارهای نیکو کرد پس شاید بود که باشد

من المفلحين وربك يخلق ما يشاء ويختار ما كان لهم

رستگاران و پروردگار تو می آفریند آنچه خواهد و برگزیند نبود مر ایشانرا

الخيرة سبحان الله وتعالى عما يشركون وربك يعلم

اختیاری پاک و منزه است خدا و برتر است از آنچه انباز او میدارند و پروردگار تو میداند

ما تكن صدورهم وما يعلنون وهو الله لا إله إلا هو

آنچه پنهان میکند سینهای ایشان وآنچه آشکارا میکنند و اوست خدا نیست خدایی مگر او

له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون

مراو است سپاس و ستایش در دنیا و در آخرت و مراو است حکم و با او بازگردانیده شوید

قل أرأيتم إن جعل الله عليكم الليل سرمدا إلى يوم القيامة من

بگو ای چه بینید شما اگر بکند خدا بر شما شب را همیشه تا روز قیامت کیست

إله غير الله يأتيكم بضياء أفلا تسمعون ۝ قل أرأيتم إن

خدائی جز از خدا که آورد بشما روشنی را ای پس نمی شنوید بگو ای چه بینید شما اگر

جعل الله عليكم النهار سرمدا إلى يوم القيامة من إله غير

بکند خدا بر شما روز را همیشه تا روز قیامت کیست خدای جز از

الله يأتيكم بليل تسكنون فيه أفلا تبصرون ۝ ومن

خدا که آورد بشما شب تا آرام گیرید در آن ای پس نمی بینید واز

رحمته جعل لكم الليل والنهار لتسكنوا فيه و

رحمت اوست که بدید کرد برای شما شب و روز را تا آرام گیرید در آن

لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون ۝ ويوم يناديهم

و تا بجویید از فضل او و تا بود که شما شکر کنید و روزی که بر خواند ایشان را

فيقول أين شركائي الذين كنتم تزعمون ۝ ونزعنا من

پس گوید خدا کجا اند شریکان من آنها که بودید شما دعوی میکردید و بیرون آوریم از

كل أمة شهيدا فقلنا هاتوا برهانكم فعلموا أن الحق

هر گروهی گواهی را پس گوییم بیاورید حجت خود را پس بدانند که حق

لله وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ إن قارون كان

مر خدا راست و گم شود از ایشان آنچه ایشان بر بافته باشند بدرستی که قارون بود

۱۰

من قوم موسى فبغى عليهم وآتيناه من الكنوز ما إن مفاتحه

از قوم موسی پس ستم کرد بر ایشان و بدادیم ما او را از گنجها آنچه کلیدهای آن

لتنوء بالعصبة أولي القوة إذ قال له قومه لا تفرح إن الله لا يحب

خداوندان قوت را چون گفتند او را قوم او شادی مکن بدرستی که خدا دوست ندارد

الفرحين ۝ وابتغ فيما آتاك الله الدار الآخرة ولا تنس نصيبك

شادی کنندگان را ۝ و بجوی در آنچه بداد ترا خدا سرای آخرت و فراموش مکن بهره خود را

من الدنيا وأحسن كما أحسن الله إليك ولا تبغ الفساد

از دنیا و نیکوئی کن همچنانک نیکوئی کرد خدا با تو و مجوی تباهی را

في الأرض إن الله لا يحب المفسدين ۝ قال إنما أوتيته على علم

در زمین بدرستی که خدا دوست ندارد تباهی کنندگان را گفت که بداده اند مرا بر دانشی

عندي أولم يعلم أن الله قد أهلك من قبله من القرون

که نزد منست ای نه دانست که خدا بدرستی که هلاک کرد پیش از او از گروهانی

من هو أشد منه قوة وأكثر جمعا ولا يسأل عن ذنوبهم

آنک او سخت تر بود از او بقوت و بیشتر بگرد کردن و نپرسند از گناهان ایشان

المجرمون ۝ فخرج على قومه في زينته قال الذين يريدون الحيوة

کافران پس بیرون آمد بر قوم خود در زینتی که او را بود گفتند آنها که میخواستند زندگانی

الدنيا يا ليت لنا مثل ما أوتي قارون إنه لذو حظ عظيم

دنیا را ای کاشکی ما را بود مانند آنچه بداده اند قارون را بدرستی که او خداوند بهره بزرگست

وقال الذين اوتوا العلم ويلكم ثواب الله خير لمن آمن
وگفتند آنها که بداده شد ایشانرا دانش وای برشما ثواب خدا بهتر مرانرا که بگروند
وعمل صالحا ولا يلقاها الا الصابرون ۝ فخسفنا به
وکارهای نیکو کرد ونرسند بدان مگر صبرکنندگان پس فروبردیم ما اورا
وبداره الارض فما كان له من فئة ينصرونه من دون
وسرای اورا بزمین پس نبودند مراورا هیچ گروهی که یاری کنند اورا از جز
الله وما كان من المنتصرين ۝ واصبح الذين تمنوا
خدا ونبود از جمله دادستانندگان وگشتند آنها که آرزو کردند
مكانه بالامس يقولون ويكان الله يبسط الرزق
جایگاه اورا دی روز میگفتند ای وای برتو خدا فراخ بگستراند روزی
لمن يشاء من عباده ويقدر لولا ان من الله علينا لخسف بنا
مرانرا که خواهد از بندگان خود وتنگ بازگیرد اگر نه آن بودی که منت نهادی خدا برما هرآینه فروبردی مارا
ويكانه لا يفلح الكافرون ۝ تلك الدار الآخرة نجعلها
وای برتو که آنست که رستگاری نیابند کافران آنست سرای آخرت بکنیم آنرا
للذين لا يريدون علوا في الارض ولا فسادا والعاقبة
برای آنها که نمیخواهند ازگشتگی در زمین ونه تباهی وعاقبت کار
للمتقين ۝ من جاء بالحسنة فله خير منها ومن جاء بالسيئة
مرپرهیزکارانرا بود هرکه آید بنیکوئی پس مراورا بود بهتر از آن وهرکه آید ببدی

فلا يجزى الذين عملوا السيئات الا ما كانوا يعملون ۝ ان
پس پاداشت داده نشوند آنها که کرده باشند بدیهارا مگر بدانچه ایشان کرده باشند بدرستی
الذي فرض عليك القرآن لرادك الى معاد ۝ قل ربي اعلم
که آن خدایی که فرو فرستاد بر تو قرآنرا هرآینه بازگرداننده است ترا بامدینه بگو پروردگار من داناتر
من جاء بالهدى ومن هو في ضلال مبين ۝ وما كنت
آنکه آمد باراه او وآنکه او در گمراهی روشن ونبودی تو
ترجوا ان يلقى اليك الكتاب الا رحمة من ربك فلا تكونن
که امید داری که انداخته شد بتو کتاب مگر رحمتی بود از پروردگار تو پس مباش
ظهيرا للكافرين ۝ ولا يصدنك عن آيات الله بعد اذ انزلت
هم پشت مرکافرانرا وبرمگرداناد ترا از نشانهای خدا پس از آنچه فرو فرستاده شد
اليك وادع الى ربك ولا تكونن من المشركين ۝ ولا تدع
بتو وبرخوان مردمانرا باراه پروردگار خود ومباش از جمله انباز آرندگان ومخوان
مع الله الها آخر لا اله الا هو كل شيء هالك الا وجهه له
با خدا خدایی دیگر نیست خدایی مگر او هرچیزی هلاک شونده است مگر ذات پاک او مر اوراست
الحكم واليه ترجعون
حکم وباجزا او بازگردانیده شوید

بسم الله الرحمن الرحيم

حزب

الم • اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُتْرَكُوا اَنْ يَقُولُوا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ
منم خدای گوییا آیا پندارند مردمان که ترک کرده شوند بانک میگویند بگرویدیم و ایشان را نیازمایند

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِينَ صَدَقُوا
و بدرستی که آزمودیم آنهارا که پیش ازیشان بودند پس برآینه جدا بازکند خدا آنهارا که راست گفتند

وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ • اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ
و برآینه جدا بازکند دروغ گویانرا یا نه که پنداشتند آنها که کردند بدیهارا

اَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ • مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ
که پیشی گیرند بر ما بدست آنچه حکم میکنند هرکه هست امید میدارد بازدیدن

اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَاٰتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ • وَمَنْ جَاهَدَ
خدا را پس بدرستی که وعده خدا برآینه آینده است و اوست شنوای دانا و هرکه جهاد کند

فَاِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ اِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ • وَالَّذِينَ
پس بدرستی که سود جهاد کردن مر تن ورا بود بدرستی که خدا برآینه بی نیازست از عالمیان وآنها

اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
که بگرویدند و کردند کارهای نیکو برآینه باز پوشانیم ازیشان بدیهای ایشانرا

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ • وَوَصَّيْنَا
و برآینه پاداشت دهیم ایشانرا نیکوتر آنچه ایشان کرده باشند و فرمودیم ما

الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَاِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ
آدمی را با مادر و پدر خود نیکوی کردن و اگر خصومت کنند با تو تا انباز فرادانی بمن آنچه نیست ترا

۹

بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
بدان هیچ دانشی پس فرمان مبر ایشانرا با منست بازگشت شما پس آگاه کنم شمارا بدانچه شما

تَعْمَلُونَ • وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي
کرده باشید وآنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند برآینه درآوریم ایشانرا در زمره

الصَّالِحِينَ • وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ فَاِذَا اُوذِيَ فِي اللّٰهِ
نیکوکاران واز مردمان کس هست که میگوید بگرویدیم ما بخدا پس چون رنجانیده شود در راه خدا

جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللّٰهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ
بکند آزمایش مردمانرا همچون عذاب خدا و برآینه اگر آید نصرتی از پروردگار تو

لَيَقُولُنَّ اِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ اَوَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ
برآینه گویند که ما بودیم با شما ای نیست خدا داناتر بدانچه در سینهای

الْعَالَمِينَ • وَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ
جهانیانست و برآینه جدا بازکند خدا آنهارا که بگرویدند و برآینه جدا بازکند منافقانرا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ
و گفتند آنها که کافر شدند مر آنهارا که بگرویده بودند پیروی کنید راه مارا و تا برداریم گناهان شمارا

وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ اِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
و نباشند ایشان بردارندگان از بارهای گناهان ایشان هیچ چیزی بدرستی که ایشان دروغ گویانند

وَلَيَحْمِلُنَّ اَثْقَالَهُمْ وَاَثْقَالًا مَعَ اَثْقَالِهِمْ وَلَيُسْئَلُنَّ
و برآینه بردارند بارهای گناهان خودرا و گرانیهای با گرانیهای خود و برآینه بازپرسند

يوم القيمة عما كانوا يفترون • ولقد ارسلنا نوحا

روز قيامت آنچه ايشان بر بافته باشند بدرستی که بفرستاديم ما نوح را

الى قومه فلبث فيهم الف سنة الا خمسين عاما فاخذهم الطوفان

سوى قوم او پس درنگ کرد در ميان ايشان هزار سال مگر پنجاه سال پس بگرفت ايشان را طوفان

وهم ظالمون • فانجيناه واصحاب السفينة وجعلناها اية

و ايشان ستمکاران بودند پس برهانيديم ما او را و اصحاب کشتی را و بکرديم ما آن را نشانی

للعالمين • وابرهيم اذ قال لقومه اعبدوا الله واتقوه ذلكم

مر عالميان را و ياد کن ابرهيم را چون گفت مر قوم خود را که بپرستيد خدا را و بترسيد از او آن تان

خير لكم ان كنتم تعلمون • انما تعبدون من دون الله اوثانا

بهتر بود مر شما را اگر هستيد شما ميدانيد بدرستی که آنچه می پرستيد از جز خدا بتانی اند

وتخلقون افكا ان الذين تعبدون من دون الله لا يملكون

و می بافند دروغی را بدرستی که آنها که می پرستند از جز خدای قادر نباشند

لكم رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشكروا له

مر شما را روزی پس بجوييد نزد خدا روزی را و بپرستيد او را و شکر گوييد مر او را

اليه ترجعون • وان تكذبوا فقد كذب امم من قبلكم

با جزای او بازگردانيده شويد و اگر بدروغ داريد پس بدرستی که بدروغ داشتند گروهانی که پيش از شما بودند

وما على الرسول الا البلاغ المبين • اولم يروا كيف يبدئ الله

و نيست بر رسول مگر رسانيدنی روشن ای نديدند که چگونه بانشا بيافريد خدا

الخلق ثم يعيده ان ذلك على الله يسير • قل سيروا في الارض

خلق را پس باز آفريند آن را بدرستی که آن بر خدا آسان

فانظروا كيف بدأ الخلق ثم الله ينشئ النشاة الاخرة

پس بنگريد که چگونه بانشا بيافريد خلق را پس همان خدا باز آفريند

ان الله على كل شيء قدير • يعذب من يشاء ويرحم من يشاء

بدرستی که خدا بر همه چيزی تواناست عذاب کند هر کرا خواهد و رحمت کند آن را که خواهد

واليه تقلبون • وما انتم بمعجزين في الارض ولا في السماء

و با جزای او بازگردانيده شويد و نيستيد شما عاجز شونده گريزندگان در زمين و نه در آسمان

وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير • والذين كفروا بايات الله

و نيست مر شما را از جز خدا هيچ دوستی و نه ياری کنی و آنها که کافر شدند بنشانهای خدا

ولقائه اولئك يئسوا من رحمتي واولئك لهم عذاب اليم •

و بباز رسيدن با او آن نوميد اند از رحمت من و آن گروه مر ايشان راست عذابی دردناک

فما كان جواب قومه الا ان قالوا اقتلوه او حرقوه فانجيه

پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بکشيد او را يا بسوزانيد او را پس برهانيد او را

الله من النار ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون • وقال انما

خدا از آتش بدرستی که در آن هر آينه نشانهاست مر گروهی را که بگروند و گفت بدرستی که آنچه

اتخذتم من دون الله اوثانا مودة بينكم في الحيوة الدنيا

فرا گرفتيد شما از جز خدا بتانی اند دوستان ميان شما در زندگانی دنيا

ثم يوم القيامة يكفر بعضكم ببعض ويلعن بعضكم بعضا
پس روز قیامت کافر شوید بعضی شما ببعضی ولعنت کنید بعضی شما بعضی را
ومأواكم النار وما لكم من ناصرين ۞ فآمن له لوط
وجایگاه شما آتش بود و نبود شما را هیچ یاری کننده پس راست داشت اورا لوط
وقال إني مهاجر إلى ربي إنه هو العزيز الحكيم ۞ ووهبنا له
وگفت که من هجرت کننده ام با پروردگار خود بدرستی که اوست غالب محکم کار وبخشیدیم ما اورا
إسحق ويعقوب وجعلنا في ذريته النبوة والكتاب
اسحق را ویعقوب را و پیدا کردیم ما در میان فرزندان او پیغمبری وکتاب
وآتيناه أجره في الدنيا وإنه في الآخرة لمن الصالحين ۞ و
وبدادیم ما اورا مزد او در دنیا وبدرستی که او در آخرت هرآینه از جمله نیکوکاران بود
لوطا إذ قال لقومه إنكم لتأتون الفاحشة ما سبقكم
وياد كن لوط را چون گفت مر قوم خودرا ای شما هرآینه می آیید بناشایستی که پیشی نگرفت بر شما
بها من أحد من العالمين ۞ أئنكم لتأتون الرجال و
بدان هیچ یکی از عالمیان ای شما هرآینه می آیید بمردان بشهوت
تقطعون السبيل وتأتون في ناديكم المنكر فما كان
وميبريد راه زدن و می آیید در میان انجمن شما ناشایست پس نبود
جواب قومه إلا أن قالوا ائتنا بعذاب الله إن كنت من
جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیار بما عذاب خدا را اگر هستی تو از جمله

الصادقين ۞ قال رب انصرني على القوم المفسدين ۞ ولما جاءت
راست گویان گفت ای پروردگار من یاری ده مرا بر گروه تباهی کنندگان وچون آمدند
رسلنا إبراهيم بالبشرى قالوا إنا مهلكوا أهل هذه القرية
رسولان ما بابرهیم ببشارت گفتند که ما هلاک کننده ایم اهل این دیه را
إن أهلها كانوا ظالمين ۞ قال إن فيها لوطا قالوا نحن
بدرستی که اهل آن هستند ستمکاران گفت بدرستی که در آنجا لوط هست گفتند ما
أعلم بمن فيها لننجينه وأهله إلا امرأته كانت من
داناتریم بدانکه در آنجاست هرآینه برهانیم اورا واهل اورا مگر زن اورا که بود از جمله
الغابرين ۞ ولما أن جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق
هالکان وچون آمدند رسولان ما بلوط بد آمد ایشانرا وتنگ شد
بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن إنا منجوك وأهلك
ودرماند بدیشان وگفتند مترس واندوه مخور بدرستی که ما رهاننده ایم ترا واهل ترا
إلا امرأتك كانت من الغابرين ۞ إنا منزلون على أهل هذه
مگر زن تو که هست از جمله هالکان بدرستی که ما فرو فرستنده ایم بر اهل این
القرية رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ۞ ولقد
دیه خواری از آسمان بسبب آنچه ایشان تباهی کردند و بدرستی
تركنا منها آية بينة لقوم يعقلون ۞ وإلى مدين أخاهم
که بگذاشتیم ما از آنها نشانی روشن مر گروهی که در یابند وبفرستادیم ما بقوم شعیب برادر ایشانرا

شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْثَوْا
شعیب پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را وامید دارید بروز آخرت و مشتابید
فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا
در زمین تباهی کنندگان پس دروغ داشتند اورا پس گرفت ایشانرا زلزله پس گشتند
فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ۝ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ
در سرایهای خود مردگان و یادکن هود را و صالح را و بدرستی که روشن شد مرشما را از
مَسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ
مسکنهای ایشان و بیارایت مر ایشانرا دیو عملهای ایشان پس برگردانید ایشانرا از
السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ۝ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ
راه و بودند بیننده بینان و یادکن قارون و فرعون و هامان را
وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ
و بدرستی که آمد بدیشان موسی بمعجزات پس گردنکشی کردند در زمین
وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ۝ فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ
و نبودند پیشی گیرندگان بعجز ما پس همه را بگرفتیم ما بسبب گناهان ایشان پس از ایشان بود
مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ
آنکه بفرستادیم ما بر او سنگباران و از ایشان کسی بود که بگرفت اورا بانگی هایل
وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ
و از ایشان بود آنکه فرو بردیم ما اورا بزمین و از ایشان کس بود که غرق کردیم ما اورا

اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ مَثَلُ
خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند بر تنهای خود ستم میکردند مثل
الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ
آنها که فرا گرفتند از جز خدا دوستانی همچون مثل عنکبوتست که فرا گرفت
بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ
خانه از نسج خود و بدرستی که سست ترین خانها خانه عنکبوتست اگر ایشان بدانید
إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
بدرستی که خدا میداند آنچه میخوانند از جز او از چیزی و اوست غالب محکم کار
وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۝ خَلَقَ
و آن مثلها که میزنیم آنرا برای مردمان و درنیابند آنرا مگر دانایان آفرید
اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ اتْلُ
خدا آسمانها و زمین را بحق بدرستی که در آن هر آینه نشانیست مومنانرا بخوان
مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ
آنچه وحی کرده میشود بتو از قرآن و بپای دار نماز را بدرستی که نماز بازدارد از
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
ناشایست و منکر و هر آینه یاد کرد خدا بزرگتر و خدا میداند
مَا تَصْنَعُونَ ۝ وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
آنچه میکنید و خصومت مکنید با اهل کتاب مگر بطریقی که آن نیکوترست

الجزو ٢١

الا الذين ظلموا منهم وقولوا آمنا بالذي انزل الينا وانزل اليكم
مگر آنها که ستم کردند از ایشان و بگویید بگرویدیم بدانچه فرو فرستاده شد بما و فرو فرستاده شد بشما

والهنا والهكم واحد ونحن له مسلمون ۝ وكذلك انزلنا
و خدای ما و خدای شما یکیست و ما مر او را منقادانیم و همچنین فرو فرستادیم

اليك الكتاب فالذين آتيناهم الكتاب يؤمنون به
بتو قرآن را پس آنها که بدادیم ما ایشان را کتاب بگروند بدان

ومن هؤلاء من يؤمن به وما يجحد بآياتنا الا الكافرون
و از این گروه کس هست که بگرود بدان و انکار نمیکند نشانهای ما مگر کافران

وما كنت تتلو من قبله من كتاب ولا تخطه
و نبودی تو که خوانی پیش از نزول قرآن هیچ کتابی و نتوانی نوشت آن را

بيمينك اذا لارتاب المبطلون ۝ بل هو آيات بينات في
بدست راست خود که آنگاه بشک شدندی باطل کاران بلکه این قرآن آیاتی اند روشن در

صدور الذين اوتوا العلم وما يجحد بآياتنا الا الظالمون
سینهای آنها که بداده شد ایشان را دانش و انکار نکنند نشانهای ما مگر ستمکاران

وقالوا لولا انزل عليه آيات من ربه قل انما الآيات عند الله
و گفتند چرا فرو نفرستادند بر او نشانها از پروردگار او بگو بدرستی که نشانها نزدیک خداست

وانما انا نذير مبين ۝ اولم يكفهم انا انزلنا عليك
و بدرستی که من بیم کننده روشنم آیا کفایت نیست ایشان را که فرو فرستادیم ما بر تو

الكتاب يتلى عليهم ان في ذلك لرحمة وذكرى لقوم
کتاب را که میخوانند بریشان بدرستی که در آن رحمتیست و پندی مر گروهی را

يؤمنون ۝ قل كفى بالله بيني وبينكم شهيدا يعلم ما في
که گروند بگو بس است خدا میان من و میان شما گواهی میداند آنچه در

السماوات والارض والذين آمنوا بالباطل وكفروا بالله اولئك
آسمانهاست و زمین و آنها که بگرویدند [illegible] و کافر شدند بخدا آن گروه

هم الخاسرون ۝ ويستعجلونك بالعذاب ولولا اجل مسمى
ایشانند زیانکاران و بشتاب میخواهند از تو عذاب را و اگر نه اجلی بودی نام نهاده

لجاءهم العذاب وليأتينهم بغتة وهم لا يشعرون
هر آینه آمدی بدیشان عذاب و هر آینه آمدی بدیشان ناگاه و ایشان ندانستندی

يستعجلونك بالعذاب وان جهنم لمحيطة بالكافرين
بشتاب میخواهند از تو عذاب و بدرستی که دوزخ گرد در آینده است کافران را

يوم يغشاهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم ويقول
روزی که آید بپوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و از زیر پایهای ایشان و گوید خدا

ذوقوا ما كنتم تعملون ۝ يا عبادي الذين آمنوا ان ارضي واسعة
بچشید جزای آنچه بودید شما میکردید ای بندگان من آنها که بگرویده اید زمین من فراخست

فاياي فاعبدون ۝ كل نفس ذائقة الموت ثم الينا ترجعون
پس مرا پرستید هر تنی چشنده مرگست پس با ما باز گردانیده شوید

۱۰

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي

وآنها که بگرویدند وکارهای نیکو کردند هرآینه جای دهیم ایشانرا از بهشت غرفهای که رود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ • الَّذِينَ

از زیر درختهای آن جویهاروان همیشه باشند درآنجا نیکو بود مزد کارکنندگان آنها

صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ • وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ

که صبر کردند وبر پروردگار خود توکل کردند وبسا از جنبنده که طاقت برداشتن

رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ • وَلَئِنْ

روزی خودرا خدا روزی میدهد آنهارا وشمارا واوست شنوا ودانا وهرآینه اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

پرسی تو ازیشان که که آفرید آسمانها وزمین ومسخر کرد آفتاب را وماه را

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ • اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

هرآینه گویند که خدا پس چگونه برگردانیده میشوند از حق خدا فراخ بگستراند روزی مرآنرا که خواهد

مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ • وَلَئِنْ

از بندگان خود وتنگ باز کرد مرآنرا بدرستی که خدا بهمه چیزی داناست وهرآینه اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ

پرسی تو ازیشان که که فرو فرستاد از آسمان آبی پس زنده گرداند بدان زمین را پس از

مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

مرگ آن هرآینه گویند که خدا بگو سپاس مر خدایرا بلکه بیشترین ایشان درنمی یابند

۱۰

وَمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ

ونیست این زندگانی دنیا مگر نازوجای وبازی وبدرستی که سرای آخرت آنست محل جاویدی

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ • فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

اگر بدانستندی پس چون درنشینند در کشتی برخوانند خدا را خالص کنندگان مر او را دین

فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ • لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ

پس چون برهاند ایشانرا با خشکی آنگه ایشان انباز فرا دارند تا کافر شوند بدانچه بدادیم ما ایشانرا

وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ • أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا

وتا برخورداری گیرند دردین دنیا پس زود بدانند ای ندیدند که بدید کردیم ما مقامی باحرمت وایمن از غارت

وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ

و ربوده میشوند مردمان از پیرامون ایشان ای پس بباطل میگروند وبنعمت خدا

يَكْفُرُونَ • وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ

کافر میشوند وکیست ستمکارتر از آنک بربافت بر خدا دروغ را یا بدروغ داشت حق را قرآنرا

لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ • وَالَّذِينَ جَاهَدُوا

چون آمد بدو ای نیست در دوزخ جایگاه مر کافرانرا وآنها که جهاد کردند

فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ •

در راه ما هرآینه راه نماییم ایشانرا بارهای ها وبدرستی که خدا با نیکوکارانست

سورة الروم ستون ایه وهی مکیة

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ۝ غلبت الروم في أدنى الأرض وهم من بعد غلبهم سيغلبون
غلبه کرده شوند اهل روم در اقرب زمین عرب واهل روم از پس غلبه کردن ایشان زود غالب آیند
في بضع سنين ۝ لله الأمر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح
در چند سال تا نه سال مرخدایراست فرمان حکم از پیش آن قتال واز پس وامروز که روم غالب آیند شاد شوند
المؤمنون ۝ بنصر الله ينصر من يشاء وهو العزيز الرحيم
مؤمنان بنصرت خدا یاری کند آنرا که خواهد واو غالب مهربانست
وعد الله لا يخلف الله وعده ولكن أكثر الناس لا يعلمون
بوعده خدا خلاف نکند خدا وعده خودرا ولیکن بیشترین مردمان نمیدانند
يعلمون ظاهرا من الحياة الدنيا وهم عن الآخرة هم
میدانند ظاهری از زندگانی این دنیا وایشان از آخرت ایشان
غافلون ۝ أولم يتفكروا في أنفسهم ما خلق الله السماوات
غافلانند ای اندیشه نکردند در تنهای خود که نیافرید خدا آسمانها
والأرض وما بينهما إلا بالحق وأجل مسمى وإن كثيرا من
وزمین را وآنچه میان آن هردواست مگر بحق وتا اجلی نام نهاده وبدرستی که بسیاری از
الناس بلقاء ربهم لكافرون ۝ أولم يسيروا في الأرض
مردمان بدیدار وعده پروردگار خود هرآینه کافرانند ای نرفتند در زمین

فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا
پس نگرند که چگونه بود عاقبت آنها که پیش از ایشان بودند
أشد منهم قوة وأثاروا الأرض وعمروها أكثر مما عمروها
سخت تر از ایشان بقوت وکشت کردن در زمین وزندگانی یافتند بیشتر از آنچه زندگانی یافتند ایشان
وجاءتهم رسلهم بالبينات فما كان الله ليظلمهم ولكن
وآمدند بدیشان رسولان ایشان بحجتها پس نخواست خدا که ستم کند ایشانرا ولیکن
كانوا أنفسهم يظلمون ۝ ثم كان عاقبة الذين أساؤوا
بودند بر تنهای خود ستم کردند پس بود عاقبت آنها که بدی کردند
السوأى أن كذبوا بآيات الله وكانوا بها يستهزئون
بدی بد که بدروغ داشتند نشانهای خدارا وبودند آنرا استهزا میکردند
الله يبدأ الخلق ثم يعيده ثم إليه ترجعون ۝ ويوم تقوم
خدا ابتدا بیافریند خلق را پس بازآفریند آنرا پس با جزا او بازگردانیده شوید وروزی که برخیزد
الساعة يبلس المجرمون ۝ ولم يكن لهم من شركائهم شفعاء
قیامت متحیر ونومید شوند کافران ونبود مرایشانرا هیچ انبازانی که شفاعت کنند ایشانرا
وكانوا بشركائهم كافرين ۝ ويوم تقوم الساعة يومئذ
وباشند بانبازان خود کافران وروزی که برخیزد قیامت آن روز
يتفرقون ۝ فأما الذين آمنوا وعملوا الصالحات فهم في روضة
جدا شوند مؤمنان از کافران پس آنها که گرویدند وکارهای نیکو کردند پس ایشان در روضهای بهشت

يُحْبَرُونَ ۞ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ

شادان باشند واما انها که کافر شدند ودروغ داشتند نشانهای ما را وباز رسیدن باخرت

فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ۞ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ

پس آن گروه در عذاب حاضر کردگان باشند پس پاکی مر خدای را هنگامی که شبانگاه بکنید

وَحِينَ تُصْبِحُونَ ۞ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا

وهنگامی که بامداد بکنید ومراوراست ستایش در آسمانها وزمین ومراوراست شبانگاه

وَحِينَ تُظْهِرُونَ ۞ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ

وهنگامی که در نماز پیشین در آیید بیرون می آورد زنده را از مرده وبیرون می آورد مرده را از

الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۞ وَمِنْ

زنده وزنده بکند زمین را پس از مرگ آن وهمچنین بود بیرون آمدن از گور واز

آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

نشانهای اوست که آفرید شما را از خاک پس آنگه شما آدمیان اید پراکنده میشوید

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

واز نشانهای اوست که آفرید شما را از تنهای شما جفتانی را تا آرام گیرید بانها

وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ

وبنهاد میان شما دوستی ورحمتی بدرستی که در آن هرآینه نشانهاست مر گروهی را

يَتَفَكَّرُونَ ۞ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ

که اندیشه کنند واز نشانهای اوست آفریدن آسمانها وزمین واختلاف

فسبحان الله حين تمسون آيت كريمه سين
تخرجون وارنجه بركمه بر كوره
اوقه اول كون وردني
قضا ايتمش اولور تنفيرقاضي
بو آيت كريمه نك آخرنده
بو ليجه يازمشدر
قضادن مافات
ايتمش اولور
ديو سوز ...
...

أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ

زبانهای شما ورنگهای شما بدرستی که در آن هرآینه نشانهاست مر جهانیان را

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ

واز نشانهای اوست خواب شما بشب وبروز وجستن شما معاش را از فضل او

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۞ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ

بدرستی که در آن هرآینه نشانهاست مر گروهی را که بشنوند واز نشانهای او که بنماید شما را آتش

خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

ترسان وطمع داران وفرو میفرستد از آسمان آبی پس زنده میکند بدان زمین را پس از مرگ او

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۞ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ

بدرستی که در آن هرآینه نشانهاست مر گروهی را که دریابند واز نشانهای اوست که ایستاده است

السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا

آسمان وزمین بفرمان او پس چون بخواند شما را خواندنی از زمین انگه

أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ۞ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ

شما بیرون آیندگان باشید از گورها ومراوراست آنکه در آسمانهاست وزمین همه مراورا

قَانِتُونَ ۞ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ

فرمان برداران واوست آن خدایی که بابتدا بیافرید خلق را پس باز آفریند آنرا وان کار اعادت آسانتر است بروی

حزب

وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ومراوراست مثل ووصف بالاتر در آسمانها وزمین واوست غالب حکم کار

ضرب لكم مثلا من انفسكم هل لكم من ما ملكت ايمانكم

بديد كرد براى شما مثلى را از تنهاى شما ايا هست مر شمارا ازانچه قادر باشند دستهاى شما

من شركاء فيما رزقناكم فانتم فيه سواء تخافونهم

از انبازانى درانچه روزى كرديم ما شمارا پس شما درآن برابر مى ترسيد ازايشان

كخيفتكم انفسكم كذلك نفصل الايات لقوم يعقلون

همچون ترسيدن شما مر اهالى تنهاى شمارا همچنين ميگوييم نشانهارا براى گروهى كه دريابند

بل اتبع الذين ظلموا اهواءهم بغير علم فمن يهدي من اضل

بلكه پيروى كردند آنها كه ستم كردند هواهاى خودرا بى دانشى پس كيست كه راه نمايد

الله وما لهم من ناصرين فاقم وجهك للدين حنيفا

ونبود مر ايشانرا هيچ يارى كننده پس متوجه گردان قصد خودرا براى دين اسلام مائل از باطل بحق

فطرت الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك

لازم باشيد آفرينش خدارا آن دينى كه بيافريد مردمانرا بران بدل كننده نيست مر آفرينش خدارا آن

الدين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون منيبين

دين راست درست حال آنكه بازگشت كنندگان باشند

اليه واتقوه واقيموا الصلوة ولا تكونوا من المشركين من الذين

بطاعت خدا و بترسيد ازو و بپاى داريد نمازرا و مباشيد از جملهٔ انبازآرندگان ازانها

فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون

كه جدا كردند دين خودرا و بودند گروهان هر گروهى بانچه نزديك ايشانست شادانند

واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منيبين اليه ثم اذا اذاقهم

وچون برسد مردمانرا بدى بخوانند پروردگار خودرا حال آنكه راجع باشند بطاعت او پس چون درچشانيم ايشانرا

منه رحمة اذا فريق منهم بربهم يشركون ليكفروا بما

از قبل خود رحمتى آنگه گروهى ازايشان بپروردگار خود انباز آورند تا كافر شوند بدانچه

آتيناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ام انزلنا عليهم سلطانا

بداديم ما ايشانرا پس برخوردارى گيريد پس زود بدانيد يا فرو فرستاديم برايشان حجتى

فهو يتكلم بما كانوا به يشركون واذا اذقنا الناس رحمة

پس آن سخن ميكند بدانچه ايشان بدان انباز ميآرند وچون درچشانيم مردمانرا رحمتى

فرحوا بها وان تصبهم سيئة بما قدمت ايديهم اذا هم

شاد شوند بدان واگر برسد بديشان بدى بدانچه فراپيش داشتند دستهاى ايشان آنگه ايشان

يقنطون اولم يروا ان الله يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر

نوميدان باشند اى نديدند كه خدا فراخ بگستراند روزى مرآنرا كه خواهد وتنگ ميكند

ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون فات ذا القربى حقه والمسكين

بدرستى كه درآن هرآينه نشانهاست مر گروهى را كه بگروند پس بده خداوند خويشى را حق او و بيچاره را

وابن السبيل ذلك خير للذين يريدون وجه الله فاولئك هم

ودرماندهٔ راه را آن بهتر مرآنهارا كه ميخواهند رضاى خدارا پس آن گروه ايشان

المفلحون وما اتيتم من ربا ليربوا في اموال الناس فلا يربوا

رستگارانند وانچه بدهيد شما از افزونى مال تا افزايد در مالهاى مردمان پس نيفزايد

عند الله

عِندَ اللّٰهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَوٰةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللّٰهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ
نزدیک خدا آنچه بدهید شما از حق مال میخواهید رضای خدا را پس آن گروه ایشانند
الْمُضْعِفُونَ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ
دو چندان کنندگان معبود بسزا آنست که آفرید شما را پس روزی داد شما را پس بمیراند شما را پس زنده کند شما را
هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذٰلِكُم مِّن شَيْءٍ سُبْحَانَهُ
ای هیچ هست از انبازان شما آنکه بکند از آن هیچ چیزی پاکی مر اوراست
وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
و برتر است از آنچه مشرکان میگویند پیدا شد انواع تباهی در خشکی و تری بدانچه اندوختند
أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
دستهای مردمان تا در چشاند ایشانرا بعضی آنچه ایشان کرده باشند تا بود که ایشان بازگردند
قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
بگو بروید در زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت آنها
مِن قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُم مُّشْرِكِينَ فَأَقِمْ وَجْهَكَ
که پیش بودند بودند بیشترین ایشان انبازآورندگان پس راست کن روی خود
لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللّٰهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ
مر دین راست را از پیش آنکه آید روزی که هیچ بازگرداننده نبود مر آنرا از حکم خدا آن روز متفرق شوند بعضی
مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ
هرکه کافر شود پس بر وبود زیان کفر او و هرکه کند کاری نیکو پس تنهای خود را آماده کردند

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِن فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ
تا پاداش دهد آنانرا که بگرویدند از فضل خود بدرستی که خدا دوست ندارد کافرانرا
وَمِنْ آيَاتِهِ أَن يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحْمَتِهِ
و از نشانهای اوست که میفرستند بادها را بشارت دهنده و تا بچشاند شما را از رحمت خود
وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ
و میرود کشتی بفرمان او و تا بجوئید از فضل او و تا بود که شما شکر کنید
وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُم بِالْبَيِّنَاتِ
و بدرستی که فرستادیم پیش از تو رسولانرا بقوم ایشان پس آمدند بدیشان بمعجزات
فَانتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ
پس کینه باز خواستیم از آنها که کافر شدند و هست واجب بر ما یاری کردن
اللّٰهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ
خدا آن خدائیست که میفرستد بادها را پس برمی انگیزاند آن بادها ابر را پس فراخ بگستراند آنرا در آسمان چنانکه
يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا
خواهد و میکند آنرا پاره پاره پس می بینی تو باران را که بیرون آید از میان آن پس آنگه
أَصَابَ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ وَإِن كَانُوا
برسد آن ابر آنرا که خواهد از بندگان خود آنگه ایشان شادی کنند و بدرستی که بودند
مِن قَبْلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيْهِم مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللّٰهِ
از پیش آنکه فرو فرستاده شد بر ایشان از پیش آن از نومیدان پس بنگر بآثار رحمت خدا

كيف يحيي الأرض بعد موتها إن ذلك لمحيي الموتى وهو على كل

که چگونه زنده میکند زمین را پس از مرگ آن بدرستی که آن چنان بود زنده گرداننده مردگان و او بر

شيء قدير ولئن أرسلنا ريحا فرأوه مصفرا لظلوا من بعده

چیزی تواناست و هر آینه اگر بفرستادیمی بادی را پس دیدندی آنرا زرد هر آینه گشتندی از پس آن

يكفرون فإنك لا تسمع الموتى ولا تسمع الصم الدعاء إذا ولوا

کافران پس بدرستی که تو نتوانی شنوانید مردگان را و نتوانی شنوانید کران را خواندن چون برگردند

مدبرين وما أنت بهادي العمي عن ضلالتهم إن تسمع إلا

پشت برگردانندگان و نیستی تو راه نماینده کوران را از گمراهی ایشان نتوانی شنوانید مگر

من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون الله الذي خلقكم من

آنرا که بگرود بنشانهای ما پس ایشان منقاد اند خدا آن خدایست که آفرید شما را از

ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوة ثم جعل من بعد قوة

ضعیفی که حالت طفولیت است پس بگرد از پس ضعیفی قوتی پس بگرد از پس قوت

ضعفا وشيبة يخلق ما يشاء وهو العليم القدير و

ضعیفی و پیری می آفریند آنچه خواهد و اوست دانای توانا و

يوم تقوم الساعة يقسم المجرمون ما لبثوا غير ساعة كذلك

روزی که برخیزد قیامت سوگند خورند کافران که درنگ نکردند جز ساعتی همچنین

كانوا يؤفكون وقال الذين أوتوا العلم والإيمان لقد

بودند که مصروف شدند از حق و گویند آنها که بداده شد ایشانرا دانش و ایمان بدرستی

لبثتم في كتاب الله إلى يوم البعث فهذا يوم البعث و

که درنگ کردید شما در حکم و قضای خدا تا روز برانگیختن پس اینست روز برانگیختن

لكنكم كنتم لا تعلمون فيومئذ لا ينفع الذين

و لیکن شما بودید نمیدانستید پس آن روز سود نکند آنهارا

ظلموا معذرتهم ولا هم يستعتبون ولقد ضربنا للناس

که ستم کردند عذر خواستن ایشان و نه ایشانرا پرسش قبول کنند و بدرستی که بیان کردیم برای مردمان

في هذا القرآن من كل مثل ولئن جئتهم بآية ليقولن

در این قرآن از هر مثلی و هر آینه اگر آوری بدیشان نشانی هر آینه گویند

الذين كفروا إن أنتم إلا مبطلون كذلك يطبع الله على

آنها که کافر شدند نیستید شما مگر باطل کاران همچنین مهر نهد خدا بر

قلوب الذين لا يعلمون فاصبر إن وعد الله حق ولا يستخفنك

دلهای آنها که نمیدانند پس صبر کن که وعده خدا حقست و سبک بر مدار ترا کفار

الذين لا يوقنون

سورة لقمن أربع وثلثون آية

آنها که یقین نمیشوند

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای که بخشنده مهربانم

الم تلك آيات الكتاب الحكيم هدى ورحمة للمحسنين

این نشانهای کتابی با حکمتست راهی و رحمتی نیکوکارانرا

الذين يقيمون الصلوة ويؤتون الزكوة وهم بالاخرة هم يوقنون

آنها كه بپاى ميدارند نمازرا وميدهند زكاترا وايشان بسراى آخرت ايشان بيقين شوندگانند

اولئك على هدى من ربهم واولئك هم المفلحون ومن

آن گروه بر راهى اند از پروردگار خود وآن گروه ايشان رستگارند واز

الناس من يشترى لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم

مردمان كسيست كه بدل ميكند بقرآن الباطل الحق را تا بر گرداند مردمانرا از راه خدا بناحق ونادانى

ويتخذها هزوا اولئك لهم عذاب مهين واذا تتلى عليه

وفرا گيرد آنرا باستهزا آن گروه مرايشانراست عذابى خوار كننده وچون خوانده برو

اياتنا ولى مستكبرا كان لم يسمعها كان فى اذنيه

نشانهاى ما را برگردد گردنكشنده گويا كه نشنوده است آنرا گويا كه در گوشهاى او

وقرا فبشره بعذاب اليم ان الذين امنوا وعملوا الصالحات

گرانى است پس بشارت ده اورا بعذابى دردناك بدرستى آنها كه گرويدند وكارهاى نيكو كردند

لهم جنات النعيم خالدين فيها وعد الله حقا وهو العزيز

مرايشانراست بستانهاى پر نعمت هميشه باشند درآنجا وعدهٔ خدا حق است واوست غالب

الحكيم خلق السموات بغير عمد ترونها والقى فى الارض

محكم كار آفريد آسمانها را بى ستونى كه مى بينيد آنرا وانداخت در زمين

رواسى ان تميد بكم وبث فيها من كل دابة وانزلنا

كوههاى بلند را تا نجنباند شمارا وپراكند در آنجا از هر جنبنده وفرو فرستاديم

من السماء ماء فانبتنا فيها من كل زوج كريم هذا

از آسمان آبى پس برويانيديم ما در آنجا از هر صنفى نيكو اينست

خلق الله فارونى ماذا خلق الذين من دونه بل الظالمون فى

آفريدن خدا پس باز نمائيد كه چه چيز آفريده اند آنها كه از جز او اند بلكه ستمكاران در

ضلال مبين ولقد اتينا لقمان الحكمة ان اشكر لله

نصف

گمراهى روشن اند وبدرستى كه داديم ما لقمانرا حكمت بانكه شكر كن خدارا

ومن يشكر فانما يشكر لنفسه ومن كفر فان الله غنى حميد

وهركه شكر كند پس سود شكر كردن مرتن اورا بود وهركه كافر شود پس خدا بى نياز ستوده است

واذ قال لقمان لابنه وهو يعظه يا بنى لا تشرك بالله ان

وچون گفت لقمان مر پسر خودرا واو پند ميداد اورا كه اى پسرك من انباز فرا مدار بخدا بدرستى

الشرك لظلم عظيم ووصينا الانسان بوالديه حملته

كه انباز داشتن ظلمتى بزرگست وفرموديم آدمى را بتعهد مادر وپدر خود برداشت اورا

امه وهنا على وهن وفصاله فى عامين ان اشكر لى ولوالديك

مادر او [?] آنكه ضعيف بود ضعفى برسر ضعيفى وشير دادن او در دو سال بود بانكه شكر كن مرا ومادر وپدر خود را

الى المصير وان جاهداك على ان تشرك بى ما ليس لك

بامنست بازگشت [?] واگر جهاد كنند با تو بانكه انباز فرا دارى بمن آنچه نيست مرترا

به علم فلا تطعهما وصاحبهما فى الدنيا معروفا واتبع

بدان دانشى پس فرمان مبر ايشانرا ومصاحبت كن با ايشان در دنيا بنيكويى وپيروى كن

سبيل من اناب الي ثم الي مرجعكم فانبئكم بما كنتم تعملون

راه آنرا که باز آمد بمن پس بامنست بازگشت شما پس آگاه کنم شمارا بدانچه شما کرده باشید

يا بني انها ان تك مثقال حبة من خردل فتكن في صخرة

ای پسرک من اگر آن حسنه اگر باشد بوزن یک دانه از سپندان خورد پس باشد آن حبه در جوف سنگی

او في السموات او في الارض يأت بها الله ان الله لطيف خبير

یا در آسمانها یا در زمین آورد آنرا خدا بدرستی که خدا باریک بین آگاهست

يا بني اقم الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنكر واصبر على

ای پسرک من بپای دار نمازرا و بفرما بنیکوئی و بازدار از ناشایست و صبر نمای بر

ما اصابك ان ذلك من عزم الامور ولا تصعر خدك للناس

آنچه برسد بتو بدرستی که آنچه گفتیم از کارهای قویست و مایل مگردان روی خودرا و رخساره برای مردمان

ولا تمش في الارض مرحا ان الله لا يحب كل مختال فخور

و مرو در زمین بنازونشاط بدرستی که خدا دوست نیارد هر خرامنده نازنده فخر نماینده را

واقصد في مشيك واغضض من صوتك ان انكر الاصوات

و متوسط الحال باش در رفتن تو و بازکم کن از آواز خود بدرستی که زشت ترین آوازها

لصوت الحمير الم تروا ان الله سخر لكم ما في السموات وما

هر آینه آواز خرست آیا ندیدند که خدا مسخر کرد مرشمارا آنچه در آسمانهاست و آنچه

في الارض واسبغ عليكم نعمه ظاهرة وباطنة ومن الناس

در زمینست و تمام گردانید بر شما نعمت ظاهری و باطنی را و از مردمان

من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير واذا

کسی هست که خصومت میکند در دین خدا بی دانشی و نه براهی و نه بکتابی روشن و چون

قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه اباءنا

گویند ایشانرا پیروی کنید آنچه فرو فرستاد خدا گویند بلکه پیروی کنیم آنچه یافتیم بر آن پدران خودرا

اولو كان الشيطان يدعوهم الى عذاب السعير ومن يسلم

آیا اگر باشد دیو خواند ایشانرا باعذاب آتش افروخته پیروی خواهند کرد ورا و هرکه خالص گرداند

وجهه الى الله وهو محسن فقد استمسك بالعروة الوثقى والى الله

دین خود خدایرا و او نیکوکار بود پس بدرستی که در آویخته بود باصلی استوارتر و باخداست

عاقبة الامور ومن كفر فلا يحزنك كفره الينا مرجعهم

عاقبت کارها و هرکه کافر شود پس اندوهگین مکناد ترا کفر او بما ماست بازگشت ایشان

فننبئهم بما عملوا ان الله عليم بذات الصدور نمتعهم

پس آگاه کنیم ایشانرا بدانچه ایشان کرده باشند بدرستی که خدا داناست باسرار سینها برخوردار میکنیم ایشانرا

قليلا

ثم نضطرهم الى عذاب غليظ ولئن سألتهم من خلق السموات

پس بناچار آریم ایشانرا بسوی عذاب درشت و هر آینه اگر بپرسی تو از ایشان که آفرید آسمانها

والارض ليقولن الله قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون لله

و زمین را هر آینه گویند که خدا بگو سپاس مر خدایرا بلکه بیشترین ایشان نمیدانند مر خدایراست

ما في السموات والارض ان الله هو الغني الحميد ولو ان ما في

آنچه در آسمانهاست و زمین بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده و اگر همه آنچه در

الأرضِ مِن شجرةٍ أقلامٌ والبحرُ يمدّه مِن بعدِه سبعةُ أبحرٍ ما نفدت
زمینست درختها بودی از هر یک درخت قلمها بستی و دریا یا مدد شدندی آن از پس آن هفت دریای دیگر منتهی نشود
كلماتُ الله إنّ الله عزيزٌ حكيمٌ ما خلقُكم ولا بعثُكم إلّا كنفسٍ
معلومات و سخنان خدا بدرستی که خدا غالب محکم کارست نیست آفرینش شما و نه برانگیختن شما مگر چون خلق
واحدةٍ إنّ الله سميعٌ بصيرٌ ألم تر أنّ الله يولج الليلَ في النهارِ
یک تن بدرستی که خدا شنوا و بیناست ای بیننده ندیدی که خدا در می آورد شب را در روز
ويولج النهارَ في الليلِ وسخّر الشمسَ والقمرَ كلٌّ يجري إلى
و در می آورد روز را در شب و مسخر کرد آفتاب و ماه را همه میروند تا
أجلٍ مسمًّى وأنّ الله بما تعملون خبيرٌ ذلك بأنّ الله هو الحقُّ
اجلی نام نهاده و آنکه خدا بآنچه شما میکنید آگاهست آن بسبب آنست که خدا اوست حق
وأنّ ما يدعون مِن دونِه الباطلُ وأنّ الله هو العليُّ الكبيرُ
و آنکه آنچه میخوانند از جز او باطلست و آنکه خدا اوست او فرشته بزرگوار
ألم تر أنّ الفلكَ تجري في البحرِ بنعمةِ الله ليريَكم مِن آياتِه
ای ننگرستی که کشتی میرود در دریا بنعمت خدا تا بنماید شما را از نشانهای
إنّ في ذلك لآياتٍ لكلِّ صبّارٍ شكورٍ وإذا غشيَهم
بدرستی که در آن نشانهاست هر صبر کننده شکر کننده را و چون بپوشد ایشان را
موجٌ كالظُّلَلِ دعوا الله مخلصين له الدينَ فلمّا نجّاهم إلى
موجی چون سایه بانها بخوانند خدا را خالص کنندگان مر او را دین پس چون برهانید ایشان را

البرِّ فمنهم مقتصدٌ وما يجحد بآياتنا إلّا كلُّ ختّارٍ كفورٍ
جانب خشکی پس از ایشان هست میانه نگه دارنده و انکار نکنند بنشانهای ما مگر که هر غدار ناسپاس
يا أيّها الناسُ اتّقوا ربَّكم واخشوا يومًا لا يجزي والدٌ عن ولدِه
ای مردمان بترسید از پروردگار خود و بترسید از روزی که بکار نیاید هیچ پدری از فرزند خود
ولا مولودٌ هو جازٍ عن والدِه شيئًا إنّ وعدَ الله حقٌّ فلا تغرّنّكم
و نه هیچ فرزندی او گزارنده بود از پدر خود چیزی را بدرستی که وعده خدا راستست پس نفریبد شما را
الحيوةُ الدنيا ولا يغرّنّكم بالله الغرورُ إنّ الله عنده علمُ
زندگانی دنیا و نفریبد باد شما را بخدا فریبنده بدرستی که خدا نزدیک اوست علم
الساعةِ وينزّل الغيثَ ويعلم ما في الأرحامِ وما تدري
قیامت و فرو میفرستد باران را و میداند آنچه در رحمهاست و نداند هیچ
نفسٌ ماذا تكسب غدًا وما تدري نفسٌ بأيّ أرضٍ تموتُ
تنی که چه چیز اندوزد فردا و نداند هیچ تنی که بکدامین زمین بمیرد
إنّ الله عليمٌ خبيرٌ

سورة السجدة ثلثون آية

بدرستی که خدا دانا و آگاهست

بسم الله الرحمن الرحيم

منم خدا انست که بینا ام
الم تنزيلُ الكتابِ لا ريبَ فيه مِن ربِّ العالمين أم يقولون
فرو فرستادن این قرآن هیچ شکی نیست در آن که از پروردگار جهانیانست یا میگویند

افتریه بل هو الحق من ربك لتنذر قوما ما اتىهم من نذير من
کو بربافته است آنرا محمد بلک آن حق است از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که نیامد بدیشان هیچ بیم کننده
قبلك لعلهم يهتدون ۞ الله الذي خلق السموات والارض
پیش از تو تا بود که ایشان راه یابند خدا آن خدائیست که آفرید آسمانها و زمین را
وما بينهما في ستة ايام ثم استوى على العرش ما لكم
و آنچه میان آن هر دو است در شش روز پس غالب و مستولی شد بر عرش نیست مر شما را
من دونه من ولي ولا شفيع افلا تتذكرون ۞ يدبر
از جز او هیچ دوستی و نه شفیعی ای پس پند نمیگیرید تدبیر می فرماید
الامر من السماء الى الارض ثم يعرج اليه في يوم كان
کارها را از آسمان تا زمین پس عروج می نماید آن عمل بطریق رجوع در روزی که باشد
مقداره الف سنة مما تعدون ۞ ذلك عالم الغيب والشهادة
مقدار آن هزار سال از آنچه بر شمرید آنک کنیم کار داننده ناپیدا و پیداست
العزيز الرحيم ۞ الذي احسن كل شيء خلقه وبدا خلق
خدای غالب مهربان آن خدائی که نیکو کرد هر چیزی را آفرینش آن و با ابتدا بیافرید خلق را
الانسان من طين ۞ ثم جعل نسله من سللة من ماء
آدمی را از گل پس گردانید نسل او را از خلاصه از آب
مهين ۞ ثم سوىه ونفخ فيه من روحه وجعل لكم السمع
حقیر پس راست اندام گردانید او را و در دمید در و از باد قدرت خود و بیافرید هر شما را شنوائی

والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون ۞ وقالوا ءاذا
و بینائیها و دلهائی اندکی اید آنچه شکر میکنید و گفتند مشرکان ای چون
ضللنا في الارض ءانا لفي خلق جديد بل هم بلقاء ربهم
غائب شویم ما در زمین و بمیریم ای ما باشیم در آفرینش نو باشیم بلک ایشان باز رسیدن پروردگار خود
كافرون ۞ قل يتوفىكم ملك الموت الذي وكل بكم ثم
کافرانند بگو جان بستاند شما را فرشته مرگ آن فرشته که موکل کرده اند بر شما پس
الى ربكم ترجعون ۞ ولو ترى اذ المجرمون ناكسوا رءوسهم
با جزاء پروردگار خود باز گردانیده شوید و اگر بدیدی تو که چون کافران نگونسار کرده شوند سرهای ایشان
عند ربهم ربنا ابصرنا وسمعنا فارجعنا نعمل صالحا انا
نزد پروردگار ایشان گویند ای پروردگار ما بدیدیم ما و شنیدیم ما پس باز گردان ما را تا بکنیم کاری نیکو بدرستی که ما
موقنون ۞ ولو شئنا لاتينا كل نفس هدىها ولكن
یقین شوندگانیم و اگر خواستمانی بر نفس دادمانی هر تنی را راه راست آن ولیکن
حق القول مني لاملان جهنم من الجنة والناس اجمعين
واجب شد گفتار وعید از من که پر کنم دوزخ را از پری و آدمی از همه جنس
فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا انا نسينكم
پس گویند ایشانرا بچشید بدانچه فراموش کردید شما باز رسیدن شما بدین روز بدرستی که ما فراموش کنیم شما را
وذوقوا عذاب الخلد بما كنتم تعملون ۞ انما يؤمن باياتنا
و گویند ایشانرا بچشید عذاب جاوید را بدانچه بودید شما میکردید بدرستی که می گروند نشانهای ما از رحمت

واجب سجده

الذين اذا ذكروا بها خروا سجدا وسبحوا بحمد ربهم وهم

آنها که چون پند داده شوند بدان روی در افتند سجود کنندگان و تسبیح کنند بستایش پروردگار خود و ایشان

لا يستكبرون تتجافى جنوبهم عن المضاجع يدعون ربهم

گردنکشی نکنند دوری میکنند پهلوهای ایشان از بسترهای خواب میخوانند پروردگار خود را

خوفا وطمعا ومما رزقناهم ينفقون فلا تعلم نفس

ترسان و طمع داران و از آنچه روزی کردیم ایشانرا نفقه میکنند پس نداند هیچ تنی

ما اخفي لهم من قرة اعين جزاء بما كانوا يعملون

آنچه پنهان کرده اند مر ایشانرا از آنچه روشنی چشم فواید پاداشتی بدانچه ایشان کرده باشند

افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون

ای پس آنکه باشد اهل ایمان همچون آنکس بود که باشد فاسق یکسان نمیشوند

اما الذين امنوا وعملوا الصالحات فلهم جنات المأوى نزلا

اما آنها که بگرویدند و کارهای نیکو کردند پس مر ایشانرا بود بستانهای معد مهیا آرامگاه

بما كانوا يعملون واما الذين فسقوا فمأواهم النار كلما

بدانچه ایشان کرده باشند و اما آنها که فاسق بودند پس جایگاه ایشان آتش بود هرگاه

ارادوا ان يخرجوا منها اعيدوا فيها وقيل لهم ذوقوا عذاب

که خواهند که بیرون آیند از آن بازگردانیده شوند در آنجا و گفته شود مر ایشانرا در چشید عذاب

النار الذي كنتم به تكذبون ولنذيقنهم من العذاب الادنى

آتش را آنچه بودید بدان شما دروغ میداشتید و هر آینه در چشانیم ایشانرا از عذاب نزدیکتر

دون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون ومن اظلم ممن

جز عذاب بزرگتر تا بود که ایشان بازگردند و کیست ستمکارتر از آنکه

ذكر بايات ربه ثم اعرض عنها انا من المجرمين منتقمون و

پند داده شود بنشانهای پروردگار خود پس برگردد از آن بدرستی که ما از کافران کینه باز خواهندگانیم

لقد اتينا موسى الكتاب فلا تكن في مرية من لقائه وجعلناه

و بدرستی که بدادیم موسی را توریة پس مباش در شکی از باز رسیدن با او و گردانیدیم او را

هدى لبني اسرائيل وجعلنا منهم ائمة يهدون بامرنا

راه نمونی مر بنی اسرائیل را و گردانیدیم از ایشان پیشوایانی که راه می برند بفرمان ما

لما صبروا وكانوا باياتنا يوقنون ان ربك هو يفصل بينهم

چون صبر کردند و بودند بنشانهای ما یقین شده بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان

يوم القيامة فيما كانوا فيه يختلفون اولم يهد لهم

در روز قیامت در آنچه ایشان در آن اختلاف میکردند ای راه ننمود مر ایشانرا

كم اهلكنا من قبلهم من القرون يمشون في مساكنهم

که چند هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهانی که میروند در مسکنهای خود

ان في ذلك لايات افلا يسمعون اولم يروا انا نسوق الماء الى

بدرستی که در آن نشانهاست ای پس نشنوند ای ندیدند که ما میرانیم آب بارانرا بسوی

الارض الجرز فنخرج به زرعا تاكل منه انعامهم وانفسهم

زمین بی نبات پس بیرون می آوریم بدان کشت زرع را که میخورند از آن چهارپایان ایشان و تنهای ایشان

حزب

أفلا يبصرون • ويقولون متى هذا الفتح إن كنتم صادقين

ای پس نمی بینند ومیگویند که کی خواهد بود این حکم بعذاب اگر هستید شما راست گویان

قل يوم الفتح لا ينفع الذين كفروا إيمانهم ولا هم

بگو روز قیامت یا روز قضا سود نکند آنها را که کافر شدند ایمان ایشان ونه ایشان را

ينظرون • فأعرض عنهم وانتظر إنهم منتظرون

زمان دهند پس برگرد از ایشان وچشم دار که ایشان چشم دارندگانند

سورة الاحزاب ثلث وسبعون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا أيها النبي اتق الله ولا تطع الكافرين والمنافقين إن الله كان

ای پیغمبر بترس از خدا وفرمان مبر کافران ومنافقان را بدرستی که خدا هست

عليما حكيما • واتبع ما يوحى إليك من ربك إن الله كان

دانای محکم کار وپیروی کن آنچه وحی کرده میشود بتو از پروردگار تو بدرستی که خدا هست

بما تعملون خبيرا • وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا

بآنچه شما میکنید آگاه وتوکل کن بر خدا وبسنده است خدا بکارسازی

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه وما جعل أزواجكم

نه آفریده است خدا هیچ مردی را دو دل در اندرون او ونگردانید زنان شما را

اللائي تظاهرون منهن أمهاتكم وما جعل أدعياءكم

آن زنان که بجهت ظهار دوری میگیرید از ایشان مادران شما ونگردانید پسرخواندگان شما را

أبناءكم ذلكم قولكم بأفواهكم والله يقول الحق و

پسران شما آن گفتار شما بدهنهای شما وخدا میگوید حق را و

هو يهدي السبيل • ادعوهم لآبائهم هو أقسط عند الله

او راه می نماید براه صواب بخوانید ایشان را بپدران ایشان آن براستتر نزد خدا

فإن لم تعلموا آباءهم فإخوانكم في الدين ومواليكم

پس اگر ندانید پدران ایشان را پس برادران شما اند در دین ودوستان شما

وليس عليكم جناح فيما أخطأتم به ولكن ما تعمدت

ونیست بر شما بزه در آنچه بخطا کرده باشید شما گفتار آن ولیکن بزه آنست که بعمد کرده باشد

قلوبكم وكان الله غفورا رحيما • النبي أولى بالمؤمنين

دلهای شما وهست خدا آمرزگار مهربان پیغمبر سزاوارتر بمؤمنان

در نگاه داشت جانب او

من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم وأولو الأرحام بعضهم

از تنهای ایشان وزنان او مادران ایشانند وخداوندان رحمها بعضی ایشان

أولى ببعض في كتاب الله من المؤمنين والمهاجرين إلا أن

سزاوارتر به میراث بعضی در قرآن یا لوح المحفوظ از مؤمنان ومهاجران مگر آنکه

تفعلوا إلى أوليائكم معروفا كان ذلك في الكتاب

نیکویی کنید با دوستان شما نیکویی هست آن در لوح المحفوظ

مسطورا ۝ وإذ أخذنا من النبيين ميثاقهم ومنك ومن نوح
نبشته و یاد کن چون فرا گرفتیم از پیغمبران عهد ایشان را و از تو و از نوح
وإبراهيم وموسى وعيسى ابن مريم وأخذنا منهم ميثاقا
و ابرهیم و موسی و عیسی پسر مریم و فرا گرفتیم ما از ایشان عهدی
غليظا ۝ ليسأل الصادقين عن صدقهم وأعد للكافرين
استوار تا بپرسد خدا راست گویان را از راستی ایشان و بساخت برای کافران
عذابا أليما ۝ يا أيها الذين آمنوا اذكروا نعمة الله عليكم
عذابی دردناک ای آنها که بگرویده اید یاد کنید نعمت خدا را بر شما
إذ جاءتكم جنود فأرسلنا عليهم ريحا وجنودا لم تروها
چون آمدند بشما لشکرهائی پس بفرستادیم ما بر ایشان بادی و لشکرهائی که ندیدید آنرا
وكان الله بما تعملون بصيرا ۝ إذ جاؤوكم من فوقكم
و هست خدا بدانچه شما میکنید بینا چون آمدند بشما از بالای شما
ومن أسفل منكم وإذ زاغت الأبصار وبلغت القلوب
و از فرو تر از وادی شما و چون مایل شد از تحیر بینائیها و برسید دلها
الحناجر وتظنون بالله الظنونا ۝ هنالك ابتلي المؤمنون
بحنجرهای گردنها و گمان بردید شما بخدا گمان بردنی مختلف آنجا نگاه آزموده شدند مؤمنان
وزلزلوا زلزالا شديدا ۝ وإذ يقول المنافقون والذين في قلوبهم
و مضطرب گردانیده شدند اضطرابی سخت و چون گفتند منافقان و آنها که در دلهای ایشان

مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غرورا ۝ وإذ قالت طائفة منهم
بیماری شک و نفاق بود وعده نداده است ما را خدا و رسول او مگر فریبی و چون گفتند گروهی از ایشان
يا أهل يثرب لا مقام لكم فارجعوا ويستأذن فريق
ای اهل مدینه هیچ اقامتی نیست مر شما را در حربگاه پس باز گردید و دستوری خواستند گروهی
منهم النبي يقولون إن بيوتنا عورة وما هي بعورة إن يريدون
از ایشان از پیغمبر میگفتند که خانهای ما در خللی اند و نبودند آن بخلل نمیخواستند
إلا فرارا ۝ ولو دخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة
مگر گریختنی و اگر در رفتندی بر ایشان از کنارهای آن پس درخواستندی فتنه را
لآتوها وما تلبثوا بها إلا يسيرا ۝ ولقد كانوا عاهدوا الله
که آیند بدان و درنگ نکردندی بدان مگر باسانی و بدرستی که بودند عهد بستند با خدا
من قبل لا يولون الأدبار وكان عهد الله مسئولا ۝ قل لن
از پیش که بنگردانند پشتها را و هست عهد خدا پرسیده شده بگو هرگز
ينفعكم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل وإذا لا تمتعون
سود نکند شما را گریختن اگر بگریزید شما از مرگ یا از کارزار و آنگه برخورداری نمیکنید
إلا قليلا ۝ قل من ذا الذي يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءا
مگر اندکی بگو کیست آنکس که نگه دارد شما را از عذاب خدا اگر خواهد بشما بدی
أو أراد بكم رحمة ولا يجدون لهم من دون الله وليا ولا نصيرا
یا اگر خواهد بشما رحمتی و نیابند مر ایشان را از جز خدا دوستی و نه یاریگری

قد يعلم الله المعوقين منكم والقائلين لإخوانهم هلم

بدرستی که میداند خدا تعویق کنندگان را از شما وگویندگان مر برادران خود را بیایید

إلينا ولا يأتون البأس إلا قليلا ۝ أشحة عليكم فإذا جاء

نزد ما و نمی آیند بکارزار مگر اندکی چه بخیلانند بر شما پس چون آید

الخوف رأيتهم ينظرون إليك تدور أعينهم كالذي

ترس بینی ایشانرا نگرند بسوی تو بدشمنی حال آنکه می گردد چشمهای ایشان همچون آنکسی

يغشى عليه من الموت فإذا ذهب الخوف سلقوكم

که بیهوش بود از سکرات مرگ پس چون برود ترس قتال زود اندازند شما را

بألسنة حداد أشحة على الخير أولئك لم يؤمنوا فأحبط

زبانهای تیز را چه بخیلانند بر مال غنیمت آن گروه نگرویدند پس باطل کرد

الله أعمالهم وكان ذلك على الله يسيرا ۝ يحسبون

خدا عملهای ایشان وهست آن بر خدا آسان پندارند

الأحزاب لم يذهبوا وإن يأت الأحزاب يودوا لو أنهم

گروهان منافق که نرفتند از مدینه از هزیمت واگر آیند گروهان بار دیگر آرزو کنند که کاشکی ایشان

بادون في الأعراب يسألون عن أنبائكم ولو كانوا فيكم

بادیه نشینان بودندی در میان اعراب می پرسند از خبرهای شما واگر بودندی در میان شما

ما قاتلوا إلا قليلا ۝ لقد كان لكم في رسول الله

کارزار نکردندی مگر اندکی بدرستی که هست مر شما را در حق رسول

أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا

پیروی نیکو مرآنرا که هست امید میدارد بخدا و بروز آخرت و یاد کرد خدا را بسیار

ولما رأى المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله

وچون بینند مؤمنان جنود مجتمعه کفار را گویند اینست آنچه وعده داد مارا خدا و رسول او

وصدق الله ورسوله وما زادهم إلا إيمانا وتسليما ۝

وراست فرمود خدا و رسول او ونیفزاید ایشانرا مگر یقینی وگردن نهادنی

من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من

از مؤمنان مردانی هستند که راست گردانیدند آنچه عهد بستند خدا را بر آن پس از ایشان کسی هست

قضى نحبه ومنهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا ۝ ليجزي الله

که وفا کرد بعهد ونذر خود واز ایشان کس هست که منتظر میباشد یافتن شهادت را وبدل نکردند بدل کردنی تا پاداش دهد خدا

الصادقين بصدقهم ويعذب المنافقين إن شاء أو يتوب

راستگویانرا براستی ایشان وعذاب کند منافقانرا اگر خواهد یا بازگشت کند

عليهم إن الله كان غفورا رحيما ۝ ورد الله الذين كفروا

بر ایشان بدرستی که خدا هست آمرزگار مهربان وبازگردانید خدای آنهارا که کافر شدند

بغيظهم لم ينالوا خيرا وكفى الله المؤمنين القتال وكان

بسبب خشم ایشان که نرسیدند بخیری وکفایت کرد خدا مؤمنانرا کارزار و

الله قويا عزيزا ۝ وأنزل الذين ظاهروهم من أهل الكتاب

هست خدا نیرومند غالب وفرود آورد آنهارا که مدد کردند کفار قریش را از جهودان قریظه

که نقض عهد کردند

مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ
از حصنهای ایشان وانکند در دلهای ایشان ترس گروهی را میکشتند
وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَ
و باسیری میگرفتند گروهی را و میراث داد شمارا زمین ایشان و سرایهای ایشان
أَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَؤُهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
و مالهای ایشانرا و زمینی که هنوز سلوک ننموده اید آنرا و هست خدا بر همه چیزی
قَدِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ
توانا ای پیغمبر بگو مر زنان خودرا اگر هستید شما میخواهید زندگانی
الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ
دنیارا و آرایش آنرا پس بیائید تا برخوردار دهم و رها دهم شمارا
سَرَاحًا جَمِيلًا ۝ وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ
رها دادنی نیکو واگر هستید شما میخواهید رضای خدارا و رسول اورا و سرای
الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا
آخرت را پس بدرستی که خدا بیماده است برای نیکوکاران از شما مزدی بزرگ
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ
ای زنان پیغمبر هرکه آید از شما بناشایستی روشن
يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ
دوچندان کرده شود مراورا عذاب دوچند گردانیدنی و هست آن

عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۝ وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ
بر خدا آسان و هرکه فرمان برد از شما مر خدارا و رسول اورا و بکند
صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا
کاری نیکو بدهیم اورا مزد او دوباره و بیچاریم ما برای او روزی نیکو
يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ
ای زنان پیغمبر نیستید شما همچون یکی از زنان دیگر اگر بپرهیزید
فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ
پس [illegible] پس طمع کند آنکسی که در دل او بیماری شک و نفاقست و بگوئید
قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ
گفتاری نیکو و بنشینید در خانهای خود و بیرون میایید همچون بیرون آمدن
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ
اهل جاهلیت اول و بپای دارید نمازرا و بدهید زکات را و فرمان برید
اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ
خدارا و رسول اورا بدرستی که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی را ای اهل
الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۝ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي
خانه پیغمبر و پاک گرداند شمارا پاک گردانیدنی و یاد کنید آنچه خوانده میشود در
بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا
خانهای خود از نشانهای خدا و حکمت بدرستی که خدا هست باریک بین آگاه

إن المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات و
بدرستی که مردان مسلمان وزنان همچنان ومردان مومن وزنان همچنان
القانتين والقانتات والصادقين والصادقات
ومردان فرمان بردار طاعت وزنان همچنان ومردان راست گوی وزنان همچنان
والصابرين والصابرات والخاشعين والخاشعات
ومردان صابر در بلا وزنان همچنان ومردان ترسکار وزنان همچنان
والمتصدقين والمتصدقات والصائمين والصائمات
ومردان صدقه دهنده وزنان همچنان ومردان روزه دار وزنان همچنان
والحافظين فروجهم والحافظات والذاكرين الله
ومردان نگهدارنده عورتهای خودرا وزنان همچنان ومردان یادکننده خدارا
كثيرا والذاكرات أعد الله لهم مغفرة وأجرا
بسیار وزنان همچنان بیچارد خدا برای ایشان آمرزشی ومزدی
عظيما ۝ وما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله و
بزرگ ونبود مردان مومن ونه زنان مومنه را چون حکم کرد خدا
رسوله أمرا أن يكون لهم الخيرة من أمرهم ومن يعص الله و
ورسول او کاری را که باشد مرایشان را بهتر از فرمان ایشان وهرکه عاصی شود خدا
رسوله فقد ضل ضلالا مبينا ۝ وإذ تقول للذي أنعم
ورسول او پس بدرستی که گمراه شد گمراهی روشن ویاد کن چون گفتی تو مرانکسی را که نعمت کرد

الله عليه وأنعمت عليه أمسك عليك زوجك واتق الله وتخفي في
خدای بر او ونعمت کرده بودی تو بر او نگه دار بر تن نگه داشت زن تو وبترس از خدا وپنهان میداشتی
نفسك ما الله مبديه وتخشى الناس والله أحق أن تخشاه
در تن خود آنچه خدا آشکارا کننده آن بود ومی ترسیدی از مردمان وخدا سزاوارتر که بترسید ازو
فلما قضى زيد منها وطرا زوجناكها لكي لا يكون على
پس چون بگزارد زید از زن خود حاجت را بزن تو کردیم اورا تا نباشد بر
المؤمنين حرج في أزواج أدعيائهم إذا قضوا منهن وطرا
مومنان حرجی در خواستن زنان ایشان چون بگزارده باشند از ایشان حاجتی
وكان أمر الله مفعولا ۝ ما كان على النبي من حرج
وهست فرمان خدا کرده شده نبود بر پیغمبر هیچ حرجی
فيما فرض الله له سنة الله في الذين خلوا من قبل وكان
درآنچه فرض کرد خدای مراورا این طریقت خدا در حق آنها که گذشتند از پیش وهست
أمر الله قدرا مقدورا ۝ الذين يبلغون رسالات الله و
فرمان خدا اندازه وقت پدید کرده آنها که میرسانند رسالتهای خدای را
يخشونه ولا يخشون أحدا إلا الله وكفى بالله حسيبا
می ترسند ازو ونمی ترسند از هیچ یکی مگر از خدا وبس است خدا حساب کننده
ما كان محمد أبا أحد من رجالكم ولكن رسول الله
نیست محمد پدر هیچ یکی از مردان شما ولیکن رسول خداست

وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما • يا ايها الذين

وخاتم پيغمبرانست وهست خدا بهمه چيزى دانا اى آنها

آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا • وسبحوه بكرة

كه بگرويده ايد يادكنيد خدارا يادكردنى بسيار وتسبيح كنيد اورا بامداد

واصيلا • هو الذي يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم

وشبانگاه اوست آن خدايى كه رحمت ميفرستد برشما وفرشتگان او دعا تا بيرون آورند شمارا

من الظلمات الى النور وكان بالمؤمنين رحيما •

از تاريكيهاى كفر بنور ايمان وهست خدا بمؤمنان مهربان

تحيتهم يوم يلقونه سلام واعد لهم اجرا كريما •

تحيت ايشان در آن روز كه بهم رسند سلام بود وبيجاره بود براى ايشان مزدى نيكو

يا ايها النبي انا ارسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا • وداعيا

اى پيغمبر بدرستى كه بفرستاديم ترا گواهى دهنده وبشارت دهنده وبيم كننده وخواننده

الى الله باذنه وسراجا منيرا • وبشر المؤمنين بان لهم

بارادهٔ خدا بفرمان وچراغى روشن وبشارت ده مؤمنانرا بآنكه بود ايشانرا

من الله فضلا كبيرا • ولا تطع الكافرين والمنافقين

از خدا فضلى بزرگ وفرمان مبر كافرانرا ومنافقان

ودع اذاهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا •

وبگذار رنجانيدن ايشانرا وتوكل كن برخدا وبس است خدا كارساز

يا ايها الذين آمنوا اذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من

اى آنها كه بگرويده ايد چون بنكاح درآوريد شما زنان مؤمنرا پس طلاق دهيد ايشانرا از

قبل ان تمسوهن فما لكم عليهن من عدة تعتدونها

پيش آنكه رسيده باشيد بديشان پس نبود مرشمارا برايشان هيچ عده كه بر شمريد آنرا

فمتعوهن وسرحوهن سراحا جميلا • يا ايها النبي انا

پس نگه داريد ايشانرا ورها دهيد ايشانرا رها دادنى نيكو اى پيغمبر بدرستى

احللنا لك ازواجك اللاتي آتيت اجورهن وما ملكت

كه حلال كرديم مرترا زنان تو آن زنانى كه بداده اى ايشانرا مهرهاى ايشان وآنچه قادر باشيد

يمينك مما افاء الله عليك وبنات عمك وبنات

دستهاى تو از آنچه خدا برتو ودختران عم تو ودختران

عماتك وبنات خالك وبنات خالاتك اللاتي هاجرن

عمه تو ودختران خال تو ودختران خاله تو آن زنانى كه هجرت كردند

معك وامرأة مؤمنة ان وهبت نفسها للنبي ان

با تو وزنى مؤمنه اگر ببخشد تن خود مرپيغمبررا اگر

اراد النبي ان يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين

خواهد پيغمبر كه بنكاح درآورد ايشانرا خالص مرترا بود از جز مؤمنان

قد علمنا ما فرضنا عليهم في ازواجهم وما ملكت

بدرستى كه ميدانيم آنچه واجب كرديم برايشان در حق زنان ايشان وآنچه در باشيد

لكيلا يكون عليك حرج وكان الله غفورا رحيما ترجي

تا نباشد بر تو بزه وهست خدا آمرزگار مهربان جای دهی

من تشاء منهن وتؤوي اليك من تشاء ومن ابتغيت ممن

آنرا که خواهی از ایشان وجای دهی باخود آنرا که خواهی

عزلت فلا جناح عليك ذلك ادنى ان تقر اعينهن ولا يحزن

پس بزه نبود بر تو آن نزدیکتر که تا روشن بود چشمهای ایشان و اندوهگین نباشند

ويرضين بما اتيتهن كلهن والله يعلم ما في قلوبكم

وخشنود باشند بدانچه بداده اند ایشانرا همه آن وخدا میداند آنچه در دلهای شما

وكان الله عليما حليما لا يحل لك النساء من بعد

وهست خدا دانای محکم کار حلال نیست مرترا زنان از پس تو

ولا ان تبدل بهن من ازواج ولو اعجبك حسنهن الا

ونه آنک بدل کنی ایشانرا بزنانی دیگر واگرچه بشگفت آورد ترا حسن ایشان مگر

ما ملكت يمينك وكان الله على كل شيء رقيبا يا ايها

آنچه قادر باشند دستهای تو از کنیزکان وهست خدا بر همه چیزها نگهبان ای

الذين امنوا لا تدخلوا بيوت النبي الا ان يؤذن لكم الى

آنها که بگرویده اید در مروید در خانهای پیغمبر مگر که دستوری دهند مرشمارا بسوی

طعام غير ناظرين اناه ولكن اذا دعيتم فادخلوا

خورشی جز منگرندگان بسوی آن ولیکن چون برخوانند شمارا پس اندر روید

فاذا طعمتم فانتشروا ولا مستانسين لحديث ان ذلكم

پس چون طعام خورده باشید پس پراکنده شوید ونه نشینید بسخن کردن بدرستی که آنتان

كان يؤذي النبي فيستحيي منكم والله لا يستحيي من

هست که میرنجانید پیغمبررا پس شرم میدارد از شما وخدا شرم نمیدارد از

الحق واذا سألتموهن متاعا فاسألوهن من وراء حجاب

حق گفتن وچون درخواهید از ایشان کالای پس درخواهید از ایشان از پس پرده

ذلكم اطهر لقلوبكم وقلوبهن وما كان لكم ان

آنتان پاکتر مردلهای شمارا ودلهای ایشانرا ونبود مرشمارا که

تؤذوا رسول الله ولا ان تنكحوا ازواجه من بعده ابدا ان

رنجانید رسول خدارا ونه آنک بنکاح درآورید زنان اورا از پس او هرگز بدرستی

ذلكم كان عند الله عظيما ان تبدوا شيئا او تخفوه

که آنتان هست نزدیک خدا گناهی بزرگ اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان کنید اورا

فان الله كان بكل شيء عليما لا جناح عليهن في ابائهن

پس بدرستی که خدا هست بهمه چیزی دانا بزه نبود بر ایشان در حق پدران ایشان

ولا ابنائهن ولا اخوانهن ولا ابناء اخوانهن ولا ابناء

ونه پسران ایشان ونه برادران ایشان ونه پسران برادران ایشان ونه پسران

اخوانهن ولا نسائهن ولا ما ملكت ايمانهن واتقين الله ان الله

خواهران ایشان ونه زنان ایشان ونه آنچه قادر باشند دستهای ایشان وبترسید از خدا بدرستی که خدا

كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۝ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ

هست بر همه چیزی گواه و حاضر به درستی که خدا و فرشتهای او رحمت و درود می‌فرستند بر پیغمبر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ

ای آنها که بگرویده اید درود و دعا فرستید برو و سلام کنید سلامی به درستی که آنها

يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ

که میرنجانند خدا را و رسول او را لعنت کرد ایشان را خدا در دنیا و در آخرت و بیچارد برای ایشان

عَذَابًا مُهِينًا ۝ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ

عذابی خوارکننده و آنها که میرنجانند مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را بی‌جرم

مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا

آنچه اندوخته باشند پس به درستی که برداشتند باری بهتانی و بزه روشن

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

ای پیغمبر بگو مر زنان خود را و دختران خود را و زنان مؤمن را

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا

فرود آرند بخود از چادرهای خویش آن نزدیکتر که شناخته شوند ایشان پس

يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ

میرنجانیده نشوند و هست خدا آمرزگار مهربان اگر باز نایستند منافقان

وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ

و آنها که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاقست و اراجیف اندازندگان در شهر مدینه

حب

بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ۝ مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا

بر ایشان پس همسایگی نکنند ترا در آنجا مگر اندکی لعنت کرده شدگان هر کجا که یافته شوند

أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ۝ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا

بگیرید و بکشید کشتنی این طریقت خدا در حق آنها که گذشتند

مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ يَسْأَلُكَ النَّاسُ

از پیش و هرگز نیابی مر طریقت خدا را بدل کردنی می‌پرسند از تو مردمان

عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ

از حال قیامت بگو به درستی که علم آن نزدیک خداست و چه دانی تو مگر که بود

السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ

قیامت نزدیک به درستی که خدا لعنت کرد کافران را و بیچارد برای ایشان

سَعِيرًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

آتشی افروخته جاوید باشند در آن همیشه نیابند نه دوستی نه یاری کننده

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا

روزی که گردانند رویهای ایشان را در آتش گویند ای کاشکی فرمان بردیم

اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَ

خدا را و فرمان می‌بردیم پیغمبر را و گویند ای پروردگار ما به درستی که فرمان بردیم مهتران و

كُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا ۝ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ

بزرگان خود را پس گم کردند ما را از راه ای پروردگار ما بده ایشان را دو چندان از عذاب

والعنهم لعنا كبيرا ۝ يا ايها الذين آمنوا لا تكونوا كالذين
ولعنت كن ايشانرا لعنتی بزرگ ای آنها كه گرويده‌ايد مباشيد همچون آنها
آذوا موسى فبرأه الله مما قالوا وكان عند الله وجيها
كه رنجانيدند موسى را پس بيزار گردانيد اورا خدا از آنچه گفتند و بود نزديك خدا روشناس
يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا ۝ يصلح لكم
ای آنها كه گرويده‌ايد بترسيد از خدا و بگوييد گفتاری باصواب تا باصلاح آورد مرشمارا
اعمالكم ويغفر لكم ذنوبكم ومن يطع الله و
عملهای شما و بيامرزد مرشمارا گناهان شما و هركه فرمان برد خدارا
رسوله فقد فاز فوزا عظيما ۝ انا عرضنا الامانة على
و رسول اورا پس بدرستی كه رستگاری يافت رستگاری بزرگ بدرستی كه عرض كرديم ما امانت بر
السموات والارض والجبال فابين ان يحملنها واشفقن
اهل آسمانها و زمين و كوهها پس سرباز زدند كه بردارند آنرا و ترسيدند
منها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا ليعذب
ازان و برداشت آنرا آدمی بدرستی كه او هست ستمكار نادان تا عذاب كند
الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب
خدا مردان منافق و زنان منافق را و مردان بت پرست را و زنان مشرك را و سهل كند
الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيما
خدا بر مردان مومن و زنان مومنه و هست خدا آمرزگار مهربان

سوره سبا اربع وخمسون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم
ابتدا ميكنم بنام خدای بخشاينده روزی
الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد
شكر و سپاس مرخدای را آن خدايی كه مراوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمينست و مراوراست ستايش
في الآخرة وهو الحكيم الخبير ۝ يعلم ما يلج في الارض
در آخرت و اوست محكم كار آگاه ميداند آنچه در زمين
وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو
و آنچه بيرون می‌آيد ازان و آنچه فرود می‌آيد از آسمان و آنچه بالا ميرود در آن و او
الرحيم الغفور ۝ وقال الذين كفروا لا تأتينا الساعة قل
مهربان آمرزگار و گفتند آنها كه كافر شدند نيايد بما قيامت بگو
بلى وربي لتأتينكم عالم الغيب لا يعزب عنه مثقال ذرة
آری و بحق پروردگار من كه هرآينه آورد بشما داننده نابيدا هيچ غايب نشود ازو هم سنگ مورچه
في السموات ولا في الارض ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب
نه در آسمانها و نه در زمين و نه كوچكتر ازان و نه بزرگتر مگر در لوح ياد قرآن
مبين ۝ ليجزي الذين آمنوا وعملوا الصالحات اولئك لهم
روشن تا پاداش دهد آنهارا كه گرويدند و كارهای نيكو كردند آن گروه مرايشانراست

مغفرة ورزق كريم ۞ والذين سعوا في اياتنا معاجزين

آمرزشی و روزی نیکو و آنها که می‌شتابند در نشانهای ما عاجز کنندگان

اولئك لهم عذاب من رجز اليم ۞ ويرى الذين اوتوا العلم الذي

آن گروه مر ایشان راست بود عذابی از نوع خواری دردناک و بینند آنها که داده شد ایشانرا دانش آنچه

انزل اليك من ربك هو الحق ويهدي الى صراط العزيز الحميد

فرو فرستاده شد بتو از پروردگار تو آن حق است و راه نماید براه خدای غالب ستوده

وقال الذين كفروا هل ندلكم على رجل ينبئكم اذا

و گفتند آنها که کافر شدند ای دلالت کنیم شما را بر مردی که آگاه کند شما را چون

مزقتم كل ممزق انكم لفي خلق جديد ۞ افترى على

درجنبانیده شوید شما هر درجنبانیدنی بدرستی که شما مر اینه در آفرینش نو باشید ای بر بافت

الله كذبا ام به جنة بل الذين لا يؤمنون بالاخرة في

خدا دروغ را یا بدوست دیوانگی بلکه آنها که نمی گروند ببرای آخرت در

العذاب والضلال البعيد ۞ افلم يروا الى ما بين ايديهم

عذاب و گمراهی دور از حق اند ای پس ندیدند بآنچه در پیش ایشانست

وما خلفهم من السماء والارض ان نشا نخسف بهم الارض

و آنچه از پس ایشانست از آسمان و زمین اگر خواهیم فرو بردیم ایشانرا زمین

او نسقط عليهم كسفا من السماء ان في ذلك لاية لكل

یا اندازیم بر ایشان پاره از آسمان بدرستی که در آن هر آینه نشانیست هر

عبد منيب ۞ ولقد اتينا داود منا فضلا يا جبال اوبي معه

بنده با درگاه آینده و بدرستی که بدادیم داود را ازما فضیلتی گفتیم ای کوهها باز گردید با او

والطير والنا له الحديد ۞ ان اعمل سابغات وقدر في السرد

و ای مرغان و نرم گردانیدیم مر او را آهن که بساز عمل زره گری را

واعملوا صالحا اني بما تعملون بصير ۞ ولسليمن الريح غدوها

و بکنید کاری نیکو بدرستی که من بانچه شما میکنید بینا ام و مسخر کردانیدیم سلیمان را باد که رفتن آن

شهر ورواحها شهر واسلنا له عين القطر ومن الجن من

مقدار ماهی بود و رفتن آن مقدار ماهی و روان ساختیم مر او را چشمه مس گداخته و از دیوان آنکه

يعمل بين يديه باذن ربه ومن يزغ منهم عن امرنا نذقه

کار میکرد در پیش او بفرمان پروردگار او و هر که برگشت از ایشان از فرمان ما در چشانیدیم او را

من عذاب السعير ۞ يعملون له ما يشاء من محاريب وتماثيل و

از عذاب آتش افروخته کار میکردند برای او آنچه میخواست از محرابها و تندیسها

جفان كالجواب وقدور راسيات اعملوا ال داود شكرا

و کاسهای همچون حوضها ... گفتیم ما کار کنید ای آل داود و شکر کنید

وقليل من عبادي الشكور ۞ فلما قضينا عليه الموت ما دلهم

و اندکی اند از بندگان من شکر گذار پس چون حکم کردیم بر او مرگ را دلالت نکرد ایشانرا

على موته الا دابة الارض تاكل منساته فلما خر تبينت الجن

بر مرگ او مگر جنبنده زمین که خورده بود از عصای او پس چون بیفتاد ... دیوان را

أن لو كانوا يعلمون الغيب ما لبثوا في العذاب المهين ۝ لقد

اگر بودندی دانستندی غیب را درنگ نکردندی در عذاب خوار کننده بدرستی

كان لسبإ في مسكنهم آية جنتان عن يمين وشمال كلوا

که بود مر اهل سبا را در مسکنهای ایشان نشانی دو بوستان از جانب راست و جانب چپ بخورید

من رزق ربكم واشكروا له بلدة طيبة ورب غفور

از روزی پروردگار شما و شکر گویید او را این شهری خوش است و پروردگاری آمرزگار

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم وبدلناهم

پس رو گردانیدند پس فرستادیم بر ایشان سیل رود عرم را و بدل کردیم ایشان را

بجنتيهم جنتين ذواتي أكل خمط وأثل وشيء

دو بستان ایشان به دو بستان خداوند میوه تلخ و گز و چیزی

من سدر قليل ذلك جزيناهم بما كفروا وهل نجازي

از کنار اندکی آن پاداشت دادیم ایشان را بآنچه کافر شدند و هیچ پاداش دهیم

إلا الكفور ۝ وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا

مگر ناسپاسان را و بدید کردیم میان ایشان و میان اهل دیهها آن دیههایی که برکت کردیم

فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي

در آنجا دیههای ظاهر و اندازه کردیم در آنجا رفتن را که بروید در آنجا شبها

وأياما آمنين ۝ فقالوا ربنا باعد بين أسفارنا وظلموا

و روزها ایمنان پس گفتند ای پروردگار ما دوری افکن میان سفرهای ما و ستم کردند

أنفسهم فجعلناهم أحاديث ومزقناهم كل ممزق

بر تنهای خود پس بکردیم ایشان را سخنانی و خرد و مرد کردیم ایشان را خرد و مرد کردنی

إن في ذلك لآيات لكل صبار شكور ۝ ولقد صدق

بدرستی که در آن هر آینه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده و بدرستی راست کرد

عليهم إبليس ظنه فاتبعوه إلا فريقا من المؤمنين

بر ایشان ابلیس گمان خود را پس پیروی کردند او را مگر گروهی از مومنان

وما كان له عليهم من سلطان إلا لنعلم من يؤمن

و نبود مر او را بر ایشان هیچ حجتی مگر تا جدا بازکنیم آن را که بگرود

بالآخرة ممن هو منها في شك وربك على كل شيء حفيظ

بآخرت آنکه او از آنجا در شک است و پروردگار تو بر همه چیزی نگهبانست

قل ادعوا الذين زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة

بگو بخوانید آنها را که دعوی کردید شما از جز خدا قادر نباشند هم سنگ مورچه

في السماوات ولا في الأرض وما لهم فيهما من شرك وما له

نه در آسمانها و نه در زمین و نبود مر ایشان را در آنها هیچ انبازی و نبود مر او را

منهم من ظهير ۝ ولا تنفع الشفاعة عنده إلا لمن أذن

از ایشان هیچ پشتی و سود نکند شفاعت نزد او مگر آن را که دستوری ده

له حتى إذا فزع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق

مر او را تا چون ترس از دلهای ایشان گویند چه گفت پروردگار شما گویند حق

وهو العلي الكبير • قل من يرزقكم من السموات
واوست افرشته بزرگوار بگو کیست که روزی دهد شما را از آسمانها
والأرض قل الله وإنا أو إياكم لعلى هدى أو في ضلال
و زمین بگو که خدا و بدرستی که ما و شما هر آئینه بر راه ایم یا در گمراهی
مبين • قل لا تسئلون عما أجرمنا ولا نسئل عما تعملون
روشن بگو نپرسند شما را از آنچه ما کرده باشیم و نپرسند ما را از آنچه شما کرده باشید
قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق وهو الفتاح
بگو جمع آورد میان ما پروردگار ما پس حکم کند میان ما بحق واوست حکم کننده
العليم • قل أروني الذين ألحقتم به شركاء كلا بل
دانا بگو باز نمایید بمن آنها را که داخل کرده بودید شما بدو انبازان حقا بلکه
هو الله العزيز الحكيم • وما أرسلناك إلا كافة
اوست خدای غالب محکم کار و نفرستادیم ترا مگر بهمه
للناس بشيرا ونذيرا ولكن أكثر الناس لا يعلمون
مردمان بشارت دهنده و بیم کننده ولیکن بیشترین مردمان نمیدانند
ويقولون متى هذا الوعد إن كنتم صادقين • قل لكم
و میگویند که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان بگو مر شما راست
ميعاد يوم لا تستأخرون عنه ساعة ولا تستقدمون
وعده جای روزی که باز پس نایستند ازان یک ساعت و نه وا پیش روند

نصف

وقال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذي بين
و گفتند آنها که کافر شدند بنگرویم بدین قرآن و نه بدانچه در پیش
يديه ولو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربهم يرجع
آنست و اگر بدیدی که چون ستمکاران ایستادگان باشند نزد پروردگار خود باز گردند
بعضهم إلى بعض القول يقول الذين استضعفوا للذين
بعضی ایشان با بعضی یک گفتار گویند آنها که ضعیفان بوده باشند مر آنها را
استكبروا لولا أنتم لكنا مؤمنين • قال الذين
که گردن کشی کرده باشند اگر نه شما می بودید هر آئینه بودیم مومنان گویند آنها
استكبروا للذين استضعفوا أنحن صددناكم عن الهدى
که گردن کشی کرده باشند مر آنها را که ضعیفان بوده باشند ای ما برگردانیدیم شما را از راه راست
بعد إذ جاءكم بل كنتم مجرمين • وقال الذين
پس از آنچه آمد بشما بلکه شما کافران بودید و گویند آنها که
استضعفوا للذين استكبروا بل مكر الليل والنهار
ضعیفان بوده باشند مر آنها را که گردن کشی کرده باشند بلکه ساختن شما بود بشب و روز
إذ تأمروننا أن نكفر بالله ونجعل له أندادا وأسروا
چون فرمودید ما را که کافر شویم بخدا و بدید کنیم مر او را همتایان و نهان کردند
الندامة لما رأوا العذاب وجعلنا الأغلال في أعناق
پشیمانی را چون ببینند عذاب و بدید بندها و غلها در گردنهای

الذين كفروا هل يجزون الا ما كانوا يعملون • وما ارسلنا

آنها که کافر شدند ای هیچ پاداشت داده نشوید مگر بآنچه ایشان کرده باشید و نفرستادیم ما

في قرية من نذير الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به كافرون

در هیچ دهی هیچ بیم کننده مگر که گفتند منعمان آنجا بدرستی که ما بدانچه فرستاده شده‌اید شما بدان کافرانیم

وقالوا نحن اكثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبين • قل

و گفتند ما بیشتریم بمال و فرزندان و نباشیم ما عذاب کردگان بگو

ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر ولكن اكثر

بدرستی که پروردگار من فراخ میگرداند روزی مرانرا که خواهد و تنگ باز کرد ولیکن بیشترین

الناس لا يعلمون • وما اموالكم ولا اولادكم بالتي

مردمان نمیدانند و نیستند مالهای شما و نه فرزندان شما بدان چیزی که

تقربكم عندنا زلفى الا من آمن وعمل صالحا فاولئك

نزدیک گرداند شما را نزدیک ما نزدیکی مگر آنکه بگروید و کاری نیکو کرد پس آن گروه

لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم في الغرفات آمنون

مر ایشانرا بود پاداشت دو چندان بدانچه کردند و ایشان در غرفهای بهشت ایمن باشند

والذين يسعون في آياتنا معاجزين اولئك في العذاب

و آنها که می‌ستیزند در نشانهای ما عاجز کنندگان آن گروه در عذاب

محضرون • قل ان ربي يبسط الرزق لمن يشاء من عباده ويقدر له

حاضر کردگان باشند بگو بدرستی که پروردگار من فراخ بکند روزی مرانرا که خواهد از بندگان خود و تنگ باز گیرد او را

وما انفقتم من شيء فهو يخلفه وهو خير الرازقين • ويوم

و آنچه نفقه کنید شما از چیزی پس او بازپس دارد آنرا و او بهترین روزی دهندگان است و روزی

نحشرهم جميعا ثم نقول للملائكة اهؤلاء اياكم كانوا

که جمع کنیم ایشانرا همه پس گوییم فرشتگانرا ای این گروه که شما را بودند

يعبدون • قالوا سبحانك انت ولينا من دونهم بل كانوا

می پرستیدند گویند پاک و منزهی تو خداوند ما از جز ایشان بلکه بودند

يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون • فاليوم لا يملك

می پرستیدند دیوانرا بیشترین ایشان بدانها بگرویدگان بودند پس امروز قادر نباشند

بعضكم لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذين ظلموا

بعضی شما مر بعضی را نه سودی و نه زیانی و گوییم مر آنها را که ستم کردند

ذوقوا عذاب النار التي كنتم بها تكذبون • واذا تتلى

در چشید عذاب آتش را آن آتشی که بودید شما آنرا دروغ میداشتید و چون خوانده شود

عليهم آياتنا بينات قالوا ما هذا الا رجل يريد ان

بر ایشان نشانهای ما روشن گویند نیست این مگر مردی که میخواهد که

يصدكم عما كان يعبد آباؤكم وقالوا ما هذا الا

باز گرداند شما را از آنچه بودند که می پرستیدند پدران شما و گفتند نیست این مگر

افك مفترى ۝ وقال الذين كفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا

دروغی بربافته وگفتند آنها که کافر شدند حق را چون آمد بدیشان نیست این مگر

سحر مبين ۝ وما آتيناهم من كتب يدرسونها وما ارسلنا

جادوئی روشن ونداديم ما ايشانرا هيچ كتابهائى كه درس كنند آنرا ونفرستاديم ما

اليهم قبلك من نذير ۝ وكذب الذين من قبلهم وما

بديشان پيش از تو هيچ بيم كننده وبدروغ داشتند آنها كه پيش از ايشان بودند و

بلغوا معشار ما آتيناهم فكذبوا رسلي فكيف

نرسيدند بده يكى آنچه داديم ما ايشانرا پس دروغ داشتند رسولان مرا پس چگونه

كان نكير ۝ قل انما اعظكم بواحدة ان تقوموا لله مثنى

بود عقوبت من بگو هر آينه پند ميدهم شمارا بيكى كه بايستيد مر خدايرا دو دو

وفرادى ثم تتفكروا ما بصاحبكم من جنة ان

وتنها پس انديشه كنيد كه نيست بصاحب شما هيچ ديوانگى نيست

هو الا نذير لكم بين يدي عذاب شديد ۝ قل ما سألتكم

او مگر بيم كننده مر شمارا از پيش عذاب سخت بگوى نخواهم از شما

من اجر فهو لكم ان اجري الا على الله وهو على كل شيء

هيچ مزدى پس آن مر شمارا باد نيست مزد من مگر بر خدا واو بر همه چيزى

شهيد ۝ قل ان ربي يقذف بالحق علام الغيوب ۝ قل جاء

گواه است بگو كه پروردگار من بيفكند حق را او است داننده ناپيدا بگو آمد

الحق وما يبدئ الباطل وما يعيد ۝ قل ان ضللت فانما

حق ونتواند آفريد بت چيزرا وباز نتواند آورد بگو اگر گمره شده باشم پس هر آينه

اضل على نفسي وان اهتديت فبما يوحي الي ربي انه سميع

كه زيان گمراهى بر تن من بود واگر راه يافته ام پس بسبب آنچيست كه وحى كرده ميشود بمن پروردگار من بدرستى كه او شنواى

قريب ۝ ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مكان

نزديكيست واگر ببينى چون فزع نمايند پس فوت نشوند از عذاب وگرفته شوند از جايگاهى

قريب ۝ وقالوا آمنا به وانى لهم التناوش من مكان

نزديك وگفتند بگرويديم ما بدو واز كجا بود مر ايشانرا از جايگاهى

بعيد ۝ وقد كفروا به من قبل ويقذفون بالغيب

دور وبدرستى كه كافر شدند بدان از پيش وميانداختند بناپيدا

من مكان بعيد ۝ وحيل بينهم وبين ما يشتهون

از جايگاهى دور ومانع شود ميان ايشان وميان آنچه آرزو كردند

كما فعل باشياعهم من قبل انهم كانوا في

همچنانكه كرده شد بگروهان ايشان از پيش بدرستى كه ايشان بودند در

شك مريب

شك تهمت آورنده

سورة الملائكة خمس واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملئكة رسلا

شکر و سپاس مر خدا را که نو آفریننده آسمانها و زمینست کرداننده فرشتکان رسولان

اولی اجنحة مثنی وثلث وربع یزید فی الخلق ما یشاء

خداوندان بالها دو دو و سه سه و چهار چهار زیادت کند در آفریدن آنچه خواهد

ان الله علی کل شیء قدیر ۝ ما یفتح الله للناس من رحمة

بدرستی که خدا بر همه چیزی تواناست آنچه بر کشاید خدا برای مردمان از رحمت

فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز

پس نکه دارنده نبود مر آنرا و آنچه منع کند پس فرستنده نبود مر آنرا از پس او و اوست غالب

الحکیم ۝ یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل من

محکم کار ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما ای هست

خالق غیر الله یرزقکم من السماء والارض لا اله الا هو فانی

هیچ آفریدکاری جز از خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی مکر او پس چکونه

تؤفکون ۝ وان یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک

بر کردانیده میشوید از حق و اکر بدروغ دارند ترا پس بدروغ داشتند رسولانی را ... ز تو بود

والی الله ترجع الامور ۝ یا ایها الناس ان وعد الله حق فلا

و با خدایست بازکشت کارها ای مردمان بدرستی که وعده خدا حقست پس

تغرنکم الحیوة الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور

بمفریباناد شما را زندکانی دنیا و مفریباناد شما را بخدا دیو فریبنده

ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا انما یدعوا حزبه

بدرستی که دیو مر شما را دشمنست پس فرا کیرید او را بدشمن بدرستی که او میخواند کروه خود را

لیکونوا من اصحاب السعیر ۝ الذین کفروا لهم عذاب

تا باشند از اصحاب آتش افروخته آنها که کافر شدند مر ایشانرا بود عذابی

شدید والذین امنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة

سخت و آنها که بکرویدند و کردند کارهای نیک مر ایشانرا بود آمرزشی

واجر کبیر ۝ افمن زین له سوء عمله فراه حسنا فان

و مزدی بزرک ای پس آنکه آراسته شد برای او بدی عمل او پس بیند آنرا نیکو پس بدرستی

الله یضل من یشاء ویهدی من یشاء فلا تذهب نفسک علیهم

که خدا کمراه کند آنرا که خواهد و راه نماید آنرا که خواهد پس مبراد تن تو بر ایشان

حسرات ان الله علیم بما یصنعون ۝ والله الذی ارسل الریاح

اندوههای بدرستی که خدا داناست بدانچه ایشان میسازند و خدا آن خدایست که فرستاد بادها

فتثیر سحابا فسقناه الی بلد میت فاحیینا به الارض بعد

پس برانکیزد ابر را پس درخورد دادیم آنرا بزمین مرده پس زنده کردیم بدان زمین را پس

موتها کذلک النشور ۝ من کان یرید العزة فلله

از مرکی آن همچنین بود برخاستن از کور هر که میخواهد عزت پس خدا راست

العزة جمیعا الیه یصعد الکلم الطیب والعمل

عزت همه با او بازکردد سخن پاک و کار

الصالح يرفعه والذين يمكرون السيئات لهم عذاب شديد

نیکو برافرازد آنرا و آنها که میسازند بدیها را ایشانرا بود عذابی سخت

ومكر اولئك هو يبور ۝ والله خلقكم من تراب

و مکر ایشان آن گروه آنست که ضایع بود و خدا آفرید شما را از خاک

ثم من نطفة ثم جعلكم ازواجا وما تحمل من انثى ولا تضع

پس از نطفه پس بگردانید شما را جفتان و بار بر ندارد هیچ ماده و بار نهد

الا بعلمه وما يعمر من معمر ولا ينقص من عمره الا

مگر بعلم او و زندگانی داده نشود هیچ زندگانی داده شده و باز کاهانیده نشود از عمر او مگر

في كتاب ان ذلك على الله يسير ۝ وما يستوي البحران

که در لوح ثابتست بدرستی که آن بر خدا آسانست و یکسان نیستند دو دریا

هذا عذب فرات سائغ شرابه وهذا ملح اجاج ومن كل

این خوش خوش گوارنده آشامیدن آن و این شور تلخ و از هر یکی

تأكلون لحما طريا وتستخرجون حلية تلبسونها و

میخورید گوشتی تازه و بیرون می آورید زیوری که در می پوشید آنرا

ترى الفلك فيه مواخر لتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون

و میبینی کشتی را در آن رونده تا بجویید از فضل او و تا بود که شما شکر کنید

يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل وسخر الشمس

در می آرد شب را در روز و در می آورد روز را در شب و مسخر کرد آفتاب

والقمر كل يجري لاجل مسمى ذلكم الله ربكم له

و ماه را همه میروند تا اجلی نام نهاده آنست خدا پروردگار شما مر او راست

الملك والذين تدعون من دونه ما يملكون من قطمير

پادشاهی و آنها که میخوانند از جز او قادر نیستند هیچ

ان تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم ولو سمعوا ما استجابوا

اگر خوانی ایشانرا نشنوند خواندن شما را و اگر شنوند پاسخ نکنند

لكم ويوم القيامة يكفرون بشرككم ولا ينبئك

مر شما را و در روز قیامت کافر شوند بانباز قرار داشتن شما و نیاگاهاند ترا

مثل خبير ۝ يا ايها الناس انتم الفقراء الى الله والله

مانند خدای آگاه ای مردمان شما محتاجانید با خدا و خدا

هو الغني الحميد ۝ ان يشأ يذهبكم ويأت بخلق

اوست بی نیاز ستوده اگر خواهد ببرد شما را و آورد خلقی

جديد ۝ وما ذلك على الله بعزيز ۝ ولا تزر وازرة وزر اخرى

نو و نیست آن بر خدا دشوار و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری

وان تدع مثقلة الى حملها لا يحمل منه شيء ولو كان ذا

و اگر خواند باری گران بار بر نتواند داشت از آن چیزی و اگرچه باشد خداوند

قربى انما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب واقاموا الصلوة

خویشی بدرستی که تو بیم کنی آنهارا که میترسند از پروردگار خود بنا دیده و بر پای دارند نماز

وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ
و هر که پاک شد پس سود پاک شدن در نفس او را بود و با خداست بازگشت کارها و یکسان نیستند نابینا
وَالْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ۝ وَمَا
و بینا و نه تاریکیها و نه روشنائی و نه سایه و نه حرارت و گرما
يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ
و یکسان نیستند زندگان و نه مردگان بدرستی که خدا شنوا کرداند آنرا که خواهد و نیستی تو
بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝ إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ
شنواننده آنرا که در گورها اند نیستی تو مگر بیم کننده بدرستی که بفرستادیم ما ترا بحق
بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۝ وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ۝ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ
بشارت دهنده و بیم کننده و نیستند هیچ گروهی مگر که گذشت در میان آنها بیم کننده و اگر دروغ دارند ترا
فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
پس بدرستی که دروغ داشتند آنها که پیش از ایشان بودند که آمدند بدیشان رسولان ایشان بمعجزات
وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۝ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ
و بکتابها و بکتابی روشن پس بگرفتم آنهارا که کافر شدند پس چگونه
كَانَ نَكِيرِ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ
بود عقوبت ای نمی‌نگری که خدا فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم ما بآن میوهائی
مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا
مختلف رنگهای آنرا و از کوهها سفید و سرخ مختلف رنگهای آن

وَغَرَابِيبُ سُودٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ
و سیاهی سیاه و از مردمان و جنبندگان و چهارپایان مختلف رنگهای آن
كَذَٰلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ۝
همچنین بدرستی که می‌ترسند از خدا از بندگان او دانایان بدرستی که خدا غالب آمرزگارست
إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا
بدرستی که آنها که میخوانند کتاب خدا را و بپای میدارند نماز را و نفقه میکنند از آنچه
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ۝ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ
روزی کردیم ایشانرا پنهان و آشکارا امید میدارند بازرگانی که کاسد نشود تا تمام بدهد ایشانرا مزدهای ایشان
وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا
و زیادت کند ایشانرا از فضل خود بدرستی که او آمرزگار شکرپذیرنده است و آنچه وحی کردیم ما
إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ
بتو از کتاب آن حق است براست دارنده مر آنچه در پیش آنست بدرستی که خدا ببندگان خود
لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ۝ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ
آگاه بیناست پس بمیراث بدادیم ما کتاب آنهارا که برگزیدیم ما از
عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ
بندگان ما پس از ایشان هست ستم کننده بر تن خود و از ایشان هست میانه نگهدارنده و از ایشان هست پیشی گیرنده
بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ۝ جَنَّاتُ
بخیرات بفرمان خدا آن آنست فضل بزرگ بهشتها

عدن يدخلونها يحلون فيها من أساور من ذهب ولؤلؤا

اقامت در روند درآنجا زیور در بر کنند درآنجا از دستورنجنهائی از طلا ومروارید

ولباسهم فيها حرير ۝ وقالوا الحمد لله الذي أذهب عنا

وپوشش ایشان درآنجا ابریشمینه بود وگویند بهشتیان سپاس مرخدارا آن خدایی که برد ازما

الحزن إن ربنا لغفور شكور ۝ الذي أحلنا دار المقامة من

اندوه را بدرستی که پروردگار ما آمرزگار شکرپذیرنده است آن خدایی که فرود آورد ما را درسرای اقامت از

فضله لا يمسنا فيها نصب ولا يمسنا فيها لغوب ۝

فضل خود نرسد بما درآنجا هیچ رنجی ونرسد بما درآنجا هیچ کرفتی

والذين كفروا لهم نار جهنم لا يقضى عليهم فيموتوا

وآنها که کافر شدند مرایشانرا بود آتش دوزخ حکم کرده نشود برایشان که بمیرند

ولا يخفف عنهم من عذابها كذلك نجزي كل كفور ۝

وسبک کرده نشود ازایشان از عذاب آن همچنین پاداشت دهیم هر ناسپاسی را

وهم يصطرخون فيها ربنا أخرجنا نعمل صالحا غير الذي

وایشان فریاد کنند درآنجا که ای پروردگار ما بیرون کن ما را ازین تا بکنیم کاری نیکو جز آنچه

كنا نعمل أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم

بودیم ما می کردیم گوید خدا ای نه زندگانی دادیم شما را که پند گیرد درآنجا آنکه پند گیرد وآمد بشما

النذير فذوقوا فما للظالمين من نصير ۝ إن الله عالم غيب السموات

بیم کننده کان پس درچشید پس نبود ستمکاران را هیچ یاری کننده بدرستی که خدا داننده ناپیداهای آسمانها

والأرض إنه عليم بذات الصدور ۝ هو الذي جعلكم خلائف

وزمین بدرستی که او داناست بسرایر سینها اوست آن خدایی که بکرد شمارا کاشتگان

في الأرض فمن كفر فعليه كفره ولا يزيد الكافرين كفرهم

درزمین پس هرکه کافر شود پس بر وبود زیان کفر او ونزیادت نکند کافرانرا کفر ایشان

عند ربهم إلا مقتا ولا يزيد الكافرين كفرهم إلا خسارا ۝

نزد پروردگار ایشان مگر شرمساری ونزیادت نکند کافرانرا کفر ایشان مگر زیانکاری

قل أرأيتم شركاءكم الذين تدعون من دون الله أروني

بگو ای می بینید شما انبازان خود آنها که میخوانند ازجز خدای بازنمائید مرا

ماذا خلقوا من الأرض أم لهم شرك في السموات أم آتيناهم كتابا

که چه چیز آفریدند از زمین یا مرایشانرا انبازی در آسمانها یا بدادیم مرایشانرا کتابی

فهم على بينت منه بل إن يعد الظالمون بعضهم بعضا إلا غرورا

پس ایشان بر حجتی اند ازان بلک وعده نمیدهند ستمکاران بعضی ایشان بعضی را مگر فریفتنی

إن الله يمسك السموات والأرض أن تزولا ولئن زالتا إن أمسكهما

بدرستی که خدا نگه میدارد آسمانها وزمین که بنیفتند ودرآنچه اگر زایل شوند نگه نتوانند داشت ایشانرا

من أحد من بعده إنه كان حليما غفورا ۝ وأقسموا بالله جهد

هیچ یکی از پس آن بدرستی که او هست بردبار آمرزگار وسوگند خوردند بخدای سوگندان

أيمانهم لئن جاءهم نذير ليكونن أهدى من إحدى الأمم

سخت ایشان که هرآئنه اگر آمدی بدیشان بیم کننده هرآئنه بودندی راه یابنده تر ازیکی ازدو گروه

فلما جاءهم نذير ما زادهم الا نفورا ۞ استكبارا في الارض

پس چون آمد بدیشان بیم کننده زیادت نشد ایشان را مگر رمیدنی گردنکشی در زمین

ومكر السيئ ولا يحيق المكر السيئ الا باهله فهل

و پاختن بدی و در نرسد ساختن بدی مگر باهل آن پس ای

ينظرون الا سنت الاولين ۞ فلن تجد لسنت الله تبديلا

هیچ نظر نکردند مگر بطریقت پیشینیان پس نیابی تو مر طریقت خدا را بدل کردنی

ولن تجد لسنت الله تحويلا ۞ اولم يسيروا في الارض فينظروا

و هرگز نیابی مر طریقت خدا را بگردیدنی ای نرفتند در زمین پس بنگرند

كيف كان عاقبة الذين من قبلهم وكانوا اشد منهم

که چگونه بود عاقبت آنها که پیش از ایشان بودند و بودند سخت تر از ایشان

قوة وما كان الله ليعجزه من شيء في السموات ولا في الارض

بقوت و نتوانند خدا را عاجز کردانید هیچ چیزی نه در آسمانها و نه در زمین

انه كان عليما قديرا ۞ ولو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا

بدرستی که او هست دانای توانا واگر واگرفتی خدا مردمان را بسبب آنچه اندوختند

ما ترك على ظهرها من دابة ولكن يؤخرهم الى اجل

نگذاشتی بر روی زمین هیچ جنبنده را ولیکن تاخیر میکند ایشان را تا اجلی

مسمى فاذا جاء اجلهم فان الله كان بعباده بصيرا

نام نهاده پس چون آید اجل ایشان پس خدا بحال بندگان خود بینا است

سورة يس ثلث وثمانون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

يس والقرآن الحكيم ۞ انك لمن المرسلين على صراط مستقيم

بحق قرآن با حکمت و محکم که تو هر آینه از جمله رسولانی بر راه راستی و حق

ای مهتر و بهتر رسولان

تنزيل العزيز الرحيم ۞ لتنذر قوما ما انذر اباؤهم فهم

فرو فرستاده این قرآن از خدای غالب مهربانست تا بیم کنی گروهی را که نیامد بیم کننده بپدران ایشان پس ایشان

غافلون ۞ لقد حق القول على اكثرهم فهم لا يؤمنون

غافلانند بدرستی که واجب شد گفتار وعید بر بیشترین ایشان پس ایشان نمی گروند

انا جعلنا في اعناقهم اغلالا فهي الى الاذقان فهم مقمحون

بدرستی که گردانیدیم در گردنهای ایشان بندهایی پس آنها تا زنخها باشند پس ایشان ترشرویان باشند

وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا

و کردیم ما از پیش ایشان بندی و از پس ایشان بندی

فاغشيناهم فهم لا يبصرون ۞ وسواء عليهم ءانذرتهم

پس بپوشانیدیم … پس ایشان نمی بینند و یکسانست بر ایشان ای کریم که …

ام لم تنذرهم لا يؤمنون ۞ انما تنذر من اتبع الذكر وخشي

یا بیم نکنی ایشان را … بدرستی که بیم کنی تو آنرا که پیروی کرد پند را و بترسید

الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ • إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي

از خدای روزی دهنده بنادیده پس بشارت ده او را بآمرزش و مزدی نیکو بدرستی که ما زنده کنیم

الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ

مردگان را و باز نویسیم آنچه در پیش داشته باشند و آنچه واپس داشته‌اند و هر چیزی برشمردیم ما آن را در لوح المحفوظ

مُبِينٍ • وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

روشن • و بدید کن برای ایشان مثل اصحاب شهر انطاکیه چون آمدند بدانجا رسولان

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ

چون بفرستادیم ما بدیشان دو رسول را پس دروغ داشتند آن دو را پس نیرومند گردانیدیم ما بسیم رسول

فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ • قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا

پس گفتند که ما بشما فرستادگانیم گفتند نیستید شما مگر آدمیانی مانند ما

وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ • قَالُوا رَبُّنَا

و فرو نفرستاد خدای روزی دهنده هیچ چیزی نیستید شما مگر دروغ میگوید گفتند پروردگار ما

يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ • وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ •

میداند که ما بشما فرستادگانیم و نیست بر ما مگر پیغام رسانیدن روشن

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ

گفتند که ما فال بد گرفتیم بشما هر آینه اگر باز نایستید سنگسار کنیم شما را و هر آینه برسد بشما

مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ • قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ

از ما عذابی دردناک گفتند فال بد شما با شماست ای اگر پند دهند شما را بلکه شما

قَوْمٌ مُسْرِفُونَ • وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا

گروهی گزاف‌کارانید و آمد از آخر شهر مردی می‌شتافت گفت ای قوم من پیروی کنید

الْمُرْسَلِينَ • اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ •

رسولان را پیروی کنید آن را که نمیخواهد از شما هیچ مزدی و ایشان راه یافتگانند

وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ • أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ

و چیست مرا که نپرستم آن خدایی که بیافرید مرا و با خدا او بازگردانیده شوید ای فرا گیرم از جز او

آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا

خدایانی را اگر خواهد بمن خدای روزی دهنده زیانی بنگزیرانند از من شفاعت ایشان چیزی را و نه

يُنْقِذُونِ • إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ • إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ

مرا توانند رهانید بدرستی که من آنگه در گمراهی روشن باشم بدرستی که من بگرویدم بپروردگار خود پس بشنوید از من

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ • بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ

گفته شد در رو در بهشت گفت حبیب نجار ای کاشکی قوم من بدانستندی بدانچه بیامرزید مرا پروردگار

جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ • وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ

و گردانید مرا از جمله گرامی کردگان و فرو نفرستادیم ما بر قوم او از پس او هیچ لشکری

مِنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ • إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا

از آسمان و نبودیم ما فرو فرستندگان نبود آن مگر یک بانگ زدن پس آنگه

هُمْ خَامِدُونَ • يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

ایشان مردگان بودند ای اندوها بر بندگان نیامد بدیشان هیچ رسولی مگر

كانوا به يستهزؤن ۝ الم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون

كه بود که نبود استهزا میکرد ای ندیدند که چند هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهان

انهم اليهم لا يرجعون ۝ وان كل لما جميع لدينا محضرون

که ایشان با ایشان باز نمی گردند و نیستی که همه ایشان نزدیک ما حاضر کردگان باشند

واية لهم الارض الميتة احييناها واخرجنا منها حبا فمنه

ونشانی است مر ایشان را زمین مرده که زنده میکردانیم آنرا و بیرون آوردیم از آنجا دانه پس از آن

ياكلون ۝ وجعلنا فيها جنات من نخيل واعناب وفجرنا

میخورند و بکردیم ما در آنجا بوستانهایی از خرما بستانها و انگور بستانها و روان کردیم ما

فيها من العيون ۝ ليأكلوا من ثمره وما عملته ايديهم

در آنجا از چشمها تا میخورند از میوهای آن و آنچه بکنند آنرا دستهای ایشان

افلا يشكرون ۝ سبحان الذي خلق الازواج كلها

ای پس شکر نمیکنند پاک و منزه است آن خدائی که آفرید صنفهارا همه آن

مما تنبت الارض ومن انفسهم ومما لا يعلمون ۝ واية

از آنچه بیرویاند زمین و از تنهای ایشان و از آنچه نمیدانند ونشانی است

لهم الليل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون ۝ والشمس

مر ایشان را شب که بیرون می آوریم از آن روز را پس آنگه ایشان در تاریکی بیرون آیند و آفتاب

تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم ۝ والقمر قدرناه

میرود تا آرامگاهی که مر او راست آن است تقدیر خدای غالب دانا و ماه را که اندازه کردیم ما آنرا

منازل حتى عاد كالعرجون القديم ۝ لا الشمس ينبغي لها ان

منزلهای تا گردد همچون چوب خشک دیرینه نه آفتاب را سزد مر آنرا که

تدرك القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون

دریابد ماه را و نه شب پیشی گیرنده بود بر روز و همه در فلک تسبیح میروند

واية لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون ۝ وخلقنا

ونشانی است مر ایشان را که در نشاندیم ما فرزندان ایشان را در کشتی پر کرده و آفریدیم ما

لهم من مثله ما يركبون ۝ وان نشا نغرقهم فلا صريخ لهم

مر ایشان را از مانندان آنچه بر وی نشینند یعنی کشتی و اگر خواستمانی غرق کردمانی ایشان را پس فریادرسی نبودی

ولا هم ينقذون ۝ الا رحمة منا ومتاعا الى حين ۝ واذا

ونه ایشان را توانستندی رهانید مگر برحمتی از ما و برخورداری تا هنگامی و چون

قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون

گویند مر ایشان را بترسید از آنچه در پیش شماست و آنچه از پس شما خواهد بود تا بود که شما رحمت کرده شوید

وما تاتيهم من اية من ايات ربهم الا كانوا عنها معرضين ۝ واذا

ونیامد بدیشان هیچ نشانی از نشانهای پروردگار ایشان مگر بودند از آن برگردندگان و چون

قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين

گویند مر ایشان را نفقه کنید از آنچه روزی کرد شمارا خدا گویند آنهارا که کافر شدند مر آنهارا

امنوا انطعم من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلال

که بگرویدند ای طعام دهیم آنرا که اگر خواستی خدا طعام دادی آنرا نیستید شما مگر در گمراهی

مُبِينٍ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ مَا يَنْظُرُونَ
روشن ‌ و میگویند ‌ کی خواهد بود این وعده ‌ اگر هستید شما راست گویان ‌ چشم نمیدارند
إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ۝ فَلَا
مگر یک بانگ زدن را ‌ که فرا گیرد ایشانرا ‌ و ایشان در خصومت باشند ‌ پس
يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَنُفِخَ
توانائی ندارند ‌ وصیت کردنی ‌ و نه با اهل خویش ‌ باز گردیدنی ‌ و در دمند
فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ۝ قَالُوا
در صور ‌ پس آنگه ایشان ‌ از گورها ‌ بسوی خدا پروردگار خود ‌ پوینده گان باشند ‌ گویند
يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ
ای وای بر ما ‌ که بر انگیزانید ما را ‌ از گور ما ‌ اینست ‌ آنچه ‌ وعده داد ‌ خدای روزی دهنده ‌ و راست گفتند
الْمُرْسَلُونَ ۝ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ
رسولان ‌ نبود آن ‌ مگر ‌ یک بانگ زدنی ‌ پس آنگه ایشان
جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ
همه ‌ نزدیک ما ‌ حاضر کرده شدگان ‌ پس امروز ‌ ستم کرده نشود ‌ هیچ تنی چیزی ‌ و پاداش داده نشوید
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ
مگر آنچه ‌ شما کرده باشید ‌ بدرستی که اصحاب بهشت ‌ امروز ‌ در کارها
فَاكِهُونَ ۝ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ
خوش عیشان ‌ ایشان ‌ و زنان ایشان ‌ در سایهائی ‌ بر تختهای آراسته تکیه کنندگان

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ
مر ایشانراست در آنجا ‌ میوهائی ‌ و مر ایشانراست آنچه خواهند ‌ گفتار سلامی از پروردگار
رَحِيمٍ ۝ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ۝ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ
مهربان ‌ و جدا شوید امروز ‌ ای گناهکاران ‌ ای نه عهد فرا گرفتم از شما
يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
مقطوع
ای فرزندان آدم ‌ که مپرستید دیو را ‌ بدرستی که او مر شما را دشمنی روشنست
وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَضَلَّ
و آنکه بپرستید مرا ‌ که اینست ‌ راه ‌ راست ‌ و بدرستی که گمراه کرد
مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَٰذِهِ
از شما ‌ گروهانی بسیار را ‌ ای پس نبستید که دریابید ‌ اینست
جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ
دوزخ ‌ آنکه شما را ‌ وعده میدادند ‌ در روید در آنجا امروز ‌ بسبب آنچه شما
تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ
کافر شدید ‌ امروز ‌ مهر نهیم ‌ بر دهنهای ایشان ‌ و سخن گویند با ما دستهای ایشان
وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا
و گواهی دهند ‌ پایهای ایشان ‌ بدانچه ایشان ‌ اندوخته باشند ‌ و اگر خواستمی مهر نهادمی
عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ
بر چشمهای ایشان ‌ پس پیشی گرفتندی ‌ راه را ‌ پس چگونه بدیدندی ‌ و اگر خواستمی

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

هر آینه مسخ کردمانی ایشانرا بر جایگاههای ایشان پس توانایی نداشتند رفتنی و نه بازگشتنی

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ • وَمَا عَلَّمْنَاهُ

و هر کرا زندگانی دهیم اورا سرنگون کنیم اورا در میان خلق ای پس استعمال عقل نمیکنید و نیاموختیم ما اورا

الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ • لِيُنْذِرَ

شعر و نسزد و لایق او نبود شعر گفتن نیست آن مگر پندی و قرآنی ظاهر الاعجاز تا بیم کند

مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ • أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا

آنرا که باشد زنده دل و درست شود گفتار وعید بر کافران ای ندیدند [illegible]

خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ

آفریدیم برای ایشان ازانچه کرده است دستهای قدرت ما چهارپایانی پس ایشان مر آنهارا مالکان اند

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ • وَ

و رام گردانیدیم ما آنهارا برای ایشان پس بعضی آنها را سوار میشوند و بعضی ازانها را میخورند

لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ • وَاتَّخَذُوا

و مر ایشانراست در آنها سودهائی و آشامیدنیهائی ای پس شکر نمیکنند و فرا گرفتند

مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنْصَرُونَ • لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ

از جز خدای خدایانی تا بود که ایشانرا یاری کنند توانائی نداشته باشند یاری کردن ایشانرا

وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ • فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ

و آن کفار مر آن اصنام را لشکری اند حاضران پس اندوهگین نکناد ترا گفتار ایشان بدرستی که ما میدانیم

مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ • أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ

آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکارا میکنند ای ندید آدمی که ما آفریدیم اورا از

نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ • وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ

نطفه پس آنگه او خصومت کننده روشنست و بزد برای ما مثلی و فراموش کرد آفریدن خودرا

قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ • قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ

گفت که زنده کند استخوانهارا و آن پوسیده و ریزیده بود بگو زنده کند آنرا آن خدایی که آفرید آنرا اول

مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ • الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ

بار و او بهمه آفریدنی داناست آن خدایی که پدید کرد برای شما از درخت

الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ • أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ

سبز آتش را پس آنگه شما ازان درخت گرد ملتهب [illegible] ای نیست آن خدای که آفرید

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ

آسمانها و زمینرا قادر و توانا برآنکه آفریند مانند ایشانرا آری قادرست و اوست

الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ • إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ

بسیار آفریدگار داناست بدرستی که فرمان او چون خواهد چیزی را گوید مر آنرا که باش

فَيَكُونُ • فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ

پس میباشد پس پاک و منزه است آن خدایی که بدست قدرت اوست پادشاهی همه چیزی و بسوی او

سورة الصافات مائة واثنان وثمانون آية تُرْجَعُونَ

باز گردانیده شوید

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده

والصافات صفا ۝ فالزاجرات زجرا ۝ فالتاليات ذكرا ۝

بحق فرشتگان صف زننده صف زدنی پس بحق ملائکه بازدارنده ابرها بازداشتنی پس بحق خوانندگان پندرا

ان الهكم لواحد ۝ رب السموات والارض وما بينهما ورب

بدرستی که خدای شما یکیست پروردگار آسمانها و زمین است و آنچه میان آن هردو است و پروردگار

المشارق ۝ انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب ۝ وحفظا

مشرق و مغربست بدرستی که بیاراستیم ما آسمان دنیارا بزینت ستارها و نگه داشتنی

من كل شيطان مارد ۝ لا يسمعون الى الملا الاعلى ويقذفون

از هر دیوی رانده که گوش باز نتوانند داشت بکلام فرشتگان و رانده شوند

من كل جانب ۝ دحورا ولهم عذاب واصب ۝ الا من خطف

از هر جهتی راندنی و مر ایشانرا بود عذابی دایم غیر منقطع مگر آنکه ربایند

الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب ۝ فاستفتهم اهم اشد

ایشانرا ربودنی پس در پی او ایستد پاره آتش سخت جهنده پس بپرس از کفار قریش ای ایشان سخت تر

خلقا ام من خلقنا انا خلقناهم من طين لازب ۝ بل

با آفرینش یا آنکه آفریدیم ما بدرستی که آفریدیم ما ایشانرا از گل دوسنده بلکه

عجبت ويسخرون ۝ واذا ذكروا لا يذكرون ۝ واذا راوا

عجب میدارند ترا و مسخرگی میکنند و چون پند دهند ایشانرا پند نگیرند و چون بینند

حزب

اية يستسخرون ۝ وقالوا ان هذا الا سحر مبين ۝ ائذا متنا

معجزه مبالغه نمایند در سخریت و گفتند نیست این مگر جادوئی روشن ای چون بمیریم ما

وكنا ترابا وعظاما ائنا لمبعوثون ۝ اوآباؤنا الاولون ۝ قل

و باشیم خاکی و استخوانها ای ما آیا برانگیختگان باشیم یا پدران ما اولینان بگو

نعم وانتم داخرون ۝ فانما هي زجرة واحدة فاذا هم

آری و شما خوار و شرمسار باشید پس بدرستی که آن یک نفخه بود پس آنگه ایشان

ينظرون ۝ وقالوا يا ويلنا هذا يوم الدين ۝ هذا يوم الفصل

نگرندگان باشند و گویند وای بر ما اینست روز جزا و حساب اینست روز حکم

الذي كنتم به تكذبون ۝ احشروا الذين ظلموا وازواجهم

آنچه بودید شما آنرا بدروغ میداشتید جمع کنید ای ملائکه آنهارا که ستم کردند و همجفتان ایشانرا

وما كانوا يعبدون ۝ من دون الله فاهدوهم الى صراط

و آنچه بودند می پرستیدند از غیر خدای پس راه نمایید ایشانرا بسوی

الجحيم ۝ وقفوهم انهم مسؤلون ۝ ما لكم لا تناصرون ۝

دوزخ و بازدارید ایشانرا که ازیشان سوال کنند چیست مر شمارا که یاری یکدیگر نمیکنید

بل هم اليوم مستسلمون ۝ واقبل بعضهم على بعض يتساءلون ۝

بلکه ایشان امروز گردن نهنده باشند و روی آورد بعضی ایشان بر بعضی یکدیگرا سوال کنند

قالوا انكم كنتم تأتوننا عن اليمين ۝ قالوا بل لم تكونوا مؤمنين ۝

گویند بدرستی که شما بودید می آمدید بما از جانب راست گویند بلکه نبودید شما مؤمنان

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطَانٍ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ

و نبود مارا بر شما هیچ حجتی بلکه بودید شما گروهی از حد درگذرندگان

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ۝ فَأَغْوَيْنَاكُمْ إِنَّا كُنَّا غَاوِينَ

پس واجب شد برما گفتار خدای ما بدرستی که ما چشندگانیم پس گمراه گردانیدیم ما شمارا بدرستی که بودیم ما از جمله گمراهان

فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ

پس بدرستی که ایشان آن روز در عذاب انبازان باشند بدرستی که ما همچنین

نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ

کنیم بگناهکاران بدرستی که ایشان بودند چون گفتندی ایشان را نیست خدای مگر خدا

يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُو آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ

گردنکشی کردند و گفتند ای ما ترک کنندگان باشیم خدایان خودرا از برای شاعری

مَّجْنُونٍ ۝ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِنَّكُمْ لَذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِيمِ

دیوانه بلکه آمد محمد بحق و باور داشت رسولانرا بدرستی که شما چشندگان عذاب دردناکید

وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

و پاداش داده نشوید مگر آنچه شما کرده باشید مگر بندگان خدا مخلص کاران

أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ۝ فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ

آن گروه مرایشان را بود روزی دانسته میوه‌ها و ایشان گرامی داشتگان

فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ ۝ يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ

در بستانهای پر نعمت بر تختهای آراسته روبروی یکدیگر گردانیده شود برایشان جامهای

مِّن مَّعِينٍ ۝ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِّلشَّارِبِينَ ۝ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ

از چشمه هویدا خمری سفید بالذت مرآشامندگانرا نبینید در آنجا گزندی و نه ایشان از آن دردسر بینند

وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ۝ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَّكْنُونٌ

و نزدیک ایشان باشند زنان تنگ چشم که بجز شوهران ننگرند گوییا که ایشان مرواریدی باشند پنهان داشته در صدف

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي

پس روی فراکنند بعضی ایشان بر بعضی از هم پرسند گوید گوینده از ایشان که

كَانَ لِي قَرِينٌ ۝ يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ۝ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

بود مرا همنشینی میگفت که آیا تو از جمله باوردارندگانی حشررا آیا چون بمیریم و باشیم خاکی

وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ ۝ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ۝ فَاطَّلَعَ فَرَآهُ

و استخوانهایی آیا باشیم ما جزا بازدادگان گوید آن گوینده ای هیچ شما دیده دریشید پس دیده ورشود پس بیند او را

فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۝ قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ۝ وَلَوْلَا نِعْمَةُ

در میان دوزخ گوید آن قایل بحق خدا که بیم بود که هلاک گردانی مرا واگر نعمت

رَبِّي لَكُنتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۝ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ۝ إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا

پروردگار من نبودی از جمله حاضران در عذاب ای نباشیم ما مردگان مگر مردن ما اول بار و نباشیم

نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ

ما عذاب کردگان بدرستی که این نعمت جاودانه هرآینه آنست رستگاری بزرگ برای مانند این باید که کار کنند

الْعَامِلُونَ ۝ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً

کارکنندگان ای این بهتر بمعد یا درخت زقوم بدرستی که گردانیدیم ما آنرا سبب آزمایش

لِلظَّالِمِينَ ۝ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ۝ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ

مر ستمکاران را بدرستی که آن درختی بود بیرون آمده در میان دوزخ خوشه آن گویا که

رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ۝ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا

سرهای دیوان باشند پس بدرستی که ایشان هر آینه خورندگان باشند از آنجا پس پر کنندگان باشند از آن

الْبُطُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ۝ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ

شکمها را پس بدرستی که مر ایشان را بود بر آن هر آینه آشامیدنی از آب گرم پس بدرستی که بازگشت ایشان

لَإِلَى الْجَحِيمِ ۝ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ۝ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ

سوی دوزخ بود بدرستی که ایشان یافتند پدران خود را گمراهان پس ایشان بر اثرهای خود

يُهْرَعُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

می شتابند و بدرستی که گمره شدند پیش از ایشان بیشتری از اولینیان و بدرستی که فرستادیم ما

فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ۝ إِلَّا

در میان ایشان بیم کنندگان را پس بنگر که چگونه بود عاقبت بیم کردگان مگر

عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ۝

بندگان خدا خالص کاران و بدرستی که برخواند ما را نوح پس نیکو پاسخ کنندگانیم

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ۝ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ

و برهانیدیم ما او را و اهل او را از اندوه بزرگ و گردانیدیم ما فرزندان او را

هُمُ الْبَاقِينَ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي

که ایشان بودند باقی ماندگان و بگذاشتیم ما بر نوح این کلمه را در میان امم بازپسین که سلام باد بر نوح در میان

الْعَالَمِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

جهانیان بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را بدرستی که او بود از جمله بندگان ما مؤمنان

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ۝ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ

پس غرق کردیم ما دیگران را و بدرستی که از متابعان نوح بود ابراهیم چون آمد پروردگار خود

بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝ أَئِفْكًا

بدلی باسلامت چون گفت مر پدر خود را و قوم خود را که چه چیز می پرستند ای بدروغ بر بافند

آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ۝ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَنَظَرَ

خدایان را جز خدا میخواهید پس چیست گمان شما بپروردگار جهانیان پس نظر کرد

نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ۝ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ۝ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

نگرستنی در ستارگان پس گفت که من بیمارم پس برگشتند از و پشت برگنندگان

فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

پس پنهان برفت بسوی بتان ایشان پس گفت ای نمیخورید باستهزا چیست شما را که سخن نمیگوئید

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ ۝ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ۝ قَالَ

پس حمله برد بر ایشان زدنی بدست راست پس روی فرا کردند آن گروه بسوی او بشتاب میدویدند گفت

أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ۝ قَالُوا ابْنُوا لَهُ

ای می پرستید آنچه میتراشید و خدا آفرید شما را و آنچه میسازید گفتند بنا کنید برای سوختن او

بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۝ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ

بنائی عالی پس اندازید او را در میان آتش پس خواستند بدو کیدی پس گردانیدیم ما ایشان را

الأسفلين • وقال إني ذاهب إلى ربي سيهدين • رب هب لي

زیر تریان وگفت که من رونده‌ام سوی فرموده پروردگار خود زود راه نماید مرا ای پروردگار من بخش مرا

من الصالحين • فبشرناه بغلام حليم • فلما بلغ معه السعي

فرزندی از جملهٔ صالحان پس بشارت دادیم اورا بفرزندی بردبار پس چون برسید با او بحد بلوغ

قال يا بني إني أرى في المنام أني أذبحك فانظر ماذا ترى • قال

گفت ای پسرک من بدرستی که من در خواب میبینم که میکشم ترا پس بنگر که چه می‌بینی گفت

يا أبت افعل ما تؤمر ستجدني إن شاء الله من الصابرين

ای پدر من بکن آنچه فرموده‌اند ترا زود یابی مرا اگر خواهد خدا از جملهٔ صابران

فلما أسلما وتله للجبين • وناديناه أن يا إبراهيم • قد صدقت

پس چون منقاد شدند و فگند اورا بر یکسوی پیشانی و برخواندیم اورا که ای ابرهیم بدرستی که راست کردی

الرؤيا إنا كذلك نجزي المحسنين • إن هذا لهو البلاء

خواب بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را بدرستی که آن مراینه آزمایشی بود

المبين • وفديناه بذبح عظيم • وتركنا عليه في الآخرين

روشن و بدیه فرستادیم اورا کبشی بزرگ و بگذاشتیم ما برو ثنای نیکو در زبان پسینیان

سلام على إبراهيم • كذلك نجزي المحسنين • إنه من

که سلام باد بر ابرهیم همچنین پاداشت دهیم ما نیکوکاران را بدرستی که او بود از جملهٔ

عبادنا المؤمنين • وبشرناه بإسحق نبيا من الصالحين

بندگان ما مومنان و بشارت دادیم اورا باسحق پیغمبری از جملهٔ نیکوکاران

وباركنا عليه وعلى إسحق ومن ذريتهما محسن وظالم

و برکت کردیم ما برو و بر اسحق و از فرزندان ایشان بودند نیکوکار و ستمکار

لنفسه مبين • ولقد مننا على موسى وهرون • ونجيناهما

بر تن خود روشن و بدرستی که منت نهادیم ما بر موسی و هارون و برهانیدیم ما ایشانرا

وقومهما من الكرب العظيم • ونصرناهم فكانوا هم

و قوم ایشانرا از اندوه بزرگ و یاری کردیم ما ایشانرا پس بودند ایشان

الغالبين • وآتيناهما الكتاب المستبين • وهديناهما

غالبان و بدادیم ما ایشانرا کتاب توراة و بیان روشن و راه نمودیم ما ایشانرا

الصراط المستقيم • وتركنا عليهما في الآخرين • سلام

راه راست و بگذاشتیم ما بر ایشان ثنای نیکو در زبان پسینیان که سلام باد

على موسى وهرون • إنا كذلك نجزي المحسنين • إنهما من

بر موسی و هارون بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکارانرا بدرستی که ایشان از جملهٔ

عبادنا المؤمنين • وإن إلياس لمن المرسلين • إذ قال لقومه

بندگان ما بودند مومنان و بدرستی که الیاس از جملهٔ رسولان بود چون گفت مر قوم خود را

ألا تتقون • أتدعون بعلا وتذرون أحسن الخالقين • الله

ای نمی پرهیزید ای میخوانید بت را و میگذارید نیکوترین آفرینندگانرا خدا است

ربكم ورب آبائكم الأولين • فكذبوه فإنهم لمحضرون

پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان پس دروغ داشتند اورا پس ایشان حاضران در عذاب

إلا عباد الله المخلصين ۝ وتركنا عليه في الآخرين ۝ سلام
مگر بندگان خدا خالص کاران و بگذاشتیم ما برو ثنای نیکو در زبان باز پسینان که سلام باد
على آل ياسين ۝ إنا كذلك نجزي المحسنين ۝ إنه من
بر الیاسین و آل پیغمبر بدرستی که ما همچنین پاداشت دهیم نیکوکاران را بدرستی که او بود از جمله
عبادنا المؤمنين ۝ وإن لوطا لمن المرسلين ۝ إذ نجيناه و
بندگان ما مومنان و بدرستی که لوط از جمله رسولان بود چون برهانیدیم او را
أهله أجمعين ۝ إلا عجوزا في الغابرين ۝ ثم دمرنا الآخرين
و اهل او را همه مگر پیرزنی که از جمله بازماندگان در هلاکت بود پس هلاک کردیم دیگران را
وإنكم لتمرون عليهم مصبحين ۝ وبالليل أفلا تعقلون
و بدرستی که شما میگذشتید بر قوم لوط در وقت بامدادان و بشب ای پس استعمال عقل نمیکنید
وإن يونس لمن المرسلين ۝ إذ أبق إلى الفلك المشحون ۝ فساهم
و بدرستی که یونس از جمله رسولان بود چون گریخت سوی کشتی پر کرده پس قرعه زد
فكان من المدحضين ۝ فالتقمه الحوت وهو مليم
پس بود از جمله مغلوبان بقرعه پس فرو برد او را ماهی و او سزاوار ملامت بود
فلولا أنه كان من المسبحين ۝ للبث في بطنه إلى يوم
پس اگر نه آن بودی که او از جمله تسبیح کنندگان بودی هر آینه درنگ کردی در شکم او تا روزی که
يبعثون ۝ فنبذناه بالعراء وهو سقيم ۝ وأنبتنا عليه
برانگیخته شوند خلایق پس انداختیم او را بمکانی خالی و او بیمار بود و برویانیدیم ما برو

نصف

شجرة من يقطين ۝ وأرسلناه إلى مائة ألف أو يزيدون ۝ فآمنوا
درختی از کدو بجهت سایه و بفرستادیم ما او را بسوی صد هزار تن یا زیاده پس بگرویدند
فمتعناهم إلى حين ۝ فاستفتهم ألربك البنات ولهم
پس برخورداری دادیم ما ایشان را تا هنگامی پس خبر پرس از کفار مکه ای پروردگار تراست دختران و مر ایشان راست
البنون ۝ أم خلقنا الملائكة إناثا وهم شاهدون ۝ ألا
پسران یا آفریدیم ما فرشتگان را مادگان و ایشان حاضران بودند آگاه باش
إنهم من إفكهم ليقولون ۝ ولد الله وإنهم لكاذبون
بدرستی که ایشان از دروغ ایشان هر آینه که میگویند فرزند دارد خدا و ایشان دروغ زنانند
أصطفى البنات على البنين ۝ ما لكم كيف تحكمون ۝ أفلا
ای برگزید دختران را بر پسران چیست مر شما را چگونه حکم میکنید ای پس
تذكرون ۝ أم لكم سلطان مبين ۝ فأتوا بكتابكم
پند نمیگیرید یا مر شما راست حجتی روشن پس بیارید حجت خود را
إن كنتم صادقين ۝ وجعلوا بينه وبين الجنة نسبا ولقد
اگر هستید شما راست گویان و پدید کردند میان او و میان ملائکه نسبتی و بدرستی
علمت الجنة إنهم لمحضرون ۝ سبحان الله عما يصفون ۝ إلا
که دانستند ملائکه که ایشان حاضر کردگان باشند پاک و منزه است خدا از آنچه صفت میکنند مگر
عباد الله المخلصين ۝ فإنكم وما تعبدون ۝ ما أنتم عليه بفاتنين
بندگان خدا خالص کاران پس بدرستی که شما و آنچه می پرستید نیستید شما بر خدای گمراه کننده
بندگان او را [illegible]

الا من هو صال الجحيم • وما منا الا له مقام معلوم • وانا لنحن

مگر آنرا که او در رونده بود در دوزخ و نیستند هیچ از ملائکه مگر که او را مقامی معلوم است و بدرستی که مائیم

الصافون • وانا لنحن المسبحون • وان كانوا ليقولون • لو ان عندنا

صف زنندگان و بدرستی که مائیم تسبیح کنندگان و بدرستی که بودند مر آنرا بگویند اگر بودی نزدیک ما

ذكرا من الاولين • لكنا عباد الله المخلصين • فكفروا

پندی از اولینان مر آینه بودمانی بندگان خدا خالص کاران پس کافر شدند

به فسوف يعلمون • ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا

بخدا پس زود بدانند و بدرستی که پیشی گرفت این کلمه ما بر بندگان ما

المرسلين • انهم لهم المنصورون • وان جندنا لهم

رسولان فرستاده بدرستی که ایشان مر ایشانند منصوران و بدرستی که لشکرهای ما ایشانند

الغالبون • فتول عنهم حتى حين • وابصرهم فسوف يبصرون

غالبان پس برگرد از ایشان تا هنگامی و چشم دار بدیشان پس زود بینند

افبعذابنا يستعجلون • فاذا نزل بساحتهم فساء صباح

ای پس بعذاب ما شتاب میخواهند پس چون فرود آید بپیش سرای ایشان پس زود بود صباح

المنذرين • وتول عنهم حتى حين • وابصر فسوف يبصرون

بیم کردگان و برگرد از ایشان تا هنگامی و چشم دار پس زود بینند

سبحان ربك رب العزة عما يصفون • وسلام على المرسلين

پاکی و منزهی است پروردگار تو پروردگار بعزت از آنچه صفت میکنند و سلام باد بر رسولان

والحمد لله رب العالمين

و سپاس و خدا را که پروردگار جهانیانست

سورة ص ثمان وثمانون

بسم الله الرحمن الرحيم

ص والقرآن ذي الذكر • بل الذين كفروا في عزة وشقاق

صدق الله راست فرمود خدا بحق قرآن خداوند و شرف بلک آنها که کافر شدند در غروری و بدبختی اند

كم اهلكنا من قبلهم من قرن فنادوا ولات حين

بسا که هلاک کردیم ما پیش از ایشان از گروهان پس برخواندند مرا و نبود آن هنگام

مناص • وعجبوا ان جاءهم منذر منهم وقال الكافرون هذا

گریختن و عجب داشتند که آمد بدیشان بیم کننده از ایشان و گفتند کافران این

ساحر كذاب • اجعل الالهة الها واحدا ان هذا لشيء

جادوی بس دروغ گوی است ای کرد این خدایانرا یک خدا بدرستی که این مرآینه چیزی

عجاب • وانطلق الملا منهم ان امشوا واصبروا على الهتكم

عجب است و رفتند اشراف از قریش از حضرت رسول میگفتند با یکدیگر که بروید و صبر کنید بر خدایان خود

ان هذا لشيء يراد • ما سمعنا بهذا في الملة الاخرة ان هذا

بدرستی که این کار محمد چیزیست که خواسته است نشنیدیم ما این را در ملت از پیشینیان نیست این

الا اختلاق • ءانزل عليه الذكر من بيننا بل هم في شك

مگر دروغی بربافته ای فرو فرستاده شد برو پند از میان ما بلک ایشان در شکی اند

مِن ذِكْرِي بَل لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ • أَمْ عِندَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ

از یاد کردن من بلکه نچشیده‌اند عذاب من را یا نزد ایشانست خزینهای رحمت پروردگار تو

الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ • أَمْ لَهُم مُّلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

خدای غالب بخشاینده یا مر ایشان راست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است

فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ • جُندٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ •

پس گو بالا روند در معراج آسمانها لشکری اند در مقام عداوت رسولان که منهزم خواهند بود از گروهان

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ • وَثَمُودُ

دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح نوح را و قوم هود و فرعون خداوند میخها و قوم صالح

وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ • إِن كُلٌّ

و قوم لوط و اصحاب بیشه شعیب آن گروه جمعند بعداوت انبیا نبودند همه ایشان

إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ • وَمَا يَنظُرُ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً

مگر که دروغ داشتند رسولان را پس واجب شد عقوبت من و چشم نمیدارند این گروه مگر بانگ یکی

٥ وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقٍ • وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

بانگ زدنی نبود مر آن را هیچ مهلتی و گفتند ای پروردگار ما تعجیل کن برای ما قسمت و نصیب ما پیش از روز شمار

اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ

صابر باش بر آنچه میگویند و یاد کن بنده ما را داود خداوند قوت در دین بدرستی که او بازگشت کننده است بدرگاه

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ • وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

بدرستی که ما مسخر کرده بودیم کوهها را با او تسبیح میگوید بشبانگاه و در بامداد و مرغان را جمع کرده

كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ • وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَآتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ

همه مر او را بازگشت کننده و قوی گردانیده بودیم پادشاهی او را و بداده بودیم او را حکمت و فصل حکومات باقدرت

وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ • إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ

و بدرستی که آمد بتو خبر دو خصم چون بر آمدند بر دیوار محراب چون در رفتند بر داود

فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَاحْكُم

پس بترسید از ایشان گفتند مترس ما دو خصمیم ستم کرد بعضی از ما بر بعضی پس حکم کن

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ • إِنَّ هَٰذَا

میان ما بحق و جور مکن و راه نمای ما را بر راه راست بدرستی که این

أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا

برادر من او را نود و نه گوسپندست و مرا یک گوسپندست پس گفت ضم گردان آن را

وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ • قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ

و غلبه کرد با من در خطاب گفت داود بدرستی که ستم کرد بر تو بسؤال گوسپند تو با خود گوسپندان خود

وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا

و بدرستی که بسیاری از انبازان مر اینها ستم میکنند بعضی ایشان بر بعضی مگر آنها که

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ

داده بودند کارهای شایسته و اندک اند ایشان و دانست داود که ما آزموده بودیم او را

سجده

فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ • فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ

پس آمرزش خواست از پروردگار خود و در روی افتاد رکوع کننده و بازگشت بدرگاه پس آمرزیدیم ما او را آن

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ۞ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً

و بدرستی که او را بود نزدیک ما هر آینه منزلتی و نیکو بازگشتن جایی ای داود بدرستی که ما گردانیدیم ترا خلیفه

فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ

در زمین پس حکم کن میان مردمان بحق و پیروی مکن هوا و خواهش نفس را پس بگرداند ترا

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ

از راه خدا بدرستی که آنها که گمراه شوند از راه دین خدا مر ایشانرا بود عذابی

شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ۞ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ

سخت بدانچه فراموش کردند روز جزا و شمار و نیافریدیم ما آسمان و زمین را

وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

و آنچه میان ایشانست بباطل آنست گمان آنها که کافر شدند پس وای مر آنها را که کافر شدند

مِنَ النَّارِ ۞ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ

از آتش یا بکنیم آنها را که بگرویدند و کارهای نیکو کردند همچون تباهی کنندگان

فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۞ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ

در زمین یا بکنیم پرهیزکارانرا همچون کافران این قرآنیست که فرو فرستادیم آنرا

إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

بتو خجسته تا اندیشه کنند در نشانهای او و تا پند گیرند خداوندان خردها

وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۞ إِذْ عُرِضَ

و بخشودیم ما داود را سلیمان نیکو بنده بدرستی که او بود بادرگاه آینده چون عرضه داده

عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ۞ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ

برو بشبانگاه اسپان نیک رو را پس گفت که من اختیار کردم دوستی اسپانرا

عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۞ رُدُّوهَا عَلَيَّ

از یاد کرد پروردگار خود تا پوشیده شد آفتاب بپرده حجاب بازگردانید آن خیل را بر من

فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ۞ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ

پس در ایستاد می بریدند بریدنی بساقها و گردنهای آن اسپانرا و بدرستی که آزمودیم ما سلیمانرا

وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۞ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي

و انداختیم ما بر تخت او تنی را پس بازآمد بادرگاه ما گفت ای پروردگار من بیامرز مرا

وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنْتَ

و ببخش مرا پادشاهی که نسزد مر هیچ کس را پس از من بدرستی که تو توئی

الْوَهَّابُ ۞ فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ

بسیار بخشنده پس مسخر کردیم ما او را باد میرفت بفرمان او نرم و خوش هر کجا که میخواست

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ۞ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

و دیوانرا هر بنا کننده و بدریا فرو شونده و دیگران با یکدیگر قرین کرده در قیدها

هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۞ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا

این ملک و تسخیر شیاطین بخشش ما بود پس بده آنرا که خواهی یا بازدار بی حساب و بدرستی که او راست نزدیک ما

لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ۞ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ

منزلتی و نیکو بازگشتن جایی و یاد کن بنده ما را ایوب چون بر خواند پروردگار خود را

أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۝ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَٰذَا
که برسید بمن از دیو رنجی و عذابی گفتیم بزن پای خود را بزمین این آب
مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ
موضع غسل آوردنست خنک و آشامیدنی باشد و بخشودیم مر او را اهل او و مانند ایشان با ایشان
رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب
رحمتی از ما و پندی مر خداوندان خردها را و فراگیر بدست خود یک دسته گیاه پس بزن
بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ
بآن خود را و بزه مند مشو در سوگند بدرستی که ما یافتیم او را صابر نیکو بنده بدرستی که او بازگردنده است
وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي
و یاد کن بندگان ما ابرهیم و اسحق و یعقوب خداوندان قوت
وَالْأَبْصَارِ ۝ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ۝ وَإِنَّهُمْ
و بیناها بدرستی که خالص گردانیدیم ما ایشان را … و یاد کرد آخرت و بدرستی که ایشان
عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ۝ وَاذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ
نزد ما هر آینه از جمله برگزیدگان اخیار باشند و یاد کن اسمعیل و الیسع
وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ۝ هَٰذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ
و ذا الکفل و همه بودند از برگزیدگان این قرآن پندیست و بدرستی که پرهیزکاران را
لَحُسْنَ مَآبٍ ۝ جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ۝ مُتَّكِئِينَ فِيهَا
هر آینه نیکو بازگشتی بهشتهای اقامت گشوده مر ایشان را درها تکیه زنندگان در آنجا

حزب

يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ۝ وَعِندَهُمْ قَاصِرَاتُ
خواهند در آنجا میوهای بسیار را و آشامیدنی تمام و نزد ایشان بود زنان نارپستان
الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ۝ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا
تنگ چشم که بجز سوی شوی خود ننگرید هم زادان یکدیگر این آنچه وعده میداده شما را بروز حساب و شمار بدرستی که اینست روزی ما
مَا لَهُ مِن نَّفَادٍ ۝ هَٰذَا وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ۝ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا
نبود مر آنرا هیچ انقطاعی کار اینست که مر کافران را بود بدترین بازگشتن جای دوزخ درآیند در آنجا
فَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ۝ وَآخَرُ
پس بد بستریست گسترده آن گوید اینست عذاب پس بچشید آن را آب گرم و آنچه از تن دوزخیان بود و عذابی دیگر
مِن شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ۝ هَٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ
از جنس آن … همه اصناف … گویند این جمعی … اتباع … درآینده اند با شما هیچ فراخی مکان مباد
إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ۝ قَالُوا بَلْ أَنتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا
بدرستی که ایشان در آینده باشند در آتش گویند اتباع بلکه شما را فراخی مکان مباد شما فرا پیش داشتید آن را ما را
فَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ قَالُوا رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا
پس بد قرارگاهیست گویند اتباع ای پروردگار ما هر که پیش داشت ما را این پس بیفزای او را عذابی دو چندان
فِي النَّارِ ۝ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ الْأَشْرَارِ
در آتش و گویند دوزخیان چیست ما را که نمی بینیم مردانی را که بودیم می شمردیم ایشان را از بدان
أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ۝ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ
آیا فرا گرفتیم ما ایشان را بافسوس یا بگشت از ایشان چشمهای ما بدرستی که آن هر آینه حق است خصومت

اهل النار ۝ قل انما انا منذر وما من اله الا الله الواحد القهار
اهل آتش بگو بدرستی که من بیم کننده ام و نیست هیچ خدایی مگر خدای یکتای قهر کننده
رب السموات والارض وما بينهما العزيز الغفار ۝ قل هو
اوست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست خدای غالب آمرزگار بگو آن
نبأ عظيم ۝ انتم عنه معرضون ۝ ما كان لي من علم بالملإ
خبری بزرگست که شما از آن برگردندگانید نیست مرا هیچ دانشی بفرشتگان
الاعلى اذ يختصمون ۝ ان يوحى الي الا انما انا نذير مبين ۝ اذ قال
افرشته چون خصومت میکردند در کار آدم وحی کرده نمیشود بمن مگر که من بیم کننده روشنم چون گفت
ربك للملائكة اني خالق بشرا من طين ۝ فاذا سويته و
پروردگار تو بفرشتگان که من آفریننده ام آدمی را از گل پس چون راست اندام گردانم ورا
نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين ۝ فسجد الملائكة كلهم
و در دمم درو از جان پس بروی در افتید او را بسجده تواضع و تکریم پس سجده کرد فرشتگان همه ایشان
اجمعون ۝ الا ابليس استكبر وكان من الكافرين ۝ قال
بتمامی مگر ابلیس که گردنکشی کرد و بود از جمله کافران گفت خدا
يا ابليس ما منعك ان تسجد لما خلقت بيدي استكبرت ام كنت
ای ابلیس چه مانع شد ترا که سجده نکردی مرآنرا که آفریدم بدو دست قدرت خود ای گردنکشی کردی تو یا
من العالين ۝ قال انا خير منه خلقتني من نار وخلقته من طين
بودی از جمله از فرشتگان گفت که من بهترم از او آفریدی مرا از آتش و آفریدی ورا از گل

قال فاخرج منها فانك رجيم ۝ وان عليك لعنتي الى يوم الدين
گفت خدا بیرون رو از رحمت من که تو رانده و بدرستی که بر توست لعنت من تا روز قیامت
قال رب فانظرني الى يوم يبعثون ۝ قال فانك من المنظرين ۝ الى
گفت ای پروردگار من زمان ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند گفت خدا که تو از جمله زمان دادگانی تا
يوم الوقت المعلوم ۝ قال فبعزتك لاغوينهم اجمعين ۝ الا
روز وقت دانسته گفت ابلیس که بعزت و عظمت تو که بیراه گردانیدم البته ایشانرا همه مگر
عبادك منهم المخلصين ۝ قال فالحق والحق اقول لاملأن
بندگان ترا بعضی از ایشانرا مخلصان گفت خدا پس حقست و حق میگویم که پر کنم
جهنم منك وممن تبعك منهم اجمعين ۝ قل ما اسألكم
دوزخ را از تو و از آنکه پیروی کرده بود ترا از ایشان همه بگو نمیخواهم از شما
عليه من اجر وما انا من المتكلفين ۝ ان هو الا ذكر للعالمين
بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی و نیستم من از جمله تکلیف نمایندگان نیست آن مگر پندی مر عالمیانرا
ولتعلمن نبأه بعد حين
و هرآینه بدانید خبر آنرا پس از هنگامی

سورة الزمر خمس وسبعون

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشاینده مهربان
تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ انا انزلنا اليك
فرو فرستادن این قرآن از خدای غالب محکم کار است بدرستی که فرو فرستادیم بتو

الكتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدين الا لله الدين الخالص
قرآنرا بحق پس بپرست خدایرا خالص کننده مراورا دین بیان کن که خدایراست دین خالص
والذين اتخذوا من دونه اولياء ما نعبدهم الا ليقربونا
وآنها که فرا گرفتند از جز او دوستانی را که نمی پرستیم ایشانرا مگر تا نزدیک گردانند مارا
الى الله زلفى ان الله يحكم بينهم فيما هم فيه يختلفون
بخدا بمنزلت و درجت بدرستی که خدا حکم کند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف میکردند
ان الله لا يهدي من هو كاذب كفار لو اراد الله ان يتخذ ولدا
بدرستی که خدا راه ننماید آنرا که او دروغ گوی ناسپاس بود اگر خواستی خدا که فرا گیرد فرزندی
لاصطفى مما يخلق ما يشاء سبحانه هو الله الواحد القهار
برگزیدی از آنچه آفرید آنچه خواستی پاک و منزه است او اوست خدای یکتای یگانه قهر کننده
خلق السموات والارض بالحق يكور الليل على النهار ويكور
آفرید آسمانها و زمینها بحق درمی پوشاند شب را بر روز و درمی پوشاند
النهار على الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل
روز را بر شب و مسخر کرد آفتاب و ماه را همه میروند تا اجلی
مسمى الا هو العزيز الغفار خلقكم من نفس واحدة
نام نهاده بدانکه اوست غالب آمرزکار آفرید شمارا از یک تن که آدم است
ثم جعل منها زوجها وانزل لكم من الانعام ثمانية ازواج
پس بیافرید از او زن او را و فرو فرستاد برای شما از چهارپایان هشت صنف

يخلقكم في بطون امهاتكم خلقا من بعد خلق في ظلمات
می آفریند شمارا در شکمهای مادران شما آفریدنی از پس آفریدن در تاریکیهای
ثلث ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون
سه گانه آنست خدای پروردگار شما اوراست پادشاهی نیست خدایی مگر او پس از کجا بر گردانیده میشوید از حق
ان تكفروا فان الله غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر وان
اگر کافر شوید پس بدرستی که خدا بی نیازست از شما و نپسندد مر بندگان خود را کفر و اگر
تشكروا يرضه لكم ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم
شکر کنید بپسندد آن مر شمارا و بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را پس
الى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم تعملون انه
با پروردگار شماست بازگشت شما پس آگاه کند شمارا بدانچه شما کرده باشید بدرستی
عليم بذات الصدور واذا مس الانسان ضر دعا ربه منيبا
که او داناست بهرچه در سینهاست و چون برسد بآدمی زیانی بخواند پروردگار خود بازگشت کننده
اليه ثم اذا خوله نعمة منه نسي ما كان يدعوا اليه من
بدو پس چون بدهیم آنرا نعمتی از قبل او فراموش کند آنچه خوانده باشد باو از
قبل وجعل لله اندادا ليضل عن سبيله قل تمتع بكفرك
پیش و بدید کرد مر خدایرا همتایان تا برگرداند مردمانرا از راه او بگو برخورداری گیرید بکفر خود
قليلا انك من اصحاب النار امن هو قانت اناء الليل ساجدا
اندکی بدرستی که تو از اصحاب آتش ای آنکسی که او قیام نماینده است بساعتهای شب سجود کننده

وَقَآئِمًا يَحْذَرُ الْاٰخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهٖ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ
وایستاده ترسد از عذاب آخرت و امید دارد رحمت پروردگار خود بگو ای یکسان باشند آنها
يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُو الْاَلْبَابِ
که میدانند و آنها که نمیدانند بدرستی که پند گیرند خداوندان خردها
قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ اَحْسَنُوا فِي هٰذِهِ
بگو ای بندگان من آنها که بگرویدند بترسید از پروردگار خود مرآنها را که نیکوئی کردند در این
الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَاَرْضُ اللّٰهِ وَاسِعَةٌ اِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ اَجْرَهُمْ
دنیا نیکوئی و زمین خدا فراخ است بدرستی که تمام دهند صابرانرا مزد ایشان
بِغَيْرِ حِسَابٍ قُلْ اِنِّي اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ اللّٰهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ
بی شمار بگو که فرموده اند مرا که بپرستم خدا را خالص کننده مراورا دین
وَاُمِرْتُ لِاَنْ اَكُونَ اَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ قُلْ اِنِّي اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ
و فرموده اند مرا که باشم از اول منقادان بگو که من می ترسم اگر عاصی شوم
رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ قُلِ اللّٰهَ اَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي فَاعْبُدُوا
در پروردگار خود از عذاب روزی بزرگ بگو خدا را می پرستم خالص کننده مراورا دین خود پس پرستید
مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهٖ قُلْ اِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ
آنچه میخواهید شما از جز او بگو بدرستی که زیانکاران آنهااند که زیانکار آمدند بر تنهای خود
وَاَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ
و اهل خود در روز قیامت بدان گران آنست زیانکاری روشن

لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذٰلِكَ
مرایشانرا بود از بالای ایشان پایه پایهاهای از آتش و از زیر ایشان پایه پایهاهای آتش
يُخَوِّفُ اللّٰهُ بِهٖ عِبَادَهُ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ
که می ترساند خدا بدان بندگان خود را ای بندگان من پس بترسید از من و آنها که دوری نمودند از شیطان
اَنْ يَعْبُدُوهَا وَاَنَابُوا اِلَى اللّٰهِ لَهُمُ الْبُشْرٰى فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ
که بپرستیدند آنها را و بازآمدند بارضا خدا مرایشانرا بشارت باد پس بشارت ده بندگان را آنها
يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ اَحْسَنَهُ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ هَدٰىهُمُ
که می شنوند گفتار شرع را پس پیروی میکنند نیکوتر آنرا آن گروه آنهااند که راه نمود ایشانرا
اللّٰهُ وَاُولٰٓئِكَ هُمْ اُولُو الْاَلْبَابِ اَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ
خدا و آن گروه ایشانند خداوندان خردها ای پس آنکه واجب شد برو سخن
الْعَذَابِ اَفَاَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ فِي النَّارِ لٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا
عذاب ای تو بتوانی رهانید آنرا که در آتش بود لیکن آنها که پرهیزیدند
رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
از عذاب پروردگار خود مرایشانرا بود غرفهای که از بالای آن بود غرفهای بنا کرده از یاقوت و زبرجد که رود از زیر آن
الْاَنْهَارُ وَعْدَ اللّٰهِ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ الْمِيعَادَ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ
جویها اینست وعده خدا خلاف نکند خدا وعده را ای نگرستی که خدا فرو فرستاد از
السَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْاَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا مُخْتَلِفًا
آسمان آبی را پس درآورد آنرا در چشمهای در زمین پس بیرون آورد بدان کشتها مختلف

الوانه ثم يهيج فتراه مصفرا ثم يجعله حطاما ان في ذلك
رنگهای آن پس بکمال پوست برسد پس بینی آنرا زرد پس بکند آنرا درده بدرستی که در آن
لذكرى لاولي الالباب • افمن شرح الله صدره للاسلام
هرآئنه پندیست مرخداوندان خردها را ای پس آنکه گشاده گردانید خدا سینه او را باسلام
فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله
پس او بر روشنی بود از پروردگار خود پس وای مر آنهارا که سخت شده اند دلهای ایشان از یاد خدا
اولئك في ضلال مبين • الله نزل احسن الحديث كتابا
آن گروه در گمراهی روشنند خدا فرو فرستاد نیکوترین سخنی را کتابی
متشابها مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم
بهم مانند مکررات المواعظ منقبض در هم میشود ازان پوستهای آنها که می ترسند از پروردگار خود
ثم تلين جلودهم وقلوبهم الى ذكر الله ذلك هدى
پس نرم و ساکن میشود پوستهای ایشان و دلهای ایشان ... آنست راه
الله يهدي به من يشاء ومن يضلل الله فما له من هاد • افمن
خدا که راه می نماید بدان آنرا که خواهد و هرکرا گمراه کند خدا پس نبود مراورا راه نماینده ای پس آنکه
يتقي بوجهه سوء العذاب يوم القيامة وقيل للظالمين
بپرهیزاند روی خودرا برای بدترین عذاب روز قیامت وگویند ستمکارانرا
ذوقوا ما كنتم تكسبون • كذب الذين من قبلهم
در چشید آنچه بودید شما می اندوختید بدروغ داشتید آنها که پیش ازیشان بودند

فاتيهم العذاب من حيث لا يشعرون • فاذاقهم الله الخزي
پس آمد بدیشان عذاب از آنجا که ندانستند پس در چشانید ایشانرا خدا رسوائی
في الحيوة الدنيا ولعذاب الاخرة اكبر لو كانوا يعلمون
در زندگانی دنیا و هرآئنه عذاب آخرت بزرگتر اگر ایشان بدانند
ولقد ضربنا للناس في هذا القران من كل مثل لعلهم
و بدرستی که زدیم ما برای مردمان در این قرآن از هر مثلی تا بود که ایشان
يتذكرون • قرانا عربيا غير ذي عوج لعلهم يتقون
پند گیرند قرآنی بلغت عرب جز خداوند کژی تا بود که ایشان بپرهیزند
ضرب الله مثلا رجلا فيه شركاء متشاكسون • ورجلا
بزد خدا مثل مردی را که در ملکیت او انبازان باشند مختلف و متنازع و مردی
سلما لرجل هل يستويان مثلا الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون
سالم ... و یکی مردی ای ... باشند مثل سپاس مرخدا راست بلکه بیشترین ایشان نمیدانند
انك ميت وانهم ميتون • ثم انكم يوم القيمة عند ربكم
بدرستی که تو بمیری و ایشان نیز میرندگان باشند پس بدرستی که شما روز قیامت نزد پروردگار شما
تختصمون • فمن اظلم ممن كذب على الله وكذب
خصومت کنندگان باشید پس کیست ستمکارتر از آنکه دروغ بست بر خدا و بدروغ داشت
بالصدق اذ جاءه اليس في جهنم مثوى للكافرين • و
توحید با قرآن با محمد را چون آمد بدو آیا نیست در دوزخ جایگاه مر کافران را و

الجزو ٢٤

والذی جاء بالصدق وصدق به اولٰئك هم المتقون لهم
وآنكسى كه آورد توحيد بازآنرا وآنكه تصديق كرد اورا آن كروه ايشانند پرهيزكاران مرايشانرا
ما يشاؤن عند ربهم ذلك جزاء المحسنين ۝ ليكفر الله
آنچه خواهند نزد پروردگار خود آنست پاداشت نيكوكاران تا بازپوشاند خدا
عنهم اسوأ الذی عملوا ويجزيهم اجرهم باحسن الذی
از ايشان بديهاى آنچه كرده باشند وپاداشت دهد ايشانرا بنيكوتر آنچه
كانوا يعملون ۝ اليس الله بكاف عبده ويخوفونك بالذين من
ايشان كرده باشند اى نيست خدا بسنده بندكان خودرا وى ترسانندترا بدانانكه از
دونه ومن يضلل الله فما له من هاد ۝ ومن يهد الله فما له من
جز اوانند وهركه كمراه كند اورا خدا پس نبود اورا هيچ راهنماينده وهركه راه نمايد اورا خدا پس نبود اورا
مضل اليس الله بعزيز ذی انتقام ۝ ولئن سألتهم من
كمراه كننده اى نيست خدا غالب خداوند كينه كشيدن واكر پرسى تو ازيشان كه
خلق السموات والارض ليقولن الله قل افرأيتم ما تدعون
آفريد آسمانها وزمين را هراينه كويند كه خدا بكو اى مى بينيد آنچه ميخوانيد
من دون الله ان ارادنی الله بضر هل هن كاشفات ضره
از جز خدا اكر خواهد بمن خدا زيانى اى هيچ هستند ايشان بردارندكان زيانى اورا
او ارادنی برحمة هل هن ممسكات رحمته قل حسبی الله
يا اكر خواهد بمن رحمتى اى هيچ هستند بازدارنده رحمت اورا بكو بسنده است مرا خدا

عليه يتوكل المتوكلون ۝ قل يا قوم اعملوا على مكانتكم
بر وى بايد كه توكل كنند توكل كنندكان بكو اى قوم من كار كنيد بر خود عادت خود
انی عامل فسوف تعلمون ۝ من يأتيه عذاب يخزيه ويحل عليه
بدرستى كه من كاركننده ام پس زود بدانيد كه كيست كه آيد بدو عذابى كه رسوا كند اورا و فرود آيد بدو
عذاب مقيم ۝ انا انزلنا عليك الكتاب للناس بالحق فمن
عذابى جاودانه بدرستى كه فرو فرستاديم ما برتو قرآنرا براى مردمان بحق پس هركه
اهتدى فلنفسه ومن ضل فانما يضل عليها وما انت عليهم
راه يافت پس نبود مرتن اورا بود وهركه كمراه شود پس بدرستى كه كمراه شده بود وزيان بر وى بود ونيستى تو بر ايشان
بوكيل ۝ الله يتوفى الانفس حين موتها والتی لم تمت فی
كاركزار خدا قبض روح كند نفوس را هنكام مرك آن وآن نفوس كه قطع تعلق نكرده
منامها فيمسك التی قضى عليها الموت ويرسل الاخرى الى اجل
خواب آن پس بازميكيرد آن نفوس كه حكم كرده است برو مرك را و بازميفرستد بتن آن ديكر تا اجلى
مسمى ان فی ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝ ام اتخذوا
نام نهاده بدرستى كه در آن هراينه نشانهاست مركروهى را كه انديشه كنند يا فرا كرفته
من دون الله شفعاء قل اولو كانوا لا يملكون شيئا ولا
از جز خدا شفيعانى را بكو اى واكرچه شفاعت كنند كه قادر نباشند چيزى را و
يعقلون ۝ قل لله الشفاعة جميعا له ملك السموات والارض
استعمال عقل نكنند بكو مر خدا راست شفاعت همه مراوراست پادشاهى آسمانها و زمين

ثم اليه ترجعون ۝ واذا ذكر الله وحده اشمأزت قلوب

پس با جزاء او باز گردانیده شوید و چون یاد کرده شود خدا را به یگانگی او رمیده شود دلهای

الذين لا يؤمنون بالاخرة واذا ذكر الذين من دونه اذا

آنها که ایمان نمی آرند برای آخرت و چون یاد کنند آنها را که از جز او اند آنگاه

هم يستبشرون ۝ قل اللهم فاطر السموات والارض عالم

ایشان شادی کنند بگو ای بار خدایا ای نو آفریننده آسمانها و زمین ای داننده

الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه

ناپیدا و پیدا تو حکم کنی میان بندگان خود در آنچه بودند در آن

يختلفون ۝ ولو ان للذين ظلموا ما في الارض جميعا ومثله

اختلاف میکردند و اگر آنکه بودی مر آنها را که ستم کردند آنچه در زمین است همه و مانند آن

معه لافتدوا به من سوء العذاب يوم القيمة وبدا لهم

با آن و خواستندی که خود را باز خرند بدان از بدی عذاب روز قیامت و ظاهر شد ایشان را

من الله ما لم يكونوا يحتسبون ۝ وبدا لهم سيئات ما كسبوا وحاق

از عذاب خدا آنچه ایشان پندار نداشتند و ظاهر شود ایشان را بدیهای آنچه اندوختند و در

بهم ما كانوا به يستهزءون ۝ فاذا مس الانسان ضر

بدیشان و فائده آنچه بوده باشند بدان استهزا میکردند پس چون برسد به آدمی زیانی

دعانا ثم اذا خولناه نعمة منا قال انما اوتيته على علم بل

بخواند ما را پس چون دهیم او را نعمتی از قبل ما گوید که داده اند آنرا بر دانشی از من بل

هي فتنة ولكن اكثرهم لا يعلمون ۝ قد قالها الذين

آن آزمایشی است ولیکن بیشترین ایشان نمیدانند بدرستی که گفتند آنرا آنها

من قبلهم فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون ۝ فاصابهم

که پیش از ایشان بودند پس بکار نیامد از ایشان آنچه بودند می اندوختند پس رسید ایشان را

سيئات ما كسبوا والذين ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيئات

بدیهای آنچه اندوختند و آنها که ستم کردند ازان گروه زود برسد ایشان را بدیهای

ما كسبوا وما هم بمعجزين ۝ اولم يعلموا ان الله يبسط

آنچه ایشان اندوختند و نباشند ایشان توانا شونده از عذاب خدا ای ندانستند که خدا فراخ گرداند

الرزق لمن يشاء ويقدر ان في ذلك لايات لقوم يؤمنون

روزی مرآنرا که خواهد و تنگ کند بدرستی که دران مرا نشانها است مر گروهی را که گرویدند

قل يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة

بگو ای بندگان من آنها که اسراف کردند بر تنهای خود نومید نشوند از رحمت

الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم

خدا بدرستی که خدا بیامرزد گناهان همه را بدرستی که اوست آمرزگار مهربان

وانيبوا الى ربكم واسلموا له من قبل ان ياتيكم العذاب ثم

و باز آیید به درگاه پروردگار خود و منقاد شوید او را پیش ازانکه آید بشما عذاب پس

لا تنصرون ۝ واتبعوا احسن ما انزل اليكم من ربكم

یاری کرده نشوید و پیروی کنید نیکوتر آنچه فرو فرستاده شد بشما از پروردگار شما



مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۝

از پیش آنکه آید بشما عذاب ناگاه وشما ندانید

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِنْ

تا نگوید هیچ تنی ای اندوها برآنچه تقصیر کردم در فرمان وطاعت خدا وبدرستی

كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ

که بودم هرآئنه از افسوس دارندگان تا نگوید که اگر خدا راه نمودی مرا بودمی از

الْمُتَّقِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً

پرهیزگاران تا نگوید هنگامی که ببیند عذاب اگر بودی مرا بازگشتی بدنیا

فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا

پس بودمی از جملهٔ نیکوکاران آری بدرستی که آمد بتو نشانهای من پس دروغ داشتی آنرا

وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ

وگردنکشی کردی وبودی از جملهٔ کافران و روز قیامت

تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي

بینی آنهارا که دروغ بستند بر خدا رویهای ایشانرا سیاه آیا نیست در

جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ

دوزخ جایگاه مرگردنکشانرا ورهاند خدا آنهارا که پرهیزیدند بجای رستگاری ایشان

لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

نرسد بایشان هیچ بدی ونه ایشان اندوهگین باشند خدا آفریدگار همه چیزاست

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

واو بر همه چیزی کارسازنست مراوراست کلیدهای تصرف در آسمانها وزمین

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝

وآنها که کافر شدند بنشانهای خدا آن گروه ایشان زیانکارانند

قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ۝ وَلَقَدْ

بگو ای پس بجز از خدا میفرمائید مرا که پرستم ای جاهلان وبدرستی

أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ

که وحی کرده میشود بتو وبدانها که پیش از تو بودند که هرآئنه اگر انباز فراداری هرآئنه باطل شود عمل تو

وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ

وهرآئنه باشید از جملهٔ زیانکاران بلکه خدا را بپرست وباش از جملهٔ

الشَّاكِرِينَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا

شکرکنندگان ونشناختند خدارا سزای شناختن او وزمین همه

قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ

در قبض قدرت او بود روز قیامت وآسمانها مجموعات در نوردیده شوند بقدرت او پاکست مر او

وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي

وارفعست از آنچه انباز فرا ایشان میدهند ودردمند در صور پس بیهوش شود آنکه در

السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى

آسمانهاست وآنکه در زمینست مگر آنچه خواسته بود خدای پس دردمند در آن کرت دیگر

فإذا هم قيام ينظرون • وأشرقت الأرض بنور ربها ووضع
پس آنگه ایشان ایستاده باشند نگرند ونورانی شود زمین بنور پروردگار خود ونهند
الكتاب وجيء بالنبيين والشهداء وقضي بينهم بالحق
نامهٔ اعمال را وآورند پیغمبرانرا وگواهانرا وحکم کرده شود میان ایشان بحق
وهم لا يظلمون • ووفيت كل نفس ما عملت وهو أعلم بما
وایشانرا ستم نکنند وتمام بدهند هر تنی را جزاء آنچه کرده بود واو داناتر بدانچه
يفعلون • وسيق الذين كفروا إلى جهنم زمرا حتى
ایشان میکنند وبرانند آنهارا که کافر شدند سوی دوزخ گروه گروه تا
إذا جاءوها فتحت أبوابها وقال لهم خزنتها ألم يأتكم رسل
چون آیند بدانجا گشوده شود درهای آن وگویند مرایشانرا خزنهٔ آن ای بیامد بشما رسولانی
منكم يتلون عليكم آيات ربكم وينذرونكم
از شما تا خوانند بر شما نشانهای پروردگار خودرا وبیم کنند شمارا
لقاء يومكم هذا قالوا بلى ولكن حقت كلمة العذاب
بیازرسیدن شما بدین روز گویند آری ولیکن واجب شد سخن عذاب
على الكافرين • قيل ادخلوا أبواب جهنم خالدين فيها
بر کافران گویند در روید از درهای دوزخ همیشه باشند درآنجا
فبئس مثوى المتكبرين • وسيق الذين اتقوا ربهم
پس بد بود جایگاه گردنکشان وبرانند آنهارا که بپرهیزیدند از خدای پروردگار خود

إلى الجنة زمرا حتى إذا جاءوها وفتحت أبوابها وقال لهم
سوی بهشت گروه گروه تا چون آیند بدانجا وگشوده شود درهای آن وگویند مرایشانرا
خزنتها سلام عليكم طبتم فادخلوها خالدين
خزنهٔ آنجا سلام باد بر شما خوش شدستان باد پس درروید درآنجا همیشه باشید
وقالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده وأورثنا الأرض
وگویند سپاس مرخدایرا آن خدایی که راست فرمود مارا وعدهٔ خود ومیراث داد مارا زمین
نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم أجر العاملين • و
تا جای گیریم از بهشت هرجا که خواهیم پس نیکو بود مزد کارکنندگان
ترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم
وبینی تو فرشتگانرا صف زده گرد درآمده از پیرامون عرش تسبیح کنند بستایش پروردگار خود
وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين
وحکم کرده شود میان ایشان بحق وگویند بهشتیان سپاس وشکر مرخدایرا که پروردگار جهانیانست

الغافر
سورة المؤمن خمس وثمانون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

حم • تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم • غافر الذنب
[illegible] فرو فرستادن این قرآن از خدای غالب داناست آمرزندهٔ گناهان

قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ

و قبول كننده توبه است سخت عقوبتست خداوند عظمت و بزرگی نیست خدائی مگر او باز او است

الْمَصِيرُ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ

بازگشت خصومت نکنند در نشانهای خدا مگر آنها که کافر شدند پس مغرور نباید داد ترا

تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ

گردیدن ایشان در شهرها دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح نوح را و گروهان

مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا

از پس ایشان و قصد کردند هر گروهی برسول خود که فرا گیرند او را و خصومت کردند

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

بباطل تا نیست کردانند بدان سخن حق را پس بگرفتم ایشان را پس چگونه بود عقوبت من

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ

و همچنین واجب شد سخن پروردگار تو بر آنها که کافر شدند که ایشان

أَصْحَابُ النَّارِ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ

اصحاب آتش اند آنها از فرشتگان که حمله عرش اند و آنهائی که پیرامون آن اند تسبیح میکنند

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا

بستایش پروردگار خود و ایمان دارند بدو و آمرزش میخواهند مر آنها را که بگرویده اند ای پروردگار ما

وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا

فراخ برسیده تو بهمه چیزی برحمت و دانش پس بیامرز مر آنها را که توبه کردند و پیروی کردند

سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ

راه ترا و بازدار از ایشان عذاب دوزخ را ای پروردگار ما در آور ایشان را در بوستانهای

عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

اقامت آنکه وعده دادی ایشان را و آن را که کار باصلاح آورد از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ

بدرستی که تو توئی غالب محکم کار و نگه دار ایشان را از بدیها و هر که نگه داری تو او را از بدیها

يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ إِنَّ الَّذِينَ

آن روز پس بدرستی که رحمت کرده باشی او را و آنست آن رستگاری بزرگ بدرستی که آنها

كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ

که کافر شدند ندا کنند ایشان را که هر آینه دشمن داشتن خدا بزرگترست از دشمنی شما تنهای یکدیگر را

إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ

چون میخواندند شما را بسوی ایمان پس کافر شدید گفتند ای پروردگار ما بمیرانیدی ما را دو بار

وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ

و زنده گردانیدی ما را دو بار پس معترف شدیم بگناهان خود پس ای هست هیچ بیرون آمدنی از

سَبِيلٍ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ

آتش راه آن شما بسبب آنست که چون خوانده شد خدا را به یگانگی او کافر شدید شما و اگر

يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ هُوَ الَّذِي

انباز قرار داشته شدی مر او را بگروید بدو پس حکم مر خدای راست بلند قدر بزرگوار اوست آن خدائی

يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا

بازی نماید شمارا نشانهای خود و فرو میفرستد برای شما از آسمان روزی و پند نگیرد مگر

مَنْ يُنِيبُ • فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

انکه باز آید بدرگاه او پس بخوانید خدارا خالص کننده مراورا دین واگرچه کاره دارند کافران

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ

اوست برافرازنده مراتب مؤمنان خداوند عرش میرساند وحی را از فرمان خود بر آنکه خواهد از

عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى

بندگان خود تا بیم کند از روز بهم رسیدن خلایق آن روز که ایشان ظاهر باشند بروی زمین پوشیده نماند

اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ • الْيَوْمَ

خدا از ایشان چیزی کراست پادشاهی امروز مر خدارا یکتای قهر کننده امروز

تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ

پاداشت داده شود هر تنی بآنچه اندوخته بود هیچ ستم نیست امروز بدرستی که خدا زود

الْحِسَابِ • وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ

شمارست و بیم کن ایشانرا روز نزدیک قیامت چون دلها نزدیک چنبرهای گردنها باشند

كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ يَعْلَمُ

خشمناک ترسناک نبود مر ستمکارانرا هیچ دوستی و نه شفیعی که فرمان برد میداند

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ • وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ

نگریستن چشمهارا و آنچه پنهان میکنند سینها و خدا حکم کند بحق

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ

و آنها که میخوانند از جز او حکم نتوانند کرد بچیزی بدرستی که خدا اوست شنوای

الْبَصِيرُ • أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ

بینا ای نرفتند در زمین پس نگرند که چگونه

كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ

بود عاقبت آنها که بودند از پیش ایشان بودند ایشان سخت تر

مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ

از ایشان بقوت و باثرهای عمارات عالی در زمین پس بگرفت ایشانرا خدا بگناهای ایشان و نبود

لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ • ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ

مر ایشانرا از عذاب خدا هیچ نگه دارنده آن بسبب آنست که ایشان بودند که آمدند بدیشان رسولان ایشان

بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

بمعجزات پس کافر شدند پس بگرفت ایشانرا خدا بدرستی که او نیرومند و سخت عقوبت

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ • إِلَى فِرْعَوْنَ وَ

و بدرستی که فرستادیم موسی را بنشانهای ما و بحجتی روشن سوی فرعون

هَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ • فَلَمَّا جَاءَهُمْ

و هامان و قارون پس گفتند این جادوی دروغ گوی است پس چون آمد بدیشان

بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا

بحق از نزد ما گفتند بکشید پسران آنهارا که بگرویدند باو و زنده بگذاریم

نسآءهم وما كيد الكافرين الا في ضلال ● وقال فرعون
زنان ایشانرا ونبود کید کافرانرا مگر در ضایعی وگفت فرعون
ذروني اقتل موسى وليدع ربه اني اخاف ان يبدل دينكم
بگذارید مرا تا بکشم موسی را وتا بخواند پروردگار خودرا بدرستی که من میترسم که بگرداند دین شمارا
او ان يظهر في الارض الفساد ● وقال موسى اني عذت بربي و
یا آنکه ظاهر کند در زمین تباهی وگفت موسی بدرستی که من پناه گرفتم بپروردگار خود
ربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب ● وقال رجل
وپروردگار شما از هر متکبری نماینده که بگرو بروز جزا وقیامت وگفت مردی
مؤمن من ال فرعون يكتم ايمانه اتقتلون رجلا ان يقول
مؤمن از آل فرعون بازمی پوشانید ایمان خودرا ای میکشید مردی را که میگوید
ربي الله وقد جاءكم بالبينات من ربكم وان يك
که پروردگار من خداست وبدرستی که آمد بشما بمعجزات از پروردگار شما واگر باشد
كاذبا فعليه كذبه وان يك صادقا يصبكم بعض
دروغ گوی پس بر وی بود زیان دروغ او واگر باشد راست گوی برساند بشما بعضی
الذي يعدكم ان الله لا يهدي من هو مسرف كذاب
آنچه وعده میدهد شمارا بدرستی که خدا راه ننماید آنرا که او گزاف کار دروغ گوی است
يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الارض فمن ينصرنا
ای قوم من مرشمار است پادشاهی امروز ظاهر در زمین پس کیست که یاری کند مارا

من بأس الله ان جاءنا قال فرعون ما اريكم الا ما ارى
از عذاب خدا اگر آید بما گفت فرعون نمینمایم برای شما مگر آنچه مینمایم خودرا
وما اهديكم الا سبيل الرشاد ● وقال الذي امن
وراه نمی نمایم شمارا مگر براه صواب وگفت آنکسی که بگروید بود
يا قوم اني اخاف عليكم مثل يوم الاحزاب ● مثل داب
ای قوم من بدرستی که من می ترسم بر شما مانند روز طوائف مجتمع بر عداوت انبیا مانند خوی وعادت
قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد
قوم نوح وقوم عاد وقوم ثمود وآنها که از پس ایشان بودند ونخواهد خدا
ظلما للعباد ● ويا قوم اني اخاف عليكم يوم التناد
ستم رسیدن بندگان خودرا وای قوم من بدرستی که من می ترسم بر شما از روز ندا کردن یکدیگر که قیامت
يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل
روزی که بازمیگشتید پشت برکنندگان نیست برای شمارا از عذاب خدا هیچ نگه دارنده وهر که گمراه کند اورا
نصف
الله فما له من هاد ● ولقد جاءكم يوسف من قبل
خدای پس نبود مراورا هیچ راه نماینده وبدرستی که آمد بشما یوسف از پیش
بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى اذا
بمعجزات پس همیشه بودید شما در شکی از آنچه آمد بشما بدان تا چون
هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك
هلاک شد گفتید شما هرگز نفرستاد خدا از پس او رسولی را همچنین

يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ۝ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ
گمراه کند خدا آنرا که او گزاف کار بشک شونده بود آنها که خصومت میکنند در نشانهای
اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ
خدا بی حجتی که آیه بدیشان چه بزرگست بدشمنی و بزه نزد خدا و نزد آنها
آمَنُوا كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ۝
که بگرویده اند همچنین مهر نهد خدا بر دل هر تکبر نماینده گردنکش
وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ أَسْبَابَ
وگفت فرعون ای هامان بنا کن برای من کوشکی تا بود که من برسم براهها راههای
السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذٰلِكَ
آسمانها پس دیده ور شوم بخدای موسی و بدرستی که من گمان می برم اورا دروغگوی و همچنین
زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ
آراسته شد فرعون را بدی عمل او و برگشت از راه و نبود کید
فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ۝ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ
فرعون مگر در ضایع وگفت آنکسی که بگرویده بود ای قوم من پیروی کنید مرا تا راه نمایم شما را
سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَ
براه صواب ای قوم من بدرستی که این زندگانی دنیا برخورداری است
إِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۝ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا
و بدرستی که آخرت آنست سرای آرامگاه هر که کند بدی پس پاداشت داده نشود مگر بمانند آن

وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِكَ
و هر که کند کاری نیکو از نرینه یا مادینه و او مومن بود پس آن گروه
يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَيَا قَوْمِ مَا لِي
در روند در بهشت روزی داده شوند در آنجا بی شمار وای قوم من چیست مرا
أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ۝ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ
که میخوانم شما را برستگاری و میخوانید مرا با آتش میخوانند مرا تا کافر شوم
بِاللّٰهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ
بخدا و انباز گردانم بدو آنچه نیست مرا بدان دانشی و من میخوانم شما را بخدای غالب
الْغَفَّارِ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا
آمرزگار حقا که آنچه میخوانند مرا بدان نیست مر آنرا خواندنی در دنیا
وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللّٰهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ
و نه در آخرت و آنکه بازگشت ما با خداست و آنکه گزافکاران ایشان اصحاب
النَّارِ ۝ فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى
آتش اند پس زود پند گیرید و یاد آورید آنچه من میگویم مر شما را و بازگذاشتم کار خود را با
اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ فَوَقَاهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا
خدا بدرستی که خدا بیناست بحال بندگان پس نگاه داشت اورا خدا از بدیهای آنچه مکر ساختند
وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ۝ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا
و در رسید بفرعونیان بدی عذاب آتش عرض کنند برآنها بامداد

وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ۝
و شبانگاه و روزی که بر خیزد قیامت گویند در روید ای فرعونیان در سخت ترین عذابی

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا
و چون خصومت کنند در آتش پس گویند ضعیفان اشتکان مر آنها را که گردنکشی کرده باشند

كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ
که ما بودیم مر شما را پیروان پس ای هیچ ستید شما باز دارندگان از ما بهره آتش را

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ
گویند آنها که گردنکشی کرده باشند بدرستی که ما همه در آنیم بدرستی که خدا حکم کند

بَيْنَ الْعِبَادِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ
میان بندگان و گویند آنها که در آتش باشند مر خازنان دوزخ را بر خوانید پروردگار

يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ۝ قَالُوا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ
تا سبک گرداند از ما روزی از عذاب گویند خزنه ای نیامدند بشما رسولان شما

بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي
بمعجزات گویند آری گویند پس بر خوانید و نبود خواندن کافران مگر در

ضَلَالٍ ۝ إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
گمراهی بدرستی که ما یاری کنیم رسولان خود را و آنها را که بگرویدند در زندگانی دنیا

وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ
و در روزی که بر خیزند گواهان از ملائکه روزی که سود نکند ظالمان را عذر ایشان

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ
و مر ایشان را بود لعنت و مر ایشانرا بود بدی آن سرای و بدرستی که بدادیم ما موسی را راهی

وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي
و بمیراث دادیم ما بنی اسرائیل را کتاب راهنمونی و پندی مر خداوندان

الْأَلْبَابِ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ
خردها را پس صبر کن بدرستی که وعده خدا حق است و آمرزش خواه مر گناه خود را و تسبیح کن

بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ
بستایش پروردگار خود بشبانگاه و بامداد بدرستی که آنها که خصومت میکنند در نشانهای خدا

بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ
بی حجتی که آید بدیشان نیست در سینهای ایشان مگر تکبری نیستند ایشان

بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ
رسنده بدان پس پناه گیر بخدا بدرستی که او شنوای بینا است مر آفرینش آسمانها

وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
و زمین بزرگترست از آفریدن مردمان ولیکن بیشترین مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
نمیدانند و یکسان نیستند نابینا و بینا و آنها که ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ إِنَّ السَّاعَةَ
و کارهای نیکو کردند و نه بدکاران اندکی باید آنچه پند میگیرید بدرستی که قیامت

لآتية لا ريب فيها ولكن أكثر الناس لا يؤمنون
هر آینه آینده است نیست هیچ شکی در آن ولیکن بیشترین مردمان نمی گروند
وقال ربكم ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن
وگفت پروردگار شما بخوانید مرا تا پاسخ کنم مر شما را بدرستی که آنها که گردنکشی کردند از
عبادتي سيدخلون جهنم داخرين ۞ الله الذي جعل لكم
پرستیدن من زود در روند در دوزخ خواران خدا آن خدایست که بیافرید برای شما
الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا إن الله لذو فضل
شب را تا آرام گیرید در آن و روز را سبب بینایی بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضل است
على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون ۞ ذلكم
بر مردمان ولیکن بیشترین مردمان شکر نمیکنند آنان
الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو فأنى تؤفكون
خدا است پروردگار شما آفریدگار همه چیزی نیست خدایی مگر او پس از کجا بدروغ داشته میشوید
كذلك يؤفك الذين كانوا بآيات الله يجحدون ۞ الله
همچنین بدروغ برگشته آنها که بودند بنشانهای خدا انکار میکردند خدا
الذي جعل لكم الأرض قرارا والسماء بناء وصوركم
آن خدایست که کرد برای شما زمین را آرامگاه و آسمان را بنایی و صورت بنگاشت شما را
فأحسن صوركم ورزقكم من الطيبات ذلكم الله ربكم
پس نیکو صورت بنگاشت شما را و روزی داد شما را از پاکیها آنان خدا است پروردگار شما

فتبارك الله رب العالمين ۞ هو الحي لا إله إلا هو فادعوه مخلصين
پس بزرگوار است خدا که پروردگار جهانیانست اوست زنده پاینده نیست خدایی مگر او پس بخوانید او را خالص کننده
له الدين ۞ الحمد لله رب العالمين ۞ قل إني نهيت أن أعبد
مر او را دین ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست بگو که نهی کرده اند مرا که بپرستیم
الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات من ربي وأمرت
آنها را که میخوانند از جز خدای چون آمد بمن حجتها از پروردگارم و فرمودند مرا
أن أسلم لرب العالمين ۞ هو الذي خلقكم من تراب ثم من
که منقاد باشم مر فرمان پروردگار جهانیانرا اوست آن خدای که آفرید شما را از خاک پس از
نطفة ثم من علقة ثم يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا أشدكم
نطفه پس از خون بسته پس بیرون آورد شما را کودکان پس تا برسید بنهایت قوت خود
ثم لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من قبل ولتبلغوا أجلا
تا باشید پیران و از شما کسی هست که مرده شود از پیش و تا برسید باجلی
مسمى ولعلكم تعقلون ۞ هو الذي يحيي ويميت فإذا
نام نهاده و تا بود که شما استعمال عقل کنید اوست آن خدایی که زنده کند و بمیراند پس چون خواهد
قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون ۞ ألم تر إلى الذين يجادلون في
که بگزارد کاری را پس گوید مر آنرا که بباش پس بباشد آیا ننگرستی بآنها که خصومت کردند در
آيات الله أنى يصرفون ۞ الذين كذبوا بالكتاب وبما أرسلنا به
نشانهای خدا چگونه برگردانیده میشوند از حق آنها که بدروغ داشتند کتاب را و بآنچه فرستادیم بآن

رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ
رسولان خودرا پس زود بدانند چون بندها وغلها در گردنهای ایشان باشند وزنجیرها
يُسْحَبُونَ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ
بکشند ایشانرا در آب گرم پس در آتش تابانیده شوند پس گویند مرایشانرا
أَيْنَمَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ
کو کجا شدید شما که انباز دانید از جز خدای گویند گم شدند از ما بلک نبودیم
نَدْعُو مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝ ذَلِكُمْ
که میخواندیم از پیش چیزی را همچنین گمراه کند خدا کافرانرا آن تان
بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ
بسبب آنست که شما شاد میشدید در زمین بناحق وبسبب آنچه شما شادی میکردید
ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ
در روید از درهای دوزخ جاوید باشید درآنجا پس بد جایگاهیست جای متکبران
فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ
پس صبر کن که وعده خدا حقست پس اگر باز نمایم ترا بعضی آنچه وعده میدهیم ایشانرا
أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ
یا جان بستانیم ترا پس باخدای ما بازگردانیده شوند وبدرستی که بفرستادیم ما رسولانی را که
قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ
پیش از تو بود بعضی از ایشان هست آنکه قصه کردیم ما بر تو واز ایشان هست آنکه قصه نکردیم ما بر تو

وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ
ونبود مر هیچ رسولی را که آورد نشانی ومعجزه را مگر بفرمان خدا پس چون آید فرمان خدا
قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
حکم کرده شود بحق وزیانکار آیند آن جایگاه باطل کاران خدا آن خدائیست که بیافرید برای شما
الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا
چهارپایانرا تا بر می‌نشینید بعضی از آنها را وبعضی از آنها را میخورید ومر شماراست درانها
مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى
سودهائی وتا برسید بر آنها بحاجتی که در سینهای شماست وبر آنها ودر
الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ
کشتی بر می‌نشینید ومی‌نماید شمارا نشانهای خود پس کدامین نشانهای خدا انکار میکنید
أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ
آیا پس نرفتند در زمین پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنها
مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَآثَارًا
که پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان وسخت‌تر بقوت واثرانگیزتر
فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
در زمین پس بکار نیامد از ایشان آنچه بودند میکردند پس چون آمدند بایشان رسولان ایشان
بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا
بحجتها پس شاد شدند بدانچه نزد ایشان بود از دانش وفرو رسید بدیشان وبال آنچه بودند

بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ • فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا
بدان استهزا میکردند پس چون دیدند عذاب مارا گفتند بگرویدیم بخدا که یگانه است او وکافر شدیم بانچه
كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ • فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا
بودیم بدان انباز آرندگان پس سود نکند ایشانرا ایمان ایشان چون ببینند عذاب مارا
سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ
این طریقت خدا آن طریقتی که گذشت در میان بندگان خود وزیانکار آمدند آنجایگاه کافران

حزب

سوره حم سجده اربع وخمسون آیه وهی مکیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم • تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ • كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا
این سوره فرو فرستاده است از خدای روزی دهنده مهربان این کتابیست که جدا کرده اند احکام آن را قرانی
عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ • بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ
بلغت عرب برای گروهی که بدانند بشارت دهنده وبیم کننده پس بگشتند بیشترین ایشان
فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ • وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
پس ایشان نمی شنوند وگفتند دلهای ما در پوششی است از آنچه میخوانید ما را بدان
وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ
ودر گوشهای ما گرانی است واز میان ما ومیان تو پرده ایست پس بکن بدرستی که ما کار کنندگانیم

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ
بگو بدرستی که من آدمی ام مانند شما وحی کرده میشود بمن که خدای شما یک خداست
فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ • الَّذِينَ
پس متوجه شوید بسوی درگاه او وآمرزش خواهید ازو ووای مر بت پرستانرا آنها
لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ • إِنَّ الَّذِينَ
که نمی دهند زکات را وایشان بسرای آخرت ایشان کافرانند بدرستی که آنها
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ • قُلْ أَئِنَّكُمْ
که بگرویدند وکارهای نیکو کردند مرایشانراست مزدی خرمنت نهاده بگو ای شما
لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا
هرآینه کافر میشوید بدان خدایی که آفرید زمین را در دو روز ومیکنید مراورا همتایان
ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ • وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ
آن خدای پروردگار جهانیانست وبیافرید در آن کوههای ثابت از بالای آن وبرکت کرد
فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ • ثُمَّ
در آنجا ومقسوم گردانید در آنجا ارزاق آنرا در چهار روز یکسانست مر پرسندگانرا پس
اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ
قصد کرد بافریدن آسمان وآن بشابت دودی بود پس گفت مرانرا ومرزمین را بیایید برغبت
كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ • فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ
یا بی رغبت گفتند آمدیم ما فرمان برداران پس بیافرید ایشانرا هفت آسمانها در دو روز

وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَ

وتقدیر فرمود در هر آسمانی کار آنرا و بیاراستیم ما آسمان دنیا را بستارگان بشب چراغی

حِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ

ونگه داشتنی از دیو آن اندازه کردن خدای غالب داناست پس اگر برگردند پس بگو

أَنذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ إِذْ جَاءَتْهُمُ

بیم کردم شمارا بعذاب و حادثه نازل مانند عذاب قوم هود و قوم صالح چون آمدند بدیشان

الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ

رسولان از پیش ایشان واز پس ایشان آنکه پرستید مگر خدا را

قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ

گفتند اگر خواستی پروردگار ما هر آینه فرو فرستادی فرشتگان را پس ما بآنچه برفرستاده اند شمارا بدان کافرانیم

فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا

پس اما قوم هود پس گردنکشی کردند در زمین بناحق وگفتند کیست سخت تر از ما

قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً

بقوت ای ندیدند که خدا آن خدایست که آفرید ایشانرا او سخت تر از ایشان بقوت

وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا

وبودند بنشانهای ما انکار میکردند پس برفرستادیم ما بر ایشان بادی سخت جهنده

فِي أَيَّامٍ نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

در روزهای شوم تا بچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا

وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ ۝ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ

وهر آینه عذاب آخرت رسواتر وایشانرا یاری نکنند واما قوم صالح پس راه نمودیم ایشانرا

فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ

پس برگزیدند کوری را بر راه راست پس بگرفت ایشانرا بانگی از عذاب

الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

خواری بسبب آنچه بودند می اندوختند وبرهانیدیم ما آنانرا که بگرویدند وبودند پرهیزیدند

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا

وروزی که حشر کنند دشمنان خدا را بآتش پس ایشان بازداشته شوند تا چون آیند بآنجا

شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُم بِمَا كَانُوا

گواهی دهد بریشان شنوائیهای ایشان وبینائیهای ایشان و پوستهای ایشان بآنچه ایشان

يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدتُّمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنطَقَنَا

کردند وگویند مر پوستهای خود را چرا گواهی دادید بر ما گویند بسخن آورد ما را

اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ

خدا آن خدای که ناطق گردانید هر چیزی را و او آفرید شمارا اول بار و بجزا داو

تُرْجَعُونَ ۝ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ

بازگردانیده شوید وآنچه بودید شما پنهان میداشتید آنکه گواهی دهند بر شما

سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِن ظَنَنتُمْ

شنوائیهای شما ونه بینائیهای شما ونه پوستهای شما ولیکن گمان بردید شما

إن الله لا يعلم كثيرا مما تعملون ۝ وذلكم ظنكم الذي

که خدا نداند بسیاری را از آنچه شما میکنید و آن شما است گمان بردن شما بود انک

ظننتم بربكم أرداكم فأصبحتم من الخاسرين ۝ فإن

گمان بردید شما بپروردگار خود هلاک کرد شما را پس گشتید شما از جملهٔ زیانکاران پس اگر

يصبروا فالنار مثوى لهم وإن يستعتبوا فما هم من

صبر کردند پس آتش جایگاه مر ایشان را بود و اگر طلب رضا نمایند پس نباشند ایشان از اهل

المعتبين ۝ وقيضنا لهم قرناء فزينوا لهم ما بين أيديهم

رضا و قرین گردانیدیم ما مر ایشان را امثالی از دیوان پس بیاراستند مر ایشان را آنچه در پیش ایشانست

وما خلفهم وحق عليهم القول في أمم قد خلت

و آنچه از پس ایشانست از اشتغال دنیا و واجب شد بر ایشان گفتار بعذاب در جملهٔ گروهانی که گذشتند

من قبلهم من الجن والإنس إنهم كانوا خاسرين

پیش از ایشان از پری و آدمی بدرستی که ایشان بودند زیانکاران

الذين كفروا ربنا أرنا اللذين أضلانا من الجن والإنس

آنها که کافر شدند از دیوان و آدمیان

وقال الذين كفروا لا تسمعوا لهذا القرآن

و گفتند آنها که کافر شدند مشنوید این قرآن را

والغوا فيه لعلكم تغلبون ۝ فلنذيقن الذين كفروا

و سخن بیهوده گویید در آن تا بود که شما غالب آیید پس هر آینه در چشانیم آنها را که کافر شدند

عذابا شديدا ولنجزينهم أسوأ الذي كانوا يعملون ۝ ذلك

عذابی سخت و مر آنها در جزا دهیم ایشان را بدتر آنچه ایشان کرده باشند آنست

جزاء أعداء الله النار لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا بآياتنا

پاداشت دشمنان خدا آتش مر ایشان را بود در آنجا سرای جاویدی پاداشتی بدانچه بودند بنشانهای ما

يجحدون ۝ وقال الذين كفروا ربنا أرنا اللذين أضلانا

انکار میکردند و گویند آنها که کافر شده باشند ای پروردگار ما بنمای ما را آن دو کس را که گمراه کردند ما را

من الجن والإنس نجعلهما تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين

از پری و آدمی تا بکنیم ایشان را در زیر قدمهای ما تا باشند زیرتریان

إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم

بدرستی که آنها که گفتند پروردگار ما خداست پس ثابت بودند بران بعمل صالح فرود آیند بر ایشان

الملائكة ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة التي كنتم

فرشتگان بوقت مرگ بانگ مترسید و اندوه مخورید و بشارت باد ببهشت آنکه بودید شما را

توعدون ۝ نحن أولياؤكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة

وعده میدادند مایم دوستان شما در زندگانی دنیا و در آخرت

ولكم فيها ما تشتهي أنفسكم ولكم فيها ما تدعون نزلا

و مر شما را بود در آنجا آنچه آرزو کنند تنهای شما و مر شما را بود در آنجا آنچه خواهید عطائی

من غفور رحيم ۝ ومن أحسن قولا ممن دعا إلى الله وعمل

از خدای آمرزگار مهربان و کیست نیکوتر بگفتار از آنکه خواند بازاره خدا و کار

صالحا وقال انني من المسلمين ● ولا تستوي الحسنة ولا السيئة

نیکو کند و گوید که من از جملهٔ منقادانم و یکسان نیست نیکویی و نه بدی

ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه

دفع کن بدی را بطریقی که آن نیکوترست ناگهان آنکه میان تو و میان او دشمنی بود گویا که او

ولي حميم ● وما يلقاها الا الذين صبروا وما يلقاها الا ذو

دوستی خویشاوند بود و نرسد آن مگر بآنها که صبر کردند و نرسد آن مگر بخداوندان

حظ عظيم ● واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله

بهرهٔ بزرگ و اگر برسد بتو از دیو وسوسه پس پناه گیر بخدا

انه هو السميع العليم ● ومن اياته الليل والنهار والشمس

بدرستی که او شنوای داناست و از نشانهای اوست شب و روز و آفتاب

والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي

و ماه سجده مکنید مر آفتاب را و نه ماه را و سجده کنید مر خدای را آن خدای

خلقهن ان كنتم اياه تعبدون ● فان استكبروا فالذين

که آفرید آنها را اگر هستید شما او را می پرستید پس اگر گردنکشی کنند پس آنها

عند ربك يسبحون له بالليل والنهار وهم لا يسأمون ●

که نزد پروردگار تو اند تسبیح میکنند مر او را بشب و روز و ایشان مانده نمیشوند

ومن اياته انك ترى الارض خاشعة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت

و از نشانهای اوست آنکه می بینی تو زمین را خاضع پس چون فرو فرستیم ما بر آن آب در جنبش آید

واجب سجده

وربت ان الذي احياها لمحيي الموتى انه على كل شيء قدير ●

و مرتفع شود بدرستی که آن خدایی که زنده گردانید آن را زنده کنندهٔ مردگانست بدرستی که او بر همه چیزی تواناست

ان الذين يلحدون في اياتنا لا يخفون علينا افمن يلقى في النار

بدرستی که آنها که کژی می نمایند در نشانهای ما نهان نه اند بر ما آیا پس آنکه انداخته شود در آتش

خير ام من ياتي امنا يوم القيامة اعملوا ما شئتم انه بما تعملون

بهتر بود یا آنکه آید ایمن در روز قیامت کار کنید آنچه میخواهید شما بدرستی که او بدانچه شما میکنید

بصير ● ان الذين كفروا بالذكر لما جاءهم وانه لكتاب

بیناست بدرستی که آنها که کافر شدند بقرآن چون آمد بدیشان و بدرستی که آن نامهٔ

عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم

بی بدلست غالب که نیاید بدو سخن باطل نه از پیش آن و نه از پس آن فرو فرستاده است از خدای حکیم کار

حميد ● ما يقال لك الا ما قد قيل للرسل من قبلك ان

ستوده نگویند درباب دعوت ترا مگر آنچه گفتند مر رسولانی را که پیش از تو بودند بدرستی

ربك لذو مغفرة وذو عقاب اليم ● ولو جعلناه قرآنا

که پروردگار تو هر آئنه خداوند آمرزش است و خداوند عقوبتی دردناکست و اگر کردمانی ما آن را قرآنی

اعجميا لقالوا لولا فصلت اياته ءاعجمي وعربي قل هو للذين

بلغت عجم هر آئنه گفتندی چرا بیان کرده نشد نشانهای آن آیا قرآنی عجمی و پیغمبری عربی بگو آن مر آنها را

امنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في اذانهم وقر وهو

که گرویدند راهنمونی است و شفائی و آنها که نمی گروند در گوشهای ایشان گرانی است و آن

عليهم عمى أولئك ينادون من مكان بعيد ۝ ولقد
بریشان پوشیده است آن گروه خوانده شوند از جایگاهی دور و بدرستی
آتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت من
که بدادیم ما موسی را توریة پس اختلاف کردند در آن و اگر نه سخنی بودی پیشی کرده از
ربك لقضي بينهم وإنهم لفي شك منه مريب ۝ من
پروردگار تو هر آینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستی که ایشان هر آینه در شکی اند از آن بشک شونده هر که
عمل صالحا فلنفسه ومن أساء فعليها وما ربك بظلام
کند کاری نیکو پس سود مر تن او را بود و هر که بدی کند پس زیان آن بر وی بود و نیست پروردگار تو ستمکار
للعبيد ۝ إليه يرد علم الساعة وما تخرج من ثمرات من أكمامها
مر بندگان خود را با او گردد علم قیامت و بیرون نیاید هیچ میوه از خوشه آن
وما تحمل من أنثى ولا تضع إلا بعلمه ويوم يناديهم أين شركاءي
و بار بر ندارد هیچ مادینه و بار ننهد مگر بمعلومی او و روزی که بخواند ایشان را که کجا اند انبازان
قالوا آذناك ما منا من شهيد ۝ وضل عنهم ما كانوا
گویند معلوم ترا ادا کنیم نیست ما را هیچ گواهی و گم شود از ایشان آنچه ایشان
يدعون من قبل وظنوا ما لهم من محيص ۝ لا يسأم الإنسان
میخواندند از پیش و بیقین دانند که نیست مر ایشان را هیچ گریزگاهی سیر نمیشود آدمی
من دعاء الخير وإن مسه الشر فيئوس قنوط ۝ ولئن أذقناه
از خواستن مال و اگر برسد بدو بدی پس نومید بود و هر آینه اگر در چشانیم او را

الجزو ٢٥

رحمة منا من بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما أظن الساعة
رحمتی از قبل خود از پس زیانی که رسیده بود بدو هر آینه گوید این مراست و گمان نمی برم قیامت را
قائمة ولئن رجعت إلى ربي إن لي عنده للحسنى فلننبئن
ایستاده بودنی و هر آینه اگر باز گردانیده شوم سوی خداوندگار خود بدرستی که مرا نزدیک او بود حالت نیکوتر پس هر آینه بیاگاهانیم
الذين كفروا بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ ۝ وإذا
آنهارا که کافر شدند بدانچه کردند و هر آینه در چشانیم ما ایشان را از عذاب درشت دشوار و چون
أنعمنا على الإنسان أعرض ونأى بجانبه وإذا مسه الشر فذو
نیکویی کنیم ما بر آدمی برگردد و یا دور افکند خود را و چون برسد بدو بدی پس خداوند
دعاء عريض ۝ قل أرأيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم
خواندنی بسیار بود بگو ای چون ببینید شما اگر باشد قرآن از نزد خدا پس کافر شدید شما
به من أضل ممن هو في شقاق بعيد ۝ سنريهم آياتنا في
بدان کیست گمراه تر از آنکه او در بدبختی دور از حق بود زود باز نماییم ایشان را در نشانهای ما
الآفاق وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق أولم يكف
اطراف زمین و در فتوح زمین عرب تا روشن شود مر ایشان را که محمد یا قرآن حقست ای کفایت نیست
بربك أنه على كل شيء شهيد ۝ ألا إنهم في مرية من لقاء
پروردگار تو که او بر همه چیزی گواه حاضرست بدان بدرستی که ایشان در شکی اند از باز رسیدن
ربهم ألا إنه بكل شيء محيط
با وعده پروردگار خود بدان که او بهمه چیزی داناست

سورة الشورى ثلث وخمسون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای روزی دهنده مهربان

حم عسق كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز

تقدیر کرده بود نها همچنین وحی کرده میشود بتو و بدانها که پیش از تو بودند خدا غالب

الحكيم له ما في السموات وما في الارض وهو العلي العظيم

حکم کارست مراوراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و اوست او برتر بزرگوار

تكاد السموات يتفطرن من فوقهن والملئكة يسبحون

نزدیک بود که آسمانها شکافته شوند از جهت فوقانی ایشان و فرشتگان تسبیح میکنند

بحمد ربهم ويستغفرون لمن في الارض الا ان الله هو

بستایش پروردگار خود و آمرزش میخواهند مرآنرا که در زمینند بدان که خدا اوست

الغفور الرحيم والذين اتخذوا من دونه اولياء الله حفيظ

آمرزگار مهربان و آنها که فرا گرفتند از جز او دوستانی را خدا نگهبانست

عليهم وما انت عليهم بوكيل وكذلك اوحينا

بریشان و نیستی تو بریشان کارسازان و همچنین وحی کردیم ما

اليك قرانا عربيا لتنذر ام القرى ومن حولها وتنذر يوم

بتو قرآنی بلغت عرب تا بیم کنی اهل مکه را و آنکه پیرامون آنند و بیم کنی بروز

الجمع لا ريب فيه فريق في الجنة وفريق في السعير ولو شاء الله

جمع آمدن قیامت که هیچ شکی نیست دران گروهی در بهشت برند و گروهی در دوزخ و اگر خواستی خدا

لجعلهم امة واحدة ولكن يدخل من يشاء في رحمته

هر آینه گردانیدی ایشانرا یک گروه بر یک دین ولیکن در آورد آنرا که خواهد در رحمت خود

والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير ام اتخذوا من دونه اولياء

و ستمکاران نبود مرایشانرا هیچ دوستی و نه یاری کنی یا فرا گرفتند از جز او دوستانرا

فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير وما

پس خدا اوست دوست بحق و او زنده کند مردگانرا و او بر همه چیزی تواناست و آنچه

اختلفتم فيه من شيء فحكمه الى الله ذلكم الله ربي عليه توكلت

اختلاف کردید شما در آن از چیزی پس حکم آن با خداست آنست خدای پروردگار من برو توکل کردم

واليه انيب فاطر السموات والارض جعل لكم من انفسكم

و باز گرداو باز آیم اوست نو آفریننده آسمانها و زمین بیافرید برای شما از تنهای شما

ازواجا ومن الانعام ازواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء

جفتها و از چهار پایان جفتها پراکنده و بسیار میکند شما را در آن نیست مانند او هیچ چیزی

وهو السميع البصير له مقاليد السموات والارض يبسط الرزق

و اوست شنوای بینا مراوراست کلیدهای خزائن آسمانها و زمین فراخ میگستراند روزی

لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم شرع لكم من الدين

مرآنرا که خواهد و تنگ میکند بدرستی که او بهمه چیزی داناست پیدا کرد برای شما از دین

ما وصى به نوحا والذي اوحينا اليك وما وصينا به ابراهيم وموسى

آنچه فرمود بدان نوح را و آنچه وحی کردیم ما بتو و آنچه فرمودیم ما بدان ابراهیم و موسی

وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ

وعیسی را که راست بایستید دین اسلام را ومتفرق مشوید در آن چه بزرگست بر بت پرستان

مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ

آنچه میخوانید ایشانرا بدان خدا برگزیند بدرگاه خود آنرا که خواهد وراه نماید بدرگاه خود

مَنْ يُنِيبُ • وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا

آنرا که بدرگاه او بازآید ومتفرق نشدند مگر از پس آنچه آمد بدیشان دانش ستمی

بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى

میان ایشان واگر نه سخنی بودی پیشی گرفته از پروردگار تو تا اجلی نام نهاده

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ

هر آینه گزارده شدی کار میان ایشان وبدرستی که آنها که بمیراث گرفتند از پس ایشان هر آینه در شک

مِنْهُ مُرِيبٍ • فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ

ازان بتهمت آورنده پس بدین دین بخوان خلایق را وثابت باش همچنانکه فرموده شد ترا وپیروی مکن

أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ

مرادهای ایشانرا وبگو بگرویدم بدانچه فرو فرستاد خدا از کتاب وفرموده شد مرا تا عدالت کنم

بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ

میان شما خداست پروردگار ما وپروردگار شما مارا است عملهای ما ومر شمارا است عملهای شما

لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

نیست حجتی میان ما ومیان شما خدا جمع کند میان ما وبا اوست بازگشت

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ

وآنها که حجت میگویند در دین خدا از پس آنچه اجابت کرده باشند رسول را حجت ایشان

دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

باطلست نزد پروردگار ایشان وبر ایشانست خشم ومر ایشانراست عذابی سخت

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

خدا آنست که فرو فرستاد کتاب براستی وترازو اعمال را وچه دانا کرد ترا که شاید قیامت

قَرِيبٌ • يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ

نزدیکست بشتاب میخواهند آنرا آنها که نمیگروند بدان وآنها که گرویدند ترسندگانند

مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ

ازان ومیدانند که آن حقست بدان که آنها که بشک میشوند در وقوع قیامت

لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ • اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

هر آینه در گمراهی دور از حق اند خدا مهربانست بکمال بر بندگان خود روزی دهد آنرا که خواهد واو

الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ • مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ

پرزورست غالبست هر که خواهد عمل کشت زار آخرت زیاده کنیم او را در کشت او

وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ

وهر که خواهد کشت زار دنیا را بدهیم اورا ازان ونبود اورا در آخرت هیچ

نَصِيبٍ • أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ

بهره یا مرایشانرا شریکانست که بیان کردند برای ایشان از اصول دین که فرمان نداده بدان خدا

وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ
واگر نه سخنی بودی جدا کرده هرآینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستی که ستمکاران مرایشان را بود عذابی
أَلِيمٌ ● تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ
دردناک ببینی تو ستمکاران را ترسندگان از آنچه اندوخته باشند و آن واقع است بدیشان
وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ
وآنهایی که ایمان آوردند وکردند کارهای نیک در روضها و غرفهای بهشت مرایشان را بود
مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ● ذَلِكَ
آنچه خواهند نزد پروردگار ایشان آنست آن فضل بزرگ آنست
الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ
آنچه بشارت میدهد خدا بندگان خود را آنها را که ایمان آوردند وکردند کارهای نیک بگو
لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَمَنْ يَقْتَرِفْ
نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی مگر دوست داشتن خویشان نزدیک را و هرکه اندوزد
حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ● أَمْ يَقُولُونَ
نیکویی زیادت کنیم مر او را در آنجا نیکو بدرستی که خدا آمرزگار شکرپذیر بندگانست میگویند
افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ
که بربافته است محمد بر خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دل تو و محو کند
اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
خدا باطل را و درست گرداند حق را بسخنان خود بدرستی که او بر اسرار سینها داناست

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَ
واوست آن خدایی که قبول کند توبه را از بندگان خود و درگذرد از بدیها و
يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ● وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
میداند آنچه میکنید شما و پاسخ کند آنها را که ایمان آوردند وکردند کارهای نیک
وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ● وَ
و زیادت کند ایشانرا از فضل خود و کافران مرایشان را بود عذابی سخت
لَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ
اگر بگستراندی فراخ خدا روزی مر بندگان خود را هرآینه ستم کردندی در زمین ولیکن فرو میفرستد باندازه
مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ● وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ
آنچنان که خواهد بدرستی که او بحال بندگان خود آگاه بیناست واوست آن خدایی که فرو میفرستد باران را از پس
مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ● وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ
آنکه نومید شده باشند و پراگنده رحمت خود را و او دوست ستوده واز نشانهای اوست آفریدن
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ
آسمانها و زمین و آنچه پراگنده دران هر دو از جنبندها و او بر جمع آوردن ایشان چون خواهد
قَدِيرٌ ● وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ
تواناست و آنچه برسد بشما از مصیبتی پس بسبب آنچیزیست که اندوخته دستهای شما
وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ● وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ
و درگذرد از بسیاری و نیستید شما فوت شونده در زمین و نبود مرشمارا از

حزب

دون الله من ولي ولا نصير ۝ ومن آياته الجوار في البحر كالأعلام

جز خدا هیچ دوستی و نه یاری کنی ۝ واز نشانهای اوست کشتیها در دریا برونده همچون کوهها

إن يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره إن في

اگر خواهد ساکن کند بادرا پس باشند ایستاده ثابت و متمکن بر پشت آن بدرستی که در

ذلك لآيات لكل صبار شكور ۝ أو يوبقهن بما كسبوا

آن مرانه نشانهاست مر هر صبر کننده شکر کننده را ۝ یا غرق و هلاک گرداند آنهارا بسبب آنچه اندوختند

ويعف عن كثير ۝ ويعلم الذين يجادلون في آياتنا ما لهم

و در گذرد از بسیاری ۝ و بدانیم آنها که خصومت میکنند در نشانهای ما نبود ایشانرا

من محيص ۝ فما أوتيتم من شيء فمتاع الحياة الدنيا وما

هیچ گریزگاهی ۝ پس آنچه بداده اند شمارا از هر چیزی پس برخورداری زندگانی دنیاست و آنچه

عند الله خير وأبقى للذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون

نزد خداست بهتر و باقی تر مر آنهارا که بگرویدند و بر پروردگار خود توکل کردند

والذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش وإذا ما غضبوا هم

و آنها که دوری جویند از گناهان بزرگ و بزه و ناشایستها و چون خشم برند ایشان

يغفرون ۝ والذين استجابوا لربهم وأقاموا الصلوة و

در گذرند ۝ و آنها که پاسخ کردند مر فرمان پروردگار خود را و بپای دارند نماز را

أمرهم شورى بينهم ومما رزقناهم ينفقون

و کار ایشان بمشورت بود میان یکدیگر ۝ و از آنچه روزی گردانیدیم مایشانرا نفقت کردند

والذين إذا أصابهم البغي هم ينتصرون ۝ وجزاء سيئة سيئة

و آنها که چون برسد بایشان ستم ایشان داد بستانند ۝ و پاداشت بدی بدی بود

مثلها فمن عفا وأصلح فأجره على الله إنه لا يحب الظالمين ۝ و

مانند آن پس هر که در گذرد و کار باصلاح آورد پس مزد او بر خدا بود بدرستی که او دوست ندارد ستمکارانرا

لمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل ۝ إنما السبيل

و هر که داد خود بستاند پس از آنچه ستم کرده شد پس آن گروه نبود بر ایشان هیچ راه عتابی بدرستی که راه عتاب

على الذين يظلمون الناس ويبغون في الأرض بغير الحق أولئك

بر آنها بود که ستم کنند بر مردمان و جویند فساد کردن در زمین بناحق آن گروه

لهم عذاب أليم ۝ ولمن صبر وغفر إن ذلك لمن عزم الأمور

مر ایشانرا بود عذابی دردناک ۝ و مر آنرا که صبر کرد و عفو کرد از ظالم بدرستی که آن از کارهای بزرگ

ومن يضلل الله فما له من ولي من بعده ۝ وترى الظالمين لما رأوا

و هر که گمراه کند اورا خدا پس نبود مراورا هیچ دوستی از پس او ۝ و بینی تو ستمکارانرا چون ببینند

العذاب يقولون هل إلى مرد من سبيل ۝ وتراهم يعرضون

عذاب گویند ای هست ما را هیچ باز گشتنی بدنیا ۝ و بینی تو ایشانرا که عرض کرده شوند

عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف خفي ۝ وقال الذين

بر آن آتش خاضعان از خواری نگرند بتو از گوشه چشم پنهانی ۝ و گویند آنها

آمنوا إن الخاسرين الذين خسروا أنفسهم وأهليهم يوم القيمة

که بگرویدند بدرستی که زیانکاران آنهااند که زیانکار آمدند بر تنهای خود و کسان خود در روز قیامت

أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ۝ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ

بدان که ستمکاران در عذاب جاودانه باشند ونبود مرایشانرا هیچ دوستانی

يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ۝ اسْتَجِيبُوا

که یاری کنند ایشانرا از جز خدای و هر که گمراه کند او را خدای پس نیست مر او را هیچ راه پاسخ کنید

لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ

مر فرمان پروردگار خود را از پیش آنکه آید روزی که بازگشتنی نبود آنرا از عذاب خدا نبود مر شما را هیچ پناهگاهی

يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ۝ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ

آن روز ونبود مر شما را هیچ عقوبت کننده پس اگر برگردند پس نفرستادیم مرترا بر ایشان

حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا

نگهبانی نیست بر تو مگر رسانیدن و بدرستی که ما چون در چشانیم آدمی را از قبل خود

رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ

رحمتی را شاد شود بدان و اگر برسد ایشانرا بدی بسبب آنچه پیش داشته است دستهای ایشان پس بدرستی

الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ۝ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ

که آدمی ناسپاس است مر خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین بیافریند آنچه خواهد

يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ۝ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ

ببخشد مر آنرا که خواهد مادینه و ببخشد مر آنرا که خواهد پسران یا باهم جفت گرداند ایشانرا

ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

پسر و دختر و بکند آنرا که خواهد نازاینده بدرستی که او دانای تواناست

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ

ونبود مر هیچ آدمی را که سخن گوید با او خدا مگر بپیغام وحی و الهام یا از پس پردها و سواتر

أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ

یا بفرستد رسولی را پس وحی آورد بفرمان خود آنچه خواهد بدرستی که او فرشته است و محکم کار و همچنین

أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا

وحی کردیم بتو جبرئیل را از فرمان ما نبودی تو که دریابی و دانی که چیست قرآن و نه

الْإِيمَانُ وَلَٰكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا

شرطهای ایمانرا ولیکن گردانیدیم ما آنرا سبب روشنایی راه نماییم بدان آنرا که خواهیم از بندگان ما

وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ

و بدرستی که تو راه می نمایی با راه راست راه خدا آن خدایی که مراو راست

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست بدان که بخدایست بازگشت

الْأُمُورُ

کارها

سورة الزخرف تسع وثمانون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حم ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بحق قرآن بار روشنایی بدرستی که گردانیدیم ما آنرا قرآنی بلغت عرب تا بود که شما دریابید

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ۞ أَفَنَضْرِبُ عَنكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا
و بدرستی کرآن در لوح المحفوظ نزدیک ما بزرگ قدرست با حکمی تمام ای مهمل گذاریمشان پس دور کنیم از شما پند را از روی اعراض

أَن كُنتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ۞ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِن نَّبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ
بانک هستید شما گروهی گزاف کاران و بسا که فرستادیم ما از پیغمبران در میان امم پیشینه

وَمَا يَأْتِيهِم مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۞ فَأَهْلَكْنَا
و نیامد بدیشان هیچ پیغمبری مگر که بودند بدو استهزا میکردند پس هلاک کردیم ما

أَشَدَّ مِنْهُم بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ۞ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ
سخت تر از ایشان را بگرفتن و گذشت مثل اولینیان و هر آینه اگر پرسی تو از ایشان که

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ
که آفرید آسمانها را و زمین را هر آینه گویند آفرید آنها را خدای غالب دانا

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا
آن خدائی که گردانید برای شما زمین بمثابت گهواره و پدید کرد برای شما در آنجا راهها

لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۞ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ
تا بود که شما راه یابید و آن خدائی که فرو فرستاد از آسمان آبی را باندازه

فَأَنشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ۚ كَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۞ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ
پس زنده کردیم بسبب آن زمین مرده را همچنین بیرون آریم از گورها و آن خدائی که آفرید صنفها

كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ۞ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ
همه آن و گردانید برای شما از کشتی و چهارپایان آنچه برمی‌نشینید تا قرار گیرید بر

ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ
پشتهای آن پس یاد کنید نعمت پروردگار خود را چون قرار گیرید شما بر پشت آن و گویید

تَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ۞
بگویید پاک و منزه است آن خدائی که مسخر کرد ما را این و نبودیم ما مر آنرا طاعت دارندگان

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُونَ ۞ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا ۚ إِنَّ
و بدرستی که ما با پروردگار خود بازگردندگانیم و پدید کردند برای خدا از بندگان او بهره بدرستی

الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ۞ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم
که آدمی هر آینه ناسپاسی روشنست یا نه که فرا گرفت از آنچه می‌آفریند دختران و برگزید شما را

بِالْبَنِينَ ۞ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ
پسران و چون بشارت دهند یکی از ایشانرا بدانچه پدید کرد برای خدا بمثل گردد

وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۞ أَوَمَن يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَ
روی او سیاه و او خشمناک بود ای آنکه تربیت یابد در زینت و نام

هُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ۞ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ
او در وقت مخاصمت نه قادر بود بر تقریر حجت و نام نهادند فرشتگان را آنها که ایشان بندگانند

الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا ۚ أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ ۚ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ۞
خدایند مادگان ای حاضر بودند بآفریدن ایشان زود باز نویسیم گواهی ایشانرا و از ایشان بازپرسند

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ مَا عَبَدْنَاهُم ۗ مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ
و گفتند اگر خواستی خدای روزی دهنده نپرستیدمانی اصنام را نیست مر ایشانرا بدان هیچ دانشی نیست

هُمْ اِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ اَمْ اٰتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ

ایشان مگر دروغ برمی بافند یا بدادیم ما ایشانرا کتابی پیش از قرآن پس ایشان بدان

مُسْتَمْسِكُونَ ۝ بَلْ قَالُوا اِنَّا وَجَدْنَا اٰبَاءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰى

کار میکنند بلک گفتند پدرستی که یافتیم ما پدران خودرا برین دین وما بر

اٰثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ ۝ وَكَذٰلِكَ مَا اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي

اثرهای ایشان راه یافتگانیم وهمچنین نفرستادیم ما پیش از تو در هیچ

قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا اِنَّا وَجَدْنَا اٰبَاءَنَا عَلٰى اُمَّةٍ وَاِنَّا

دیهی هیچ بیم کننده را مگر که گفتند متنعمان آنجا که ما یافتیم پدران خودرا براین دین وما

عَلٰى اٰثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ ۝ قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِاَهْدٰى مِمَّا

بر اثرهای ایشان اقتدا نمایندگانیم بگو ای متابعت پدران کنید واگرچه آوردم بشما راه یابنده تر از آنچه

وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ اٰبَاءَكُمْ قَالُوا اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

یافتید شما بران پدران خودرا گفتند که ما بدآنچه بفرستاده اند شمارا بدان کافرانیم

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

پس کینه باز خواستیم ما ازیشان پس بنگر که چگونه بود عاقبت بدروغ دارندگان

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيمُ لِاَبِيهِ وَقَوْمِهِ اِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ۝ اِلَّا

وچون گفت ابرهیم مر پدر خودرا وقوم خودرا که من بیزارم از آنچه شما می پرستید مگر

الَّذِي فَطَرَنِي فَاِنَّهُ سَيَهْدِينِ ۝ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي

آن خدایی که نو بیافرید مرا پس او زود راه نماید مرا وگردانید آنرا سخنی باقی مانده در

عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ بَلْ مَتَّعْتُ هٰؤُلَاءِ وَاٰبَاءَهُمْ حَتّٰى

عقب خود تا بود که ایشان باز گردند بلک برخورداری دادم این گروه را وپدران ایشانرا تا

جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هٰذَا

آمد بدیشان کتاب ورسولی ظاهر الاعجاز وچون آمد بدیشان پیغمبر باقرآن گفتند این

سِحْرٌ وَاِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ عَلٰى رَجُلٍ

جادوست وبدرستی که ما بدان کافرانیم وگفتند چرا فرو نفرستاده اند این قرآنرا بر مردی

مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ۝ اَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ

از میان دو دیه بزرگ ای ایشان قسمت میکنند رحمت پروردگارترا ما

قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا

قسمت بکنیم میان ایشان معیشت ایشانرا در زندگانی دنیا وبرافراشتیم ما

بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا

بعضی ایشانرا بالای بعضی بدرجه ومرتبه تا فرا گیرند بعضی ایشان بعضی را باستهزا

وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ۝ وَلَوْلَا اَنْ يَكُونَ النَّاسُ اُمَّةً

ورحمت پروردگار تو بهتر از آنچه جمع میکنند واگرنه آن بودی که بودندی مردمان

وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ

بریک دین هرآینه کردانیدیمی مرانرا که کافر شد بخدا مرخانهای ایشانرا آسمانهایی از نقره

وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ۝ وَلِبُيُوتِهِمْ اَبْوَابًا وَسُرُرًا

ونردبانهایی که بران بام برآیند ومرخانهای ایشانرا درهایی وتختهایی

نصف

عليها يتكئون وزخرفا وإن كل ذلك لما متاع الحيوة الدنيا

که بران تکیه زنند از مروارید و زبرجد و نبود آن مگر برخورداری زندگانی دنیا

والآخرة عند ربك للمتقين ومن يعش عن ذكر

و آخرت نزد پروردگار تو پرهیزکاران را بود و هر که نابینا پدید خودرا از یاد کرد

الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين وإنهم ليصدونهم

خدای روزی دهنده میگماریم او را دیوی پس آن دیو او را همزاد بود و بدرستی که ایشان باز دارند ایشان را

عن السبيل ويحسبون أنهم مهتدون حتى إذا جاءنا

از راه خدا و پندارند که ایشان راه یافتگانند تا چون آید با ما

قال يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين فبئس القرين

گوید ای کاشکی میان من و میان تو دوری مشرق و مغرب پس بد صاحبی تو

ولن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون

و هرگز سود نکند شمارا امروز چون ستم کردید شما آنکه شما در عذاب انبازان باشید

أفأنت تسمع الصم أو تهدي العمي ومن كان في ضلال

ای پس تو بتوانی شنوانیدن کرانرا یا راه توانی نمود کورانرا و آنکه باشد در گمراهی

مبين فإما نذهبن بك فإنا منهم منتقمون أو نرينك

روشن پس اگر ببریم ترا با آخرت پس بدرستی که ما از ایشان کینه بازخواهندگانیم یا بازنمایم ترا

الذي وعدناهم فإنا عليهم مقتدرون فاستمسك

آنچه وعده کردیم ایشانرا پس بدرستی که ما بر ایشان توانایانیم پس چنگ در زن

بالذي أوحي إليك إنك على صراط مستقيم وإنه لذكر

بدانچه وحی کرده میشود بتو بدرستی که تو بر راه راستی و بدرستی که این قرآن پندیست

لك ولقومك وسوف تسئلون واسئل من أرسلنا من قبلك

ترا و مر قوم ترا و زود باز پرسیده شوید شما و بپرس آنانکه بفرستادیم ما پیش از تو

من رسلنا أجعلنا من دون الرحمن آلهة يعبدون ولقد

از پیغامبران ما ای پدید کردیم ما از جز خدای روزی دهنده خدایانی که پرستیده شوند و بدرستی

أرسلنا موسى بآياتنا إلى فرعون وملائه فقال إني رسول

که بفرستادیم ما موسی را بنشانهای ما سوی فرعون و اشراف او پس گفت که من رسول

رب العالمين فلما جاءهم بآياتنا إذا هم منها يضحكون

پروردگار جهانیانم پس چون آمد بدیشان نشانهای ما آنگه ایشان ازان میخندیدند

وما نريهم من آية إلا هي أكبر من أختها وأخذناهم بالعذاب

و باز نمی نمودیم ایشانرا هیچ نشانی مگر آن بزرگتر می بود از خواهر آن و بگرفتیم ما ایشانرا بعذاب

لعلهم يرجعون وقالوا يا أيه الساحر ادع لنا ربك بما

تا بود که ایشان بازگردند و گفتند ای جادو بخوان برای ما پروردگار خودرا بانچه

عهد عندك إننا لمهتدون فلما كشفنا عنهم العذاب

عهد کرد نزد تو که ما راه یافتگانیم پس چون برداشتیم از ایشان عذاب

إذا هم ينكثون ونادى فرعون في قومه قال يا قوم أليس لي

آنگه ایشان نقض عهد کردند و بخواند فرعون قوم خودرا پس گفت ای قوم من آیا نیست مرا

ملك مصر وهذه الأنهار تجري من تحتي أفلا تبصرون

پادشاهی مصر واین جویهارود نیل که میرود از زیر قصر من ای پس نمی بینید

أم أنا خير من هذا الذي هو مهين ولا يكاد يبين فلولا ألقي

یا نه که من بهترم ازینک او حقیر ترست ونه نزدیکست که روشن کند سخن را پس چرا نیفکندند

عليه أسورة من ذهب أو جاء معه الملائكة مقترنين

برو دستورنجنهائی از طلا یا چرا نیامدند با او فرشتگان از پی یکدیگر درآیندگان

فاستخف قومه فأطاعوه إنهم كانوا قوما فاسقين فلما

پس سبک برگرفت قوم خود را پس فرمان بردند اورا بدرستی که ایشان بودند گروهی فاسقان پس چون

آسفونا انتقمنا منهم فأغرقناهم أجمعين فجعلناهم

بخشم آوردند مارا کینه بازخواستیم ما ازیشان پس غرق کردیم ما ایشان را همه پس بکردیم ما ایشان را

سلفا ومثلا للآخرين ولما ضرب ابن مريم مثلا إذا قومك

مقتدایان درهلاک و مثلی برای متاخران وچون پدید کردیم ما پسر مریم را مثلی آنگه قوم تو

منه يصدون وقالوا أآلهتنا خير أم هو ما ضربوه لك إلا

ازان بر میگردند وگفتند ای خدایان ما بهتر یا او پدید نکردیم ما آن مر ترا مگر

جدلا بل هم قوم خصمون إن هو إلا عبد أنعمنا عليه

برای خصومتی بلک ایشان گروهی اند خصومت کننده اند بدرستی که او نیست مگر بنده که نعمت کردیم ما بروی

وجعلناه مثلا لبني إسرائيل ولو نشاء لجعلنا منكم

وگردانیدیم ما اورا مثلی مر پسران یعقوب را واگر خواستمانی مرآینه بکردمانی از شما

ملائكة في الأرض يخلفون وإنه لعلم للساعة فلا تمترن بها

فرشتگانی در زمین که بجای شما بودندی وبدرستی که نزول عیسی برای دانشی است بحال قیامت پس بشک مشوید آنرا

واتبعون هذا صراط مستقيم ولا يصدنكم الشيطان

وپیروی کنید مرا که اینست راه راست وبرمگرداناد شمارا دیو

إنه لكم عدو مبين ولما جاء عيسى بالبينات قال قد

بدرستی که او مرشمارا دشمنی دوشنست وچون آمد عیسی بمعجزات گفت بدرستی

جئتكم بالحكمة ولأبين لكم بعض الذي تختلفون فيه

که آوردم شمارا حکمتی با شرایع وتا روشن کنم مرشمارا بعضی آنچه اختلاف کردید درآن

فاتقوا الله وأطيعون إن الله هو ربي وربكم فاعبدوه

پس بترسید از خدا وفرمان برید مرا بدرستی که خدا اوست پروردگار من وشما پس پرستید اورا

هذا صراط مستقيم فاختلف الأحزاب من بينهم فويل

که اینست راه راست پس اختلاف کردند گروهان از میان ایشان پس وای

للذين ظلموا من عذاب يوم أليم هل ينظرون إلا الساعة ان

مرآنهارا که ستم کردند از عذاب روزی دردناک ای هیچ خشم نمیدارند مگر قیامت را

أن تأتيهم بغتة وهم لا يشعرون الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض

که آید بدیشان ناگاه وایشان ندانند دوستان امروز بعضی ایشان بعضی را

عدو إلا المتقين يا عباد لا خوف عليكم اليوم ولا أنتم تحزنون

دشمنان باشند مگر پرهیزکاران ای بندگان من هیچ ترسی نبود برشما امروز ونه شما اندوهگین باشید

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَ

آنها که بگرویدند بنشانهای ما و بودند منقادان گوید ایشانرا درروید در بهشت شما

أَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ

و همجفتان شما شادان گردانند بر ایشان کاسهای از طلا و کوزهای

وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و در آنجا بود آنچه آرزو کند تنها و خوش شوند چشمها و شما در آنجا جاودان باشید

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ لَكُمْ

و آنست بهشت آن بهشتی که میراث دادیم آن شمارا بسبب آنچه شما کردید در دنیا مر شمارا بود

فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي

در آنجا میوهای بسیار از آن میخورید بدرستی که کافران

عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ لَا يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

عذاب دوزخ همیشه باشند تخفیف کرده از ایشان و ایشان در آن نومیدان باشند

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ وَنَادَوْا

و ستم نکردیم ما ایشانرا ولیکن بودند ایشان ستمکاران و برخوانند

يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ

ای مالک باید که حکم کند بر ما بموت پروردگار تو گوید مالک که شما درنگ کنندگانید بدرستی که آمدیم بشما

بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ أَمْ أَبْرَمُوا

بحق ولیکن بیشترین شما مرحق را ناخواهندگان بودید یا بر حکم کردند

أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

کاری را پس ما حکم کنندگانیم یا نه که پندارند که ما نمی شنویم پنهان ایشانرا و راز ایشانرا

بَلَى وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا

آری و ملائکه ما نزدیک ایشان باز می نویسند بگو اگر بودی مرخدای روزی دهنده را فرزندی پس من

أَوَّلُ الْعَابِدِينَ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ

اول پرستندگان پاک و منزه است پروردگار آسمانها و زمین پروردگار عرش

عَمَّا يَصِفُونَ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ

از آنچه صفت میکنند پس بگذار ایشانرا تا شروع کنند و بازی کنند تا باز رسند بدین روز

الَّذِي يُوعَدُونَ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ

آنکه وعده میدهند ایشانرا و اوست آن خدایی که در آسمان خدا است و در زمین خدا است و او محکم کار

الْعَلِيمُ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ

دانا است و بزرگوار است آن خدایی که او را است پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان ایشانست و نزد او

عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ

علم قیامت و با جزای او بازگردانیده شوید و قادر نباشند آنها که میخوانند از

دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ وَلَئِنْ

جز او شفاعتی را مگر آنکه گواهی داده بود بتوحید خدا و ایشان دانند و اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ

پرسی تو از ایشان که که آفرید ایشانرا گویند که خدا پس چگونه برگردانیده میشوند از حق و گفتار او ان بود که ای پروردگار من

إِنَّ هٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ

بدرستی که این اهل که گروهی اند که نمی گروند پس درگذر ازیشان و بگو سلام وداع باد بر شما پس زود

يَعْلَمُونَ

بدانند

سورة الدخان تسع وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

تعظیم کرده اند بود بسیار

حمٓ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ

بحق قرآن با روشنائی بدرستی که ما فرو فرستادیم ما این قرآن درشب بسیار خجسته

إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

بدرستی که هستیم ما بیم کنندگان درآن شب منفصل و مکتوب شد هر کاری با حکمت

أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ

فرمانی از نزدیک ما بدرستی که هستیم ما فرستندگان رحمتی از پروردگار تو بدرستی که

هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ

او شنوای داناست اوست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن هردو اگر

كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۝ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ

هستید شما بیقین باشندگان نیست خدایی مگر او زنده کند و بمیراند پروردگار شما و

آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ۝ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۝ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي

پدران شما پیشینیان بلکه ایشان در شکی اند بازی میکنند پس چشم دار روزی که آید

السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ ۝ يَغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ رَبَّنَا

آسمان بدودی ظاهر روشن بپوشاند مردمان را که اینست عذابی دردناک ای پروردگار ما

اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۝ أَنَّىٰ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ

بردار از ما عذاب بدرستی که ما گرویدگانیم از کجا بود مرایشان را پند گرفتن

وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ۝ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ

و بدرستی که آمد بدیشان رسولی روشن کننده پس برگشتند ازو و گفتند این آموخته است

مَجْنُونٌ ۝ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۝ يَوْمَ

دیوانه بدرستی که ما بردارنده عذاب اندکی بدرستی که شما بازگردنده اید روزی

نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ

که بگیریم گرفتنی بزرگتر بدرستی که ما کینه بازخواهندگانیم و بدرستی که آزمودیم ما پیش از ایشان

قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۝ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ

قوم فرعون را و آمد بدیشان رسولی نیکو کار که تسلیم کنید بمن بندگان خدا را

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ

بدرستی که من مر شما را رسولی با امانم و آنکه تکبر و ترفع منمایید بر خدا که من آیم بشما بحجتی

مُبِينٍ ۝ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ۝ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا

روشن و بدرستی که من پناه گیرم بپروردگار خود و شما اگر سنگسار کنید مرا و اگر نگروید

لِي فَاعْتَزِلُونِ ۝ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ۝ فَأَسْرِ بِعِبَادِي

بمن پس دور شوید از من پس خواند پروردگار خود را که این گروه مصر برکافران اند پس ببر بندگان مرا

لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ • وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ •
بشب بدرستی که شما متبوعان خواهید بود و بگذار دریا را ساکن بدرستی که ایشان لشکری اند غرقه کردگان
كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ • وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ • وَ
بس که بگذاشتند از بستانها و چشمهایی و کشت زرعها و مقامی نیکو و
نَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ • كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا
نعمتی که بودند در آن خوش عیشان کار همچنان بود که بمیراث دادیم ما آنرا بگروه
آخَرِينَ • فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ
دیگران پس نگریست بر ایشان آسمان و زمین و نبودند زمان دادگان
وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ • مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ
و بدرستی که برهانیدیم ما بنی اسرائیل را از عذابی خوار کننده از فرعون بدرستی که او
كَانَ عَالِيًا مِنَ الْمُسْرِفِينَ • وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَى عِلْمٍ عَلَى
بود افرشته از جمله گزاف کاران و بدرستی که برگزیدیم ما ایشانرا بر دانشی بر
الْعَالَمِينَ • وَآتَيْنَاهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ • إِنَّ
اهل زمانه خود و بدادیم ما ایشانرا از نشانها آنچه در آن بود آزمایشی روشن بدرستی
هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ •
که این اهل مکه مرا بگویند نیست این خاتمت مرگ ما مگر مرگ اول بار و نباشیم ما زنده کرده شدگان
فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ • أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَّعٍ الذين
پس بیاورید پدران ما را اگر هستید شما راست گویان آیا ایشان بهتر یا گروه تبع

وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ • وَمَا
و آنها که پیش از ایشان بودند هلاک کردیم ما ایشانرا بدرستی که ایشان بودند کافران و
خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ • مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا
نیافریدیم ما آسمانها و زمین را و آنچه میان آن هردو است بازی نیافریدیم ما آن هردو را مگر
بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ • إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ
بحق ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند بدرستی که روز و حکم خلایق
مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ • يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ
موعدگاه ایشانست همه آن روز باز ندارد هیچ دوستی از دوستی چیزی را و نه ایشانرا
يُنْصَرُونَ • إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ • إِنَّ شَجَرَتَ
یاری کنند مگر آنرا که رحمت کرد خدای بدرستی که او غالب مهربانست بدرستی که درخت
الزَّقُّومِ • طَعَامُ الْأَثِيمِ • كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ • كَغَلْيِ الْحَمِيمِ •
زقوم خورش بزه کاران بود همچون مس گداخته جوشد در شکمها همچون جوشیدن آب گرم
خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ • ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ
گویند بگیرید او را پس برید او را بسوی دوزخ پس بریزید از بالای سر او از عذاب
الْحَمِيمِ • ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ • إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ
آب گرم گویند بچش عذاب را که تو بودی با عزت و گرامی نزد خود بدرستی که اینست آنچه شما آنرا
تَمْتَرُونَ • إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ • فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ •
بشک میبودید بدرستی که پرهیزکاران در مقامهای ایمن باشند در بستانها و چشمها

يلبسون من سندس واستبرق متقابلين كذلك
در پوشند از دیبای سبز و دیبای تنک روی فرا یکدیگر کنندگان همچنین
وزوجناهم بحور عين يدعون فيها بكل فاكهة آمنين
و جفت کردانیم ایشانرا بحور العین هرچه خواهند دران جنت باشند و هر میوهائی ایمن باشند از آفات
لا يذوقون فيها الموت الا الموتة الاولى ووقيهم عذاب
نچشند در آنجا مرگ را بجز مرگ اول بار در دنیا و نگه بدارد ایشانرا از عذاب
الجحيم فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم فانما
دوزخ برای تفضلی از پروردگار تو آنست آن رستگاری بزرگ پس بدرستی
يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون فارتقب انهم
که آسان کردانیدیم قرآنرا بزبان تو تا بود که ایشان پند گیرند پس چشم دار هلاک ایشانرا که ایشان

سورة الجاثية سبع وثلاثون آية — مرتقبون
زوال کارترا چشم دارندگانند

بسم الله الرحمن الرحيم

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ان في السموات
فرو فرستادن این کتاب از خدای غالب محکم کارست بدرستی که در آسمانها
والارض لايات للمؤمنين وفي خلقكم وما يبث من دابة
و زمین نشانهاست مر مومنانرا و در آفریدن شما و آنچه پراکند از جنبندها

آيات لقوم يوقنون واختلاف الليل والنهار وما انزل الله
نشانهاست مر گروهی را که بیقین شوند و در اختلاف شب و روز و آنچه فرو فرستاد خدا
من السماء من رزق فاحيا به الارض بعد موتها وتصريف
از آسمان از روزی پس زنده کرد بدان زمین را پس از مرگ آن و در گردیدن
الرياح آيات لقوم يعقلون تلك آيات الله نتلوها
بادها نشانهاست مر گروهی را که استعمال عقل کنند آنست نشانهای خدا که میخوانیم آنرا
عليك بالحق فباي حديث بعد الله وآياته يؤمنون
بر تو بحق پس بکدام سخن پس از سخن خدا و نشانهای او میگروند
ويل لكل افاك اثيم يسمع آيات الله تتلى عليه ثم
وای مر هر دروغ بر بافنده بزه کار را که شنود نشانهای خدا را که خوانند بر وی پس
يصر مستكبرا كان لم يسمعها فبشره بعذاب اليم
مصر باشد و مداومت نماید بر کفر گویا که نشنوده است آنرا پس بشارت ده اورا بعذابی دردناک
واذا علم من آياتنا شيئا اتخذها هزوا اولئك لهم
و چون بداند از نشانهای ما چیزی را فرا گیرد آنرا بافسوس آن گروه مر ایشانرا
عذاب مهين من ورائهم جهنم ولا يغني عنهم ما
عذابی خوار کننده از پس ایشان بود دوزخ بود و بسنده نباشد ایشان آنچه
كسبوا شيئا ولا ما اتخذوا من دون الله اولياء ولهم
اندوختند چیزی و نه آنچه فرا گرفتند از جز خدای دوستان و مر ایشانرا بود

عذابٌ عظيمٌ ۝ هذا هدًى والذين كفروا بآيات ربهم لهم

عذابی بزرگ این قرآن راهنموناست وآنها که کافر شدند بنشانهای پروردگار خود مرایشانرا

عذابٌ من رجزٍ أليمٌ ۝ الله الذي سخر لكم البحر لتجري

بود عذابی از بدترین خواری دردناک خدا آن خدایست که مسخر کرد مرشمارا دریا تا برود

الفلك فيه بأمره ولتبتغوا من فضله ولعلكم تشكرون

کشتی درآن بفرمان او وتا بجوئید از فضل او وتا بود که شما شکر کنید

وسخر لكم ما في السماوات وما في الأرض جميعا منه إن

ومسخر کرد مرشمارا آنچه درآسمانهاست وآنچه در زمینست همه از خدا بدرستی

في ذلك لآيات لقوم يتفكرون ۝ قل للذين آمنوا يغفروا

که درآن مرنشانهاست برای گروهی که اندیشه کنند بگو مرآنهارا که بگرویدند درگذرند

للذين لا يرجون أيام الله ليجزي قوما بما كانوا يكسبون

ازآنها که امید ندارند ثواب روزهای موعود خدا تا پاداش دهد گروهی را بآنچه اندوخته باشند

من عمل صالحا فلنفسه ومن أساء فعليها ثم إلى ربكم

هرکه کاری نیکو کند پس سود مرتن اوراست وهرکه بدی کند پس زیان بروی بود پس بسوی پروردگار شما

ترجعون ۝ ولقد آتينا بني إسرائيل الكتاب والحكم والنبوة

بازگردانیده شوید وبدرستی که بدادیم ما فرزندان یعقوب را کتاب تورات وحکمت وپیغمبری

ورزقناهم من الطيبات وفضلناهم على العالمين

وروزی دادیم ما ایشانرا از پاکیها وافزونی نهادیم ما ایشانرا برعالمیان زمان ایشان

العلم

وآتيناهم بينات من الأمر فما اختلفوا إلا من بعد ما جاءهم

وبدادیم ما ایشانرا حجتهائی از فرمان پس اختلاف نکردند مگر از پس آنچه آمد بدیشان

بغيا بينهم إن ربك يقضي بينهم يوم القيامة فيما كانوا فيه

ازستم میان ایشان بدرستی که پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت درآنچه بودند درآن

يختلفون ۝ ثم جعلناك على شريعة من الأمر فاتبعها ولا تتبع

اختلاف میکردند پس گردانیدیم ترا بر طریقی وسیرتی از کار دین پس پیروی کن آنرا وپیروی مکن

أهواء الذين لا يعلمون ۝ إنهم لن يغنوا عنك من الله شيئا وإن

مرادهای آنهارا که نمیدانند بدرستی که ایشان باز نخواهند داشت از تو از خواست خدا چیزی وبدرستی

الظالمين بعضهم أولياء بعض والله ولي المتقين ۝ هذا بصائر

که ستمکاران بعضی ایشان دوستان بعضی اند وخدا دوست پرهیزکارانست این قرآن سبب روشنائی دلهاست

للناس وهدى ورحمة لقوم يوقنون ۝ أم حسب الذين

برای مردمان وراهنمونی ورحمتی مرگروهی که بیقین شوند یا که پنداشتند آنها

اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذين آمنوا وعملوا

که اندوختند بدیهارا که کنیم ایشانرا همچون آنها که بگرویدند وکردند

الصالحات سواء محياهم ومماتهم ساء ما يحكمون

کارهای نیکو که یکسان باشد زیستن ایشان ومردن ایشان بدست آنچه حکم میکنند

وخلق الله السماوات والأرض بالحق ولتجزى كل نفس بما

وآفرید خدا آسمانها وزمین را بحق وتا پاداش داده شود هرتنی بآنچه

كسبت وهم لا يظلمون ۞ أفرأيت من اتخذ إلهه هواه وأضله

اندوخته بود وايشانرا ستم نكنند اى پس ديدى آنرا كه گرفت خدايان خودرا هواى خود وگمراه كرد اورا

الله على علم وختم على سمعه وقلبه وجعل على بصره غشاوة

خدا بر دانشى ومهر نهاد بر شنواى او ودل او وگردانيد بر بيناى او پوششى

فمن يهديه من بعد الله أفلا تذكرون ۞ وقالوا ما هي إلا

پس كيست كه راه نمايد اورا از پس اضلال خدا اى پس پند نميگيريد وگفتند نيست اين مگر

حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما يهلكنا إلا الدهر وما لهم

زندگانى ما دنيا ميميريم وزنده ميشويم وهلاك نكند مارا مگر روزگار ونبود مرايشانرا

بذلك من علم إن هم إلا يظنون ۞ وإذا تتلى عليهم آياتنا

بدان هيچ دانشى نيستند ايشان مگر گمانى مى برند وچون خوانده شود بريشان نشانهاى

بينات ما كان حجتهم إلا أن قالوا ائتوا بآبائنا إن كنتم

روشن نبود حجت ايشان مگر آنكه گفتند بياوريد پدران خودرا اگر هستيد شما

صادقين ۞ قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم إلى يوم

راستگويان بگو خدا زنده كند شمارا پس بميراند شمارا پس جمع كند شمارا در روز

القيامة لا ريب فيه ولكن أكثر الناس لا يعلمون ۞ ولله ملك

قيامت كه هيچ شكى نيست دران وليكن بيشترين مردمان نمى دانند ومر خدايراست پادشاهى

السموات والأرض ويوم تقوم الساعة يومئذ يخسر المبطلون

آسمانها وزمين وروزى كه برخيزد قيامت آن روز زيانكار آيند باطل كاران

وترى كل أمة جاثية كل أمة تدعى إلى كتابها اليوم

وبينى تو هر گروهى را بزانو درآمده گان هر گروهى خوانده شود نامه خودرا امروز

تجزون ما كنتم تعملون ۞ هذا كتابنا ينطق عليكم

پاداشت داده شويد شما بدانچه كرده باشيد اين مكتوب ماست كه ناطق است بر شما

بالحق إنا كنا نستنسخ ما كنتم تعملون ۞ فأما الذين

بحق بدرستى كه بوديم ما ميفرموديم بنوشتن آنچه ميكرديد شما پس اما آنها

آمنوا وعملوا الصالحات فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك

كه بگرويدند وكارهاى نيكو كردند پس درآرد ايشانرا پروردگار ايشان در رحمت خود آنست

هو الفوز المبين ۞ وأما الذين كفروا أفلم تكن آياتي تتلى

آن رستگارى روشن واما آنها كه كافر شدند گويند ايشانرا نبودند نشانهاى من كه خوانده ميشد

عليكم فاستكبرتم وكنتم قوما مجرمين ۞ وإذا قيل

بر شما پس گردنكشى كرديد شما وبوديد شما گروهى كافران وچون گفته شد

إن وعد الله حق والساعة لا ريب فيها قلتم ما ندري

كه وعده خدا حق است وقيامت هيچ شكى نيست دران گفتيد شما نميدانيم

ما الساعة إن نظن إلا ظنا وما نحن بمستيقنين ۞ وبدا لهم

كه چيست قيامت گمان نمى بريم مگر گمان بردنى ونباشيم ما بيقين دارندگان وپديد آيد ايشانرا

سيئات ما عملوا وحاق بهم ما كانوا به يستهزءون ۞ وقيل

بديهاى آنچه كردند وبرسيد بديشان جزاى آنچه ايشان بدان استهزا كرده باشند وگويند ايشانرا

الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ
امروز فراموش کنیم شمارا از رحمت چنانک فراموش کردید شما بباز رسیدن شما بدین روز وجای شما
النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ • ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ
آتش بود ونبود مرشمارا هیچ یاری کننده – آن شمارا بسبب آنست که شما فرا گرفتید
آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ
نشانهای خدارا بافسوس وبفریفت شمارا زندگانی دنیا پس امروز بیرون نیایند
مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ • فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
ازان عذاب ونه ایشانرا عذر قبول کنند پس مر خدایراست سپاس که پروردگار آسمانها
وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ • وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
و پروردگار زمینست و پروردگار جهانیان ومراوراست بزرگواری در آسمانها و زمین
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ • سورة الاحقاف خمس وثلاثون
واوست غالب محکم کار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بر ورانند بود نبها
حم • تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ • مَا خَلَقْنَا
فروفرستادن این قرآن از خدای غالب محکم کارست نیافریدیم ما
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ
آسمانها و زمین وآنچه میان ایشانست مگر بحق واجلی نام نهاده وآنها

الجزو ٢٦

كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ • قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ
کافر شدند از آنچه بیم کرده ایشانرا برگردندگانند بگو می بینید شما آنچه میخوانید از جز
اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ
خدا باز نمایید مرا که چه چیز آفریدند از زمین یا مرایشانراست انبازی در آسمانها
ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ
بیاورید بمن کتابی آسمانی از پیش این قرآن یا بقیتی از علم اگر هستید شما
صَادِقِينَ • وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ
راست گویان وکیست گمراه تر ازانک خواند از جز خدای آنرا که پاسخ نکند
لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ • وَإِذَا
مراورا تا روز قیامت وایشان از پرستیدن ایشان غافلانند وچون
حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ
بر انگیخته اند مردمانرا باشند آن اصنام دشمنان ایشان وبوند بپرستیدن آن گروه
كَافِرِينَ • وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ
کافران وچون خوانده شود برایشان نشانهای ما روشن گویند آنها
كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ • أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
که کافر شدند مرقرآنرا چون آمد بدیشان این جادویی روشنست یا میگویند برباقته است آنرا محمد
قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا
بگو اگر برباقته باشم اورا پس قادر نباشید مرا از عذاب خدا چیزی او داناترست بدانچه

تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَى بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ
شروع ميكنيد شما در آن بس است او گواه ميان من وميان شما واوست آمرزگار

الرَّحِيمُ • قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ
مهربان بگوای محمد نيستم من بدعت نهنده از ميان رسولان ونميدانم كه چه كنند

بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ • قُلْ
بمن ونه بشما پيروی نميكنم مگر آنچه وحی كرده ميشود بمن ونيستم من مگر بيم كننده روشن بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ
ای چه بينيد شما اگر باشد اين قرآن از نزد خدا وكافر شديد شما بدان وگواهی داد

شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ
گواهی دهنده از فرزندان يعقوب بر صحت آن پس ايمان آورد وگردنكشی كرديد شما

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ • وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
بدرستی كه خدا راه ننمايد گروه ستمكاران را وگفتند آنها كه كافر شدند

لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا
مر آنهارا كه بگرويدند اگر بودی بهتر از ما پيشی نگرفتندی بر ما بدان وچون راه نيافتند

بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ • وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى
بدان ظاهر شد عناد ايشان پس زود گويند اين دروغی ديرينه است واز پيش آن بود كتاب موسی

إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا
پيشوای ومقتدای وسبب رحمتی واين قرآن كتابيست براست دارنده بزبانی عربی
مر كتب متقدم را

لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَى لِلْمُحْسِنِينَ • إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا
تا بيم كند آنهارا كه ستم كردند وبشارت ده مر نيكوكاران را بدرستی كه آنها كه گفتند

رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ •
پروردگار ما خداست پس ثبات نمودند بر آن پس هيچ ترسی نبود بر ايشان ونه ايشان اندوهگين باشند

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
آن گروه اصحاب بهشت اند هميشه باشند در آنجا پاداشتی بدانچه ايشان كردند

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا
ووصيت نموديم ما آدمی را بمادر وپدر خود نيكويی كردن برداشت اورا مادر او در حالت مشقت

وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى
ونهاد اورا بمشقت ورحمت وبرداشتن او واز شير باز گرفتن او سی ماه بود تا

إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ
چون برسيد بغايت قوت خود ودر رسيد بچهل سالگی گويد ای پروردگار من الهام بخش مرا كه

أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
شكر گويم نعمت ترا آن نعمتی كه كردی بر من ودر مادر وپدر من وآنكه كنم

صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ
كاری نيكو كه بپسندی تو آنرا وصلاح بديد آور در ميان اولاد من بدرستی كه من باز آمدم با تو ومن از جمله

الْمُسْلِمِينَ • أُولَئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا
منقادانم آن گروه آنها اند كه قبول نموديم از ايشان نيكوتر آنچه كردند

وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي

و درگذریم از بدیهای ایشان حال آنکه در جملهٔ اصحاب بهشت باشند این وعده راست آنکه

كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَكُمَا أَتَعِدَانِنِي أَنْ

ایشانرا وعده میدهند و آنکس که گفت مر مادر و پدر خود را از دلتنگی و خشم ای وعده میدهید مرا

أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ

که بیرون آورند مرا از گور و بدرستی که گذشتند گروهان از پیش من و آن مادر و پدر فریاد میخواستند

اللَّهَ وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ

از خدا که وای بر تو بگرو بدرستی که وعده خدا حق است پس میگوید نیست این مگر افسانهای

الْأَوَّلِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ

پیشینیان آن گروه آنهااند که واجب شد بر ایشان گفتار بعذاب در میان گروهانی که گذشتند

مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

پیش از ایشان از پری و آدمی بدرستی که ایشان بودند زیانکاران

وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ

و هر همه را از مؤمن و کافر مراتب و منزلت بود از آنچه کرده باشند و تمام بدهند ایشانرا عملهای ایشان و ایشان

لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ

ستم نکنند و روزی که عرض کنند آنهارا که کافر شدند بر آتش ببردید شما

طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ

لذات شما در زندگانی شما دنیا و برخورداری گرفتید شما بدان پس امروز

تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ

پاداشت داده شوند بعذابی خوارکننده بدانچه بودید شما گردنکشی کردید در زمین بنا

الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۝ وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ

حق و بدانچه بودید شما تباهکار بدید و یاد کن هود را چون بیم کرد قوم خود را

بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

که اهل وادی بودند و بدرستی که گذشتند بیم کنندگان از پیش او و از پس او

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝

بانکه مپرستند مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ

گفتند ای آمدی بما تا برگردانی مارا از خدایان ما پس بیار بما آنچه وعده میدهی مارا اگر هستی تو

مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا

از جمله راستگویان گفت بدرستی که دانش آن نزد خداست و میرسانم شمارا آنچه

أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۝ فَلَمَّا

فرستاده اند مرا بدان و لیکن من می بینم شمارا گروهی نادانان پس چون

رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَٰذَا عَارِضٌ

دیدند آنرا ابری روی فرا آورنده بوادیهای ایشان گفتند این ابریست

مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

که باران باریده مارا بلکه آن آنچه بشتاب میخواستید شما آنرا بادی که در آن بود عذابی دردناک

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ

برمی‌کند هر چیزی را بفرمان پروردگار خود پس گشتند که نمی‌دیدند مگر مسکنهای خود را

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا

همچنین پاداشت دهیم گروه کافرانرا و بدرستی که تمکین دادیم ما ایشانرا در آنچه

إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَ

تمکین دادیم شما را در آن و بدید کردیم برای ایشان شنوایی و بینایی‌ها

أَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ

و دلهایی پس نگزیرانید از ایشان شنوایی ایشان و نه

مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ

از عذاب خدا هیچ چیزی چون بودند انکار میکردند نشانهای خدا را و برسید بدیشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ

آنچه بودند بدان استهزا میکردند و بدرستی که هلاک کردیم ما آنچه پیرامون شما بود

مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَلَوْلَا

از دیها و بیکردانیدیم ما نشانها را تا بود که ایشان بازگردند پس چرا

نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا

یاری نکردند ایشانرا آنها که فرا گرفتند از جز خدا قربانی را خدایان بلکه گم شدند

عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَإِذْ صَرَفْنَا

از ایشان [illegible] ایشان بود و آنچه بودند برمی بافتند و چون بگردانیدیم ما

إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا

بسوی تو گروهی از دیوان که می‌شنودند قرآنرا پس چون حاضر شدند بحضرت محمد گفتند خاموش باشید

فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ۝ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا

پس چون وحی گزارده میشد بر میگشتند بسوی قوم خود بیم کنندگان میگفتند ای قوم ما بدرستی که ما

سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

می‌شنیدیم کتابی را که فرو فرستاده شد از پس موسی براست دارنده مر آنچه در پیش آن بود

يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا

راه می‌نماید بحق و براه راست ای قوم ما پاسخ کنید

دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ

خواننده خدا را و بگروید بدو تا بیامرزد مر شما را گناهان شما را و برهاند شما را

مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ

از عذابی دردناک و هرکه پاسخ نکند خواننده خدا را پس نبود عاجز کننده در زمین

وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أَوَلَمْ

و نبود مراو را از جز او دوستانی آن گروه در گمراهی روشن اند آیا

يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ

ندیدند که خدا آن خداییست که آفرید آسمانها را و زمین را و در نماند بآفریدن آنها

بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَيَوْمَ

توانا است بر آنکه زنده کند مردگانرا آری بدرستی که او بر همه چیزی تواناست و روزی

يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَى وَرَبِّنَا
که عرض کنند آنها را که کافر شدند بر آتش گویند شان ای نیست این بحق گویند آری بحق پروردگار

قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ فَاصْبِرْ كَمَا
گوید خدا پس در چشید عذاب را بسبب آنچه شما کافر شدید شما پس صبر کن همچنانکه

صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ
صبر کردند خداوندان عزیمت رسل از رسولان و شتاب مخواه مر ایشان را گوییا که ایشان

يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ
روزی که ببینند آنچه وعده دادند ایشان را درنگ نکرده باشند مگر ساعتی از روز

بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ
این قرآن رسانیدنی است پس ای هیچ هلاک کرده نشوند مگر گروه فاسقان

حزب

سورة محمد عليه السلام ثمان وثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝ وَالَّذِينَ
آنها که کافر شدند و برگشتند از راه خدا باطل شود عملهای ایشان و آنها

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ
که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند و ایمان آوردند بدانچه فرو فرستاده بر محمد و آن

الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ۝ ذَلِكَ
حق از پروردگار ایشان باز پوشاند از ایشان بدیهای ایشان را و باصلاح آورد کار ایشان را آن بسبب

بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ
آنست که آنها که کافر شدند پیروی کردند باطل را و آنکه آنها که ایمان آوردند پیروی کردند حق را

مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ۝ فَإِذَا لَقِيتُمُ
از پروردگار خود همچنین میزند خدا برای مردمان مثلهای ایشان پس چون ببینید شما

الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَنْتُمُوهُمْ فَشُدُّوا
آنها را که کافر شدند پس بزنند گردنهاشان را تا چون کشته باشید ایشان را پس سخت کنید

الْوَثَاقَ ۝ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا
بند ها را پس یا منت نهادنی بود پس از آن و یا باز خرید خود را باز خریدنی تا بنهد کارزار

ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ
آن سبب فرمان و اگر خواستی خدا داد بستدی از ایشان ولیکن تا بیازماید بعضی شما را

بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ
ببعضی و آنها که کشته شدند در راه خدای پس هرگز ضایع نکند عملهای ایشان را

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ۝ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ
زود راه نماید ایشان را و باصلاح آورد حال ایشان را و در آورد ایشان را در بهشتی که تعریف کرده است ایشان را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ
ای آنها که گرویده اید اگر یاری کنید دین خدا را یاری کند شما را و ثابت دارد قدمهای شما را

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
وآنها که کافر شدند پس هلاکت باد مر ایشانرا و باطل شود عملهای ایشان آن بسبب آنست که ایشان
كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ
کاره داشتند آنچه فرو فرستاد خدا پس باطل شد عملهای ایشان ای پس نرفتند در زمین
فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ
پس بنگرند که چگونه بود عاقبت آنها که پیش از ایشان بودند هلاک گردانید خدا
عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ
ایشانرا و مر کافرانرا بود مانند آنها آن بسبب آنست که خدا دوست آنهاست
آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا
که گرویدند و آنکه کافران دوستی ندارد مر ایشانرا بدرستیکه خدا درآورد آنهارا که گرویدند
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ
وکارهای نیکو کردند در بهشتهای که رود از زیر آن جویها و آنها که
كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ
کافر شدند برخورداری میگیرند و میخورند همچنانکه میخورند چهارپایان و آتش
مَثْوًى لَهُمْ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي
جایگاه ایشان بود و بسا از اهل دیهها که آنها سخت تر بودند بقوت از اهل دیه تو آن دیه
أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ
که بیرون کردند ترا هلاک کردیم ما ایشانرا پس یاری کننده نبود مر ایشانرا ای پس آنکه باشد بر

بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ
حجتی بود از پروردگار خود همچون آنکسی بود که آراسته باشند او را بدی عمل او و پیروی کرده باشند مرادهای خود را
مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ
مثل بهشت آن بهشتی که وعده داده‌اند پرهیزکارانرا در آنجا بود جویهای از آب جز طعم و رنگ گردانیده
وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ
وجویهای از شیر که متغیر نبود طعم آن وجویهای از خمر خوش لذتی دهد آشامندگانرا
وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ
وجویهای بود از عسل صافی و مر ایشانرا بود در آنجا از هر میوه‌های
وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
و آمرزشی از پروردگار خود همچون آنکس بود که او همیشه در آتش بود و داده شوند
مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ
از آب گرم پس ببرد رودهای ایشانرا و از ایشان کسی هست که گوش باز نهد سوی تو
حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ
تا چون بیرون آیند از نزدیک تو گویند مر آنها را که داده شد ایشانرا دانش چه چیز گفت
آنِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ
اکنون آن گروه آنانند که مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان و پیروی کردند مرادهای خود را
وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ فَهَلْ
و آنها که راه یافتند بیفزاید مر ایشانرا راهی و بدهد ایشانرا پرهیزگاری ایشانرا پس

يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا
چشم نمیدارند مگر قیامت را که آید بدیشان ناگاه پس بدرستی که آمد علامات آن
فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ
پس از کجا بود مرایشان را چون آید بدیشان پند گرفتن ایشان پس بدان که او روشن آنست که نیست هیچ خدای مگر خدا
اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
و آمرزش خواه مر ترک اولای خود را و مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را و خدا میداند
مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ
گردیدن شما را و جایگاههای شما و میگویند آنها که گرویدند چرا فرو نفرستادند سورتی
فَإِذَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ
پس چون فرو فرستاده شود سورتی محکم کرده و یاد کرده شود در آنجا کارزار ببینی تو
الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ
آنها که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاق است بنگرند بسوی تو نگرستن پنهان از
مِنَ الْمَوْتِ فَأَوْلَى لَهُمْ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ
ترس مرگ پس سزاوار است مرایشان را فرمان برداری و گفتاری نیکو پس چون عزیمت شود کار قتال پس اگر
صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ
براست داشتندی خدا را مر آینه بودی بهتر مرایشان را پس ای هیچ شاید بود که شما اگر برگردید شما
أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ
که تباهی کنید در زمین و ببرید رحمهای یکدیگر را آن گروه آنها اند

لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ
بلعنت کرد ایشان را خدا پس کر کردانید ایشان را و کور گردانید بینائیهای ایشان را ای پس اندیشه نمیکنند در قرآن
أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ
یا بر دلهای ایشان بندهاست بدرستی که آنها که برگشتند بر پشتهای خود از پس
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ
آنچه روشن شد مرایشان را راه دیو بیاراست مرایشان را و مهلت داد ایشان را
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ
آن بسبب آنست که ایشان گفتند مرآنها را که کاره داشتند فرو فرستاد خدا چیزی زود فرمان بریم شما را
فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ
در بعضی کارها و خدا میداند پنهان ایشان را پس چگونه بود حال ایشان چون جان بستانند ایشان را
الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمُ
فرشتگان زنند بر رویهای ایشان و پشتهای ایشان آن بسبب آنست که ایشان
اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ
پیروی کردند آنچه برنجانید و بخشم آورد خدا را و نخواستند خشنودی او را پس باطل شد عملهای ایشان
أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ
یا نه گرپندا شتند آنها که در دلهای ایشان بیماری شک و نفاقست که بیرون نیاورد خدا کینهای ایشان را
وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ
و اگر خواستمانی مر آینه بازنمودمانی تو ایشان را پس شناختی تو ایشان را بسیمای ایشان و مر آینه می شناختی تو ایشان را

في لحن القول والله يعلم اعمالكم ولنبلونكم حتى نعلم

در گفتار وخدا میداند عملهای شمارا ولهرآینه صورت آزمایش نمائیم شمارا تا جدا بازکنیم

المجاهدين منكم والصابرين ونبلوا اخباركم ان الذين

جهاد کنندگانرا از شما وصابرانرا وبیازمائیم خبرهای شمارا بدرستیکه آنها

كفروا وصدوا عن سبيل الله وشاقوا الرسول من بعد ما

که کافر شدند وبرگشتند از راه خدا وخلاف کردند رسول را از پس آنچه

تبين لهم الهدى لن يضروا الله شيئا وسيحبط اعمالهم

روشن شد مرایشانرا راه زیانی نتوانند کرد دین خدارا چیزی وزود باطل کند عملهای ایشانرا

يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله واطيعوا الرسول ولا تبطلوا

ای آنها که ایمان آورده اید فرمان برید خدارا وفرمان برید پیغمبررا وباطل مکنید

اعمالكم ان الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله

عملهای خود بدرستی که آنها که کافر شدند وبرگشتند از راه خدا

ثم ماتوا وهم كفار فلن يغفر الله لهم فلا تهنوا

پس بمردند وایشان کافر بودند پس هرگز نیامرزد خدا مرایشانرا پس سست مشوید

وتدعوا الى السلم وانتم الاعلون والله معكم ولن

وبرخوانید بصلح وشما غالبان وبرتر باشید وخدا باشماست وهرگز

يتركم اعمالكم انما الحيوة الدنيا لعب ولهو و

باطل نکند شمارا عملهای شما بدرستیکه زندگانی دنیا بازی وناچیزیست

ان تؤمنوا وتتقوا يؤتكم اجوركم ولا يسئلكم اموالكم

اگر بگروید وبپرهیزید بدهد شمارا مزدهای شما ونخواهد از شما مالهای شما

ان يسئلكموها فيحفكم تبخلوا ويخرج اضغانكم

اگر خواهند از شما آنرا بخیلی کنید وبیرون آورد کینهای شمارا

ها انتم هؤلاء تدعون لتنفقوا في سبيل الله فمنكم

اینک شما این گروه میخوانند شمارا تا نفقه کنید در راه خدا پس از شما

من يبخل ومن يبخل فانما يبخل عن نفسه والله الغني

کسیست که بخیلی میکند وهرکه بخیلی کند پس بدرستی که زیان بخیلی بنفس او بود وخدا بی نیازست

وانتم الفقراء وان تتولوا يستبدل قوما غيركم ثم

وشما محتاجانید واگر برگردید بدل کند شمارا بگروهی جز از شما پس

لا يكونوا امثالكم

نباشند مانند شما

سورة الفتح تسع وعشرون

بسم الله الرحمن الرحيم

انا فتحنا لك فتحا مبينا ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك

بدرستیکه ما فتح کردیم برای تو فتحی روشن تا بیامرزد ترا خدا آنچه از پیش گذشت از گناه تو

وما تاخر ويتم نعمته عليك ويهديك صراطا مستقيما

وآنچه از پس آید وتا تمام کند نعمت خودرا برتو وراه نماید ترا براه راست

ولينصرك الله نصرا عزيزا ۝ هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين
ویاری کند ترا خدا یاری غالب وارجمند او است آن خدای که فرو فرستاد آرام خود در دلهای مومنان
ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم ولله جنود السموات والارض وكان
تا بزیاد کنند یقین را با یقین خود ومر خدا راست لشکرهای آسمانها وزمین وهست
الله عليما حكيما ۝ ليدخل المؤمنين والمؤمنات جنات
خدا دانای محکم کار تا درآورد مردان مومن وزنان مومنه را دربستانها
تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ويكفر عنهم سيئاتهم و
که رود از زیر آن جویها روان همیشه باشنده در آنجا وباز پوشاند از ایشان بدیهای ایشان
كان ذلك عند الله فوزا عظيما ۝ ويعذب المنافقين
وهست آن نزدیک خدا رستگاری بزرگ وعذاب کند مردان منافق را
والمنافقات والمشركين والمشركات الظانين بالله
وزنان منافقه را ومردان مشرک را وزنان مشرکه را گمان برندگان بخدا
ظن السوء عليهم دائرة السوء وغضب الله عليهم ولعنهم
گمان بد بر ایشان باد حادثه بد وخشم خدای بر ایشان ولعنت کرد
واعد لهم جهنم وساءت مصيرا ۝ ولله جنود السموات
وبساخت برای ایشان دوزخ وبد بازگشتیست آن ومر خدا راست لشکرهای آسمانها
والارض وكان الله عزيزا حكيما ۝ انا ارسلناك شاهدا
وزمین وهست خدا غالب محکم کار بدرستی که ما فرستادیم ترا گواهی دهنده
بر خلایق

ومبشرا ونذيرا ۝ لتؤمنوا بالله ورسوله وتعزروه وتوقروه وتسبحوه
وبشارت دهنده وبیم کننده تا بگروید بخدا ورسول او وبازدارید او را ومحترم دارید او را وتسبیح کنید خدا را
بكرة واصيلا ۝ ان الذين يبايعونك انما يبايعون الله يد الله
بامداد وشبانگاه بدرستی که آنها که بیعت کردند با تو جز این نیست که بیعت با خدا کرده اند بدقدرت خدا
فوق ايديهم فمن نكث فانما ينكث على نفسه ومن اوفى بما
بالای دستهای ایشانست پس هر که نقض عهد کند پس بدرستی که زیان شکستن عهد بر تن او بود وهر که وفا کند بآنچه
عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما ۝ سيقول لك المخلفون
عهد بست بران با خدا پس زود بدهیم او را مزدی بزرگ زود گویند ترا بازگذاشتگان
من الاعراب شغلتنا اموالنا واهلونا فاستغفر لنا يقولون
از اهل بادیه مشغول گردانید ما را مالهای ما وکسان ما پس آمرزش خواه برای ما میگویند
بالسنتهم ما ليس في قلوبهم قل فمن يملك لكم من الله شيئا
بزبانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان بگو پس کیست که قادر باشد شما را از عذاب خدا چیزی
ان اراد بكم ضرا او اراد بكم نفعا بل كان الله بما
اگر خواهد بشما زیانی یا خواهد بشما سودی بلکه هست خدا بآنچه
تعملون خبيرا ۝ بل ظننتم ان لن ينقلب الرسول والمؤمنون
شما میکنید آگاه بلکه گمان بردید شما که باز نگردد رسول ومومنان
الى اهليهم ابدا وزين ذلك في قلوبكم وظننتم ظن السوء
با اهل خود هرگز وآراسته شد آن در دلهای شما وگمان بردید شما گمان بد

وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ۝ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا
و بودید شما گروهی هالکان و هر که نگرود بخدا و رسول او پس بدرستی که ما آماده کردیم
لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ۝ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ
برای کافران آتشی افروخته را و مر خدای راست ملک آسمانها و زمین بیامرزد
لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا سَيَقُولُ
مر آنرا که خواهد و عذاب کند آنرا که خواهد و هست خدا آمرزگار مهربان زود گویند
الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَى مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ
بازماندگان چون بروید شما بسوی غنیمتها که فرا گیرید آنرا بگذارید ما را تا پیروی کنیم شما را
يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ
میخواهند که بدل کنند سخن خدا را بگو هرگز پیروی مکنید ما را همچنین
قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ
گفت خدا از پیش پس زود گویند بلکه حسد میبرید بر ما بلکه بودند در نیافتند
إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَى قَوْمٍ
مگر اندکی بگو مر بازماندگان را از اهل بادیه زود بر خوانده شوید با قومی
أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ
خداوند ترس سخت کارزار میکنید با ایشان تا منقاد شوند پس اگر فرمان برید بدهد شما را
اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ
خدا مزدی نیکو و اگر برگردید همچنانک برگشتید شما از پیش عذاب کند شما را

عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
عذابی دردناک نیست بر کور حرجی و نه بر لنگ حرجی و نه بر
الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
بیمار حرجی در نرفتن بجهاد و هر که فرمان برد خدا را و رسول او را در آورد او را در بستانهائی که رود
مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ لَقَدْ
از زیر آن جویها و هر که برگردد عذاب کند او را عذابی دردناک بدرستی
رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ
که خشنود شد خدا از مؤمنان چون بیعت میکردند با تو در زیر درخت حدیبیه پس دانست
مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا
آنچه در دلهای ایشانست پس فرو فرستاد آرام خود را بر ایشان و مزد داد ایشان را فتحی نزدیک
وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
و غنیمتهای بسیار که فرا گیرند آنرا و هست خدا غالب محکم کار
وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ
وعده داد شما را خدا بغنیمتهای بسیار که فرا گیرید آنرا پس بشتافت مر شما را این غنیمت
وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ
و باز داشت دستهای مردمانرا از شما و تا باشد نشانی مر مؤمنانرا و راه نماید شما را
صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا
براه راست و غنیمتی دیگر که توانا نبودید بر آن بدرستی که دانست خدا آنرا

وَكَانَ اللّٰهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۞ وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا

و هست خدا بر همه چیزی توانا اگر کارزار کنند با شما آنها که کافر شدند برگردانند

الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۞ سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِي

پشتهارا پس نیابند هیچ دوستی و نه یاری کنی این است طریقت خدا آنکه

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيلًا ۞ وَهُوَ الَّذِي

گذشت از پیش و هرگز نیابی مر طریقت خدارا بدل کردنی و اوست آن خدائی که

كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ

که باز داشت دستهای ایشانرا از شما و دستهای شمارا از ایشان در اندرون مکه

مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

از پس آنکه ظفر داد شمارا بر ایشان و هست خدا بدانچه میکنید

بَصِيرًا ۞ هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

بینا ایشان آنانند که کافر شدند و برگردانیدند شمارا از مسجد الحرام

وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ

و قربان را بازداشته که برسد بمحل خود و اگر نه مردانی مؤمنان

وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ

و زنانی مؤمنه بودندی نمیدانستید ایشانرا پس برسد شمارا از ایشان

مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا

دشواری بنا دانستن تا درآورد خدا در رحمت خود آنرا که خواهد اگر جدا شدندی

لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۞ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي

هر آینه عذاب کنیم آنهارا که کافر شدند از ایشان عذابی دردناک چون گردانید آنهارا که کافر شدند در

قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ

دلهای ایشان حمیت چون حمیت اهل جاهلیت پس فرستاد آرام خودرا بر رسول خود

وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَىٰ وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا

و بر مؤمنان و لازم گردانید ایشانرا کلمه پرهیزکاری و بودند سزاوارتر بآن

وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۞ لَقَدْ صَدَقَ

و اهل آن و هست خدا بهمه چیزی دانا براستی که راست گردانید

اللّٰهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ

خدا رسول خودرا خواب بحق و راست که درآیید در مسجد مکه اگر خواهد خدا

آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ

ایمنان تراشندگان سرهای خودرا تقصیر کنندگان که نترسید پس دانست

مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا ۞ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

آنچه ندانستید شما پس گردانید از جز آن فتحی نزدیک اوست آن خدائی که فرستاد

رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ

رسول خودرا براه راست و دین بحق تا غالب گرداند دین اسلام بر همه دینها و بس است

بِاللّٰهِ شَهِيدًا ۞ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ

خدا گواه که محمد رسول خداست و آنها که با او اند سخت

عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
بر کافران رحیم دلانند میان یکدیگر بینی تو ایشانرا رکوع کنندگان سجود کنندگان جوینده
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ
فضلی از خدا وخشنودی او سیمای ایشان در روی ایشان پیدا بود از اثر سجود
ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ
آنست مثل ایشان در توریة ومثل ایشان در انجیل چون کشت زرعی
أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ
که بیرون آورد ...
الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
برزیگرانرا تا بخشم آورد کافرانرا وعده داد خدا آنهارا که بگرویدند وکارهای
الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا
نیکو کردند از ایشانرا آمرزشی ومزدی بزرگ

سورة الحجرات ثمانی عشر آیة وهی مکیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
ای آنها که بگرویده اید در فرایش فرمان خدا ورسول مایستید وبترسید از خدا

إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ● يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ
بدرستی که خدا شنواست ودانا ای آنها که ایمان آورده اید برمدارید آوازهای خودرا بالای
صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ
آواز پیغمبر وبلند مگوئید مراورا بگفتار همچون بلند کردن بعضی شما مر بعضی را
أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ● إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ
که باطل شود عملهای شما وشما ندانید بدرستی که آنها که آهسته دارند
أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ
آوازهای خود نزدیک رسول خدا آن گروه آنهااند که آزموده خدا دلهای ایشانرا
لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ● إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ
به پرهیزکاری مر ایشانرا بود آمرزشی ومزدی بزرگ بدرستی که آنها میخوانند ترا
مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ● وَلَوْ أَنَّهُمْ
از پس حجرها بیشترین ایشان استعمال عقل نمیکنند واگر آنکه ایشان
صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
صبر کردندی تا بیرون آمدی تو بر ایشان مر نه بودی بهتر ایشانرا وخدا آمرزکار
رَحِيمٌ ● يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا
مهربانست ای آنها که ایمان آورده اید اگر آید بشما فاسقی بخبری
قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ● وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ
گروهی را بنادانی پس برگردید بر آنچه کرده باشید شما پشیمانان وبدانید که در میان شما

رسول الله لو يطيعكم في كثير من الامر لعنتم ولكن الله

رسول خداست اگر فرمان برد شمارا در بسیاری از فرمان ولیکن خدا

حبب اليكم الايمان وزينه في قلوبكم وكره اليكم

دوست داشت شمارا ایمان و بیاراست آنرا در دلهای شما و نخواست بشما

الكفر والفسوق والعصيان اولئك هم الراشدون فضلا

کفر و فاسقی و خروج از طاعت و عاصی شدن آن گروه ایشانند راه صواب جویندگان فضلی

من الله ونعمة والله عليم حكيم ● وان طائفتان من

از خدا و نعمتی و خدا داناست و حکیم کار و اگر دو طایفه از

المؤمنين اقتتلوا فاصلحوا بينهما فان بغت احدىهما على

مؤمنان اهم کارزار کنند پس صلح [illegible] پس اگر ستم کند یکی ازان دو بر

الاخرى فقاتلوا التي تبغي حتى تفيء الى امر الله فان فاءت فاصلحوا

دیگری پس کارزار کنند با آنکه ستم کرد تا باز آید با فرمان خدا پس اگر باز آیند پس صلح دهید

بينهما بالعدل واقسطوا ان الله يحب المقسطين

میان آن دو بعدالت و داد کنند بدرستی که خدا دوست دارد عادلانرا

انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم

بدرستی که مؤمنان برادران اند پس صلح دهید میان برادران خود و بترسید از خدا تا بود که شما

ترحمون ● يا ايها الذين امنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا

رحم کرده شوید ای آنها که ایمان آورده اید باید که استهزا نکنند گروهی از گروهی شاید بود که باشند

حزب

خيرا منهم ولا نساء من نساء عسى ان يكن خيرا منهن ولا

بهتر ازیشان و نه زنان از زنان شاید بود که باشند بهتر ازیشان

تلمزوا انفسكم ولا تنابزوا بالالقاب بئس الاسم الفسوق

عیب ننهای یکدیگر مجوئید و یکدیگر را لقبهای بد منهید بدست نام فسق

بعد الايمان ومن لم يتب فاولئك هم الظالمون ● يا ايها الذين

پس از ایمان و هر که توبه نکند پس آن گروه ایشان ستمکارانند ای آنها

امنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا

که گرویده اید دوری گزینید از بسیاری از گمان بدرستی که بعضی از گمان بزه بود و جست وجوی مکنید

ولا يغتب بعضكم بعضا ايحب احدكم ان ياكل لحم اخيه

و نباید که غیبت کنید بعضی شما بعضی را ای دوست میدارد یکی از شما که خورد گوشت برادر خود را

ميتا فكرهتموه واتقوا الله ان الله تواب رحيم ● يا ايها الناس انا

مرده پس کاره داشتید آنرا و بترسید از خدا بدرستی که خدا توبه پذیرنده مهربانست ای مردمان بدرستی که ما

خلقناكم من ذكر وانثى وجعلناكم شعوبا وقبائل

آفریدیم ما شمارا از نرینه و مادینه و کردیم ما شمارا [illegible] و قبیلها

لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقاكم ان الله عليم خبير

تا یکدیگر را بشناسند بدرستی که گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست بدرستی که خدا داناست آگاه

قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما يدخل

گفتند اهل بادیه بگرویدیم ما بگو ایمان نیاورده اید و لیکن بگوئید مسلمان شدیم و هنوز در نیامده است

الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ
ایمان در دلهای شما واگر فرمان برید خدارا و رسول اورا بازنکاهاند از عملهای شما
شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ
چیزی بدرستی که خدا آمرزکار مهربانست بدرستی که مومنان آنهاانند که بکرویدند بخدا
وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
و رسول او پس بشک نشدند وجهاد کردند بمالهای خود و تنهای خود در راه
اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
خدا آن گروه ایشانند راست کویان بکو ای می آموزانید خدارا بدین خود و خدا میداند
مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ يَمُنُّونَ
آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست و خدا بهمه چیزی داناست منت می نهند
عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ
بر تو که مسلمان شده اند بکو منت منهید بر من باسلام آوردن خود بلکه خدای منت می نهد برشما که
هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
راه نمود شمارا بایمان اگر هستید شما راست کویان بدرستی که خدا میداند
غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝
غیب آسمانها و زمینرا و خدا بیناست بدانچه ایشان کرده باشند

سورة ق خمس و اربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ۝ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ
بحق کوه قاف و بحق قرآن با مجد و بزرکواری بلک شکفت داشتند که آمد بدیشان بیم کننده از ایشان و گفتند کافران
هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ۝ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ
این چیزی عجبست ای چون بمیریم ما و باشیم خاکی آن بازکردانیدن چه دورست
قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ
بدرستی که دانستیم آنچه بازمیکاهاند زمین از ایشان و نزدیک ماست کتابی که حافظ اعمال است
بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ۝ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا
بلک بدروغ داشتند محمد را چون آمد بدیشان پس ایشان در کاری اند ای پس نکرستند
إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ
بسوی آسمان که بالای ایشانست که چکونه بنا نمودیم ما آنرا و بیاراستیم ما آنرا و نبود آنرا هیچ
فُرُوجٍ ۝ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا
شکافی و زمین را که بکستردیم ما آنرا و انداختیم ما در آنجا کوههای ثابت را و برویانیدیم ما در آنجا
مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝ تَبْصِرَةً وَذِكْرَى لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ
از هر صنفی زیبا را از بهر بینش و پندی مر هر بنده بازگرداننده را
وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ
و فرو فرستادیم ما از آسمان آبی خجسته را پس برویانیدیم بآن بستانهای و دانه درو

وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ۝ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ

روزی مر بندگان خود را وزنده گردانیدیم ما بدان

بَلْدَةً مَيْتًا كَذَٰلِكَ الْخُرُوجُ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ

زمین مرده را بود بیرون آمدن از گور دروغ داشتند پیش از ایشان قوم نوح

وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ۝ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ۝ وَأَصْحَابُ

واصحاب چاه وقوم صالح وقوم هود وفرعون وبرادران لوط واصحاب

الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝ أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ

شعیب وگروه ملک یمن همه دروغ داشتند رسولان را پس واجب شد وعده من ای پس عاجز گردانیدیم ما بآفریدن اول بار

بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ

بلکه ایشان در پوششی اند از آفریدنی نو وبدرستی که آفریدیم ما آدمی را

وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ

ومیدانیم آنچه وسوسه میکند بدان تن او وما نزدیکتریم بدو از رگ دل

الْوَرِيدِ ۝ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

او بود چون از جانب راست واز جانب چپ

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ

نگوید هیچ لفظی مگر که نزد وی بود نگهبانی وآید سختی جان کندن

الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَٰلِكَ

بحق آنست آنچه بودی ازان بیگانه بودی ودر دمند در صور آنست

يَوْمُ الْوَعِيدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ

روز وعده‌گاه وآید هر تنی با او بود راننده وگواهی بدرستی که

كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ

بودی در غفلتی ازین پس برداشتیم ما از تو پوشش را پس بینای تو امروز

حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ

تیز بود وگوید یار وهمنشین او اینست آنچه نزد من بود دراندازید در دوزخ هر

كَفَّارٍ عَنِيدٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ۝ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ

ناسپاس عناد ورزنده را منع کننده خیر از حد درگذرنده بشک شونده را آنکه بگرد با خدا

إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا

خدایی دیگر را در عذاب سخت گوید همنشین او ای پروردگار ما

مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا

نه طاغی کردم او را ولیکن بود او در گمراهی دور از حق گوید خصومت مکنید

لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ۝ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ

نزد من وبدرستی که فرا پیش داشتم شما را وعدها بدل کرده نشود گفتار نزد من

وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ

ونیستم من ستم کننده مر بندگان خود را روزی که گوییم مر دوزخ را که ای پر شدی وگوید آن

هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ

ای هیچ زیادتی هست ونزدیک کرده شود بهشت برای پرهیزکاران جز دور نشود گویند اینست آنچه وعده میداده شما را

لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ

مر هر بازگردنده را نگهبان آنکه بترسید از خدا نادیده و آمد بدلی بازگردنده

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا

در روید در آنجا بسلامت آنست روز جاویدی مر ایشانراست آنچه خواهند در آنجا

وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ

و نزدیک ماست زیاده نیز و بسا که هلاک کردیم پیش از ایشان از گروهان که ایشان

أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ ۝ إِنَّ فِي

سخت تر بودند از ایشان بگرفتن پس بگشتند در شهرها هست هیچ گریزگاهی بدرستیکه در آن

ذٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ

پندیست مر آنرا که باشد مرورا دلی یا اندازد گوش و او حاضر بود

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

و بدرستی که آفریدیم ما آسمانها را و زمین را و آنچه میان ایشانست در شش روز

وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۝ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ

و نرسید بما هیچ ماندگی پس صبر کنید بر آنچه میگویند و تسبیح کنید بستایش

رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ

پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب و پیش از فرو شدن آن و بعضی از شب پس تسبیح کن

وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ

و در اعقاب سجدها و گوش باز دار روزی که خواند خواننده از جایگاهی نزدیک

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَ

روزی که بشنوند بانگی بحق آنست روز بیرون آمدن از گور ما هستی که ما زنده کنیم

نُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ۝ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذٰلِكَ

و بمیرانیم و بما است بازگشت روزی که بشکافد زمین از ایشان شتابان آن

حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۝ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۝ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ

جمع کردن بر ما آسانست ما داناتریم بدانچه میگویند و نیستی تو بر ایشان

بِجَبَّارٍ ۝ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ

گردنکش پس پند ده بقرآن آنرا که ترسد از وعده من

سورة الذاريات ستون آية وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

خاک پاشندگی بار بارها بسهولت

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ۝ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ۝ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ۝ فَالْمُقَسِّمَاتِ

بحق بادهای خاک پاشنده بحق ابرهای بار برنده بس کشتیهای روند

أَمْرًا ۝ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۝ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ۝ وَالسَّمَاءِ

کارها را بدرستی که آنچه وعده میدهند شما را هر آینه راستست و بدرستیکه جزا هر آینه واقعست و بحق آسمان

ذَاتِ الْحُبُكِ ۝ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۝ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ

خداوند راهها بدرستی که شما هر آینه در سخنی مختلفید برگردانیده شود از آن آنکه برگردانیده

قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ

بلعنت کرده شدند دروغ دارندگان آنهای که ایشان در مستی اند خویشتن فراموشان می پرسند از تو که کی خواهد بود روز

الدِّينِ ۝ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا

جزا و قیامت روزی که ایشان بر آتش تابانیده شوند در چشید آزمایش خود را اینست گویند ایشان را

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

آنچه شما بدان شتاب میخواستید بدرستی که پرهیزکاران در بهشتها و چشمها باشند

آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ

فرو گیرندگان آنچه بداد ایشان را پروردگار ایشان بدرستی که ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران

كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

بودند اندکی از شب که خواب میکردند و بسحرگاهان ایشان آمرزش میخواستند

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ

و در مالهای ایشان حق بود خواهنده را و بی نصیب مانده را و در زمین نشانهاست مر بی گمان شوندگان را

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا

و در تنهای شما نیز ای پس نمی بینید و در آسمان روزی شماست و آنچه

تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

وعده میدهید پس بحق پروردگار آسمان و زمین بدرستی که آن حقست مانند آنکه شما سخن میگوئید

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ

بدرستی که آمد بتو سخن مهمانان ابراهیم گرامی کردگان چون در رفتند بر او

الجزو ۲۷

فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ

پس گفتند سلام باد بر تو گفت سلام بر شما باد قومی ناشناخته که نمی شناسیم شما را پس برفت بسوی اهل خویش پس آورد

بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۝ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ

گوساله فربه را پس نزدیک گردانید ایشان را گفت ای نمی خورید پس در تن خود گذاشت از ایشان

خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ

ترسی گفتند مترس و بشارت دادند او را بفرزندی دانا پس روی فرا کرد زن او

فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝ قَالُوا كَذَٰلِكِ

در اختلاف بود پس فرا کرد روی خود را و گفت من پیره زنی نازاینده ام گفتند همچنین است

قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا

گفت پروردگار تو بدرستی که او حکیم کار دانا گفت پس چیست حال و کار شما ای

الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ۝ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً

رسولان گفتند بدرستی که ما فرستاده شدیم بگروه گناهکاران تا فرستیم بر ایشان سنگها

مِنْ طِينٍ ۝ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ

از گل نشان کرده نزدیک پروردگار تو برای گزاف کاران پس بیرون آوردیم آنرا که بود

فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَ

در آنجا از مؤمنان پس نیافتیم در آنجا جز خانه از مسلمانان

تَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ وَفِي مُوسَىٰ

و بگذاشتیم در آنجا نشانی مر آنان را که میترسند از عذاب دردناک و در قصه موسی

إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ • فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ
چون بفرستادیم او را بسوی فرعون بحجتی روشن • پس برگشت بدعای خود و گفت این جادویی است
أَوْ مَجْنُونٌ • فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ
یا دیوانه • پس بگرفتیم او را و لشکرهای او را پس انداختیم ایشانرا در دریا و او سزاوار ملامت بود
وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ • مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ
و در قصه قوم هود چون بفرستادیم بر ایشان بادی سخت نهنده از بر گکننده • نمی گذاشت هیچ چیزی که آمد
عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ • وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا
برآن مگر که بگردانید آنرا همچون پوسیده و ریزیده • و در قصه قوم صالح چون گفت بر ایشانرا برخوردار باشید
حَتَّىٰ حِينٍ • فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ
تا هنگامی • پس از حد درگذشتند از فرمان پروردگار خود • پس بگرفت ایشانرا بانگی و ایشان
يَنظُرُونَ • فَمَا اسْتَطَاعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنتَصِرِينَ
می نگرستند • پس توانایی نداشتند هیچ ایستادنی و نبودند دادستانندگان
وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ • وَالسَّمَاءَ
و در قصه قوم نوح از پیش بدرستی که ایشان بودند گروهی فاسقان • و آسمان
بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ • وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ
برآوردیم آنرا بقدرت و بدرستی که ما توانگرانیم • و زمین را گسترانیدیم آنرا پس نیکو
الْمَاهِدُونَ • وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
گسترنده کانیم • و از هر چیزی آفریدیم دو صنف تا بود که شما پند گیرید

فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ • وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا
پس در گریزید با نزد خدا بدرستی که من شمارا از و بیم کننده روشنم • و پدید مکنید با خدای خدای
آخَرَ إِنِّي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ • كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِن
دیگر را بدرستی که من شمارا از و بیم کننده روشنم • همچنین نیامد بدانها که
قَبْلِهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ • أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ
پیش از ایشان بودند هیچ رسولی مگر که گفتند که او ساحرست یا دیوانه است • ای زمودند بدان بلکه ایشان
قَوْمٌ طَاغُونَ • فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنتَ بِمَلُومٍ • وَذَكِّرْ فَإِنَّ
گروهی طاغیانند • پس برگرد از ایشان پس نیستی تو ملامت زده • و پند ده که
الذِّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ • وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ
پند سود دهد مؤمنانرا • و نیافریدم پری و آدمی را مگر که مرا پرستند
مَا أُرِيدُ مِنْهُم مِّن رِّزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَن يُطْعِمُونِ • إِنَّ اللَّهَ
نمیخواهم از ایشان هیچ روزی و نمیخواهم که طعام دهند مرا • بدرستی که خدا
هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ • فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِّثْلَ ذَنُوبِ
اوست روزی دهنده است خداوند قوت محکم • پس بدرستی که مرآنها را که ستم کردند نصیبی مانند نصیبهای
أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ • فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِن يَوْمِهِمُ
اصحاب ایشان پس بشتاب نخواهند آنرا • پس وای مرآنها را که کافر شدند
الَّذِي يُوعَدُونَ
آنچه وعده میدادند ایشانرا

سورة الطور تسع واربعون

بسم الله الرحمن الرحيم

والطور ۝ وكتاب مسطور ۝ في رق منشور ۝ والبيت المعمور

بحق کوه طور و بحق نامه بازکرده در ورقی باز کرده و بحق خانه کعبه

والسقف المرفوع ۝ والبحر المسجور ۝ ان عذاب ربك لواقع ۝ ما له من

و بحق آسمان برافراشته و بحق دریای پرکرده بدرستی که عذاب پروردگار تو واقعیست نبود مر آن را

دافع ۝ يوم تمور السماء مورا ۝ وتسير الجبال سيرا ۝ فويل يومئذ

دفع کننده روزی که روان شود آسمانها روان شدنی و روان شوند کوهها روان شدنی پس وای آن روز

للمكذبين ۝ الذين هم في خوض يلعبون ۝ يوم يدعون الى

مر دروغ دارندگان انبیا را آنها که ایشان در شروع میشوند بازی میکنند روزی که خوانده شوند بسوی

نار جهنم دعا هذه النار التي كنتم بها تكذبون ۝ افسحر

آتش دوزخ خواندنی گویند ایشان را اینست آتشی که شما او را دروغ میداشتید ای یا جادویست

هذا ام انتم لا تبصرون ۝ اصلوها فاصبروا او لا تصبروا سواء

این یا شما نمی بینید در روید درآنجا پس صبر کنید یا صبر مکنید یکسانست

عليكم انما تجزون ما كنتم تعملون ۝ ان المتقين في

بر شما بدرستی که پاداشت داده شوید شما بدانچه شما کرده باشید بدرستی که پرهیزکاران در

جنات ونعيم ۝ فاكهين بما آتاهم ربهم ووقاهم ربهم

عذاب الجحيم ۝ كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ۝ متكئين

از عذاب دوزخ گویند ایشان را بخورید و بیاشامید نوش خورده بدانچه شما کردید در دنیا تکیه زدگان

على سرر مصفوفة وزوجناهم بحور عين ۝ والذين آمنوا

بر تختهای متلاصق و هم جفت گردانیم ایشان را بحور العین و آنهایی که ایمان آوردند

واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم وما التناهم

و پیروی کرد ایشان را فرزندان ایشان بایمان در رسانیم ایشان را بفرزندان ایشان و با زنکاهانیم ایشان را

من عملهم من شيء كل امرئ بما كسب رهين ۝

از عمل ایشان هیچ چیزی هر مردی بدانچه اندوخته بود گروگان

وامددناهم بفاكهة ولحم مما يشتهون ۝ يتنازعون فيها

و مدد کنیم ما ایشان را بمیوها و گوشتی ازانچه آرزو کنند در کشند درانجا

كأسا لا لغو فيها ولا تأثيم ۝ ويطوف عليهم غلمان لهم

بجامها که هیچ ازجابی نبود درانجا و نه بزه و گرد برآیند بر ایشان کودکانی که مر ایشان را

كأنهم لؤلؤ مكنون ۝ واقبل بعضهم على بعض يتساءلون

گویا که ایشان مروارید باشند نهان داشته در صدف و روی فراکنند بعضی ایشان بر بعضی پرسند از هم

قالوا انا كنا قبل في اهلنا مشفقين ۝ فمن الله علينا

ووقانا عذاب السموم ۝ انا كنا من قبل ندعوه انه هو البر الرحيم ۝ فذكر

فما انت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون ۝ ام يقولون

پس نیستی تو بنعمت پروردگار خود نه کاهن و نه دیوانه یا میگویند

شاعر نتربص به ريب المنون ۝ قل تربصوا فاني معكم من المتربصين

شاعر که چشم میداریم بوی حادثهای زمانه را بگو چشم دارید که من با شما از جملهٔ چشم دارندگانم

ام تامرهم احلامهم بهذا ام هم قوم طاغون ۝ ام يقولون

یا میفرماید ایشان را سوکندهای ایشان بدین یا ایشان کروهی طاغیانند یا میکویند

تقوله بل لا يؤمنون ۝ فليأتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين

از خود برساخته است بلکه نمی گروند پس باید که بیاورند سخنی مانند آن اگر هستند راست گویان

ام خلقوا من غير شيء ام هم الخالقون ۝ ام خلقوا السموات

یا آفریده شدند بی چیزی یا ایشانند آفرینندگان یا آفریدند آسمانها

والارض بل لا يوقنون ۝ ام عندهم خزائن ربك ام هم

و زمین را بلکه یقین نمیشوند یا نزدیک ایشانست خزینهای پروردگار تو یا ایشان

المسيطرون ۝ ام لهم سلم يستمعون فيه فليأت مستمعهم

مسلطانند یا مر ایشان راست نردبانی که گوش باز میدارند در آن پس باید که بیاورد گوش دارندهٔ ایشان

بسلطان مبين ۝ ام له البنات ولكم البنون ۝ ام تسئلهم

حجتی روشن را یا مر او راست دختران و مر شما راست پسران یا میخواهی از ایشان

اجرا فهم من مغرم مثقلون ۝ ام عندهم الغيب فهم

مزدی پس ایشانند از آن تاوان گران بار شده یا نزد ایشانست علم غیب پس ایشان

يكتبون ۝ ام يريدون كيدا فالذين كفروا هم المكيدون ۝

باز می نویسند یا میخواهند کیدی و حیله پس آنها که کافر شدند ایشان کید کرده شدگانند

ام لهم اله غير الله سبحان الله عما يشركون ۝ وان يروا كسفا

یا مر ایشان راست خدایی جز از معبود بسزا پاکیست معبود بسزا را از آنچه انباز میآورند و اگر ببینند پاره افتاده

من السماء ساقطا يقولوا سحاب مركوم ۝ فذرهم حتى يلاقوا

از آسمان پاره گویند این ابریست بر هم نشسته پس بگذار ایشان را تا باز رسند

يومهم الذي فيه يصعقون ۝ يوم لا يغني عنهم كيدهم شيئا

بروز ایشان آنروزی که در آن بیهشک اند آنروز بنگریاند چیزی

ولا هم ينصرون ۝ وان للذين ظلموا عذابا دون ذلك ولكن

و نه ایشان را یاری کنند و بدرستی که آنها را که ستم کردند عذابی بود جز از این و لیکن

اكثرهم لا يعلمون ۝ واصبر لحكم ربك فانك باعيننا و

بیشترین ایشان نمی دانند پس صبر کن مر حکم پروردگار خود را پس بدرستی که تو بچشمهای مایی

سبح بحمد ربك حين تقوم ۝ ومن الليل فسبحه وادبار

و تسبیح کن بستایش پروردگار خود هنگامی که برخیزی و بعضی از شب پس تسبیح کن او را و از پس فرو

سورة النجم اثنتان وستون آية مكية

النجوم

سورهٔ ستارگان

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝ وَمَا يَنطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۝

بحق ستاره … بضلالت منسوب نیست صاحب شما که محمد است … واز سر خود سخن نمیگوید

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝

نیست آن مگر وحی که وحی کرده میشود … درآموخت او را جبرئیل سخت باقوت

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

پس نزدیک شد … پس بود

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝ أَفَتُمَارُونَهُ

پس وحی کرد سوی بندهٔ خود آنچه وحی کرد … دروغ نداشت دل محمد آنچه دیده است … ای پیرشک می نمایند

عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝ عِندَ سِدْرَةِ الْمُنتَهَىٰ ۝

بر آنچه دید … و بدرستی که دید … نزدیک سدرة المنتهی

عِندَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۝ مَا زَاغَ الْبَصَرُ

نزدیک آن هست بهشت جاوید

وَمَا طَغَىٰ ۝ لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ

بدرستی که دید او از نشانهای پروردگار خود بزرگتر … ای آیا پس دیدید شما

وَالْعُزَّىٰ ۝ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ۝ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝

وعزی را … وآن بت سیوم دیگر را … ای مر شماراست نرینه … و مر او راست

تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنتُمْ وَ

آنگه آن قسمتی … نیستند آنها مگر نامهایی که نام نهاده اند آنرا شما

آبَاؤُكُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطَانٍ ۚ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا

و پدران شما آنچه فرو نفرستاد خدا بدان هیچ حجتی … پیروی نمیکنید مگر گمانی را وآنچه

تَهْوَى الْأَنفُسُ ۖ وَلَقَدْ جَاءَهُم مِّن رَّبِّهِمُ الْهُدَىٰ ۝ أَمْ لِلْإِنسَانِ

آرزو کنند تنها … و بدرستی که آمد بدیشان از پروردگار ایشان راه … یا مر آدمی راست

مَا تَمَنَّىٰ ۝ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۝ وَكَم مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ

آنچه آرزو کرد … پس مر خدای راست آخرت و دنیا … و بسا از فرشتگان که در آسمانها

لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِن بَعْدِ أَن يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَن يَشَاءُ

که بکار نیاید شفاعت ایشان چیزی مگر از پس آنکه دستوری دهد خدا مر آنرا که خواهد

وَيَرْضَىٰ ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ

و بپسندد … بدرستی که آنها که نمی گروند بسرای آخرت هر آینه نام می نهند فرشتگان را نامی

الْأُنثَىٰ ۝ وَمَا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ ۖ وَإِنَّ الظَّنَّ

مادینه … و نبود مر ایشان را بدان هیچ دانشی … پیروی نمیکنند مگر گمانی را … و بدرستی که گمان

لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ۝ فَأَعْرِضْ عَن مَّن تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا

بکار نیاید از حق چیزی را … پس برگرد از آنکه برگشت از یاد کرد ما … و نخواهد مگر

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝ ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُم مِّنَ الْعِلْمِ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن

زندگانی دنیا را … آن است مبلغ ایشان از دانش … بدرستی که پروردگار تو داناتر است بآنکه

ضَلَّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي

گم گشت از راه او … و او داناتر است بآنکه راه یافت … و مر خدای راست آنچه در آسمانها است و آنچه در

الأرض ليجزي الذين اساؤا بما عملوا ويجزي الذين احسنوا
نیست تا پاداشت دهد آنهارا که بدی کردند بدانچ کردند و پاداش دهد آنهارا که نکوی کردند
بالحسنى الذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش الا اللمم
بهشت که دوری جستند از گناهان بزرگ و ناشایست مگر گناه خورد
ان ربك واسع المغفرة هو اعلم بكم اذ انشاكم
درستی که پروردگار تو فراخ آمرزش است او داناترست بشما چون آفرید شمارا
من الأرض واذ انتم اجنة في بطون امهاتكم فلا تزكوا انفسكم
از زمین و چون شما در شکمهای مادران خود بود پس
هو اعلم بمن اتقى افرايت الذي تولى واعطى قليلا واكدى
او داناترست بانکه پرهیزکاری نمود ای پس دیدی آنکه برگشت و عطا داد اندکی
اعنده علم الغيب فهو يرى ام لم ينبأ بما في صحف موسى
ای نزد اوست علم غیب پس او می بیند یا آگاه نیده نشد بدانچه در صحف موسی است
وابراهيم الذي وفى الا تزر وازرة وزر اخرى وان
و ابراهیم آنکه وفا نمود آنکه بر ندارد هیچ بردارنده بار گناه دیگری را و آنکه
ليس للانسان الا ما سعى وان سعيه سوف يرى ثم يجزيه
نیست مرآدمی را مگر آنچه سعی نمود و آنکه سعی او زود بود که ببینند پس پاداش دهند او را
الجزاء الأوفى وان الى ربك المنتهى وانه هو اضحك وابكى
پاداشتی تمام و آنکه با پروردگار است نهان کار و آنکه او بخندانید و بگریانید

وانه هو امات واحيى وانه خلق الزوجين الذكر والانثى
و آنکه او بمیراند و زنده کرد و آنکه او آفرید دو صنف را نر و ماده
من نطفة اذا تمنى وان عليه النشاة الاخرى وانه هو اغنى
از نطفه که چون در رحم ریخته شود و آنکه بروست زنده کردن دیگر باره و آنکه او توانگر کرد
واقنى وانه هو رب الشعرى وانه اهلك عادا الاولى وثمود
و درویش کند و آنکه اوست پروردگار ستاره و آنکه او هلاک کرد عاد پیشین را و قوم صالح را
فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى و
پس باقی نگذاشت و قوم نوح را از پیش بدرستی که ایشان بودند ستمکارتر و طاغی تر
المؤتفكة اهوى فغشيها ما غشى فباي الاء ربك تتمارى
پس بکدامیک از نعمتهای پروردگار خود را بشک میشوید
هذا نذير من النذر الاولى ازفت الازفة ليس لها من دون الله
این محمد بیم کننده ایست از بیم کنندگان پیشین ای نزدیک قیامت نیست برانرا از جز خدا
كاشفة افمن هذا الحديث تعجبون وتضحكون ولا
بردارنده ای پس ازین سخن عجب میدارند و میخندند
تبكون وانتم سامدون فاسجدوا لله واعبدوا
نمی گریند و شما پس سجده کنید مرخدارا و پرستید

سنة سجده

سورة القمر خمس وخمسون اية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

اقتربت الساعة وانشق القمر ۝ وان يروا آية يعرضوا ويقولوا

نزدیک شد قیامت وشکافته شد ماه واگر ببینند نشانی را برگردند وگویند

سحر مستمر ۝ وكذبوا واتبعوا اهواءهم وكل امر مستقر

این جادویی مستمر سخت و دروغ دارند و پیروی کنند مرادهای خود را و هر کاری آرامگیرنده بود

ولقد جاءهم من الانباء ما فيه مزدجر ۝ حكمة بالغة

و بدرستی که آمد بدیشان از خبرهای آنچه در آن باز زدنی حکمتی رسنده

فما تغن النذر ۝ فتول عنهم يوم يدع الداع الى شيء نكر

پس چه بکار آیند از بیم کنندگان پس برگرد از ایشان روزی که خواند خواننده بچیزی عجیب

خشعا ابصارهم يخرجون من الاجداث كانهم جراد منتشر

خاضع باشند بینائیهای ایشان برون آیند از گورها گوئیا که ایشان ملخهای پراکنده باشند

مهطعين الى الداع يقول الكافرون هذا يوم عسر ۝ كذبت

شتابنده بسوی خواننده گویند کافران این روزی دشوار بدروغ داشتند

قبلهم قوم نوح فكذبوا عبدنا وقالوا مجنون وازدجر

پیش از ایشان قوم نوح پس بدروغ داشتند بنده ما را وگفتند دیوانه است و برانده شد

فدعا ربه اني مغلوب فانتصر ۝ ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر

پس خواند پروردگار خود را که من مغلوبم پس داد من بستان پس بگشودیم درهای آسمان را بآبی ریزنده

وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء على امر قد قدر ۝ وحملناه على

و روان گردانیدیم ما در زمین چشمهای پس ملتقی شد آب و برنشاندیم ما او را بر

ذات الواح ودسر ۝ تجري باعيننا جزاء لمن كان كفر ۝ ولقد

چوبهای خداوند میسمارها که میرفت بنگهداشت ما پاداشتی مر آنرا که کافر شد و بدرستی

تركناها آية فهل من مدكر ۝ فكيف كان عذابي ونذر ۝ و

که بگذاشتیم آنرا برای نشانی پس ای هست هیچ پندگیرنده پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من

لقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝ كذبت

و بدرستی که آسان کردیم ما این قرآن را برای پند پس ای هست هیچ پندگیرنده بدروغ داشتند

عاد فكيف كان عذابي ونذر ۝ انا ارسلنا عليهم ريحا صرصرا

قوم هود بیم کننده کان را پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من بدرستی که بفرستادیم ما بر ایشان بادی سخت جهنده

في يوم نحس مستمر ۝ تنزع الناس كانهم اعجاز نخل منقعر

در روزی شوم پاینده و دائم برکند مردمان را گوئیا که ایشان تنهای خرمابنان بودند افتاده

فكيف كان عذابي ونذر ۝ ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل

پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من و بدرستی که آسان کردیم ما قرآن را برای پند پس ای هست

من مدكر ۝ كذبت ثمود بالنذر ۝ فقالوا ابشرا منا واحدا

هیچ پندگیرنده بدروغ داشتند قوم صالح بیم کننده کان را پس گفتند ای آدمی از ما یگانه بود

نتبعه انا اذا لفي ضلال وسعر ۝ ءالقي الذكر عليه من بيننا

پیروی کنیم او را بدرستی که ما آنگه در گمراهی ای انداخته شد پند بر او از میان ما

بل هو كذاب أشر ۝ سيعلمون غدا من الكذاب

بلک او سخت دروغ گوی بدکارست زود بدانند فردا قیامت که کیست دروغ گوی

الأشر ۝ إنا مرسلوا الناقة فتنة لهم فارتقبهم

بدکار بدرستی که ما فرستنده ناقه ایم سبب آزمایش مر ایشان را پس چشم دار بر ایشان

واصطبر ۝ ونبئهم أن الماء قسمة بينهم كل شرب محتضر

و شکیبایی نمای و بیاگاهان ایشان را که آب مقسومست میان ایشان هر گروهی را قسمت

فنادوا صاحبهم فتعاطى فعقر ۝ فكيف كان عذابي ونذر

پس برخواندند صاحب خود را پس ... بکشتند آن را پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من

إنا أرسلنا عليهم صيحة واحدة فكانوا كهشيم المحتظر

بدرستی که بفرستادیم ما بر ایشان یک بانگ زدنی پس شدند همچون

ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝ كذبت

و بدرستی که آسان کردانیدیم ما قرآن را از بهر پند گرفتن پس هست هیچ پند گیرنده بدروغ داشتند

قوم لوط بالنذر ۝ إنا أرسلنا عليهم حاصبا إلا آل لوط

قوم لوط بیم کنندگان را بدرستی که بفرستادیم ما بر ایشان ...

نجيناهم بسحر ۝ نعمة من عندنا كذلك نجزي من شكر

که برهانیدیم ما ایشان را بسحرگاهان نعمتی از نزدیک ما همچنین پاداش دهیم آن را که سپاس دارد

ولقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنذر ۝ ولقد راودوه

و بدرستی که بیم کرد ایشان را ... پس شک شدند در بیم کنندگان و بدرستی که درخواستند از او

عن ضيفه فطمسنا أعينهم فذوقوا عذابي ونذر

از مهمانان او پس محو کردیم ما چشمهای ایشان را پس در چشیدند عذاب مرا و بیم کردن من

ولقد صبحهم بكرة عذاب مستقر ۝ فذوقوا عذابي

و بدرستی که بگرفت ایشان را در بامدادان عذابی آرامگیرنده پس در چشیدند عذاب مرا

ونذر ۝ ولقد يسرنا القرآن للذكر فهل من مدكر ۝ ولقد

و بیم کردن مرا و بدرستی که آسان کردیم ما قرآن را از بهر پند گرفتن پس ای هست هیچ پند گیرنده و بدرستی

جاء آل فرعون النذر ۝ كذبوا بآياتنا كلها فأخذناهم أخذ

که آمدند بآل فرعون بیم کنندگان بدروغ داشتند نشانهای ما را همه آن پس بگرفتیم ما ایشان را گرفتن

عزيز مقتدر ۝ أكفاركم خير من أولئكم أم لكم براءة في

خدای غالب توانا ای کافران شما بهتر ... گروه شما یا مر شما راست بیزاری در

الزبر ۝ أم يقولون نحن جميع منتصر ۝ سيهزم الجمع ويولون الدبر

کتابها یا میگویند ما جمعی ... زود بهزیمت کرده شوند همه و برگردانند پشتها را

بل الساعة موعدهم والساعة أدهى وأمر ۝ إن المجرمين في

بلک قیامت وعده‌گاه ایشانست و قیامت سخت‌تر و تلخ‌تر بدرستی که کافران در

ضلال وسعر ۝ يوم يسحبون في النار على وجوههم ذوقوا مس سقر

گمراهی باشند و آتش افروخته آنروز که کشیده شوند در آتش بر رویهای ایشان گویند بچشید عذاب دوزخ

إنا كل شيء خلقناه بقدر ۝ وما أمرنا إلا واحدة كلمح

بدرستی که ما همه چیز را آفریدیم آن را باندازه و نیست فرمان ما مگر یکی ...

بالبصر ۞ ولقد اهلكنا اشياعكم فهل من مدكر ۞ وكل

وبیر چشم که هلاک کردیم همانندان شما پس آیا هست هیچ پند گیرنده و هر

شيء فعلوه في الزبر ۞ وكل صغير وكبير مستطر ۞ ان

چیزی کردید آنرا در صحیفهٔ اعمال و هر کوچک و بزرگی نوشته است بدرستی

المتقين في جنات ونهر ۞ في مقعد صدق عند مليك مقتدر

پرهیزکاران در بهشتها و جویها باشند در جایگاهی خوب نزد پادشاه قادر توانا

سورة الرحمن عز وجل ثمان وسبعون

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای روزی دهنده مهربان

الرحمن ۞ علم القران ۞ خلق الانسان ۞ علمه البيان ۞ الشمس والقمر

خدای روزی دهنده در آموخت قرآن را آفرید آدمی را در آموخت او را بیان سخن آفتاب و ماه

بحسبان ۞ والنجم والشجر يسجدان ۞ والسماء رفعها ووضع

بحساب میروند و گیاه و درختان او را سجود میکنند و آسمان را برافراشت آنرا و نهاد

الميزان ۞ الا تطغوا في الميزان ۞ واقيموا الوزن بالقسط ولا تخسروا

ترازو را تا که طغیان مکنید در ترازو و برکشید ترازو را بعدالت و بازمکاهید

الميزان ۞ والارض وضعها للانام ۞ فيها فاكهة والنخل ذات

ترازو را و زمین بگسترانید آنرا در آنجا است میوها و درختان خرما خداوند

نصف

الاكمام ۞ والحب ذو العصف والريحان ۞ فباي آلاء ربكما

خوشها و دانه خداوند پس بکدام نعمتهای پروردگار خود

تكذبان ۞ خلق الانسان من صلصال كالفخار ۞ وخلق الجان من

دروغ میدارید ای جن و انس آفرید آدمی را از گل خشک همچون سفال و آفرید پری را از

مارج من نار ۞ فباي آلاء ربكما تكذبان ۞ رب المشرقين و

زبانه از آتش پس بکدام نعمتها دروغ میدارید پروردگار مشرق

رب المغربين ۞ فباي آلاء ربكما تكذبان ۞ مرج البحرين

و پروردگار مغرب پس بکدام دروغ میدارید بر هم کشود دو دریا را

يلتقيان ۞ بينهما برزخ لا يبغيان ۞ فباي آلاء ربكما تكذبان

که بهم رسند میان ایشان پس بکدام دروغ میدارید

يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان ۞ فباي آلاء ربكما تكذبان

بیرون آورد از آن دو دریا مروارید و مرجانها پس بکدام دروغ میدارید

وله الجوار المنشآت في البحر كالاعلام ۞ فباي آلاء ربكما تكذبان

و مر او راست کشتیها در دریا همچون کوهها پس بکدام دروغ میدارید

كل من عليها فان ۞ ويبقى وجه ربك ذو الجلال والاكرام

هر که بر روی زمین است فانی گردد و باقی ماند ذات پروردگار تو خداوند بزرگی و کرامت

فباي آلاء ربكما تكذبان ۞ يسئله من في السموات والارض كل

پس بکدام دروغ میدارید میخواهد از او آنکه در آسمانها است و زمین هر

يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • سَنَفْرُغُ

روزی او در شغلیست پس بکدامین نعمتها پروردکار خود بدروغ میدارید زود فضا حساب

لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • يَا مَعْشَرَ

شما کنیم ای گروه جن وانس پس بکدامین بدروغ میدارید ای گروه

الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

پری وآدمی اگر توانائی داشته باشید که از کنارهای آسمانها وزمین

فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس بیرون روید بیرون نتوانید رفت مگر بحجتی پس بکدامین نعمتهای پروردگار

تُكَذِّبَانِ • يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

بدروغ میدارید فرستاده شود بر شما زبانه از آتش و

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً

پس بکدامین بدروغ میدارید پس چون شکافته شود آسمان پس

كَالدِّهَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ

پس بکدامین بدروغ میدارید پس آن روز پرسیده نشود

عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • يُعْرَفُ

از گناه او هیچ آدمی نه پری پس بکدامین بدروغ میدارید شناخته شوند

الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

گناهکاران بسیمای ایشان پس گرفته شوند بموی پیشانی وقدمها پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ • يَطُوفُونَ

بدروغ میدارید این دوزخ آنکه بدروغ میداشتند آنرا کافران گرد بر گردند

بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • وَلِمَنْ خَافَ

میان آن و میان آب گرم بغایت گرمیده پس بکدامین بدروغ میدارید ودر آنرا که بترسید

مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

پروردگار خود دو بستان بود پس بکدامین

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس بکدامین بدروغ میدارید در آن هر دو بستان دو چشمه روان باشند پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

بدروغ میدارید ازان هر دو باشند از همه میوهای دو نوع پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى

بدروغ تکیه زنندگان باشند بر فرشها که آستر آن از استبرق اند

الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ

بهشتها نزدیک بود پس بکدامین بدروغ میدارید در آنها زنان بازبستها

الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

چشم نکرده با ایشان پیش از ایشان هیچ آدمی و نه پری پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ • فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

بدروغ میدارید گویا ایشان یاقوت و مرجان باشند پس بکدامین بدروغ میدارید

هَلْ جَزَآءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ • فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • وَمِنْ
ایا هیچ بود پاداشت نیکو مگر نیکویی • پس بکدامین بدروغ میدارید • واز

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ • فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • مُدْهَامَّتَانِ • فَبِاَيِّ
جز آن بستان دو بستان دیگر بود • پس بکدامین بدروغ میدارید • پس

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ • فَبِاَيِّ آلَاءِ
بکدامین بدروغ میدارید • در آن دو بستان دو چشمه باشند که از خود بر جوشند • پس بکدامین

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ • فَبِاَيِّ آلَاءِ
بدروغ میدارید • در آن هر دو میوها باشند و خرماستانها و انارستانها • پس بکدامین

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ • فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ • فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
بدروغ میدارید • در آن بستانها زنان نیکو و خوبرو باشند • پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ • فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
بدروغ میدارید • حور العین ... مستورات در خیمها • پس بکدامین • بدروغ میدارید

لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ • فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
... بریشان هیچ آدمی پیش از ایشان و نه هیچ پری • پس بکدامین • بدروغ میدارید

مُتَّكِئِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ • فَبِاَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا
تکیه زنندگان بر ... سبز • و ... نیکو • پس بکدامین

تُكَذِّبَانِ • تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
بدروغ میدارید • بزرگوار است نام پروردگار تو خداوند بزرگواری و کرامت

سورة الواقعة ست وتسعون آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
ابتدا میکنم بنام خدای روزی دهنده مهربان

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ • لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ • خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ
چون واقع شود واقعه قیامت • نیست مر وقوع آنرا هیچ دروغی

اِذَا رُجَّتِ الْاَرْضُ رَجًّا • وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا • فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا
چون جنبانیده شود زمین جنبانیدنی • و روان کرده شوند کوهها روانی • پس باشند

وَكُنْتُمْ اَزْوَاجًا ثَلٰثَةً • فَاَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا اَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ
و باشید شما صنفها سه گانه • پس اصحاب دست راست • چه ... اصحاب دست راست

وَاَصْحَابُ الْمَشْاَمَةِ مَا اَصْحَابُ الْمَشْاَمَةِ • وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ
و اصحاب دست چپ • چه ... اصحاب دست چپ • و پیشی گیرندگان بخیرات پیشی گیرندگان

اُولٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ • فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ • ثُلَّةٌ مِنَ الْاَوَّلِينَ • وَقَلِيلٌ
... نزدیکان باشند • در بستانهای پر نعمت • گروهی از اولینان • و اندکی

مِنَ الْآخِرِينَ • عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ • مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ
از آخرینان • بر تختها ... • تکیه زنندگان بر آن تختها روی با یکدیگر کنندگان

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ • بِاَكْوَابٍ وَاَبَارِيقَ وَكَاْسٍ
گرد آیند بریشان کودکانی ... • ... کوزها ...

مِن مَعِينٍ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا
از چشمهای بهشت [illegible] نکشند ازان [illegible] و میوهای بسیار از آنچه
يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ
اختیار کنند و گوشت مرغان از آنچه آرزو کنند و حور العینانی همچون باشند
اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَا يَسْمَعُونَ
مروارید پنهان داشته در صدف بادافت بدانچه ایشان کردند نشنوند
فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا وَأَصْحَابُ
در آنجا هیچ ناشایست و نه بزه مگر گفتار سلامی بر سلامی و اصحاب
الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ
وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ
وَلَا مَمْنُوعَةٍ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ
و نه منع کرده از تناول آن و فرشها [illegible] بدرستی که ما آفریدیم آنهارا آفریدنی پس کردانیدیم آنهارا
أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَ
بکران [illegible] مر اصحاب دست راست کروهی از اولیان
ثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي
و کروهی از آخریان و اصحاب دست چپ چه بدبختانند اصحاب دست چپ در

سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا
بادی گرم و آبی گرم باشند و سایه از دود نه سرد و نه [illegible] بدرستی که ایشان بودند
قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ
پیش ازین در دنیا متنعمان و بودند مصری شده بر گناه بزرگ
وَكَانُوا يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ
و بودند میگفتند ای چون بمیریم و باشیم ما خاکی و استخوانهای [illegible] انگیخته شویم
أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ
یا پدران ما اولینان [illegible] اولین و آخرین [illegible] جمع کردگان باشند
مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ
لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَارِبُونَ
عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ
الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ أَفَرَأَيْتُم مَّا تُمْنُونَ
ما آفریدیم شمارا [illegible]
أَأَنتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ
آیا شما آفریدید آنرا یا ما ایم آفریدگان ما تقدیر کردیم میان شما [illegible]

وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِيمَا

ونباشیم ما پیشی گرفتگان بر آنک بدل کنیم مانند شمارا وآفرینیم شمارا در آنچه

لَا تَعْلَمُونَ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

ندانستید شما وبدرستی که دانستید شما آفریدن اول را پس چرا پند نمیگیرید

أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ أَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ لَوْ نَشَاءُ

ای پس دیدید شما ای شما کشت زرع میکنید آنرا یا مایم کشت کنندگان اگر خواستیمی

لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ

هرآینه کردمانی آنرا درود ... بدرستی که ما تاوان زدگانیم بلکه

مَحْرُومُونَ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ أَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ

بی بهرگانیم ای پس می بینید شما آب را آن آبی که می آشامید ای شما فرو فرستادید آنرا از

الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا

ابر یا مایم فرو فرستندگان اگر خواستیمی کردمانی آنرا تلخ پس چرا

تَشْكُرُونَ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ أَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ

شکر نمیکنید ای پس دیدید شما آتش را آن آتشی که گرم میشوند ای شما آفریدید

شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا

درخت آنرا یا مایم آفرینندگان ما کردیم ما پندی وبرخورداری

لِّلْمُقْوِينَ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

... پس تسبیح کن بنام پروردگار بزرگوار پس سوگند میخورم بفرو شدن جای ستارگان

حزب

وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

وبدرستی که آن سوگندیست اگر بدانید شما بزرگ بدرستی که آن قرآنیست باکرامت در کتابی مکنون

لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ

باید که دست نسایند و دست ننهند مگر پاکان و باطهارت فرو فرستاده ایست از پروردگار جهانیان ای پس بدین سخن

أَنتُم مُّدْهِنُونَ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ فَلَوْلَا

شما مداهنه میکنید و میگردانید روزی خود را که شما دروغ میدارید پس اگر چرا

إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ وَنَحْنُ أَقْرَبُ

چون برسید جان بحنجره کردن وشما آن هنگام می نگرید وما نزدیکتریم

إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ

نمی بینید شما پس چرا اگر هستید شما نه

مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ

باز گردانید آنرا اگر هستید شما راست گویان پس اما اگر باشد از جمله

الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ

نزدیکان پس ... وبهشتی پرنعمت واما اگر باشد

أَصْحَابِ الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَمَّا إِن كَانَ

اصحاب دست راست پس سلام باد ترا از اصحاب دست راست واما اگر باشد

مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ إِنَّ

از دروغ دارندگان گمراهان پس ... از آب گرم ودر شدن ...

هذا لهو حق اليقين ۝ فسبح باسم ربك العظيم
كه اين سزاينه حقست ويقين پس تسبيح كن بنام پروردگار خود بزرگوار

سورة الحديد تسع وعشرون اية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى روزى دهنده مهربان

سبح لله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ۝ له ملك
پاكى ياد كرد مر خدا را آنكه در آسمانها وآنكه در زمينست واوست غالب محكم كار مر او راست پادشاهى

السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء قدير ۝ هو
در آسمانها وزمين زنده كند وبميراند واو بر همه چيزى تواناست او

الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم ۝ هو
اول بى ابتدا وآخر بى انتها وظاهر وپنهان واو بهمه چيزها داناست او

الذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم استوى على العرش
آن خدائى كه آفريد آسمانها وزمين را در شش روز پس غالب شد بر عرش

يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج
ميداند آنچه در مى آيد در زمين وآنچه بيرون مى آيد از آن وآنچه فرود مى آيد از آسمان وآنچه بالا ميرود

فيها وهو معكم اين ما كنتم والله بما تعملون بصير
در آن واو با شماست هر كجا كه باشيد شما وخدا بآنچه شما ميكنيد بيناست

له ملك السموات والارض والى الله ترجع الامور ۝ يولج الليل في
مر او راست پادشاهى آسمانها وزمين وبا خداست بازگشت كارها در مى آورد شب را در

النهار ويولج النهار في الليل وهو عليم بذات الصدور ۝
روز ودر مى آورد روز را در شب واو داناست بسرائر سينها

امنوا بالله ورسوله وانفقوا مما جعلكم مستخلفين فيه
بگرويد بخدا وبرسول او ونفقت كنيد از آنچه كرد شما را كه جانشينان در آن

فالذين امنوا منكم وانفقوا لهم اجر كبير ۝ وما لكم
پس آنها كه بگرويدند از شما ونفقت كردند مر ايشانرا بود مزدى بزرگ وچيست مر شما را

لا تؤمنون بالله والرسول يدعوكم لتؤمنوا بربكم وقد
كه نمى گرويد بخداى ورسول ميخواند شما را تا بگرويد بپروردگار خود وبدرستى

اخذ ميثاقكم ان كنتم مؤمنين ۝ هو الذي ينزل على
كه فرا گرفت عهد را از شما اگر هستيد شما مؤمنان اوست آن خدائى كه فرو ميفرستد بر

عبده ايات بينات ليخرجكم من الظلمات الى النور وان الله
بنده خود نشانهاى روشن را تا بيرون آورد شما را از تاريكيهاى كفر بنور ايمان وبدرستى كه خدا

بكم لرءوف رحيم ۝ وما لكم الا تنفقوا في سبيل الله ولله
بشما بخشاينده مهربانست ورحمت كننده وچيست مر شما را كه نفقت نميكنيد در راه خدا ومر خدا راست

ميراث السموات والارض لا يستوي منكم من انفق من قبل الفتح
ميراث آسمانها وزمين يكسان نيستند از شما آنكه نفقت كرد پيش از فتح

وقاتل أولئك أعظم درجة من الذين أنفقوا من بعد وقاتلوا

وکارزار کرد از پس فتح که نفقه کرد از آنها بمرتبه ودیرات بزرگترند آن دکارزار کرد

وكلا وعد الله الحسنى والله بما تعملون خبير ۝ من ذا

وهمه را وعده داد خدا بهشت وخدا بآنچه شما میکنید آگاهست کیست

الذي يقرض الله قرضا حسنا فيضاعفه له وله أجر

آنک قرض دهد خدا را قرضی نیکو پس دوچندان گرداند آنرا برای او ومراورا بود مزدی

كريم ۝ يوم ترى المؤمنين والمؤمنات يسعى نورهم بين أيديهم

نیکو روزی که بینی مردان مومن وزنان مومنه را شتابد نور ایشان از پیش ایشان

وبأيمانهم بشراكم اليوم جنات تجري من تحتها الأنهار خالدين

واز جانب راست ایشان گویند ایشانرا بشارت باد شمارا امروز ببستانهایی که رود از زیر آن جویها همیشه باشید

فيها ذلك هو الفوز العظيم ۝ يوم يقول المنافقون والمنافقات

در آنجا آنست آن رستگاری بزرگ روزی که گویند مردان منافق وزنان منافقه

للذين آمنوا انظرونا نقتبس من نوركم قيل ارجعوا وراءكم

مر آنهارا که بگرویده باشند بنگرید بما تا وا بیده گیریم از نور شما گویند ایشانرا بازگردید وبنگرید واپس خود

فالتمسوا نورا فضرب بينهم بسور له باب باطنه فيه

پس التماس کنید نوری را پس بزده کرده شود میان ایشان حائلی که مر آن را بود دری که باطن آن در آن بود

الرحمة وظاهره من قبله العذاب ۝ ينادونهم ألم نكن

رحمت وظاهر آن از پیش آن عذاب بود برخوانند ایشانرا ای نبودیم ما

معكم قالوا بلى ولكنكم فتنتم أنفسكم وتربصتم وارتبتم

باشما گویند آری ولیکن شما بودید که آزمودید تنهای یکدیگر را درگشتید

وغرتكم الأماني حتى جاء أمر الله وغركم بالله الغرور ۝ فاليوم

وبفریفت شمارا آرزوها تا آمد فرمان خدا وبفریفت شمارا بخدا فریفتنی پس امروز

لا يؤخذ منكم فدية ولا من الذين كفروا مأواكم النار هي

وانگیرند از شما بدلی ونه از آنها که کافر شدند وجایگاه شما آتش بود آنست

مولاكم وبئس المصير ۝ ألم يأن للذين آمنوا أن تخشع قلوبهم

جایگاه شما وبد بازگشتیست دوزخ ای وقت آید مر آنها که بگرویدند که خاضع شوند دلهای ایشان

لذكر الله وما نزل من الحق ولا يكونوا كالذين أوتوا الكتاب

بیاد کرد خدا وآنچه فرو فرستاد از حق ونباشند همچون آنها که بداده شد ایشانرا

من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم وكثير منهم

از پیش پس دراز شد برایشان امید پس سخت شد دلهای ایشان وبسیاری از ایشان

فاسقون ۝ اعلموا أن الله يحيي الأرض بعد موتها قد بينا لكم

فاسقاند بدانید که خدا زنده کند زمین را پس از مرگ آن بدرستی که روشن بکردیم ما برای شما

الآيات لعلكم تعقلون ۝ إن المصدقين والمصدقات و

نشانهارا تا بود که شما استعمال عقل کنید بدرستی که مردان راست گوی وصدقه دهنده وزنان همچنان

أقرضوا الله قرضا حسنا يضاعف لهم ولهم أجر كريم

وقرض دهنده خدا را قرضی نیکو دوچندان گردانند مر ایشانرا ومر ایشانرا بود مزدی نیکو

والذين آمنوا بالله ورسله اولئك هم الصديقون والشهداء عند
وآنها که بگرویدند بخدا و رسولان او آن گروه ایشانند راست گویان و گواهان نزد
ربهم لهم اجرهم ونورهم والذين كفروا وكذبوا بآياتنا
پروردگار خود مر ایشانرا بود مزد ایشان و روشنائی ایشان وآنها که کافر شدند و دروغ داشتند نشانهای ما را
اولئك اصحاب الجحيم اعلموا انما الحيوة الدنيا لعب ولهو
آن گروه اصحاب دوزخ اند بدانید که زندگانی دنیا بازی و نازجاهلیت
وزينة وتفاخر بينكم وتكاثر في الاموال والاولاد كمثل
و آرایش و فخر آوردنی میان یکدیگر و بسیار کردن در مالها و فرزندان همچون مثل
غيث اعجب الكفار نباته ثم يهيج فتريه مصفرا ثم يكون حطاما
بارانی که بشگفت آورد برزیگرانرا رستنی آن پس پژمرده شود پس بینی آنرا زرد پس باشد خرده
وفي الآخرة عذاب شديد ومغفرة من الله ورضوان وما الحيوة
و در آخرت عذابی سخت بود و آمرزشی از خدا و خشنودی او و نیست زندگانی
الدنيا الا متاع الغرور سابقوا الى مغفرة من ربكم
دنیا مگر برخورداری فریفت پیشی گیرید با آمرزشی از پروردگار خود
وجنة عرضها كعرض السماء والارض اعدت للذين آمنوا
و بهشتی که پهنای آن همچون پهنای آسمانها و زمین بود معد ساخته مر آنهارا که بگرویدند
بالله ورسله ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم
بخدا و رسولان او آنست فضل خدا بدهد آن آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست

ما اصاب من مصيبة في الارض ولا في انفسكم الا في كتاب من قبل
نرسید هیچ رسنده در زمین و نه در تنهای شما مگر که در لوح المحفوظ از پیش آن
ان نبراها ان ذلك على الله يسير لكيلا تاسوا على ما فاتكم ولا
ثبت کردیم آنرا بدرستی که آن بر خدا آسانست تا اندوه نخورید بر آنچه فوت شد از شما
تفرحوا بما آتيكم والله لا يحب كل مختال فخور الذين
و شاد نشوید بدانچه آمد بشما و خدا دوست ندارد هر خرامنده نازنده را آنها
يبخلون ويامرون الناس بالبخل ومن يتول فان الله هو الغني
که بخیلی میکنند و میفرمایند مردمانرا ببخیلی و هر که برگردد پس خدا اوست بی نیاز
الحميد لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب
پسندیده بدرستی که فرستادیم ما رسولان خودرا بحجتها و فرو فرستادیم با ایشان کتاب را
والميزان ليقوم الناس بالقسط وانزلنا الحديد فيه باس
و ترازو را تا راست بایستند مردمان بعدالت و فرو فرستادیم ما آهن در آن هست حربی
شديد ومنافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله بالغيب
سخت و سودهای مردمانرا و تا معلوم کند خدا آنرا که یاری کند دین او را و رسولان او را نادیده
ان الله قوي عزيز ولقد ارسلنا نوحا وابرهيم وجعلنا في ذريتهما
بدرستی که خدا نیرومند غالبست و بدرستی که فرستادیم ما نوح را و ابراهیم را و کردیم ما در میان فرزندان
النبوة والكتاب فمنهم مهتد وكثير منهم فاسقون
پیغمبری و کتاب پس از ایشان بود راه یابنده و بسیاری از ایشان فاسقانند

ثم قفينا على آثارهم برسلنا وقفينا بعيسى ابن مريم وآتيناه الانجيل
پس در پی داشتیم ما بر اثرهای ایشان رسولان را و در پی داشتیم ما عیسی را پسر مریم و بدادیم ما اورا انجیل
وجعلنا في قلوب الذين اتبعوه رأفة ورحمة ورهبانية ابتدعوها
و بکردیم ما در دلهای آنها که پیروی کردند اورا مهربانی و رحمتی
ما كتبناها عليهم الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق
ننوشتیم ما آنرا بر ایشان مگر از بهر جستن خشنودی از خدا پس رعایت نکردند آنرا
رعايتها فآتينا الذين آمنوا منهم اجرهم وكثير منهم
رعایت آن پس بدادیم ما آنهارا که بگرویدند از ایشان مزد ایشانرا و بسیاری از ایشان
فاسقون يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وآمنوا برسوله يؤتكم
فاسقان بودند ای آنها که بگرویده اید بترسید از خدا و بگروید برسول او تا بدهد شمارا
كفلين من رحمته ويجعل لكم نورا تمشون به ويغفر
دو بهره از رحمت خود و بدهد مر شمارا نوری که بروید بدان و بیامرزد
لكم والله غفور رحيم لئلا يعلم اهل الكتاب الا
مر شمارا و خدا آمرزگار مهربانست تا بدانند اهل کتاب که
يقدرون على شيء من فضل الله وان الفضل بيد الله يؤتيه
توانا نیستند بر چیزی از فضل خدا و آنکه فضل و افزونی بقدرت خداست بدهد آنرا
من يشاء والله ذو الفضل العظيم

آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل بزرگست

سورة المجادلة

نصف القرآن باعتبار السورة

الجزو ۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها وتشتكي الى الله والله
بدرستی که شنود خدا گفتار آن زن که مراجعت مینمود با تو در باب شوهر خود و شکایت می نمود سوی حکم خدا و خدا
يسمع تحاوركما ان الله سميع بصير الذين يظاهرون منكم
می شنود سخن گفتن شما یکدیگر را بدرستی که خدا شنوای بیناست آنها که لفظ ظهار یاد میکنند از شما
من نسائهم ما هن امهاتهم ان امهاتهم الا اللائي ولدنهم
از زنان ایشان نیستند ایشان مادران ایشان نیستند مادران ایشان مگر آن زنانی که زاییده اند ایشانرا
وانهم ليقولون منكرا من القول وزورا وان الله لعفو
و بدرستی که ایشان هرآینه میگویند منکری از گفتار و دروغی و بدرستی که خدا جرم فروگذارنده
غفور والذين يظاهرون من نسائهم ثم يعودون لما قالوا
و آمرزگارست و آنانکه لفظ ظهار یاد میکنند از زنان ایشان پس باز میگردند بآنچه گفتند
فتحرير رقبة من قبل ان يتماسا ذلكم توعظون به والله
پس بر ایشان بود آزاد کردن بردهٔ از پیش آنکه بهم برسند آنست حکم که پند داده میشوید بدان و خدا
بما تعملون خبير فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين من
بدانچه میکنید آگاهست پس هرکه نیابد پس روزه بدارد دو ماه پیاپی از
قبل ان يتماسا فمن لم يستطع فاطعام ستين مسكينا ذلك
پیش آنکه بهم برسند پس هرکه نتواند پس بر او بود طعام دادن شصت بیچاره آن
زن و شوهر

لِتُؤْمِنُوا بِاللهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
تا بگروید بخدا و رسول او و آنند حدهای خدا و مر کافرانرا بود عذابی
أَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ
دردناک بدرستی که آنها که مخالفت می‌نمایند با خدا و رسول خار باشند همچنانک خار شدند
الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ
آنها که پیش از ایشان بودند و بدرستی که فرو فرستادیم ما نشانهای روشن و مر کافرانرا بود عذابی
مُهِينٌ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ
خوارکننده یاد کن آن روز که برانگیزاند خدا همه را پس باگاهاند ایشانرا بآنچه کرده‌اند برشمرده آنرا
اللهُ وَنَسُوهُ وَاللهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللهَ
خدای و فراموش کرده باشند آنرا و خدا بر همه چیزی گواه حاضر داناست ای نمی‌نگری که خدا
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ
میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست نباشد هیچ رازگفتنی سه کس
إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ
مگر که او چهارم ایشان بود و نه پنج کس مگر که او ششم ایشان بود و نه کمتر از آن
وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا
و نه بیشتر مگر که او با ایشان بود هرکجا که باشند پس باگاهاند ایشانرا بآنچه کرده‌اند
يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
روز قیامت بدرستی که خدا بهمه چیزی داناست ای نمی‌نگری بسوی آنها

نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ
که نهی کرده شدند از رازگفتن پس باز میگردند سوی آنچه نهی کرده شدند از آن و راز میگویند بموجب بزه
الْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ
و دشمنی و نافرمانی در رسول و چون آیند بتو پیش گفتند ترا بآنچه پرسش ننمود
بِهِ اللهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ
بدان خدا و میگویند در تنهای خود چرا عذاب نکند مارا خدا بآنچه میگوییم بسنده است ایشانرا
جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ
دوزخ درآیند در آنجا پس بد بازگشتیست ای آنها که بگرویده‌اید چون رازگویید شما
فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا
پس راز مگویید ببزه و دشمنی و نافرمانی در رسول و رازگویید
بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ إِنَّمَا
بنیکوئی و پرهیزکاری و بترسید از خدا آنچنانی که بجز او حشر کرده شوید بدرستی
النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
که رازگفتن از کار دیوست تا اندوهگین کند آنها که بگرویده‌اند و نیست گزند رساننده ایشانرا
شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللهِ وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
چیزی را مگر بفرمان خدا و بر خدا باید که توکل کنند مؤمنان ای آنها که
آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللهُ لَكُمْ
ایمان آورده‌اید چون گویند مرشما را فراخ بنشینید در مجلسها پس فراخ بنشینید تا فراخ کند خدا مر شمارا

وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ
و چون گویند که برخیزید پس برخیزید تا برافرازد خدا آنهارا که بگرویدند از شما و آنها که
أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
بداده شد ایشانرا دانش مرتبها و خدا بدانچه میکنید آگاهست ای آنها که
آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ
گرویدید چون راز گوئید شما با رسول پس فرا پیش دارید در پیش راز گفتن شما
صَدَقَةً ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ
صدقه را آن بهتر بود مر شمارا و پاکیزه تر پس اگر نیابید پس بدرستی
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ أَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ
که خدا آمرزگار مهربانست ای ترسیدید شما که فرا پیش دارید در پیش و میان راز گفتن شما
صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ
صدقهارا پس چون نکنید و توبه بپذیرفت خدا بر شما پس بپای دارید نمازرا
وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ
و بدهید زکوة را و فرمان برید خدارا و رسول اورا و خدا آگاهست بدانچه شما میکنید
أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِم مَّا هُم مِّنكُمْ
ای ننگرستی تو بدانها که دوستی کردند باگروهی که خشم گرفت خدای بریشان نیستند ایشان از شما
وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ أَعَدَّ
و نه از ایشان و سوگند میخورند بر خدا بدروغ و ایشان میدانند بیجاده آماده

اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
خدا برای ایشان عذابی سخت بدرستی که بدست آنچه ایشان میکنند
اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ
فرا گرفتند سوگندان خودرا بمثابت سپری پس برگشتند از راه خدا پس ایشانراست عذابی
مُّهِينٌ لَّن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُم مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا
خوارکننده هرگز بنگزیراند از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان از عذاب خدا چیزی را
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ
آن گروه اصحاب آتش اند ایشان در آنجا همیشه باشند روزی که برانگیزاند ایشانرا خدا
جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
همه پس سوگند خورند مراورا همچنانک سوگند خورند مرشمارا و پندارند که ایشان
عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ
بر چیزی اند بدان که ایشان دروغ گویانند مستولی و غالب شد بریشان دیو
فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ
پس از یاد ایشان ببرد یاد خدارا آن گروه گروه دیوند بدان بدرستی
حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ
که گروه دیو ایشانند زیانکاران بدرستی که آنها که خلاف میکنند با خدا
وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي
و رسول او آن گروه در زمره خواران باشند نوشت خدا که هرآینه غالب منم و رسولان من
ان الله

إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ● لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

بدرستی که خدا نیرومند غالبست نیابی تو گروهی را که بگروید بخدا و بروز آخرت

يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ

که دوستی نمایند با کسی که خلاف کرد با خدا و رسول او واگرچه باشند پدران ایشان یا پسران ایشان

أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ

یا برادران ایشان یا اهل قبیلهٔ ایشان آن گروه ثابت گردانید خدا در دلهای ایشان ایمان را

وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

و نیرومند گردانید ایشان را بآنچه دل مرده را زنده گرداند و در آورد ایشان را در بستانهایی که رود از زیر آن

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

جویها همیشه باشند در آنجا خشنود بود خدای از ایشان و خشنود باشند از و

أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آن گروه گروه خدا اند بدان که گروه خدا ایشانند رستگاران

سورة الحشر بیست و چهار آیه

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بپاکی یاد کرد خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و او غالب محکم کار

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ

اوست آن خدایی که بیرون کرد آنهارا که کافر شدند از اهل کتاب از سراهای ایشان

لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ

در اول بار جمع آمدن گمان نبردید شما که بیرون آیند و گمان بردند ایشان که مانع ایشان بشوند

حُصُونُهُمْ مِنَ اللهِ فَأَتَاهُمُ اللهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ

بارو های ایشان از عذاب خدا پس آمد بدیشان عذاب خدا از آنجا که تپنداشتند و افکند

فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

در دلهای ایشان ترس را که خراب میکردند خانهای خود را بدستهای خود و بدستهای مؤمنان

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ● وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ

پس عبرت گیرید ای خداوندان بیناییها واگرنه آن بودی که نوشته بودی خدا بر ایشان خروج از دیار خود

لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ● ذَٰلِكَ

هر آینه عذاب کردی ایشان را در دنیا و مر ایشان را بود در آخرت عذاب آتش آن

بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللهَ فَإِنَّ اللهَ شَدِيدُ

بسبب آنست که مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا پس بدرستی که خدا سخت

الْعِقَابِ ● مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً

عقوبتست آنچه بریدید شما از خرمابنان یا باقی گذاشتید آن را ایستاده

عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ● وَمَا أَفَاءَ اللهُ

بر تنهای آن پس بدستوری خدا بیت و تا رسوا کند فاسقان را و آنچه باز گردانید خدای

عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ

بر رسول خود از اموال آن یهود پس ندوانیدید شما بر طلب آن هیچ اسبی و نه شتری

ولكن الله يسلط رسله على من يشاء والله على كل شيء
ولیکن خدا مسلط کرداند رسول خودرا برآنکه خواهد و خدا بر همه چیزی
قدير ۝ ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله وللرسول
توانا است آنچه غنیمت کرد خدا بر رسول خود از اهل دیههای که پس مر خدا راست و مر رسول را
ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل كي لا
و خداوندان خویشی را و یتیمان را و مر بیچارگان را و راهگذریان را تا
يكون دولة بين الأغنياء منكم وما آتاكم الرسول فخذوه
نباشد اتفاقی میان توانگران از شما و آنچه بداد شمارا رسول پس فراگیرید آنرا
وما نهاكم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله شديد
و آنچه نهی کرد شمارا از آن پس باز ایستید از آن و بترسید از خدا بدرستی که خدا سخت
العقاب ۝ للفقراء المهاجرين الذين أخرجوا من ديارهم
عقوبت آن غنیمتها مر درویشان را بود هجرت کننده کانرا آنها که بیرون آمدند از سراهای خود
وأموالهم يبتغون فضلا من الله ورضوانا وينصرون الله و
و مالهای خود از آن آواره کردند میجویند فضلی از خدا و خشنودی و یاری میکنند دین خدارا
رسوله أولئك هم الصادقون ۝ والذين تبوءوا الدار والإيمان
و رسول اورا ایشانند راست گویان و آنها که جای گرفتند بازاری و ایمان
من قبلهم يحبون من هاجر إليهم ولا يجدون في صدورهم
پیش از ایشان دوست میدارند آنرا که هجرت کرد با ایشان و نیابند در سینهای خود

حاجة مما أوتوا ويؤثرون على أنفسهم ولو كان بهم خصاصة
تنگی آنچه داده شدند و برگزینند ایشانرا بر تنهای ایشان اگرچه بود بایشان درویشی
ومن يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون ۝ والذين جاءوا
و هرکه نگه بدارد از بخل تن خودرا پس آن گروه ایشانند رستگاران و آنها که آمدند
من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين
از پس ایشان میگفتند ای پروردگار ما بیامرز مارا و مر برادران ما آنها که
سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا
پیشی گرفتند بما بایمان و مگردان در دلهای ما بند و کینه مرآنهارا که بگرویدند ای پروردگار ما
إنك رءوف رحيم ۝ ألم تر إلى الذين نافقوا يقولون لإخوانهم
حزب
بدرستی که تو مهربان رحمت کننده آیا ننگرستی بآنها که نفاق ورزیدند میگفتند مر برادران خودرا
الذين كفروا من أهل الكتاب لئن أخرجتم لنخرجن معكم
آنها که کافر شدند از اهل کتاب هرآینه اگر بیرون کنند شمارا از مدینه هرآینه بیرون آییم با شما
ولا نطيع فيكم أحدا أبدا وإن قوتلتم لننصرنكم والله
و فرمان نبریم در میان شما هیچ یکی را هرگز و اگر کارزار کنند شما هرآینه یاری کنیم شمارا و خدا
يشهد إنهم لكاذبون ۝ لئن أخرجوا لا يخرجون معهم
گواهی میدهد که ایشان دروغ گویند هرآینه اگر بیرون روند بیرون نیایند با ایشان
ولئن قوتلوا لا ينصرونهم ولئن نصروهم ليولن الأدبار ثم
و هرآینه اگر کارزار کنند باایشان یاری نکنند ایشانرا و هرآینه اگر یاری کنند ایشانرا هرآینه برگردانند پشتهارا پس

لا ينصرون ۝ لأنتم أشد رهبة في صدورهم من الله ذلك
یاری کرده نشوند هر آینه شما مؤمنان سخت ترید که دوست جوار از منافقان که از سینهای ایشان ترس بود از خدا آن
بأنهم قوم لا يفقهون ۝ لا يقاتلونكم جميعا إلا في قرى
بسبب آنست که ایشان گروهی اند که در نمی یابند کارزار نتوانند کرد با شما همه مگر در دیههای
محصنة أو من وراء جدر بأسهم بينهم شديد
استوار یا از پس دیوارها و حجابها حرب ایشان میان یکدیگر سخت بود
تحسبهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك بأنهم قوم لا يعقلون
پنداری تو ایشان را که مجتمعند و دلهای ایشان پراکنده بود آن بسبب آنست که ایشان گروهی اند که در نمی یابند
كمثل الذين من قبلهم قريبا ذاقوا وبال أمرهم ولهم
مثل آنها همچون مثل آنهاست که پیش از ایشان بودند بدین نزدیکی که در چشیدند عاقبت کار خودها و مر ایشان را بود
عذاب أليم ۝ كمثل الشيطان إذ قال للإنسان اكفر فلما
عذابی دردناک و همچون مثل دیوست چون گفت آدمی را که کافر شو پس چون
كفر قال إني بريء منك إني أخاف الله رب العالمين ۝ فكان
کافر شد گوید که من بیزارم از تو هر آینه که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیانست پس بود
عاقبتهما أنهما في النار خالدين فيها وذلك جزاء الظالمين
عاقبت ضال و مضل آنکه ایشان هر دو در آتش باشند همیشه باشند در آنجا و آنست پاداشت ستمکاران
يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغد واتقوا
ای آنهایی که بگرویده اید و ایمان آورده اید بترسید از خدا و باید که بنگرد هر تنی از تنها که چه چیز فرا پیش داشته است برای فردای قیامت و بترسید

الله إن الله خبير بما تعملون ۝ ولا تكونوا كالذين نسوا الله
از خدا بدرستی که خدا آگاهست بدانچه شما میکنید و مباشید همچون آنها که فراموش کردند خدا را
فأنساهم أنفسهم أولئك هم الفاسقون ۝ لا يستوي
پس فراموش کرد از اهتمام خلاص ایشان را آن گروه ایشانند فاسقان یکسان نمیباشند
أصحاب النار وأصحاب الجنة أصحاب الجنة هم الفائزون
اصحاب آتش و اصحاب بهشت اصحاب بهشت ایشان ظفر و رستگارانند
لو أنزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا
اگر فرو فرستادمانی این قرآن را بر کوهی هر آینه دیدندی آن را خاضع شکافته و پاره پاره شده
من خشية الله وتلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
از ترس خدا و آینده مثلها که میزنیم آنرا برای مردمان تا بود که ایشان اندیشه کنند
هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن
اوست خدا آن خدای که نیست خدایی مگر او داننده ناپیدا و پیداست اوست روزی دهنده
الرحيم ۝ هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام
مهربان اوست خدا آن خدایی که نیست خدایی مگر او پادشاه پاک از مهابت ایمن کننده از آفات
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
ایمن کننده نگهبان هر چیزی غالب گردنکش بغایت تکبر کننده پاک و منزه است بدانچه انباز و شریک میارند
هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في
اوست خدا آفریننده آفریدگار صورت نگارنده مر او راست نامهای نیکو تسبیح میکند مر او را آنچه در

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝
آسمانهاست وزمین واوست غالب محکم کار

سورة الامتحان ثلث عشرة آية مدنية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ
ای آنها که بگرویده اید فرا مگیرید دشمنان مرا ودشمنان خودرا بدوستان می اندازید
إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ
بسوی ایشان دوستی وبدرستی که کافر شدند بآنچه آمد بشما از سخن حق برون میکنند
الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ
پیغمبر را وشمارا از وطنها شما بانک بگروید بخدا که پروردگار شماست اگر برون آمده اید شما
جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ
بهر جهاد کردن در راه من واز بهر جستن خشنودی من میفرستید بدیشان دوستی
وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ
ومن داناترم بدانچه پنهان میکنید شما وآنچه آشکارا میکنید شما وهر که کند آنرا از شما پس بدرستی
ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً
که گمره شده باشد از راستی راه اگر یابند شمارا باشند مرشمارا دشمنان

وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ
وفراخ بگسترانند بشما دستهای خودرا وزبانهای خودرا ببدی وآرزو کردند که
تَكْفُرُونَ ۝ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ
کافر شوید شما هرگز سود نکند شمارا خویشان شما که کافرند ونه فرزندان شما روز
الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ قَدْ
قیامت خدا حکم کند وجدائی بدید آورد میان شما وخدا بدانچه میکنید بیناست بدرستی
كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا
که هست مرشمارا پی روی نیکو درحق ابرهیم وآنها که با او بودند چون گفتند
لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ كَفَرْنَا
مرقوم خودرا که ما بیزاریم از شما واز آنچه می پرستید از جز خدا کافر شدیم
بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى
بشما وظاهر شد میان ما ومیان شما دشمنی وخشم همیشه تا
تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ
بگروید بخدا بتنها مگر گفتار ابرهیم مر پدر خودرا که هرآینه آمرزش خواهم
لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا
مر ترا وقادر نیستم مر ترا از عذاب خدا هیچ چیزی ای پروردگار ما برتست توکل ما
وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ
وبسوی تست بازگشت ما وبا تست بازگشت همه ای پروردگار ما مگردان مارا آزمایشی مر آنها را

كفروا واغفر لنا ربنا إنك أنت العزيز الحكيم ۝ لقد كان
كه كافر شدند وبيامرز ما را اى پروردگار ما هر آينه تويى تو غالب محكم كار بدرستى درست
لكم فيهم أسوة حسنة لمن كان يرجوا الله واليوم
شما را در حق ايشان پيروى نيكو مر آنرا كه هست اميد ميدارد بخدا و بروز
الآخر ومن يتول فإن الله هو الغني الحميد ۝ عسى الله أن
آخرت و هر كه توكل كند پس بدرستى كه خدا اوست بى نياز ستوده شايد بود كه خدا
يجعل بينكم وبين الذين عاديتم منهم مودة والله
بكند ميان شما وميان آنها كه دشمنى مى نماييد با شما از ايشان دوستى و خدا
قدير والله غفور رحيم ۝ لا ينهكم الله عن الذين
توانا است و خدا آمرزگار مهربان است نهى نميكند شما را خدا از دوستى آنها
لم يقاتلوكم في الدين ولم يخرجوكم من دياركم أن
كه كارزار نكردند با شما در دين وبيرون نكردند شما را از سراهاى شما اينكه نيكويى
تبروهم وتقسطوا إليهم إن الله يحب المقسطين ۝ إنما
كنيد با ايشان ونصيب دهيد ايشانرا از مالهاى شما بدرستى كه خدا دوست دارد عادلانرا بدرستى
ينهكم الله عن الذين قاتلوكم في الدين وأخرجوكم
كه نهى كرد شما را خدا از دوستى آنها كه كارزار كردند با شما در دين وبيرون كردند شما را
من دياركم وظاهروا على إخراجكم أن تولوهم ومن
از سراهاى شما وهم پشت شدند بر بيرون كردن شما كه دوستى كنيد با ايشان و هر كه

يتولهم فأولئك هم الظالمون ۝ يا أيها الذين آمنوا إذا جاءكم
دوستى نمايد با ايشان پس آن گروه ايشانند ستمكاران باشند اى آنها كه گرويده ايد چون آيند بشما
المؤمنات مهاجرات فامتحنوهن الله أعلم بإيمانهن
زنان مؤمنه هجرت كننده پس بيازماييد ايشانرا خدا داناتر است بايمان ايشان
فإن علمتموهن مؤمنات فلا ترجعوهن إلى الكفار لا هن
پس اگر دانيد ايشانرا مؤمنه پس باز مگردانيد ايشانرا بسوى كفار نه زنان
حل لهم ولا هم يحلون لهن وآتوهم ما أنفقوا ولا
حلالند مران كفار را ونه آن كفار حلالند مرايشانرا وبدهيد ايشانرا عوض آنچه نفقه كرده اند و
جناح عليكم أن تنكحوهن إذا آتيتموهن أجورهن ولا
نبود بر شما كه بزن كنيد ايشانرا چون بداده باشيد ايشانرا مهرهاى ايشان
تمسكوا بعصم الكوافر واسألوا ما أنفقتم وليسألوا ما أنفقوا
تمسك منماييد بعقود زنان كافرات و بخواهيد عوض آنچه خرج كرده باشيد شما و بخواهند كفار نيز آنچه خرج كرده باشيد
ذلكم حكم الله يحكم بينكم والله عليم حكيم ۝ وإن
آنستان حكم خداست حكم ميكند ميان شما و خدا داناست محكم كار واگر
فاتكم شيء من أزواجكم إلى الكفار فعاقبتم فآتوا الذين
فوت شود از شما چيزى از زنان شما بسوى كفار پس غنيمت يابيد پس بدهيد آنها را
ذهبت أزواجهم مثل ما أنفقوا واتقوا الله الذي أنتم
كه برده باشند زنان خود را مانند آنچه خرج كرده باشند وبترسيد از خدا آنكه شما

به مؤمنون • يا أيها النبي إذا جاءك المؤمنات يبايعنك
بدو بگرویدگانید ای پیغمبر چون آیند بتو زنان مؤمنه که بیعت کنند باتو
على أن لا يشركن بالله شيئا ولا يسرقن ولا يزنين ولا يقتلن
برآنک انباز فرا ندارند بخدا چیزی و دزدی نکنند و زنا نکنند و نکشند
أولادهن ولا يأتين ببهتان يفترينه بين أيديهن و
فرزندان خودرا و نیایند بهتانی که بربافته باشند آنرا از پیش دستهای خود
أرجلهن ولا يعصينك في معروف فبايعهن واستغفر
و پایهای خود و نافرمانی نمایند ترا در هیچ کاری نیکو پس بیعت بستان از ایشان و آمرزش خواه
لهن الله إن الله غفور رحيم • يا أيها الذين آمنوا لا تتولوا قوما
مرایشانرا از خدا بدرستی که خدا آمرزگار مهربانست ای آنها که ایمان آورده اید دوستی مکنید با گروهی
غضب الله عليهم قد يئسوا من الآخرة كما يئس
که خشم گرفت خدای بریشان بدرستی که نومید شده ایشان از آخرت همچنانک نومید شدند
الكفار من أصحاب القبور
کافران از حشر اهل گورها

سورة الصف

بسم الله الرحمن الرحيم

سبح لله ما في السماوات وما في الأرض وهو العزيز الحكيم
تسبیح کرد مر خدایرا آنچ در آسمانهاست و آنچ در زمینست و اوست غالب محکم کار

يا أيها الذين آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون • كبر مقتا عند
ای آنها که ایمان آورده اید چرا میگوئید آنچه نمی کنید چه بزرگست بدشمنی تمام نزد
الله أن تقولوا ما لا تفعلون • إن الله يحب الذين يقاتلون
خدا که گوئید آنچ نکنید بدرستی که خدا دوست دارد آنهارا که کارزار میکنند
نصف
في سبيله صفا كأنهم بنيان مرصوص • وإذ قال موسى
در راه او صف صف گویا که ایشان بنائی اند استوار بی گشادگی و چون گفت موسی
لقومه يا قوم لم تؤذونني وقد تعلمون أني رسول الله إليكم
مر قوم خودرا که ای قوم چرا میرنجانید مرا و بدرستی که میدانید که من رسول خدام بشما
فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم والله لا يهدي القوم الفاسقين
پس چون میل کردند زیاده گردانید خدا میل دلهای ایشانرا و خدا راه ننماید گروه فاسقانرا
وإذ قال عيسى ابن مريم يا بني إسرائيل إني رسول الله إليكم
و چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل بدرستی که من رسول خدام بشما
مصدقا لما بين يدي من التوراة ومبشرا برسول يأتي من بعدي
براست دارنده مر آنچ در پیش من بوده از توریة و بشارت دهنده ام برسولی که می آید پس از من
اسمه أحمد فلما جاءهم بالبينات قالوا هذا سحر مبين
که نام او احمد بود پس چون آمد بدیشان بمعجزات گفتند این جادوئی روشنست
ومن أظلم ممن افترى على الله الكذب وهو يدعى إلى الإسلام
و کیست ستمکارتر از آنک بربافت بر خدا دروغ و او میخوانند اورا با سلام

وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ

وخدا راه ننماید گروه ستمکاران را میخواهند که بنشانند نور خدا را

بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝

بدهنهای خود وخدا تمام کننده نور خودست واگرچه کاره دارند کافران

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى

اوست آن خدائی که فرستاد رسول خودرا براه راست ودین بحق تا غالب گرداند دین اسلام را

الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ

بر همه دینها واگرچه کاره دارند بت پرستان ای آنها که ایمان آورده اید آیا

أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ

دلالت کنم شمارا بر بازرگانی که برهاند شمارا از عذابی دردناک بگروید

بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِكُمْ

بخدا وبرسول او وجهاد کنید شما در راه خدا بمالهای خود

وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرْ

وتنهای خود آن بهتر بود مرشمارا اگر هستید میدانید تا بیامرزد

لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

مرشمارا گناهان شما ودرآورد شمارا دربهشتهائی که رود از زیر آن جویها

وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

وجایهای پاکیزه دربهشتهای آبادانی آنست رستگاری بزرگ

وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝

وغنیمتی دیگر که دوست دارید آنرا نصرتی بود از خدا وفتحی نزدیک وبشارت ده مؤمنان را

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

ای آنها که بگرویده اید باشید یاران دین خدا همچنانکه گفت عیسی پسر مریم

لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللّٰهِ

مر یاران خودرا که کیست یاران من با دین خدا گفتند گازران مائیم یاران دین خدا

فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا

پس بگرویدند گروهی از بنی اسرائیل وکافر شدند گروهی پس نیرومند گردانیدیم

الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ۝

آنهارا که بگرویدند بر دشمنان ایشان پس گشتند غالبان

سورة الجمعة احدى عشرة اية وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ

پاکی یاد میکند مرخدای را آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمینست پادشاه پاک ومنزه از عیبها غالب

الْحَكِيمِ ۝ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

حکم کارست اوست آن خدائی که فرستاد در میان جماعتی که عرب رسولی را از جنس ایشان تا خواند بر ایشان

ءاياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة وان كانوا من قبل

نشانهای خودرا و پاک گرداند ایشانرا و در آموزاند ایشانرا کتاب و حکمت و اگرچه بودند پیش ازین

لفي ضلال مبين ۝ وءاخرين منهم لما يلحقوا بهم وهو العزيز

هر آینه در گمراهی روشن و دیگران از ایشان که هنوز نرسیده‌اند بصحابه و اوست غالب

الحكيم ۝ ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل

محکم کار آن از فضل خداست بدهد آن آنرا که خواهد و خدا خداوند فضل

العظيم ۝ مثل الذين حملوا التورىة ثم لم يحملوها كمثل

بزرگست مثل آنها که تکلیف کرده شدند عمل باحکام توریة پس کار نکردند بدان همچون مثل

الحمار يحمل اسفارا بئس مثل القوم الذين كذبوا بايات

خرست که بردارد کتابها را بدست مثل گروه آنها که بدروغ داشتند نشانهای

الله والله لا يهدي القوم الظالمين ۝ قل يا ايها الذين هادوا

خدارا و خدا راه ننماید گروه ستمکارانرا بگو ای آنها که جهود شده‌اند

ان زعمتم انكم اولياء لله من دون الناس فتمنوا الموت

اگر دعوی میکنید شما که شما دوستانید مر خدارا از جز مردمان پس آرزو کنید مرگ

ان كنتم صادقين ۝ ولا يتمنونه ابدا بما قدمت ايديهم والله

اگر هستید شما راست گویان و آرزو نکنند آنرا هرگز بسبب آنچه فرا پیش داشتند دستهای ایشان و خدا

عليم بالظالمين ۝ قل ان الموت الذي تفرون منه فانه

داناست بحال ستمکاران بگو بدرستی که مرگ آن مرگی که میگریزید ازان پس بدرستیکه آن

ملاقيكم ثم تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما

رسیده است شما پس بازگردانیده شوید بسوی خدا داننده ناپیدا و پیدا پس بیاگاهاند شمارا بآنچه

كنتم تعملون ۝ يا ايها الذين ءامنوا اذا نودي للصلوة من يوم الجمعة

شما کرده باشید ای آنها که بگرویده‌اند چون خوانده شود شمارا بنماز روز آدینه

فاسعوا الى ذكر الله وذروا البيع ذلكم خير لكم ان كنتم

پس بشتابید بیاد کرد خدا و بگذارید خرید و فروخت آنستان بهتر بود شمارا اگر شما

تعلمون ۝ فاذا قضيت الصلوة فانتشروا في الارض وابتغوا من

بیدانید پس چون بگزارده باشید نمازرا پس پراکنده شوید در زمین و بجوئید از

فضل الله واذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون ۝ واذا راوا

فضل خدا و یاد کنید خدارا بسیاری تا باشد که شما رستگاری یابید و چون بینند

تجارة او لهوا انفضوا اليها وتركوك قائما قل ما عند الله

بازرگانی یا بعضی از ملاهی متفرق شوید بسوی آن و بگذارند ترا ایستاده در خطبه بگو آنچه نزد خداست

خير من اللهو ومن التجارة والله خير الرازقين

بهتر از بازی و ازان بازرگانی و خدا بهترین روزی دهندگانست

سورة المنافقون احدى عشر ءاية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله والله يعلم
چون آیند بتو مردان منافق بیکویند کواهی میدهیم که تو هرآینه رسول خدایی وخدا میداند
إنك لرسوله والله يشهد إن المنافقين لكاذبون ۝ اتخذوا
که تو هرآینه رسول اوی وخدا کواهی میدهد که منافقان هرآینه دروغ کویانند فرا کرفتند
أيمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله إنهم ساء ما كانوا
سوکندان خودرا بمثابت سپری پس برکشتند از راه خدا بدرستی که ایشان بدست آنچه ایشان
يعملون ۝ ذلك بأنهم آمنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم فهم
میکنند آن بسبب آنست که ایشان بکرویدند پس کافر شدند پس مهر نهاده بر دلهای ایشان پس ایشان
لا يفقهون ۝ وإذا رأيتهم تعجبك أجسامهم وإن يقولوا تسمع
درنمی یابند وچون ببینی ایشانرا بشکفت آورد ترا تنهای ایشان واکر کویند مستمع باشید
لقولهم كأنهم خشب مسندة يحسبون كل صيحة
کفتار ایشانرا کویا که ایشان چوبهااند بدیوار باز نهاده میپندارند هر خروشی آوازی را
عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله أنى يؤفكون
واقع بر ایشان ایشانند دشمنان در خدا اند پس بپرهیز از ایشان بلعنت کرد ایشانرا خدا از کجا بدروغ داشته میشوند
وإذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم رسول الله لووا رءوسهم
وچون کویند مر ایشانرا بیایید تا آمرزش خواهد مرشمارا رسول خدا بجنبانید سرهای خودرا
ورأيتهم يصدون وهم مستكبرون ۝ سواء عليهم
وبینی تو ایشانرا که بر میکردند از راه حق وایشان کردنکشانند یکسانست بر ایشان

أستغفرت لهم أم لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم إن الله لا
ای اکر آمرزش خواهی مرایشانرا یا آمرزش نخواهی ایشانرا هرکز نخواهد آمرزید خدا مرایشانرا بدرستی که خدا
يهدي القوم الفاسقين ۝ هم الذين يقولون لا تنفقوا
راه ننماید کروه فاسقانرا ایشان آنانند که میکویند نفقت مکنید
على من عند رسول الله حتى ينفضوا ولله خزائن السماوات
بر آنکه نزد رسول خدااند تا متفرق شوند از وی ومر خدایراست خزینهای آسمانها
والأرض ولكن المنافقين لا يفقهون ۝ يقولون لئن
وزمین ولیکن منافقان درنمی یابند میکویند هرآینه اکر
رجعنا إلى المدينة ليخرجن الأعز منها الأذل ولله العزة و
بازکردیم ما بسوی مدینه هرآینه بیرون کند آنکه عزیزترست ازانجا آنکه ذلیل وخوارترست ومر خدایراست عزت
لرسوله وللمؤمنين ولكن المنافقين لا يعلمون ۝ يا أيها الذين
ومر رسولرا ومر مؤمنانرا ولیکن منافقان نمی دانند ای آنها که
آمنوا لا تلهكم أموالكم ولا أولادكم عن ذكر الله
بکرویده اید باید که مشغول نکرداند شمارا مالهای شما ونه فرزندان شما از یاد کرد خدا
ومن يفعل ذلك فأولئك هم الخاسرون ۝ وأنفقوا مما رزقناكم
وهرکه کند آن پس آن کروه ایشانند زیانکاران ونفقت کنید از آنچه روزی دادیم شمارا
من قبل أن يأتي أحدكم الموت فيقول رب لولا أخرتني إلى
از پیش آنکه آید بیکی از شما اسباب مرگ پس کوید ای پروردگار چرا تاخیر نکردی مرا تا

اجل قريب فاصدق واكن من الصالحين ● ولن يؤخر الله

اجلی نزدیک پس صدقه کردمی و بودمی از جمله نیکوکاران و هرگز مهلت ندهد خدا

نفسا اذا جاء اجلها والله خبير بما تعملون

هیچ تنی را چون آید وقت وفات آن و خدا آگاه است بآنچه میکنید

سورة التغابن ثمان عشرة آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

يسبح لله ما في السماوات وما في الارض له الملك وله الحمد وهو

بپاکی یاد میکند مر خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است او راست پادشاهی و مر او راست ستایش و او

على كل شيء قدير ● هو الذي خلقكم فمنكم كافر ومنكم

بر همه چیزی تواناست او است آن خدایی که آفرید شما را پس از شما هست کافر و از شما

مؤمن والله بما تعملون بصير ● خلق السماوات والارض بالحق

هست مؤمن و خدا بآنچه شما میکنید بیناست آفرید آسمانها و زمین را بحق

وصوركم فاحسن صوركم واليه المصير ● يعلم

و صورت نگاشت شما را پس نیکو صورت نگاشت شما را و بدو است بازگشت همه میداند

ما في السماوات والارض ويعلم ما تسرون وما تعلنون والله

آنچه در آسمانهاست و زمین و میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه آشکارا میکنید و خدا

عليم بذات الصدور ● الم ياتكم نبأ الذين كفروا من قبل

داناست بسرارهای سینها ای نیامد بشما خبر آنها که کافر شدند از پیش

فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب اليم ● ذلك بانه كانت

پس درچشیدند وخامت عاقبت کار خود را و مر ایشانراست عذابی دردناک آن بسبب آنست که آمدند

تاتيهم رسلهم بالبينات فقالوا ابشر يهدوننا فكفروا

[illegible] رسولان ایشان بحجتها پس گفتند آیا آدمی راه نماید مارا پس کافر شدند

وتولوا واستغنى الله والله غني حميد ● زعم الذين كفروا

و برگشتند و خود بی نیاز است خدا و خدا بی نیاز ستوده است دعوی کردند آنها که کافر شدند

ان لن يبعثوا قل بلى وربي لتبعثن ثم لتنبؤن بما عملتم وذلك

که هرگز برانگیخته نشوند بگو آری و حق پروردگار که برانگیخته شوید پس آگاه کنند شما را بانچه کرده باشید و آن

على الله يسير ● فآمنوا بالله ورسوله والنور الذي انزلنا والله

بر خدا آسانست پس بگروید بخدا و برسول او و بنور قرآن آنکه فرو فرستادیم ما و خدا

بما تعملون خبير ● يوم يجمعكم ليوم الجمع ذلك يوم

بآنچه میکنید آگاه است روزی که جمع کند شما را برای وقت حشر تمامت خلایق را آن روز

التغابن ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا يكفر عنه سيئاته

زیانکاریست و هر که بگرود بخدا و بکند کاری نیکو بازپوشانیم از وی بدیهای او را

ويدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا

و درآریم ورا در بهشتها که میرود از زیر آن جویها جاوید باشند در آنجا همیشه

رجب

ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ • وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ
آنست رستگاری بزرگ وآنها که کافر شدند و بدروغ داشتند نشانهای ما را آن گروه
أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ • مَا أَصَابَ مِنْ
اصحاب آتش اند همیشه باشند در آنجا و بد بازگشتیست هر چه هیچ
مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
رسیده مگر بفرمان خدا و هر که بگرود بخدا راه نماید دل او را و خدا بهمه چیزی
عَلِيمٌ • وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا
داناست و فرمان برید خدا را و فرمان برید رسول را پس گر برگردید پس بدرستی
عَلَى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ • اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
بر رسول ما رسانیدنی روشنست خدا نیست خدائی مگر او و بر خدا باید که توکل کنند
الْمُؤْمِنُونَ • يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا
مومنان ای آنها که بگرویدید بدرستی که بعضی از زنان شما و فرزندان شما دشمنانند
لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ
مر شما را پس بپرهیزید از ایشان و اگر عفو کنید و درگذارید و بیامرزید پس بدرستی
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ • إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ
که خدا آمرزگار مهربانست بدرستی که مالهای شما و فرزندان شما سبب آزمایش اند و خدا
عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ • فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا
نزد اوست مزدی بزرگ پس بپرهیزید از خدا آن مقدار که توانید شما و بشنوید و فرمان برید

وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
و آنچه نفقت کنید از نیکی بود مر تنهای شما را بود و هر که نگه دارد از بخل تن خود را پس آن گروه ایشانند رستگاران
إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ
اگر قرض دهید خدا را قرضی نیکو دوچندان گرداند مر شما را و بیامرزد مر شما را و خدا
شَكُورٌ حَلِيمٌ • عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
شکر پذیرنده بردبارست اوست داننده ناپیدا و پیدا خدای غالب محکم کارست

سورة الطلاق اثنتا عشرة آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا
ای پیغمبر چون طلاق دهید شما زنان را پس طلاق دهید ایشان را برای زمان عده ایشان و برشمرید
الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ
زمان عده را و بپرهیزید از خدا که پروردگار شماست بیرون مکنید ایشان را از خانهای ایشان در زمان عده و بیرون نیایند آن زنان
إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ
مگر که آیند بفاحشه بدکاری روشن و آینده حدهای خدا و هر که بگذرد از حدها
اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا
خدا پس ستم کرده بود بر تن خود نه دانی شاید که پدید آورد خدا پس از آن تطلیق کاری

فإذا بلغن أجلهن فأمسكوهن بمعروف أو فارقوهن بمعروف

پس چون برسیده بمدت خود پس نگاه دارید ایشان را بنیکویی یا مفارقت کنید از ایشان بنیکویی

وأشهدوا ذوي عدل منكم وأقيموا الشهادة لله ذلكم

و گواه بگیرید دو خداوند عدالت را از شما و برپای دارید گواهی دادن مر خدا را آنست

يوعظ به من كان يؤمن بالله واليوم الآخر ومن يتق الله يجعل له

که پند بیدهند بدان آنرا که باشد ایمان دارد بخدا و بروز آخرت و هر که بترسد از خدا بکند مر او را

مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله فهو

بیرون شدنی و روزی دهد او را از آنجا که نداند و هر که توکل کند بر خدا پس

حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدرا

بس است او را رساننده است فرمان خود را بدرستی که پدید کرد خدا مر هر چیزی را اندازه

واللائي يئسن من المحيض من نسائكم إن ارتبتم فعدتهن

و آن زنانی که نومید شده بید از حایض شدن از زنان شما اگر بگمان باشید شما پس عده ایشان

ثلاثة أشهر واللائي لم يحضن وأولات الأحمال أجلهن أن

سه ماه بود و آن زنانی که حیض نرسیده باشند و خداوندان فرزندان در شکم عده ایشان آنست

يضعن حملهن ومن يتق الله يجعل له من أمره يسرا ذلك

که بنهند بار خود را و هر که بپرهیزد از خدا بکند مر او را از کار او آسانی آنست

أمر الله أنزله إليكم ومن يتق الله يكفر عنه سيئاته ويعظم

فرمان خدا که فرو فرستادیم ما آنرا بشما و هر که بترسد از خدا باز پوشاند از او بدیهای او و بزرگ کند

له أجرا أسكنوهن من حيث سكنتم من وجدكم

او را مزد دادن ساکن گردانید زنان مطلقه را از آن جا که ساکن شده باشید از وسع طاقت شان

ولا تضاروهن لتضيقوا عليهن وإن كن أولات حمل

و مضرت مرسانید ایشان را تا تنگ گردانید بریشان کار را و اگر باشید خداوندان فرزندان در شکم

فأنفقوا عليهن حتى يضعن حملهن فإن أرضعن لكم

پس نفقت کنید بریشان تا آن وقت که بنهند بارها خود را پس اگر شیر دهند طفل را از بهر شما

فآتوهن أجورهن وأتمروا بينكم بمعروف وإن تعاسرتم

پس بدهید ایشان را مزدهای ایشان را و باید که فرمان بری بود میان شما بنیکویی و اگر سختی نمایید شما

در باب ارضاع

فسترضع له أخرى لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر عليه

پس زود شیر دهد مر او را دیگری و باید که نفقت کند از توانگری خود و هر که تنگ گردانید بر او

رزقه فلينفق مما آتاه الله لا يكلف الله نفسا إلا ما آتاها

روزی او را پس که نفقت کند از آنچه داد او را خدای تکلیف نفرماید خدا هیچ تنی را مگر آنچه بداده است او را

سيجعل الله بعد عسر يسرا وكأين من قرية عتت

زود بکند خدا پس از دشواری آسانی و بسا از اهل شهری که تکبر نمودند

عن أمر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا وعذبناها

از فرمان پروردگار خود و رسولان خود پس حساب کردیم ما آنها را حسابی سخت و عذاب کردیم ما آنها را

عذابا نكرا فذاقت وبال أمرها وكان عاقبة أمرها خسرا

عذابی منکر پس بچشیدند عاقبت وبال کار خود را و بود عاقبت کار آن قریه زیانکاری

أَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللّٰهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ
بیجارد خدای برای ایشان عذابی سخت پس بترسید از خدا ای خداوندان خردها آنها
آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللّٰهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ
که بگروید بدرستی که فرو فرستاد خدا بشما قرآنی برای پند گرفتنی و رسولی تا خواند بر شما
آيَاتِ اللّٰهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
نشانهای خدارا روشن تا بیرون آورد آنهارا که ایمان آوردند و کردند کارهای نیک
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ
از تاریکیهای کفر بنور ایمان و هرکه بگرود بخدا و بکند کاری نیکو در آورد اورا
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ
در بهشتهائی که رود از زیر آن جویهای روان همیشه باشند در آنجا همیشه بدرستی
أَحْسَنَ اللّٰهُ لَهُ رِزْقًا اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ
که نیکو کرد خدا مر اورا روزی خدا آن خدایست که آفرید هفت آسمانهارا و از
الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللّٰهَ عَلَى
زمین مانند آن فرو میفرستد فرمان خودرا میان آسمان و زمین تا بدانید که خدا بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللّٰهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا
همه چیزی تواناست و آنکه خدا بحقیقت که داناست بهمه چیزی بدانش

سورة التحريم اثنتا عشرة آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللّٰهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ
ای پیغمبر چرا حرام میگردانی آنچه حلال کرد خدا مرترا میجوئی خشنودی زنان خودرا
وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ قَدْ فَرَضَ اللّٰهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللّٰهُ
و خدا آمرزگار مهربانست بدرستی که خدا مشروع گردانید برشما تحلیل سوگندهای شما و خدا
مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ
متولی امور کار شماست و اوست دانای محکم کار و چون پنهان گفت پیغمبر با بعضی
أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللّٰهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ
از زنان خود سخنی را پس چون آگاه کرد حفصه عایشه را بدان و مطلع گردانید پیغمبر را خدای بر آن افشا شناسا کرد بعضی
وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ
و برگشت از بعضی پس چون آگاه کرد حفصه را بآن افشا گفت حفصه که آگاه کرد ترا بدین گفت
نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللّٰهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا
آگاه کرد مرا خدای دانای آگاه اگر توبه کنید و باز آیید ای حفصه و عایشه پس بدرستی که میل کرد دلهای شما
وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ
و اگر معاونت نمایید بر ایذای رسول پس خدا اوست متولی کار رسول و جبریل و نیکوکاران
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ
از اهل ایمان و فرشتگان پس از آنکه ذکر رفت معاونند شاید بود که پروردگار او اگر طلاق دهد شمارا

أن يبدله أزواجا خيرا منكن مسلمات مؤمنات قانتات

كه عوض دهد اورا زنانى بهتر از شما از اهل انقياد اهل اخلاص فرمان بردار

تائبات عابدات سائحات ثيبات وأبكارا ۝ يا أيها الذين

توبه كنندگان پرستندگان خدا را روزه داران شوى ديدگان و دوشيزگان اى آنها كه

آمنوا قوا أنفسكم وأهليكم نارا وقودها الناس والحجارة

گرويديد نگه داريد تنهاى خود را وكسان خود را از آتشى كه هيزم افروز آن مردمان باشند و سنگ كبريت

عليها ملائكة غلاظ شداد لا يعصون الله ما أمرهم

كه موكل باشند بر آن آتش فرشتگانى درشت خوى سخت دل نافرمانى ننمايند خدا را آنچه فرمود ايشان را

ويفعلون ما يؤمرون ۝ يا أيها الذين كفروا لا تعتذروا

بكنند آنچه فرموده ايشان را اى آنها كه كافر شدند عذر مخواهيد

اليوم إنما تجزون ما كنتم تعملون ۝ يا أيها الذين آمنوا

امروز جز اين نيست كه پاداش داده شويد بدانچه كرده باشيد شما اى آنها كه گرويده ايد

توبوا إلى الله توبة نصوحا عسى ربكم أن يكفر عنكم

بازآييد بدرگاه خدا بازگشتنى خالص شايد بود كه پروردگار شما بازپوشاند از شما

سيئاتكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار

بديهاى شما را ودرآورد شما را در بستانهائى كه رود از زير آن جويها

يوم لا يخزي الله النبي والذين آمنوا معه نورهم يسعى

آن روز رسوا نكند خدا پيغمبر را وآنها را كه گرويدند باو نور ايشان شتابد

بين أيديهم وبأيمانهم يقولون ربنا أتمم لنا نورنا

از پيش ايشان واز پيش ايشان گويند اى پروردگار ما برحالت كمال دار نور ما

واغفر لنا إنك على كل شيء قدير ۝ يا أيها النبي جاهد

وبيامرز ما را بدرستى كه تو بر همه چيزى توانا هست اى پيغمبر جهاد كن

الكفار والمنافقين واغلظ عليهم ومأواهم جهنم وبئس

با كافران ومنافقان ودرشت خوى باش برايشان وجاى ايشان دوزخ بود وبد

المصير ۝ ضرب الله مثلا للذين كفروا امرأت نوح وامرأت

بازگشتگاه بزد خدا مثلى مرآنها را كه كافر شدند چون زن نوح و زن

لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا صالحين فخانتاهما

لوط بودند در زير دو بنده از بندگان ما نيكوكاران پس خيانت نمودند بآن دو پيغمبر

فلم يغنيا عنهما من الله شيئا وقيل ادخلا النار مع الداخلين

پس نتوانستند كه باز دارند از ايشان از عذاب خداى هيچ چيزى وگفته شد در رويد در دوزخ با در روندگان

وضرب الله مثلا للذين آمنوا امرأت فرعون إذ قالت رب ابن لي

وبيان كرد خدا مثلى مرآنها را كه گرويدند چون زن فرعون چون گفت اى پروردگار من بنا كن

عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني

نزد خود خانه در بهشت ورهان مرا از فرعون و عمل او و برهان مرا

من القوم الظالمين ۝ ومريم ابنت عمران التي أحصنت فرجها

از گروه ستمكاران و مريم دختر عمران آنكه نگه داشت عورت خود را

فنفخنا فيه من روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه
پس در دمیدیم ما در او از روح خویش ما و باور داشت شرایع و احکام پروردگار خود را و کتابهای او را

وكانت من القانتين

سورة الملك ثلثون اية

و بود از جمله فرمان برداران

بسم الله الرحمن الرحيم

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي خلق
بزرگوارست آن خدای که بدست قدرت اوست پادشاهی و او بر همه چیزی توانا است آن خدای که آفرید

الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز
مرگ و زیست را تا صورت آزمایش نماید شما را که کدامین از شما نیکوترست بعمل و او است غالب

الغفور الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى في خلق
آمرزگار آن خدای که بیافرید هفت آسمانها مطابق بالای یکدیگر نه بینی تو در آفرینش

الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر
خدای هیچ عدم تناسب پس بازگردان چشم را آیا می بینی هیچ شکافی پس بازگردان چشم

كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا وهو حسير ولقد زينا
دو بارو تا بازگردد بسوی تو بینائی خوار گشته بود و آن نظر با مانده بود و بدرستی که بیاراستیم

السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما للشياطين
آسمان دنیا را بچراغهای ستارگان و گردانیدیم ما آنها را رانندگان آن دیوان را

واعتدنا لهم عذاب السعير وللذين كفروا بربهم عذاب
و مهیا کردیم ما برای ایشان عذاب آتش افروخته را و مر آنانرا که کافر شدند به پروردگار خود عذاب

جهنم وبئس المصير اذا القوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي
دوزخ بود و بد بازگشت است چون انداخته شوند در آنجا بشنوند مر آن دوزخ را آوازی چون آواز خر و آن

تفور تكاد تميز من الغيظ كلما القي فيها فوج سالهم
جوشد نزدیک بود که جدا شود از غایت خشم هرگاه که انداخته شود در آنجا گروهی پرسند ایشان را

خزنتها الم ياتكم نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا
خزانه آن آیا نیامد بشما بیم کننده گویند آری بدرستی که آمد بما بیم کننده پس دروغ داشتیم ما

وقلنا ما نزل الله من شيء ان انتم الا في ضلال كبير
و گفتیم ما فرو نفرستاد خدا هیچ چیزی نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ

وقالوا لو كنا نسمع او نعقل ما كنا في اصحاب السعير
و گویند اگر بودیمی که شنودیمی یا دریافتنی نبودیمی در میان اصحاب آتش افروخته

فاعترفوا بذنبهم فسحقا لاصحاب السعير ان الذين يخشون
پس معترف شوند بگناهان خود پس دوری باد از رحمت مر اصحاب آتش سوزنده بدرستی که آنانکه می ترسند

ربهم بالغيب لهم مغفرة واجر كبير واسروا قولكم
از پروردگار خود بناپیدا مر ایشانرا بود آمرزش و مزدی بزرگ و آهسته گویید گفتار خود را

او اجهروا به انه عليم بذات الصدور الا يعلم من خلق
یا آشکارا کنید آنرا بدرستی که او داناست باسرار سینها آیا نداند آنکه آفرید

وهو اللطيف الخبير ۝ هو الذي جعل لكم الارض ذلولا فامشوا

واو باریک بین آگاهست اوست آن خدائی که بیافرید برای شما زمین را مسخر و رام پس بروید

في مناكبها وكلوا من رزقه واليه النشور ۝ ءامنتم

در جوانب وراههای آن و بخورید از روزی او و با نگام اوست برانگیختن همه آیا ایمن شدید

من في السماء ان يخسف بكم الارض فاذا هي تمور ۝ ام امنتم

ازانکه در آسمانست از ملائکه موکل بعذاب که فرو برد شمارا زمین پس آنگه آن زمین متحرک و مضطرب بود یا ایمن شدید

من في السماء ان يرسل عليكم حاصبا فستعلمون كيف

ازانکه در آسمانست از ملائکه موکل بعذاب که بفرستد بر شما بادی با سنگریزه پس زود بدانید که چگونه

نذير ۝ ولقد كذب الذين من قبلهم فكيف كان

بیم کردن من و بدرستی که بدروغ داشتند آنهارا که پیش از ایشان بودند پس چگونه بود

نكير ۝ اولم يروا الى الطير فوقهم صافات ويقبضن

عقوبت من ای نگریستید سوی مرغان که بالای ایشانند صف زننده بال بازگشاده و باهم می زنند

ما يمسكهن الا الرحمن انه بكل شيء بصير ۝ امن هذا

نگه نمیدارد آن مرغان را مگر خدا بدرستی که او بهمه چیزی بیناست یا کیست آن

الذي هو جند لكم ينصركم من دون الرحمن ان

آنکه او لشکری شماست که یاری نماید شمارا از جز خدای روزی دهنده نیست

الكافرون الا في غرور ۝ امن هذا الذي يرزقكم ان امسك

کافران مگر در فریب دیو یا کیست آنکه روزی دهد شمارا اگر باز گیرد

رزقه بل لجوا في عتو ونفور ۝ افمن يمشي مكبا على وجهه اهدى

روزی خودرا بلکه دور شدند در تکبر و از حق آیا آنکه رود بر روی خود راه یابنده تر

امن يمشي سويا على صراط مستقيم ۝ قل هو الذي انشاكم

یا آنکه رود یکسان و راست بر راه راست بگو اوست آن خدائی که بیافرید شمارا

وجعل لكم السمع والابصار والافئدة قليلا ما تشكرون

و بیافرید برای شما شنوائی و بینائیهای و دلهای اندکی آنچه شکر میکنید

قل هو الذي ذراكم في الارض واليه تحشرون ۝ ويقولون

بگو اوست آن خدائی که پراکنده کرد شمارا در زمین و با جزای او حشر کرده شوند و میگویند

متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ۝ قل انما العلم عند الله

که کی خواهد بود این وعده اگر هستید شما راست گویان بگو بدرستی که علم آن نزد خداست

وانما انا نذير مبين ۝ فلما راوه زلفة سيئت وجوه الذين

و بدرستی که من بیم کننده روشنم پس چون دیدند آنرا ناگاه قبیح کرده شود رویهای آنها

كفروا وقيل هذا الذي كنتم به تدعون ۝ قل ارايتم

که کافر شدند و گویند اینست آنچه بودید که شمارا بدان میخواندید بگو ای چه بینید شما

ان اهلكني الله ومن معي او رحمنا فمن يجير الكافرين من عذاب

اگر هلاک کند مرا خدا و آنانکه با منند یا رحمت کند بر ما پس کیست که پناه دهد کافران را از عذاب

اليم ۝ قل هو الرحمن امنا به وعليه توكلنا فستعلمون

دردناک بگو اوست خدای روزی دهنده بگرویدیم باو و بر او توکل کردیم ما پس زود بدانید

مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ

کو کیست کاو در گمراهی روشنست بگو ای چه بینید شما اگر گردد آب شما بزمین فروشده پس کیست

يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ

که آورد بشما آبی از چشمه

سورة القلم اثنان وخمسون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ۝ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

نحی دوات یا ماهی بحق قلم و آنچه می نویسند نیستی تو بنعمت پروردگار تو دیوانه

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ۝ وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ ۝ فَسَتُبْصِرُ

و بدرستی که تراست مزدی نابریده و بدرستی که تو هر آینه بر خلقی بزرگی پس زود بود که ببینی تو

وَيُبْصِرُونَ ۝ بِأَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ

و ببینند ایشان که بکدام از شما جنونست بدرستی که پروردگار تو اوست داناتر بانکه گمره شد

عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

از راه او و او داناترست براه یابندگان پس فرمان مبر دروغ دارندگانرا

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ۝ وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ

دوست دارند که مساهله کنی با ایشان در کار دین پس ایشان نیز مساهله نمایند و فرمان مبر هر سوگند خورنده حقیر خوار

هَمَّازٍ مَشَّاءٍ بِنَمِيمٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ عُتُلٍّ بَعْدَ

عیب جوی رونده میان مردم بسخن چینی منع کننده مال از حد در گذرنده بزه کار غلیظ جافی پس

ذَلِكَ زَنِيمٍ ۝ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۝ إِذَا تُتْلَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا

از این اوصاف بی صحت نسب برای آنکه هست خداوند مال و پسران چون خوانده بوی نشانهای ما

قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ ۝ إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا

گفت این افسانهای پیشینیانست زود بود که داغ نهیم بر بینی او بدرستی که ما آزمودیم ایشانرا چنانکه

بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۝ وَلَا يَسْتَثْنُونَ

آزمودیم اصحاب بهشت را چون سوگند خوردند که هرآینه ببرند آنرا در وقت بامداد و انشاء الله نمیگفتند

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِنْ رَبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ۝ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

پس گرد بر آمد بر آن بستان گردنده از پروردگار تو و ایشان خفتگان بودند پس گشت همچون چیزی بریده شده

فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ۝ أَنِ اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ

پس آواز دادند یکدیگر را در بامدادان که روی آرید بر کشت زرع خود اگر هستید شما برندگان

فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ ۝ أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ

پس برفتند و ایشان نهان میگفتند باید که در نیاید در آنجا امروز بر شما

مِسْكِينٌ ۝ وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا

هیچ بیچاره و گشتند بر منع خیر توانایان پس چون دیدند آنرا گفتند که ما

لَضَالُّونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا

هرآینه گمراهانیم بلکه ما تنگ روزیانیم گفت فاضلترین و عادلترین ایشان آیا نگفتم من شما را چرا

تُسَبِّحُونَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ فَأَقْبَلَ

پاکی یاد نمی آرید خدا را گفتند پاک و منزه است پروردگار ما بدرستی که بودیم ما ستمکاران پس روی آورد

بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ • قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ •
بعضی ایشان بر بعضی ملامت میکردند یکدیگر را گفتند ای وای بر ما بدرستی که بودیم ما طاغیان
عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ • كَذَٰلِكَ
شاید بود که پروردگار ما عوض دهد ما را بهتر ازان کرا بارضای پروردگار خود رغبت کنندگانیم همچنین است
الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ •
عذاب دنیا و هر آینه عذاب آخرت بزرگترست اگر ایشان بدانند
إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ • أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ
بدرستی که مر پرهیزکارانرا نزد پروردگار خود بوستانهای پر نعمت ای پس بکنیم مسلمانانرا همچون کافران
مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ • أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ •
چیست مر شما را چگونه حکم میکنید یا مر شماراست کتابی که دران میخوانید
إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ • أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ
بدرستی که مر شماراست دران کتاب آنچه اختیار میکنید یا مر شماراست سوگندانی بر ما رسیده
إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ • سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ
تا روز قیامت بدرستی که مر شماراست آنچه حکم میکنید بپرس ازیشان که کدامین ازیشان بدان حکم
زَعِيمٌ • أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا
کفیلست یا مر ایشانراست انبازانی پس باید که آرند انبازان خودرا اگر هستند
صَادِقِينَ • يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
راست گویان روزی که برداشته شود از ساق و خوانده شود ایشانرا با سجود پس نتوانند

کنایتست از کشف
سوق مخدرات

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ
حال آنکه ذلیل باشند بینایهای ایشان که میرسد بدیشان خواری و بتحقیق که میخواندند ایشانرا در دنیا بسجود
وَهُمْ سَالِمُونَ • فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
و ایشان سالم الاعضا بودند پس بگذار مرا و آنکه بدروغ دارد این سخن را زود بگیرم ایشانرا
مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ • وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ • أَمْ تَسْأَلُهُمْ
از آنجا که ندانند و مهلت دادم مر ایشانرا بدرستی که کید من محکمست یا میخواهی تو از ایشان
أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ • أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ •
مزدی پس ایشان ازان تاوان خود گران بارانند یا نزد ایشانست علم غیب پس ایشان بازمی نویسند
فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ
پس صبر کن مر حکم پروردگار خود را و مباش همچون یونس در شکم ماهی چون آواز داد و او
مَكْظُومٌ • لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ
خشم زده بود اگر نه آن بودی که دریافتی اورا نعمتی از پروردگارش هر آینه انداختندی اورا بکنار دریا و او
مَذْمُومٌ • فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ • وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ
نکوهیده و ملامت زده بود پس برگزید اورا پروردگار پس گردانیدش از جمله نیکوکاران و بدرستی که نزدیک بود کافران
كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ
کافر شدند که زایل گردانند ترا بچشمهای ایشان چون بشنوند قرآن را و میگویند
إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ • وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ •
که او دیوانه ایست و نیست آن مگر پندی مر جهانیانرا

سورة الحاقة اثنان وخمسون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

قیامت وچه بود قیامت وچه دانی تو که چه بود قیامت بدروغ داشتند قوم صالح

وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ وَأَمَّا عَادٌ

وقوم عاد قیامت را پس اما قوم صالح پس هلاک شدند بحادثه صعب واما قوم هود

فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ

پس هلاک کرده شدند ببادی سخت جهنده از بیخ برمیکند مسخر کرده بودیم ما آنرا بریشان هفت

لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ

شب وهشت روز متوالی وپیاپی پس بیندی گروه عاد را در آن افکندگان گوییا که ایشان

أَعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ

تنهای درخت خرما بودند پس ای هیچ می بینی مر ایشانرا هیچ بقیتی وآمد فرعون

وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ

وآنکه پیش از او بودند واهل مداین قوم لوط بفعل خطا وبد پس نافرمانی کردند رسول پروردگار

فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

پس بگرفت ایشانرا گرفتنی سخت زیاده در سختی که چون طغیان کرد آب طوفان در نشاندیم ما شمارا در کشتی

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ

تا گردانیم آنرا برای شما پندی وعبرتی ونگاه دارد آنرا سمعی نگاه دارنده پس چون دردمند در صور

نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

یک دمیدنی و برداشته شود زمین وکوهها پس خورد ومرد کرده شوند یک خورد ومرد شدنی

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ

پس آنروز واقع شود واقعه قیامت وشکافته شود آسمان پس آن در آنروز

وَاهِيَةٌ وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ

سست وبی قوت بود وفرشتگان برجوانب آن باشند وبردارند عرش پروردگارترا بالای ایشان

يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

آنروز هشت فرشته آنروز عرض دهند شمارا بر حساب پنهان نماند از احوال شما هیچ پوشیده

فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ

پس اما هرکه بدهند نامه اورا بدست راست او پس گوید فراگیرید وبخوانید نامه مرا

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ فِي جَنَّةٍ

که من بیقین بودم که من رسیده ام بحساب خود پس او در عیشی بود پسندیده در بهشت عالی

عَالِيَةٍ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ

بلند مرتبه میوه آن نزدیک بود قائم وقاعد را گویند شان بخورید وبیاشامید نوش وگوارنده بدانچه فراپیش داشتید

فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي

در روزهای گذشته واما هرکه بدهند نامه اورا بدست چپ او پس گوید ای کاشکی

لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ ۝ وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ۝ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ

نه داده بودمی نامه مرا ونه دانستمی که چیست حساب من ای کاشکی بودی موت

الْقَاضِيَةَ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ ۝ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ

که قاطع حیات چه باز نداشت از من مال من ضایع شد از من تسلط من

خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۝ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا

گوید بگیرید او را پس غل بر گردن نهید او را پس در دوزخ در برید او را پس در زنجیری کشید که درازی آن

سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

هفتاد ارش بود پس در او کشید او را بدرستی که او بود که نمی گروید بخدای بزرگوار

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا

وحریص نمیکرد خود را بر طعام دادن بیچارگان پس نبود مر او را امروز اینجا

حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ۝ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ

خویشی شفق ونه خورش مگر از خون دوزخیان نخورند آنرا مگر گناهکاران

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ۝ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

پس سوگند میخورم بانچه می بینید وبانچه نمی بینید بدرستی که آن مر اینه گفتار رسول با کرامت

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ ۚ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ۝ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ

ونیست آن بگفتار شاعری اندکی اید آنچه بگروید ونه بگفتار اخترگوی منجم

قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَوْ تَقَوَّلَ

اندکی اید آنچه پند می گیرید آن فرو فرستاده است از پروردگار عالمیان واگر افترا کردی

عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ۝ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

بر ما بعضی از گفتارها گرفتیمی از او بدست راست او پس ببریدیمی از او رگ دل او را

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ

پس نبودی از شما هیچ یکی از آن قبیل منع کنندگان وبدرستی که این قرآن مر اینه پند است مر پرهیزکاران را

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ۝ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

وبدرستی که ما میدانیم که از شما هستند تکذیب نمایندگان وبدرستی که آن مر اینه حسرت اندوهی بود بر کافران

وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ۝ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

وبدرستی که آن حقیقت ویقین پس بپاکی یاد کن نام پروردگار خود را بزرگوار

سورة المعارج اربع واربعون اية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ۝ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ۝ مِنَ اللَّهِ

درخواست خواهنده از استعجال بعذابی واقع مر کافران را نبود مر آنرا دفع کننده از خدا

ذِي الْمَعَارِجِ ۝ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ

خداوند عروج ملائکه صعود میکنند فرشتگان وجبرئیل بسوی عرش در روزی که باشد

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ۝ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ۝ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ

مقدار آن پنجاه هزار سال پس صبر کن صبری نیکو بدرستی که ایشان می بینند

بعیدا ۝ ونریه قریبا ۝ یوم تکون السماء کالمهل ۝ وتکون

دور ... و می بینیم آن را نزدیک روزی که باشد آسمان همچون گداخته و باشند

الجبال کالعهن ۝ ولا یسئل حمیم حمیما ۝ یبصرونهم یود

کوهها همچون پشم رنگین وا داده و نپرسد هیچ خویشی از حال خویشی نموده شوند با ایشان آرزو کند

المجرم لو یفتدی من عذاب یومئذ ببنیه ۝ وصاحبته و

گناه کار که فدا دهد از عذاب آن روز پسران خود را و زن خود را

اخیه ۝ وفصیلته التی تؤویه ۝ ومن فی الارض جمیعا ثم

و برادر خود را و اهل قبیله خود را آنهایی که جای دادندی او را و آنکه در زمین‌اند همه پس

ینجیه ۝ کلا انها لظی ۝ نزاعة للشوی ۝ تدعوا من ادبر و

برهانیدندی او را حقا که آن آتشی بود زبانه زننده کشنده اعضاست بر بیان کنند روی را خواند با خود آن را که روی گردانیده بود از حق

تولی ۝ وجمع فاوعی ۝ ان الانسان خلق هلوعا ۝ اذا مسه

و جمع کرده مال را و در گنج نهاد بدرستیکه آدمی آفریده شده است از شتاب زدگی چون برسد بد

الشر جزوعا ۝ واذا مسه الخیر منوعا ۝ الا المصلین ۝ الذین

بی جزع کننده باشد و چون برسید نیز مال منع کننده باشد از زکات مگر نمازگزاران آنها

هم علی صلاتهم دائمون ۝ والذین فی اموالهم حق معلوم

که ایشان بر نمازهای خود مداومت نماینده‌اند و آنها که در مالهای خود حقی دانسته است

للسائل والمحروم ۝ والذین یصدقون بیوم الدین ۝ والذین هم

سائل را و خواهنده را و آنها که براست میدارند روز قیامت را و آنها که ایشان از

من عذاب ربهم مشفقون ۝ ان عذاب ربهم غیر مامون ۝

از عذاب پروردگار خود ترسنده‌اند بدرستی که عذاب پروردگار ایشان نا ایمن نهاده است

والذین هم لفروجهم حافظون ۝ الا علی ازواجهم او ما

و آنها که ... عورتهای خود را نگه دارنده‌اند مگر بر جفتان خود یا آنچه

ملکت ایمانهم فانهم غیر ملومین ۝ فمن ابتغی وراء ذلک

قادر باشند دستهای ایشان پس بدرستی که ایشان نه سزاوار ملامت‌اند پس هر که جوید پس از آن جز آن

فاولئک هم العادون ۝ والذین هم لاماناتهم وعهدهم

پس آن گروه ایشان‌اند از حد درگذرندگان و آنها که ایشان مر امانتهای خود را و عهد خود را

راعون ۝ والذین هم بشهاداتهم قائمون ۝ والذین هم علی

رعایت کننده‌اند و آنها که ایشان بگواهی دادن ایستاده‌اند و آنها که ایشان بر

صلاتهم یحافظون ۝ اولئک فی جنات مکرمون ۝ فمال الذین

بر نمازهای خود مداومت نماینده‌اند آن گروه در بستانهای بهشت گرامی کردگان‌اند پس چیست آنها را

کفروا قبلک مهطعین ۝ عن الیمین وعن الشمال عزین ۝ ایطمع

که کافر شدند بسوی تو تیز نگرنده‌اند از جانب راست و از جانب چپ حال آنکه متفرقند آیا طمع دارد

کل امرئ منهم ان یدخل جنة نعیم ۝ کلا انا خلقناهم

هر مردی از ایشان که درآورده شود در بستانهای پر نعمت نه چنانست بدرستیکه ما آفریدیم ایشان را

مما یعلمون ۝ فلا اقسم برب المشارق والمغارب انا لقادرون

از آنچه میدانند پس سوگند میخورم به پروردگار مشرق و مغرب که ما هر آینه توانایانیم

عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا

بر آنکه بدل کنیم بهترین ازیشان را و نباشیم ما پیشی کرده شدگان پس بگذار ایشان را تا شروع کنند

وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ يَخْرُجُونَ

و بازی کنند تا بازرسند بروز ایشان آن روزی که وعده داده میشدند ایشان را روزی که بیرون آیند

مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ ۝ خَاشِعَةً

از گورها شتابان گوئیا که ایشان سوی نشانه ای شتابند خاضع باشند

أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

بیناییهای ایشان رسید بدیشان خواری آنست امروز آنچه ایشان را وعده میداده

سورة نوح عليه السلام ثمان عشرة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای روزی دهنده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ

بدرستی که ما فرستادیم نوح را سوی قوم او که بیم کن قوم خود را پیش از آنکه آید بدیشان عذابی

أَلِيمٌ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ

دردناک گفت نوح ای قوم من بدرستی که من مر شما را بیم کننده روشنم تا که بپرستید خدا را و بترسید ازو

وَأَطِيعُونِ ۝ يَغْفِرْ لَكُم مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ

و فرمان برید مرا تا بیامرزد مر شما را گناهان شما و باز گذارد شما را تا اجلی

مُّسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ قَالَ

نام نهاده بدرستی که وعده خدا چون آید تا خیر کرده نشود اگر شما بدانید گفت نوح

رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ۝ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

ای پروردگار من بدرستی که برخواندم قوم خود را بشب و روز پس نیفزود ایشان را خواندن من مگر گریختن

وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ

و بدرستی که من هرگاه که برخواندم ایشان را تا بیامرزی تو مر ایشان را کردند انگشتهای خود را در گوشهای خود

وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

و بپوشیدند جامه های خود را و مصر شدند و گردنکشی کردند گردنکشی کردن

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ۝ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

پس بدرستی که من برخواندم ایشان را آشکارا پس آشکار کردم دعوت را ایشان را و نهان کردم مر ایشان را نهانی

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۝ يُرْسِلِ

پس گفتم آمرزش خواهید از پروردگار خود بدرستی که او هست آمرزنده تا بفرستد

السَّمَاءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ

از [illegible] مدد کند شما را بمالها و پسران

وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا ۝ مَّا لَكُمْ

و کند [illegible] بستانها

لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۝ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ

که امید نمیدارید مر خدا را عظمت و بدرستی که بیافرید شما را حالها آیا ندیدید که چگونه

خلق الله سبع سموات طباقا ۝ وجعل القمر فيهن نورا

آفرید خدا هفت آسمانها را مطبق بر زبر یکدیگر و بدید کرد ماه را در آنجا چون نوری

وجعل الشمس سراجا ۝ والله انبتكم من الارض نباتا

و بدید کرد آفتاب را بشاب چراغی و خدا برویانید شما را از زمین رویانیدنی

ثم يعيدكم فيها ويخرجكم اخراجا ۝ والله جعل لكم

پس باز گرداند شما را در آن و بیرون آورد شما را بیرون آوردنی و خدا گردانید برای شما

الارض بساطا لتسلكوا منها سبلا فجاجا ۝ قال نوح

زمین را مانند گستردنی تا بسپرید از ان راههای فراخ را گفت نوح

رب انهم عصوني واتبعوا من لم يزده ماله وولده الا خسارا ۝

ای پروردگار من بدرستی که ایشان عاصی شدند مرا و پیروی کردند آنکس را که نیفزود او را مال او و فرزندان او مگر زیانکاری

ومكروا مكرا كبارا ۝ وقالوا لا تذرن الهتكم ولا

و مکر کردند مکری و کیدی بزرگ و گفتند مگذارید خدایان خود را و

تذرن ودا ولا سواعا ولا يغوث ويعوق ونسرا ۝ وقد اضلوا

مگذارید بتان نهود و نه سواع و نه یغوث و نه یعوق و نه نسر را و بدرستی که گمراه کردند

كثيرا ولا تزد الظالمين الا ضلالا ۝ مما خطيئاتهم اغرقوا

بسیاری و زیاده مکن ستمکاران را مگر گمراهی از آنچه گناه کردند ایشان غرق کرده شدند

فادخلوا نارا فلم يجدوا لهم من دون الله انصارا ۝ وقال

پس در آورده شوند در آتش پس نیابند مر ایشان را یاری کننده و گفت

نوح رب لا تذر على الارض من الكافرين ديارا ۝ انك ان

نوح ای پروردگار مگذار بر روی زمین از کافران هیچکس را بدرستی که تو اگر

تذرهم يضلوا عبادك ولا يلدوا الا فاجرا كفارا ۝ رب اغفر

بگذاری ایشان را گمراه کردانند بندگان ترا و نزایانند مگر کافری ناسپاس را ای پروردگار بیامرز

لي ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات و

مرا و مادر و پدر مرا و مر آنرا که در آید در کشتی من که مؤمن بود و مردان مؤمن و زنان مؤمنه را

لا تزد الظالمين الا تبارا ۝

و زیاده مکن ستمکاران را مگر هلاکی

سورة نوح عليه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

قل اوحي الي انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا

بگو وحی کرده شد بمن که گروهی از پریان بشنودند پس گفتند که ما شنودیم قرانی عجب

يهدي الى الرشد فامنا به ولن نشرك بربنا احدا ۝ وانه تعالى

که راه می نماید براه صواب پس بگرویدیم بان و هرگز شریک نیاریم با پروردگار خود هیچکس را و آنکه برتر است

جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا ۝ وانه كان يقول سفيهنا

بزرگی پروردگار ما نگرفت زنی و نه فرزندی و آنکه بود میگفت نادان ما

على الله شططا ۝ وانا ظننا ان لن تقول الانس والجن على الله كذبا

بر خدا ناحق و آنکه گمان بردیم ما که نگویند آدمی و پری بر خدا دروغ را

نصف

وَاَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْاِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ

وانکه بودند مردانی از آدمی پناه می بردند بمردانی از پری پس بزیادت شدند ایشان را

رَهَقًا ۝ وَاَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ اَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللّٰهُ اَحَدًا

کفر و تکبری وانکه ایشان کمان بردند همچنانک کمان بردید شما که هرگز برنینگیزانه خدا هیچ یکی را

وَاَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاۤءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا

وآنک ما طلب کردیم رسیدن باسمان پس یافتیم ما آنرا که پرست از نگهبانان سخت و ستارکان

وَاَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْاٰنَ يَجِدْ له

وآنک بودیم ما می نشستیم از آنجا قعود برای نشستن شنیدن غیب را پس هر که شنود اکنون یابد

لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ۝ وَاَنَّا لَا نَدْرِيۤ اَشَرٌّ اُرِيدَ بِمَنْ فِي الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ

برای پیستاره نگه دارنده وآنک ما نمیدانیم که بدی خواسته‌اند بآنانک در زمینند یا خواست

بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝ وَاَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذٰلِكَ

بدیشان پروردکار ایشان صواب وآنک از ما هستند نیکوکاران واز ما هستند جز آن

كُنَّا طَرَاۤئِقَ قِدَدًا ۝ وَاَنَّا ظَنَنَّاۤ اَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللّٰهَ فِي الْاَرْضِ وَلَنْ

بودیم ما مذاهب متفرق وآنک کمان بردیم ما که هرگز فوت نشویم از خدای در زمین و هرگز

نُعْجِزَهُ هَرَبًا ۝ وَاَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدٰۤى اٰمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا

فوت نشویم از او که گریزان باشیم وآنک چون شنیدیم ما راه را بگرویدیم ما بدان پس هر که بگرود بپروردکار خود

يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝ وَاَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ

پس نترسد از نقص خیر و نه از ظلم برکسی وآنک از ما هستند منقادان واز ما هستند جورکنندگان

فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰۤئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَاَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا

پس هر که منقاد شود پس آن گروه آنانند که جستند راه صواب را واما جورکنندگان پس باشند

لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَاَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَاَسْقَيْنَاهُمْ مَاۤءً

مر دوزخ را هیزمی وآنکه وحی کرده اند بمن که اگر ثابت باشند جن یا کافران بر طریق اسلام هر آینه آب دهیم ایشان را آبی

غَدَقًا ۝ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ

فراخ بسیار تا امتحان نمائیم ایشان را در آن و هر که برگردد از یاد کرد پروردکار خود درآوریم او را

عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَاَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا ۝ وَاَنَّهُ لَمَّا قَامَ

بعذابی سخت با مشقت وآنک مسجدها مر خدای راست پس مخوانید با خدا هیچ یکی را وآنکه چون برخاست

عَبْدُ اللّٰهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝ قُلْ اِنَّمَاۤ اَدْعُوا

بنده خدا یعنی محمد حال آنکه میخواند او را نزدیک بود که باشند برو متزاحم بگو جز این نیست که من میخوانم

رَبِّي وَلَاۤ اُشْرِكُ بِهِ اَحَدًا ۝ قُلْ اِنِّي لَاۤ اَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

پروردکار خود را و انباز نیارم بدو هیچ یکی را بگو که من قادر نیستم مر شما را نه زیانی و نه صوابی

قُلْ اِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ وَلَنْ اَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ اِلَّا

بگو که هرگز نتواند رهانید مرا از عذاب خدا هیچ یکی و هرگز نیابم از جز او پناه گاهی مگر

بَلَاغًا مِنَ اللّٰهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَاِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

اداء رسالت از خدا و رسانیدن پیامهای او را و هر که عاصی شود در خدا و در رسول او پس هست او را آتش دوزخ

خَالِدِينَ فِيهَاۤ اَبَدًا ۝ حَتّٰۤى اِذَا رَاَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ

جاوید بوده در آنجا همیشه تا چون ببینند آنچه وعده داده‌اند ایشان را پس زود دانند که کیست

أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ۝ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ

ضعیف ترست بیاری کردن و کمتر بعدد بگو نمیدانم ای نزدیکست آنچه وعده میدهند شما را یا بکند

لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۝ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۝ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ

مر آنرا پروردگار من غایتی دور داننده غیب پس مطلع نگرداند بر غیب خود هیچ کس را مگر آنرا که اختیار کرده بود

مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۝ لِيَعْلَمَ

از جمله رسولان پس بدرستی که او در می آرد از پیش او و از پس او نگهبانانی تا ظاهر شود

أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ

که رسانیدند رسالتهای پروردگار خود را و دانست آنچه نزدیک ایشانست و بر شمرد هر

شَيْءٍ عَدَدًا ۝

چیزی بعدد

سورة المزمل ست وعشرون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ نِصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۝

ای جامه بخود در پیچیده برخیز در شب مگر اندکی از نیمه آن یا بازکم کن از نصف اندکی

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۝ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا

یا زیاده کن بر آن نصف و بتجوید خوان قرآنرا بجوید خواندنی بدرستی که ما زود بود که اندازیم ما بر تو گفتاری

ثَقِيلًا ۝ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ۝ إِنَّ لَكَ

گرانرا بدرستی که برخاستنهای شب آن قویتر است بموافقت و باصواب تر است بدرستی که ترا است

فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۝ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝

در روز تردد و اشتغال دراز و یاد کن نام پروردگار خود را و منقطع شو بسوی او منقطع شدنی

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ وَاصْبِرْ عَلَىٰ

پس فرا گیر او را بکارسازی و صبر کن بر

مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ

آنچه میگویند و دوری گزین ازیشان دوری نیکو و بگذار مرا با جزا دروغ دارندگان خداوندان نعمت

وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ۝ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ۝ وَطَعَامًا ذَا

و مهلت ده ایشانرا اندکی بدرستی که نزدیک ماست بندهای گران و آتش بزرگ و طعامی خداوند

غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ

گلو گرفتنی و عذابی دردناک روزی که بلرزد زمین و کوهها و باشند کوهها

كَثِيبًا مَهِيلًا ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا

پشته ریگ ریزیده بدرستی گواهی دهنده همچون

أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا

فرستادیم بسوی فرعون پیغامبری پس عاصی شد فرعون در رسول پس گرفتیم ما او را گرفتنی

وَبِيلًا ۝ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝

سخت گران پس چگونه پرهیز توانید کرد اگر کافر شوید در روزی که گرداند کودکانرا پیر

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ

و آسمان شکافته شود بدان هست وعده خدا کرده شده بدرستی که این پندیست

فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا ان ربك يعلم انك تقوم ادنى

پس هرکه خواهد فرا گیرد با پروردگار خود راهی بدرستی که پروردگار تو میداند که تو بر میخیزی کمتر از

من ثلثى اليل ونصفه وثلثه وطائفة من الذين معك والله

چهار دانگ شب و نیمه آن و دو دانگ آن و گروهی [illegible]

يقدر اليل والنهار علم ان لن تحصوه فتاب عليكم فاقرؤا

تعیین مقدار میکند دانست که هرگز ضبط اوقات شب نتوانید کرد پس سهل کرد بر شما پس بخوانید

ما تيسر من القرءان علم ان سيكون منكم مرضى واخرون

آنچه دست دهد از قرآن دانست که زود باشد که باشند از شما بیماران و دیگران

يضربون في الارض يبتغون من فضل الله واخرون يقاتلون في

که روند برای تجارت در زمین می جویند از [illegible] و دیگران که کارزار میکنند

سبيل الله فاقرؤا ما تيسر منه واقيموا الصلوة واتوا الزكوة

پس بخوانید آنچه دست دهد از نماز شب

واقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا لانفسكم من خير

و قرض دهید خدا را قرضی نیکو و آنچه فرا پیش دارید برای تنهای خود از نیکی

تجدوه عند الله هو خيرا واعظم اجرا واستغفروا الله

یابید آنرا نزد خدا آن بهتر و بزرگتر بمزد و ثواب و آمرزش خواهید از خدا

ان الله غفور رحيم

سورة المدثر خمسون [illegible] آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

يا ايها المدثر قم فانذر وربك فكبر وثيابك فطهر

ای در خود پیچیده بجامه [illegible] برخیز پس بیم کن و پروردگار خود را پس بزرگی یاد کن و جامه خود را پاک دار

والرجز فاهجر ولا تمنن تستكثر ولربك فاصبر فاذا نقر في

و از نجاسات دوری گزین و عطا مده که طلب زیادتی کنی و برای پروردگار خود پس شکیبائی نمای پس چون دمیده شود

الناقور فذلك يومئذ يوم عسير على الكافرين غير

در صور اول پس آن وقت آنروز که روزی دشوار بود بر کافران نه

يسير ذرني ومن خلقت وحيدا وجعلت له مالا ممدودا

آسان بود بگذار مرا و آنرا که آفریدم حال آنکه تنها بود [illegible] و گردانیدم برای او مالی تمام

وبنين شهودا ومهدت له تمهيدا ثم يطمع ان ازيد كلا

و پسرانی اهل حضور [illegible]

انه كان لاياتنا عنيدا سارهقه صعودا انه فكر وقدر

[illegible]

فقتل كيف قدر ثم قتل كيف قدر ثم نظر ثم عبس

پس لعنت بر و باد چگونه تقدیر کرد پس لعنت بر و باد چگونه تقدیر کرد پس نظر کرد [illegible]

وبسر ثم ادبر واستكبر فقال ان هذا الا سحر يؤثر

[illegible] پس گفت نیست این قرآن مگر جادوی [illegible]

إن هذا إلا قول البشر ۝ سأصليه سقر ۝ وما أدراك ما سقر

نیست این مگر گفتار آدمی زود در اندازیم اورا در سقر وچه دانی تو که چه بود آن سقر

لا تبقي ولا تذر ۝ لواحة للبشر ۝ عليها تسعة عشر ۝ وما جعلنا أصحاب

وباقی نگذارد بسوزنده است مر اعضای آدمی را بر آن سقر نوزده فرشته موکل باشند ونکردیم ما اصحاب

النار إلا ملائكة وما جعلنا عدتهم إلا فتنة للذين كفروا

آتش را مگر فرشتگان ونکردیم ما شمار ایشانرا مگر سبب آزمایش مر آنهارا که کافر شدند

ليستيقن الذين أوتوا الكتاب ويزداد الذين آمنوا إيمانا

تا بیقین دانند آنها که بداده شد ایشانرا کتاب وزیادت شود آنها را که بگرویدند یقینی

ولا يرتاب الذين أوتوا الكتاب والمؤمنون وليقول الذين

وبشک نشوند آنها که بداده شد ایشانرا کتاب ومؤمنان نیز وتا نگویند آنها که

في قلوبهم مرض والكافرون ماذا أراد الله بهذا مثلا كذلك

در دلهای ایشان بیماری شک ونفاقست وکافران که چه خواست خدا بدین مثل زدن همچنین

يضل الله من يشاء ويهدي من يشاء وما يعلم جنود ربك

گمراه کند خدا آنرا که خواهد وراه نماید آنرا که خواهد ونداند عدد لشکر وخلایق پروردگار ترا

إلا هو وما هي إلا ذكرى للبشر ۝ كلا والقمر ۝ والليل

مگر او ونیست این سوره مگر پندی مر آدمی را حقا ونحق ماه ونحق شب

إذ أدبر ۝ والصبح إذا أسفر ۝ إنها لإحدى الكبر ۝ نذيرا للبشر لمن شاء منكم

چون تاریک شود ونحق صبح چون روشن شود بدرستی که آن سقر یکی از دواهی عظامست بیم کننده مر خلایق را

أن يتقدم أو يتأخر ۝ كل نفس بما كسبت رهينة

مرآنرا که خواهد از شما پیش ایستد در طاعت یا باز پس ایستد هر تنی بدانچه اندوخته بود گروگان بود

إلا أصحاب اليمين ۝ في جنات يتساءلون ۝ عن المجرمين ۝ ما

مگر اصحاب دست راست در بهشتها باشند پرسند ایشان از حال گناهکاران که چه چیز

سلككم في سقر ۝ قالوا لم نك من المصلين ۝ ولم نك نطعم

در آورد شمارا درین دوزخ گویند نبودیم از جمله نمازگزاریگان ونبودیم که طعام

المسكين ۝ وكنا نخوض مع الخائضين ۝ وكنا نكذب بيوم

بیچارگان را وبودیم ما شروع میکردیم در باطل با اهل خوض وبودیم ما بدروغ میداشتیم روز

الدين ۝ حتى أتانا اليقين ۝ فما تنفعهم شفاعة الشافعين

قیامت را تا آمد بما اسباب مرگ پس سود نکند ایشانرا شفاعت شفاعت کنندگان

فما لهم عن التذكرة معرضين ۝ كأنهم حمر مستنفرة

پس چیست مرایشانرا که از قرآن برگردنده اند گوییا که ایشان خرانی اند وحشی رمیده

فرت من قسورة ۝ بل يريد كل امرئ منهم أن يؤتى صحفا منشرة

که گریزند از شیران بلکه میخواهد هر مردی از ایشان که بدهند اورا کتابهای بازکرده

كلا بل لا يخافون الآخرة ۝ كلا إنه تذكرة ۝ فمن شاء ذكره

حقا که نیست چنانکه میخواهند بلکه نمی ترسند از عذاب آخرت حقا که آن قرآن پندیست پس هر که خواهد یاد کند آنرا

وما يذكرون إلا أن يشاء الله هو أهل التقوى وأهل

ویاد نکنند مگر آنکه خواهد خدا اوست سزاوار آنکه ازو ترسند واهل

سورة القيمة اربعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

حزب

لا أقسم بيوم القيمة ۝ ولا أقسم بالنفس اللوامة ۝ أيحسب
الإنسان ألن نجمع عظامه ۝ بلى قادرين على أن نسوي بنانه ۝
بل يريد الإنسان ليفجر أمامه ۝ يسئل أيان يوم القيمة ۝ فإذا
برق البصر ۝ وخسف القمر ۝ وجمع الشمس والقمر ۝ يقول
الإنسان يومئذ أين المفر ۝ كلا لا وزر ۝ إلى ربك يومئذ
المستقر ۝ ينبؤا الإنسان يومئذ بما قدم وأخر ۝ بل الإنسان
على نفسه بصيرة ۝ ولو ألقى معاذيره ۝ لا تحرك به لسانك لتعجل به ۝ إن

علينا جمعه وقرءانه ۝ فإذا قرأناه فاتبع قرءانه ۝ ثم إن علينا بيانه ۝
كلا بل تحبون العاجلة ۝ وتذرون الآخرة ۝ وجوه يومئذ
ناضرة ۝ إلى ربها ناظرة ۝ ووجوه يومئذ باسرة ۝ تظن
أن يفعل بها فاقرة ۝ كلا إذا بلغت التراقي ۝ وقيل من
راق ۝ وظن أنه الفراق ۝ والتفت الساق بالساق ۝ إلى
ربك يومئذ المساق ۝ فلا صدق ولا صلى ۝ ولكن كذب
وتولى ۝ ثم ذهب إلى أهله يتمطى ۝ أولى لك فأولى ۝ ثم أولى
لك فأولى ۝ أيحسب الإنسان أن يترك سدى ۝ ألم يك نطفة
من مني يمنى ۝ ثم كان علقة فخلق فسوى ۝ فجعل منه

الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ ۝ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ

دو صنف را نر و ماده آیا نیست آن خدا قادر و توانا بر آنک زنده کند

الْمَوْتَىٰ

مردگان را

سورة الدهر احدى وثلثون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا

بدرستی که آمد بر آدمی هنگامی از روزگار که نبود چیزی یاد کرده شده

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا

بدرستی که آفریدیم ما آدمی را از آب مرد آمیخته با آب زن که خواسته بودیم امتحان او را پس گردانیدیم او را شنوا

بَصِيرًا ۝ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

و بینا بدرستی که راه نمودیم ما او را راه راست و ضلال یا شکر گوینده بود و یا ناسپاس نعم

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ۝ إِنَّ

بدرستی که مهیا کردیم ما برای کافران زنجیرها و بندها و آتش افروخته بدرستی

الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝ عَيْنًا

که نیکوکاران آشامند از خمری که باشد آمیزش آن کافور چشمه

يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ

که آشامند ازان بندگان خدای روان کنند آن چشمه ها را روان کردنی وفا کنندگان بنذر و ترسند

يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ

از انروز که باشد مکروه آن عام و منتشر و خورش دادند خورشی بر دوستی خدا

مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ

بیچاره و یتیم و اسیر را گویندگان که ما طعام میدهیم شما را برای رضا خدا نمیخواهیم از شما

جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۝ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۝ فَوَقَاهُمُ

پاداشتی و نه شکر پذیرفتنی بدرستی که ما میترسیم از پروردگار ما روزی ترش سخت پس نگه داشت ایشان را

اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَسُرُورًا ۝ وَجَزَاهُمْ بِمَا

خدا از بدی آن روز و برسانید بایشان تازه رویی و شادی و پاداش داد ایشان را بانچه

صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۝ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ

صبر کردند بهشتی و لباسهای ابریشمینه تکیه زنندگان باشند در آنجا بر تختها نبینند

فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۝ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ

در آنجا هیچ گرمایی و نه سرمایی و نزدیک کرده شده بر ایشان سایهای آنجا و آسان کرده شد

قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ۝ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ

چیدن آنها را آسان کردانیدنی و گردانند بر ایشان کوزهای از نقره و کوزهای

كَانَتْ قَوَارِيرَا ۝ قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ۝ وَيُسْقَوْنَ

باشند از صفا قارورها قارورها از نقره که تقدیر کرده برای اهل بهشت تقدیر کردنی و خورد داده شوند

فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ۝ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ

در بهشت جامها پر از خمر که باشد آمیزش آن چون زنجبیل چشمه بود در آنجا نام نهاده

سلسبيلا ويطوف عليهم ولدان مخلدون اذا رأيتهم

سلسبيل وگرد برآيند بريشان كودكاني باقي گذاشته بر حالت كودكي چون بيني تو ايشانرا

حسبتهم لؤلؤا منثورا واذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا

پنداري ايشانرا مرواريد اند پراكنده شده وچون بيني تو آنجا پس بيني تو نعمتي وپادشاهي

كبيرا عاليهم ثياب سندس خضر واستبرق وحلوا

بزرگ بر بالاي ايشان بود جامهاي از سندس سبز واستبرق وزيور پوشانيده شوند

اساور من فضة وسقاهم ربهم شرابا طهورا ان هذا

از دستورنجنها از نقره ودر خورده بدهد ايشانرا پروردگار ايشان شرابي پاك پاكيزه گويند ايشانرا اين

كان لكم جزاء وكان سعيكم مشكورا انا نحن

هست مرشمارا پاداشتي وهست سعي شما پذيرفته بدرستيكه ما

نزلنا عليك القرآن تنزيلا فاصبر لحكم ربك ولا

فرو فرستاديم برتو قرآن را فرو فرستادني پس صبر نماي مر حكم پروردگار خودرا

تطع منهم آثما او كفورا واذكر اسم ربك بكرة

وفرمان مبر از ايشان بزهكاري يا ناسپاسي را وياد كن نام پروردگار خودرا ببامداد

واصيلا ومن الليل فاسجد له وسبحه ليلا طويلا ان

وشبانگاه وبعضي از شب پس سجود كن اورا وتسبيح كن اورا بشب دراز بدرستي

هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقيلا

كه اين گروه دوست ميدارند اين دنيارا وميگذارند واپس پشت خود روزي گرانرا

نحن خلقناهم وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا

ما آفريديم ايشانرا ومحكم گردانيديم تركيب خلقت ايشانرا وچون خواهيم ما بدل كنيم

امثالهم تبديلا ان هذه تذكرة فمن شاء اتخذ الى ربه

مانند ايشانرا بدل كردني بدرستيكه اين سوره پنديست پس هركه خواهد فرا گيرد بپروردگار خود

عشر سبيلا وما تشاؤون الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما

راهي ونخواهيد شما مگر آنچه خواسته بود خدا بدرستيكه خداست داناي محكم كار

يدخل من يشاء في رحمته والظالمين اعد لهم عذابا اليما

در آورد آنرا كه خواهد در رحمت خود وستمكارانرا بيچارد براي ايشان عذابي دردناك

سورة المرسلات خمسون آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والمرسلات عرفا فالعاصفات عصفا والناشرات نشرا

بحق بادها فرستاده بتبليغ اوامر پس بحق بادهاي سخت جهنده بحق بادهاي پراكنده گرداننده

خمس فالفارقات فرقا فالملقيات ذكرا عذرا او نذرا انما توعدون

عشر لواقع فاذا النجوم طمست واذا السماء فرجت واذا الجبال

نسفت ۝ وإذا الرسل أقتت ۝ لأي يوم أجلت ۝ ليوم الفصل ۝ وما
أدراك ما يوم الفصل ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ ألم نهلك خمس
الأولين ۝ ثم نتبعهم الآخرين ۝ كذلك نفعل بالمجرمين
ويل يومئذ للمكذبين ۝ ألم نخلقكم من ماء مهين عشر
فجعلناه في قرار مكين ۝ إلى قدر معلوم ۝ فقدرنا فنعم
القادرون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ ألم نجعل الأرض كفاتا خمس
أحياء وأمواتا ۝ وجعلنا فيها رواسي شامخات وأسقيناكم ماء
فراتا ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ انطلقوا إلى ما كنتم به تكذبون عشر
انطلقوا إلى ظل ذي ثلاث شعب ۝ لا ظليل ولا يغني من اللهب عشر

إنها ترمي بشرر كالقصر ۝ كأنه جمالت صفر ۝ ويل يومئذ
للمكذبين ۝ هذا يوم لا ينطقون ۝ ولا يؤذن لهم فيعتذرون خمس
ويل يومئذ للمكذبين ۝ هذا يوم الفصل جمعناكم والأولين
فإن كان لكم كيد فكيدون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ إن
المتقين في ظلال وعيون ۝ وفواكه مما يشتهون كلوا عشر
واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون ۝ إنا كذلك نجزي المحسنين
ويل يومئذ للمكذبين ۝ كلوا وتمتعوا قليلا إنكم
مجرمون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ وإذا قيل لهم اركعوا
لا يركعون ۝ ويل يومئذ للمكذبين ۝ فبأي حديث بعده

سورة النبأ اربعون آية مكية

يؤمنون

نمیگروند

بسم الله الرحمن الرحيم

عم يتساءلون عن النبإ العظيم الذي هم فيه مختلفون

از چه چیز می‌پرسند از خبری بزرگ آنچه ایشان در آن اختلاف کنندگانند

كلا سيعلمون ثم كلا سيعلمون ألم نجعل الأرض

حقا که زود بدانند پس حقا که زود بدانند ای نه بکردیم ما زمین را

مهادا والجبال أوتادا وخلقناكم أزواجا وجعلنا

بمثابت گهواره و کوهها را بمنزلت میخهای و آفریدیم ما برای شما جفتانی و بکردیم ما

نومكم سباتا وجعلنا الليل لباسا وجعلنا النهار

خواب شما را سبب راحتی و بکردیم ما شب را بمنزلت پوششی و بکردیم ما روز را

معاشا وبنينا فوقكم سبعا شدادا وجعلنا سراجا

سبب کسب معاش و بنا نهادیم بالای سر شما هفت آسمان سخت محکم را و بیافریدیم ما چراغی

وهاجا وأنزلنا من المعصرات ماء ثجاجا لنخرج به حبا

بانور و حرارت و فرو فرستادیم ما از ابرهای باران آبی ریزان را تا بیرون آوریم بدان دانه

ونباتا وجنات ألفافا إن يوم الفصل كان ميقاتا

و گیاهی را و بستانهایی که با درختان پیچیده بود بدرستی که روز حکم هست میعادگاه

الجزو

خمس

عشر

يوم ينفخ في الصور فتأتون أفواجا وفتحت السماء فكانت

روزی که در دمند در صور پس آیند شما گروه گروه و گشوده شود آسمان پس باشد

أبوابا وسيرت الجبال فكانت سرابا إن جهنم كانت

خداوند درها و روان کرده شوند کوهها پس باشد مانند آبی بدرستی که دوزخ هست

مرصادا للطاغين مآبا لابثين فيها أحقابا لا يذوقون

طریقی و ممری بر خلایق را مر طاغیان را جای بازگشتی درنگ کنندگان در آنجا سالهای بسیار نچشند

فيها بردا ولا شرابا إلا حميما وغساقا جزاء وفاقا إنهم

در آنجا نه نسیمی سرد و نه هیچ آشامیدنی مگر آبی بغایت گرم و زردابی که از تن دوزخیان بدود پاداشتی موافق اعمال بدرستیکه ایشان

كانوا لا يرجون حسابا وكذبوا بآياتنا كذابا وكل شيء

بودند که امید نمیداشتند حساب و بدروغ داشتند نشانهای ما را دروغ داشتنی و همه چیزی

أحصيناه كتابا فذوقوا فلن نزيدكم إلا عذابا

بر شمردیم ما آنرا در لوح المحفوظ پس بچشید پس زیادت نکنیم شما را مگر عذابی

إن للمتقين مفازا حدائق وأعنابا وكواعب أترابا

بدرستی که پرهیزکاران را بود رستگاری و بستانهای و انگورستانهای و زنان نار پستان همزادان

وكأسا دهاقا لا يسمعون فيها لغوا ولا كذابا

و جامهای پر کرده از خمر نشنوند در آنجا هیچ ناسزایی و نه دروغی

جزاء من ربك عطاء حسابا رب السماوات والأرض وما بينهما

پاداشتی از پروردگار تو بخششی بحساب پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است

الرحمن لا يملكون منه خطابا ۝ يوم يقوم الروح والملائكة

خدای روزی دهنده قادر نباشند نزد خدا سخن را روزی که برخیزد جبریل و فرشتگان

صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صوابا

صف صف سخن نتوانند کرد مگر آنرا که دستوری دهد او را خدای و گوید صواب

ذلك اليوم الحق فمن شاء اتخذ الى ربه مابا ۝ انا انذرناكم

آن روز بحق پس هر که خواهد فرا گیرد با پروردگار خود بازگشتن جایی بدرستی که ما بیم کردیم شما را

عذابا قريبا ۝ يوم ينظر المرء ما قدمت يداه ويقول الكافر

عذابی نزدیک آنروز ببیند مرد آنچه فرا پیش داشته باشند دو دست او و گوید کافر

يا ليتني كنت ترابا

ای کاشکی که من خاکی بودمی

سورة النازعات

بسم الله الرحمن الرحيم

والنازعات غرقا ۝ والناشطات نشطا ۝ والسابحات سبحا ۝

بحق ملائکه بیرون کشنده ارواح کافران بسختی بحق ملائکه بیرون آورنده ارواح انبیا را بآسانی بحق ملائکه روندگان

فالسابقات سبقا ۝ فالمدبرات امرا ۝ يوم ترجف

پس بحق پیشی گیرندگان کار پیشی گرفتنی پس بحق تدبیر کنندگان کارها را روزی که بلرزد زمین

الراجفة ۝ تتبعها الرادفة ۝ قلوب يومئذ واجفة

بلرزیدنی در پی آن در آید رجفهٔ دوم دلها آن روز ترسان لرزان

ابصارها خاشعة ۝ يقولون ائنا لمردودون في الحافرة ۝

بیناییهای آن خاضع و کند گویند ای بدرستی که ما براینه بازگردندگانیم در آن حالت نخستین

ائذا كنا عظاما نخرة ۝ قالوا تلك اذا كرة خاسرة ۝ فانما هي

ای چون باشیم ما استخوانها پوسیده و ریزیده گویند آن رجعت آنگه که چنان بود رجعه بود با زیانکاری پس آن حالت

زجرة واحدة ۝ فاذا هم بالساهرة ۝ هل اتاك حديث

یک نفخه بود پس آنگه ایشان در روی زمین منکشف باشند هیچ آمد ترا قصه

موسى ۝ اذ ناداه ربه بالواد المقدس طوى ۝ اذهب الى فرعون

موسی چون بر خواند پروردگار خود او را بوادی مقدس و پاک که نام آن طوی است که برو بسوی فرعون

انه طغى ۝ فقل هل لك الى ان تزكى ۝ واهديك الى ربك فتخشى ۝

که او طاغی است پس بگو ای هیچ میل هست ترا بآنکه پاک شوی و راه نمایم ترا بسوی پروردگار تو پس بترسی

فاراه الاية الكبرى ۝ فكذب وعصى ۝ ثم ادبر يسعى ۝

پس باز نمود او را نشان بزرگ پس بدروغ داشت و عاصی شد پس پشت برکرد میکوشید

فحشر فنادى ۝ فقال انا ربكم الاعلى ۝ فاخذه الله نكال

پس جمع کرد و آواز داد آنها را پس گفت منم پروردگار شما پس بگرفت او را خدا بعقوبت

الاخرة والاولى ۝ ان في ذلك لعبرة لمن يخشى ۝ ءانتم اشد

آخرت و دنیا بدرستی که در آن عبرتی است آنرا که بترسد ای شما سخت تر بید

خلقا ام السماء بناها ۝ رفع سمكها فسواها ۝ واغطش ليلها

بآفرینش یا آسمان که بنا نمود آنرا برافراشت ارتفاع آنرا پس برابر ساخت آنرا و تاریک گردانید شب آنرا

واخرج ضحاها ۝ والارض بعد ذلك دحاها ۝ اخرج منها ماءها
وبیرون آورد چاشت آنرا وزمین را پس ازان بگسترانید آنرا بیرون آورد ازان آب آنرا
ومرعاها ۝ والجبال ارساها ۝ متاعا لكم ولانعامكم
وچراگاه آنرا وکوهها ثابت گردانید آنرا برخورداری مرشمارا ومرچارپایان شمارا
فاذا جاءت الطامة الكبرى ۝ يوم يتذكر الانسان ما سعى
پس چون آید داهیه بزرگتر آن روز یاد آورد آدمی آنچه سعی نموده بود
وبرزت الجحيم لمن يرى ۝ فاما من طغى ۝ وآثر الحيوة الدنيا ۝ فان
ونماینده شود دوزخ برای آنکه ببیند پس اما آنکه از حد تجاوز نمود واختیار کرد زندگانی دنیارا پس
الجحيم هي المأوى ۝ واما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن
دوزخ آنست جایگاه او واما آنکه ترسید از ایستادن با دعه پروردگار خود وباز داشت نفس اماره را
الهوى ۝ فان الجنة هي المأوى ۝ يسئلونك عن الساعة ايان
آرزوها پس بدرستی که بهشت آنست جایگاه او می پرسند از تو از حال قیامت که کی خواهد بود
مرسها ۝ فيم انت من ذكرها ۝ الى ربك منتهها ۝ انما
اثبات آن در چه کاری تو از یاد کردن آن با پروردگارتست نهایت علم آن جز این نیست
انت منذر من يخشها ۝ كانهم يوم يرونها لم يلبثوا الا
که تو بیم کننده آنرا که ترسد ازان درنگ نکرده باشند مگر
عشية سورة عبس اثنان واربعون آية او ضحها
شبانگاهی یا چاشت آن

بسم الله الرحمن الرحيم

عبس وتولى ۝ ان جاءه الاعمى ۝ وما يدريك لعله يزكى ۝ او يذكر
روی ترش کرد ودرگشت پیغمبر چون آمد بدو نابینا وچه دانی تو شاید بود که پاک شود از گناه یا پند گیرد
فتنفعه الذكرى ۝ اما من استغنى ۝ فانت له تصدى
پس سود کند پند دادن اما آنکه بی نیازی نمود پس تو اورا متعرض میشوی
وما عليك الا يزكى ۝ واما من جاءك يسعى ۝ وهو يخشى ۝ فانت
ونیست بر تو اگر پاک نشود از کفر واما آنکه آمد بتو میشتافت بخیر واو می ترسید از خدا پس تو
عنه تلهى ۝ كلا انها تذكرة ۝ فمن شاء ذكره ۝ في صحف
ازو اشتغال می نمایی حقا که این سوره پندیست پس هرکه خواهد پند گیرد ازان در نامهای
مكرمة ۝ مرفوعة مطهرة ۝ بايدي سفرة ۝ كرام بررة ۝ قتل
بزرگداشته گرامی کرده از هر دیوان بدستهای نویسندگان پاکان ونیکان لعنت
الانسان ما اكفره ۝ من اي شيء خلقه ۝ من نطفة خلقه
بر آدمیان چه ناسپاس است او از چه چیز آفریده شده است از نطفه آفریدش
فقدره ۝ ثم السبيل يسره ۝ ثم اماته فاقبره ۝ ثم اذا شاء انشره
پس مستعد انسانی گردانید اورا پس راه صلاح آسان کرد پس بمیرانید اورا پس در قبر نهاد اورا پس چون خواهد زنده گرداند اورا
كلا لما يقض ما امره ۝ فلينظر الانسان الى طعامه ۝ انا صببنا الماء
حقا که بجا نیاورد آدمی آنچه فرموده بود اورا پس باید که بنگرد آدمی سوی طعام خود که ما بریزانیدیم آب باران

صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا

ریختنی پس بشکافتیم ما زمین را بشکافتنی پس برویانیدیم ما در آنجا دانه و انگور و سپستها

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا

و درخت زیتون و خرماستانها و بلغهای با انبوه درختها و میوه‌ها و میوه‌های دیگر را و چراگاه را

لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ

مر شما را و مر چهارپایان شما را پس چون آید قیامت آن روز گریزد آدمی

مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ

از برادر خود و از مادر و از پدر خود و از زن خود و از پسران خود مر هر مردی را بود

مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ

از ایشان آن روز کاری که بازدارد او را از غیر او رویها باشند آن روز تازه خندان

مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا

شادان و رویها باشند آن روز که بر آن بود غباری برپوشد بدان

قَتَرَةٌ أُولَئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

گردی آن گروه ایشانند کافران فاجران

سورة التكوير تسع وعشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

چون آفتاب بی نور گردانیده شود و چون ستارگان فرو ریخته شوند و چون کوهها روان شوند

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

و چون شتران ده ماهه آبستن را مهمل گذارند و چون حیوانات برانگیخته شوند و چون دریاها خشک شوند

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

و چون ارواح مقرون شوند با جسدها و چون از حال دختران زنده گور کرده سؤال کنند که بکدام گناه کشته شدند

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ وَإِذَا

و چون نامه اعمال بازکرده شود و چون آسمان بریده بشود از جای خود و چون

الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ

دوزخ تابانیده و گرم شود و چون بهشت نزدیک گردانیده شود داند هر تنی آنچه کرده بود از خیر و شر

فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ

پس سوگند میخورم بستارگان که رجوع میکنند روان نهان شونده و بشب چون درآید تاریک

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ

و بصبح چون دم زند بدرستیکه قرآن پیام گزاریست با کرامت خداوند توانائی نزدیک

ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ وَلَقَدْ

خداوند عرش بامکانت مقبول سخن آنجا استوار در اداء وحی و نیست صاحب شما محمد هیچ دیوانگی و بدرستیکه

رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

دید رسول جبرئیل را بکناره آسمان روشن و نبود او بر علم غیب متهم و نیست او بگفتار

شَيْطَانٍ رَجِيمٍ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ لِمَنْ شَاءَ

دیو رانده پس کجا میروید شما نیست آن مگر پندی مر جهانیان را مر آنکه خواهد

حزب

مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ • وَمَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ

از شما که ثابت بود بر راه راست و نخواهید شما مگر آنچه خواسته بود خدا که پروردگار

الْعَالَمِينَ

جهانیانست

سورة الانفطار تسع وعشر آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ • وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ • وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ

چون آسمان شکافته شود و چون ستارگان پراگنده شوند و چون دریاها روان شوند

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ • عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ • يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ

و چون اهل گورها بیرون آورده شوند از گورها داند هر تنی آنچه فرا پیش داشته بود از طاعت و معصیت ای آدمی

مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ • الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ

چه چیز فریفت ترا به پروردگار تو که موصوف بکرمست آن خدائی که آفرید ترا پس راست اندام کرد ترا پس معتدل گردانید ترا

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ • كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ • وَإِنَّ

در صورتی که خواست ترکیب کرد ترا حقا بلکه دروغ میدارید قیامت را و بدرستی

عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ • كِرَامًا كَاتِبِينَ • يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

که بر شما هستند فرشته نگهبانان باکرامت نویسندگان دو فرشته میدانند آنچه میکنید

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ • وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ • يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ

بدرستی که نیکوکاران هر آینه در ناز و نعمت باشند و بدرستی که کافران هر آینه در آتش دوزخ باشند در روند در آنجا در روز جزا

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ • وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ • ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ

و نباشند ایشان از آنجا غایبان و چه دانی تو که چه بود روز جزا پس چه دانی تو که چه بود

مَا يَوْمُ الدِّينِ • يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِّنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ

روز جزا روزی بود که قادر نباشد هیچ تنی مر هیچ تنی را چیزی و فرمان از روز خدا را

سورة المطففين ست وثلثون آية وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ • الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

وای مر کم پیمانه کنان را آنهائی که بر کشند کیل فرا ستانند بر مردمان تمام قبض کنند

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ • أَلَا يَظُنُّ أُولَٰئِكَ

و چون کیل ایشان بود برای دادن بمردم یا برکشند ایشان بار کا نانه ای گمان نمی برند آن گروه

أَنَّهُم مَّبْعُوثُونَ • لِيَوْمٍ عَظِيمٍ • يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ

که ایشان برانگیختگان باشند در روزی بزرگ را روزی که برخیزند مردمان مر فرمان پروردگار

الْعَالَمِينَ • كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ • وَمَا أَدْرَاكَ

و عالمیان را حقا بدرستی که نامه کافران هر آینه در سجین بود و چه دانی تو

مَا سِجِّينٌ • كِتَابٌ مَّرْقُومٌ • وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

که چه بود سجین موضع نامه ایست نوشته گروای آن روز مر دروغ دارندگان انبیا را

الذین یکذبون بیوم الدین وما یکذب به الا کل معتد اثیم
آنها که بدروغ میدارند قیامت را و بدروغ نمی دارد آنرا مگر از حد درگذرنده بزه کار
اذا تتلی علیه ایاتنا قال اساطیر الاولین کلا بل ران
چون خوانده شود بر و نشانهای ما گوید این افسانهای پیشینیانست حقا که غالب شود
علی قلوبهم ما کانوا یکسبون کلا انهم عن ربهم
بر دلهای ایشان ظلمت وکدورت آنچه ایشان اندوخته باشند حقا بدرستی که ایشان از ثواب پروردگار خود
یومئذ لمحجوبون ثم انهم لصالوا الجحیم ثم یقال هذا
آن روز پوشیده باشند پس بدرستی که ایشان در رونده اند دوزخ پس گویند ایشانرا این است
الذی کنتم به تکذبون کلا ان کتاب الابرار لفی علیین
آنچه شما آنرا بدروغ میداشتند حقا بدرستی که نامهٔ نیکوکاران هرآئنه در علیین بود
وما ادریک ما علیون کتاب مرقوم یشهده المقربون
وچه دانی تو که چه بود علیین موضع نامه ایست نوشته که حاضر آیند بدان نزدیکان
ان الابرار لفی نعیم علی الارائک ینظرون تعرف فی وجوههم
بدرستی که نیکوکاران در نازو نعمت باشند برتختهای آراسته نگرند شناسید در رویهای ایشان
نضرة النعیم یسقون من رحیق مختوم ختامه مسک وفی
تازگی نازو نعمت در خورده شود ایشانرا از خمر صافی مهرکرده که طعم آن چون مشک بود ودر
ذلک فلیتنافس المتنافسون ومزاجه من تسنیم عینا
آن ... برابه که رغبت کنید رغبت کنندگان وآمیزش آن از تسنیم بود چشمه

یشرب بها المقربون ان الذین اجرموا کانوا من الذین امنوا
که آشامند آن نزدیکان بدرستی که آنها کافر شدند بودند از آنها که بگرویده بودند
یضحکون واذا مروا بهم یتغامزون واذا انقلبوا
میخندیدند وچون بگذشتندی بریشان چشمک بهم میزدند وچون بازمیگشتند
الی اهلهم انقلبوا فکهین واذا راوهم قالوا ان هؤلاء
بسوی کسان خود بازمیگشتند خوش عیشان وچون بدیدندی ایشانرا بگفتند که این گروه
لضالون وما ارسلوا علیهم حافظین فالیوم الذین امنوا
هرآئنه گمراهان اند وحال آنکه نفرستادند ایشانرا بریشان نگهبانی پس امروز آنها که بگرویدند
من الکفار یضحکون علی الارائک ینظرون هل ثوب
باشند بکافران خندند برتختهای آراسته نگرند ای هیچ پاداشته شد
الکفار ما کانوا یفعلون
کافران بدانچه ایشان کرده باشند

سورة الانشقاق

بسم الله الرحمن الرحیم

اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض مدت
چون آسمان شکافته شود و فرمان برد پروردگار خودرا و سزاوار بود که فرمان برد وچون زمین کشیده شود
والقت ما فیها وتخلت واذنت لربها وحقت یا ایها الانسان
وبیرون اندازد آنچه در آن بود وخالی اند و فرمان برد پروردگار خودرا و سزاوار بود ای آدمی

إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ۝ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
هر آینه تو جهد نماینده سوی پروردگار خود جهد نمودنی پس دریابنده جزای آن عمل پس اما هر که بدهند نامهٔ او را
بِيَمِينِهِ ۝ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا ۝ وَيَنقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ
بدست راست او پس زود حساب کرده شود حسابی آسان وباز گردد بسوی کسان خود
مَسْرُورًا ۝ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ۝ فَسَوْفَ يَدْعُو
شادان وأما هر که بدهند نامهٔ او را وا پس پشت او پس زود برخواند
ثُبُورًا ۝ وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا ۝ إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ إِنَّهُ
وا هلاکاه ودر رود بآتش افروخته بدرستی که او بود در میان اهل خود شادان بدرستی که او
ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ ۝ بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ۝ فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ
گمان برد که هرگز باز نگردد آری بدرستی که پروردگار او هست کار او بینا پس سوگند میخورم بسرخی که در افق
وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ۝ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ
و بحق شب وآنچه بپوشاند و بحق ماه چون نور او تمام شود هر آینه برنشینید حالی را پس از حالی
فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ ۝ بَلِ
پس چیست مر ایشان را که بنمی گروند وچون خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نمیکنند بلکه
الَّذِينَ كَفَرُوا يُكَذِّبُونَ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ ۝ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ
آنها که کافر شدند بدروغ می دارند و خدا داناتر است بآنچه بازمی پوشانند پس بشارت ده ایشان را بعذابی
أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ
دردناک مگر آنها که بگرویدند وکردند کارهای نیک مر ایشان را بود مزدی نه منت نهاده شده

سورة البروج اثنتان وعشرون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

[illegible]
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ ۝ قُتِلَ
بحق آسمان خداوند برجها وبحق روز موعود که قیامتست وبحق گواهی دهنده و ... لعنت کرده شد
أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ۝ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُودِ ۝ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ ۝
بر اصحاب اخدود که شکاف میکردند در زمین بآتشی خداوند هیزمی چون ایشان برآتش نشسته بودند
وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ۝ وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا
وایشان بر آنچه میکردند بمومنان گواهان بودند وعیب ندیدند از ایشان مگر
أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
که بگرویده بودند بخدای غالب ستوده آن خدائی که مر او راست ملک آسمانها و زمین
وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
و خدا بر همه چیزی گواه و حاضر است بدرستی آنها که رنجانیدند مردان مومن و زنان مومنه را
ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ
پس توبه نکردند پس مر ایشان راست عذاب دوزخ و مر ایشان را بود عذاب سوزناک بدرستی که آنها
آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ
که بگرویدند وکردند کارهای نیک مر ایشان را بود بهشتها که رود از زیر آن جویها آنست

الفوز الكبير ۝ إن بطش ربك لشديد ۝ إنه هو يبدئ ويعيد ۝ وهو

رستگاری بزرگ ۝ بدرستی که گرفتن پروردگار تو سخت بود ۝ بدرستی که او بیافریند و باز آفریند

الغفور الودود ۝ ذو العرش المجيد ۝ فعال لما يريد ۝ هل أتاك

آمرزگار ۝ دوست دارنده مطیعان ۝ خداوند عرش بلند رتبت ۝ کننده آنچه خواهد ۝ بدرستی که آمد تو

حديث الجنود ۝ فرعون وثمود ۝ بل الذين كفروا في تكذيب

سخن و قصه لشکرهای ۝ فرعون و قوم صالح ۝ بلکه آنها که کافر شدند در دروغ داشتن

والله من ورائهم محيط ۝ بل هو قرآن مجيد ۝ في لوح محفوظ

و خدا از پس تکذیب داشتن ایشان دانا است ۝ بلکه آن قرآنیست بلند رتبت ۝ مکتوب در لوح المحفوظ

سورة الطارق سبع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

والسماء والطارق ۝ وما أدراك ما الطارق ۝ النجم الثاقب ۝

بحق آسمان ۝ بحق ستاره که شب آید ۝ و چه دانی تو که چه بود ۝ آن ستاره ۝ ستاره بود درخشنده

إن كل نفس لما عليها حافظ ۝ فلينظر الإنسان مم خلق ۝ خلق

نیست هیچ تنی ۝ که بر آن بود نگهدارنده ۝ پس باید که بنگرد آدمی ۝ که از چه چیز آفریده شد ۝ آفریده شد

من ماء دافق ۝ يخرج من بين الصلب والترائب ۝ إنه على رجعه لقادر ۝

از آبی جهنده ۝ که بیرون می آید از میان صلب مرد ۝ و استخوانهای سینه زن ۝ بدرستی که او بر باز گردانیدن او توانا است

يوم تبلى السرائر ۝ فما له من قوة ولا ناصر ۝ والسماء ذات الرجع ۝

روزی که آشکارا شود نهانیها ۝ پس نبود مر او را هیچ قوتی و نه یاری کننده ۝ و بحق آسمان خداوند باران

والأرض ذات الصدع ۝ إنه لقول فصل ۝ وما هو بالهزل ۝ إنهم

و بحق زمین خداوند نبات و گیاه ۝ بدرستی که این قرآن گفتاریست جدا کننده میان حق و باطل ۝ و آن نیست بسخره و هزل ۝ بدرستی که ایشان

يكيدون كيدا ۝ وأكيد كيدا ۝ فمهل الكافرين

کید و حیله میسازند ۝ و حیلت میسازند ۝ و من میسازم مجازات کید ایشان را ۝ پس مهلت ده کافران را در انتظار ابر حق

أمهلهم رويدا

مهلت دادنی اندک

سورة الطارق تسع عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سبح اسم ربك الأعلى ۝ الذي خلق فسوى ۝ والذي قدر فهدى ۝

تسبیح کن ۝ بنام پروردگار خود ۝ او برتر ۝ آن خدای که آفرید کارها ۝ پس راست اندام کرد آدمی را ۝ و آن خدای که تقدیر کرد پس راه نمود

والذي أخرج المرعى ۝ فجعله غثاء أحوى ۝ سنقرئك فلا تنسى ۝ إلا

و آن خدای که بیرون آورد از عدم گیاه چرا ۝ پس گردانید او را گیاه خشک ۝ زود قرآن خوان گردانیم ترا پس فراموش نکنی

ما شاء الله ۝ إنه يعلم الجهر وما يخفى ۝ ونيسرك لليسرى ۝ فذكر

آنچه خواسته بود خدا ۝ بدرستی که او میداند آشکارا ۝ و آنچه نهانست ۝ و آسان گردانیم ترا طریقت آسانی ۝ پس پند ده

إن نفعت الذكرى ۝ سيذكر من يخشى ۝ ويتجنبها الأشقى ۝ الذي

بدرستی که سود کند پند دادن ۝ زود پند گیرد آنکه ترسد ۝ و دوری جوید از آن بدبخت ترین آدمی

يصلى النار الكبرى ۝ ثم لا يموت فيها ولا يحيى ۝ قد أفلح من

که درآید در آتش بزرگتر پس نمیرد در آنجا و نه زیید بدرستی که خلاص یابد

تزكى ۝ وذكر اسم ربه فصلى ۝ بل تؤثرون الحيوة الدنيا

ترکیه کرد نفس خود را و یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گزارد بلکه برمیگزینید زندگانی دنیا

والآخرة خير وأبقى ۝ إن هذا لفي الصحف الأولى ۝ صحف

و آخرت بهتر و باقی تر بدرستی که این قرآن هرآینه در کتابهای پیشینیانست نامهای

إبرهيم وموسى ۝

ابرهیم و موسی

سورة الغاشية عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

هل أتاك حديث الغاشية ۝ وجوه يومئذ خاشعة ۝ عاملة

بدرستی که آمد بتو سخن و خبر داهیه آینده بخلایق رویها باشند آن روز ترسان خاضع کارکنندگان

ناصبة ۝ تصلى نارا حامية ۝ تسقى من عين آنية ۝ ليس لهم

با تعب از کشیدن زنجیرها درآیند در آتش گرم درخورد داده شوند از چشمه بغایت گرم نبود مرایشان

طعام إلا من ضريع ۝ لا يسمن ولا يغني من جوع ۝ وجوه يومئذ

خورشی مگر از خار خشک نه فربه کند و نه بازدارد از گرسنگی و رویها باشند آن روز

ناعمة ۝ لسعيها راضية ۝ في جنة عالية ۝ لا تسمع فيها

با تنعم مر سعی خود را راضی باشند در بهشتی عالی بلند مرتبه نشنوند در آنجا

لاغية ۝ فيها عين جارية ۝ فيها سرر مرفوعة ۝ وأكواب

کژی در آنجا باشد چشمه روان در آنجا تختهای برافراشته و کوزهای

موضوعة ۝ ونمارق مصفوفة ۝ وزرابي مبثوثة ۝ أفلا ينظرون

بنهاده و نیز بالشهای برهم نشسته و بساطهای فاخر گسترده ای پس نمی نگرند

إلى الإبل كيف خلقت ۝ وإلى السماء كيف رفعت

بسوی شتر که چگونه آفریده شده است و بسوی آسمان که چگونه برافراشته شد

وإلى الجبال كيف نصبت ۝ وإلى الأرض كيف

و بسوی کوهها که چگونه برپای گردانیده شد و بسوی زمین که چگونه

سطحت ۝ فذكر إنما أنت مذكر ۝ لست عليهم

گسترده شد پس پند ده بدرستی که تو پند دهنده ای نیستی تو بریشان

بمصيطر ۝ إلا من تولى وكفر ۝ فيعذبه الله العذاب

مسلط مگر آنکه برگشت و کافر شد پس عذاب کند اورا خدا بعذابی

الأكبر ۝ إن إلينا إيابهم ۝ ثم إن علينا حسابهم

بزرگتر بدرستی که بما بازگشت ایشان پس بدرستی که بر ماست حساب ایشان

سورة الفجر [illegible] آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

نصف

وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۝

بحق بامداد ونحق شبهای دهه ذی الحجه وبحق انچه زوجست وبحق آنچه فردست وبحق شب چون بپایان رسید

هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

ای هیچ هست در آن سوگندی مر خداوندان خرد را ای ننگریستی که چه کرد پروردگار تو

بِعَادٍ ۝ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝ وَثَمُودَ

بقوم هود که جد ایشان ارم بود خداوند ستونهای بلند انکه آفریده نشد مانند آن در شهرها وبقوم صالح

الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝ الَّذِينَ طَغَوْا

آنها که می بریدند سنگها را برای ساختن در وادیها وبفرعون خداوند میخها وقوتها آنها که طاغی شدند

فِي الْبِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ

در شهرها پس بسیار کردند درانجا تباهی را پس بریخت بریشان پروردگار تو

سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ

زبانه عذاب بدرستی که پروردگار تو هر آینه بگذرگاهست پس اما آدمی چون صورت آزمایش کند اورا

رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا

پروردگار او پس گرامی کند اورا ونعمت دهد اورا پس گوید پروردگار من گرامی کرد مرا واما

إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ۝

چون صورت آزمایش کند اورا پس تنگ کرد برو روزی اورا پس گوید پروردگار من خوار گردانید مرا

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝

حقا بلکه گرامی نمیدارید یتیم را ودر نمی انگیزید خودرا بر طعام مسکین

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ۝ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝

ومیخورید میراث را میان بکدیگر بی استحقاق ودوست میدارید مال را دوست داشتنی بغایت

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا

حقا که چون خورد ومرد کرده شود زمین خورد ومرد کردنی دوباره وآید فرمان پروردگار تو وفرشتگان صف

صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ

صف وآورده در آن روز دوزخ را آن روز پند گیرد آدمی

وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ

واز کجا بود مر اورا پند گرفتن گوید ای کاشکی من فرا پیش میداشتمی از بهر حیات خود یکی پس آن روز

لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ

عذاب نکند چون عذاب او هیچ یکی وبند نکند چون بند کردن او هیچ یکی را ای نفس

الْمُطْمَئِنَّةُ ۝ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي

مطمئنه آرام گیرنده باز گرد سوی ثواب پروردگار خود خشنود وپسندیده پس درآ

فِي عِبَادِي ۝ وَادْخُلِي جَنَّتِي ۝

درمیان بندگان من ودرآ در بهشت من

سورة البلد عشرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند روزی دهنده بخشاینده (?) ... بخیانت که کافران میگویند

لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ

سوگند میخورم بحق این شهر مکه وحال انکه تو فرود آمده بدین شهر بحق آدم وآنچه ازو زاد

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ

بدرستی که آفریدیم ما انسان را در رنج کشیدن بجهت اسباب معاش ای پندارد که قادر نشود بر او

أَحَدٌ ۝ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ

هیچ بگوید نیست گردانیدم مالی بسیار در عداوت محمد ای پندارد که نبیند او را

أَحَدٌ ۝ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ۝ وَ

هیچ یکی ای نه پدید کردیم ما مر او را دو چشم و زبانی و دو لب

هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ

وراه نمودیم ما او را طریق خیر و شر پس نگذشته است آدمی از عقبه و چه دانی تو ای محمد

مَا الْعَقَبَةُ ۝ فَكُّ رَقَبَةٍ ۝ أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

که چه بود عقبه آزاد کردن بنده بود یا طعام دادن در روزی خداوند تنگی

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝ ثُمَّ كَانَ

یتیم را خداوند نزدیکی یا بیچاره را خداوند فقر و حاجت پس باشد

مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

از آنها که بگرویدند و فرمودند بیکدیگر بصبر کردن و فرمودند بیکدیگر بمهربانی با خلق

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ

آن گروه اصحاب دست راستند و اما آنها که کافر شدند بنشانهای ما ایشان

أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ

اصحاب دست چپ باشند بر ایشان باد آتشی مغلقة الابواب

سورة الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا

بحق آفتاب و چاشت آن بحق ماه چون از پی آن درآید بحق روز چون روشن شود

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۝ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۝ وَالْأَرْضِ وَمَا

بحق شب چون تاریک شود بحق آسمان و آن خدایی که بنا فرمود آنرا بحق زمین و آنکه

طَحَاهَا ۝ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

که گسترانید آنرا بحق نفس و آن حکیمی که کامل کرد او را پس فرا دل داد او را طریق بی سامانی آن و پرهیز آنرا

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ۝ كَذَّبَتْ

بدرستی که رستگاری یافت آنکه پاک گردانید آنرا و بدرستی که نومید شد آنکه پنهان گردانید آنرا بدروغ داشتند

ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ

قوم صالح بسبب طغیان خود چون عزم کرد سوی عقر ناقه بدبخت ترین آن قبیله پس گفت مر ایشان را صالح رسول خدا

نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدَمْدَمَ

که این ناقه خداست حذر کنید از آبشخور آن پس بدروغ داشتند او را پس بکشتند آن ناقه را پس هلاک کرد

عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا ۝ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

ایشان را پروردگار ایشان بسبب گناهان ایشان پس متساوی گردانید و نترسید از عاقبت آن

سورة الشمس خمس عشر آية وهي مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والليل اذا يغشى ۝ والنهار اذا تجلى ۝ وما خلق الذكر والانثى

بحق شب چون تاریک شود ۝ بحق روز چون روشن شود وبحق آنچه آفرید جدا از نرینه و مادینه

ان سعيكم لشتى ۝ فاما من اعطى واتقى وصدق بالحسنى

بدرستی که سعی شما متفرق ومختلف است پس اما آنک عطا داد و پرهیزید و باور داشت بهشت را

فسنيسره لليسرى ۝ واما من بخل واستغنى وكذب

پس زود آسان کردانیم اورا طریق آسانی ۝ واما آنک بخیلی کرد وبی نیازی نمود و بدروغ داشت

بالحسنى ۝ فسنيسره للعسرى ۝ وما يغنى عنه ماله

بهشت را ۝ پس زود آسان کردانیم اورا طریق دشواری ۝ وچه بکار آید ازو مال او

اذا تردى ۝ ان علينا للهدى ۝ وان لنا للاخرة والاولى

چون برگشت ۝ بدرستی که برماست مرآنه راه نمودن ۝ و بدرستی که مراست مرآنه آخرت ودنیا

فانذرتكم نارا تلظى ۝ لا يصليها الا الاشقى ۝ الذى كذب

پس بیم کردم شمارا آتشی زبانه زننده ۝ در نرود درآنجا مگر بدبخترین ۝ آنک بدروغ داشت

وتولى ۝ وسيجنبها الاتقى ۝ الذى يؤتى ماله يتزكى ۝ وما

وبرگشت ۝ وزود دور کرده شود پرهیزکارترین ۝ آنک بدهد مال خودرا تا پاک شود تن او ۝ و نبود

لاحد عنده من نعمة تجزى ۝ الا ابتغاء وجه ربه الاعلى

هیچ یکیرا نزدیک او هیچ نعمتی که باداش داده شود ۝ مگر از بهر جستن رضای پروردگار خود از برتر

ولسوف يرضى ۝

سورة الضحى احدى عشرة

و هرآینه زود راضی شود او

بسم الله الرحمن الرحيم

والضحى ۝ والليل اذا سجى ۝ ما ودعك ربك وما قلى ۝ وللاخرة

بحق چاشتگاه ۝ وبحق شب چون درآید ۝ ترک نکرد ترا پروردگار تو و دشمن نداشت ۝ و هرآینه آخرت

خير لك من الاولى ۝ ولسوف يعطيك ربك فترضى ۝ الم يجدك

بهتر مرترا از دنیا ۝ و هرآینه زود عطا دهد ترا پروردگار تو پس راضی شوی ۝ ای نیافت ترا

يتيما فاوى ۝ ووجدك ضالا فهدى ۝ ووجدك عائلا فاغنى

بی پدر پس جای داد ۝ و یافت ترا بی معرفت شریعت پس راه نمود ۝ و یافت ترا درویش پس بی نیاز کرد بمال خدیجه

فاما اليتيم فلا تقهر ۝ واما السائل فلا تنهر ۝ واما بنعمة

پس اما یتیم را پس قهر مکن ۝ واما خواهنده را پس بازمزن ۝ واما بنعمت

ربك فحدث ۝

سورة الانشراح ثمان آيات

پروردگار خود پس سخن کو

بسم الله الرحمن الرحيم

الم نشرح لك صدرك ۝ ووضعنا عنك وزرك ۝ الذى انقض

ای نه برگشودیم ترا سینه ترا بنور معرفت ۝ وبنهادیم ازتو بارگران ترا ۝ آن باری که گران بار گردانیده

در شهادت بعضی از علما

ظَهْرَكَ ۝ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ

پشت ترا ۔ و برافراشتیم ترا یاد کرد تو ۔ پس بدرستی که با دشواری آسانی هست ۔ بدرستی که با دشواری

يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ۝ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

آسانی هست ۔ پس چون فارغ شوی از عبادت پس رنجه شو بعبادتی دیگر ۔ و بسوی پروردگار خود پس رغبت کن

سورة التين ثمان آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝ لَقَدْ

بحق انجیر ۔ و درخت زیتون ۔ و بحق کوه طور سینا ۔ و بحق این شهر مکه ایمن ۔ بدرستی

خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝

که بیافریدیم انسان را ۔ در نیکوترین صورتی و خلقتی ۔ پس بازگردانیدیم او را بحالت پیری فروترین فرودینان

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝

مگر آنها که ایمان آوردند ۔ و کردند کارهای نیک ۔ پس مر ایشان را بود مزدی نه منت نهاده

فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ۝

پس چه بدروغ میدارند ترا ۔ پس از این دین ۔ آیا نیست خدا حکم کننده ترین حکم کنندگان

سورة العلق ثمان آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ وَرَبُّكَ

برخوان ۔ بنام پروردگار خود ۔ آن خدائی که آفرید چیزها را ۔ آفرید آدمی را از خون بسته ۔ برخوان بحق پروردگار تو

الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا

گرامی تر ۔ آنکه درآموخت خط را بعلم ۔ درآموخت آدمی را ۔ آنچه ندانست ۔ حقا

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَىٰ ۝ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ ۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝

که آدمی ۔ مرآینه طاغی میشود ۔ چون دید خود را مستغنی و توانگر ۔ بدرستی که با پروردگار تست بازگشت

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝

ای دیدی تو آنرا که نهی میکند ۔ بنده ما را چون نماز میگزارد ۔ ای چه بینی تو ای ابوجهل اگر باشد بر راه راست

أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۝

یا فرمود ۔ پرهیزکاری ۔ ای چه بینی تو اگر بدروغ داشت ۔ و برگشت ۔ ای نمیداند که خدا می بیند

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝

حقا که مرآینه اگر باز نایستد ۔ از کفر مرآینه بگیریم او را بموی پیشانی او ۔ موی پیشانی دروغگوی گنه کار

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ۝ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ۝ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ

پس باید که برخواند اهل انجمن خود را ۔ زود برخوانیم زبانیه را ۔ حقا که فرمان مبر او را ۔ و سجود کن

وَاقْتَرِبْ ۝

و نزدیک شو

سورة القدر [illegible] آية

سنت

سجده

بسم الله الرحمن الرحيم

إنا أنزلناه في ليلة القدر وما أدريك ما ليلة القدر ليلة
بدرستی که فرو فرستادیم ما این قرآن را در شب قدر وچه دانی تو که چه بود شب قدر شب
القدر خير من ألف شهر تنزل الملئكة والروح فيها بإذن
قدر بهتر از هزار ماه بود فرود آیند فرشتگان وجبریل در آن شب بفرمان
ربهم من كل أمر سلام هي حتى مطلع الفجر
پروردگار خود از هر کاری بسلامت بود آن شب تا بر آمدن بامداد

سورة البينة احدى عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتاب والمشركين منفكين
نبودند آنها که کافر شدند از اهل کتاب وبت پرستان باز ایستادگان
حتى تأتيهم البينة رسول من الله يتلو صحفا مطهرة
تا آمد بدیشان معجزه ورسول از پیش خدا تا خواند نامها و اوراق پاک از باطل
فيها كتب قيمة وما تفرق الذين أوتوا الكتاب إلا من بعد
در آن هست کتابهای راست ومتفرق الکلمه نشدند آنها که بداده شد ایشان را کتاب مگر از پس

ما جاءتهم البينة وما أمروا إلا ليعبدوا الله مخلصين له الدين
آنچه آمد بدیشان حجتی روشن وفرمودند مگر که بپرستند خدا را خالص کننده مر او را دین
حنفاء ويقيموا الصلوة ويؤتوا الزكوة وذلك دين القيمة
مایلان از باطل بحق وبپای داشتند نماز را وبدادند زکوة را وآنست دین راست
إن الذين كفروا من أهل الكتاب والمشركين في نار
بدرستی که آنها که کافر شدند از اهل کتاب وبت پرستان در آتش
جهنم خالدين فيها أولئك هم شر البرية إن الذين آمنوا
دوزخ باشند همیشه باشند در آنجا آن گروه ایشانند بدترین آفریدگان بدرستی که آنها که بگرویدند
وعملوا الصالحات أولئك هم خير البرية جزاؤهم عند
وکردند کارهای نیک آن گروه ایشان بهترین آفریدگان پاداشت ایشان نزد
ربهم جنات عدن تجري من تحتها الأنهار خالدين فيها
پروردگار ایشان بستانها اقامت بود که رود از زیر آن جویها روان جاوید باشند در آنجا
أبدا رضي الله عنهم ورضوا عنه ذلك لمن خشي ربه
همیشه خشنود بود خدا از ایشان وخشنود باشند از او آن مر آنراست که بترسد از پروردگار خود

سورة الزلزال ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

اذا زلزلت الارض زلزالها واخرجت الارض اثقالها وقال الانسان

چون در جنبانیده شود زمین در جنبانیده شدنی و بیرون اندازد زمین بارهای گران را و گوید آدمی

ما لها يومئذ تحدث اخبارها بان ربك اوحى لها يومئذ

چیست این آن روز سخن گوید زمین با خلایق خبرهای خود را بآن که پروردگار تو الهام کرده بود مر آنرا آن روز

يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم فمن يعمل مثقال ذرة

باز گردند مردمان از قبور سوی موقف پراکنده تا ببینند عملهای خود را پس هر که کند هم سنگ مورچه

خيرا يره ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره

نیکی ببیند آنرا و هر که کند هم سنگ مورچه بدی ببیند آنرا

سورة العاديات احدى عشر آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

والعاديات ضبحا فالموريات قدحا فالمغيرات صبحا فاثرن

بحق اسپان دونده در جهاد پس بحق آتش بیرون آرندگان پس بحق اسپان غارت کننده در بامداد پس برانگیزند

به نقعا فوسطن به جمعا ان الانسان لربه لكنود وانه

بدان وقت گردی پس در آیند در آن وقت بمیان جمع اعدا بدرستی که آدمی مر پروردگار خود را ناسپاس است و بدرستی که او

على ذلك لشهيد وانه لحب الخير لشديد افلا يعلم اذا

بر آن گواه است و بدرستی که او دوست داشتن مال را سخت بخیل است ای پس نمیداند که چون

بعثر ما في القبور وحصل ما في الصدور ان ربهم بهم يومئذ

برانگیخته شود آنچه در گورهاست و تمیز کرده شود آنچه در سینههاست بدرستی که پروردگار ایشان بدیشان آن روز

لخبير

هر آینه آگاه بود

سورة القارعة احدى عشر آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

القارعة ما القارعة وما ادراك ما القارعة يوم يكون

قیامت و چه بود قیامت و چه دانی تو که چیست قیامت روزی بود که باشند

الناس كالفراش المبثوث وتكون الجبال كالعهن المنفوش

مردمان همچون پرنده چراغ یا همچون ملخهای متفرق و باشند کوهها همچون پشم رنگین

فاما من ثقلت موازينه فهو في عيشة راضية واما من

پس هر که گران آید ترازوی اعمال او پس او در عیشی بود پسندیده و اما هر که

خفت موازينه فامه هاوية وما ادراك ما هيه نار

سبک آید ترازوی او پس جای او هاویه بود و چه دانی تو که چه بود هاویه آتشی بود

حامية

بغایت گرم رسیده

سورة التكاثر ثمان آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

أَلْهٰيكُمُ التَّكَاثُرُ حَتّٰى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

مشغول كردانيد شما را تفاخر بكثرت اموال در حال زيارت كرديد شمار بر كورستانها حقا كه زود بدانيد

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

پس حقا كه زود بدانيد حقا كه اگر بدانيد دانستن بيقين احوال معاد را

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ

هرآينه ببينيد دوزخ را پس هرآينه ببينيد آنرا ديدنى بى گمان پس هرآينه باز پرسند از شما بدنيا اشتغال بوديد

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

از روز از حال نعمتها

سورة العصر ثلث آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

بحق نماز ديگر بدرستى كه آدمى هرآينه در زيانكاريست مگر آنهاى كه بگرويدند و كردند

الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

كارهاى نيكو و وصيت كردند يكديگر را بحق و وصيت كردند يكديگر را بصبر كردن

سورة الهمزة تسع آيات وهي مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ

واى مر هر بدگوى عيب جوى را آنكه گرد كرد مالى را و شمرد آنرا از حرص پندارد

أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ وَمَا أَدْرَاكَ

كه مال او هميشه خواهد بود حقا كه هرآينه انداخته شود در حطمه و چه دانى تو اى محمد

مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللّٰهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ

كه چه بود حطمه آتش خدايست برافروخته آن آتشى كه برسد از آن بدلها بدرستيكه آن آتش بر ايشان

مُؤْصَدَةٌ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

مغلق الابواب بود در ستونهاى بازكشيده

سورة الفيل خمس آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قصد خرابى كعبه داشتند

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

اى نديدى كه چه كرد پروردگار تو با اصحاب پيل اى نه بكرد كيد ايشان را

فِي تَضْلِيلٍ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ

ضايع و فرستاد بر ايشان مرغانى بسيار كه مى انداختند بر ايشان سنگها

مِنْ سِجِّيلٍ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ

از سنگ گل پس كرد ايشانرا همچون كاهى كه ستوران آنرا خورند

سورة قريش اربع آية وهي مكية

472

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ۝ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَآءِ وَالصَّيْفِ ۝ فَلْيَعْبُدُوا

(سوی شام)
از بهر الفت دادن قریش بود الفت دادن ایشان سفر کردن ایشان بزمستان سوی یمن و بتابستان پس باید که بپرستند

رَبَّ هٰذَا الْبَيْتِ ۝ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ۝ وَآمَنَهُمْ

پروردگار این خانهٔ کعبه را آن خدائی که طعام داد ایشان را از گرسنگی و ایمن گردانید ایشان را

سورة الماعون سبع آيات مكية

مِنْ خَوْفٍ

از ترس نا ایمنی و غارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ۝ فَذٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا

ای دیدی آنکسی را که بدروغ داشت قیامت را پس آن مکذب آنست که منع میکند یتیم را

يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ

و بر نمی انگیزد خود را بر طعام مسکین پس وای نمازگزارندگان را آنهائی که ایشان

عَنْ صَلٰوتِهِمْ سَاهُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ ۝ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

از نمازهای خود کاهلان و غافلانند آنهائی که ایشان بروی و ریا میکنند و منع میکنند از مردم قماش خانه را

سورة الكوثر ثلث آيات مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝ إِنَّ شَانِئَكَ

بدرستی که ما عطا دادیم ترا چشمهٔ کوثر پس نماز بجای گزار و شتر قربان کن بدرستی که دشمن تو

سورة الكافرون ست آيات مكية

هُوَ الْأَبْتَرُ ۝

اوست دنبال بریده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ

بگو ای کافران نمی پرستم آنچه می پرستید شما و نه شما پرستنده اید

مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُّمْ ۝ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

آنچه من می پرستم و نه من پرستنده ام آنچه شما می پرستید و نه شما پرستنده اید آنچه من می پرستم

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

سورة النصر [illegible] آية مكية

مر شماراست دین شما و مراست دین من

بِسْمِ [illegible] الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللّٰهِ

چون آید نصرت خدا و فتح مکه و ببینی تو مردمان را که در آیند در اسلام در دین خدا

أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

گروه گروه پس تسبیح کن بستایش پروردگار خود و آمرزش خواه ازو که اویست توبه پذیرنده

سورة الحطب خمس آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيَصْلَى

زیان کرد دست ابی لهب چه بکار نیامد ازو مال او و آنچه اندوخت زود در رود

نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ

در آتشی خداوند زبانه زدنی وزن او کشنده هیزم بود در گردن او بود ریسمانی از لیف

مِنْ مَسَدٍ

خرما تافته

سورة الإخلاص اربع آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ

بگو ای محمد او آن خدا یکیست خدا پناه نیازمندان نزاید و زاینده نشد و نباشد

لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

مر او را همتا و مانند هیچ یکی

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا

بگو پناه میگیرم بپروردگار سپیده دم از بدی آنچه آفرید و از بدی شب چون درآید

وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا

و از بدی زنان دمنده در گرهها و از بدی حسد برنده چون

حَسَدَ ٥

حسد برد

سورة الناس ست آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلَٰهِ النَّاسِ مِنْ

بگو پناه میگیرم بپروردگار مردمان پادشاه مردمان خدای مردمان از

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

بدی دیو وسوسه دهنده آن دیوی که وسوسه دهد در سینهای مردمان

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ٥

از پری و آدمی

١

I

هر که از قرآن کند یه فال خویش • بی شکی واقف شود بر حال خویش • بایدش کردن طهارت از نخست • مصحفی بس اول آنگه درست •

فاتحه برخوان تو از اول سه بار • سورهٔ اخلاص و نیت پیش آر • چون نیت کردی بحال نیک رای • این دعا برخوان مصحف برگشای •

اللهم انی تفألت بکتابک وتوکلت علیک فارنی ما هو المکتوم فی سرک المکنون فی غیبک • اللهم انت الحق

انزلت الحق علی محمد الحق برحمتک یا ارحم الراحمین •

سطر اول تا بهفتم برشمر • کن نگاه حرف اول خیر و شر • اینچنین بود دست فال انبیا • هم برین رفتند جمله اولیا •

لیک چون تو فال را می‌نگری • زانچه گویم حرف باید نگذری •

ا چون آ آمد بفال اندر کتاب • ابتدای کارت خیر و صواب • ب به نیکویی بیابی راحتی • منفعت یابی ز صاحب دولتی •

ت بتوبه بازگردی از خطا • کردنی صدقه بود دفع بلا • ث اگر آید بفال اندر کلام • گردی اندر دین و دنیا نیک نام

ج جهد و جهد کن در کار خویش • کت در آید یا که یابی دولت بیش • ح ز خویشان قوتی یابی قوی • از بلا و از عنا ایمن شوی •

خ نباشی خالی از خوف و خطر • با خدا باش و ز هر بد کن حذر • د دولت باشدت با عز و ناز • دست تو بر هر غرض باشد دراز •

ذ دشمن قهر یابد شاد باش • از غم و اندوه و ترس آزاد باش • ر بفال اندر نشان مهتری • هم ز عز و هم ز دولت برخوری •

ز بکار خویش درمانی بجان • عاقبت یابی از آن بختی امان • س سعادت باشدت در دو سرای • هم بیابی هرچه خواهی از خدای •

ش ز دشمن می نماید ترس و بیم • باید از دشمن حذر کردن مقیم • ص صبری کرد باید بر مراد • چونکه کردی صبر کارت برگشاد •

ض روزی چند غمخواری شوی • بی شک اندر عهدت کاری شوی • ط اگر آید بفال ای خوب کار • در ره خالق شوی پرهیزکار •

ظ برآید وارهی از درد و رنج • حق دهد بخشید ترا انعام و گنج • ع اگر آید بفال اندر زمان • آشکارا گردد ترا راز نهان •

غ چیزی داد باید خواسته • چون بدادی کارت شد آراسته • ف اگر آید بفال ای هوشیار • جمع گردد مال و گردی کامکار •

ق اگر آید شوی مقبول قول • بی شکی ایمن شوی از بیم و هول • ک بیم آن بود گزند ناگهان • در خصومت افتی هشدار هان •

ل چون آید بفال ای مرد خاص • از غم و اندوه دل یابی خلاص • م از کاری بحاجت باید او • باید دشمن بازگردد یا بد و •

ن در آن کاری که رنج برده • خیر یابی از آنکه پس ازنده • و از خلقان تو گردی بی نیاز • سازدت کار در عالم کارساز •

ه هلاک دشمنان آید بفال • باز رست از گفت و گوی و قیل و قال • لا اندر بفال آن یکی • کار او شوریده گردد اندکی •

ی ز غایب آیدش اخبار خوش
تا بگیری در کنارش شاد و خوش

ح
قال باعبس باد و ویل والهیکم
جو قطع بتینه تتبت دو لاشه



اللهم إني أسألك إجابة المخبتين والإخلاص الموقنين ومرافقة

الأبرار واستحقاق حقائق الإيمان والغنيمة من كل بر و

السلامة من كل إثم وعزائم مغفرتك ووجوب رحمتك

والفوز بالجنة والخلاص من النار



در بیان حروف از نیک و بد و میانه که گذارند

آن حروفی که آید اندر فال ۔ بشنو حکم آن برون ز سه حال ۔ یا میانه است یا نکو یا بد ۔ غیر ازین نیست واقف راحد ۔
بود آنها که باشد از وی بیم ۔ ث و خ عین و شین و کاف و میم ۔ وانکه باشد میان خوف و رجا ۔ ضاد و غین است و زا و ها و دال ۔
و دیگر که مانده است جز این ۔ همه نیکوست لا علی الیقین ۔

886

حاجات تو و بیرون آمدن از غم و اندوه و مقهور شدن دشمنان و طلبی که داری بخیر و خوبی زود بر آید و اسباب بهتر از آنچه امید داری میسر شاید
ولیکن تو شخصی که طبیعی ملون داری و هر دم در فکری و لیکن از امروز تا هفت روز دیگر از این اندیشه که در دل گرفته خلاص
شوی و شادمان شوی دل خوش دار که فال که بطالع تو بر آمده است دلالت میکند بر مقهور شدن دشمنان و حاصل شدن مراد و بیرون
آمدن از غم و در میان قوم نیک نام معروف شوی و آنچه در دل داری بیابی ان شاء الله تعالی حرف زی چون زی در فال تو آید
آمدن یار نیست ولیکن هیچ بشوی در میان نیست همیکو به کوه این نیت حذر کن ولیکن تعجیل کردن همچنان نیست بصبر
و صابری حاصل شود کار از این نیکو نرم شرح و بیان نیست مکن تعجیل زنهار اندرین کار بشنو این پند را گر گوشت گران نیست
ای خداوند فال این فال میانه است که بطالع تو بر آمده است زبان خود بکار آر و متحمل باش تا از دست و زبان خود پشیمان نشوی
و طلب چیزی که میکنی بدست آید ولیکن تعجیل مکن تا کار خود بزبان نبری و از شخصی شمع زنک چشم بلند احتراز نمایی تا آنچه
در دل داری بیابی و راز خود با کسی مگو و متحمل باش تا مرادی که داری بصبر وصول یابد و از اندوه و غم فارغ شوی و بکام
دل برسی و خوابی که دیدی با هیچ کس مگو که بهتر بود و درین نیت صلوات بر رسول فرست تا بکام دل برسی بگوئی ان شاء
الله تعالی حرف سین چون سین آمد سعادت یار گردد غنوده بخت تو بیدار گردد چو سین آمد مکن یک خصلت بد که زان خصلت
خرد بیمار گردد مگو با هیچ کس راز دل خویش که تا در دسر تو را تیمار گردد چون سین آمد سفر کردن بود سود اگر خواهی
که زر بسیار گردد ای خداوند فال بشارت باد ترا بحرمی و ظفر یافتن بر دشمنان و بیرون آمدن از غم و شفا یافتن
از رنج و امیدی که بکسی بسته بزودی زود وصول یابد و اگر چنانچه نیت سفر داری برو که بغایت نیکوست و از سفر مال
بدست آوری و از هیچ رو پشیمانی ندارد و لیکن اندیشه بسیار بخاطر خود راه مده که از امروز تا ده روز دیگر عظیم خرم و
شادمان شوی و لیکن بر تو باد که از شخصی سرخ و سفید میانه بالا احتراز نمایی تا با تو مکری بکار نکند صلوات بر رسول فرست
تا آنچه در دل داری بیابی ان شاء الله تعالی حرف شین چون شین آمد بشارت می نماید شراب و شعر و شعر کردن نشاید
چو شین آمد برو شوری میانگیز که از شر هیچ شیرینی نیاید چو در فال شین آمد ز دشمن حذر کن ورنه اندوهت
فزاید درین نیت مکن تعجیل ای دوست صبوری کن که تا کارت برآید ای خداوند فال درین نیت که کرده صبر کن تا کارت
برآید و بزبان اشر مدان و آگاه باش که این فال که بطالع بر آمده است دلالت میکند که از امروز تا سه روز دیگر زبان خود را نگاه
دار تا از گفتار خود پشیمان نشوی و تفرقه و دغدغه بخود راه مده چنانکه می بینم که الحال بجز سه که ترا از آن هیچ بیمی نیست
و دشمنان تو با رفیقان تو اند و راز خود از خلق پوشیده دار تا کارها بموجب دلخواه شود و آنچه در دل داری وصول یابد
یقین خود را درست دار تا مراد رسیدن بگویی ان شاء الله تعالی حرف صاد چون صاد آمد صبوری کن صبوری کز آن صبرت زیانی نیست
چو نشود بهر کاری که کاهی گشت مشغول بصبر آن کار بهتر گردد آن زود درین نیت اگر صبر کنی تماشای مراد نی میدهد
شادم معبود ای خداوند فال این فال که بطالع تو بر آمده است فال صاحب دولتانه است و از عیب بیخبر است مرتبهات بلند
شود و کارها جمیع بر کمات رسند شود و روی بهتر کار که بیاری از پیش بهری و مال بدست آوری که ترا کمان نباشد
و از امروز تا شش روز دیگر عظیم خرم شوی اما چنان می بینم که کسی نسبت خویش بانو در دو ترا نصیحت میکند و قطعا سخن
وی نمی شنوی و بر خود شفقت نداری از سخن و صواب دید او بیرون مرو که تو بهتر باشد ان شاء الله تعالی حرف ضاد چون ضاد
آمد بفال ای برادر عجایب فال باشد نیک بگو چو ضاد آمد زبان خود نگه دار دل خود در غم و اندوه مده گر هر کار خواهی و گر

زود بکن تعجیل و کار خود بدر برکه حرف ضاد باشد بس مبارک درین نیت زعمر خویش برخورداری خداوند فال اندیشه کاری که گوکرده
بغایت نیکوست جد و جهد بجای تا از پیش ببری و این حرف که بطالع تو برآمده است فالی صاحب دولتانه است و تعلق بستاره
قمر دارد چنان می بینم که شخصی متردد احوالی و بیکجا قرار نمیگیری و هر دم دل داری و فکری با خود میکنی و اگر نیت سفر
داری عظیم نیکوست دل خوش دار که آنچه در دل آرزو داری بیابی بگوی ان شاء الله تعالی حرف طی چو طی آمد طهارت کن طهارت هیر دی
کن تو دیها زیارت چو طی آمدت وجود تن کن مطهر ز عصیان و زجرم و ز شقاوت بیقین خدا کارت برآید غم مخور چون که نیک آمد بطاعت تو ار
جمله کن ها تا باک گردی بسی آید ز تو صبر و عبادت ای خداوند فال بشارت باد ترا که طالعت از زبان بیرون آمد و دولت و سعادت روی بتو
آورد و از سرور تمامه دوری بکن از ضمیر خود واقف نشوی ای خداوند فال از شخصی که صاحب تیغ و سلاح باشد حذر کن تا با تو مکری در کار نکند
زینهار زینهار که اگر و برانشا بیراز خود از وی پوشیده دار و اندیشه این کار که کرده بر آنچه دلخواه تو هست بدست آوری و لیکن طلب تقصیر مکن
وجد و جهد بجای تا از پیش ببری صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله تعالی حرف ظی چو ظی آمد مرادت حاصل آمد نام
دعوی دشمن باطل آمد بکو والسلام فالی آباد و درست نه فال کودکان غافل آمد بفال هر که حرف ظی بیامد بقین میدان که از ماه و مقبل آمد و درین نیت
و این فال زر بدست کار مقصود تو بکار برآید ای خداوند فال بدان و آگاه باش که این فال که بطالع تو برآمده است از جهت پریشانی خاطر
در و کار تو ... دوست و دشمن ترا بر تو احتیاج خواهد بود دل خود خوش دار که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت میکند
بر آمدن حاجات و بیرون آمدن از غم و اندوه و درین دو سه روز گذشته ملالی بخاطر تو رسیده بود عظیم ... ستده بودی
بخیر و خوشی مبدل شد دل خوش دار که امانت بهتر از سالها گذشته می نماید صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله
حرف عین چو عین آمد عیی رغم بداندیش بکن عیش و نشاط و نوش بی بیش درین نیت که کردی سعی بجای بکن تعجیل و مند کم بیندیش
چو عین آمد بفال عمر باشی صد و پنجاه با کام دل خویش ای خداوند فال مژده باد ترا که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت فالی نیکوست
و بدان فال ... دیگر همی ماند او را دلالت میکند ... و حرکت و سفر کردن که پیش آید که باید که یکجا باشی که نهایت نیکوست و از جهت
باب پشیمانی ندارد و از امروز تا ده روز دیگر ... خود واقف شوی و از شخصی سرخ و سفید میانه بالا طوبی به ... منش
حرم شوی بغایتی که هر گوی کان نبرده باشی تو گوی کره ... حضرت ببر و دکار کن تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله تعالی حرف غین
چو غین آمد مشو زین کار غمگین فراغت بیشه کن دل شاد بنشین اگر در فال قرآن صدق داری نوازش کن تو باد روی و مسکین تو کار کن به
ایزد و آنکه ... رود برآ و بخت و دولت با نه زین برود بار آن نیت که نیکست و درین نیت بخواهی بود غمگین ای خداوند فال چنان می بینم که از چیزی
می ترسی و طلب چیزی میکنی دل خوش دار که آنچه دلخواه تست بدست بیاوری و روز بروز که بگذرد کار تو ... که بیش ازین
بطالع خود داشتی بکار از طالعت بیرون رفت و از امروز تا بیست روز دیگر ازین نیت که در دل گرفته خرم ... باد که ... داخل
... که روی ... باشد ... تا با تو مکری در کار نکند صلوات بر رسول فرست تا مرادی که داری
بیابی حرف فی چو فی آمد بفال کام یابی میان سرفرازان نام یابی چو ... خواهد بود ... انعام یابی همه کام بر پیشانی
شود جمع ز غایب ناگهی پیغام ... درین نیت سفر کردن نشاید دگر هر کار خواهی کام یابی ای خداوند فال این فال که بطالع تو برآمده است
... دارد دلالت میکند ... شادی و عیش فراوان روی بهر کار که بیاری ... از پیش ببری و از شخصی ... حذر کن
... بیابی و کار تو بالا ... خوابی ... رسد ... سفر داری ...
... کن که بعد از این کار تو نیکو شود صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی ... حرف قاف چو قاف آمد ...

41
ترا خاطر حزین در زیر بار است چو قاف آمد قبول خلق کردی درین نیت مگو جز اینکه شمار است چو قاف آمد قدم در ره
درین کار بکن سعی و ندارد انتظارت در تو مانده ... ای جان که او از جان ترا هم دوست دارد است
ای خداوند فال مژده باد ترا که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت میکند که آنچه دلخواه تست بدست ...
و شادی بسیار روی بتو آورده دل خوش دار که درین نیت که کرده دلالت میکند بر ... فال و ...
و شادی بسیار روی بتو آورد دل خوش دار که درین نیت که کرده در خیری بر روی تو بگشاید و امسال بهتر از
سالها گذشته می نماید صلوات بر رسول فرست تا آنچه در دل داری بیابی انشاء الله تعالی حرف کاف چو کاف آمد
کدورت می نماید خصومت خصومت می نماید چو کاف آمد اگر سعی نمایی ... عبودت می نماید مکن ...
و حذر قرض کن ... در ... سعی اندرین کار ... در یقین می ...
خداوند فال اندیشه این کار و نیت که کرده ... تعجیل مکن تا از عمر و کردار خود پشیمان ...
اندیشه و نیت که کرده ... ملالت بخاطر برسد ناگاهی باید که کار ...
حالی که باشی ... ضرور ... تا ... نشوی و از شخصی که صاحب ...
پریشان خاطر نشوی و ... روز دیگر ... کار ... اربیش ببری ...
نیکو نشود ان شاء الله حرف لام چو لام ... کرده ... کرده ... ازین نیت که لام آمد بفالت
یقین این طالعت ... کرده ... باشی و ... بدان ... ای خداوند فال بدان و آگاه
باش که این فال که بطالع تو برآمده است ... صاحب دولتانه است دلیل میکند برآنکه از امروز تا شش روز دیگر از ...
خود واقف گردی و مرادی که داری حاصل شود و از غم و اندوه خلاص شوی زینهار که دست ازین نیت باز نداری که عظیم
نیکوست و مراد خود ... و نتیجه خود را درست دار که ... در طلب بودی و دست ... بعد ازین مرادت
حاصل شود بگو انشاء الله تعالی حرف میم چو میم آمد ... سلامت بکنیم شرح فالت را تمامت ازین نیت حذر کن ورنه
بی شک ملامت یا ندامت ... مکن دعوی مکن چون ... دعوی ... حذر علامت حذر کن ازچنین کار ای برادر
چو میم آمد همی بینیم سلامت ای خداوند فال بدان و آگاه باش که این فال که بطالع تو برآمده است دلالت میکند که مدت چهل
ماه باشد که در کار خود ... دلخوش دار که بعد ازین کار ... فال ...
... درین نیت که کرده صبر کن تا کار خود ... از شخصی ... حذر کن و ... خود
بکن ... تا آنچه در دل داری بیابی بگو انشاء الله تعالی حرف نون درین نیت ... عالی کریم که ...
نون آمد ... دولت ... دشمن ... دولت ...
... بشارت باد ... شادی و خرمی و عیش و ذوق و راحت ...

[illegible]

[illegible] راست [illegible]

[illegible]

حرف واو [illegible] فال [illegible] و حالت [illegible]

[illegible] حرف واو است [illegible]

[illegible] طالع [illegible] است دلالت میکند [illegible]

[illegible]

[illegible] از سالهای گذشته [illegible]

[illegible] حرف ح [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دلالت میکند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لام [illegible]

[illegible]

[illegible] است دلالت میکند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حرف ج [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

